

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب جمال الصالحین
مؤلف حسن بن عبد الرزاق
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
٦٤٥٤٩
بازدید شد
١٣٨٢
٤٦٠٢
٥١٨٧
٤٢١٩

هو الفتاح وبه نستعین



کتاب جمال الصالحین

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین حق حمده وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین خیر خلقه اما بعد چنین گوید احوج عباد الله الی فضل ربه حسن بن عبد
الرزاق وجعلهما الله من التوابین والمتطهرین وجعلهما من عباده الصالحین که این مجموعه ایست موسوم بجمال الصالحین در بیان فضل
واداب واعمال ومحاسن اخلاق وافعال که مؤمنان را در اکثر اوقات واحوال مراعات آن باید نمود واز مواظبت آن غافل نباید بود
بتوفیق الله تعالی وعونه نوشته میشود برای جمعی از مؤمنان که زبان عربی ندانند واستنباط آثار را از کتب اخبار نتوانند تا از
از فضایل آن محروم نمانند وبهمه از اصول احادیث واخبار وکتب آداب وآثار اهل بیت اطهار صلوة الله علیهم اجمعین صلوات
باقیات الی یوم الدین انتخاب میشود وبجهت آنکه معونت بسیاری فواید بی مؤنت تطویل کلام بزواید اعتبار شود در اکثر مواضع تصریح
بلفظ حدیث وروایت وامثال آن نانموده اکتفا بترجمه آن میشود واین مطالب انشاء الله در مقدمه و دوازده باب وخاتمه بیان
شود وتفصیل آن بدین موجب است مقدمه در ذکر احادیث واخبار ونکات واسرار چند که بر سبیل اجمال باعث رغبت بطاعات
وفضایل اعمال وموجب کراهت معاصی ورذایل افعال گردد باب اول در فضایل عقل وعلم ومکارم اخلاق وصفات ورذایل
مناهی ومعاصی ودوای ذنوب وسیئات واین مجموع انشاء الله در چهارده فصل بیان شود فصل اول در فضایل عقل وعلم
فصل دوم در صفات مؤمن بر سبیل اجمال فصل سیم در مکارم اخلاق وصفات فصل چهارم در بر والدین فصل
پنجم در صلهٔ رحم فصل ششم در حق جوار فصل هفتم در الفت ومحبت وزیارت مؤمنان فصل هشتم در آداب
ملاقات ومجالست فصل نهم در سکوت وکلام فصل دهم در اکرام وتوقیر مؤمن فصل یازدهم در سرور مؤمنان وقضای
حاجت ایشان فصل دوازدهم در رذایل معاصی ومناهی بر سبیل اجمال فصل سیزدهم در رذایل بعضی معاصی ومناهی بر سبیل
تفصیل فصل چهاردهم در دوای معاصی وسیئات باب دوم در تنظیف بدن وجامه از کثافت واخباث ظاهری و
مطهری جسد ودل از کدورات واحداث باطنی واین مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضیلت نظافت
فصل دوم در آداب حمام رفتن وآنچه در آنجا باید بجا آورد فصل سیم در فضیلت شارب گرفتن وناخن چیدن و
آداب آن فصل چهارم در فضیلت خضاب وآنچه متعلق است بآن از آداب فصل پنجم در فضایل موی شانه کردن

وآداب آن فصل ششم در فضایل سرمه کشیدن وآینه گرفتن وآداب آن فصل هفتم در بیان قضای حاجت وآداب آن
فصل هشتم در فضایل مسواک کردن وآداب آن فصل نهم در فضایل وضو وغسل وآداب آن فصل دهم
در فضایل بوی خوش وآداب استعمال آن باب سیم در فضایل نماز ومتعلقات آن وذکر بعضی ادعیه مخصوصه بتعقیبات
وفضایل قرآن واین مجموع انشاء الله در پانزده فصل بیان شود فصل اول در فضایل نمازهای فریضه یومیه وذکر جماعت وفضایل
این سنت سنیه فصل دوم در ذکر نوافل یومیه وفضایل این سنت سنیه فصل سیم در اوقات نمازها وفضایل آن و
احکام متعلق بآن فصل چهارم در فضایل مسجد وآداب آن فصل پنجم در کیفیت توجه بنماز وفضایل اذان و
اقامت واحکام متعلق بآن فصل ششم در کیفیت اشتغال بنماز وآداب فصل هفتم در اشاره باسرار مقدمات واعمال
نماز وذکر بقیه آداب وافعال آن فصل هشتم در فضایل تعقیب وکیفیت آن فصل نهم در فضایل اذکار ساعات شبانه روز واوراد
صبح وشام فصل دهم در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل وبیان وذکر آداب وادعیه متعلق بآن فصل یازدهم در ذکر بعضی افعال
که در اثنای نماز تواند کرد فصل دوازدهم در آداب جماعت فصل سیزدهم در احکام سهو وشک وعروض بعضی حوادث در نماز
فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نمازهای مفروضه ومندوبه فصل اول در فضایل قرآن وآداب تلاوت آن فصل
باب چهارم در فضایل ذکر ودعا واحکام متعلق بآنها واین مجموع انشاء الله در ده فصل بیان میشود فصل اول در فضایل
ذکر فصل دوم در فضایل بعضی اذکار مخصوصه فصل سیم در فضیلت ذکر اهل بیت وصلوة بر ایشان وبعضی امور مناسب آن
صلوات الله علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل دعا وبعضی امور متعلق بآن فصل پنجم در اسباب اجابت دعا وبعضی
احکام متعلق بآن فصل ششم در ذکر بعضی جمعی که دعاشان مستجاب شود وجمعی که مستجاب نشوند فصل هفتم در فضایل
دعا برای مؤمنان فصل هفتم در ذکر بعضی ادعیه ووسایل حاجات فصل نهم در تعوید وحرز از مخوف ومکاره
فصل دهم در ذکر بعضی ادعیه متبرکه ماثوره باب پنجم در آداب عادات ومجاری احوال وسایر جزئیات وسوانح
افعال واین مجموع انشاء الله در دوازده فصل بیان میشود فصل اول در انواع لباس وآداب پوشیدن آن فصل
دوم در قدر طعام خوردن فصل سیم در اوقات طعام خوردن وآداب که متعلق بآن فصل چهارم در فضایل بعضی
انواع ماکولات فصل پنجم در فضایل آب وآنچه متعلق بآن از آداب فصل ششم در فضایل ضیافت کردن واحکام
متعلق بآن فصل هفتم در آداب مسکن واحکام متعلق بآن فصل هشتم در وظایف شب وآداب خواب وبیداری
فصل نهم در آداب بیرون رفتن از خانه وراه رفتن وسوار شدن وفضایل دواب وحقوق ایشان فصل دهم
در فضایل وآداب مکاسب ومعاملات فصل یازدهم در فضایل مرض وعیادت مریض ومعالجات امراض فصل
دوازدهم در سایر جزئیات عادات باب ششم در حقوق اموال ورعایت احوال عیال واین مجموع انشاء الله در ده
فصل بیان شود فصل اول در جود وبخل فصل دوم در فضایل زکوة وعقوبت منع آن فصل سیم در صله

اهل بیت الطاهرین و ذریت طیبین و اتباع ایشان از مؤمنین سلام الله علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل معروف و احسان
فصل پنجم در فضایل صدقه فصل ششم در مذمت سؤال و رد سایل فصل هفتم در رعایت حال عیال فصل هشتم در احسان
مؤمنین بطعام و جامه فصل نهم در فضایل قرض دادن و احکام متعلق بآن فصل دهم در سایر وجوه خیر و بر باب
هفتم در فضایل روزه و احکام متعلق بآن از آداب و فضل اعتکاف و متعلقات آن از آداب و ثواب و این مجموع انشاء
الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل مطلق روزه فصل دوم در فضایل روزهٔ ماه رجب فصل سیم در فضایل
روزهٔ ماه شعبان فصل چهارم در فضایل روزهٔ ماه مبارک رمضان فصل پنجم در آداب صایم فصل ششم در فضل سحور فصل هفتم
در افطار فصل هشتم در تفطیر صایم فصل نهم در فضل افطار کردن برای سرور مؤمن فصل دهم در اعتکاف باب هشتم
در اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام و مقصود ازین باب در دوازده فصل انشاء الله بیان شود فصل اول در اعمال روز نوروز
و فضایل آن فصل دوم در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد فصل سیم در اعمال ماه محرم الحرام فصل چهارم در اعمال
ماه صفر فصل پنجم در اعمال ماه ربیع الاول فصل ششم در اعمال ماه رجب المرجب فصل هفتم در اعمال شهر شعبان المعظم
فصل هشتم در اعمال ماه مبارک رمضان فصل نهم در اعمال شب و روز فطر فصل دهم در اعمال شهر ذی القعدة
الحرام فصل یازدهم در اعمال شهر ذی الحجة الحرام فصل دوازدهم در ذکر حدیثی در فضایل اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام
بر سبیل اجمال باب نهم در تزویج و احکام متعلق بآن و مقصود ازین باب انشاء الله در دوازده فصل بیان شود
فصل اول در فضایل تزویج و کراهت عزوبت فصل دوم در فضایل متعه و سریه فصل سیم در اختیار زوجه
و صفات زنان فصل چهارم در اوقات تزویج و آداب آن فصل پنجم در آداب زفاف فصل ششم در ثواب
مباشرت و آداب و اوقات آن فصل هفتم در طلب فرزند فصل هشتم در فضایل حمل و ولادت و احکام متعلق
بآن فصل نهم در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه کردن فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان
فصل یازدهم در حقوق زوجین بر یکدیگر فصل دوازدهم در بعضی نوادر مناسب این باب باب دهم در آداب
سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در بعضی مقدمات سفر فصل دوم
در اختیار ساعات برای سفر فصل سیم در تحصیل رفیق و تهیهٔ اسباب و بعضی مناسبات این باب فصل چهارم
در افتتاح سفر بدعا و صدقه فصل پنجم در وداع و مفارقت فصل ششم در آداب سوار شدن و راه رفتن
فصل هفتم در آداب متعلق بمنزل فصل هشتم در آداب سفر دریا فصل نهم در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در سفر
فصل دهم در رجوع از سفر فصل یازدهم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود ازین باب انشاء الله در ده
فصل بیان شود فصل اول در فضایل حج و عمره فصل دوم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم فصل
سیم در زیارت سایر اهل بیت صلوات الله علیهم بر سبیل اجمال فصل چهارم در زیارت حضرت امیر مؤمنین صلوات

الله علیه فصل پنجم در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فصل ششم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام
فصل هفتم در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم فصل هشتم در نیابت و شرکت
در حج و عمره و زیارت فصل نهم در فضایل اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است فصل دهم در زیارت ذریت
طیبین و صلحای مؤمنین فصل دوازدهم در احکام متعلق باموات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و این مجموع
انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در وصیت و صحیفهٔ شهادت فصل دوم در آداب حالت احتضار
و فضایل بعضی اوقات و احوال که وفات بر آن اتفاق افتد فصل سیم در تجهیز میت فصل چهارم در شنیدن
خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع آن فصل پنجم در نماز میت فصل ششم در مکان قبر و آداب دفن
فصل هفتم در ثواب و آداب مصیبت و عزا فصل هشتم در ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم فصل نهم در هدیه
برای میت و اعمال که به او نفع رساند فصل دهم در زیارت قبور خاتمه در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه مقدمه
در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسرار چند که بر سبیل اجمال باعث رغبت و فضایل اعمال و موجب کراهت معاصی و رذایل
افعال گردد بدانکه در احادیث اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ثابت و محقق گشته که خدای عز و جل ایمان
را بر اعضای انسان قسمت نموده و بهر عضوی جزوی از آن احسان فرموده مثلا بر دل واجب گردانیده یقین کردن و اعتقاد
نمودن بآنکه خدا تعالی منزه است از آنکه او را شریک و نظیر و شبیه و وزیر باشد یا احدی را در مملکت سلطنت او دخلی و تصرفی
و تدبیری و تکلفی تواند بود بی ارادهٔ او و مقدس از آن است که عیب و عار و قصور و انکسار بحیثیات جلال او گذار تواند
و غنی تر از آنکه احتیاج و افتقار بمعاونت اغیار بر امون عظمت و جبروت او گردد و رفیع تر از آنکه مکان و زمان و حرکت
و انتقال و تغیر احوال نزدیک حوالی کبریای او شود و قوی تر از آنکه ظلم و زور و عجز و فتور بجوار قدرت او از دور توهم عبور
نماید و اعتقاد نمودن بآنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم النبیین و سید مرسلین و افضل اولین و آخرین
است و هر چه گفته از حلال و حرام و مدایح و مذام همه را از جانب خدا گفته و همه حق و صدق است و بآنکه اهل بیت طاهرین
او علیهم السلام اوصیای او و خلفای خدای اعلام رشاد و ائمهٔ هدایت اند و بعد از او افضل جمیع اهل عالم و اشرف ذریت نوع بنی
آدم اند و ایشان وسیلهٔ فیض و رحمت و واسطهٔ فضل نعمت خدا اند در دنیا و آخرت و هر کس انکار ایشان کرده غصب
حق ایشان نموده و هر کس اعانت آن کرده و راضی بآن بوده کافر و ملعون و منافق و مطعون است و واجب است بغض
او و برائت از او و نیز بر دل واجب گردانیده راضی بودن و تسلیم نمودن بهر چه خدا و پیغمبر و خلفای او صلی الله علیهم گفته
و کرده و خواسته اند و بر زبان واجب گردانیده اقرار کردن و اعتراف نمودن بهر چه دل بآن اعتقاد کرده و همچنین بر چشم
و گوش و دست و پا و هر یک از اعضا عبادتی و طاعتی واجب کرده و هر یک را خدمتی فرموده و بر هر یک از اعضا
امری چند حرام کرده و از آن نهی فرموده که مجمل تفصیل آنها انشاء الله در تضاعیف این مجموعه بیان شود و نیز اخبار

بسیار از ائمهٔ اطهار علیهم السلام روایت شده که صفات حسنه را علامات اسلام و ایمان و صفات ذمیمه را بعضی علامت نفاق
و بعضی علامت کفر و بعضی علامت ضلال شمرده اند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که ایمان سه قسم است تمام و ناقص
و زاید ایمان تمام آنست که از جمیع محرمات و معاصی اجتناب نماید و جمیع فرایض و واجبات را بعمل آورد بحیثیتی که هیچ
معصیتی صادر نشود و هیچ فریضه ترک نکرده و ایمان ناقص آنکه بعضی معاصی صادر آید یا بعضی واجبات ترک شود و بقدر آنکه
واجبات کمتر و معاصی بیشتر نقصان ایمان بیشتر بود و ایمان زاید آنکه زیاده بر واجبات مستحبات و مندوبات صادر شود و
زیاده بر محرمات مکروهات و مذمومات نیز صادر نشود و هر قدر مستحبات بیشتر و مکروهات کمتر ایمان زیادتر باشد و هم از ایشان
صلوات الله علیهم مرویست که چون کسی مرتکب معصیتی شود یا ترک فریضه نماید و آنرا حلال نداند از ایمان بیرون رود و آن
مؤمن بر و صادق نباشد اما از اسلام بیرون نرود و اگر حلال نیز داند از اسلام نیز بیرون رود و کافر باشد و هم از ایشان علیهم
السلام اخبار بسیار آمده که اگر کسی ترک فریضه نماید که در آن لذتی و شهوتی نبود مانند ترک نماز کافر شود زیرا که سبب ترک
در این صورت بغیر از استخفاف و بیحرمتی بآن فریضه چیزی دیگر نباشد و هر کسی استخفاف بفریضه نماید کافر باشد و از امام
همام محمد بن علی الباقر علیهما السلام مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را که دعوی تشیع ما میکند و تشیع را بر
خود می بندد همین که بگوید من دوستدار اهل بیتم والله که شیعهٔ ما نیست مگر کسی که از معصیت خدای پرهیز کند و اطاعت
خدای نماید و این جماعت را نتوان شناخت مگر بتواضع و خشوع و امانت و ذکر خدای عز و جل و بسیار داشتن خدای در
مجاری احوال و سوانح اعمال و نماز گذارند و روزه گیرند و اطاعت والدین نمایند و رضای ایشان جویند و تعهد احوال
همسایگان و فقرا و مساکین و قرض داران و ایتام نمایند و اعانت ایشان کنند و دین ایشان ادا نمایند و حاجت ایشان
بر آرند و راست گوی باشند و تلاوت قرآن نمایند و زبان از مردمان باز دارند مگر بخیر و امین قبیلهٔ خود باشند پس جابر گفت
یا ابن رسول الله باین صفت کسی که میفرمائی درین روزگار نمی شناسیم پس آنحضرت صلوات الله علیه فرمود ای جابر خیالهای
بیفایده مکن و راههای بی منفعت مرو آیا بس است همین که گوید علی را دوست میدارم و تولا باو می نمایم و حال آنکه اطاعت
او نکند و فرمان او نبرد پس اگر گوید رسول الله را دوست میدارم و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله بهتر از علی بود و پیروی
او نکند و طریقهٔ او نه پیماید و عمل بسنت او ننماید محبت او آنکس را هیچ سود ندهد پس از خدا بپرهیزید و اطاعت خدا نمائید
تا بکرامات و فضل و ثواب او فایز شوید میان خدا و هیچ یک از بندگان نسبت خویشی و قرابتی نیست که اعتماد بر آن کنند و توسل
بآن جویند دوست ترین مردمان نزد خدای تعالی آنانند که پرهیزکارتر باشند و عمل بطاعت او بیشتر نمایند ای جابر والله که
نزدیکی بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او و برات کسی از آتش با ما نیست و کسی را بر خدا حجتی نه هر کس مطیع خداست
دوست ماست و هر کس عاصی خدا باشد دشمن ماست و هیچ کس را بدوستی ما دست رس نبود مگر بطاعت خدا و فرمان
بری ما و ورع از معصیت خداوند فرمانی ما و از امام همام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام که فرمود ما اصل هر خیریم

و فرع ماست هر نیکوئی و از آنجمله است توحید خدای عز و جل و نماز و روزه و خشم فرو بردن و عفو نمودن از کسی که بدی
نسبت باو کرده باشد و ترحم بر فقرا و تعهد احوال همسایگان و اقرار نمودن برای هر صاحب فضل و حقی بفضل او و
دشمنان ما ئید اصل هر شری و فرع ایشانست هر قبیحی و از آنجمله است دروغ گوئی و بخل و سخن چینی و ارتکاب
فواحش و معاصی ظاهر او پنهانی و زنا و دزدی و هر چند مانند این باشد از قبایح و مناهی پس کسی که دعوی
محبت و ولایت ما کند و متعلق بفروع اعدای ما باشد در دعوی خویش کاذب باشد پس از مجموع این احادیث و اخبار و تمام
این روایات بسیار که ذکر آن همه در حوصلهٔ این مقدمه نگنجد واضح و محقق و ظاهر و مبین است که هر کسی بقدر آنکه ورع
و طاعت و تقوی و طهارتش بیشتر باشد نسبتش باهل بیت طهارت و عصمت بیشتر و درجه اش با ایشان نزدیکتر بود
و هر کس بقدر آنکه معصیت و فجور و دناءت و شرورش بیشتر و از ایشان بیگانه تر و دورتر و بدشمنان ایشان مناسبتش
بیشتر و مرتبه اش نزدیکتر بود پس چون روز قیامت عدل الهی خیر و شر و خبیث و طیب را از یکدیگر جدا کند و تمیز فرماید
و نعوذ بالله و بفضله اگر رحمت الهی و شفقت نامتناهی مانند [illegible] نماید هر فرعی باصل خویش ملحق گردد
و لا عصمة الا بالله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعن الله اعدائهم اجمعین و جعلنا معهم و لا فرق
بیننا و بینهم بفضله و منه **باب اول** در فضایل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذایل مناهی و معاصی و قبایح
ذنوب و سیئات و این مجموع ان شاء الله در چهارده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل عقل و علم از اهل بیت حکمت
و نبوت صلوات الله علیهم مرویست که افضل عطایا و اشرف مواهب الهی عقل است اگر عقل نبودی دین تمام نشدی و او
امر و نواهی که مدار ثواب و عقاب و فضایل و کمالات و ارتفاع درجات در جناب عالیات و منازل سامی و مراتب گرامی
و کرامات نامتناهی و قرب و لقای جناب الهیست متحقق نگشتی جبرئیل بر رسالت عقل و دین و حیا نزد آدم آورده گفت
هر کدام را خواهی اختیار کن عقل را اختیار کرد پس جبرئیل بدین و حیا گفت شما براه خود بروید گفتند خدای تعالی ما را رخصت مفارقت
عقل نداده هر جا عقل باشد ما ملازم باشیم هر کس را عقل رفیع تر مرتبه رفیع تر چون یک عمل را مثل نماز و روزه و غیر آن چند کس
کنند با آنکه عمل یکیست فضل و ثواب بقدر تفاوت عقول تفاوت باشد عابدی مدتها در جزیرهٔ عبادت میکرد فرشته را نظر
بر او افتاده از کثرت عبادات و تعجب نموده از جناب الهی خواست که منزلت و ثواب او را به بیند چون باو نمودند در برابر آن
عبادت قلیل پنداشت پس خطاب رسید که نزول نموده عقلش را امتحان نمای پیش او آمده صحبت آغاز کرده گفت خوش جائی
و خوش مکانی داری عابد گفت بلی اما کاش خدا را الاغی بودی تا درین جزیره رعایت کردمی و آب و علف باین لطافت ضایع
نگشتی چون ملک این سخن را شنید رجوع نموده گفت این مرتبه و فضل نه در خور حوصلهٔ این عقل است همانست که لطف و رحمت الهی
بمقتضای وسعت خود با عباد معامله کند کسی را بکثرت عبادت ستایش مینمودند حضرت امام علیه السلام فرمود عقلش چونست
گفتند آنقدر نیست فرمود از آن عبادت نیز آنقدر نیست بهره و امثال این احادیث و اخبار بسیار است و از حضرت امام علیه السلام

پرسیدند که عقل کدامست فرمود آنکه در امور دین آیین و در کار عقبی بینا باشد و بآن اکتساب جنان و اجتناب از نیران حاصل
شود گفتند پس آنچه معاویه داشت چه بود فرمود مکر و شیطنت بود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که طلب علم فرض است
بر هر مسلم و عالمی که مردم از علمش منتفع شوند بهتر است از هفتاد هزار عابد و فضل عالم بر عابد مثل فضل ماه شب چهارده است بر سایر
کواکب روز قیامت مداد علما را با دماء شهدا وزن کنند مداد علما راجح باشد و از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام
مرویست که فرمود علمای شیعه ما مرابط اند فی سبیل الله در حد ابلیس و جنودش که ایشان را منع میکنند از آنکه بر شیعه خروج کنند
و بر ایشان مسلط شوند پس هر کسی از شیعه ما که خود را باین کار دارد و دوستان ما را تعلیم علوم و آداب دین کند و ارشاد و هدایت
و موعظه و نصیحت و امر بمعروف و نهی از منکر نماید افضل است از کسی که با روم و ترک هزار هزار بار جهاد کند چه او دفع اعدا از دین دوستان
ما میکند و این از بدن ایشان چون کسی راهی راست و عملی خیر تعلیم کسی کند اگر آن تمام عالم منتشر شود و همه خلایق تا روز قیامت بآن
عمل کنند مثل ثواب همه ایشان برای او ثبت گردد بی آنکه از ایشان چیزی کم شود و همچنین اگر راهی باطل و عمل شر تعلیم کند و علم
راهیست راست تا به بهشت و مونسیست در وحشت و مصاحب در غربت و همنشین صحبت و همزبان خلوت و زینت احبا
و سلاح اعدا و نور چشم و قوة بدن و حیوة دل و فکر در علم برابر است با صیام و مدارسه اش با قیام و تعلیم اش صدقه اش و تعلیمش حسنه
و مذاکره اش تسبیح و عمل بمقتضایش جهاد اکبر و ملایکه با علما محبت نمایند و برای ایشان دعا کنند و همه خلایق برای ایشان استغفار
کنند حتی ماهیان در دریا و سباع صحرا و خواب ایشان عبادتست و مطالعه افضل است از هفتاد ساله عبادت و دو رکعت عالم
افضل است از هفتاد رکعت عابد یک ساعت پیش او نشستن افضل است از هزار سال عبادت کردن و نظر بر روی عالم افضل است
از یک سال اعتکاف در مسجد الحرام و زیارتش افضل است از هفتاد حج و عمره و چون کسی ساعتی با علما نشیند در هر [illegible] طلب کند و
خدای تعالی بر او رحمت فرستد و بهشت واجب گرداند و چون کسی بطلب علم رود در راهی بهشت برایش گشوده شود و ملایکه بالهای
تا بر آن پا گذارد و اهل زمین و آسمان حتی ماهی در دریا برایش استغفار کنند و اگر عالم یک ورق علم گذارد آن ورق میان او و آتش
پرده حجاب باشد و بعدد هر حرف از آن خدای تعالی در بهشت مدینه عطا کند هفت مرتبه وسیع تر از تمام دنیا و چون عالمی بمیرد فرشتگان
و بقاع زمین که در آن عبادت میکرد و درهای آسمان که اعمالش بالا میرفت همه بر او بگریند و رخنه در دین پیدا شود که هیچ چیز علاج
آن نکند و علم را لوازم و علامات چند است از آنجمله تقوی و ورع و صلاح و طاعت و عمل کردن بمقتضای آن که علم بی عمل وزر و
وبالست همچنانکه بی عمل علم حیرت و ضلال عظیم ترین حسرتها در روز قیامت حسرت عالمیست که دیگران بعلم او عمل نموده و او خود محروم
مانده باشد و هفتاد گناه از جاهل آمرزیده شود تا یک گناه از عالم آمرزیده شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تفسیر آیه
فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ پرسیدند فرمود در روز قیامت خدای تعالی از بندگان سؤال کند که بخیر و حق را میدانستند یا نه اگر
گویند میدانستیم گوید چرا عمل نکردید و اگر گویند نمیدانستیم گوید چرا تحصیل علم نکردید تا عمل کنید پس ایشان را ملزم گرداند و از آنجمله
خضوع و خشوع و خشیه و زهد در دنیا و رغبت بآخرت و حلم و وقار و کلام بحق و سکوت از باطل و تحلی بمکارم و تخلی از رذایل مروت

علم ...

که عالم آنست که فعلش بتصدیق قولش باشد و کسی که چنین نباشد عالم نیست و از آنجمله است سلامت نفس و تواضع هر چند علم بیشتر آثار
و علامات در وی بیشتر حضرت عیسی علیه السلام روزی با حواریین گفت مرا بشما حاجتی است گفتند یا روح الله باجابت مقرونست
پس برخواست و پای ایشان را شست و بروایت دیگر بوسید گفتند یا روح الله این کار بما انسب بود فرمود سزاوارترین مردم
بخدمت و تواضع علمایند و این نهایت مرتبه تواضع بود چنین کردم تا بدانید که با مردم تا چه حد تواضع باید کرد و علم را حقوق چند
نیز هست اما حقوق خدای تعالی بر عالم آنکه هر چه نداند نگوید که اگر نداند گوید ملایکه رحمت و عذاب همه بر او لعنت کنند و هر کس عمل کند
در وزرش شریک باشد و آنچه داند در مقام لایق و از اهل دریغ ندارد و اگر نه ظلم کرده باشد و چون کسی دوای جراحتی تواند نکند چنانست
که خود جراحت کرده باشد و هر کس که نفسی را زنده کند چنانست که همه ناس را زنده کرده باشد و زنده کردن بعلم افضل است از هر
زنده کردنی چه علم حیوة دل و جان و بقای جاوید در جنان و رواج دین و قوة مومنان است و از غیر اهل نهان دارد که هر کس حفظ سر
از بیگانه نکند مستحق حرمان زیادی شود و موجب فساد عظیم و ضلالت ضعفا باشد و هر کس که نفسی را بکشد چنانست
که همه ناس را کشته باشد و کشتن بضلالت عظیم تر است از هر کشتن از حضرت امام علیه السلام پرسیدند که بر ما واجب است که هر چه
ندانیم سؤال کنیم فرمود بلی گفت بر شما واجب است که هر چه سؤال کنیم جواب گوئید فرمود بلی هر چه مصلحت دانیم گوییم علم مثل طبیب
حاذقست دوا را در موضع مناسب استعمال کند و از غیر آن نگاه دارد و حق عالم بر مردم آنست که چون کسی در مجلسی که جمعی
باشند داخل شود بر همه سلام کند و عالم را بزیادتی تحیت و اکرام اختصاص دهد و برابر رویش نشیند که عالم محتاج رو گردانیدن
نباشد و دامنش نگیرد و اشاره بجانبش نکند و سؤال بسیار ننماید و خلاف قول او نگوید که فلان و فلان چنین گفته اند و مجملا از هر چه
خلاف ادب باشد احتراز کند و حق متعلم بر عالم آنکه با او مهربان باشد و هر چه مناسب او داند دریغ ندارد و از حوایج و مسایلش
اعراض نکند و در تعلیم میان تلامذه تفاوت نگذارد و مجملا هر چه مقتضای شفقت باشد رعایت کند

فصل دوم در صفات
مومن بر سبیل اجمال مرویست از اهل بیت صلوات الله علیهم السلام که مومن کسیست که در دین خدا بینا و بر اسم آن دانا باشد
و در دین صلب تر از کوه گران و در طاعت خدا سخت تر از سنگ و سندان باشد کوه را با تیشه توان شکافت و دستی
بر دین مومن نتوان یافت رویش شگفته و خندان و دلش محزون و گریان راغب بمحاسن از قبایح گریزان خاطرش منزه
از حسد و کینه با خلق صاف دل همچو آینه نه عیب جوی عیب جمالش و نه غیبت گوی عار کمالش نه طالب شهرت نام و نه خواهان
صیت و نشان زبان از فضول بسته و در غم خویش نشسته در نعمت شکور و در مصیبت صبور نه نعمت او را موروث فرح
و غفلت و نه مصیبت باعث جزع و وحشت در فکر خود مغموم و بفقر خود مسرور خلقش موافق و طبعش ملایم و فعالش ثابت و
جفایش زایل نه در کلامش کذب راگذاری و نه از خلف عرض در وارثی اگر بخندد غافل نشود و اگر برنجد طیش نکند ضحکش
تبسم و سؤالش برای تعلم کثیر العلم عظیم الحلم نه در کارها شتاب و استعجال و نه در مقام حق دلگیری و ملال حکمش از حیف و میل
مبرا و علمش از جهل و جور معلی نفسش در دین سخت تر از سنگ و معامله اش شیرین تر از شهد نه در نعمت حریص و نه در فقر جزع

نه مدعی لاف و نه دعوای گزاف نه عهدش را شکن قصوری و نه شرطش را کرد فتور با مردم وصول و مهربان و متحمل مکاره از ایشان
رحمتش کثیر و فضولش قلیل راضی بقضای خدا مخالف نفس و هوا از غلظت و درشتی منزه و از خوض در ما لا یعنی مقدس امر
دین و حامی مؤمنین و پناه مسلمین نه مدح و ثنا را در نظرش عیاری و نه از طمع دنیا دلش را افکاری و نه لهو را در حرکتش اثری
و نه جدال را از علمش چیزی قولش دلیل فعل و فعلش مصدق قول علمش تمام و افرور سا و دلش آگاه و پناه با مؤمنان وصول و
با فقرا بذول نه در وصلش عنف و خلاف و نه در بذلش بخل و اسراف نه معاملاتش را عیب خدعه و غدر و نه مخالطاتش ننگ حیله
و مکر نه بر عیوب مؤمنان و نه راضی به مضرت ایشان معین ضعفا و دستگیر درماندگان شیوه اش وسعت خلق و پیشه اش سعی
در حوایج خلق نه هتک ستر عیب فعالش و نه کشف ستر قصور کالش با نواع بلا مبتلا و زبان از شکایت در قفا حفظ غیب
پیشه و عیب و ستر عیب اندیشه اش عذرخواه از اعذار پذیر و از عفو و بخشش گریز خیرخواهی مؤمنان کارش و بر اصلاح میان
ایشان مدارش با مردم خوش کلام نیکوکردار ذکر ایشان آیین قوم و قبیله و آراسته با خلاق جمیله و منزه از صفات رذیله
دوستیش برای خدا از روی دانش و دشمنیش برای او از اراده بینش ذکر عالم و متعلم جاهل نه کسی را از و بیم آزار و شدت
و نه اندیشه تعب و مشقت همه کس در نظرش از و بهتر و او در پیش خود از همه بدتر همنشین فقرا و مصادق اهل صدق معین
غربا و مددکار اهل حق یتیمان را پدر بیوه گان را شوهر مهربان با مساکین و غمخوار مؤمنین در هر بلیه امید با و در هر حادثه توقع
از و با مردان خندان و شکفته با مردم پاکیزه اختلاط و در کارها بحزم و احتیاط بقسمت خود قانع و از خلق مستغنی حیایش
غالب بر شهوت و مودتش زایل بر حسد و عفوش بیشتر از حقد سخن نگوید مگر بخیر و چشم بپوشد از معایب غیر رفتارش
متواضع و در طاعت حق خاشع و خاضع از خدا راضی در همه احوال و برضای خدا در همه افعال نظرش عبرت و سکوتش
فکرت و کلامش حکمت در سر و علانیه خیرخواه و از غش و خدعه در پناه از مؤمنان هجرت نکند و نه ایشان را غیبت
کند نه او را از فوت دنیا فرح و سرور و نه از فقد آن تأسف و فتور و نه محزون از شداید ایام و نه او را رغبتی بحرام علمش
ممزوج بحلم و عقلش مقرون بصبر بعید الکسل قریب الامل دائم النشاط قلیل الزلل بهیئه منتظر اجل دلش دایم در ذکر
خدا خاشع نفسش بقلیلی قانع کار دنیایش سهل و خفیف و از بیم گناهان محزون و نحیف لذتش و شهوتش مرده دلش
بطاعت خدا زنده مردم از و در امان و او در تعب از ایشان نه در دلش شایبه کبر و نه بمحاسن خود عجب و فخر کارهایش محکم
و متین نه مانعی او را از معالم دین کلامش نه از روی تجبر و سکوتش نه برای تکبر دوریش از مردم برای نزاهت و نزدیکیش
از روی رحمت نه در دوریش جبروت و کبر و نه در نزدیکیش حیله و مکر پیرو نیکان گذشته و مقتدای خوبان آینده نفسش
از و در تعب و مردم از و در راحت علم خلیلش و حلم وزیرش و صبر امیر عسکرش و لین و رفق پدر و برادرش نه راغبش
بر فعل سمعه و ریا و نه مانعش از خیر شرم و حیا اگر بخیر مذکور شود بد گرای ایشان مغرور نشود اگر جنایت که ایشان گویند
خدا بر آن شکر گذارد و گرنه جنایت است استغفار کند و از خجلت آن سر بر نیارد و اگر بشر مذکور گردد و از گفته ایشان آشفته نگردد

و اگر جنایت است استغفار کند و گرنه جنایت شکر کند **فصل سیم** در مکارم اخلاق و صفات مرویه از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که راس هر طاعت صبر و رضاست در قضای الهی و حکم او خواه موافق خواهش بنده باشد و خواه
و خواه نه چون سر از بدن برخیزد بدن بمیرد همچنین چون صبر از ایمان برخیزد ایمان زایل شود و صبر سه قسم است یکی در بلیه محنت
قدم در مشقت طاعت سیم در ترک معصیت هر کس در بلیه صبر کند خدای تعالی برایش سیصد درجه طلب گرداند که مابین
هر دو درجه مثل مابین هر دو درجه از اطراف زمین تا آسمان باشد و هر کس در طاعت صبر کند ششصد درجه بلند کند که مابین
هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا ابتدای عرش و هر کس در ترک معصیت صبر کند نهصد درجه بلند کند که مابین هر دو درجه از
از اطراف زمین باشد تا منتهای عرش و بهشت محفوفست بمکاره و صبر و دوزخ محفوف بلذات شهوات هر کس بر مکاره صبر کند
داخل بهشت شود و هر کس پیروی شهوات نماید لایق دوزخ بود چون مؤمن داخل قبر شود نماز در دست راستش ایستد و زکوة
در دست چپ و بر سرش سایه کند و صبر در کنار ایستاده گوید شما در جواب منکر و نکیر اعانت صاحب خود کنید اگر عاجز آیید من
او را دریابم و هر کس صبر کند و بقضای خدا در نفع و ضرر و خیر و شر رضا دهد و غیر از رضا و تسلیم چیزی بخاطرش خطور نکند خدای
تعالی برای او بغیر رضی نشود و هیچ چیز از خدا نخواهد مگر آنکه مستجاب شود خدای تعالی برای عباد نخواهد مگر خیر اگر یکی را با نواع بلا مبتلا سازد
خیرش در آن باشد و اگر دیگری را پادشاه مشرق و مغرب گرداند مصلحتش در آن چنانچه فرموده هر کس بقضای من رضا دهد و بر
بلای من صبر کند و نعمای مرا شکر کند و در نزد من از جمله صدیقان باشد و هر کس بقضای خدا رضا دهد قضا بر و بگذرد و اجرش
عظیم بود و اگر بقضا راضی نشود قضا خود بگذرد و اجرش باطل شود فرموده هر کس از همه خلق قطع امید کند و طمع برگیرد و توکل
و اعتماد بمن کند و پناه بمن آورد و درین امر نیتش صادق باشد اگر تمام سموات و ارض و اهل آن در صدد کید و مکر و ضرر او
باشند من او را از ایشان حفظ کنم و هیچ ضرر با و نرسد و اگر اعتماد بر خلق کند و تکیه بر ایشان نماید اسباب رحمت از و قطع کنم
و هر چه بر سرش آید پروا نکنم و حضرت صادق علیه السلام فرموده هر کس خواهد که هیچ چیز خدا از و سؤال نکند مگر آنکه عطا فرماید باید قطع
امید از هر کس نماید و امیدی بغیر از خدا ندارد و چون خدای تعالی دلش را درین صادق یابد بهر چه سؤال کند عطا فرماید و معنی توکل
نه اینست که کسی ترک سعی و کسب و کارها کند که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب نشود چنانکه انشاء الله بیاید بلکه اینست که مکاسب
و معاملات و هر چه مقدور باشد از طریقه حلال میکرده باشد اما اعتماد بر آنها و بر هیچ چیز غیر خدا نداشته و غیر از و هیچ کس را
کارساز نداند و سعی و معاملات و غیر آن از همه واسطه و وسیله چند داند که خدای تعالی برای مصلحت حال نظام خلق مقدر فرموده تا هر کس
حکم و رضای او را در آن رعایت و با امر او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعیم بیحساب شود و هر کس مخالفت آن کند و متابعت
نفس و هوی و اطاعت شیطان نماید و بحلال اکتفا ننموده دست در حرام زند مستوجب زجر و عقاب گردد و حضرت امام علیه
السلام بکسی گفت همیشه دعا کن که خدای تعالی ترا از جمله معارین نگرداند و از حد تقصیر بیرون نیارد آن کس گفت معارین مسلم
آنانند که ایمان مدتی پیش ایشان عاریت است بعد از آن سلب شود اما معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود آنکه هر چند عبادت

بیشتر کنی خود را در آن سهو مقصر دانی که حق عبادت خدا را هیچ کس نتواند گذارد و خدای تعالی فرموده که بر عبادت و عمل تکیه مکنید که اگر کسی
تمام عمر در عبادت من گذارند و لمحه فارغ نباشد هنوز مقصر باشد و حق بندگی بجا نیاورده بود بلکه اعتماد بر رحمت من کنید و امید
بفضل من دارید و بحسن ظن با من معامله نمایید که من پیش ظن بندگان خودم بهر نحو بمن گمان و از من امید داشته باشند با ایشان
چنان معامله نمایم آنقدر امید برحمت خدا باید داشت که اگر با ذنوب ثقلین بمحشر آیی بر تو رحم نماید و آنقدر نیز خوف از عقوبتش باید داشت
که اگر با احسان ثقلین آیی قبول نفرماید در دل مؤمن دو سطر از نور نوشته یکی خوف و دیگری رجا که اگر با هم سنجیده شوند هیچکدام بقدر ذره
زیاد نکند بحضرت صادق علیه السلام گفتند که جمعی از موالی شما معاصی میکنند و میگویند ما امید برحمت خدا داریم فرمود دروغ میگویند
از موالی ما نیند و نه رجا دارند هر که امید بچیزی باشد طالب آن بود و هر که خوف از چیزی باشد از آن بگریزد و الله که شیعه ما نیست مگر کسی که
طاعت خدا کند و از معصیت او اجتناب نماید حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روزی فرمود ای بنی عبد المطلب مگویید که محمد از ماست هر جا
او باشد ما نیز باشیم والله که اولیای من نیستند مگر متقیان من عذر شما خواسته و از آن بیرون آمده ام چون روز قیامت شما دنیا و دیگران
آخرت بر دوش بار کرده آیند شما را نشناسم و خویشی شما سود ندهد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روزی خطبه خواند فرمود
ای مردمان والله که من یک درهم از حق شما نقصان نکنم عقیل برادر آنحضرت برخواست گفت تو مرا و سیاه حبشی را برابر میدهی فرمود خاموش
باش که امتیاز تو از سیاه حبشی هر کس تقوایش بیشتر درجه اش رفیع تر از حضرت صادق علیه السلام سوال کردند از تفسیر آیه و قدمنا
الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا یعنی روز قیامت متوجه احوال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم فرمود والله ایشان
جمعیند که اعمال و عباداتشان در خوبی بکمال رسیده اما چون مانع از میان ایشان و معصیت بر خیزد اجتناب ننمایند لیس اعمالشان
سود ندهد و از ایشان علیهم السلام مرویست که از ما نیست کسی که هر روز محاسبه نفس خود نکند و ملاحظه اعمال خود ننماید و نه بیند
که چه کرده و چه میکند روز قیامت پنجاه موقف برای حساب مقرر است که هر کدام مقدار هزار سال است هر کس در دنیا محاسبه خود کند
بقدر آن از مواقف حساب قیامت خلاص باشد و هر چند بیشتر بغفلت گذارند در آن روز برای حساب بیشتر توقفش باید پس محاسبه
خود بیشتر از آنکه برای حساب توقف فرمایند و معنی محاسبه نفس آنست که چنانکه با شریک و تحویلدار و همراه تاب و دنیا معامله کنی حساب
هر ساعت و هر دقیقه عمر خود از خود طلب نمایی هر لحظه را ملاحظه کنی اگر در طاعت و خیر گذرانیده خدا را شکر کنی و توفیق زیادتی
طلب نمایی و اگر در باطل و معصیت گذشته خود را بر آن توبیخ و عتاب کنی و استغفار نمایی و در صدد تلافی و تدارک آن باشی
و نگذاری که شرر در دیوان عملت ثابت ماند یا حقی از آن فوت شود و هر کاری که خواهی اقدام نمایی تامل کنی اگر نفع آخرت یا دنیا بشرط که
بآخرت مضرت نکند در و باشد متوجه آن شوی و اگر بآخرت مضرت کند بلکه همین که نفع نکند از آن بگذری و عمر را مشغول آن
نسازی که شغل بی منفعت اگرچه در و عذاب نباشد همین مضرت آنرا بس بود که مانع خیر و منفعت شود که روز قیامت هیچ
کس از حسرت و ندامت خالی نباشد خوبان را حسرت آنکه چرا بیشتر نکرده و بدان را حسرت آنکه بد کرده اند مگر کسی که بفضل و توفیق
الهی ضبط ساعات عمر عزیز کرده و آنرا صرف در باطل و بی فایده محافظت نموده در طاعت و عبادت گذرانیده باشد پس خود را

از اشغال این امور باید فارغ سازی و مشغول عبادت و طاعت و مجملا هر چه رضای خدا در آن بینی که دانی هر کس خود را از باطل و بیفایده
برای عبادت و طاعت خدا فارغ گرداند و این را مانع هر کاری داند خدای تعالی دلش را از خوف خود لبریز و بعضی از خلق مملو گرداند و متکفل
حوایج و مطالب او شود و کار او را بدیگری نگذارد و هر کس برای طلب باطل و شغل بیحاصل ترک عبادت و طاعت کند و آنرا مانع این داند
خدای تعالی دلش را مشغول دنیا و محبت آن گرداند و او را از کفالت رحمت خود بخود واگذارد و نعوذ بالله چون کسی را خدا بغیر خود
واگذارد از جمیع خیرات و کرامات بی نصیب شود و اگر در آنحال بماند عاقبت در دوزخ مخلد گردد در روایت که حضرت یونس را لقمه
یک چشم زدن واگذاشت طعمه ماهی گشت و نیت عبادت و هر کاری که کنی باید از ریا و غرضهای باطل دنیا برای خدا و رضای او
و توقع رحمت و ثواب او خالص گردانی که جزای هر عمل بمقتضای نیت آن باشد و اگر نیت خیر و حق باشد اطاعت خدا بود
و جزایش خیر و رضای خدا بود و اگر نیت شر و باطل باشد اطاعت شیطان و جزایش مثل آن بود هر کس عمل برای خدا کند اجر و
جزایش و ثوابش بر خدا باشد و اگر برای غیر خدا کند خدای تعالی او را بآنکه عمل برایش کرده واگذارد و از فضل و رحمت خود
محروم گرداند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده زمانی بیاید که مردم عبادت و طاعت را برای ریا و اغراض دنیا
کنند پس خدای تعالی ایشان را بعقوبت و بلا مبتلا گرداند و هر چند مثل غریق دست و پا زنند و تضرع و دعا کنند مستجاب
نشود و مرویست که نگاه داشتن عمل مشکل تر است از اصل کردن که چون کسی عمل صالحی مثل تصدق و صله و غیر آن پنهانی برای خدا
کند ثوابش را پنهانی یعنی هفتاد مرتبه مضاعف نویسند و اگر بعد از آن ذکر آن کند محو کنند و علانیه یعنی یک مرتبه نویسند
و چون مرتبه دیگر مذکور گرداند محو کنند و ریا نویسند و هر کس خود را برای خدا کند و کاری خود را برای او خالص گرداند خدا هم برای
او باشد و او را برای خود خالص دارد و دلش را از معرفت و حکمت لبریز گرداند و چون اراده عمل خیر کند در آن تعجیل نمای
که نمیدانی که بعد از این چه رو دهد و هر کاری که در آن تاخیر شود شیطان را در آن فرصتی باشد که شاید حیله کند و مانع آن شود و سبب
باشد که بنده دو رکعت نماز کند یا یک روز روزه گیرد یا تصدق کند و مجملا عمل صالحی کند که خدا را از آن خوش آید و سبب آن
همه گناهانش بیامرزد و گوید بعد از آن هرگز گناه بر تو ننویسیم و اگر عملی غیر خیر بخاطر رسد ترک کن و از آن احتراز کن که شیطان کام
خود گیرد و سبب باشد که بنده عملی کند که خدای تعالی را از آن بد آید و فرماید بعزت و جلال خودم که بعد از این هرگز ترا نیامرزم و خدای تعالی
فرموده هر بنده که اطاعت من کند و رضای من جوید من او را بدیگری نگذارم و رضای او جویم و هر بنده که مرا معصیت کند و مخالفت
رضای من نماید او را بخودش واگذارم و پروا نکنم هر جا که هلاک شود حضرت امام محمد باقر علیه السلام ای شیعیان بمحبت و ولایت ما
فریفته مشوید و طاعت خدا کنید والله که میان ما و خدا قرابتی نیست و ما را بر خدا حجتی نی و تقرب بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او پس
هر کس مطیع خدا باشد ولایت ما او را نافع بود و هر کس معصیت خدا کند ولایت ما او را سود ندهد کسی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که از شما حدیثی روایت کنند که هر کس شیعه ما باشد هر چه خواهد کند فرمود بلی چنین است گفت اگرچه زنا و دزدی و شرب خمر
کند فرمود انا لله و انا الیه راجعون که مردم انصاف ندارند ما خود بطاعت و عبادت امید نجات و بهشت داریم چون دیگران را

رخصت معصیت دهیم که بی طاعت بمحض محبت ما نجات یابند بلکه معنی آن حدیث اینست که هر کس مؤمن باشد اعمال خیر خواه بسیار
کند و خواه کم که داخل بهشت شود و نیز فرموده‌اند که خدای تعالی ابا وارد از آنکه جمعی که دعوی محبت و ولایت جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان
باشد روز قیامت با ایشان را با هم در یک منزل نزول فرماید بخدای کعبه قسم که هرگز نشود و نیز یکی از ایشان علیهم السلام مرویست که فرمود اگر شیعیان
ما غربال کنم و بیخته و بدایت نزار از هم جدا سازم از هزار کس یکی خالص نباشد که اکثر ایشان اهل قولند و اهل فعل در میان ایشان بسیار نادرست
همه بر مسندها تکیه کنند و براحت و تن پروری بر آیند و گویند ما شیعه علیهم شیعه علی نیست مگر کسی که اطاعت علی نماید و فعلش تصدیق
قولش کند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که افضل عبادات تفکر است و تفکر دو قسمت یکی تفکر در معرفت خدا و علم و فضل
این قسم از حد شرع بیرون است و شمه از آن در فصل اول گذشت دوم تفکر در احوال دنیا و بی اعتباری آن و بی حاصلی لذات آن و کیفیات
این تفکر افضل است از بیشتر عبادات که سبب زهد در دنیا و بی رغبتی با آن شود و عیوب و قصور آن را ظاهر کند و محبت آن را
از دل بیرون کند و دل را مشتاق آخرت گرداند و موجب طاعت و عبادات و ترک متابعت هوا و هوس و شهوت و معصیت
باشد و هر کس از دنیا بی رغبت شود خدای تعالی دلش را از حکمت و نور معرفت مملو گرداند و از دنیا بسلامت بیرون رفته بدار السلام که
منزل امن و امان و محل نعمت و راحت جاودانست رود و حرامست بر هر دلی که حلاوت ایمان دریابد تا محبت دنیا از و بیرون رود
و از حضرت صادق علیه السلام فرموده کسی از هیچ در طلب حق نکند افضل از زهد در دنیا و ترک محبت آن و هیچ چیز بعد از معرفت
خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام از بغض دنیا نبود که چون مؤمن از محبت دنیا خالی شود از خدا پر شود و التفات بهیچ چیز غیر
خدا و بر رضای خدا در آن یابد نکند تا حدی که اهل دنیا گویند دیوانه گشته و جنون در او اثر کرده و حال آنکه محبت خدا در او اثر کرده
باشد و هم آنحضرت علیه السلام فرموده که از جمله مواعظ لقمان با پسرش این بود که تو در دنیا بنده اجیر علی بتو فرموده اند و اجری وعده
نموده اند بعمل خود وفا کن تا اجر خود وفا کنند و در دنیا مثل گوسفندی مباش که در مزرعه چرا کنی و همین که فربه شود وقت کشتنش
باشد بلکه دنیا را مثل پلی دان بر سر نهری که از آن بگذری و هرگز بآن رجوع نکنی و بدانکه روز قیامت در پیش خدا ایستاده باشی و چهار
چیز از تو سؤال کنند جوانی که بچه عمل بپیری رسانیدی و عمر که بچه چیز گذارندی و مال که از کجا کسب کردی و کجا صرف نمودی و دوستی ائمه
طاهرین علیهم السلام چگونه کردی پس مهیای جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و کمال زاهد آنست که ترک حرام کند از خوف عذاب
و ترک حلال از بیم حساب مگر بقدر ضرورت و از آن یک مرتبه پست تر آنکه دست از حرام باز دارد و هر چه را بقدر عمل و بقا طلبد باشد و
با هر کس بقدر علم عالم نماید هر کس از خدا بقلیلی روزی راضی شود خدا نیز از و بقلیلی عمل راضی شود و هر کس را جاه و مال بسیار باید عبادات
بسیار باید و فرموده شیعیان خالص ما را در زمان دولت باطل هر چند بمشرق و مغرب روند زیاده از قوتی نصیب نباشد و هر چند
کسی را ایمان زیاده تر معیشت بر و تنگ تر که اگر تمام دنیا در پیش خدا اعتبار بال پشه میداشت شربتی آب از آن کافر نمی چشانید
فقرای مؤمنان چهل خریف پیشتر از اغنیای ایشان در ریاض بهشت مشغول بصحبت و نعمت باشند و اغنیا در موقف گرفتار
حساب باشند و مرویست که یک خریف هزار عام است و یک عام هزار سال است و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که دو مؤمن

را با هم بحساب آرند یکی غنی و دیگری فقیر فقیر گوید خدایا تو میدانی که نه منصبی بمن دادی که عدل یا جور کرده و نه مالی دادی که جود یا بخل ورزیده
باشم فرماید راست میگوید دست از و بدارید پس خلاص گشته داخل بهشت شود و غنی مشغول حساب شود و آنقدر توقف
کند که از عرقش چهل شتر سیراب توانند شد پس چون داخل بهشت شود رفیق فقیرش او را ببیند گوید این همه چرا دیر کردی گوید
بطول حساب گرفتار شدم خدای تعالی هر یک عمل مرا ای بخشید و عمل دیگر پیش می آمد تا آخر همه را بخشید و رحمت فرمود که نجات یافتم
و مرویست که چون روز قیامت فضل و درجات فقرا مشاهده شود هر کسی آرزو کند که کاش در دنیا زیاده از قوتی نمیداشتم و هم
از ایشان علیهم السلام مرویست که فقرا امانتهای خدا در پیش بندگان هر کس آنرا پنهان دارد مثل اجر صایم قایم یابد و هر کس اظهار
آن بمخالفین و ظالمین کند شکایت خدا بر دشمن او کرده باشد و اگر مؤمنی اظهار کند که قادر بر قضای حاجتش باشد و نکند چنانست
که او را کشته باشد و روز قیامت خدای تعالی مثل کسی که از دوستی عذر خواهی کند بفقرای مؤمنین گوید بعزت خودم که من در دنیا شما را
از روی حقارت فقیر نکردم بلکه برای فضل و ثواب و درجات بهشت کردم امروز ببینید که چون تلافی آن کنم هر یک از شما را بانعقاد مثل
آنکه از ابتدای دنیا تا انقضای آن باهل دنیا داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما مهربانی و احسانی کرده دستش را گرفته بهر جای بهشت
خواهید ببرید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که کاملترین مؤمنان در ایمان کسیست که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عملی بهتر
از خلق خوب نیست و صاحب خلق خوش درجه صایم و قایم و اجر مجاهد یابد و اکثر امت بدو خصلت داخل بهشت شوند تقوی و حسن
خلق و حسن خلق خطیه را بگدازد چنانکه آفتاب یخ را و حسن خلق و بر موجب درازی عمر و معمور بلاد باشد و چهار صفت است که در هر کس
باشد اسلامش کامل و از گناه خالص گردد اگر چه سر تا پا همه گناه باشد و خدا از و راضی باشد آنکه بوعده وفا کند و راستگوی باشد و از قبایح
در پیش خدا و مردم حیا کند و با اهل خود و سایر ناس خوش خلق باشد و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و هیچ جرعه پیش خدا دوست تر
از دو جرعه نباشد یکی جرعه خشمی که بحلم رد کنی و دیگر جرعه جزعی که بصبر دفع نمائی و هیچ کس خشم فرو نبرد مگر آنکه خدای تعالی در دنیا و آخرت
عزتش بیفزاید و چون قادر بر انتقام باشد و خشم فرو برد خدای تعالی اجر شهید عطا فرماید و در روز قیامت دلش را از امن و امان و رضا مملو
گرداند و هر کس غضب خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت از و بر گیرد و عیوبش بپوشد و در خدای تعالی در مناجات بحضرت
موسی عم فرمود در حال غضب مرا یاد کن تا نزد من نیز در حال غضب ترا یاد کنم و غضب کلید هر شریست و ایمان را فاسد کند
چنانکه سرکه عسل را و چون دو کس با هم منازعه کنند دو ملک نازل شوند و هر کدام که از ایشان که سفاهت و ناخوشی بیشتر کند با و گویند
بد خلاقی آنی خود گفتی و زود باشد که جزایش بیابی و بآن دیگر که صبر و حلم ورزد گویند زود باشد که گناهانت آمرزیده شود اگر
حلم خود را تمام کنی و تو نیز مثل او سفاهت نکنی و دشمنان و جهال هیچ مکافات بهتر از این نباشد که ایشان معصیت کنند و تو صبر
و طاعت نمائی و بهترین اخلاق دنیا و آخرت اینست که چون کسی بر تو ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو قطع و دوری کند تو وصل
و نزدیکی نمائی و اگر ترا از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو جود و عطا نمائی و اگر با تو بدی کند تو نیکی و احسان نمائی و چون باین صفت
آراسته باشی خدای تعالی عزتت زیاد کند و سه خصلت است که در هر کس نباشد عمل و طاعتش تمام نبود ورعی که او را از معصیت باز

دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان را دفع نماید و مدارا با مردم نصف ایمان است و ملایمت با ایشان نصف زندگانی
و هر کس را ملایمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت و هیچ کس را ملایمت نصیب نباشد مگر آنکه زینتش باشد و هیچ کس از آن
محروم نگردد مگر آنکه عار و ننگش بود و جمعی را که ملایمت روزی شود روزیشان وسیع تر شود چون از آن بی نصیب باشند خیر از
ایشان بی نصیب باشد و چون دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه مدارا و ملایمتش بیشتر بود اجرش عظیم تر بود و مرویست که اگر ملایمت
خلقی میبود که دیده میشد هیچ خلق احسن از و نمیبود و هر کسی درشتی نصیبش شود ایمان از و محجوب گردد و اگر درشتی مخلوقی میبود که
دیده میشد هیچ چیز قبیح تر از و نمیبود و هر کس برای خدای تعالی تواضع کند خدا او را بلند گرداند و هر کس تکبر کند او را پست گرداند و عزیز
ترین مردم بخدا متواضعانند و دورترین ایشان از آن متکبران پرسید شخصی که حد تواضع چیست امام علیه السلام فرمود درجات بسیار است از آن جمله اینکه
کسی قدر خود بشناسد و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم چنان کند که میخواهد با او چنان کنند و چون با او بد کنند به نیکی دفع
کند و خشم فرو برد و عفو کننده باشد و مرویست که از جمله تواضع اینست که در مجلس پایین تر از مرتبه خود نشینی و به هر که رسی سلام
کنی و ترک خصومت کنی اگر چه حق با تو باشد و نخواهی که ترا مدح و ثنا کنند و روزی حضرت امام رضا علیه السلام طعام طلبید ملازمان و
غلامان سیاه و سفید را جمع کرد فرمود با هم بر یک خوان نشستند کسی گفت کاش جدای ما برای ایشان طعام جدا کنند فرمودند
خدا یکیست و دین یکی و پدر و مادر یکی و جزای هر کس بقدر عملش باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کیست که چهار صفت از
من ضامن شود تا من برای او چهار خانه در بهشت ضامن شوم عطا کند و از فقر نترسد و افشای سلام کند در عالم و ترک خصومت
کند اگر چه محق باشد و از انصاف نگذرد و هر کس با انصاف باشد و با فقرا در مال مواساة کند بتحقیق مؤمن باشد خدای تعالی
عزیزش گرداند و نیز فرموده است اعمال سه خصلت است انصاف و مواساة و ذکر خدا در همه حال نه همین تنها سبحان الله و
الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بلکه در احوال و افعال خدا را یاد آورد اگر رضای خدا در آن باشد بکند و اگر نه از آن
بگذرد و هر کس منصف باشد و عیب مردم نکند در چیزی تا آنرا اول از خود سلب نکند و کسی پا در پیشوای تقدیم و تاخیر نکند
تا روزی خدا در آن نداند در سایه عرش خدا باشد روزی که هیچ کس را نبود و سه کس نزدیکترین مردمند بخدا در روز قیامت
کسی که در حال غضب بی اختیار نشود تا بر زیر دست ظلم کند و کسی که چون در معامله میان دو کس داخل شود بیک طرف میل
نکند و کسی که در معامله و منازعه از انصاف و حق نگذرد و خدا را بهشتی است که داخل آن نشود مگر سه کس یکی آنکه بر نفس
خود حکم بحق کند و هر کس ایمان بخدا و روز قیامت و آخرت دارد باید بوعده وفا کند که وعده مؤمن نذریست که هیچ کفاره
ندارد مگر وفا بآن هر کس خلف وعده کند اول با خدا خلف کرده و متعرض بخت او گشته باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله فرمود از ما نیست کسی که امانت را خلاف کند و امانت جلب فقر نماید و حضرت سجاد علیه السلام فرموده اگر قاتل پدرم شمشیری
که آن حضرت را بآن شهید کرده بمن بامانت سپارد هر آینه آنرا ادا کنم و حضرت صادق علیه السلام فرموده اگر قاتل علی بن ابیطالب علیه السلام
با من مشورت کند و خبر جوید و شمشیر بمن امانت دهد و من قبول کرده باشم هر آینه ادای امانتش کنم و چهار صفت است که در هر مؤمن

رزق و خیانت

که باشد

که باشد خدای تعالی او را در اعلی علیین در بالاترین غرفها شرف و کرامت ساکن گرداند کسی که یتیم را در پناه خود دارد و بجای
او پدر باشد و بر ضعفا ترحم کند و اعانت حوایج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد و با ایشان ملایمت و ملاطفت کند و خدمتی
که مملوک خود رجوع کند نیز مدد و اعانتش نماید **فصل چهارم** در بر والدین مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بر والدین
و صله رحم سکرات موت آسان گرداند و در تمام عمر پریشانی دفع کند و بر والدین روز قیامت آید بقوت و قدرت تمام فرزند
صاحب بر را بر داشته داخل بهشت کند روزی جوانی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و گفت جوانم و توانایم و شوق
جهاد دارم فرمود جهاد کن که اگر کشته شوی در پیش خدا زنده باشی و از نعمتهای بهشت متنعم باشی و اگر بمیری اجر و ثواب بر خدا باشد
و اگر باز گردی از گناهان پاک گردی همچنان که از مادر متولد گشته بودی پس گفت یا رسول الله مرا والدین دارم بمن انس دارند و میخواهند
در پیش ایشان باشم فرمود پیش که یک شب انس ایشان با تو بهتر است از یکسال جهاد در راه خدا و نیز آنحضرت را صلی الله علیه و آله
همشیره بود رضاعی روزی بخدمت آنحضرت آمد چون او را دید شگفته گشت و لحاف خود را انداخت تا بر آن بنشست پس متوجه او
گشته ملاطفت و شگفتگی میفرمود و چون او رفت برادرش آمد حضرت آنمهربانی با او نفرمود از سبب آن سؤال کردند فرمود آن زن بیشتر
با والدین خود پیشتر از انیست و کسی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام معروض داشت که پدرم بسیار پیر شده و چون قضای حاجت
خواهد کسی باید بر دوشش گیرد فرمود اگر توانی خود مباشر این خدمت باش که فردا برای تو حجابی باشد از آتش و دیگر از آنحضرت سؤال
کرد که والدین من مخالف مذهبند با ایشان چون کنم فرمود نیکی کن هم چنانکه با دوستان و موالی ما میکنی هر کس با بر والدین باشد از دوزخ
ایمن باشد و در بهشت مسکن کند و هر کس عاق باشد از بهشت نومید شود و در دوزخ ماوی نماید و هر کس نگاه خشمناک بوالدین کند
و حال آنکه ایشان بر وظالم باشند نماز مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت نیابند که زنا کند و متکبر و حضرت سجاد علیه السلام مردی را دید که بر پسر خود
تکیه کرده راه میرفت بر و غضب فرموده و با او حرف نزده و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که از جمله حقوق والدین آنست که هرگاه خدمت
ایشان را بنیکوئی کنی و نگذاری که ایشان از تو سؤال کنند اگر چه مستغنی باشند بلکه ترصد احوال ایشان باشی و همین که گمان کنی که چیزی میخواهند
پیش از سؤال مهیا کرده باشی و اگر ترا برنجانند اف نگوئی و اگر بزنند نرنجانی بلکه دعا کنی و برای ایشان آمرزش طلبی و بسیار نگاه
بر روی ایشان نکنی مگر از روی رحمت و مهربانی و آواز بر ایشان بلند نکنی و دست بالای دست ایشان نداری و پیش روی ایشان نروی
و نشینی و ایشان را بنام نخوانی و برای ایشان دشنام حاصل نکنی و در همه حال اطاعتشان کنی مگر در معصیت خدا و در این حال نیز مدارا
و ملایمت کنی و اگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بروی و اگر از دنیا رفته باشند نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن از وجوه خیرات
برای ایشان بکنی و ثوابش را با ایشان هدیه کنی و هر چه کنی مثل آن برای تو نیز ثبت شود و کسی از امام محمد باقر علیه السلام پرسید که آیا هیچ چیز جزای
حق والد باشد فرمود هیچ چیز جزای آن نباشد مگر آنکه بنده باشد بخری و آزاد کنی و اگر دین داشته باشد ادا نمائی و هم از آنحضرت علیه السلام
فرمود گاه باشد که کسی در ایام حیوة والدین با ایشان بار باشد و بعد از مردن دینشان را ادا نکند و برای ایشان استغفار ننماید خدای تعالی
او را عاق نویسد و گاه باشد در حیوة عاق باشد و بعد از وفات دینشان ادا کند و استغفار نماید بار نوشته شود و کسی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

معروض داشت که پیش از آنکه باسلام مشرف شوم دختری داشتم چون بحد بلوغ رسید روزی او را زینت کرده پس بچاهی بردم و در چاهش
افکندم آیا کفاره داشته باشد فرمود مادرت زنده است گفت نه فرمود خاله ات زنده است گفت بلی فرمود با او نیکویی کن که بمنزله مادر است
تا کفاره آن شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هرچه از بر والدین بر ولد لازم است بر ایشان لازم است باید با فرزند چنان سلوک
کند که باعث بر او باشد با ایشان چنان بکند که سبب عقوق شود و رحمت خدای بر والدین که فرزند را بر بر خود دارند و لعنت خدای بر والدین
که فرزند را بر عقوق خود دارند **فصل پنجم** در صله رحم مرویست از اهل بیت علیهم السلام که از جمله حقوق دین صله رحم است اگرچه یکساله راه
باشد باید رفت اگرچه بشربت آبی یا بسلامی باشد و هر کس چیزی بر دارد و ببرد تا صله رحم کند بهر گام چهل هزار حسنه نویسند و چهل هزار سیئه محو کنند
و چهل هزار درجه بلند گردانند و اجر صد شهید نویسند و چنان باشد که صد سال عبادت کرده باشد و صله رحم رفع بلا کند و حساب قیامت
آسان گرداند و خلق نیک کند و بخیل را سخی گرداند و روزی بیفزاید و مال زیاد کند و اعمال را پاکیزه کند و سبب معموری دیار و زیادی عمر باشد تا
آنکه گاه باشد که عمر کسی سه سال باشد چون صله رحم کند سی سال باشد و گاه باشد سی سال باشد قطع رحم کند سه سال شود و رحم بعرش آویخته
میگوید خدایا وصل کن برحمت خود هر کس مرا وصل کند و قطع کن از رحمت خود هر کس مرا قطع کند و روز قیامت رحم و امانت در دو جانب
صراط ایستند چون واصل رحم و مردی امانت بگذرد داخل بهشت شکند و چون قاطع رحم و خاین امانت بگذرد سر از زیر بجهنم افکنند
و بسا باشد چون با هم مواساة و مواصلت کنند اموالشان بسیار و روزیشان وسیع شود و اگرچه همه نیکان باشند چون از هم مفارقت کنند
و قطع یکدیگر نمایند پریشان گردند و بلا در میان شان شایع شود و کسی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم رفته گفت خویشان با من بسیار
بدی و مخالفت میکنند و دشنام میدهند من هم میخواهم ترک ایشان کنم فرمود اگر این کار کنی خدای تعالی هم شما را ترک کند و از رحمت
خود قطع کند و کسی بحضرت امام جعفر صادق ع از اقربای خود شکایت کرد فرمود تو مدارا و مواصلت کن گفتم چند مدارا و مهربانی
میکنم ایشان همان بدی میکنند فرمود پس میخواهی تو هم مثل ایشان باشی تا خدای تعالی بر هیچکدام نظر نکند و دیگری بخدمت آنحضرت
رفته از برادران و عمزادگان شکایت کرد و گفت خانه را بر من تنگ کرده اند فرمود صبر کن که خدای تعالی ایشان نجات دهد راوی
گوید و بایی حاصل شد که همه ایشان هلاک گشتند پس بخدمت حضرت رفته حکایت واقعه نمودم فرمود جزای آنست که با تو
میکردند حالا راضی هستی که زنده میبودند و همان سلوک میکردند گفتم بلی واللّه و نیز مرویست که هیچ گامی برداشته نشود دوستتر
پس خدا از دو گام یکی بصفی که در راه خدا آراسته و یکی برحمی که قطع رحم کرده باشد **فصل ششم** در حق جوار مرویست از اهل
بیت علیهم السلام که از ایمان نیست کسی که همسایگی را خوب نکند خوب کردن همسایگی عمر زیاد کند و رزق بیفزاید و سبب معموری
دیار باشد و هر کس که ایمان بخدا و آخرت دارد باید همسایه را نرنجاند و مهمان را گرامی دارد و چون تکلم کند خیر گوید یا ساکت باشد
و هر کس همسایه را نرنجاند و مهمان را دارد و نیازارد خدای تعالی روز قیامت عثرات و خطاهای او را عفو کند و حضرت پیغمبر صلعم
فرموده که جبرئیل آنقدر مرا بهمسایگی وصیت نمود که گمان کردم مگر او را وارث من خواهد گردانید و نیز فرموده که ایمان بمن ندارد کسی
که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد و روز قیامت خدای تعالی نظر نکند باهل قریه که در میان ایشان خانه گرسنه باشد و حضرت

یعقوب ع

یعقوب ع مناجات نموده گفت خدایا بر من رحم نکنی چشمم را گرفتی و دو پسرم را بردی خدای تعالی فرمود اگر ایشان مرده میبودند برای
تو زنده میکردم اما تو بیاد نمی آری که فلان روز گوسفندی ذبح کردی و بریان کرده تناول نمودی و فلان همسایه ات صایم بود با و نبخشی
غذای و بعد از این هر چاشت و شام منادی حضرت یعقوب ع تا یک فرسنگ راه ندا میکرد که هر کس گرسنه باشد بخانه یعقوب
بیاید و حضرت امام موسی ع فرموده خوبی همسایگی همین نیست که همسایه را آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان کنی و هر کس یکوجب
زمین همسایه خیانت کند خدای تعالی آنرا تا زمین هفتم در روز قیامت طوق گردنش کند و هر کس همسایه را برنجاند بوی بهشت
بر و حرام شود و هر کس در ما یحتاج خانه با همسایه مضایقه کند خدای تعالی خیر و فضل خود روز قیامت از و بر دارد و او را بخودش
واگذارد و هیچ عذرش را قبول نکند مگر آنکه همسایه چیزی بعاریه میگیرد و ضایع کند که درین وقت توان از و منع نمود **فصل هفتم**
در الفت و محبت و زیارت مومنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ای معاشر مومنان با یکدیگر الفت و محبت کنید
خیر نیست در کسی که الفت نکند و با او الفت نکنند و جمعی که برای خدا با هم دوستی و محبت کنند روز قیامت در زمین از زبرجد سبز
در سایه عرش از جانب راست بر منابر نور بنشینند و روی ایشان از آفتاب روشن تر باشد و هر کس محبت و بغض و عطا
و منعش برای خدا باشد از جمله اصفیای او باشد روزی حضرت پیغمبر صلعم از اصحاب پرسید که محکم ترین عروه های ایمان کدامست بعضی
گفتند نماز و بعضی صوم و بعضی زکوة و بعضی حج و عمره و بعضی جهاد فرمود هر یک از اینها فضل عظیمست اما نه آنست که
پرسیدم بلکه محبت و بغض است برای خدا و تولا باولیاء اللّه و تبرا از اعداء اللّه و چون دو مومن با هم ملاقات کنند آنکه محبت
بیشتر قدرش عظیم تر بود و هم از ایشان علیهم السلام فرموده اند ای مومنان با هم الفت کنید و یکدیگر را زیارت کنید
و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنید و با احادیث ما صحبت دارید که موجب حیوة دل شماست و هیچ جز ابلیس و جنودش آنقدر
جراحت نکند که زیارت مومنان چون سه مومن یا بیشتر با هم اجتماع کنند بآن عدد ملائکه با ایشان حاضر شوند پس اگر دعا کنند
آمین کنند و اگر از شری استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجت مسئلت نمایند شفیع باشند و چون مومن برای خدا نه برای غرض
دنیا برای زیارت مومنی از خانه بیرون رود و حق و حرمت او شناسد و بهر گامی که بردارد خدای تعالی بر آنش حسنه نویسند و سیئه
محو فرمایند و درجه بلند گردانند و هفتاد هزار ملک بر و موکل گردانند تا بخانه خود مراجعت کند اگرچه یکسال راه باشد و گویند خوش
باشی و خوش باد ترا بهشت و چون در خانه بکوبید درهای آسمان برایش گشوده شود و چون ملاقات و مصافحه و معانقه کنند
خدای تعالی متوجه ایشان شود و بایشان بر ملائکه مباهات فرماید و گوید ای ملائکه ببینید این دو بنده مرا که برای من چون با هم محبت
میکنند لازم شد بر من که بعد از این ایشانرا بآتش عذاب نکنم و چون بخانه داخل شود فرماید ای بنده من تعظیم حق و
متابعت سنت من کردی اگر سوال کنی عطا نمایم و اگر دعا کنی اجابت فرمایم و اگر ساکت باشی خود ابتدا کنم و چون مراجعت
کند بعدد هر نفسی که کشیده و گامی که برداشته و کلامی که گفته ملائکه با و متابعت کنند و تا آنروز از سال آینده از بلاهای دنیا و آخرت
محافظتش نمایند و اگر درین سال بمیرد از حساب فارغ باشد و چون داخل خانه خود شود خدای تعالی فرماید ای شخصی که تعظیم حق

ومتابعت سنت من کردی اگر سؤال کنی عطا نمایم واگر دعا کنی اجابت فرمایم واگر ساکت باشی خود ابتدا کنم وچون مراجعت کند بعدد
هر نفسی که کشیده وگامی که برداشته وکلامی که گفته ملائکه با و متابعت کنند وتا آن روز از سال آینده از بلاهای دنیا وآخرت محافظت نمایند
واگر درین سال بمیرد از حساب فارغ باشد وچون داخل خانه خود شود خدای تعالی فرماید ای بندهٔ من که تعظیم حق من کردی بهشت بر تو
واجب گردانیدم وترا از بندگان شفیع خود کردم واگر آنکس نیز حق ایشان را چنین بشناسد برای او نیز مثل این اجر ثابت شود وخدای تعالی
را بهشتی است که هیچ کس داخل آن نشود مگر کسی که کسی از خود انصاف دهد وکسی که زیارت برادر مؤمن خود برای خدا وکسی
که برادر مؤمن را در خیر بر خود اختیار کند وزیارت یک مؤمن برای خدا بهتر است از آنکه ده بندهٔ مؤمن آزاد کند حضرت امام
جعفر صادق عم از کسی پرسید که میان شما و بصره چند روز راه است گفت از دریا گفت از دریا اگر باد مخالف باشد پنج روز واز
خشکی هشت روز فرمود چه نزدیک بوده برادران مؤمن یکدیگر را ببینند وعهد تازه کنند که روز قیامت هر کس را گواهی در
کار است که شهادت برد ایشان دهد واگر مؤمنی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانهٔ کسی رود واو در خانه باشد واذن ندهد در لعنت
خدا باشد تا وقتی که با هم ملاقات کنند وهر کس میان خود ومؤمنی حجابی ومعانی گذارد خدای تعالی میان او وبهشت هفتاد هزار
بار نصیب کند که میان هر دو بار هزار سال راه باشد وحضرت امام محمد باقر عم فرمود که شیطان همیشه میان مؤمنان نزاع وفساد میکند
پس خدا رحمت کند بر کسی که میان دو دوست الفت واصلاح کند وحضرت صادق عم فرمود میان دو کس اصلاح کنم دوستتر
دارم که دو دینار طلا تصدق کنم وحضرت صادق عم فرمود میان دو کس از هم برنجش مفارقت وهجرت کنند یکی از ایشان
وگاه باشد هر دو مستوجب لعنت شوند وبرائت از دین شوند کسی گفت جعلنی الله فداک شاید یکی مظلوم باشد فرمود باید
تقصیر خود را بخود نسبت دهد وعذرخواهی کند ونگذارد که مهاجرت واقع شود وهر هفته دو روز مقرر است که اعمال عباد را
بر خدای تعالی عرض کنند چون میان دو کس رنجش وعداوت باشد اعمال ایشان را واگذارند تا وقتی که صلح کنند وچون دو
کس از هم سه روز هجرت کنند وصلح نکنند ولایت اسلام در میان ایشان منقطع شود ودر روایت دیگر آمده که هر کس بیشتر
از سه روز هجرت کند دوزخ باو اولی باشد وهر کدام سبقت بصلح کند سبقت بجنت کند وهر کس در اصلاح میان مرد وزن
سعی کند اجر هزار شهید یابد وهر گامی که بردارد وکلامی که گوید یک عبادت نویسند یا روزهٔ روزها وقیام شبها

فصل هشتم

در آداب ملاقات ومجالست مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شما بوسعت مال با مردم بر نیایید بشگفتگی وطلاقت
وجه ملاقات کنید سه صفت است که هر کس یکی ازین متصف باشد بهشت او را واجب باشد طلاقت وجه وانصاف وجود
در پریشانی ونیز مرویست که اصطناع معروف وحسن بشر موجب دخول بهشت ومحبت وبخل وعبوس موجب دخول
نار ودوری از خداست واول ملاقات سلام است ومرویست که اگر کسی پیش از سلام حرف گوید جوابش مگویید وچون
دو کس بر هم سلام کنند میان ایشان هفتاد حسنه قسمت شود شصت ونه حسنه از آنکه ابتدا کند ویکی از آنکه جواب
گوید واگر کسی بر ده کس از مسلمین سلام کند چنانست که بندهٔ آزاد کرده باشد وسنت است افشای سلام یعنی هر کس رسد

سلام

سلام دهد واگر چه ظالم باشد که سلام خدا بر ظالمان نرسد بخیل ترین مردم کسیست که در سلام بخل کند مرویست که شبها که مردم در خواب‌اند
برخاسته نماز کنید وبا مردم بملایمت گفتگو کنید وافشای سلام کنید تا بسلامت به بهشت روید وهر کس در سلام غنی را بر فقیر
امتیاز دهد مستوجب غضب خدا باشد وسلام بلند باید گفت تا بشنود ومگویید که سلام کردم جواب نگفتی که شاید نشنوانیده
باشد وچون جواب گویید بلند گویید تا نگوید که جواب سلام نگفتی وهر کس سلام علیکم گوید ده حسنه داشته باشد واگر ورحمة الله
نیز اضافه کند بیست حسنه واگر وبرکاته نیز اضافه سی حسنه ومرویست که سلام ودعای عطسه ودعای اگر کسی باکید بصیغهٔ جمع بگویید
اگر چه یک کس باشد که با هر کس جمعی از ملائکه باشند وچون بر ملائکه سلام کنی ایشان جواب گویند وکسی که ملک بر او سلام کند
از عذاب خدا بسلامت باشد مثلا السلام علیکم ورحمکم الله وعافاکم الله بگویید وادب اینست که سواره بر پیاده واسب سوار
بر استر سوار واستر سوار بر الاغ سوار وایستاده بر نشسته وصغیر بر کبیر وقلیل بر کثیر سلام کند وبر چند کس سلام نباید کرد یهود
وصاحب شطرنج ونرد وهاجر بفسق ومخنث وشاعری که زنان عفیفه را هجو کند وربا خوار وکسی که مشغول قضای حاجت
باشد وزنان وکسی که در نماز باشد یا در حمام باشد وچون سلام یا تحیتی دیگر کنند مستحبست آنکه احسن از آن باشد
واقلش آنکه بهمان قدر تلافی کند وچون کسی سلام علیکم گوید احسن آنست ورحمة الله اضافه کنند واگر آنرا نیز گفته باشد وبرکاته
اضافه کند واگر آنرا نیز بگوید همین را تمام بگوید وروایت دیگر آمده که درین صورت وعلیک تنها توان اکتفا نمود اما زیاده
ازین مخالف سنت است مرویست که کسی بحضرت امیر المؤمنین عم سلام کرد لفظ ومغفرته ورضوانه افزود حضرت او را
نهی فرمود واگر از کسی سلام رسانند جواب بگوید وعلیک وعلیه السلام واکتفا بعلیه السلام نیز مجزی بود مرویست که جواب
کتابت نیز مثل جواب سلام واجب است ومعنی سلام جواب است اینست که تو بسلامتی وبا خدای تعالی عهد کردم که غیبت
تو نکنم وعیب تو نگویم وچون دو مؤمن با هم ملاقات کنند ومصافحه نمایند گناهان هر دو بریزد مثل برگ از درخت تا آنکه هیچ
نماند خدای تعالی بایشان نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند وصد رحمت برایشان فرستد نود ونه از آن باشد که محبتش بیشتر وخدای
تعالی او را مصافحه فرماید وآنکه مکث بیشتر کند ودست بیشتر نگاه دارد اجرش از آن دیگر بیشتر باشد وحد سلام ومصافحه هر اول
ملاقات بعد از هر غیبتی اگر چه بر دور درختی بگردد یا چند گام از هم جدا شوند ومرویست که تمام تحیت برای مقیم مصافحه وتمام
تسلیم بر مسافر معانقه است وچون دو مؤمن معانقه کنند رحمت ایشان را فرو گیرد وچون در پیش هم توقف کنند وقصد
وغرض دنیوی در میان ایشان نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما آمرزیده شد اعمال از سر گیرید وچون شروع در گفتگو کنند ملائکه
حفظه با هم گویند بیایید بکناری رویم که شاید ایشان را با هم ستری باشد واگر خویشان ومؤمنان یکدیگر را بوسه کنند باید روی هم را
ببوسند وبوسه بر لب نشاید مگر زوجه وطفل صغیر را ودست بوسیدن نشاید مگر پیغمبر را یا وصی او را ودر روایتی دیگر آمده که دست کسی را
بوسیدن چنان است که نماز برای او کرده باشد یعنی بندگی او کرده باشد وهر کس در مجلس بمکانی کمتر از رتبه شرف خود راضی
شود خدا وملائکه بر او صلوات فرستند تا وقتی که برخیزد مرویست که نجاد کسی را بهر اکرامی که کند قبول کنید مگر بالانشستن

ودیگر آمده که هر جا صاحب خانه گوید بنشین که او عیوب خانه خود را بهتر میداند و توفیق میان این دو حدیث والله اعلم الراسخون
فی العلم باین توان کرد که اگر معلوم باشد که غرض صاحب خانه محض تکلف است قبول نباید کرد و اگر نه اطاعت باید نمود چنانکه لفظ اکرام
و عیوب مشعر است بآن و بهترین مجالس آنست که روی بقبله باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سه هیئت می
نشست یکی دو زانو دوم آنکه ساقها را از زمین بردارد و دستها را از پیش ساق گذرانیده بر ساعد گیرد سیم آنکه یک پا بر سر پای
دیگر گذاشته و احادیث متعدد آمده که بعضی ائمه طاهرین باین هیئت نشسته بودند کسی گفت این وضع نشستن مکروه است فرمودند این قول
یهود است که میگویند خدای تعالی چون از خلق سموات و ارض فارغ شد چنین نشست که استراحت کند و من برای حالت چنین نشسته
ام و خدای تعالی را ملالت نمی باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم هرگز مربع ننشسته و خدای تعالی مربع نشستن دارد و مرویست که اگر
با یهود نشیند هم نشینی او را نیکو کنید و چون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و جا بگشائید که تعظیم در مجلس برکت و در وقت
رفتن تعظیم نکنید مثل عجم و در تابستان میان هر دو کس در مقدار نشستن مقدار یک ذرع فاصله باید گذاشت که گرما آزار نکند و اگر در اثنای
حرف مومنی در آید خیانت که روی او را خراشیده باشد و در هر وقت نشستن بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد
و آله خدای تعالی ملکی بر او موکل کند که در آن مجلس او را از غیبت کردن حفظ کند و اگر وقت برخواستن بگوید بر اهل مجلس موکل فرماید
که ایشان را از غیبت منع کند و هر که وقت برخواستن بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین
و الحمد لله رب العالمین کفاره آن مجلس باشد و بعدد هر مسلمی او را حسنه باشد و خدای تعالی به بیشترین کیلها ثوابش کیل کند

فصل هشتم

در سکوت و کلام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سکوت بابیست از ابواب حکمت و جلب محبت
کند و دلیل هر خیر است و شیعیان ما همه لال باشند و کسی حقیقت ایمان را نشناسد تا زبان از لغو نه بندد و نجات مومن در حفظ زبانست
و زبان کلید هر خیر و شر است پس زبان را مهر کنید همچنانکه زر و مال را مهر میکنید و مومن تا ساکت است محسن نوشته شود و چون تکلم کند
محسن باشد یا مسیء و کسی که کلام را از جمله اعمال خود نشمرد و اعمالش خطای بسیار باشد و عذابش مهیا بود و هر کس کلام خود را از جمله اعمال شناسد
تکلم نکند مگر آنکه نافع باشد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه بر کسی گذشت که حرفهای لغو بیفایده میگفت فرمود ای مرد هر چه
میگوئی ملکین مینویسند و بر خدای تو عرض میکنند ترک بیهوده کن و سخنی گوی که نفعی در آن باشد و شرم دار از آنکه چون نامه اعمال
تو بر خدا معروض شود این نوع سخنان در و باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بکسی گفت میخواهی چیزی تعلیمت کنم که بآن داخل
بهشت شوی گفت بلی فرمود سخاوت پیشه کن گفت شاید من محتاج تر باشم فرمود مظلوم را نصرت کن گفت شاید عاجزتر باشم
فرمود جاهلان را هدایت کن گفت شاید جاهل تر باشم فرمود زبان ببند مگر از خیر بعد از آن فرمود نمیخواهی یکی از این صفات در تو
باشد که ترا به بهشت برد و هم آنحضرت صلعم فرمود خدای تعالی زبان را عذاب کند که هیچ عضوی را نکند چه بسا باشد که کلامی از زبان
بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خونها بآن ریخته شود و فرجهای حرام بحرمت گردد و سخن گفتن بحق افضل است از سکوت
در باطل و هر کس زبانش را سکوت باشد عملش پاکیزه شود و مرویست که بنماز و روزه و طول رکوع و سجود مردم فریفته مشوید که

بسا باشد

۱۲

که بسا باشد آن عادتی باشد که ترکش موجب وحشت باشد بلکه قدر عقل و صدق کلام و ادای امانتش را نظر کنید و مرویست که بسا بنده
آنقدر راست گوید که خدای تعالی او را از جمله صدیقان نویسد و بسا بنده که آنقدر دروغ گوید که از جمله کذابین نوشته شود و هیچ
کس لذت ایمان نیابد تا دروغ را مطلقا عمد و هزلش را ترک نکند و کذب ایمان را خراب کند خدای تعالی بر هر شر قفلی زده و کلید همه آنها
شراب را گردانیده و کذب بدتر است از شراب و روز قیامت از هر کذب سوال کنند مگر سه کذب یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم گویند
دوم آنکه برای اصلاح میان دو کس گفته شود سیم آنکه کسی با اهل خود وعده کند و اراده کردن آن نداشته باشد و چون کسی گوید والله
که خدا فلانی را نیامرزد خدای تعالی فرماید کیست که از جانب من قسم میخورد که او را نیامرزم او را آمرزیدم و عمل این را باطل کردم و اگر کسی
لعنت کند باستحقاق برگردش دهند اگر چنان باشد راست گفته باشد گوینده باز گردد و اگر مومنی را فحش گوید خدای تعالی برکت
از رزقش برگیرد و معیشتش را فاسد گرداند و نظر رحمت و تربیت از او بردارد و اگر در روی مومنی طعن کند بدترین و
جهی بمیرد و سزاوار آن باشد و هرگز بخیر باز نگردد و بهشت بر هر فحاش حرام است که پروا نکند از هر چه گوید و باو گویند و مرویست که چنین کسی
را اگر تفتیش کنی ولد الزنا یا شرک شیطان باشد و خدای تعالی دشمن دارد فحاش سخت گو را بدترین مردم کیست که از ترس
زبانش اکرامش کنند و مجالستش را ناخوش دارد و هر کس از زبانش ترسند منزلش آتش باشد و بدترین مردم کسیست که طعام خود را
تنها خورد و عطایش منع کند و مملوکش بسیار بزند و بدتر از و کسی که بخیرش امیدوار و از شرش ایمن نباشی و بدتر از و فحشی
که چون کسی پیش او مذکور شود لعن کند و چون او پیش مردم مذکور شود لعنتش کنند و حضرت صادق علیه السلام را دوستی بود که هرگز
از خدمتش مفارقت نمی نمود روزی در خدمت آنحضرت براهی میرفت و غلامی همراه داشت چند مرتبه نگاه کرد او را ندید
مرتبه دیگر نگاه کرد آمده بود گفت یا ابن الفاعلة کجا بودی پس حضرت دست بر روی مبارک زده فرمود سبحان الله مادرش
را دشنام میدهی تو خود را متورع مینمودی معلوم شد که ورعی نداشته گفت جعلت فداک مادرش مشرکست فرمود باشد
نمیدانی که هر قومی در میان نکاحی دارند که خود را از زنا باز دارند دور شو از من راوی گوید دیگر او را در خدمت آنحضرت ندیدم
تا از دنیا رفت و خدای تعالی دوست دارد مزاح را که در آن فحش نباشد و مزاح از حسن خلقست و سبب سرور مومنان باشد
و کثرت مزاح با آنکه متضمن فحش یا کذب یا استهزاء و مجملا متضمن قبیح و باطلی باشد وقار و آب رو و نور ایمان ببرد و مورث
استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض و کینه شود و گاه باشد که کسی کلمه گوید که مردم را بخنداند بقدر ما بین زمین و آسمان
دور از بهشت گردانند و در دوزخ اندازند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود وای بر کسی که دروغ گوید تا مردم بخندانند
و بعد از آن سه مرتبه فرمود وای برو و کثرت ضحک دین را بگدازد چنانکه آب نمک را و آبرو ببرد و در روایت دیگر آمده که هر کس
یکمرتبه خنده کند یک دهن از عقلش تف کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی که خنده و لغوش بسیار باشد
در روز قیامت گریه اش بسیار باشد و بسا کسی که از بیم گناهان گریه اش بسیار باشد در بهشت خنده و سرورش بسیار بود فرمود
ای صاحب عملها و سوای شرم داری از خنده دندان نما وای که بسیار کرده سیئات تا ایمن مباش از کمین حادثات روزگار

فصل دهم در اکرام و توقیر مؤمن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام هرکس مؤمنی را اکرام کند اوّل خدا را اکرام کرده باشد
و روی شیطان را خراشیده و دلش جراحت شود و هرکس بروی مؤمن تبسم کند بر ایشان حسنه ثبت شود و اگر کثافتی از ریشش بردارد
ده حسنه ثبت شود و اگر بمؤمن بگوید مرحبا خدای تعالی تا روز قیامت برای او رحمت نویسد و اگر با و بنحوی از انحا ملاطفت کند از خدام
جنت عطا فرماید و اگر کلامی گوید که موجب شگفتگی مؤمنی باشد در سایهٔ رحمت خدا باشد و اگر کثافتی از راه مؤمنی بردارد اجر قراءت چهار صد آیه
از قرآن یابد که هر حرف از آن ده حسنه است و اگر مؤمن را بمجلس یا بمتکا یا طعام یا جامه یا بسلام یا غیر آن ملاطفت و اکرام کند بهشت از جا
درآید که مکافات آن کند پس خدای تعالی فرماید من نعمتهای ترا بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر نبی یا وصی و چون روز قیامت شود فرمود امروز
اولیای مرا مکافات کن پس حور و غلمان از بهشت بیرون آیند و در دست طبقهای پر از نعمتهای گوناگون سرهای آن بدر و لؤلؤ و جواهر پوشیده
چون بهشت و نعمتهای آنرا بینند عقلشان پرواز کند و چون جهنم را به بینند و از هول آن دست نتوانند دراز کرد پس از جانب عرش
ندا آید که بخورید هر کس طعام بهشت بخورد دوزخ بروی حرام شود پس دست دراز کرده تناول کنند و هرکس جمعی از مؤمنان را خدمت کند
بآن عدد از خدام جنت عطا فرماید و خادم مؤمنان در طاعت خدا را وحشت را در قبر نگذارند بلکه پیش خدای تعالی برند و انیس باشند تا روز
قیامت و هرکس مؤمنی محاسن سفید را تعظیم و توقیر کند از فزع روز قیامت ایمن گردد و اگر با او استخفاف کند خدای تعالی کسی را بر و مسلط
کرداند که با او استخفاف کند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود از ما نیست کسی که کبیر ما را توقیر و صغیر ما را ترحم نکند و هرکس مؤمنی فقیر را غیر
فقیر را تحقیر کند خدای تعالی او را دشمن دارد و تحقیر کند تا آنچه کرده برگردد و تلافی کند و هرکس مؤمنی را بسبب فقرش تحقیر کند
خدای تعالی روز قیامت او را در میان خلایق رسوا کند **فصل یازدهم** در سرور مؤمنان و قضای حاجت ایشان مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هیچ کس عبادت خدا نکرد بچیزی افضل از سرور مؤمن که ادای دینش کند یا گرسنه اش سیر کند یا غیر آن و هر چند عظیم
تر بود ثوابش عظیم تر باشد و هرکس مؤمنی را مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کند و خدا و پیغمبر خدا و ائمه هدا صلواة الله علیهم
مسرور کرده باشد و همچنین اگر مؤمنی را آزرده کند ایشانرا آزرده کرده باشد سرور مؤمن هزار هزار حسنه باشد خدای تعالی در مناجات
بحضرت موسی فرمود که هرکس مؤمن را مسرور کند در بهشت او را امیر و حاکم کردانم و حضرت پیغمبر صلعم فرموده دل مؤمن عرش خداست
هرکس دل مؤمن را خوش کند خدای تعالی فرشته خلق کند که هزار بدن داشته باشد در هر بدن هزار سر در هر سر هزار رو و در هر رو هزار دهن
در هر دهن هزار زبان با هر زبان بهزار لغت برای آنکس خدای تعالی تسبیح کند و استغفار کند تا روز قیامت و مرویست که مؤمنی
در مملکت جباری بود از جور و ظلم او گریخته بدیار اهل شرک رفت مشرکی او را بخانه برده مهمانی کرد چون از دنیا رفت خدای تعالی
فرمود اگر تو مشرک نبودی ترا در بهشت جا میدادم اما بهشت بر مشرکان حرامست پس بآتش دوزخ فرمود که او را بلرزان و نسوزان
و هر صبح و شام رزقش را فرستد روای کو بیدبر سیوم که رزقش از بهشت آید حضرت امام علیه السلام فرمود از هر جا خدا
خواهد و هرکس دفع مضرت آبی یا آتشی از مؤمنان کند بهشت او را واجب شود و هرکس غمی و شدتی از مؤمن بردارد خدای
تعالی هفتاد و دو رحمت برایش ذخیره کند یکی را در دنیا تعجیل کند که امر معیشتش را بآن صلاح نماید و هفتاد و یکی را برای اهوال روز

قیامت

۱۳

قیامت ذخیره فرماید و روز قیامت مطمئن خاطر محشور گردد و هرکس عورت و عیب مؤمنی بپوشد خدای تعالی هفتاد عیب
در دنیا و آخرت بر و بپوشد و هرکس قضای حاجتی مؤمن کند خدای تعالی روز قیامت هزار حاجت را بر آرد که اوّل آنها این باشد
که او و اقربا و آشنایان و دوستانش را به بهشت برده اگر ناصبی نباشد و قضای حاجت مؤمن بهتر است از آنکه ده بنده آزاد
کند و هزار اسب در راه خدا بجهاد فرستد و افضل است از بیست حج که در هر حج هزار درهم صرف کند و در روایات دیگر آمده که یک طواف
خانه کعبه شش هزار حسنه است و شش هزار سیئه محو شود و شش هزار درجه بلند شود و در روایات دیگر شش هزار حاجت بر آورده
شود و چون بهشش کمتر رسد هفت در از درهای بهشت برایش گشوده گردد و قضای حاجت مؤمن افضل است از ده چنین
طواف و هرکس حاجتی مؤمنی بر او رسد و قادر بر قضای آن نباشد و از این جهت دلگیر شود خدای تعالی بسبب آن دلگیر شود خدای
تعالی بسبب آن دلگیری او را بهشت عطا فرماید و هرکس سعی حاجت مؤمن کند هزار هزار حسنه برایش نوشته شود که در آن میان اقربا
و همسایگان و احبا و آشنایان آمرزیده شوند و بهر گامی که کسی در حاجت مؤمن بردارد حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد و درجه
بلند شود و اگر آن حاجت در دست او بر آید ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام داشته باشد و اگر
بر نیاید ثواب یک حج و یک عمره داشته باشد روزی حضرت امام حسن علیه السلام در اعتکاف بود مردی آمده از کسی شکایت کرد و التماس
کرد که در بارهٔ من با او گفتگو کن حضرت برخواسته روانه گشت کسی گفت یا ابن رسول الله مگر فراموش کردی که اعتکاف داری فرمود
فراموش نکردم اما کسی که سعی در حاجت مؤمن کند همچنانست که نه هزار سال عبادت کرده که روزها روزه داشته و شبها بنماز برخواسته
و هرکس اعانت مؤمنی کند خدای تعالی هفتاد و سه غم و غصه از و بر گیرد یکی در دنیا و هفتاد و دو در روز قیامت که هرکس بحال خود
درمانده باشد و هرکس دست عاجزی گرفته بخانه یا مسجد یا حاجتی دیگر ببرد بهر گامی که بردارد و بگذارد عتق رقبه نوشته شود
و ملائکه بر و صلوات فرستند و هرکس حاجت عاجزی کفایت کند خدا او را برات از نفاق و از آتش عطا فرماید و هفتاد
هزار حاجتش را بر آورد و مستغرق رحمت گرداند تا از آن کار فارغ شود و هرکس قادر بر قضای حاجت مؤمن باشد و نکند
خدای تعالی در قبر ماری عظیم بر و مسلط گرداند که او را میگزیده باشد تا روز قیامت بعد از آن اگر خواهد بخشد و گرنه عذابش کند
و اگر صاحب حاجتش او را معذور دارد حالش دیگر بدتر باشد و روایت دیگر آمده که هرکس حاجت مؤمنی را از خود یا از دیگری
منع کند و قادر در آن باشد روز قیامت روسیاه ازرق چشم دستها بر گردن بسته محشور شود پس چون او را بینند گویند
اینست که با خدا و با رسول خدا خیانت کرده پس در آتش افکنند و هرکس قادر بر اعانت مؤمن باشد و نکند مثلا با عانت
دشمنان خدا شود و روز قیامت بر آن معذب باشد و هرکس را خانهٔ باشد و از مؤمن محتاج مضایقه کند خدای تعالی فرماید
ای ملائکه ببینید که بندهٔ من چون در خانه با بندهٔ من بخل ورزید بعزت و جلال خودم که هرگز در بهشت مسکن نکند
فصل دوازدهم در رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال مرویست از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین
که هرکس با حکم و امر خدا استخفاف و بی اعتنائی نماید خدای تعالی روز قیامت با او استخفاف و بی اعتنائی خدای تعالی در مردل

نوری آفریده چون کسی گناهی کند ظلمتی در دلش بهم رسد اگر توبه کند آن ظلمت زایل شود و همان نور عود کند و اگر همچنان معصیت میکرده
باشد مرتبه مرتبه ظلمت زیاده شود تا نور را بپوشد و تمام دل سیاه و ظلمانی گردد و چون نعوذ بالله چنین شود هرگز اصلاح نپذیرد
و نجاة نیابد و بسیار باشد که بنده گناهی کند خدای تعالی فرماید بعزت خودم که بعد از این هرگز نیامرزم و بسیار باشد روز قیامت بنده را
برای یک گناه صد سال حبس کند و اهل و عیال و دوستان خود را ببیند که در روضات جنات مشغول نعمت و عشرت شده و هر کس ترک
فریضه یا ارتکاب کبیره کند اطاعت شیطان کرده باشد و با او در جهنم باشد و هر کس حکم حلال و حرام قرآن داند و برای محبت و شهوت
دنیا مخالفت آن کند مستوجب سخط الهی گردد و با یهود و نصاری در یک درجه باشد و خانه که در آن معصیت کنند لازم است
بر خدای تعالی که آنرا خراب کند و معاصی مورث فقر و حاجت و حرمان رزق و زوال نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله
و طاعون و قحط و انقطاع باران و ظلمت هوا و سایر مکاره و بلایا شود و موجب علل و امراض و اوجاع و اسقام و حسرت و ندامت
و تسلط اعدا و کم آبی رودها و چشمهها و آفات مزارع و باغها و زیان تجارات و معاملات گردد و رد دعا کند و بسیار باشد که بنده
دعا کند و خدای تعالی تقدیر اجابت آن فرماید پس بنده معصیتی کند و خدای تعالی فرماید بنده من متعرض غضب من گشت و مستوجب
حرمان شد محرومش کنید و قضای حاجتش مکنید و اگر معاصی شایع شود ابرار و اخیار دعا کنند مستجاب نگردد و هر بلیه و مصیبت
و کدورت و مشقت که بآدمی رسد عقوبت گناهانش باشد حتی اگر خاری در پایش رود یا رگی در بدنش جهد یا آنکه اگر گناهانش بفضل
و رحمت الهی عفو شود مگر اولیاء الله که بلاهای ایشان برای زیادتی ثواب و درجات است و چون خدای تعالی با بنده اراده خیر و رحمت
داشته باشد هرگاه گناه کند در عقب آن آنرا بعقوبت و بلیه جزا دهد تا توبه و استغفار نماید و گناهانش بیامرزد و اگر با بنده اراده
غضب و عذاب داشته باشد او را استدراج کند یعنی نعمتهای پی در پی نوازش نماید تا درجه درجه مرتبه مرتبه گناهانش زیاد و مغرور
گردد و استغفار و توبه را فراموش کند کسی بحضرت صادق علیه السلام معروض داشته که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمودم و همیشه
دعایم مستجاب شد می ترسم استدراج باشد فرمود والله که اگر حمد و شکر کنی استدراج نبود و چون خدای تعالی با بنده نظر رحمت
داشته باشد عقوبات گناهانش در دنیا یا در سکرات موت یا در قبر و عالم برزخ بحسب تفاوت مراتب گناهان کند تا روز
قیامت از گناه پاک باشد حتی آنکه غم و هم و کدورت و اندوهی او را رسد یا خوابی ببیند که از آن غمگین شود گناهانش بیامرزد و اگر
با کسی نظر غضب داشته باشد حسنات که کرده باشد در دنیا بنعمت و صحت و غیر آن از نیکی مکافات فرماید و عقوبات گناهانش
را بقیامت گذارد و بسیار باشد که مؤمنی گناه عظیم کند که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت شود و خدای تعالی برای مصلحت او
عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند و گاه باشد که در دنیا تقدیر مصایب و بلایا نموده باشد و چون کثرت عبادت و طاعتش
را بیند بر او رحم فرموده مصایب و بلایا را بعد از آن که مقدر شده رفع فرماید و ثواب آن بلایا را نیز ذخیره روز قیامت کند
و هیچ گناه را سهل و حقیر نباید انگاشت مثل آنکه گوید گناه میکنم بعد از آن استغفار خواهم کرد یا گوید کاش غیر از این گناه نمیدانستم
یا کاش همه گناهان من مثل این میبود یا غیر آن که گناه که حقیر انگاشته شود آمرزیده نشود و هیچ طاعتی مقبول نشود از کسی

اصرار

که اصرار بر معصیت کند هر صغیره که بر آن اصرار کنند کبیره شود و خدای تعالی بر هر بنده چهل پرده از رحمت پوشیده که کسی بر گناهان و عیوبش
اطلاع نیابد چون چهل کبیره کند پرده ها همه برخواسته شود پس خدای تعالی ملائکه را فرماید که ببالهای خود او را بپوشند و اگر همان معاصی
و قبایح میکرده باشد تا جائی که فعل قبیح کند و آنرا احسن پندارد و توقع مدح داشته باشد فرماید تا ملائکه بالهای خود از او بردارند
پس بعد از آن شروع در بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلام کند و گناه سه قسم است یکی آنکه البته آمرزیده شود و آن گناه
ایست که خدای تعالی در دنیا عقوبت آن کرده و کریمتر از آن است که یک گناه را دو مرتبه عقوبت کند پس در آخرت آنرا بیامرزد
دوم مظالم عباد اگرچه کسی دستی بظلم بر کسی زند یا حیوانی شاخدار بر حیوانی بیشاخ کله زند که خدای تعالی البته انتقام آن بکشد سیم گناه
که کسی کند و از آن توبه نماید و ترسان باشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد و حضرت امام علیه السلام فرمود ما نیز مثل خود بشر برو
میترسیم و امید مغفرت داریم و با اهل معاصی در مجلس ایشان که قادر بر دفع آن نباشد نباید نشست که مبادا غضب و عذاب
بر ایشان نازل شود و او را نیز در آن میان فرو گیرد حضرت امام علیه السلام بیکی از اصحاب فرمود ترا در پیش فلانی دیدم آنجا چه میکنی
گفت او خالوی منست فرمود او معصیت خدا میکند یا باید ترک ما کنی و پیش او روی یا پیش ما آئی و ترک او نمائی گفت هرگاه
آنجا او میکند من نکنم چه ضرر دارد فرمود نمیترسی که بر او غضبی نازل شود و ترا هم با او بگیرد نمیدانی مردی از اصحاب موسی که پدرش
از قوم فرعون بود چون فرعونیان بموسی رسیدند آمد و ایستاد که پدر خود را موعظه نموده و پیش موسی برد چون بدریا رسیدند آب
همه را گرفت و غرق شدند حتی آنکه خدای تعالی جعل را در سوراخش عذاب کند که چرا از جمله اهل معاصی بیرون نیامدی

فصل سیزدهم

در رذایل بعضی معاصی و مناهی بر سبیل تفصیل مرویست از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم
اجمعین که هر کس را آخرت و دنیای میسر شود اگر اختیار آخرت کند خدا از او راضی شود و سیئات اعمالش را بیامرزد و اگر
اختیار دنیا کند صبح حسنه او را نباشد که جیفه سا و از آتش شود و اول چیزی که بسبب معصیت خدا باشد شش چیز است
حب دنیا و حب ریاست و حب طعام و حب خواب و حب راحت و حب زنان و گرگ در گله بی راعی آنقدر ضرر نکند
که محبت دنیا و جاه و شرف و بزرگی دنیا در دین مؤمن ملعونست هر کس ریاست کند و هر کسی اراده آن نیز کند و هر کس
آنرا هم بخاطر گذراند و هر چه از دنیا زیاده بر قدر کفاف باشد ملعونست حضرت عیسی علیه السلام بقریه گذشت که همه اهل آن و
دواب و طیورش هلاک گشته و دفن نکرده افتاده بودند بر بلندی بر آمده ایشانرا آواز کرد یکی از ایشان جواب گفت
فرمود اعمال شما چه بود که چنین مبتلا شدید گفت اطاعت اهل معاصی و حب دنیا و طول امل و خوف قلیل و غفلت
از خدا و شغل لهو و لعب فرمود عاقبت شما چون شد گفت در عین نعمت و عافیت بودیم ناگاه خود را در هاویه دیدیم
فرمود هاویه چیست گفت کوههای آتش که برپا افروخته اند و هر چند تضرع میکنیم که یکبار دیگر ما را بدنیا برید تا زهد ورزیم
و طاعت کنیم میگویند دروغ میگوئید فرمود چرا دیگری غیر تو جواب نگفت گفت ایشان همه را با آتش لجام کرده اند که تکلم
نتوانند کرد و من در میان ایشان بودم اما از ایشان نبودم مرا بموئی در کنار جهنم آویخته اند نمیدانم خواهم افتاد یا نجات خواهم

یافت و هر کس مال حرام کسب کند و یا لقمه حرام بخورد یا جامه حرام بپوشد هیچ طاعت از و مقبول نشود نه فریضه و نه نافله و بقدر
آن روز بر و بنویسند و هر چه از آن مال بعد از و بماند توشه جهنمش باشد و هر کس پروا نکند که مال را از کجا تحصیل میکند خدا نیز پروا
نکند که از کجا بجهنم رود و هر کس را لقمه ور باشد و از ترس خدا دست بردارد خدای تعالی دوست دارد او را و او رحمت خود شامل
او کند و از اهل بهشت گرداند و ترک یک لقمه حرام بهتر است از دو هزار رکعت نماز و رد یک دانگ مال حرام برابر است با هفتاد
حج مقبول و لعن کرده کسی را که ربا دهد و کسی که بگیرد و کسی که آنرا بنویسد و کسی که شاهد بر آن باشد و ربا هفتاد جزو است
سهل ترین آن مثل آنست که کسی با مادر خود در خانه خدا زنا کند و یک درهم ربا عظیم تر است از هفتاد زنا که همه با خویشان
مثل عمه و خاله باشد و هیچ عبادت افضل از عفت بطن و فرج نیست که از حرام حفظ کنند و هر کس از مال یتیم چیزی
بخورد به عقوبت معذب شود یکی در دنیا که خدای تعالی ظالمی را بر اولاد وی مسلط گرداند دوم در آخرت با آتش جهنم و هیچ
خانه خیانت یا دزدی یا زنا یا شرب خمر راه نیابد مگر آنکه برکت از آن خانه زایل گردد و خراب شود و هر کس یک شربت مسکری بیا
شامد چهل روز نمازش مقبول نشود و اگر در این ایام ترک کند و عذاب مضاعف گردد و در این ایام توبه اش مقبول نشود
و اگر بمیرد کافر باشد و اگر یکبار دیگر بیاشامد خدای تعالی از چرک و ریم که در جهنم از فرج زانیان می آید باو بیاشاماند و اگر مداومت بر آن
کند مثل بت پرست باشد و شراب خوار را روز قیامت روسیاه ازرق چشم دهنش کج شده لعاب دهنش روان گشته پیشانی بر
بسته بمحشر آید بهیاتی که اهل محشر همه از و بترسند و حضرت پیغمبر صلعم ده کس را در شراب لعن فرموده کسی که تاکش را بنشاند و کسی که محافظتش
را کند و کسی که بیفشرد و کسی که بیاشامد و کسی که ساقیش شود و کسی که برای کسی ببرد و کسی که برایش ببرند و بایع و مشتری و کسی که قیمتش
را بخورد و فرموده با شارب الخمر مجالست مکنید و دختر باو مدهید و از و مخواهید و امانت باو مسپارید و عیادتش مکنید و بر جنازه
اش حاضر مشوید کسی از حضرت امام جعفر صادق عم پرسید که مردی از محبان و موالی شماست اما شراب میخورد فرمود اگر بمیرد بر و نماز مگذارید
و هر کس شراب یا مسکر دیگر داخل عرقی از عروقش شود خدای تعالی آن عرق را سیصد و شصت نوع عذاب کند و هر کس یک قطره شراب یا مسکری
دیگر بکودکی دهد خدای تعالی او را از حمیم جهنم بیاشاماند و حمیم آبیست در جهنم که چون نزدیک آرند هنوز بر لب نگذاشته از شدت حرارتش
رو پوست اندازد و هر کس یک سرمه که شراب یا مسکری دیگر در آن باشد در چشم کشد روز قیامت میلی از آتش در چشمش کشند و هر کس
ترک شراب کند نه برای خدا بلکه همین برای مصلحت خود خدای تعالی او را سیراب کند و از رحیق مختوم بنوشاند که شرابیست خاصه از شرابهای
بهشت که خدای تعالی سرش را با مشک مختوم ساخته و برای خواص خود مقرر فرموده و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که چون
سر مبارک امام حسین عم را بشام بردند یزید علیه اللعنة والعذاب فرمود که آنرا در طشتی گذاشته روپوشی بر آن انداختند و بر روی آن
شطرنج می باخت و فقاع می آشامید و دردی جامش در طشت بر زمین میریخت پس هر کس شیعه ما باشد باید از فقاع و شطرنج
اجتناب کند و هر کس چون نظرش بر فقاع و شطرنج افتد و بر یزید و آل یزید لعنت کند گناهانش آمرزیده شود و اگر چه مثل
ستاره آسمان باشد و نیز مرویست که هر شب در ماه مبارک رمضان خدای تعالی جمعی بسیار از آتش آزاد کند مگر کسی که افطار بمسکری

کند

کند یا صاحب شطرنج یا صاحب بدعتی باشد و هر چه بآن قمار کنند مثل آن بود و شیخ صدوق رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته
نزد شیعه ثابت است از شطرنج و داشتن شطرنج کفر است و بازیش شرک و تعلیمش کبیره موبقه و سلام بر کسی که بآن بازی میکند معصیت
و نظر بر آلات آن مثل نظر بر فرج مادر و هر چه بآن قمار کنند مثل این باشد حتی بازی انگشتری که کودکان و غیر آن و هر کس صنج بزند شیطان با او
رفیق شود و ملائکه بگریزند و از امام محمد باقر عم مرویست که وقتی آدم عم رحلت نمود ابلیس و قابیل به موت او شماتت نموده باهم اسباب لهو
اختراع کردند بعد از آن فرمود هر چه از این قبیل چیزها باشد که مردم از آن ملتذ شوند مثل آن بود و در خانه کسی که چهل روز بربط نوازد شیطانی
تنقذ نام بر و مسلط گردد که هر عضوی از و گذارد و در رو بدمد و بعد از آن غیرت و حیا از و زایل شود تا حدی که زنانش زنا کنند و نواختن
عود و امثال آن نفاق در دل برویاند چنانکه آب گیاه را و احادیث دیگر روایت شده که نکاح را علانیه کنید و در آن دف بزنید و شنیدن
لهو و غنا نیز نفاق برویاند چنانکه آب گیاه را و اهل این مجالس از مصیبت ایمن نباشند و دعاشان مستجاب نشود و خدای تعالی بر ایشان
نظر نکند و فرشته داخل نشود و غنا از جمله چیزهاییست که خدای تعالی فرموده که برای اهل آن عذاب مهین و مهیاست و در بهشت
درختیست که خدای تعالی باد را امر کند که آنرا حرکت کند پس بنغمه که هیچ گوش مثل آن نشنیده باشد مترنم شود برای جمعی که در دنیا
از غنا منزه باشند و کسی که اجتناب نکرده باشد از شنیدن آن محروم باشد و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند و ملعونست کسی
از کسب ایشان بخورد و بیعشان حرام و شرای ایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن از ایشان نفاق و قیمتشان سحت است و حضرت
امام محمد باقر عم فرمود گوش بر کسی کنی عبادت او کرده باشی پس اگر حق گوید عبادت خدا کرده باشی و اگر باطل گوید از شیطان گوید عبادت
شیطان و احادیث بسیار نیز در مدح صوت حسن و ترتیل قرآن بصوت خوش و رخصت ترنم وارد شده مثل آنکه خوبی نعمتی (?) است
صوت حسن و هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر با آواز خوش مثل ائمه علیهم السلام از همه کس خوش آوازتر بودند و اگر امام اندکی از حسن
صوت خود اظهار کند هیچکس تاب نیارد و حضرت سجاد عم چون تلاوت قرآن میفرمود مترددین از حسن صوتش بیهوش می
افتادند و مثل آنکه قرآن به حزن نازل شده بحزن تلاوت کنید و در قراءت قرآن ترجیع صوت کنید که خدای تعالی دوست میدارد
صوت حسن را که ترجیع کنند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود قرآن را بالحان عرب بخوانید و بالحان اهل فسوق و کبایر مخوانید و بعد
از من جمعی بیایند که قرآن را به ترجیع غنا و نوحه ترجیع کنند دلهای ایشان و جمعی که از ایشان خوش دارند برگشته است و کسی
از حضرت سجاد عم سوال نمود از خریدن جاریه خوش آواز فرمود قصوری ندارد و اگر بخری ترا بیاد بهشت اندازد و نیز اخبار
بسیار وارد شده که باکی نیست در کسب مغنیه که در عروسیها باشد نه مثل زنانیست که مردان بر ایشان وارد شوند پس از مجموع
این احادیث معلوم است که نغمه دو قسم است یکی مذموم و حرام که غنا است و توعیدات و عقوبات بر آن وارد شده دوم
ممدوح و حلال که مدایح و رخصت در شان آن آمده اما در تحقیق معیار حلال و حرام اقوال مختلف گفته اند اما آنچه این حقیر از ظاهر
قرآن مجید و مجموع احادیث وارده درین باب استنباط نموده اینست که معیار حل و حرمت حق و باطل است یعنی هر نغمه و صوت و تصنع
و تصرف که سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت بدنیا و هیجان شهوات و لذات دنیوی و آرزوهای باطل و خیالهای (?) کند

و مجلسی که سبب باطلی باشد مذموم و حرام است و هر چه منشأ رقت قلب و اشک چشم و دلسردی از دنیا و شهوات و شوق
بآخرت و باقیات صالحات و مجلسی که سبب حق باشد ممدوح و حلال است چنانکه بعضی احادیث مذکوره شد مثل امر بتلاوت قرآن
بحزن و بصوت خوش گشتن مردم از صوت امام علیه السلام بالحان عرب و نهی بالحان از اهل فسوق و یاد آوردن بهشت و رخصت کسب مغنیه
در عروسی و ظاهر قرآن و سایر اخبار بسیار نیز غنا را بآنها مشعر است بر آن از آنجمله تعبیر از غنای حرام بلفظ لهو و لعب و قول زور که
در قرآن بسیار واقع شده و از آنجمله اخبار بسیار که از ائمه اطهار علیهم السلام سؤال کرده اند از غنا فرمودند روز قیامت که خدای تعالی
حق و باطل را از هم جدا کند غنا در کدام طرف باشد سایل گفت در طرف باطل فرمودند خود محاکمه نمودی و از آنجمله که جمعی از امام علیه السلام
از غنا سؤال نمودند فرمودند شما از تعیای کرام بشنید شما را با باطل چکار است والله اعلم ثم الراسخون فی العلم چون اینجا واقف شدی بدانکه آنچه
در غنا گفته شد در ساز نتوان گفت چنانکه بعضی با نقصان توهم میکنند زیرا که اصل ساز مطلقا در دین مبین حرام است و هیچ
یک از انواع آن را رخصتی نیست بخلاف آواز خوش که اصل آن مطلقا حرمتش ثابت نیست بلکه در اصل آن حلال و حرام هر دو است
چنانکه احادیث مذکوره صریحست در آن پس فرق میان حلال و حرام بآنچه گفته شد توان نمود و ایضا باید دانست که صوتی که اصلش
حلال است کاهی بالعرض حرام شود مثلا آنکه مقرون بسیار لهو باشد و نظر آن طعام حرام است که اصلش حلال است و بالعرض حرمت
ماخذ حرام گشته و ایضا بدانکه معیار شناختن صوت حلال و حرام اینست که در اکثر طبایع اول مرتبه تهییج حق یا باطل کند اگر چه کاهی در بعضی
طبایع بسبب عادت خلاف آن باشد چنانکه معیار خوبی و بدی در طعوم و روایح اینست که اکثر طبایع را اول مرتبه خوش آید
یا بد آید و اگر کاهی بعضی طبایع را بر سبیل ندرت یا بعد از عادت از طعمی یا رایحه خوش آید یا بد آید معتبر نباشد والحمد لله رب
العالمین و چون زنا شایع شود موت فجات و اوجاع قریب که قبل از آن در میان ایشان نبوده شایع شود و زانی را خدای تعالی
شش عقوبت سه در دنیا سه در آخرت اول نور از رویش برود و بفقر مبتلا شود و اجلش نزدیک شود و سه در آخرت غضب خدا
و سختی حساب و خلود در آتش و نیز مرویست که سیصد هزار در از جهنم بقبرش کشوده شود که شعلهای آتش و عقارب و حیات
از دوزخ آید و عذاب کنند تا روز قیامت و بعد از آن بدوزخ برند و چون روز قیامت زانیان محشور شوند بوی در غایت
عفونت از فرج ایشان آید که همه اهل محشر متأذی شوند و هیچکس نماند مگر ایشان را لعن کند و هر کس با زنی نامحرم مکالمه کند برای
هر کلمه گوید هزار سال در دوزخ محبوس گردد و اگر زن برغبت خود اطاعت کند هر چه در میان ایشان گذرد گناهش مثل گناه مرد باشد و اگر
مجبور باشد گناه او نیز بر مرد نوشته میشود و هر کس چشم از نگاه حرام برکند خدای تعالی آن چشم را از آتش پر کند و هر کس بزنی نامحرم
دست آویزد او را با شیطان در زنجیر آتشین کند پس در آتش اندازند و هر کس از زنان مردم عفیف باشد مردم نیز از زنان او عفیف باشند
و هر کس از عقب زنان مردم رود مردم نیز از عقب زنان او بروند و بهر نحو با مردم معامله کند با او چنان معامله کنند حضرت پیغمبر صلعم
فرمود با فلان طایفه تزویج کنید که مردان ایشان عفیفند زنانشان نیز عفیفند و با فلان طایفه تزویج مکنید که مردانشان عفیف
نیستند زنانشان نیز خیانتند و هر کس را نظر بر زنی نامحرم افتد و چشم از او بگرداند هنوز چشم بر هم نزده باشد که او را خدای تعالی ایمانی

عطا

16

عطا فرماید که لذتش دریابد و از حور العین برایش تزویج نماید و هر کس لواطه کند یا با زنی حرام یا با مردی هیچ فریضه و نافله از او مقبول نشود
و از عفونت بدتر از اهل محشر متأذی باشند و کافر باشد و بر استبرق و حریر بهشت ننشیند و کسی که با او لواطه کنند و هر کس یک کس را
عمدا بناحق بکشد چنانست که جمیع ناس را کشته باشد و جزایش جهنم بود و خدای تعالی مقتول را از همه گناهانش پاک کند و همه را بر قاتل
نویسد و سرکش ترین مردم از خدای تعالی کسیست که کسی را بناحق بکشد یا بزند اگر اهل سموات و ارض در قتل مسلمی شریک باشند
و بآن راضی باشند خدای تعالی همه را سر بزیر در دوزخ افکند و هر کس بکلمه اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول از او مطالبه خون
خود کند و هر کس مؤمنی در حاجتش رفاقت کند و خیر آن از او را ملاحظه نکند با خدا و رسول و ائمه اطهار صلوات علیهم خیانت کرده
باشد و ایشان روز قیامت با او مخاصمت کنند و هر کس مباشر کاری برای مؤمنان شود و آن را ضایع کند خدای تعالی او را ضایع کند
و هر کس والی و امیر جمعی شود اگر چه همین ده کس باشند و میان ایشان عدل نکند روز قیامت سر دست و پا بسته در سوراخ فاسی کرده
محشورش آیند و هر والی که از رعیت و محتاج ایشان رو پنهان کند خدای تعالی روز قیامت از او و از حوایجش اعراض کند و اگر در کار
سازی ایشان هدیه بگیرد و خیانت کرده باشد و اگر در حکم حق میان ایشان رشوه بگیرد مشرک باشد و اول کسی که داخل جهنم شود
پادشاه و حاکمیست که با رعیت عدالت نکند و صاحب مالی که حق مالی ادا نکند و فقیری و فاجری باشد و هر کس بر کسی کند
خدای تعالی او را بر آن در نفس یا در مال یا در ولد و یا در ولد ولدش مؤاخذه کند و ظلم در دنیا ظلمات است در آخرت و بر صراط کیست که
هیچکس با مظلمه از آن نتوان گذشت و هر کس مالی کسی را بظلم و غضب بگیرد خدای تعالی از او روی رحمت بگرداند و هیچ طاعت و حسنه از او
مقبول نشود و در نامه عملش ثبت کنند تا آنکه توبه کند و هر کس ظالمی را در ظلم معذور دارد و حمایت کند خدای تعالی ظالمی را برو مسلط
گرداند و در آن حال که مظلوم باشد دعایش مستجاب نشود و در آن ظلمی که برو میشود اجر نداشته باشد و هر کس اعانت ظالمی کند در گناهش شریک
باشد و با او شریک محشور شود حتی کسی که لیقه در دوات کند یا قلمی برایش تراشد یا سرکیسه ببندد و کسی که راضی بظلم باشد مثل ظالم بود
و خدای تعالی در زمان پادشاهی جبار به پیغمبری وحی فرمود که با این پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکردم که خون مردم بریزی و مالشان بگیری
بلکه ملک بتو داده ام که بداد مظلومان برسی و من از مظالمشان نخواهم گذشت اگر چه کافر باشند و هر کس سلطانی را بر جور دلالت کند
یا ظالمی را استیلای ظلم گرداند در دوزخ قرین هامان باشند و هر کس صبح برخیزد و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد گناهانش آن روز آمرزیده
شود و هر کس با مخالفین و ظالمین مقاربت کند و ملازمت ایشان نماید از خدای تعالی دور شود و هر چند با ایشان نزدیکتر از خدا
دورتر باشد و خدای تعالی ورع از دلش بیرون برد و حیرانش گرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود حق است بر خدای تعالی که شما را در آخرت با کسی
رفیق گرداند که زندگانی با او کرده اید و کسی از آنحضرت علیه السلام پرسید که شیعیان از پریشانی کاهی کارها مثل بنای عمارت و حفر نهر و باغها
برای مخالفین میکنند فرمود اگر مدینه را تمام بمن دهند که برای ایشان سرکیسه ببندم و یک قلمی ننویسم که اعوان ظالمین روز قیامت در سرادقهای
آتش باشند تا وقتی که خدای تعالی میان حکم کند و هر کس صاحب سلطنتی را برای طمع مدح کند در جهنم قرین او باشد و هر کس پیش صاحب سلطنتی
یا مخالفی در دین برای طمع تذلل و افتادگی کند خدای تعالی او را ذلیل گرداند و برکت از او بردارد و اگر از آن مال حج یا عتق رقبه یا سایر وجوه بر کند

ی

اجر نیابد و از ایشان علیهم السلام روایات آمده که اگر از مخالفین و اهل جور مالی بکسی رسد بی آنکه او را سعی و تذلل کند حلال باشد
و در روایت دیگر آمده که مالی از ایشان بهر تو برسد آن خمس خود را تفقد او شیعه بدهید تتمه بر شما حلال باشد و کسی بخدمت حضرت امام
باقر علیه السلام معروض داشت که مدتی در دیوان مخالفین حکومت کرده ام هیچ کفاره دارد باشد فرمود نفع هرکس را بعد حجت رسانی
و کسی بحضرت صادق عم عرض نمود که من در دیوان بنی امیه مدتی نویسنده بودم و مال بسیار از آن بدستم آمده که چشم از ما خذ نفس پوشیده ام
فرمود اگر ایشان نویسنده و خادم و حشم نیابند که برای ایشان دست بیابند و حق ما را غصب کنند گفت از آنچه کرده ام مخرجی داشته باشم
فرمود اگر بگویم میکنی گفت بلی فرمود از هرچه در آن عمل تحصیل کرده بیرون آی هرکس را میشناسی حقش را بده و هرکس را نمی شناسی
برایش تصدق کن من برای تو ضامن بهشت میشوم پس آن مرد رفت چنان کرد حتی لباسی که در بدن داشت بیرون کرد تا آنکه ایشان
در میان خود برایش قوت و لباس توجیه کردند و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب آنحضرت گوید بعیادتش رفتم چشم
باز کرد و گفت والله که آنحضرت بوعده خود وفا نمود و رحلت نمود پس بخدمت آنحضرت رفتم همین که مرا دید فرمود که والله که
بوعده فلانی وفا کردم و هم از ایشان علیهم السلام روایات آمده که اگر کسی بملازمت مخالفین و ظالمین مبتلا شود کفاره اش
آنست که قضای حوائج مومنین و رفع ظلم از ایشان و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه در برابر سیئه باشد و چون ترک
امر معروف و نهی منکر شایع شود خدای تعالی با ایشان محاربه کند و چون کیل و وزن نقصان کنند بفقر و قحط و جور سلطان
مبتلا شوند و چون منع زکوة کنند زمین منع خیرات و برکات خود مثل زرع و ثمار و معادن کند و چون قطع ارحام کنند اموال
بدست اشرار منتقل شود و هرکس صورت حیوانی بسازد روز قیامت خدای تعالی عذابش فرماید که در آن صورت روح بدمد و نتواند
و فرق کرد میان سایه دار و غیر آن مشهور است اصلش در حدیث معلوم نیست و هرکس غضب بر او مستولی شود ربقه اسلام از و
منخلع بود و با اعراب جاهلیت محشور شود و هرکس نگاهی از روی غضب بمومنی و را ترساند خدای تعالی بغضب خود و هرکس
یک ذره کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود متکبران روز قیامت بصورت مور محشور شوند و اهل محشر پا بر ایشان گذارند
و پامال سازند تا خدای تعالی از حساب خلایق فارغ شود و در جهنم موضعیست برای متکبران که سقر نام آنست از شدت حرارت
شکایت کرده و اذن خواسته نفسی کشید از نفسی او تمام جهنم بسوخت و بغی و سرکشی صاحب خود را میکشد تا جهنم ابلیس بخود
خود گفت بغی و حسد در میان انسان افکنید که برابرست با شرک و هیچ چیز بغی و زیادتی بر چیزی نکند مگر آنکه خدای تعالی ذلیلش
گرداند و حسد ایمان را بسوزاند چنانکه آتش هیمه را و هرکس بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد با کفار جاهلیت محشور شود
و هرکس تعصب کند ربقه ایمان از گردنش منخلع شود و آفت حسب افتخار است روزی کسی در خدمت امام محمد باقر عم گفت
من فلانم و صاحب حسب عالی و در قوم خود بزرگ و عزیزم فرمود چه منت حسب بر ما می نهی خدای تعالی با ایمان بلند گردانیده
هرکه مومن باشد و بکفر ذلیل گردانیده هرکه کافر باشد و هیچکس را بر کسی فضیلی نبود مگر بتقوی و هرکس با مردم دو رو و دو زبان
معاشرت کند روز قیامت او را دو زبان از آتش باشد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود اگر نه مکر و خدعه در جهنم

می بود

می بود من از همه مکارتر می بودم و مرویست که همین عیب بس است آدمی را که عیوب مردم را ببیند و از عیوب خود چشم بپوشد
و عیب کند دیگری را بر صفتی که خود ترک آن نتواند و هم نشین را بی سبب برنجاند و نزدیکترین صفات بکفر آنست
که عیوب و خطاهای مومن را حفظ کنی تا روزی برای سرزنش و تعییرش کنی و هرکس در پی عیوب مسلمین باشد خدای تعالی
در پی عیوب ایشان باشد تا رسوایش کند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده جمعی بسیار داشتند چون از عیوب مردم خا
موش بودند خدای تعالی مردم را از عیوب ایشان خاموش کرد تا آنکه مردند و عیبی از ایشان در میان مردم نبود و جمعی دیگر هیچ
عیب نداشتند عیب گویی مردم کردند خدای تعالی عیب چند از ایشان اظهار فرمود که بر زبانهای مردم افتادند تا از دنیا رفتند
و هرکس بدی و معصیت از کسی افشا کند چنانست که خود آنرا کرده باشد و هرکس مومنی را بر عیبی سرزنش کند و مرویست
که مومن از نور عظمت و جلال خدا مخلوق گشته هرکس برو طعن و رد کند بر خدا کرده باشد و شریک شیطان باشد و مرویست
که اگر کسی غیر مومن را طعن کند به بدترین وجهی بمیرد و هرکس از مومن چیزی روایت کند که باعث خفت او باشد در نظرها خدای
تعالی او را از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان و شیطان نیز قبولش نکند و هرکس در مصیبت مومن شماتت کند از دنیا نرود
تا بآن مبتلا نشود و هرکس مومنی را غیبت کند چنانست که گوشت مرده او را بخورد و روز قیامت از دهنش بوی آید بدتر از بوی
جیفه که اهل محشر همه از آن متاذی شوند و از جمله آنان باشد که خدای تعالی فرموده جمعی که میخواهند معصیت در میان مومنان شایع
شود و بعذاب الیم معذب باشند و هرکس غیبت مومن را بشنود و قادر بر اعانت آن نباشد و نکند خدای تعالی در دنیا و آخرت ذلیلش
گرداند و اعانتش نکند و گناهش هفتاد مرتبه مثل کسی باشد که غیبت کرده و اگر اعانتش کند و غیبت را از و دفع کند خدای تعالی
هزار نوع بدی در دنیا و آخرت از و دفع کند و از آتش آزادش گرداند و غیبت آنست که صفتی را در او باشد و از خود پنهان دارد
و مردم ندانند ذکر کند و اگر خود پنهان ندارد غیبت نباشد و اگر آن صفت در او نباشد بهتان باشد و هرکس مومن یا مومنه را بهتان
کند روز قیامت بر سر تلی از آتش نگاهش دارند تا آنقدر که از گناه پاک شود و بهشت حرامست بر کسی که عیب مومنان کند و سخن
چینی کند تا میان ایشان فتنه افکند چهار کس که بجهنم بروند از حمیم جهنم بیاشامند که اهل جهنم از ناله و فغان ایشان زاری کنند و گویند
اینان چه کسانند که ما را با این همه عذاب آزار میکنند پس با ایشان گویند آنکه در تابوت آتش آویخته کسیست که اموال مردم بر گردنش بود
ادا نکرده و اراده ادا کردن هم نداشته آنکه رودهایش گداخته و روان شده از بول اجتناب و مبالات نمیکرد و آنکه چرک و خون از دهنش
روانست سخن مردم حکایت میکرد و میان ایشان فتنه می انگیخت و آنکه گوشت خود را میخورد غیبت و نمامی کرد و هرکس با مومنان بد
گمان باشد ایمان در دلش بگدازد مثل نمک در آب و هرکس مومنی را از حاکم بترساند و از آن حاکم با وضرر رسد جزایش جهنم باشد
و اگر ضرر رسد با فرعون و آل فرعون در جهنم باشد و اگر تازیانه بر مومنی زند خدای تعالی تازیانه از آتش برو زند و اگر طپانچه زند روز قیامت
اعضایش از هم جدا گشته غل بر دستهایش گذاشته محشور شود تا بجهنم رود مگر آنکه توبه کند و هرکس تازیانه یا چوبی در دست گیرد و پیش حاکم
جابر بایستد خدای تعالی آنرا اژدهایی کند که طولش هفتاد ذراع باشد و روز قیامت برو مسلط گرداند و خدای تعالی کسی که متعرض قسمها کرده

دروغ شود از رحمت من بی نصیب باشد و هیچ کس را نرسد که قسم بغیر خدای تعالی خورد و قسم بخدای تعالی نیز برای هر مطلب سهل اگرچه
راست باشد روا نباشد نشاید خورد که موجب استخفاف بعظمت آنجناب تعالی عن ذلك و هر کس حق مؤمن را حبس کند و بی
عذر تاخیر نماید برکت رزق ابرو حرام شود هر یك روز که تاخیر کند مثل وزر عشاری برو نویسند روز قیامت پانصد سال او را
برپای دارند تا رودها از عرقش روان شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق مؤمن را حبس کرده پس چهل روز تو بیخش کنند پس
باتشش امر فرمود و هر کس نیت ادای مؤمن نداشته باشد مثل وزر حرامی بود و هم چنین کسی که ترك زکوة کند و کسی که ترك مهر زن را ببرد
و کسی که نیت ادای دین داشته باشد دو ملك از جانب خدا برو موکل شوند که محافظتش کنند و اعانتش نمایند و اگر نیتش از ادای دین
کوتاهی کند که طلبیدن نیز بقدر آن در اعانتش کوتاهی کنند و چون کسی در راه خدا کشته شود قطره اول که از خونش بریزد کفارهٔ همه گناها
نش باشد مگر دین که کفاره ندارد مگر ادای آن یا آنکه صاحب حل حلال کند یا کسی بعهده خود گیرد و صاحب حق راضی بآن شود و هر صاحب
دین که طلب کارش از پیش او راضی برگردد دواب زمین و ماهی دریا برو صلوة فرستند و اگر آزرده برگردد و حال آنکه قادر باشد هر شبانه
روز که حق او را حبس کند ظلمی برو نوشته شود و رضای طلب کار اینست که اگر معذور نباشد حقش را ادا کند و اگر معذور باشد بملایمت و
بهمواری عذرخواهی کند و هر کس با اجیر در اجرتش ظلم کند بوی بهشت بروی حرام شود و هر کس اجیر را از نماز جمعه منع کند گناهش
بر دو باشد و اگر مانعش نشود در ثوابش شریك باشد و در دادن اجرت اجیر تعجیل باید نمود مرویست که هنوز عرقش خشك نشده
باشد که اجرتش را بدهید و پیش از آنکه اجرتش را مقاطعه کنید کار نباید فرمود هر چند گوید هر چه بدهید راضیم و مضایقه ندارم تاکید
بلیغ در این وارد شده و هر کس شهادت ناحق دهد با منافقین در درك اسفل جهنم بزبانش آویزند و هر کس کتمان شهادت کند خدای
تعالی در میان اهل محشر گوشتش را با و بخوراند و زبان خود را میخاید تا بجهنم رود و خوردن گل مورث حکه است و تهییج سودا
کند و قوت ساق و قدم ببرد و از عبادتی که پیش از این میکرد هر چه در آن وقت بسبب ضعف نقصان یابد بر آن حساب و عذاب کنند
و هر کس در معصیت خالق اطاعت مخلوق کند و رضای او جوید از دین خدا بیرون رود و خدای تعالی چنان کند که هر کس مدحش میکرد مذمتش
کند و مؤمن گناه کند بهتر است از آنکه بعمل و عبادت عجب ورزد و اگر چنین نبودی خدای تعالی هرگز مؤمن را بگناه مبتلا نکردی و حضرت
امام علیه السلام فرمود عابدی و فاسقی با هم بمسجد رفتند چون بیرون آمدند عابد فاسق و فاسق صدیق بود زیرا که عابد بعبادت خود مغرور و
و فاسق از معصیت خود ترسان و پریشان بود و استغفار می نمود و نیز فرموده عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو چون است گفت کسی از مثل
منی سؤال عبادت کند من چندین سال است عبادت میکنم پرسید که گریه ات چون است گفت اشك از چشمم روانست عالم گفت اگر خندان
و ترسان می بودی بهتر از آن بود که معشوق و گریان باشی که چون کسی بعمل خود مشعوف و از خود راضی باشد هیچ عمل از و مقبول نشود
این بود ذکر بعضی معاصی و رذایل آن و بعضی نیز در فصول سابقه گذشت و بعضی نیز در مباحث ان شاء الله تعالی بیاید نعوذ برحمة الله
من جمیعها **فصل چهاردهم** در دوای معاصی و سیئات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام هر علتی را دوایست و دوای
ذنوب استغفار است و استغفار بهترین دعاست گناهان را بریزد مثل برگ از درخت هر کس استغفار بسیار کند نامهٔ عملش را نورانی و

و درخشان بالا برند خوشا کسی که روز قیامت در نامهٔ عملش در پای هر گناهی استغفاری باشد کسی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که مرا چیزی
تعلیم فرمای که چون بآن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم فرمود تا از گناه بسیار بخوان ولیت را باستغفار تر و تازه دار و نیز از ایشان
علیهم السلام مرویست که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و کسی که توبهٔ نصوح کند یعنی بعد از توبه
دیگر رجوع بگناه نکند و اگر بار دیگر خطائی صادر شود باز توبه کند و در گناه مصر نباشد خدای تعالی او را دوست دارد و برحمت خود بپوشد و
گناهش را از یاد ملکین بیرون برد و با عضایش و بمکانی که گناه کرده امر فرماید که گناهش را پوشیده دارند روز قیامت هیچ چیز شهادت بر
گناه او ندهد و اگر بر گناه مصر باشد و ترك نکند و استغفار میکرده باشد چنانست که بخدای تعالی استهزا کرده باشد و خدای تعالی سه نعمت بتوبه
کننده گان عطا فرماید که اگر یکی از آن بتمام اهل آسمان و زمین عطا فرمودی همه نجات می یافتند یکی آنکه ایشان را دوست داشته و هر کس را خدا
دوست دارد و عذاب نکند دوم ملائکه و حملهٔ عرش را فرموده برای ایشان استغفار کنند و دعای ایشان را البته اجابت فرماید سیم آنکه وعده
فرموده که سیئاتش را بحسنات بدل فرماید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس را گناهی معلوم شود پس خدا را بیاد آورد و از ملائکه
کاتبین شرم کند و آنرا ترك کند گناهش آمرزیده شود اگرچه مثل گناه تمام جن و انس باشد و هر کس معصیتی کند پس در دل از خدای تعالی بترسد
و بداند که خدا قادر است بر عقوبت گناهانش او را بیامرزد پیش از آنکه استغفار کند و چون مؤمن گناه کند آنرا فراموش نکند اگرچه بعد از
بیست سال باشد بیاد آرد و استغفار کند و آمرزیده شود و چون کافر گناه کند پروا از آن نکند و فراموش کند حضرت صادق علیه السلام
فرمود گناه باشد خدای تعالی گناه بنده را به بهشت برد کسی پرسید یا حضرت چون شود که گناه موجب بهشت باشد فرمود گناه کند و پشیمان
شود و همیشه ترسان باشد و با خود دشمن شود و خود را عتاب و توبیخ کند خدای تعالی برو ترحم فرماید و به بهشت برد و هم از ایشان علیهم
السلام مرویست که هر چیز کیل و وزن دارد مگر گریه که یك قطره اشك دریای آتش را فرو نشاند و اگر کسی بر امتی گریه کند خدای تعالی
بگریه آن بر امت رحم فرماید و اشك در چشم پر شود غبار ذلت بر آن رو ننشیند و اگر روان شود خدای تعالی بدنش را بر آتش حرام کند
بهر قطره مثل کوه احد اجر کرامت فرماید و بهر قطره در بهشت چشمهٔ آب عطا فرماید که در اطراف آن شهرها و قصرها باشد که هیچ قطره پیش
خدا دوستر از دو قطره نیست قطرهٔ خونی که در راه خدا بریزد و قطرهٔ اشکی که در شب تاریك از ترس خدا گریسته و چشمی که در طاعت
او بیخواب کشیده و چشمی که از حرام پوشیده باشد چشمی که از ترس خدا بگرید مقامشان در رفیع اعلی باشد که هیچکس با ایشان در آنجا
شریك نبود حضرت پیغمبر بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود یا علی چند چیز ترا وصیت میکنم محافظت
نمای و از آنجمله فرمود از ترس خدا گریه بسیار کن که بهر یك قطره هزار خانه در بهشت عطا فرماید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که اگر کسی
شبانه روزی چهل کبیره از و صادر شود و چون پشیمان شود و بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ همه گناهان
اش آمرزیده شود و چیزی نیست در کسی که یك روز زیاده از چهل کبیره کند و اگر کسی هر روز صد مرتبه استغفر الله بگوید هفتصد گناهش
آمرزیده شود و کسی که هر روز زیاده از هفتصد گناه کند خیری در و نبود و نیز مرویست که هر کس بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا

هو الحی القیوم و اتوب الیه گناهش آمرزیده شود اگرچه فرار از زحف نموده باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که از اعظم کبایرست و نیز
مرویست که هر کس بگوید اللهم اغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت خدای تعالی فرماید ای ملائکه بنده من میداند که گناهش را غیر من کسی نمی آمرزد
گواه باشید که او را آمرزیدم و کسی در خدمت پیغمبر صلعم از بسیاری گناه شکایت کرد فرمود سجده بسیار کن که سجده گناه را بریزد چنانکه باد برگ را
از درخت و روایت دیگر آمده که بیک سجده خطیئه محو شود و درجه بلند گردد و مرویست که کسی در حضور حضرت امیر المؤمنین صلوات علیه
گفت استغفر الله آنحضرت فرمود مادرت برتو بگرید هیچ استغفار میدانی که کدامست استغفار را شش شرط دارد اول آنکه از کرده پشیمان
باشی دوم آنکه عزم درست داشته باشی که دیگر رجوع نکنی سیوم آنکه حقوق مردم را ادا نمائی تا هیچکس را پیش تو مظلمه نباشد چهارم آنکه هر فریضه که در آن
تقصیر کرده تلافی کنی پنجم آنکه گوشتی که از حرام در بدنت رسته بغم و اندوه بگذاری تا پوست بر استخوان بچسبد و در آن میان گوشت تازه بروید
ششم آنکه بدن را الم و مشقت طاعت بچشانی چنانکه لذت و راحت معصیت چشانیده چون باین شرایط عمل کنی استغفار کرده باشی
و باید دانست که اگر گناه حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی نبود چنانکه چند حدیث باین معنی در فصل سابق گذشت که فرمودند
که اموال مردم کفاره ندارد مگر آنکه هر کرا می شناسی حقش را برسان و هر کرا نشناسی از جانب او تصدق کنی و نیز کسی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که اگر کسی با جاریه دیگری زنا کند توبه چیست فرمود آنکه این عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت خواهد و التماس کند که او را حلال نماید
گفت اگر حلال نکند چون باشد فرمود زانی و خاین باشد پس بجهنم خواهد رفت فرمود شفاعت پیغمبر صلعم او را و شفاعت ما بهمه گناهان وفا کند
اما تکیه بر شفاعت مکنید که چون کسی این عمل کند دیر شده است تا الم و عذاب و هول جهنم نچشد شفاعت او را در نیابد و بمعنی این احادیث
بسیار واقع شده و نیز مرویست که اگر کسی تلافی ظلمی که کرده نتواند برای مظلوم استغفار و طلب آمرزش کند کفاره آن میشود و اگر کسی را غیبت
کرده باشد هر مرتبه که بخاطر رسد برای او استغفار کند کفاره آن باشد و حضرت پیغمبر امیر المؤمنین صلوات علیه فرمود بسا کسی که طلب توبه کند
و دستش بآن نرسد بهتر آنست که ترک گناه کنی و از بیم رد توبه فارغ باشی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

باب دویم

در تنظیف بدن و جامه از کثافات و اخباث ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورات و احداث باطنی و این مجموع انشاء الله تعالی
در دو فصل بیان شود

فصل اول

در فضیلت نظافت از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود پاک کنید بدن ها را
از بوهای بد که خدای تعالی دشمن دارد کثافت و بوی بد را نیز فرموده شستن جامه دلگیری میبرد و جامه را برای نماز پاک کنید و از اهل بیت طهارت
علیهم السلام مرویست که پاک کردن جامه و بدن از کثافات از جمله اخلاق انبیاست

فصل دویم

در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا بجای
آوردن از اهل بیت عصمت علیهم السلام مرویست که چون داخل حمام شوی پای چپ پیش گذار و بسم الله بگوی و بگوی اعوذ بالله من الرجس
النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و هر کاری که در حمام بغیر حمام از نشستن و برخاستن و غیر آن میکنی بسم الله بگوی تا از شرکت
شیطان ایمن شوی و در وقت غروب آفتاب و میان نماز شام و خفتن بحمام نباید رفت که شیاطین در این دو وقت در زمین متفرق
باشند و چون خواهی جامه بیرون کنی بگوی اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان و باید از رستن تا عورت پوشیده
باشد از حضرت رسالت پناه صلعم مرویست که هر کس ایمان بخدا و روز آخرت دارد باید بی ازار داخل حمام نشود و از حضرت امیر المؤمنین

صلوات علیه روایت شده که چون برهنه شوید عورت را بپوشید تا شیطان نظر نکند و طمع ننماید و چون بخانه اول حمام روی بگوی اللهم
انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاه و چون بخانه دویم روی بگوی اللهم اذهب عنی الرجس النجس و
طهر جسدی و قلبی و مشتی آب گرم بردار و بر سرش بریز و قدری نیز بر پای بریزد و اگر تواند جرعه بنوشد که مثانه را پاک کند و طراوت حال
بیفزاید و علم از بدن بیرون رود و در این خانه اندکی توقف کند و چون بخانه سیم روی بگوی نعوذ بالله من النار و نسأله الجنة و
هنگام که در حمام باشی مکرر همین را بگوی و در حمام آب سرد ننوشد که معده را فاسد گرداند و سفال بر بدن نماله که پیسی می آورد و بر پای
نماله که مورث جذام باشد و فوطه حمام بر روی نماله که آب روی میبرد و گل مصر بر سر نماله که بی عزتی و دیوثی کند و در حوضی که غساله آدمی
مخالفین مذهب و زنا کنندگان و امثال ایشان باشد نرود که باعث جذام شود و شانه بر روی نزند که موی تنک شود و بدن را بکیسه
و مانند آن پاک کند و بکره زود میان بحمام رفتن بدن را لاغر کند و هر روز رفتن مورث سل باشد و بی فوطه قرآن نخواند تا اگر عورت پوشیده
باشد قصوری ندارد و بی فوطه بآب نرود که در آب ملائکه باشند و چون بخواهد بحمام رود اندکی چیزی تناول کند که صفرا و حرارت غلبه نکند
اما شکم پر نباشد که مزاج و بدن ضعیف شود و گاه باشد که بیم هلاک باشد و نظر بر عورت مسلمان نکند و فوطه نگشاید که مردم عورت او را
بینند که این هر دو ملعون باشند و هر کس نظر بر عورت مسلم کند هفتاد هزار ملک لعنتش کنند و فرزند باید بحمام نرود که مبادا عورت او را
بیند و در حمام مسواک نکند که دندان ضعیف و بیقوت شود و مستحب است نوره نهادن و تاکید بسیار در آن وارد شده شیطان از دور
کند و آفات و امراض دفع نماید و بدن از کثافت و چرک و بوی بد پاک شود و از جمله اخلاق انبیاست علیهم السلام سنت است که هر دو هفته
نوره بکار برد و بعضی هفته و سه روز نیز روایات بسیار وارد شده و اگر بیست روز بگذرد و پول نداشته باشد قرض کند که ادای آن قرض
بر خدای تعالی است و زیاده از چهل ترک نوره نباید کرد که فضل و ثواب نماز بسیار کم شود تا آنکه گویا نماز نکرده باشد و روایت شده که هر
کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی ظهار را بیشتر از چهل روز نگذارد و زنان زیاده از بیست روز نگذارند و موی زیر بغل تراشد و اگر نوره
گذارد افضل باشد و کندن آن چشم و شانه را ضعیف کند و موی بغل را دراز نکند که شیطان در آن پنهان شود و چون خواهد نوره بکار
بردارد و ببوید و بر سر گذارد و بگوید اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنورة و بعد از آنکه سوزاند و چون نوره گذارد بگوید
اللهم طیب ما طهر منی و طهر ما طاب منی و ابدلنی شعرا لا یعصیک اللهم انی تطهرت ابتغاء سنة
المرسلین و ابتغاء رضوانک و مغفرتک فحرم شعری و بشری علی النار و طهر خلقی و طیب خلقی و زک
عملی و اجعلنی ممن یلقاک علی الحنیفیة السمحة ملة ابراهیم خلیلک و دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم
حبیبک و رسولک عاملا بشرایعک تابعا لسنة نبیک آخذا به متادبا بحسن تادیبک و تادیب اولیائک
الذین غذوتهم بادبک و زرعت الحکمة فی صدورهم و جعلتهم معادن لحکمتک صلواتک علیهم چون این دعا
بخواند پاک گرداند خدای تعالی او را در دنیا از کدورتها و عیبها و گناهها و بدل کند موی او را بموئی که گناه نکند و بعدد هر موئی که در بدن او
باشد فرشته بیافریند که خدا را تسبیح کند تا روز قیامت و ثواب آن همه از آن کس باشد و یک تسبیح ملائکه برابر است با هزار تسبیح اهل زمین

وناخوشی که نوره در بدن بماند بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله که بدن فرو نرود و روز چهارشنبه نوره نگذارد که روز نحس است و بیم برص
باشد و روز جمعه نیز در حدیث آمده که نوره گذاشتن موجب پیسی شود اما حدیثی دیگر آمده که روز طهور است و کدام طهور بهتر از نوره است
و حدیثی دیگر آمده که بعد از نوره حنا بر بدن بمالد دفع مضرت آن کند و چون نوره در بدن باشد نباید نشستن که علت فتق بهم رسد
و بعد از نوره تمام بدن را از سر تا پا حنا بمالد و ابتدا از سر نماید که حنا بعد از نوره دفع پریشانی و پیسی و دیوانگی و جذام کند و بوی عرق
برد و رفع علت اکله نماید و اکله بفتح الف زخمیست که در عضو حادث شود گوشت آن عضو را بخورد و بکسر الف خاریدن بدن را
گویند و امام علیه السلام داند که درین مقام کدام مراد باشد و مستحب است در هر هفته سر تراشیدن و موی از بیخ باید گرفت که چرک و شپش کم شود
و گردن قوی گردد و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و ابتدا از پیش سر از جانب راست نماید و بگوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی
الله علیه و آله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة و چون فارغ شود بگوید اللهم زینی بالتقوی و جنبنی الردی
و هر هفته با خطمی سر بشوید که امانست از پیسی و دیوانگی و رفع پریشانی کند و روزی زیاده شود و کثافت پاک کند مرویست که هر کس روز
جمعه شارب بگیرد و ناخن بچیند و سر بخطمی بشوید همچنانست که بنده آزاد کرده باشد و با برگ سدر سر بشوید که دلگیری ببرد و روزی
بیفزاید و خدای تعالی بعد از هفتاد روز از وسوسهٔ شیطان از دور شود گناه نکند و هر کس که گناه نکند به بهشت رود و چون از حمام بیرون آید
آب سرد بر پای ریزد که وقت دماغ که از بدن بیرون کشد و سر را بپوشد خواه زمستان باشد و خواه تابستان که امانست از درد سر و چون
جامه پوشد بگوید اللهم البسنی التقوی و جنبنی الردی و اول پیراهن بپوشد و چون زیر جامه پوشد بگوید اللهم استر عورتی
و امن روعتی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا فیصنع فی المکاید و یهیجنی لارتکاب محا
رمک ایستاده زیر جامه بپوشد که مورث غم باشد و رو بقبله و رو بآدم نپوشد و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتری در دست کند بگوید
اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی
و چون کسی را که از حمام بیرون آمده باشد تحیت کنی بگوی طهر ما تاب منک و طاب ما طهر منک و اگر کسی ترا تحیت کند
بگوید انعم الله بالک

فصل سیم

در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن و آداب آن ماثور است از اهل بیت طهارت علیهم السلام
که هر جمعه شارب گرفتن و ناخن چیدن امانست از دیوانگی و پیسی و جذام و دفع پریشانی کند و روزی بیفزاید و تا جمعهٔ دیگر پاکیزه باشد
و اگر ناخن دراز باشد بدم کار رود و بباید روایت شده که شخصی بحضرت امام جعفر علیه السلام گفت مردم روایت میکنند که بعد از نماز صبح بر جای
نماز نشستن تا طلوع آفتاب بهتر است بر از زیادتی روزی از مسافرت و تجارت کردن فرمود ناخن و شارب گرفتن در هر جمعه
بهتر از اینست مرویست که چند روز وحی بر حضرت رسالت پناه صلعم نیامد اصحاب از سبب آن سوال کردند فرمود و چون وحی از من محبوس
نشود و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و بندهای انگشتان از کثافت پاک نمیکنید روایت شده که پنهان ترین جاها که شیطان در آن پنهان شود
و آدمی را وسوسه کند زیر ناخنهاست و ناخن دراز فراموشی آرد و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر کس شارب نگیرد از سنت ما نیست و شارب
دراز نکنید که شیطان در آن پنهان شود و ناخن و شارب گرفتن در روز جمعه و پنجشنبه امانست از درد دندان و درد چشم و ناخن

چیدن

چیدن در روز جمعه از ریش شدن پشت ناخنها و در روز پنجشنبه امانست از درد چشم فرزند و اگر روز پنجشنبه ناخن بگیرد و یکی را ناخن برای
روز جمعه بگذارد خدای تعالی پریشانی از او دفع کند و روایتی آمده که روز سه شنبه ناخن بچینید و چهارشنبه بحمام بروید و پنجشنبه بحمام بروید حاجت
کنید و جمعه بوی خوش بکار برید کسی پرسید از حضرت صادق صلوات الله علیه که مردم میگویند ناخن و شارب در غیر جمعه نباید گرفت
فرمود سبحان الله هر روز که دراز شود بگیر در جمعه باشد یا روز دیگر و مردان ناخن را از بیخ بگیرند و زنان اندکی بگذارند روایت شده که برای
زینت ایشان بهتر است و هر کس روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد صلوات
الله علیهم هر ریزه ناخن و موی که جدا شود همچنانست که بنده آزاد کرده باشد و هیچ بیماری نکشد مگر بیماری که در آن موت او مقدر
شده باشد و هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا با انگشت کوچک راست و اختتام با انگشت کوچک چپ نماید چشمش درد نکشد
از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که در ناخن چیدن ابتدا از انگشت سبابه راست کنید و بعد از آن انگشت میان و همچنین تا انگشت کوچک
و بعد از آن انگشت کوچک چپ و پهلوی او و همچنین بترتیب تا ختم با انگشت بزرگ راست شود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه مرویست که اول انگشت کوچک راست بعد از آن انگشت میان بعد از آن انگشت بزرگ بعد از آن پهلوی کوچک بعد از آن سبابه
و چپ اول انگشت بزرگ بعد از آن میان بعد از آن کوچک و بعد از آن سبابه بعد از آن پهلوی کوچک و سنت است شارب را بسیار گرفتن
تا آنکه برابر لب شود و ریش را بسیار گرفتن مرویست که مجوس شاربها را دراز کنند و ریش را بسیار کنند شما عکس ایشان بکنید تا شبیه نشوید
و آنکه مشهور است استحباب یک قبضه برای ریش اصل این از احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر هست که زیاده از قبضه باشد
که زیادتی در آتش باشد و موی سفید از ریش کندن مکروه است روایت شده که موی سفید در اسلام نور است در روز قیامت و گرفتن
موی بینی جمال بیفزاید و نباید کندن که چشم را ضعیف کند مستحب است دفن کردن ناخن و موی از هر جا که باشد و خون در خاک

فصل چهارم

در فضایل خضاب و آنچه متعلق است بآن از آداب از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که
یک درهم که صرف خضاب شود افضلست از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و چهارده خصلت در خضابست بوی دماغ ببرد و پرده
چشم جلا دهد و دماغ را ملایم کند و بوی دهن خوش کند و گوشت دندان سخت کند و بیماری و لاغری ببرد و وسوسهٔ شیطان کم کند و ملائکه
خوشنود شوند و مومنان را خوش آید و کافر از او غمناک شوند و زینت بیفزاید و خوشبوی باشد و امان از عذاب قبر باشد و منکر و نکیر از او شرم
دارند و روایت دیگر آمده که آب روی بیفزاید و باه را قوت دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش بحنا نور است و در اسلام سیاهی
نور اسلام و ایمان و موجب رعب دشمنان و محبت زنان باشد و مستحب است که سر را خضاب کنند و حیض بسته را بگشاید و دست
ایشان باید از حنا خالی نباشد اگر همین بمالیدن باشد تنها خواه شوهر داشته باشد برای زینت و اگر نداشته باشد یا پیر باشند برای آنکه
دست ایشان شبیه بدست مردان نشود اما استحباب خضاب دست برای مردان چنانکه مشهور است از احادیث معلوم نیست بلکه از
بعضی احادیث استشمام کراهت آن میشود چنانکه از حدیث مذکور و حدیث دیگر روایت شده که مردی دست را خضاب کرده بخدمت یکی

از حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام روایت است که حضرت فرمود اگر خدای تعالی دست ترا این رنگ خلق میکرد ترا خوش می آمد گفت نه فرمود پس آنچه عیب است
که چنین کردی و جنب و حایض نشاید که خضاب کنند تا شیطان بر ایشان دست نیابد **فصل پنجم** در فضایل موی شانه کردن
و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که موی را پاکیزه نگاه دارید و هر وقت نماز مستحب است شانه کردن
و شانه کردن ریش دندان را محکم کند و بسیار شانه کردن سر تب ببرد و روزی بیفزاید و قوت مباشرت زیاد کند و شانه استخوان شانه کردن
تب ببرد و سر را باستخوان شانه کردن موی سر برویاند و کرم دماغ ببرد و نشسته شانه کند که قوت دل باشد و ایستاده نباشد که ضعف
دل آرد و شانه کردن بعد از هر وضو پریشانی ببرد و چون سر و ریش شانه کند دست بر سینه فرود آرد دلگیری و تب ببرد و چون هفتاد مرتبه
شانه را بر ریش زند دیک ملک بشمرد چهل روز شیطان نزدیک او نشود و شانه را بدست راست گیرد و بگوید اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّی الْهُمُومَ
وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَةَ الشَّیْطَانِ و سوره الم نشرح و قل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود بگوید سُبْحَانَ مَنْ زَیَّنَ
الرِّجَالَ بِاللِّحَی وَالنِّسَاءَ بِالذَّوَائِبِ **فصل ششم** در فضایل سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
مرویست که سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب چشم را نافع باشد و در وقت خواب آفات از نزول آب بچشم و دهن را خوشبوی کند
و نفعش تا چهل روز بماند و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد سرمه بکشد و سنگ سرمه چشم را جلا دهد و موی مژگان برویاند و قوت دیده
اعانت طول سجود نماید و دهنش خوشبوی کند و قوت باه بیفزاید و چشم که ضعیف باشد در وقت خواب هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم
راست و سه میل در چشم چپ و چون سرمه کشد بسم الله بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ
عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَالْبَصِیرَةَ فِی دِینِی وَالْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَالْاِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَالسَّلَامَةَ فِی
نَفْسِی وَالسَّعَةَ فِی رِزْقِی وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِی و مستحب است نظر در آینه کردن و اگر کثافتی در رو باشد دفع کند تا در نظر
مؤمنان مکروه ننماید و چون آینه بدست گیرد بسم الله بگوید و بدست چپ گیرد و چون نظر در آینه کند دست راست بر سر روی بکشد و بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَنِی فَاَحْسَنَ خَلْقِی وَصَوَّرَنِی فَاَحْسَنَ صُورَتِی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی زَانَ مِنِّی مَا شَانَ مِنْ غَیْرِی وَاَکْرَمَنِی
بِالْاِسْلَامِ و اگر خواهد بگوید اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِی فَحَسِّنْ خُلُقِی وَرِزْقِی و چون آینه را از دست بگذارد و بگوید اَللّٰهُمَّ
لَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعَمِکَ وَاجْعَلْنَا لِاَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ **فصل هفتم** در بیان قضای حاجت و آداب آن چون تقاضای
بول و غایط شود نشاید آنرا نگاه داشتن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم السلام مرویست که اگر کسی احتباس بول و غایط کند نمازش
مقبول نشود و چنان باشد که در دهن داشته باشد و چون اراده آن کند جایی اختیار نماید که کسی او را نبیند و بول بر زمین ترشح نکند و در جاها
و جایهای که مردم نشینند و غافل فرود آیند نشیند که ملعون باشد و در کنار نهرها و راههای که مردم تردد نمایند و بر در مسجدها و خانها نشیند
و در پای درخت در وقتی که میوه در او باشد ننشیند که ملائکه در آنجا باشند و در قبرستان و آب خواه ایستاده و خواه روان
بیم دیوانگی بود و در آب ملائکه ساکن باشند و در آب ایستاده بول کردن فراموشی آورد و چون جای مناسب اختیار نمود و خواهد داخل شود پای

چپ پیش گذارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِیثِ الْمُخْبِثِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ و چون عورت را برهنه کند بسم الله
بگوید تا شیطان نگاه نکند و رو و پشت بقبله و باد و آفتاب و ماه بجنبش که بر عورت بتابد ننشیند و اگر سهوا روی بقبله نشسته باشد و در آن
اثنا خبردار شود برای تعظیم از قبله روی بگرداند هنوز از جای خود برنخواسته باشد گناهانش آمرزیده شود و ایستاده بول کردن بیم دیوانگی
بود و چون نشیند بگوید اَللّٰهُمَّ کَمَا اَطْعَمْتَنِیهِ طَیِّبًا فِی عَافِیَةٍ فَاَخْرِجْهُ مِنِّی خَبِیثًا فِی عَافِیَةٍ و بر هر کسی ملکی موکلست و در روایت
دو ملک وارد شده که گردن او را کج میکنند تا نگاه بغایط خود کند و میگویند ای آدمی این رزقیست که بمشقت تحصیل نموده ملاحظه کن تا از
کجا بهم رسانی و آخر شبیه میشود پس چون بران کند بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِی الْحَرَامَ و چون برخیزد دست راست بر شکم بمالد
و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَمَاطَ عَنِّی الْاَذَی وَهَنَّانِی طَعَامِی وَشَرَابِی وَعَافَانِی مِنَ الْبَلْوَی و در خلا بسیار توقف نماید که مورث
بواسیر شود و در روایت دیگر جراحت بجای بواسیر وارد شده و سر برهنه نباشد و انگشتری که بر آن نام خدا نقش باشد در کیسه یا
در بغل پنهان کند و آدمی که در خلا باشد بی ضرورت با کسی سخن نگوید که هر کس در خلا سخن کند حاجتش بر نیاید و در آن حال قرآن نباید خواند
بغیر آیة الکرسی و آیة الحمد لله رب العالمین و اگر آواز اذان شنود حکایت آن تواند نمود و ذکر خدا کند در هر حال که باشد و مسواک نکند که مورث
بوی دهن باشد و چون نظر بر آب کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا و چون خواهد استنجا کند اول استبرا
نماید باین طریق که از پیش مقعد تا بیخ عضو و از آنجا تا سر عضو سه مرتبه دست بمالد و سه مرتبه سر عضو را بیفشرد تا قطرات بول اگر مانده باشد
بر بریزد که چون استبرا کند بعد از آن اگر رطوبتی ببیند هر چند بسیار باشد بول نباشد و نباید شست و اعاده وضو نباید کرد و در وقت استنجا
بگوید اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ و استنجا بدست راست نکند و دست بر عورت نزند
و در دست چپ انگشتری که نام خدا بر او نقش باشد بیرون کند و چون خواهد بیرون آید پای راست پیش گذارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِی عَافَانِی مِنَ الْخَبِیثِ الْمُخْبِثِ وَاَمَاطَ عَنِّی الْاَذَی **فصل هشتم** در فضایل مسواک کردن و آداب آن از اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که در مسواک دوازده خصلت است سنت انبیاست علیهم السلام و دهن را پاک کند و چشم را جلا دهد و
خدا راضی شود و دندانها را سفید کند و بیخ دندان محکم سازد و گوشت آنرا قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت حافظه بیفزاید و حسنات
مضاعف شود و ملائکه را خوش آید و مستحب است هر وقت وضو مسواک کردن لااقل بانگشت که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از
هفتاد رکعت بی آن و مسواک پیش از وضو باید کرد و اگر بعد از آن کند سه مرتبه دهن بشوید و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر شب سه مرتبه مسواک میفرمود
وقت خوابیدن و چون از خواب بیدار می شده برای عبادت و وقت نماز صبح و فرموده اگر بدانند چه قدر منفعت در مسواک است در وقت
خوابیدن نیز از خود جدا نکنند و مسواک را بعرض دندان استعمال نمایند و در حمام و در بیت الخلا مسواک کردن مورث بوی دهن باشد **فصل نهم**
در فضایل وضو و غسل و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که استعمال طهور بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر توانید روز و شب
همیشه با طهارت باشید که اگر کسی با طهارت بمیرد شهید باشد و چون خواهد وضو کند بسم الله بگوید که تمام بدن طاهر شود همچنانکه گویا غسل کرده
و اگر بسم الله نگوید همان اعضای که آب رسیده پاک شود و چون دست بر آب گذارد و بسم الله بگوید گناهانی که بآن دست کرده همه فرو ریزد

و شیطان دور کند و چون مضمضه نماید خدای تعالی دل و زبان او را بحکمت منور گرداند و چون استنشاق کند بوی آتش دوزخ نشنود و چون روی بشوید
گناهانی که بچشم و دهن کرده همه بریزد و در قیامت سفید روی باشد و چون ساعدین بشوید گناهان از چپ و راست همه بریزد و غلهای آتش
بر وی حرام باشد و چون مسح سر کند خدای تعالی او را از سیئات پاک کند و چون مسح پا کند گناهان با همه بریزد و از صراط بگذرد در روزی که قدمها در
لغزد و چون برای نماز صبح وضو کند کفارهٔ گناهانی باشد که در آن شب کرده غیر از کبایر و اگر وضو و چون نماز شام وضو کند کفارهٔ گناهان آن روز
باشد سوای کبایر و اگر وضو داشته باشد وقتی که حدثی رو دهد تجدید وضو کند خدای تعالی توبهٔ او را تجدید بی استغفار و وضو بر سر وضو نور است
بر سر نور و حسنه دارد هر گاه خواهد وضو کند چون نظر بر آب کند بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا و چون دست
بر آب گذارد بگوید بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین و اگر در مثل طشت و یا کاسه وضو کند
مستحب است که آب را جانب راست گذارد و اگر دستها را تا بند بشوید اگر بعد از خواب یا بول باشد یک مرتبه و اگر بعد از غایط دو مرتبه و بعد از
جنابت سه مرتبه و چون مضمضه کند بگوید اللهم لقنی حجتی یوم ألقاك و أطلق لسانی بذکرك و چون استنشاق کند بگوید اللهم
لا تحرم علیّ طیبات الجنان و اجعلنی ممن یشم ریحها و طیبها و روحها و چون روی بشوید بگوید اللهم بیض وجهی یوم
تسود فیه الوجوه و لا تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه و در شستن روی چنانکه باید آب وضو بچشم برسد آتش
دوزخ نبیند و چون دست راست شوید بگوید اللهم اعطنی کتابی بیمینی و الخلد فی الجنان بیساری و چون دست چپ
بشوید بگوید اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی و لا تجعلها مغلولة الی عنقی و اعوذ بك من مقطعات النیران
و از آن آب که بر پشت دست بریزد و زبان بر روی دست و چون مسح سر کند بگوید اللهم غشنی برحمتك و برکاتك و عفوك
و چون مسح پا کند بگوید اللهم ثبت قدمی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و اجعل سعیی فیما یرضیك عنی یا
ذا الجلال و الاکرام چون باین طریق وضو کند و این دعاها بخواند از هر قطرهٔ آبی فرشته خلق شود که خدا را تسبیح و تقدیس و تهلیل
و تکبیر گویند و ثواب آن همه برای آن کس نوشته شود و چون از وضو فارغ شود الحمد لله رب العالمین بگوید و هر کس بعد از وضو و بعد از غسل
جنابت بگوید سبحانك اللهم و بحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك و اتوب الیك و اشهد ان محمدا
عبدك و رسولك و اشهد ان علیا ولیك و خلیفتك بعد نبیك علی خلیقتك و ان اولاده خلفاؤك
و اوصیاؤه گناهانش همه فرو ریزد مانند برگ از درخت و بعد هر قطرهٔ از آب وضو و غسل ملکی خلق شود که خدای را تسبیح و تقدیس
و تهلیل و تکبیر گوید و صلوات بر محمد و آل طیبین فرستند و ثواب آن همه از و باشد بعد از آن خدای تعالی امر فرماید که آن وضو و غسل را بختام
رب العزت مختوم گردانند و بعد از آن بر زیر عرش بجایی که دست دزدان و شیطان بآن نرسد تا آنکه روز قیامت باو تسلیم کنند و در [بهشت]
آنقدر ثواب بدهند که حساب آن از غیر خدای کسی نداند و گناهانش همه آمرزیده شود تا آنکه نمازش نافله و هدیه شود و آب وضو را اگر خشک
کند یک حسنه داشته باشد و اگر خشک نکند سی حسنه و چون غسل جنابت از حلال کند بعد هر قطره خانهٔ در بهشت برای او بنا کنند
و در وقت غسل جنابت بگوید اللهم طهر قلبی و زك عملی و تقبل سعیی و اجعل ما عندك خیرا لی و بعد از غسل دعائی که

بعد از

بعد از وضو ذکر شد بخواند و در غسل جمعه تأکید بسیار وارد شده برای هر کس مرد و زن آزاد و بنده در حضر و سفر مگر آنکه ضرورتی
یا مانعی باشد و در سفر زنان را ترک رخصت آن داده اند و کفارهٔ گناهانیست که از جمعه پیشین تا این جمعه کرده باشد و سهو و نسیان و
نقصان که در وضوی فریضه شده باشد خدای تعالی از آن بغسل جمعه تمام نماید و اگر بعد از غسل بگوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریك له و ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی من التوابین و اجعلنی
من المتطهرین طهارت آن غسل تا جمعه دیگر باقی باشد و در جایی که آب در روز جمعه نباشد روز پنجشنبه برای جمعه غسل کند و اگر روز جمعه
غسل نکرده نماز گذارده باشد استغفار کند و دیگر این کار نکند و غسل را قضا کند و اگر وقت باقی باشد اعاده کند و اگر ترک غسل عمدا
نکرده باشد نمازش تمام بود و اگر روز جمعه غسل متعذر شود روز شنبه قضا نماید و اگر چند غسل در ذمه داشته باشد و خواه واجب خواه مندوب
مثل جنابت و مندوب و زیارت طواف و حیض و غیر آن چون یک غسل کند به نیت هر کدام که باشد برای همه مجزی بود خواه آن نیت بخاطر
باشد و خواه نه و اگر همه را نیز قصد کند و یک غسل کند برای همه مجزی باشد و حایض را مستحب است که در ایام حیض وقت هر نماز وضو کند
و در موضعی پاک نشسته ذکر خدا کند و مستحب است که وضو و غسل بسیر آب باشد آب وضو تخمینا بقدر یک چهار یک و آب غسل بقدر
یک من بوزن تبریز باشد و نیز مستحب است آب پاکیزه باشد و متعفن و کثیف نباشد **فصل دهم** در فضایل بوی خوش و آداب
آن [illegible] از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین روایت که دو رکعت نماز با بوی خوش افضل است از هفتاد رکعت بی آن و دل را قوت
دهد و قوت مباشرت افزاید و قوت بر صوم دهد و باید کسی که هر روز استعمال بوی خوش کند و گلاب بر روی زیاده کند و بر پیشانی ببرد
و چون گلاب استعمال نماید بر روی و دست بمالد و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش صلی الله علیهم بفرستد و سنت است هر روز استعمال
بوی خوش کردن و اگر مقدور نشود یک روز در میان و یک هفته بیشتر تاخیر نباید کرد و حضرت پیغمبر را مشک وافی بوده که بعد از هر وضو از آن استعمال
میفرمود و اگر بوی خوش بدیشان میآوردند [illegible] تر میکرده و بر روی مبارک میمالیده و فرموده هر کسی خواهد بوی مرا بشنود گل سرخ ببوید و نیز
فرمود گل سفید از عرق من روییده و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و بروایتی دیگر آمده که در شب معراج عرق آنحضرت بر زمین
چکید گل سرخ از آن رویید و چون کسی تکلیف بوی خوش کند رد نباید کرد زیرا که بوی خوش کرامت و رد کرامت نباید مگر حمار و اگر گلی یا ریحانی
بکسی دهند بگیرد و ببوید و بر چشم گذارد و صلوات بر پیغمبر و اهل بیت بفرستد هنوز از دست نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و در روایت
دیگر آمده که ببوسد و بر چشم گذارد و صلوات فرستد بعد یک بیابان عالج خدای تعالی برای او حسنات ثبت فرماید و سیئات محو فرماید و عالج
بیابانیست که ریگ بی نهایت دارد **باب سیم** در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیهٔ مخصوصه بساعات و فضایل
قرآن و این مجموع انشاء الله تعالی در پانزده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل نمازهای فریضهٔ یومیه و ذکر جماعت و فضایل این
سنت سنیه از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین ماثور است که بعد از ایمان و معرفت هیچ عملی و عبادتی بهتر از نماز نیست و چون مومن
مشغول نماز شود خدای تعالی متوجه جانب او شود و از اطراف آسمان تا اطراف زمین رحمت بر او نازل شود و ملائکه او را از پیش قدم تا
تا اطراف آسمان ملائکه فرو گیرند و ملکی ندا کند و گوید ای بنده مومن که مشغول نماز گشته اگر بدانی که کیست که متوجه تو شده و با که در گفتگوئی

هرگز از اینجا بجای دیگر نرود و هر یک نماز بهتر از هزار حج که هر حجی بهتر است از تمام دنیا و هر چه در وست از نعمتها و راحتها و نماز
میان عبادتها مانند ستون خیمه است که اگر محکم و برجای باشد پردها و طنابها و میخها همه برقرار و خیمه بر پای باشد هر چند کهنه
و زبون باشد و اگر ستون برجای نباشد و قصور و شکستگی یابد خیمه از هم بریزد و قرار نگیرد و هر چند پاکیزه و نو باشد و هر مؤمن که نماز فریضه
را بجای آرد بعد دعا الغاف شیعه ملایکه در پشت او نماز کنند و برای او دعا کنند تا از نماز فارغ شود و خدای تعالی فرشته ایست که هر وقت
نماز از خدای تعالی براتی بگیرد برای نمازکنندگان پس چون وقت صبح شود و مؤمنان برخیزند و وضو سازند و نماز صبح گذارند از
خدای برات ایشان بگیرد و در آن برات نوشته است منم خدای پاینده ای بندگان من شما در پناه منید و شما را در حفظ و حمایت خود
دارم و والله از گناهان شما آمرزیده باشند تا وقت ظهر و چون وقت ظهر شود و برخیزند و وضو سازند و نماز ظهر گذارند برات
ایشان گیرد باین مضمون که منم خدای توانا ای بندگان من سیئات شما را آمرزیدم و بدل بحسنات نمودم و شما را در دار جلال جای
دارم و در وقت عصر رسد و وضو کنند و نماز عصر گذارند برات ایشان باین مضمون گیرد که منم خدای بزرگوار ای بندگان من جسد
شما را بر آتش حرام کردم و شما را در مسکن نیکان ساکن گردانیدم و شر بلاها را از شما رد نمودم و چون وقت شام رسد و وضو کنند برات
ایشان باین وجه بگیرد که منم خدای جبار بزرگ متعال ای بندگان من فرشتگان از پیش شما راضی آمدند حقست برمن که شما را راضی گردانم
و روز قیامت آرزوهای شما را بشما رسانم و وقت خفتن در آید و وضو سازند و نماز خفتن گذارند برات ایشان را باین مضمون گیرد که منم خدا
که معبودی غیر من نیست و پروردگاری سوای من نه ای بندگان من در خانهای خود وضو کردید و بخانه من آمدید و مشغول ذکر شدید
و حق مرا شناختید و فرایض من بجای آوردید ای ملک تو و سایر ملایکه همه گواه باشید که من از ایشان راضی شدم و هر مؤمن که نماز
فریضه را بجای آرد بعد از آن او را دعای مستجابی باشد و هر وقت نماز فرشته ندا کند و بگوید ای مردمان برخیزید بنماز بنشانید آتشهایی
را که از گناهان بر دوش خود افروخته اید و چون پنج وقت نماز گذارد از گناهان پاک شود و هر کس پنج نماز را در وقت خود گذارد و
محافظت شروط و ارکان آن نماید آن نماز را روشن و نورانی بآسمان برند و او را دعا کند و گوید همچنانکه تو مرا محافظت نمودی
و ضایع نکردانیدی خدای تعالی ترا محافظت کند و ضایع نگرداند و اگر بیوقت گذارد و محافظت آن نکند سیاه و ظلمانی برد و بگوید
که مرا ضایع کردی خدا ترا ضایع کند و هر کس استخفاف بنماز کند و حدود و ارکان آنرا ضایع گرداند از حوض کوثر بی نصیب و از شفاعت
اهلبیت علیهم السلم محروم و حضرت پیغمبر صلعم روزی در مسجد بود مردی آمد و نماز بشتاب گذارد و رکوع و سجود بی تانی کرد حضرت
فرمود این مرد مانند کلاغ دانه می چیند اگر باین نماز بر دین من نباشد و هر کس نماز را بی تانی و بشتاب گذارد خدای تع گوید
ای ملایکه ببینید این بنده مرا گمان دارد که حاجتهای او در دست دیگری است غیر من که باین شتاب عبادت من میکند نمیداند که حاجتش را
غیر من کسی نتواند بر آورد و هر کس عمدا نماز ترک کند کافر باشد و ملت اسلام از وی بیزار شود و افضل همه نمازها نماز جمعه است و بر همه کس
واجب است مگر بر نه کس مریض و مملوک و مسافر و زنان و اطفال نابالغ و در بعضی روایات زیاده برین چهار کس دیگر مذکور است
اعمی و مجنون و پیر عاجز و کسی که منزلش زیاده از دو فرسنگ دور باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرموده خدای تعا نماز جمعه را بر شما فرض

گردانیدم

از جانب

گردانیده پس هر که آنرا از روی انکار یا استخفاف ترک کند و امام عادل داشته باشد در ایام حیوة یا بعد از وفات خدای تعا جمعیتش را
پریشان کند و احوالش را انتظام ندهد و کارهایش را مبارک نگرداند و نماز و روزه و زکوة و هیچ کار خیری از مقبول نباشد تا آنکه توبه
کند و هر کس سه جمعه را پی در پی بی علت ترک کند خدای تعا دلش را بخاتم نفاق مهر کند و در روز جمعه ملایکه مقربین از آسمان نزول نمایند
با قلمهای طلا و لوحهای نقره و بر در مسجدها بر کرسیهای نور نشینند و نام جماعتی که بنماز جمعه حاضر شوند نویسند بترتیب هر کس پیشتر رود
پیشتر نویسند و هر کس دیرتر آخرتر نویسند و در روز جمعه بهشت را آیین بندند و زینت کنند برای جمعی که بنماز جمعه روند و از گناهان پاک شود
و هر کس قدمی که بنماز جمعه حرکت کند خدای تعا جسدش را بر آتش حرام کند و کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلعم شکایت کرد و گفت چند
مرتبه تهیه حج کردم و مقدورم نشد فرمود نماز جمعه بگذار که حج مساکین است و هم از آنحضرت صلعم مرویست که هر کس غسل جمعه کند و صباح زود
بنماز جمعه رود و نزدیک با امام نشیند خاموش باشد و لغو نکند و نگوید هر گام که بردارد و بگذارد اجر عبادت یکساله یابد که همه روزها
روزه باشد و همه شبها عبادت کند و مسافر اگر بنماز جمعه بگذارد بسبب رغبت و محبتش بآن ثواب صد نماز جمعه مقیم باو عطا فرمایند
و کسی که وضوی نیکو بسازد و نزدیک با امام بنشیند و گوش بخطبه دارد و خاموش باشد از آن روز تا جمعه دیگر و سه روز زیاده بر آن گناهانش
آمرزیده شود و خدای دو کفل ثواب باو بدهد و اگر دور بنشیند و خاموش باشد و گوش کند یک کفل ثواب دهد و اگر نزدیک بنشیند و حرف
زند و گوش نکند دو کفل وزر داشته باشد و اگر کسی گوید خاموش باش حرف زده باشد و هر کس حرف زند نماز جمعه اش مقبول نباشد و اما اینکه
مشهور شده که ظهور امام علیه السلم شرط است در اقامت جمعه و سبب حرمان کافه اهل اسلام گشته از فضایل این فریضه عظمی توجهی است
که از تقیه شیعیان در زمان غلبه جور و طغیان ارباب نفاق و عدوان ناشی شده و در حدیث و قرآن بهیچ وجه اصلی ندارد بلکه در
قرآن و حدیث همه جا امر فرموده اند و هیچ کس را بغیر از کسی که مذکور شد یا اینکه محل تقیه باشد رخصت ترک نداده اند بلی در احادیث امام
عادل وارد شده بمعنی آنکه در نماز جماعت نیز وارد گشته و سنت موکده است نماز را بجماعت گذارند یک رکعت با جماعت گذاردن بهتر است
از بیست و چهار رکعت بی جماعت بهتر است از چهل ساله عبادت و هر کس بمسجد رود برای اینکه نماز بجماعت گذارد هر گامی که بردارد
هفتاد هزار حسنه برای ثبت نمایند و هفتاد هزار سیئه از و محو کنند و اگر درین حالت بمیرد خدای تعا هفتاد هزار فرشته برو موکل گرداند
که او را در قبر عبادت کنند و بشارت دهند و با او موانست نمایند و برای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و هر کس نماز صبح
و خفتن را بجماعت گذارد در امان خدا باشد و پس هر کس برو ظلم کند بر خدا ظلم کرده باشد و هر کس او را حقیر شمارد تحقیر خدای کرده
باشد و هر کس نماز صبح را بجماعت گذارد و در جای نماز بنشیند و ذکر خدا کند تا طلوع آفتاب او را در جنت فردوس هفتاد درجه باشد
که میان هر دو درجه بآن قدر مسافت باشد که دونده راه وار هفتاد سال طی کند و اگر نماز ظهر بجماعت گذارد در جنات عدن پنجاه درجه
باشد او را که مابین هر دو درجه پنجاه ساله راه است اسب دونده راه وار باشد و اگر نماز عصر بجماعت گذارد اجر آن داشته باشد
که هشت بنده از اولاد اسمعیل پیغمبر آزاد کرده باشد که همه صاحب خانه و عیال باشند و اگر نماز شام بجماعت گذارد ثواب یک
حج و یک عمره مقبوله داشته باشد و اگر نماز خفتن بجماعت گذارد همچنان باشد که در لیلة القدر عبادت کرده باشد و هر کس نماز

مغرب و عشا و صبح را در مسجد بجماعت گذارد چنانست که آن شب را احیا داشته باشد و بهترین صفوف صف اول است آن آنکه با امام
نزدیکتر بود و نماز در صف اول مثل جهادست در راه خدا و کسی که محافظت صف اول و تکبیر اول نماید ثواب مؤذنان داشته باشد
در دنیا و آخرت و ثواب مؤذنان بعد از این بیاید ان شاء الله و فضل جانب راست هر صف بر جانب چپ مثل ثواب جماعت باشد
بر انفراد **فصل دوم** در ذکر نوافل یومیه و فضایل این سنت بدانکه از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ماثور است که خدای
تعالی شرم دارد که از عبادت بندگان کمتر از ثلث را قبول نماید باین سبب حضرت پیغمبر صلعم در شبانه روزی سی و چهار رکعت نماز سنت کرده‌اند
که دو برابر فرایض یومیه است تا اگر در فرایض سهو و نقصانی باشد خدای تعالی آنرا بنوافل تمام نماید و ترک آن بی ضرورت و عذری معصیت
باشد همچنانکه ترک فریضه کفر است و نماز شب کفارهٔ گناهان روز و صحت بدن و موجب وسعت رزق است و شرف و عزت مؤمن است
در دنیا و آخرت و هر کس عملش بنماز شب ختم گردد از اهل بهشت باشد و نماز شب موجب رضای خداست و چشم را جلا دهد و رو را
نورانی کند و هر کس عشر شبی عبادت کند برای رضای خدا امید ثواب خدای تعالی گوید ای ملایکه حسنات بنویسید برای این بنده من بعدد هر دانه
و برگی و درختی و گیاهی و هر چه از زمین روید در شب و هر کس تسع شبی عبادت نماید خدای تعالی ده دعای او را اجابت فرماید و در روز قیامت نامه
عملش را بدست راستش دهند و اگر ثمن شبی عبادت کند خدای تعالی اجر شهیدی که در راه خدا صبر و شکیبایی و تعب نموده و بنیت صادق
خالص جهاد کرده باشد باو عطا فرماید و او را شفیع اهل بیت خود گرداند و اگر سبع شبی عبادت کند روز قیامت چون از قبر بیرون آید روشن
مثل ماه شب چهارده باشد و همراه مؤمنان که ایمن‌اند از احوال آن روز از صراط بگذرد و اگر سدس شبی عبادت کند از جملهٔ اوابین نوشته
شود و گناهان گذشته‌اش همه آمرزیده شود و اگر خمس شبی عبادت کند با ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه السلام در بهشت همدوش
کند و اگر ربع شبی عبادت کند در اول صف فایزین باشد و چون باد تند از صراط بگذرد و بی حساب داخل بهشت شود و اگر ثلث شبی
شبی عبادت کند هیچ فرشته نماند مگر آنکه رشک برد بمنزلت او و از هر در بهشت که خواهد درون رود و اگر نصف شبی عبادت کند هفتاد
هزار برابر روی زمین طلا برابر ثواب آن نشود و افضل از آن باشد که هفتاد بنده از اولاد اسمعیل آزاد کرده باشد و اگر دو ثلث شبی عبادت
کند بعدد ریگ بیابان عالج حسنات باو دهند که کوچکترین آن حسنات ده مرتبه بزرگتر از کوه احد باشد و اگر یک شب تمام عبادت کند آنقدر
ثواب باو دهند که کمترین آن این باشد که از گناهان پاک شود همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعدد هر حرفی که خدای تعالی آفریده حسنات
برای او نویسند و درجات بلند کنند و کینه و حسد از دلش بیرون رود و قبرش نورانی باشد و از عذاب قبر ایمن باشد و از آتش دوزخ خلاص
بود و در زمرهٔ ایمنان مبعوث گردد و خدای تعالی گوید ای ملایکه ببینید این بندهٔ مرا این شب را برای رضای من احیا داشته او را در جنت
فردوس جای دهید و در آن جنت هزار شهر باو دهند که در هر شهری هر چه دل خواهد و چشم را از دیدن آن خوش آید و آنچه بخاطر هیچکس
نگذشته باشد مهیا باشد و اینها سوای کرامت و مزید قربتست که برای او مهیا گشته و خانه که در آن نماز شب گذارند برای ملایکهٔ آسمان
درخشان باشد همچنانکه ستارگان برای اهل زمین و هر کس شب برخیزد و وضو کامل سازد به نیت صادق و دل سلیم و بدن خاشع و چشم
گریان نماز گذارد و صف ملایکه پشت سر او نماز گذارند که یک طرف هر صف در مشرق و طرف دیگر در مغرب باشد و عدد ایشان را هیچ کس نداند

بغیر از خدا

بغیر از خدا و چون از نماز فارغ شود بعدد آن ملایکه درجات برای او بلند کنند و کسی که بنماز شب برخیزد و خواب بر او غلبه کند بحقیقتی
که برات وجوب افتد و ذوقش بسینه آید خدای تعالی امر فرماید که درهای آسمان بگشایند پس گوید ای ملایکه ببینید این بندهٔ مرا که
بمشقت عبادتی که من بر او فرض نکرده‌ام میکند باید اینکه گناهانش را بیامرزم تا تجدید توبه‌اش کنم تا هر روز زیشش بیفزایم گواه باشید
که هر سه را باو عطا فرمودم و هر کس بعد از نماز بنشیند و تعقیب بخواند و با کسی سخن نگوید تا آنکه دو رکعت نافله بگذارد آن نافله را برای او
در علیین ثبت کنند و اگر چهار رکعت بگذارد حج مبروری برای او نویسند و اگر نافله فوت شود قضای آن باید کرد که خدا را خوش آید و مباهات
کند با آن بنده و گوید ای ملایکه ببینید بندهٔ مرا عبادتی را که من بر او فرض نکرده‌ام قضا میکند گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم و اگر کسی
را خواب غلبه کند و برای نافلهٔ شب بیدار نشود و چون نوافل را قضا کند و اهتمام بقضای آن داشته باشد خدای تعالی بعد از این او را
بیدار کند و عدد نوافل یومیه سی و چهار رکعتست دو رکعت نافلهٔ صبح و هشت رکعت نافلهٔ ظهر و هشت رکعت نافلهٔ عصر و این هیجده رکعت
پیشتر از فریضه گذارده شود و چهار رکعت نافلهٔ شام و دو رکعت نشسته و تیرهٔ خفتن که یک رکعت ایستاده حساب شود و ایستاده افضل
باشد و اگر ایستاده گذارند همان دو رکعت گذارند و این پنج رکعت بعد از فریضه گذارده شود و هشت رکعت نافلهٔ شب و سه رکعت
وتر که دو رکعت را شفع و یک رکعت را ایضا وتر گویند و شانزده رکعت نماز نافلهٔ ظهر و عصر در سفر ساقط شود اما سایر نوافل در سفر
و حضر همیشه در حال خود باشد و نوافل را در اثنای راه پیاده و سواره توان گذارد اگر چه ضرورتی نباشد و رکوع و سجود را اشاره کند و ایمای
سجود پست‌تر از رکوع باشد و نشسته نیز از روی اختیار توان گذارد و اگر خواهد فضیلت ایستاده را یابد قراءت را نشسته کند
چون باخر سوره رسد برخیزد و سوره را ایستاده تمام کند همان فضل ایستاده داشته باشد **فصل سیم** در اوقات نمازها و فضایل
آن و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر نمازی را دو وقت و وقت اول افضل است از وقت
دوم آنقدر که آخرت افضل است از دنیا و بهتر است برای مؤمن از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست و آخر وقت عفو او و عفو نمیشود
مگر از گناهی یعنی کسی که از اول وقت بعد تاخیر کند گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگذارد آن گناه عفو شود و هیچ کس را رخصت
نیست که بی عذر و رقتی تاخیر نماز کند که موجب غضب الهی باشد و کار خیر هر چند زودتر کرده شود خدا را خوشتر آید و وقت هر نماز
درهای آسمان گشوده شود تا اعمال بندگان را بالا برند و حضرت امام علیه السلام فرمود میخواهم که عمل کسی پیش از عمل من بالا برود و نامه اگر
پیش از نام من ثبت شود و وقت ظهر درهای آسمان گشوده شود و دعا مستجاب گردد پس خوشا کسی که در آن وقت از وی عمل صالحی برند
و اول طلوع صبح وقتیست که ملایکه شب باسمان روند و ملایکهٔ روز بزمین آیند پس کسی که نماز صبح را در آنوقت گذارد هر دو ملایکه شاهد باشند
و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند و هر کس تاخیر نماز صبح کند تا آنکه ستاره را نتوانند ملعون باشد و هر کس تاخیر نماز عصر کند تا آنکه آفتاب بزرد
شود یا غروب کند در بهشت موتور باشد یعنی اهل و مال نداشته باشد و هر کس نماز شام را تاخیر کند بگمان فضیلت تا آنکه ستاره بسیار شود
دولت بهم رسد اهل بیت علیهم السلام از وی بیزار باشند و هر کس بخوابد و نماز خفتن را تاخیر کند تا آنکه نصف شب شود ملکی موکلست که نفرینش کند
و گوید خواب بعیب چشمت آشنا نشود و چون بیدار شود باید نماز را قضا کند و آنروز را روزه دارد و تعقیب این فصل تا بیان وقتها

اینکه وقت اول نماز صبح از طلوع صادق است تا آنکه روشنی صبح در آسمان پهن شود و وقت دویمش تا طلوع آفتاب و وقت اول ظهر از زوال آفتاب
است تا آنکه سایه دو قدم زیاد و وقت دوم تا آنکه چهار رکعت نماز از آفتاب بماند و وقت اول عصر بعد از قدر چهار رکعت از اول زوالست تا آنکه
سایه چهار قدم زیاده شود و اگر تا شش قدم تاخیر کند تضییع نماز کرده باشد و وقت دویمش تا غروب آفتاب و وقت اول شام از غروب آفتابست
تا آنکه سرخی شفق مغرب زایل شود و اگر از غروب آفتاب آنقدر تاخیر کند تا آنکه سرخی مشرق زایل شود افضل باشد و وقت دویمش تا آنکه ربع
شب بگذرد و تا ثلث شب و نصف شب نیز وارد شده و وقت اول خفتن از زوال سرخی مغربست تا ثلث شب و وقت دویمش تا نصف
شب و هر چند نمازها با اول وقت نزدیکتر باشد افضل باشد و وقت نوافل شب از نصف شبست تا طلوع صبح صادق و هر چند بصبح نزدیک
باشد افضلست و نافله صبح بعد از نماز شب تا آنکه سرخی صبح نمایان شود و نوافل ظهر از اول زوال تا آنکه دو قدم سایه زیاد شود و نوافل عصر بعد
از فریضه ظهر تا آنکه چهار قدم سایه زیاد شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل شود و در روز جمعه چهار رکعت بر نوافل عصر و ظهر بیفزاید
و مجموع بیست رکعت را پیش از ظهر بگذارد بدین ترتیب چون آفتاب پهن شود شش رکعت و چون بلند شود نزدیک بوقت چاشت شش
رکعت و نزدیک بظهر شش رکعت و وقت زوال دو رکعت و اگر همه را پی در پی یکمرتبه نیز بگذارد مجزی بود و هر یک از نوافل همین که وقتش بگذرد
دیگر است بعد فریضه باید کرد و نافله را بعد از آن قضا کند و اگر از نوافل ظهر و عصر یک رکعت در وقت خود گذارده باشد تتمه را نیز زود زود بگذارد
اگر چه وقت بگذرد و اگر وقت نماز شب تنگ شده باشد و صبح بسیار نزدیک باشد اول نماز شفع و وتر بگذارد پس اگر هنوز صبح طلوع نکرده
باشد نماز شب را بگذارد و اگر طلوع کرده باشد نافله صبح را بگذارد و نماز شب را بعد از فریضه قضا کند و اگر چهار رکعت از نماز شب گذارده
بود که صبح طلوع کند بقیه نماز را زود زود تمام کند و افضل اینست که نافله نماز صبح را بگذارد و تتمه را قضا کند تا فریضه از وقت نگذرد
اما شناختن وقت ظهر و عصر و نوافل آن چنانست که چوبی راست بر زمین مستوی هموار نصب کند و مقدار چوب را که از زمین [illegible]
برروی زمین هفت قسمت نماید و هر قسمی را یک قدم گویند و آفتاب چون طلوع کند سایه چوب در کمال درازی باشد و آهسته آهسته کم شود
تا وقت ظهر بحدی رسد که از آن کمتر نشود آنقدر را نشان کند همین که از آن حد شروع بزیادتی کند اول ظهر باشد پس آنچه زیاده میشود
بقدر دو قدم چون رسد وقت ظهر و نافله اش باشد چون بقدر چهار قدم رسد وقت عصر و نافله اش باشد و سایه اول ظهر که نهایت حد
کوتاهی بود داخل حساب نباشد **فصل چهارم** در فضایل مسجد و آداب آن از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست
که یک نماز در مسجد جامع برابر است با صد نماز و در مسجد محله برابر است با بیست و پنج نماز و در مسجد بازار با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود و بر هیچ
موضع قدم نگذارد مگر اینکه آن موضع تا زمین هفتم برای تسبیح کنند و کسی که در خانه خود طهارت بگیرد و بمسجد رود از گناهان پاک شود
و زیارت خدای کرده باشد و حقست بر مزور که زایر را اکرام کند و هر کس بمسجد رود خدای تعالی بیک گامش نیکی باو عطا فرماید
یا برادر مؤمنی و یا علم تازه و یا آیه محکمی یا کلمه که او را از مهلکه نجات دهد یا ترک گناهی کند از ترس خدا یا از روی شرم و حیا و بهترین
خانها مساجد است و بهترین اهل مساجد آنانکه پیشتر داخل شوند و پس تر بیرون روند و مرویست که هر کس آواز اذان در مسجد بشنود و نماز
نگذارده بیرون رود منافق باشد مگر آنکه رجوع کند قصد رجوع داشته باشد و بهترین مساجد برای زنان خانهای ایشانست و پسینه خانه افضلست

از صحن خانه و صحن خانه افضلست از ایوان و ایوان افضلست از صحن و صحن افضلست از بام و چون متوجه مسجد شود و از خانه بیرون آید
بسم الله الذی خلقنی فهو یهدینی والذی هو یطعمنی ویسقینی واذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم
یحیینی والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب هب لی حکما والحقنی بالصالحین واجعل لی لسان
صدق فی الآخرین واجعلنی من ورثة جنة النعیم واغفر لی که چون این بگوید خدای تعالی او را بایمان و حق هدایت کند
و از اطعمه و اشربه بهشت سیراب گرداند و کفاره گناهانش باشد و خدای تعالی موتش مثل موت شهدا و حیوتش مثل حیوة سعدا گرداند
و هر خطیئه که کرده باشد بیامرزد اگر چه بیشتر از کف دریا باشد و حکمت و علم باو عطا فرماید و بصلحای گذشته و آینده ملحقش سازد و او را
از جمله صادقان ثبت نماید و منازل کریم در جنت نعیم باو کرامت فرماید و گناهان پدر و مادرش را بیامرزد و چون خواهد داخل مسجد شود
کفش را ملاحظه کند که نجس نباشد و کثافت نداشته باشد و پای راست پیش گذارد و بگوید بسم الله وبالله ومن الله وخیر
الاسماء کلها لله توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لی ابواب
رحمتک وتوبتک واغلق عنی ابواب معصیتک واجعلنی من زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک فی اللیل
والنهار ومن الذین هم فی صلوتهم خاشعون وادحر عنی الشیطان الرجیم وجنود ابلیس اجمعین و چون داخل
مسجد شود بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له والله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله برابر است با یک حج مقبول و اگر اراده نشستن
داشته باشد بی طهارت داخل نشود و در مسجد شعر نباید خواند که اگر کسی در مسجد شعر بخواند روایت شده که باو بگویید فض الله فاک
یعنی خدای تعالی دهنت را بشکند و آب دهن انداختن در مسجد خطیئه است و کفاره اش آنست که دفن کند و اگر برای تعظیم مسجد آب دهن
و دماغ را فرو برد خدای تعالی برای حسنه ثبت نماید و سیئه محو فرماید و قوت بدنش بیفزاید و بهیچ کوفتی و علتی نرسد مگر اینکه آنرا زایل گرداند
و روز قیامت خوشحال و خندان مبعوث شود و نامه عملش را از دست راست دهند و حرف باطل و گفتگوی دنیا نکند که مسجد جای
عبادتست و جستجوی گم نکند که باو بگویید لا رد الله علیک یعنی خدا گم شده ات را بتو نرساناد و آواز بلند نکند و آواز
اطفال و دیوانگان و بیع و شری از مسجد دور کند و اگر کسی در مسجد تجارت کند باو بگویند لا اربح الله تجارتک یعنی خدا
تجارت شما را سود ندهد و هر کس در مسجد چراغی روشن کند تا روشنی از آن باقی باشد حمله عرش و ملایکه برای او استغفار کنند و هر کس
مسجد را جاروب کند ثواب آن دارد که بنده آزاد کند و اگر بقدر ذره که در چشم افتد کثافتی بیرون برد خدای تعالی دو کفل از رحمت
باو دهد و اگر پنجشنبه و شب جمعه جاروب کند و بقدر سرمه که در چشم کنند کثافت بیرون برد گناهانش آمرزیده شود و چون خواهد از
مسجد بیرون آید بر در مسجد بایستد و بگوید اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک وصلیت مکتوبتک وانتشرت فی
ارضک کما امرتنی فاسألک من فضلک العمل بطاعتک واجتناب سخطک والکفاف من الرزق
برحمتک و در بیرون آمدن پای چپ پیش گذارد و بگوید بسم الله و [illegible] اهل بیتش صلی الله علیهم بفرستد و بگوید

اللّهمّ اغفر لی وافتح لی ابواب فضلک **فصل سیم** در کیفیت توجه نماز و فضایل اذان و اقامت و احکام متعلق آن از اهل بیت
طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست که چون برای تهیهٔ نماز برخیزی بگوی الحمد لله نور السّموات والارض ومن فیهنّ انت
الحقّ وانّ وعدک الحقّ وقولک الحقّ ولقاءک الحقّ والجنّة حقّ والنّار حقّ والسّاعة حقّ اللّهمّ لک
اسلمت وبک امنت وعلیک توکّلت والیک انبت وبک خاصمت والیک حاکمت فاغفر لی ما قدّمت وما
اخّرت وما اسررت وما اعلنت انت الهی لا اله الّا انت و چون برخیزی و خواهی مشغول نماز شوی بگوی اللّهمّ
انّی اقدّم الیک محمّدا صلّی الله علیه وآله بین یدی حاجتی واتوجّه به الیک فاجعلنی به وجیها عندک
فی الدّنیا والاخرة ومن المقرّبین واجعل صلاتی به مقبولة وذنبی به مغفورا ودعائی به مستجابا
انّک انت الغفور الرّحیم و اگر برای نماز شب برخیزی بگوید اللّهمّ انّی توجّهت الیک بنبیّک نبیّ الرّحمة وآله
واقدّمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدّنیا والاخرة ومن المقرّبین اللّهمّ ارحمنی بهم
ولا تعذّبنی بهم واهدنی بهم ولا تضلّنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی حوائجی للدّنیا و
الاخرة انّک علی کلّ شیء قدیر و چون رو بقبله کنی بگوی اللّهمّ الیک توجّهت ومرضاتک طلبت وثوابک ابتغیت
وبک امنت وعلیک توکّلت اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وافتح مسامع قلبی لذکرک وثبّتنی علی دینک ودین
نبیّک ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انّک انت الوهّاب و چون خواهی شروع در نماز
کنی برای نماز فریضه اذان و اقامت بگوی که اگر کسی اذان و اقامت هردو بگوید دو صف ملائکه در عقبش او نماز کنند و اگر اقامت تنها بگوید
یک صف که هر صفی از مشرق باشد تا بمغرب و موذنی که برای خدا اذان گوید نه بازا اجرت و ریا در روز قیامت و در بهشت بر تلّهای
مشک بایستد و در میان اذان و اقامت اجر شهیدی که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد خدای تعالی باو دهد کسی گفت یا رسول الله
مردم در اذان پیشدستی میکنند و فرصت نمی‌دهند حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود زمانی بیاید که اذان گفتن را از روی تکبّر
بضعفا واگذارند و گوشت ایشانرا خدای تعالی بر آتش دوزخ حرام گردانیده و کسی که برای خدا اذان گوید خدای تعالی ثواب چهل
هزار شهید و چهل هزار صدیق باو عطا فرماید و چهل هزار گناهکار را در شفاعت او به بهشت برد و چون اشهد ان لا اله الّا الله
بگوید هفتاد هزار فرشته برای او دعا کنند و استغفار نمایند و در روز قیامت در سایهٔ عرش خدا باشد تا حسنات مردم تمام شود
و چون بگوید اشهد انّ محمّدا رسول الله چهل هزار فرشته ثواب آنرا بنویسند و اگر یکسال در شهری از شهرهای اسلام اذان گوید
گناهانش همه آمرزیده شود اگرچه مثل کوه احد باشد و بهشت او را واجب شود و اذان را بتانی و بلند باید گفت که آوازش
بهر خشک و تری که برسد برای او شهادت دهد و هر قدر بلند شود آنقدر گناهانش آمرزیده گردد و هرکس باو نماز گذارد در ثواب
شریک باشد و بعدد هرکس بآواز او نماز گذارد برای او حسنه ثبت شود و خدای تعالی بادی بر اذان موکّل گردانیده که آواز آنرا
بآسمان برد و چون ملائکه بشنوند گویند این آواز امت محمّد است صلی الله علیه وآله که توحید خدا میکنند پس برای ایشان استغفار

کنند

کنند تا آنکه از نماز فارغ شود و اگر در خانه اذان بگوید گویند شیطان را دور کند و برای اطفال نیکو باشد که صدای اذان و صیت
ایمان همیشه بشنوند و بیماری و پریشانی زایل کند راوی گوید من و اهل بیت من همیشه بیمار و علیل می‌بودیم و گاه میشد که هیچ
نمی‌ماند که خدمت کند تا این حدیث را شنیدیم و بآن عمل نمودم بیماری و گرفتاری از خانه من زایل شد و دیگر از بیماری و بی فرزندی
بخدمت امام رضا صلوات الله علیه شکایت کردم فرمود در خانه خود اذان بلند بگوی چنین میکرد بیماریش زایل شد و اولادش بسیار شد
و اقامه را آهسته تر و روان تر گوید و هر مرتبه که نام حضرت پیغمبر صلعم بگوید گوینده و شنونده صلوات فرستند و اذان را نشسته
و سواره و در راه و بی طهارت و بغیر قبله اگر در گفتن شهادتین رو بقبله باشد توان گفت امّا اقامت را بشرایط و هیئات
نماز بگوید و در اثنای اذان و اقامت حرف زدن جایز است امّا ترکش افضل است به تخصیص در اثنای اقامت و چون قد قامت الصلوة
گفته شود احادیث وارد شده که حرف زدن حرام شود بر موذن و سایر جماعت همه مگر آنکه برای امامت کسی را گویند پیش بایست
و بعضی از علما تجویز حرف زدن برای سایر چیزها نکرده که بنماز متعلّق باشد نیز نموده اند و اگر حرف زند اقامت را اعاده کند
و اگر چیزی از اذان و اقامت فراموش کند رجوع نماید و از آن کلمه بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود و بخاطرش رسد که اقامت نگفته
صلوات بر پیغمبر صلعم بفرستد و اقامت بگوید بعد از آن نماز کند اگر هنوز شروع در قرائت نکرده باشد و روایت دیگر آمده که اگر
رکوع نکرده باشد رجوع نماید و اذان و اقامت بگوید و برای زنان اذان و اقامت آنقدر تاکید ندارد امّا افضل اینست که بگویند
و میانهٔ اذان و اقامت بلحظهٔ فاصله کند اقلّش اینکه نفسی بکشد یا الحمد لله یا سبحان الله بگوید یا بنشیند و یا سجده کند اگر بنشیند
بگوید اللّهمّ اجعل قلبی بارّا وعیشی قارّا ورزقی دارّا واجعل لی عند قبر نبیّک صلّی الله علیه وآله
مستقرّا وقرارا و اگر سجده کند بگوید لا اله الّا انت ربّی سجدت لک خاضعا خاشعا ذلیلا فصلّ علی محمّد
وآل محمّد واغفر لی وارحمنی وتب علیّ انّک انت التّوّاب الرّحیم خدای تعالی همه گناهان او را بیامرزد و اگر میان
اذان و اقامت شام بنشیند همچنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و در ظهر و عصر شش رکعت نافله را پیش از اذان
بگذارد و دو رکعت را میان اذان و اقامت و اگر جماعتی باشد که موذن اذان بگوید جماعت همه بنشینند و چون قد قامت الصلوة گوید
همه برخیزند و بایستند و چون موذن اذان گوید کسی که شنود هرچه موذن گوید آهسته بگوید روزیش زیاده شود و چون موذن
شهادتین گوید شنونده بگوید از روی تصدیق و اقرار وانا اشهد ان لا اله الّا الله واشهد انّ محمّدا رسول الله
اکتفی بها عمّن ابی وجحد واعین بها من اقرّ وشهد بعدد هرکس شهادت داده و ایمان آورده و هرکس انکار
نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد و در روایتی آمده که چون موذن حیّ علی گوید شنونده حولقه گوید و چون اذان
صبح و شام شنود اللّهمّ انّی اسئلک باقبال نهارک وادبار لیلک وحضور صلواتک واصوات دعاتک
وتسبیح ملائکتک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تتوب علیّ انّک انت التّوّاب الرّحیم و در شام بجای اقبال
نهارک وادبار لیلک بگوید باقبال لیلک وادبار نهارک اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد تایب و شهید باشد **فصل ششم**

در کیفیت اشتغال نماز و آداب آن از اهل بیت نبوت صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید
اللهم انی اتوجه الیک بمحمد و آل محمد و اقدمهم بین یدی صلواتی و اتقرب بهم الیک فاجعلنی بهم
وجیها فی الدنیا و الآخرة و من المقربین مننت علی بمعرفتهم فاختم لی بطاعتهم و معرفتهم و ولا
یتهم فانها السعادة اختم لی بها انک علی کل شیء قدیر و بعد از نماز بگوید اللهم اجعلنی مع محمد و آل محمد
فی کل عافیة و بلاء تا آخر دعا که در فصل تعقیب ان شاء الله تعالی بیاید یا محمد و آل محمد باشد صلی الله علیهم اجمعین و افتتاح
نماز به یک تکبیر واجب است و به سه تکبیر افضل و به پنج افضل از آن و بهفت افضل از همه و یکی از این جمله تکبیر احرام و واجب است
و باقی مستحب و بعد از تکبیر سیم بگوید اللهم انت الملک الحق لا اله الا انت سبحانک و بحمدک عملت سوءا و ظلمت
نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت و بعد از تکبیر پنجم بگوید لبیک و سعدیک و الخیر فی یدیک
و الشر لیس الیک و المهدی من هدیت عبدک و ابن عبدیک بین یدیک لا ملجأ و لا منجا و لا مفر
منک الا الیک تبارکت و تعالیت سبحانک و حنانیک سبحانک رب البیت و هر کس پیش تکبیر احرام بگوید یا
محسن قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء و انت المحسن و انا المسیء فبحق محمد
و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی خدای تعالی بملائکه گوید گواه باشید که گناهانش را عفو
کردم و هر کس پیش او حقی یا مظلمه داشت از او راضی نمودم پس اگر تکبیر هفتم را قصد احرام کند این دعا را پیش از آن بخواند و بعد از
تکبیر هفتم بگوید وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض علی ملة ابراهیم و دین محمد و منهاج
علی و الائتمام بالائمة من آل محمد علیهم الصلوة و السلام حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین ان
صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم
اجعلنی من المسلمین و در هر حال ایستادن و رکوع کردن پاها را از هم بکشد به قدر سه انگشت یا یک وجب بزنان و در هر دو حال بهم نزدیک
بگذارند تا فاصله نباشد و بعد از آن از شیطان الرجیم و خدای تعالی پناه برده بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و بعد
از آن الحمد و سوره در دو رکعت اول هر نماز بخواند و افضل آنست تا در رکعت اول نماز عصر و مغرب و سورهای کوتاه بخواند مثل اذا
جاء و الهیکم و در نماز ظهر و خفتن و سورهای متوسط مثل و الشمس و سبح اسم و در نماز صبح از این دراز تر مثل عم یتساءلون و هل
اتیک حدیث الغاشیة و هل اتی علی الانسان و در رکعت های دوم قل هو الله احد زیرا که بعد از آن قنوت خوانده میشود و دعا
بعد از خواندن قل هو الله مستجاب است و در نماز شام و صبح جمعه سوره جمعه و قل هو الله در نماز خفتن آن جمعه و سبح اسم و در نماز
جمعه یا ظهر آن جمعه و منافقین و در نماز عصر آن جمعه و قل هو الله که هر سوره که برای فضل و ثواب شان خواهند بخوانند و اگر بجای آن
انا انزلناه و قل هو الله بخواند همان ثواب داشته باشد یا ثواب این دو سوره اما در نماز جمعه و ظهر آن سوره و منافقین باید
خواند که افضل است و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته اند و اگر پنج نماز بگذارد که قل هو الله بخواند فرشته ندا کند

و گوید

که ای بنده خدا تو از جمله نمازکننده گان نیستی مردمان باید دو رکعت اول نماز شام و خفتن و نماز صبح را بلند قراءت نمایند
و هم چنین نماز جمعه و دو رکعت اول ظهر جمعه را اگر چه منفرد باشند و باقی رکعتها و نمازها را آهسته و اگر عمدا نماز جهری را اخفات یا اخفاتی
را جهر کند باطل باشد و اعاده باید کرد و حد آهستگی آنست که خود بشنود اگر آهسته تر از این باشد مجزی نبود و حد بلندی آنکه بسیار بلند
و آواز شدید نبود بلکه حد وسط باشد و چون نمازهای جهری را بلند بخواند آنقدر که آوازش برسد آتش دوزخ از او دور شود و بر
صراط بگذرد و در روز قیامت مسرور و خوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از تمام شدن الحمد و همچنین بعد از سوره بقدر آنکه
نفسی توان کشید ساکت شود و چون از قراءت فارغ شود ایستاده تکبیر گوید و رکوع کند دستها را بر زانو گذارد و انگشتها را بگشاید چنانکه
زانو را در مشت گیرد و زانو را بجانب عقب میل دهد و پشت را آنقدر خم کند که اگر قطره آبی بر پشتش بریزد قرار گیرد و بطرفی حرکت نکند و گردن را دراز کند و
سر را راست بگیرد و بالها از هم بگشاید و اعضا بر یکدیگر تکیه نکند و زنان دستها را بالاتر از زانو بگذارند و تا بسیار خم نشوند و اعضای ایشان بهم
تر باشد و سه مرتبه تا هفت مرتبه بگوید سبحان ربی العظیم و بحمده اگر تسبیح رکوع و سجود را یکمرتبه گوید یک ثلث نماز کرده باشد و اگر دو مرتبه دو ثلث
و اگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده باشد و پنج مرتبه افضل است و هفت مرتبه افضل از آن و هر چند بیشتر گوید افضل بود مرویست که هر کس رکوع را
تمام کند از وحشت قبر ایمن باشد و چون سر از رکوع بردارد راست بایستد و هر کس بعد از رکوع پشت راست نکند نماز نکرده باشد و ایستاده
بگوید سمع الله لمن حمده الحمد لله رب العالمین پس همچنانکه ایستاده تکبیر گوید و سر از برای سجود در رود و هر دو دست را با هم پیشتر
از زانو بر زمین گذارد چنانکه برابر رو و زانو باشد و انگشتان بهم چسبیده برابر قبله باشد و ساعدها را از زمین بردارد و بالها بگشاید
چنانکه هیچ عضو بر عضو دیگر تکیه نکند و زنان اول بنشینند و زانو را پیشتر از دست بر زمین گذارند و بعد از آن سجده کنند و اعضا را
مجتمع دارند بر زمین بجا باشند و سجده بر هفت عضو باید کرد پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پا و سر بینی
اول واجب است و آخر سنت مرویست که هر کس بینی را برابر پیشانی بر زمین نگذارد نمازش مجزی نبود و مستحب است کف دستها
را بر چیزی گذاشتن که سجده بر آن صحیح باشد تا روز قیامت غل بر آن نگذارد و در سجده سه مرتبه یا پنج مرتبه یا هفت یا بیشتر بگوید
سبحان ربی الاعلی و بحمده و کسی که سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند و گوید وای او اطاعت کرد و من معصیت نمودم
و او سجده کرد و من سرکشی کردم و مستحب است که سجده بر تربت امام حسین ع باشد که در میان بنده و خدای تعالی حجابها را بگشاید
و تا زمین هفتم را نورانی کند و چون سر از سجده بردارد پشت راست کند و بر جانب چپ بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب راست بیرون
آید و پشت پای راست بر کف پای چپ باشد و نشسته تکبیر بگوید پس بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه پس همچنان نشسته
تکبیر بگوید و سجده دیگر بهمان طریق بکند و چون سر بردارد تکبیر بگوید و بنشیند پس برکعت دیگر برخیزد و از سجده راست برپا نخیزد که آن بدعت
جباران است و در وقت برخاستن هر دو کف دست بر زمین گذارد و بگوید بحول الله و قوته اقوم و اقعد و اگر خواهد
بگوید اللهم ربی بحولک و قوتک اقوم و اقعد و اگر خواهد و ارکع و اسجد نیز زیاد کند و چون از قراءت رکعت
دوم فارغ شود تکبیر بگوید و دستها برداشته قنوت بخواند و هر ذکر و دعائی که خواهد مجزی باشد اقلش آنکه سه مرتبه سبحان الله بگوید و هر چند

طول بکشد و هر روز قیامت راحتش بسیار بود و افضل نمازها آنست که قنوتش طویلتر باشد و از جملهٔ ذکرهای قنوت کلمات فرج فضل بسیار دارد
و این کلمات اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین
السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و بعد از آن صلوات بر محمد و آلش بفرستند
و هر حاجت و مطلب دنیوی و اخروی و رحمت و مغفرت برای خود و دیگران که خواهد بطلبد و از جملهٔ ادعیهٔ ماثوره که متضمن همه آنها باشد
اینست اللهم انی اسئلک لی و لوالدی و لولدی و اهل بیتی و اخوانی المؤمنین فیک الیقین و العفو و المعافات
و الرحمة و المغفرة و العافیة فی الدنیا و الاخرة و در نماز صبح این قنوت مستحب است خواندن اللهم من کان اصبح
و له ثقة و رجاء غیرک فانت ثقتی و رجائی یا اجود من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و مسکنتی و قلة
حیلتی و امنن علی بالجنة و فک رقبتی من النار و عافنی فی نفسی و فی جمیع اموری برحمتک یا ارحم الراحمین
و در نماز جمعه دو قنوت بخواند در رکعت اول پیش از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع و در قنوت اول کلمات فرج بخواند و بعد از آن بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد کما هدیتنا به اللهم صل علی محمد و آل محمد کما اکرمتنا به اللهم اجعلنا ممن اخترته
لدینک و خلقته لجنتک اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و در قنوت
دوم بگوید اللهم تم نورک فهدیت فلک الحمد ربنا و بسطت یدک فاعطیت فلک الحمد ربنا و عظم حلمک
فعفوت فلک الحمد ربنا وجهک اکرم الوجوه و جهتک خیر الجهات و عطیتک افضل العطیات و اهناها
تطاع ربنا فتشکر و تعصی ربنا فتغفر لمن شئت تجیب المضطر و تکشف الضر و تشفی السقیم و تنجی من الکرب
العظیم لا تجزی بآلائک احد و لا یحصی نعماءک قول قائل اللهم الیک رفعت الابصار و نقلت الاقدام
و مدت الاعناق و رفعت الایدی و انت دعیت بالالسن و الیک سرهم و نجویهم فی الاعمال ربنا اغفر لنا
و ارحمنا و افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین اللهم انا نشکوا الیک غیبة نبینا و شدة الزمان
علینا و وقوع الفتن بنا و تظاهر الاعداء و کثرة عدونا و قلة عددنا فافرج ذلک یا رب بفتح منک تعجله
و نصر منک تعزه و امام عدل تظهره اله الحق رب العالمین و از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام مرویست
که از کسی پرسید که در نماز جمعه چه قنوت میخوانی گفت آنچه مردم میخوانند حضرت فرمود این قنوت بخوان اللهم اصلح عبدک و خلیفتک
بما اصلحت به انبیائک و رسلک و حفه بملائکتک و ایده بروح القدس من عندک و اسلکه من بین یدیه
و من خلفه رصدا یحفظونه من کل سوء و ابدله من بعد خوفه امنا یعبدک لا یشرک بک شیئا و لا تجعل لاحد
من خلقک علی ولیک سلطانا و اذن له فی جهاد عدوک و عدوه و اجعلنی من انصاره انک علی کل شیء
قدیر و بعضی از مشایخ رحمهم الله نقل کرده که در قنوت دستها را برابر رو بگیرد چنانکه انگشتان برابر قبله باشد و بهم چسبیده و چون از قنوت
فارغ شود تکبیر رکوع بگوید و بعد از سجود بهمان طریقی که قبل از این مذکور شد بنشیند و تشهد باین طریق بخواند بسم الله و بالله و الحمد لله و خیر الاسماء

لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی
الساعة اشهد انک نعم الرب و ان محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل شفاعته و ارفع
درجته و بعد از آن دو بار یا سه بار الحمد لله بگوید و چون خواهد برخیزد کف دستها را بر زمین گذارد و بگوید بحول الله و قوته اقوم و اقعد و در رکعت
سیم و چهارم احادیث بسیار وارد شده که تسبیح و الحمد هر دو مساویست هر کدام را بخوانند اما از حضرت صاحب الزمان صلوات علیه مرویست
که قرائت الحمد درین دو رکعت تسبیح را نسخ کرد مگر بیمار یا کسی که بسیار سهو کند پس بنابرین حدیث احتیاط اینست که بی ضرورت تسبیح نخوانند
و چون خواهد سلام بگوید چنین بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک علی انبیاء الله و
رسله السلام علی جبرئیل و میکائیل و الملائکة المقربین السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین لا نبی بعده
السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و سلامی که نماز بآن تمام شود سلام آخرست
خواه امام باشد و خواه مأموم و خواه منفرد و باین سلام حضرت پیغمبر و ائمهٔ طاهرین صلی الله علیهم را قصد کند و سلامهای دیگر مستحب است و اگر امام
باشد بعد از سلام نماز خطاب بمأمومین کند و بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و مأموم بعد از سلام نماز دو سلام بگوید یکی جواب
امام و اگر در جانب راستش کسی باشد این سلام او را نیز قصد کند و یکی بجانب چپ و اگر در آن کسی نباشد و اگر نباشد این سلام در کار نباشد

فصل هفتم

در اشاره باسرار مقدمات و اعمال نماز و ذکر بقیهٔ آداب و افعال آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که بهترین
جامها و زینت‌ترین لباسها برای مؤمنان لباس تقوی و پرهیزکاریست از هر چه خدای تعالی حرام گردانیده و آنرا مکروه داشته و لباس ظاهری
نعمتیست که کرامت فرموده تا عورات بدن و اعضا و عیوب و قبایح آن بآن پوشیده شود و مستور گردد و لباس توبه و تقوی کرامتیست که احسان
فرموده تا گناهان باطن و مساوی اخلاق و هوسهای فاسد و آرزوهای باطل بآن پنهان گردد و مخفی ماند پس چون عورات و عیوب ظاهر را
اخلق پوشیده داری و پیش کسی اظهار آن نیاری شرم دار از آنکه امراض و ذنوب باطن را در پیش خدای جلوه دهی و از آن هیچ آزرم نداری
و مبرز را از بهر آن مستراح گفته‌اند که بدن در آنجا از ثقل نجاسات راحت یابد و از کدورت کثافات استراحت نماید پس مؤمن چون بیند
که لطیفترین نعمتهای دنیا و لذیذترین لذتهای آن باین زودی عاقبتش چه میشود باید عبرت از آن گیرد و دست از جمع کردن آن بدارد
و دل از تشویش آن فارغ سازد و بجمعیت خاطر مشغول عبادت خدا شود و تحصیل سعادت باقی نماید چه حالتیست که شکم را از نجاسات
دنیا خالی کنی و بدن را از گرانی آن راحت دهی و دل را از وسوسهٔ آن لبریز سازی و از تشویش اندیشهٔ آن نپردازی خدای تعالی آبرا طهور گردانیده
که فضلات و نجاسات بآن بشوی و از کدورت احداث و کثافات تنزه یابی و جدول توبه و استغفار جاری ساخته تا نجاست ذنوب
و سیئات بآن تطهیر دهی و از شناعت آثام و خطیئات وارهی هیچ نیندیشی که ازالهٔ نجاسات ظاهر کنی و دست و رو در وضو
بشوئی قابل آن نباشی که روی بدن بقبله کردن و با اعضای ظاهر داخل مسجد شوی و بر سجاده نشینی و با زبان و دهان تسبیح و مناجات
نمائی پس ازالهٔ نجاسات باطن ناموده و خاطر از حدث محبت باطل نشسته و شوی نداده و نیت را برای خدا خالص نگردانیده
چگونه لایق آن باشی که روی دل بسوی خدا کنی و بر بساط قرب و کرامت تکیه نمائی و در حضرت عزت اسرار سرای [illegible]

را از کلفت ... ما از طعام حلال و نماز را از کراهت بوی آن صفا دهی چگونه جوارح را از نجاست عصیان و مخالفت خدا و دل را از طاعت
شیطان و محبت دنیا بتضرع و خشوع و انابت و خضوع طهارت ندهی و چون متوجه قبله شوی و بر پای ایستی روی از جمیع
چیزها بگردانی و روی دل از وسوسه دنیا نگردانی و ایستادن موقف عرض اعمال و جواب گفتن خفیات اسرار یاد کنی چون اذان نماز
شنوی از ندای روز قیامت یاد دار و چون روی بقبله کنی روی دل از هر چه غیر خداست باز دار و چون بر پای ایستی از روی
کمال خضوع و خشوع بایست و هر چه غیر خداست چنان پندار که نیست در خدمت خدا ایستاده و با حضرت او در مکالمه‌ای دانا بیت
که هر ظاهر و پنهان داند و تو بایست که هر چه بخاطر گذرانی تواند بیاد داشت هست که آسمان و زمین در وسعت مملکت او ذره‌ایست
و هر دو جهان از بحار خزاین رحمت او قطره‌ای در خدمت او چنان بایست که ضعیف‌ترین بنده در خدمت عظیم‌ترین پادشاهی
اگر سرش بخارد نخارد و اگر دلش بدر آید نگیرد و کاهل و خواب آلوده و سنگین بنماز بر مخیز که این جمله از صفات منافقانست و
با ریش و دست بازی مکن و انگشتان در میان یکدیگر میار که اینها از نماز نقصانست و دستها بر سینه مگذار که این هم عمل گبرو
مجوسانست و خمیازه با دهن واکشا مکن که از جمله اعمال شیطانست و اگر کسی در نماز انگشت شکند نصیبش از نماز همان
باشد و چون تکبیر گوئی بزرگی و عظمت خدا را بیاد آر و هر چه غیر اوست در پیش بزرگی او ذلیل و خوار شمار که اگر دل با دیگری داری و دیگری را
بزرگتر شماری خدای تعالی گوید ای دروغگوی مرا می‌فریبی بر زبان الله اکبر و دل بدیگری میل داری بعزت و جلال خودم که از شیرینی ذکر
خویش محرومت سازم و از نزدیکی جناب خود دور و از لذت مناجات بی‌نصیب و مهجور گردانم و در نماز دستها را بر روی
ران بنه و از انگشتان بهم چسبیده باشد و سر و گردن و کمر راست بگیرد و بطرف میل و بچیزی دیگر تکیه مکن و زنان دستها را
بر سینه بچسبانند تا به پستان متصل شود و بلندی پستان ننماید و در اثنای نماز آب دهن و بینی و دماغ میفکن که هر کس برای
تعظیم خدای آنرا فرو برد خدای تعالی او را تا وقت ممات صحت بدن کرامت فرماید و پاها را برابر هم بگذارد که بیش پس نباشد
و بیضرورت چیزی بر دهن مبند که نقصان نماز بود و نظر از موضع سجده بر مدار و با اطراف التفات مکن که هر کس در نماز
باطراف نگاه کند خدای تعالی گوید ای بنده من بکجا نگاه میکنی و بجز ای و کرامت طلبی یا خدای غیر من میخواهی یا جزای سوای من میجوئی منم
اکرم الاکرمین و منم اجود الاجودین و منم بهترین معطین منم که آنقدر ثواب بدهم ترا که هیچ کس قدر آن نداند روی بجانب من کنی که من
کنی که من روی با تو دارم و ملائکه من روی بتو دارند پس اگر روی بگرداند و متوجه نماز شود گناه آنچه کرده بود زایل شود و اگر باز
التفات بطرفی نماید خدای تعالی همان مکالمه فرماید و همچنین تا چهار مرتبه و مرتبه چهارم خدا رو از و بگرداند و ملائکه رو بگردانند
و فرماید ای بنده من واگذاشتم ترا بآنچه میخواهی و در روایت دیگر آمده که در مرتبه سیم خدای تعالی رو بگرداند و بعد از آن هرگز باو نظر
نکند نعوذ بالله من ذلک و در نماز دل بخدای دار و خیال غیر نماز بخاطر میار که دو رکعت نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل و کسیکه
دو رکعت نماز گذارد و بداند که چه میگوید میان او و خدا هیچ گناه نماند مگر اینکه آمرزیده شود و هر قدر از نماز که دل با آن باشد
حساب شود و هر چه از آن غافل باشد بر هم پیچند و بر روی صاحبش زنند و در رکوع چشم را بپوش یا نظر در میان هر دو پا

انداز

انداز و دراز کردن در رکوع معنیش اینست که گردن از بندگی خدا نکشم و سر از طاعت او نپیچم اگرچه گردنم بزنند و هیچ بنده رکوعی بحقیقت
نکرده مگر اینکه خدای تعالی او را بنور بهای خویش مزین گردانیده و در سایه کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا بر او پوشیده و رکوع ادبست
و اطاعت و سجود قربت و عزتست کسی که ادب ضایع کند اهلیت قرب نداشته باشد و سر بسجده گذاشتن معنیش اینست که خدایا
اصل من همین خاک ذلیلست که هر کسی پا بر او گذارد و چون سر بردارد یعنی مرا ازین خاک آفریده و از خاک برداشته و چون سجده
دوم کنی یعنی بار دیگر مرا میرانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بردارد یعنی مرتبه دیگر مرا زنده سازی مرویست که والله که زیان نکرده
کسی که سجودی بحقیقت کرده اگرچه در تمام عمر یک مرتبه باشد و سود ننموده کسی که حق ضایع نموده و مانند فریبندگان غافل از رتبه ساجدان
با خدا خلوت نموده هرگز از خدا دور نشود کسی که در سجود بکلی دست از خود بردارد و خود را یکبارگی بخدا سپارد و هرگز بخدا نزدیک نگردد
کسی که حرمت سجود ضایع کند و در آنحال دل بغیر خدا دهد عارفی گفته رکوع دعوی بندگیست و دو سجود بعد از آن دو شاهد بر آن و چون قنوت
بخوانی ادب آن رعایت نمای و بدانکه چه میگوئی و باکه در گفتگوئی هر چه بر زبان رانی ببینید هر چه در دل گذرانی پس بنای احتیاط کن تا
آنچه مطلبی خیر و نجات باشد و زبان در دعا و دل با غیر خدا نباشد که دعای دل غافل مستجاب نگرده و چون تشهد خوانی اقرار به
یکتائی و یگانگی خدا کنی و اعتراف برسالت و نبوت پیغمبر او نمای و عهد بندگی و طاعت خود تجدید کنی و چون صلوات بر پیغمبر و آلش
فرستی ایشانرا شفیع خویش گردانی پس چنان بزبان اقرار میکنی دل را نیز با زبان موافق دار از آنچه میگوئی غافل مدار تا مانند فریبندگان
بعلت تکذیب ظاهر ننماید و درین مقام ذکر حدیثی دیگر کنیم که مشتملست بر فضایل افعال نماز با آداب و اسرار آن مرویست از حضرت امام
همام حسن بن علی العسکری از آبای کرام خود از حضرت پیغمبر علیه و علیهم الصلوة و السلام که فرموده چون بنده مؤمن متوجه مصلای خود
شود و نماز گذارد خدای تعالی گوید ای ملائکه ببینید این بنده مرا که از همه خلایق بریده و بامید رحمت و شفقت من روی نیاز بمن آورده گواه
باشید که او را برحمت و کرامت خویش مخصوص گردانم و چون دست بردارد و الله اکبر گوید فرماید که ببینید چون بزرگی و بزرگواری مینماید از بت
شریک و شبیه و نظیر برای من چنانکه اعدای من نسبت میکنند و مرا از آن بزرگ و منزه میدارد گواه باشید که او را از آثار گناهان پاک سازم و در
مملکت بزرگ خود کرامش فرا از عذاب جهنم نجات دهم و چون الحمد و سوره دیگر بخواند فرماید ببینید بنده مرا چون از قرائت کلام لذت می یابد
گواه باشید که روز قیامت باو بگویم که بخوان در بهشت کلام مرا و بالا رو در درجات جنان پس بعدد هر حرفی که خوانده درجه از طلا و درجه از نقره
و درجه از لؤلؤ و درجه از گوهر و درجه از زبرجد سبز و درجه از نور رب العزة بالا رود و چون رکوع کند فرماید ببینید که چون تواضع میکند
در پیش جلال و عظمت من گواه باشید که او را در دیار جلال و کبریای خود بزرگ گردانم و چون از رکوع بردارد فرماید ببینید چون برای اعلای
من ترفع میکند هم چنانکه برای من تواضع مینماید و در خدمت من راست می ایستد گواه باشید که عاقبتش را بهترین عاقبتها گردانم و در بهشت
خویش مأوی عطا فرمایم و چون سجده نماید فرماید ببینید که چون تواضع میکند و میگوید اگرچه در دنیا کمین و جلیلم اما چون حق و عظمت تو
بر من ظاهر شود حقیر و ذلیلم گواه باشید که او را بحق بلند نمایم و باطل را باو دفع گردانم و چون سر از سجده اول بردارد فرماید ببینید چون میگوید
که همچنانکه در پیش عظمت تو تواضع نمودم در حضرت خدمت تو برای بندگی و طاعت بحقارت و ذلت راست گشتم و در ...

اعتباری از فضیلت‌های حدیث افتاده و کویا با منیعنوم باشد که او را عزیز کردانم و برحمت خویش اختصاص دهم و چون سجدهٔ دوم کند فرماید ببینید
بندهٔ مرا چون بتواضع من عود نموده کواه باشید که رحمت خود را برو اعاده نمایم و چون برای رکعت دیگر از جای برخیزد فرماید ملائکه ببینید
چون برخواست بنماز او را از مذلت برداشتم و بعزت بلند کردانم و هر رکعتی که گذارد خدای تعالی همچنان فرماید تا آنکه بتشهد نشیند خدای تعالی فرماید ای
ملائکه بندهٔ من خدمت عبادت مرا بجای آورد و اکنون نشسته و مرا ثنا میکوید و بر پیغمبر من صلوات میفرستد من نیز در ملکوت سموات و ارض
او را ثنا کویم و بر روح او در میان ارواح صلوات فرستم و چون بر امیر المؤمنین در نماز صلوات فرستد فرماید من بر تو صلوة فرستم همچنانکه تو بر او
صلوات فرستادی او را شفیع تو کردانم همچنانکه تو او را شفیع خود ساختی و چون سلام نماز دهد خدای تعالی با ملائکه بر او سلام کنند و در روایت
دیگر آمده که سلام بعد از هر نماز امانست یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیغمبر بصدر الخضوع و الخشوع بجای آرد امانست او را از بلای دنیا و عذاب آخرت
و مخفی نماند که مراد از صلوات بر امیر المؤمنین صلوات الله علیه اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر بر آل او نیز فرستد زیرا که آل و امیر المؤمنین و فاطمه
و یازده امام دیگرند صلی الله علیهم و احادیث دیگر وارد شده که سلمان فارسی و سایر شیعیان نیز از جملهٔ آنحضرت اند و در صلوة بر ایشان
شیعیان را نیز قصد باید نمود **فصل ششم** در فضایل تعقیب و کیفیت آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلم مرویست که هر کس بعد از
نماز فریضه تا وقت نماز دیگر تعقیب بخواند مهمان خدا باشد و حقست بر خدای که مهمان خود را اکرام فرماید و تعقیب خواندن بعد از هر نماز
و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب برای وسعت رزق بهتر است از مسافرت و تجارت نمودن با اینکه احادیث دیگر آمده که نه جزو رزق
در تجارتست و یک جزو در غیر آن و تعقیب خواندن بعد از فریضه افضل است از نافله کذاردن و ظاهر مراد ازین نافله غیر نوافل یومیه
باشد و هر کس بعد از نماز صبح بر جای خود بنشیند تا طلوع آفتاب تعقیب بخواند خدای تعالی او را از آتش دوزخ مستور کرداند و کناهان کذشته
اش آمرزیده شود و ثواب حجی داشته باشد و اگر بعد از نماز شام تعقیب بخواند و حرف نزند تا آنکه دو رکعت نافله بکذارد آن نافله را
در علیین ثبت نمایند و اگر چهار رکعت نماز بکذارد حج مقبول برای او ثبت کنند و فضل تعقیب بعد از فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل
فضل فریضه است بر نافله و در وقت تعقیب رو بقبله باشد و حرف نزند که هرچه بنماز ضرر کند بتعقیب نیز ضرر کند مگر آنکه ضرورت
و حرکت روی دهد پس با وضو باشد در تعقیب باشد این بود بیان فضایل تعقیب بر سبیل اجمال و آداب آن اما تفصیل و کیفیت
آن چنانست که مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس بعد از سلام دست بردارد و سه مرتبه الله اکبر بکوید بعد از آن
بکوید لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد
یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر شکری که واجبست برو بسبب توفیق یافتن اسلام و جنود آن بجا آورده باشد و
هر کس بعد از نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بکوید و بعد از آن یک مرتبه لا اله الا الله بکوید کناهانش همه آمرزیده شود
و در روایت دیگر آمده که پیشتر از آنکه پا را از وضعی که در نماز نشسته بکرداند تسبیح بکوید و بعد از هر نماز هر روز کفتن این تسبیح بهتر است
از آنکه هر روز هزار رکعت نماز کذارد و هر کس این تسبیح را بر خود لازم کرداند هرکز شقی نکردد و مرویست که اگر ذکری بهتر ازین میبود پیغمبر صلعم
آنرا بحضرت فاطمه عطا میفرمود و مستحب است که تسبیح از خاک مقدس امام حسین علیه السلم باشد که زینت شیعیان است و اگر با ذکر بکرداند

بعد

بعد هر دانه چهل حسنه داشته باشد اگر غفلت و بیکار بکرداند هر دانه بیست حسنه دارد و اگر در اثنای ذکر فراموش کند و همان تسبیح را میکرداند
باشد ثواب آن ذکر داشته باشد و در روایت دیگر آمده که اگر با تسبیحی از آن تربت مبارک استغفار کند هر استغفاری هفتاد مرتبه مضاعف شود
و اگر در دست بکیرد و تسبیح نکند بهر دانه هفت مرتبه و در روایت دیگر آمده که هر کس با این تربت مقدس تسبیح کند چهار صد حسنه برایش بنویسند و چهار
صد سیئه محو کنند و چهار صد درجه بلند کردانند و چهار صد حاجتش بر آرند و نیز مرویست که هر کس با این تربت تسبیحات اربع بکوید بهر دانه شش
هزار حسنه ثبت کنند و آنقدر درجه بلند کردانند و آنقدر شفاعت عطا فرمایند و مرویست که از چهار چیز مستغنی نباشد حصیری که جای نماز
باشد و انکشتری و مسواک و تسبیحی از خاک قبر حضرت امام حسین ع که سی و سه دانه باشد و در روایت دیگر سی و چهار دانه وارد شده و احتمال دارد
که یک دانه مؤذن باشد و هر کس پیشتر از آنکه پا را از وضعی که نشسته بکرداند سه مرتبه بکوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو
الجلال و الاکرام و اتوب الیه خدای تعالی کناهانش را بیامرزد اگرچه مثل کف دریا باشد و اگرچه پیشتر از آنکه زانو را از موضع خود تغیر
دهد ده مرتبه بکوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا چهل هزار
هزار حسنه برای او ثبت شود و چهل هزار هزار سیئه محو شود و چنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و اگر بعد از هر نماز بکوید
اعوذ بوجهک الکریم و عزتک التی لا ترام و قدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا و الآخرة و من
شر الاوجاع کلها و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع نماید و اگر الحمد و شهد الله
انه لا اله الا هو تا سریع الحساب و آیة الکرسی و قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر روز
بچشم مهربانی خود هفتاد مرتبه برو نظر کنم و هر مرتبه هفتاد حاجت او را بر آرم و او را بهر قدر کناه که دارد قبول نمایم و در روایت دیگر آمده که هر
روز هفتاد حاجتش را بر آرم که کمترین آنها مغفرت کناهانش باشد و در حظیرهٔ قدس خویش جایش دهم و بر دشمنان نصرتش دهم و از
ایشان نکاهش دارم و هیچ چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مگر موت یعنی اگر موت مقدر نمی بود هم چنانکه هست به بهشت میبردم و در روایت
دیگر شده که هر کس بعد از هر فریضه آیة الکرسی بخواند از ضرر حیوانات ضرر دار ایمن باشد و هیچ چیز مانع بهشت رفتن او نباشد مگر موت و هیچ
مواظبت نکند مگر صدیقی یا عابدی و هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد ترک خواندن قل هو الله احد بعد از هر فریضه نکند که خدای تعالی در دنیا
و آخرت برای او جمع فرماید و کناهان او و والدین و برادران و خواهرانش را بیامرزد و هر کس بعد از هر فریضه دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند
بعد از آن دست بردارد و بکوید اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطاهر الطهر المبارک و اسئلک باسمک
العظیم و سلطانک القدیم ان تصلی علی محمد یا واهب العطایا یا مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار
اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار و تخرجنی من الدنیا سالما و تدخلنی الجنة
امنا و ان تجعل دعائی اوله فلاحا و اوسطه نجاحا و آخره صلاحا انک انت علام الغیوب چون
از دنیا بیرون رود از کناهانش خالص باشد مانند طلای بیغش و هیچکس را برو مظلمه نباشد و بعد از هر نماز فریضه این دعا را بخواند
اللهم انی اسئلک بحولک القدیم و رأفتک بتربیتک اللطیفة و شفقتک بصنعتک المحکمة و قدرتک

بتبرّك الجميل صلّ على محمّد وآل محمّد واحي قلوبنا بذكرك واجعل ذنوبنا مغفورة وعيوبنا مستورة وعقولنا على
توحيدك مجبورة وارواحنا على دينك مفطورة وجوارحنا على خدمتك مقصورة واسمائنا في خواصّك مشهورة
وحوائجنا لديك ميسورة وارزاقنا من خزائنك مدرورة انت الله لا اله الا الله انت لقد فاز من والاك
وسعد من ناجاك وعزّ من ناداك وظفر من رجاك وغنم من قصدك وربح من تاجرك وهركس بعد از هر نماز بگويد
يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يغلطه السائلون يا من لا يبرمه الحاح الملحّين اذقني برد عفوك وحلاوة
رحمتك گناهانش همه آمرزيده شود اگرچه بعدد ستارهٔ آسمان باشد وقطرهٔ باران وخاك زمين وريگ بيابان باشد وهركس بعد از هر نماز
فريضه بگويد اجير نفسي ومالي وولدي واهلي وداري وكلّ ما هو منّي بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد واجير نفسي ومالي وولدي وكلّ ما هو منّي بربّ الفلق من شرّ ما خلق تا آخر سوره
وبربّ الناس تا آخر سوره وبالله الذي لا اله الا هو الحيّ القيوم تا آخر آية الكرسي او وخانه ومال واولادش از آفات محفوظ
گردد ونيز بعد از نماز فريضه بايد گفت رضيت بالله ربّا وبمحمّد نبيّا وبالاسلام دينا وبالقرآن كتابا وبعليّ والحسن
والحسين وعليّ ومحمّد وجعفر وموسى وعليّ ومحمّد وعليّ والحسن ومحمّد ائمّة اللهمّ وليّك محمّد بن الحسن
فاحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته وامدد له في عمره
واجعله القائم بامرك والمنتصر لدينك وأره ما يحبّ وتقرّ به عينه في نفسه وذرّيته وفي اهله
وماله وفي شيعته وفي عدوّه وأرهم منه ما يحذرون وأره فيهم ما يحبّ وتقرّ به عينه واشف
به صدورنا وصدور قوم مؤمنين وهركس پيش از آنكه داخل نماز شود بگويد اللهمّ انّي اتوجّه اليك بمحمّد وآل
محمّد تا آخر دعا كه در فصل كيفيّت اشتغال به نماز گذشت وبعد از نماز بگويد اللهمّ اجعلني مع محمّد وآل محمّد في كلّ عافية
وبلاء واجعلني مع محمّد وآل محمّد في كلّ مثوى ومنقلب اللهمّ اجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم واجعلني
معهم في المواطن كلّها ولا تفرّق بيني وبينهم انّك على كلّ شيء قدير با محمّد وآل محمّد صلّى الله عليهم
باشد وهركس بعد از هر فريضه بگويد رضيت بالله ربّا وبمحمّد نبيّا وبالاسلام دينا وبالقرآن كتابا وبالكعبة
قبلة وبعليّ وليّا واماما وبالحسن والحسين وعليّ ومحمّد وجعفر وموسى وعليّ ومحمّد وعليّ والحسن والحجّة
القائم الخلف صلوات الله عليهم ائمّة اللهمّ انّي رضيت بهم ائمّة فارضني لهم انّك على كلّ شيء قدير
با ايمان بيرون رود از دنيا واگر بعد از هر نماز بگويد اللهمّ اهدني من عندك وافض عليّ من فضلك وانشر عليّ
من رحمتك وانزل عليّ من بركاتك روز قيامت هشت در بهشت بر او گشوده شود تا از هر كدام خواهد داخل شود
وحضرت صادق عليه الصلاة والسلام فرموده از جملهٔ حقوق ما بر دوستان وشيعيان ما اينست كه چون از نماز فريضه فارغ شود
برنخيزد تا اينكه بخواند اللهمّ انّي اسألك باسمك العظيم وبحقّك العظيم ان تصلّي على محمّد وآل محمّد

الطاهرين وان تصلّي عليهم صلوة تامّة دائمة وان تدخل على محمّد وآل محمّد واوليائهم حيث كانوا
واين كانوا في سهل او جبل او برّ او بحر من بركة دعائي ما تقرّ به عيونهم احفظ يا مولاي الغائبين
منهم واردد هم الى اهاليهم سالمين ونفّس عن المهمومين وفرّج عن المكروبين واكس العارين
واشبع الجائعين وارو الظامئين واقض دين الغارمين وزوّج العازبين واشف المرضى وادخل على
الاموات ما تقرّ به عيونهم وانصر المظلومين من اوليائك آل محمّد عليهم السلام واطف نائرة المخالفين
اللهمّ وضاعف لعنتك وبأسك ونكالك وعذابك على الذين كفروا نعمتك وخوّنوا رسولك واتّهموا
نبيّك وباينوه وحلّوا عقده في وصيّه ونبذوا عهده في خليفته من بعده وادّعوا مقامه وغيّروا احكامه
وبدّلوا سنّته وقلبوا دينه وصغّروا قدر حججك وبدأوا بظلمهم وطرّقوا طريق الغدر عليهم والخلاف عن امرهم والقتل
لهم وارهاج الحروب عليهم ومنع خليفتك من سدّ الثلم وتقويم العوج وتثقيف الاود وامضاء الاحكام
واظهار دين الاسلام واقامة حدود القرآن والعنهما وابنتيهما وكلّ من مال ميلهم وحذا حذوهم وسلك
طريقهم وتصدّر ببدعتهم لعنا لا يخطر بالبال ويستعيذ منه اهل النار اللهمّ العن من دان بقولهم واتّبع
امرهم ودعا الى ولايتهم وشكّ في كفرهم من الاوّلين والآخرين وهم از آنحضرت صلوات الله عليه مرويست كه از جملهٔ
حقوق ما بر شيعيان ما اينست كه بعد از هر فريضه دست بر زنخ بگيرد وسه مرتبه بگويد يا ربّ محمّد عجّل فرج آل محمّد يا ربّ محمّد احفظ
غيبة محمّد يا ربّ محمّد انتقم لابنة محمّد مؤلّف اين مجموعه گويد هم چنانكه از قرآن مبين واحاديث اهل بيت طاهرين عليهم السلام
معلومست وهيچ شكّي در آن نيست اينست كه اين دعا وهر دعائي كه باين مضمون باشد مشتمل باشد بر ولايت اهل بيت عليهم السلام
ودعاي ايشان وشيعيان وبراءت ولعنت بر اعداء وغاصبان حقّ ايشان وافضل است از همهٔ ادعيه واذكار واجلست از جميع
افعال واعمال زيرا كه ايمان باين تمام است واگر نعوذ بالله درين قصوري باشد هيچ عبادت بقدر ذرّه سود ندهد ومرويست كه حضرت
صادق عليه السلام بعد از هر فريضه چهار كس از مردان ابوبكر وعمر وعثمان ومعاويه وچهار كس از زنان عائشه وحفصه وهند وامّ الحكم خواهر
معويه را بخصوص لعن ميفرموده ومرويست كه چون از فريضه فارغ شويد بني اميّه را لعن نكنيد بجاي نرويد ومرويست كه در آسمان فرشته
ايست هزار سر دارد ودر هر سري هزار دهن دارد ودر هر دهن هزار زبان با هر زبان بهزار لغت خدا را تسبيح ميكند وقتي از
جناب الهي سؤال نمود كه آيا كسي از بندگان تو باشد كه مثل من عبادت كند از آنجناب جواب رسيد كه در زمين مرا بنده ايست كه تسبيحش
بيشتر است وثوابش عظيم تر از آن فرشته رخصت ديدن آن بنده يافته آمده وسه روز با او بود وزياده برين عبادتي از آن نديد كه بعد
از هر فريضه اين تسبيح ميگفت سبحان الله كلّما سبّح الله شيء وكما يحبّ الله ان يسبّح وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعزّ جلاله والحمد لله كلّما حمد الله شيء وكما يحبّ الله ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ
جلاله ولا اله الا الله كلّما هلّل الله شيء وكما يحبّ الله ان يهلّل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ

جلاله والله اکبر کلما کبر الله شیء وکما یحب الله ان یکبر وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر علی کل نعمة انعم بها علی وعلی کل احد من خلقه ممن کان او یکون الی یوم
القیامة اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد واسئلک خیر ما ارجوا وخیر ما لا ارجوا واعوذ بک من شر
ما احذر ومن شر ما لا احذر وهرکس بعد از هر نمازی سی مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر از سوختن
وغرق شدن وخراب ماندن وخوردن جانوران درنده ومردن بوجهی بد وناخوش وبلیه که در آن روز نازل شود ایمن باشد ومرویست که سامع
این تسبیحات را بعد از هر نمازی که قصر میکند سی مرتبه بخواند نمازش بآن تمام شود وهرکس بعد از نماز صبح وشام پیش از آنکه حرف زند وپا را از وضعی
که نشسته تغیر دهد صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صد نوع بلا ازو دفع شود که سهل ترین آن
برص وجذام وشیطان وسلطان باشد واگر هفت مرتبه بگوید هفتاد نوع بلا دفع شود که سهل ترین آن جنون وجذام وبرص باشد واگر شقی بود
از دیوان اشقیا محو گردد ودر زمره سعدا ثبت شود واگر بعد از نماز صبح مرتبه بگوید باسم اعظم نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بسفیدیش واسم اعظم
در آن داخل باشد واگر بعد از نماز صبح وشام پیش از آنکه حرف زند با کسی وپا را بگرداند بگوید ان الله وملائکته یصلون
علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما اللهم صل علی محمد وذریته صد حاجت او را برآرد هفتاد
در دنیا وسی در آخرت وبعد از نماز صبح وشام بگوید اللهم انی اسئلک بحق محمد وال محمد علیک صل علی محمد وال محمد
واجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسعة فی رزقی والسلامة فی نفسی
والشکر لک ابدا ما ابقیتنی از درد چشم ایمن باشد وخیر دنیا وآخرت برای جمع شود واگر بعد از نماز صبح وظهر بگوید اللهم اجعل
صلواتک وصلوات ملائکتک ورسلک علی محمد وال محمد یک گناه بر او ننویسند واگر بعد از این دو نماز اللهم صل علی محمد
وال محمد وعجل فرجهم از دنیا نرود تا بخدمت حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه برسد واگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه با کسی حرف
زند بگوید رب صل علی محمد واهل بیته خدای تعالی روی او را از تابش آتش نگاه دارد واگر بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان
الله العظیم وبحمده لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از کوری ودیوانگی وجذام وپریشانی وضعف پیری ایمن گردد
واگر بعد از نماز صبح این دعا بخواند هر حاجتی که خواهد برآورده شود وخدای تعالی کفایت مهماتش فرماید بسم الله وصلی الله علی محمد
واله وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من
الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله لا ما شاء الناس
ما شاء الله وان کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین
حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی من کان مذ کنت حسبی حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم وهرکس هر روز بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم

ذا الجلال

ذا الجلال والاکرام واسئله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستکین مستجیر لا یملک لنفسه نفعا
ولا ضرا ولا حیوة ولا موتا ولا نشورا خدای تعالی ملکین را فرماید تا نامه گناهان او را هر چه باشد در آتش بسوزانند وهر
کس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند هفتصد گناهش آمرزیده شود واگر او را اینقدر گناه نباشد از پدرش
آمرزیده شود واگر او را نبود از مادرش واگر او را نبود از خویشانش الاقرب فالاقرب واگر بعد از نماز عصر ده مرتبه انا انزلناه بخواند
بعدد هر کس که نماز عصر گذارده شود برای ثبت نمایند وروایت دیگر آمده که مثل اعمال همه خلایق برای ثبت نمایند وروایت شده که دو
آیه سوره بقره امن الرسول بما انزل الیه تا آخر سوره را خدای تعالی از گنجهای بهشت فرستاده ودو هزار سال پیش از آنکه خلایق را
بیافریند بدست خود نوشته هر کس بعد از نماز خفتن بخواند مجزی باشد او را از قیام لیل وهر کس روز جمعه بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند
بگوید اللهم ما قلت فی جمعتی هذه من قول او حلفت فیها من حلف او نذرت فیها من نذر فمشیتک
بین یدی ذلک کله فما شئت منه ان یکون کان وما لم تشأ منه لم یکن اللهم اغفر لی وتجاوز عنی
اللهم من صلیت علیه فصلواتی علیه ومن لعنته فلعنتی علیه کفاره گناهانی باشد که در آن هفته کرده وهرکس بعد از عصر روز
جمعه هفت مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک وبارک علیهم بافضل برکاتک
والسلام علیه وعلیهم ورحمة الله وبرکاته خدای تعالی برای او صد هزار حسنه ثبت نماید وصد هزار سیئه محو فرماید وصد هزار درجه بلند
گرداند وصد هزار حاجتش را برآورد وبعد هر کسی او را حسنه باشد واعمالش در آن روز مقبول گردد وچون روز قیامت بیاید میان هر دو
چشمش نوری درخشان باشد وچون از نماز وتعقیبات فارغ شوند سنت مؤکد لازم است سجده شکر کردن که نماز بآن تمام شود
ورضای خدا باشد وملائکه را از آن خوش آید وخدای تعالی حجاب از میان او وملائکه بردارد وگوید ببینید بنده مرا عبادت من بجای آورده
واکنون سجده میکند مرا بشکر آنکه توفیقش داده ام پس جزای آنچه باشد گویند خدایا رحمت تو فرماید دیگر چه گویند بهشت گوید دیگر
چه گویند کفایت مهماتش وهمچنین خدای تعالی سؤال کند وملائکه جواب گویند تا آنکه هیچ چیزی نماند مگر آنکه گفته شود باز سؤال فرماید
گویند خدایا پیش از این علم ما وفا نکند پس خدای تعالی فرماید شکر او کنم همچنانکه او شکر من میکند وبفضل خویش روی باو کنم وجمال خود باو
نمایم ونیز مرویست که خدای تعالی بحضرت موسی علی نبینا واله وعلیه السلام وحی فرمود وگفت میدانی بچه سبب ترا بمناجات وکلام خود اختیار
نمودم گفت خدایا ندانم فرمود همه بندگان خود را تفتیش کردم وامتحان فرمودم هیچکس را متواضع تر وذلیل النفس تر از تو نیافتم زیرا که چون
نماز گذاری هر دو روی خود بر خاک نهی وسجده شکر چنین کند که هر دو ساعد وسینه وشکم ملاصق زمین باشد ودر سجده اول صد مرتبه بگوید
الحمد لله شکرا وده مرتبه یکبار بگوید شکرا للمجیب وچون صد مرتبه تمام شود بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابدا ولا یحصیه غیره
ویا ذا المعروف الذی لا ینفد ابدا یا کریم یا کریم یا کریم وهر حاجتی که خواهد بطلبد وبعد از آن بگوید لک الحمد ان اطعتک ولک
الحجة ان عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان منک الی فی حال الحسنة یا کریم یا کریم صل علی
محمد واهل بیته وصل بجمیع ما سألتک من فی مشارق الارض ومغاربها من المؤمنین والمؤمنات

وابعثنی برحمتك و چون روی راست بر زمین گذارد بگوید اللهم لا تسلبنی ما انعمت به علی من ولایتك وولایة
محمد وآل محمد علیهم السلام پس روی چپ بر زمین گذارد و همین بگوید پس بار دیگر سجده کند و صد مرتبه بگوید شکراً شکراً و طریقه دیگر
آنکه در سجده اول بگوید اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه وآله الا بدلت سيئاتي حسنات وحاسبتني حساباً
یسیراً و چون روی راست بر زمین گذارد و بگوید اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه وآله الا كفيتني مؤنة الدنيا
وكل هول دون الجنة و چون روی چپ بر زمین گذارد بگوید اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه وآله لما غفرت
لي الكثير من الذنوب والقليل وقبلت من عملي اليسير و چون مرتبه دیگر سجده کند بگوید اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك
عليه وآله لما ادخلتني الجنة وجعلتني من سكانها ولما نجيتني من سفعات النار برحمتك و اقل سجده شکر
آنست که سه مرتبه بگوید شکراً لله و چون سر از سجده بردارد سه مرتبه بگوید بسم الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
الرحمن الرحيم اللهم اذهب عني الهم والحزن و هر مرتبه دست راست بر موضع سجده بمالد و بر جانب چپ روی بمالد پس بر روی
بکشد تا جانب راست که هم و حزن را زایل کند و چون از جای نماز برخیزد بگوید سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على
المرسلين والحمد لله رب العالمين که هر کس آخر کلامش این بود خدای تعالی او را بهترین کیلها ثواب دهد بعدد هر مسلمی برای او حسنه
ثبت فرماید **فصل هفتم** در فضایل اذکار ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوصه آن
در میان لیالی و ایام از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هیچ روز بر بنی آدم وارد نشود مگر آنکه گوید ای فرزند آدم من روزی
تازه ام و شاهدم بر اعمال تو ام پس تا من با تو ام هرچه گوئی خیر گوی و هرچه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم و چون از تو جدا شوم دیگر مرا
نبینی هرگز و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که شیطان لعنه الله هر روز از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب
شفق مغرب جنود و اتباع خود را در زمین منتشر میسازد برای اضلال مردمان پس در این دو وقت ذکر خدا بسیار کنید و خود و کودکان
خود را بخدا پناه دهید و سعی نمائید تا از کید و شر شیطان محافظت فرماید که این دو ساعت غفلت است و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که خدای تعالی میفرماید یک ساعت بعد از صبح و یک ساعت بعد از عصر ذکر من کنید تا من کفایت مهمات شما نمایم و نیز فرموده اند چون
آفتاب زرد شود ذکر خدای کنید و اگر با جمعی باشید که مشغول بکار دیگر باشند از میان ایشان برخیزید و مشغول ذکر و دعا شوید و در وقت طلوع صبح
بگوید الحمد لله فالق الاصباح سبحان رب المساء ورب الصباح اللهم صبح آل محمد ببركة وعافية وسرور وقرة
عين اللهم انك تنزل بالليل والنهار ما تشاء فانزل علي وعلى اهل بيتي من بركة السموات والارض
رزقاً حلالاً طيباً تغنيني به عن جميع خلقك و از جمله ادعیه مخصوص صبح دعائیست عظیم الفضایل جسیم الفواید شریف
المضامین منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه اللهم يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع الليل
المظلم بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه وشعشع ضياء الشمس بنور تأججه
يا من دل على ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة كيفياته يا من قرب

من

من خواطر الظنون وبعد عن ملاحظة العيون وعلم بما كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد امنه وامانه
وايقظني الى ما منحني به من مننه واحسانه وكف اكف السوء عني بيده وسلطانه صل اللهم على
الدليل اليك في الليل الاليل والماسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في ذروة
الكاهل الاعبل والثابت القدم على زحاليفها في الزمن الاول وعلى آله الاخيار المصطفين الا
برار وافتح اللهم لي مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني بافضل خلع الهداية والصلاح
واغرس اللهم بعظمتك في شرب جناني ينابيع الخشوع واجر لهيبتك من آماقي زفرات الدموع وادب
نزق الخرق مني بازمة القنوع الهي ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح
الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني نصرك
عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب والحرمان الهي اتراني ما اتيتك الا من حيث
الآمال ام علقت باطراف حبالك الا حين باعدتني ذنوبي عن دار الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها
فواها لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها على سيدها ومولاها الهي قرعت باب رحمتك
بيد رجائي وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم
عما كان من زللي وخطائي واقلني من صرعة ردائي انك سيدي ومولاي ومعتمدي ورجائي في منقلبي
ومثواي وانت غاية مناي الهي كيف تطرد مسكينا التجأ اليك من الذنوب هاربا ام كيف تخيب
مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك مترعة
في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول وانت غاية المسؤول ونهاية المأمول الهي هذه
ازمة نفسي عقلتها بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك وهذه الاهواء المضلة و
كلتها الى جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى والسلامة في الدين و
الدنيا ومسائي جنة من كيد ووقاية من مرديات الهوى انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير
اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من
الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب الهي من ذا يعرف قدرك فلا يخافك
ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك الفرق وفلقت بلطفك الفلق وانرت بكرمك د
ياجي الغسق وانهرت المياه من الصم الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا و
جعلت الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدأت لغوبا ولا علاجا فيا من

توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل على محمد وآله الاتقياء واسمع ندائي واستجب دعائي
وحقق بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمامول في كل عسر ويسر بك انزلت حاجتي فلا
تردني عن سني مواهبك خائبا يا كريم يا كريم يا كريم برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه
ومظهر لطفه محمد وآله اجمعين وسلم تسليما كثيرا ونيز اين دعا از صحيفه كامله هر صبح بخوانند كه فضايل بيحد وفواضل بيعد دارد
الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته آخر ونيز هر صباح اين دعا بخوانند كه مرويست از امامين همامين موسى بن جعفر الكاظم
وعلي بن موسى الرضا عليهما السلام بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ان ذنوبي وكثرتها قد اخلقت وجهي عندك وحجبتني
عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استنجاز مغفرتك ولولا تعلقي بآلائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي
من المسرفين واشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين من رحمتك فقلت ومن يقنط من
رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتك الى دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون عن
عبادتي سيدخلون جهنم داخرين لكان ذل الاياس علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي ملتحفا الهي قد وعدت
المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه بك عقابا اللهم وقد امسك رمقي حسن الظن بك في عتق
رقبتي من النار وتغمد زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي لا خلف له ولا تبديل يوم ندعو كل اناس
بامامهم ذلك يوم النشور اذا نفخ في الصور وبعثرت القبور اللهم اني اقر واشهد واعترف ولا اجحد وا
سر واظهر واعلن وابطن بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك و
رسولك وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين ووارث علم النبيين وقاتل المشركين وامام المتقين
ومبيد الناكثين والقاسطين والمارقين امامي وحجتي وعروتي وصراطي ودليلي ومحجتي ومن لا اثق
بالاعمال وان زكت ولا اراها منجية لي وان صلحت الا بولايته والائتمام به والاقرار بفضائله والقبول
من حملتها والتسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من ابنائه ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما
ومنارا وسادة وابرارا واومن بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم
وغائبهم لا شك في ذلك ولا ارتياب يحولني عنه ولا انقلاب اللهم فادعني يوم حشري وحين
نشري بامامتهم واحشرني في زمرتهم واكتبني في اصحابهم واجعلني من اخوانهم وانقذني بهم
من حر النيران وان لم ترزقني روح الجنان فانك ان اعتقتني من النار كنت من الفائزين اللهم
وقد اصبحت في يومي هذا ولا ثقة لي ولا رجاء ولا مفزع ولا ملجأ ولا ملتجأ غير من توسلت
بهم اليك وهم رسولك وآله علي امير المؤمنين وسيدتي فاطمة الزهراء سيدة النساء والحسن

العالمين

والحسين

٣٤

والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومقيم الحجة من بعدهم الحجة
المستورة من ولدهم والمرجو للامة من ذريتهم وخيرتك صلواتك عليهم اللهم فاجعلهم في هذا اليوم وما بعده
حصني من المكاره ومعقلي من المخاوف ونجني بهم من كل عدو وطاغ وباغ وفاسق ومن شر ما اعرف
وما انكر وما استتر عني وما ابصر ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
اللهم فبتوسلي بهم اليك تقربي بمحبتهم وتحصني بامامتهم افتح علي في هذا اليوم ابواب رزقك وانشر علي
رحمتك وحببني الى خلقك وجنبني عداوتهم وبغضهم انك على كل شيء قدير اللهم
ولكل متوسل ثواب ولكل ذي شفاعة حق فاسألك بمن جعلتهم اليك سببي وقدمتهم امام طلبتي
ان تعرفني بركة يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم فهم مفزعي ومعولي في شدتي ورخائي
وعافيتي وبلائي ونومي ويقظتي وظعني واقامتي وعسري ويسري وعلانيتي وسري وصباحي و
مسائي ومنقلبي ومثواي اللهم فلا تخيبني بهم من نائلك ولا تقطعني بهم من نعمتك ولا تقطع ر
جائي من رحمتك ولا تؤيسني من روحك ولا تبتلني بانغلاق ابواب الرزق وانسداد مسالكها وارت
تاج مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحا يسيرا واجعل لي من كل ضنك مخرجا والى كل سعة منهاجا بر
حمتك يا ارحم الراحمين اللهم واجعل الليل والنهار مختلفين علي برحمتك يا ارحم الراحمين انك
على كل شيء قدير وبكل شيء محيط پوشيده نباشد كه براى دوستان واهلبيت عليهم السلام اين دعا وامثال اين افضل
ادعيه واوراد واذكار است بسبب اينكه الآن بتوسل حبل المتين ولايت وتمسك بعروة الوثقى امامت
ايشان كه معيار هر شرف وسعادت ومقدار قبول عبادت است وهر كه چهل روز بعد از نماز صبح اين دعا را بخواند از جمله انصار
حضرت صاحب الزمان صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين باشد واگر پيش از ظهور آن حضرت بميرد در آن زمان خدا او را
زنده گرداند وبعد هر كلمه هزار حسنه عطا فرمايد وهزار سيئه محو نمايد دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم رب
النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور ورب
الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة المقربين والانبياء المرسلين اللهم اني
اسألك بوجهك الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم اسألك باسمك الذي
اشرقت به السموات والارضون وباسمك الذي يصلح به الاولون والآخرون يا حي حي
يا حي يا حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حي لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد
وعجل اللهم فرجهم اللهم بلغ مولانا الامام الهادي المهدي الحجة القائم بامرك عن
جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها وسهلها وجبلها وبرها وبحرها

وسقیهم وعنی وعن والدی واهلی واخوانی وولدی من الصلوة والتحیات زنة عرشك
ومداد کلماتك وما احصاه کتابك واحاط به علمك اللهم انی اجدد فی صبیحة یومی هذا وما
عشت فیه من ایام حیاتی عهدا وعقدا وبیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول ابدا
اللهم اجعلنی من انصاره واعوانه والذابین عنه والمسارعین فی حوائجه والممتثلین لاوامره
ونواهیه والسابقین الی ارادته والمجاهدین معه والمحامین عنه والمستشهدین بین
یدیه اللهم فان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادك حتما مقضیا فاخرجنی من قبری
مؤتزرا کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة
الرشیدة والغرة الحمیدة واکحل ناظری بنظرة منی الیه وعجل فرجه واسهل مخرجه واوسع منهجه
واسلك بی محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو ظهره وطول عمره واعمر اللهم به بلادك
واحی به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس فاظهر
اللهم لنا ولیك وابن ولیك وابن بنت نبیك المسمی باسم رسولك صلی الله علیه
وآله فی الدنیا والآخرة حتی لا یظفر بشیء من الباطل الا مزقه ویحق الله به الحق ویحققه اللهم
واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا لمن لا یجد له ناصرا غیرك ومجددا لما عطل من
احکام کتابك ومشیدا لما ورد من اعلام دینك وسنن نبیك محمد صلی الله علیه وآله واجعله
اللهم ممن حصنته من بأس المعتدین اللهم وسر نبیك محمدا صلی الله علیه وآله برؤیته ومن
تبعه علی دعوته وارحم استکانتنا بعده اللهم اکشف عنا الغمة عن هذه الامة بحضوره
وعجل اللهم لنا ظهوره انهم یرونه بعیدا ونراه قریبا برحمتك یا ارحم الراحمین بعد از آن سه مرتبه دست
بر ران راست خود زند و بگوید العجل العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث صلوات الله
علیك انا منتظر الیك حتی یکفی الله من دولتك وسعادتك ومن یمنك وبرکتك یا مولای
العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة بعد از آن بگوید یا صاحب الزمان الامان الامان
الامان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی بحق آبائك الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین
و از اهل بیت اطهار علیهم السلام روایت که حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی الله علیه وآله وعلیهم وسلم از یکدیگر
میراث گرفته اند و آن اینست که هر روز صبح بگوید اللهم انی اسئلك ایمانا تباشر به قلبی ویقینا حتی اعلم
انه لا یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی بما قسمت لی و در بعضی روایات این عبارت نیز زیاد آمده
حتی لا احب تعجیل ما اخرت ولا تأخیر ما عجلت یا حی یا قیوم برحمتك استغیث اصلح لی شأنی

کله

کله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وصلی الله علی محمد وآله و هرکس هر روز پیش از طلوع آفتاب بگوید الله اکبر
الله اکبر کبیرا وسبحان الله بکرة واصیلا والحمد لله رب العالمین کثیرا لا شریك له وصلی الله علی محمد وآله
فرشته آنرا بگیرد و در میان بال خویش گرفته باسمان رود و چون باسمان دنیا رسد ملائکه گویند با خود چه داری
گوید این کلمات را که مؤمنی گفته پس ملائکه دعا کنند و گویند خدای تعالی بر آن مؤمن رحم کند و گناهانش را بیامرزد و همچنین که بهر
آسمان که برسد ملائکه آن آسمان همین دعا کنند تا اینکه بحاملان عرش رسد ایشان نیز این دعا کنند و گویند ببر این
کلمات را بخزینه داران اقوال مؤمنان بسپار تا در دیوان خزینه ثبت نمایند که این کلمات خزینه است و هرکس
هر صبح و عصر سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد فی الاولین وصل علی محمد وآل محمد فی الآخرین
وصل علی محمد وآل محمد فی الملأ الاعلی وصل علی محمد وآل محمد فی المرسلین اللهم اعط محمدا الوسیلة
والفضیلة والشرف والرفعة والدرجة الکبیرة اللهم انی آمنت بمحمد ولم اره فلا تحرمنی یوم
القیامة رؤیته وارزقنی صحبته وتوفنی علی ملته واسقنی من حوضه مشربا رویا سائغا هنیئا
لا اظمأ بعده ابدا انك علی کل شیء قدیر اللهم کما آمنت بمحمد ولم اره فعرفنی فی الجنان وجهه
اللهم بلغ روح محمد عنی تحیة کثیرة وسلاما گناهانش فرو ریزد و خطایانش محو گردد و سرورش دایم شود و بر دشمنان
نصرت یابد و اسباب خیرات برای او مهیا شود و آرزویش برآورده و روزیش وسیع گردد و در بهشت از رفقای محمد وآل
محمد باشد و از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام مرویست که سنت واجب است پیش از طلوع
و پیش از غروب آفتاب ده مرتبه خواندن این تهلیل لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و بعد از آن ده مرتبه این استعاذه بگوید
اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین واعوذ بالله ان یحضرون ان الله هو السمیع
العلیم و اگر فراموش کند قضا کند همچنانکه نماز را قضا میکند و در روایات دیگر آمده که هرکس این تهلیل را ده مرتبه پیش از طلوع
و غروب آفتاب بخواند کفاره گناهان آنروزش باشد و هرکس پیش از طلوع و غروب آفتاب صد مرتبه الله اکبر بگوید هم
چنانست که صد بنده آزاد کند و هرکس هر صبح و شام سه مرتبه بگوید سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون
وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون در آن شبانه روز هیچ چیز از وی فوت نشود و هیچ
شری باو نرسد و هرکس هر صبح و شام چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین شکر آن شبانه روز را بجای آورده
باشد و مرویست که کسی با ابو درداء گفت آتش افتاده و خانهات سوخته گفت خانه من نسوخته دیگری آمده و همین
خبر آورد دیگری نیز همین خبر آورد و هر سه همین جواب شنیدند چون معلوم شد خانهای اطراف او همه سوخته بود و خانه او
در میان سالم مانده پرسیدند چون دانستی که خانهات نسوخته گفت از حضرت پیغمبر شنیدم که هرکس صبح و شام بگوید

اللهم انت ربي لا اله الا انت عليك توكلت وانت رب العرش العظيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن اعلم ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما اللهم
اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم در آن شب از
هيچ آفت باو نرسد ومن اين را گفته بودم ونيز هر صبح وشام اين دعا سه مرتبه بخواند اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنيع
الذي لا يحاول ولا يطاول من شر كل غاشم وطارق من ساير من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت
والناطق في جنة من كل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيك عليه وعليهم السلام محتجبا من كل
قاصد لي الى اذية بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا ان الحق معهم وفيهم
وبهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا فصل على محمد وآل محمد واعذني اللهم بهم من شر كل ما اتقيه يا عظيم
حجزت الاعادي عني ببديع السموات والارض انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين
ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون ودر وقت شام بجاي اصبحت امسيت بگويد از همه
مخاوف ومكاره ايمن شود انشاء الله تعالى واز حضرت امام جعفر صادق عليه السلم مرويست كه اگر هر چه را ترك كني اين دعا را در صبح
وشام ترك مكن اللهم اني اصبحت استغفرك في هذا الصباح وفي هذا اليوم لاهل رحمتك وابرء اليك من
اهل لعنتك اللهم اني اصبحت ابرء اليك في هذا اليوم وفي هذا الصباح ممن نحن بين ظهرانيهم من
المشركين ومما كانوا يعبدون انهم كانوا قوم سوء فاسقين اللهم اجعل ما انزلت من السماء الى الارض
في هذا الصباح وفي هذا اليوم بركة على اوليائك وعقابا على اعدائك اللهم وال من والاك وعاد
من عاداك اللهم اختم لي بالامن والايمان كلما طلعت شمس او غربت اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما
كما ربياني صغيرا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات انك
تعلم منقلبهم ومثويهم اللهم احفظ امام المسلمين بحفظ الايمان وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا قريبا
واجعل له ولنا من لدنك سلطانا نصيرا اللهم العن ابا بكر وعمر والفرق المختلفة على رسولك وولاة
الامر بعد رسولك والائمة من بعده وشيعتهم واسئلك الزيادة من فضلك والاقرار بما جاء من
عندك والتسليم لامرك والمحافظة على ما امرت به لا ابتغي به بدلا ولا اشتري به ثمنا قليلا اللهم
اهدني فيمن هديت وقني شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك ولا يذل من واليت تباركت وتعاليت
سبحانك رب البيت تقبل مني دعائي وما تقربت به اليك من خير فضاعفه لي اضعافا كثيرة وآتنا
من لدنك اجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتني واعظم ما اعطيتني واطول ما عافيتني واكثر ما سترت
على فلك الحمد يا الهي كثيرا طيبا مباركا عليه ملء السموات والارض وملء ما شاء ربي وكما يحب ربي

ويرضى

ويرضى وكما ينبغي لوجه ربي ذي الجلال والاكرام وچون اين دعا را بخواند در وقت شام در همه مواضع بجاي اصبحت
امسيت وبجاي هذا الصباح هذا المساء وبجاي هذا اليوم هذه الليلة وبجاي طلعت شمس او غربت غربت شمس او طلعت بگويد
ونيز هر صبح وشام بگويد الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره الحمد لله كما يحب الله والحمد لله كما
هو اهله اللهم ادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا
وآل محمد صلى الله على محمد وآل محمد ومرويست كه حضرت پيغمبر صلعم چون آفتاب بر سر كوه ديد كه زرد شده گرد انخيم
مبارك ش روان شدي وگفتي امسى ظلمي مستجيرا بعفوك وامست ذنوبي مستجيرة بمغفرتك وامسى خوفي مستجيرا
بامانك وامسى ذلي مستجيرا بعزتك وامسى فقري مستجيرا بغناك وامسى وجهي الفاني البالي مستجيرا
بوجهك الدائم الباقي اللهم البسني عافيتك وغشني برحمتك وجللني كرامتك وقني شر خلقك من
الجن والانس يا الله يا رحمن يا رحيم ومرويست كه در وقت ظهر گفتن اين تسبيح را محافظت نماي همچنانكه حضرت خود را
محافظت كني سبحان الله ولا اله الا الله والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن
له ولي من الذل وكبره تكبيرا واما فضايل روز جمعه واوراد آن مرويست از ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين
كه هيچ روز آفتاب طلوع نكند افضل از روز جمعه وسيد روزها است خداي تعالى در روز جمعه حسنات مضاعف كند وسيئات محو كند
ودرجات بلند گرداند ودعوات اجابت فرمايد وبليات رفع كند وحاجات عظيم بر آورد ورحمت وفضل زياده گرداند وهيچ كس
درين روز دعا نكند وطلب مغفرت ننمايد وحال آنكه حق وحرمت اين روز را شناسد مگر آنكه بر خداي لازم باشد كه او را از آتش
آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه يا شب آن بميرد شهيد باشد واز عذاب قبر واز آتش دوزخ ايمن باشد وهر قدر توانند درين روز
طاعات وساير خيرات زياده كنند كه ثواب حسنات مضاعف گردد وبسيار باشد كه مؤمني دعا كند وخداي تعالى تاخير اجابت
آن كند تا روز جمعه براي فضيلت آن روز وشب جمعه نيز در فضل وشرف مثل روزش باشد وخداي تعالى هر شب جمعه از اول شب تا طلوع
آفتاب از بالاي عرش ندا فرمايد وگويد اي بنده مؤمني كه حاجتي داري براي آخرت يا دنيا طلب نماي تا اجابت كنم واگر گناه كرده استغفار
نماي تا قبول نمايم واگر معاش تنگ بود سوال نماي تا زياده فرمايم واگر بيماري دعا كن تا شفا دهم واگر محبوس ومغموم باشي استغاثه كن
تا نجات دهم واگر مظلوم باشي استعانت نماي تا نصرت دهم ودر ثلث آخر هر شب ودر شب جمعه از اول شب تا طلوع آفتاب ملكي
فرستد تا از جانب جناب او ندا كند وگويد هر كس را حاجتي باشد بخواهد تا اجابت شود واگر گناهي كرده توبه نمايد تا مقبول گردد واي
طالبان خير مشغول خير شويد واي طالبان شر ترك شر نماييد وچون صبح طلوع كند بمقام خود در ملكوت سما رجوع نمايد وتعجيل
در روز جمعه بجهة عيال واطفال ميوه وتحفه تازه كه در روزهاي ديگر نبوده باشد آوردن تا درين روز شاد وخوشحال باشند ومحبت
شان در آن روز زياده گردد وهر كس استخفاف بحرمت اين روز كند وحق آن را ضايع گرداند بر خداي لازم باشد كه او را بجهنم برد
مگر آنكه توبه كند واگر درين روز يك بيت شعر بخواند نصيبش از فضايل آن روز همان باشد وافضل اعمال در شب وروز جمعه صلوات

فرستادن بر پیغمبر و آلش صلی الله علیه چون عصر پنجشنبه شود ملایکه از آسمان نازل شوند بعدد موربا قلمهای طلا و لوحهای نقره و تا شب
جمعه کار ایشان همین باشد که هر کس صلوات فرستد بنویسند و این ملایکه در روزهای دیگر نازل شوند و سنت است در روز جمعه هزار مرتبه و ساير
روزها صد مرتبه صلوات فرستادن و هر کس هر شب جمعه سوره بنی اسرائیل بخواند از اصحاب حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه گردد
و هر کس شب جمعه یا روز جمعه بعد از عصر سوره کهف بخواند تا جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر هر شب جمعه بخواند در رتبه شهدا باید و در زمره ایشان
محشور شود و کفاره گناهانش باشد از جمعه سابق تا این جمعه و هر کس هر شب جمعه یا هر شب عید فطر و اضحی ده مرتبه بگوید یا دائم الفضل
عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً وَاغْفِرْ
لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ هزار هزار حسنه برای او ثبت نماید و هزار هزار سیئه محو فرماید و هزار هزار درجه بلند کرداند و در روز
قیامت با ابراهیم خلیل علیه السلم در مجلس مزاحمت نماید و روزه این روز برابر است باده روز نورانی درخشان که بروز دنیا شبیه نبود
و سنت است روز جمعه زیارت حضرت پیغمبر و اهل بیتش صلی الله علیه و چون زیارت کند غسل کند و جامهای پاکیزه بپوشد و بصحرا
بیرون رود و در روایت دیگر بام خانه نیز آمده و چهار رکعت نماز بگذارد پس رو بقبله بایستد و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى وَالسَّيِّدَةُ
الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ وَالْأُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطَاعاً إِلَيْكُمْ وَإِلَى آبَائِكُمْ
وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ
عَدُوِّكُمْ إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا أَزْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ سُبْحَانَ اللهِ
ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و سنت است روز جمعه انواع تطهیر و تنظیف و تعطیر چنانکه بتفصیل در باب دوم بیان شد و بهترین جامها که مقدور باشد
پوشیدن و با سکینه و وقار متوجه مسجد شدن و چون تهیه نماز کرده متوجه مسجد شود بگوید اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَأَعَدَّ وَ
اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نَائِلِهِ وَجَوَائِزِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي وِفَادَتِي وَتَهْيِئَتِي
وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ
سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنْ أَتَيْتُكَ
مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتُقْلِبَنِي بِرَغْبَتِي وَلَا
تَرُدَّنِي مَجْبُوهاً وَلَا خَائِباً يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِيَ الْعَظِيمَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي خَيْرَ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ وَاغْسِلْنِي فِيهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي
وَخَطَايَايَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ و در روز جمعه دو ساعت است که دعا در آن البته مستجاب میشود یکی وقت
زوال و دوم آخر روز تا آنکه آفتاب بغروب کند و سنت است در ساعت آخر این روز خواندن دعای سمات و مرویست از حضرت امام

محمد بن

محمد بن علی الباقر علیهما السلام که این دعا از علوم مکنون و مخزون است پس برای حاجات و هلاک دشمنان بخوانید و با طفال و سفها و ظالمان
و منافقان اظهار آن مکنید و اگر قسم یاد کنم که اسم اعظم درین دعاست راست گفته باشم و دعا اینست اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ
الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيتَ
بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ
لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ
وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ
مَخَافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي تُمْسِكُ بِهَا السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ
أَنْ تَزُولَا وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي
صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلاً وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَناً وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ
نَهَاراً وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ
الْقَمَرَ نُوراً وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً وَجَعَلْتَ لَهَا
مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكاً وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ
فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ
تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَعَرَّفْتَ بِهَا عَدَدَ السِّنِينَ
وَالْحِسَابَ وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرْأًى وَاحِداً وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ
وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ
فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ
الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي
إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ
كَالْحِجَارَةِ وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ
الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ
وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَلِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بِئْرِ شِيعٍ وَلِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِيلٍ وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
بِمِيثَاقِكَ وَلِإِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ وَلِيَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ

رق

وللداعين بأسمائك فأجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران على قبة الرمان وبآياتك التي وقعت على أرض مصر
بمجد العزة والغلبة بآيات عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة وبكلماتك التي
تفضلت بها على أهل السموات والأرض وأهل الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك
وباستطاعتك التي أقمت بها على العالمين وبنورك الذي قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك
وكبريائك وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الأرض وانخفضت لها السموات وانزجر لها العمق الأكبر
وركدت لها البحار والأنهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها الأرض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق كلها
وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في أوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة
دهر الدهور وحمدت به في السموات والأرضين وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لأبينا آدم و
ذريته بالرحمة وأسألك بكلمتك التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته
دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك موسى بن
عمران وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة الصافين
وخشوع الملائكة المسبحين وببركاتك التي باركت فيها على إبراهيم خليلك في أمة محمد صلواتك عليه
وآله وباركت لإسحاق صفيك في أمة عيسى عليه السلام وباركت ليعقوب إسرائيلك في أمة موسى عليه
السلام وباركت لحبيبك محمد صلواتك عليه وآله في عترته وذريته وأمته اللهم وكما غبنا عن ذلك
ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تبارك على محمد وآل
محمد وترحم على محمد وآل محمد كأفضل ما صليت وباركت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك
حميد مجيد فعال لما تريد وأنت على كل شيء قدير شهيد و هر حاجت که خواهد بخواهد و بعد از آن بگوید اللهم
إني أسألك بحرمة هذا الدعاء وبما فات منه من الأسماء وبما يشتمل عليه من التفسير والتدبير الذي
لا يحيط به إلا أنت أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل فرجهم في عافية وتهلك أعداءهم
في الدنيا والآخرة وأن ترزقنا بهم خير ما نرجو وخير ما لا نرجو وتصرف بهم عنا شر ما نحذر
وشر ما لا نحذر إنك على كل شيء قدير وأنت أكرم الأكرمين **فصل دهم** در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل
و بیان ذکر و آداب و ادعیه متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که افتتاح نوافل و هفت تکبیر و
و ادعیه آن در سه موضع باید بود اول نوافل ظهر و اول نوافل شب و یک رکعت وتر و در نوافل بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند اما
افضل آنست که در رکعت اول نوافل ظهر قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و در اول نوافل عصر اذا جاء نصر الله
یا الهیکم التکاثر یا مثل آن سورهای کوتاه و در اول نوافل مغرب قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون و روایت دیگر

آمده

آمده که هرکس در دو رکعت اول از نوافل شب در هر رکعت سی مرتبه قل هو الله بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده
شود و در رکعتهای دیگر مستحب است خواندن سورههای طویل مثل کهف و یس و مانند آن اگر وقت وفا کند و اگر وقت تنگ باشد
در همه قل هو الله کافی بود و در رکعت شفع معوذتین و در رکعت وتر قل هو الله هرکس در این سه رکعت این سوره بخواند فرشته
ندا کند که ای بنده مؤمن مژده باد ترا که وترت مقبول گشت و روایات دیگر آمده که در هر سه رکعت قل هو الله بخواند تا در
رکعت وتر ختم قرآن شده باشد که قل هو الله ثلث قرآنست و روایت دیگر آمده که حضرت امام رضا علیه السلام در هر یک از این
سه رکعت سه مرتبه قل هو الله و در رکعت سیم بعد از قل هو الله یک مرتبه معوذتین میخوانده و در رکعت اول نافله صبح قل یا ایها
الکافرون و در دوم قل هو الله و مرویست که هرکس سوره اذا جاء زلزلت در نوافل میخوانده باشد هرگز بزلزله مبتلا نشود و بزلزله و صاعقه
و هیچ آفتی از آفات نمیرد تا آنکه باجل مقدر از دنیا رود و چون وقت موتش رسد فرشته کریمی از پیش خدای تعالی آید و بر بالینش نشیند
و گوید ای ملک الموت با ولی خدا ملایمت و مدارا نمای که مرا بسیار یاد میکرد و سوره اذا زلزلت بسیار میخواند و سوره نیز همین
مکالمه نماید پس ملک الموت گوید از جناب الهی که مامورم باطاعت او نمایم و تا اذن دهد قبض روحش نکنم پس حجاب از پیش نظر او
برگیرند تا منازل خویش در بهشت ملاحظه نماید پس اذن دهد و قبض روحش نماید با کمال ملایمت پس هفتاد هزار فرشته مشایعت
او نمایند تا داخل بهشت شود و هرکس سوره والعصر در نوافل بخواند رویش در قیامت نورانی باشد و شگفته و شادمان به
بهشت رود و هرکس سوره انا اعطینا در نوافل و فرایض بخواند خدای تعالی از کوثر آبش دهد و متعاشر در سایه طوبی در پیش حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد و فضایل دیگر بعضی دیگر از سوره قرآن در فرایض و نوافل ان شاء الله بعد از این بیاید بر همه نوافل
اکتفا والحمد لله تنها مجزی بود و بتخصیص اگر وقت تنگ باشد ضروری باشد اما تعقیبات و اذکار نوافل بیانش اینکه بعد از
هر دو رکعت نوافل ظهر بگوید اللهم إني ضعيف فقو في رضاك ضعفي وخذ إلى الخير بناصيتي واجعل الإيمان
منتهى رضاي وبارك لي فيما قسمت لي وبلغني برحمتك كل الذي أرجو منك واجعل لي ودا وسرورا
للمؤمنين وعهدا عندك و اگر در سجده آخر نوافل مغرب هر شب و بخصوص هر شب جمعه هفت مرتبه بگوید اللهم إني
أسألك بوجهك الكريم واسمك العظيم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ذنبي العظيم
گناهانش همه آمرزیده شود و بعد از هر دو رکعت نوافل شب بگوید اللهم إني أسألك ولم يسأل مثلك أنت موضع
مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين أدعوك ولم يدع مثلك وأرغب إليك ولم يرغب
إلى مثلك أنت مجيب دعوة المضطرين وأرحم الراحمين أسألك بأفضل المسائل وأنجحها وأعظمها
يا الله يا رحمن يا رحيم وبأسمائك الحسنى وأمثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك
عليك وأحبها إليك وأقربها منك وسيلة وأشرفها منك منزلة وأجزلها لديك ثوابا
وأسرعها في الأمور إجابة وباسمك المكنون الأكبر الأعز الأجل الأكرم الذي تحبه وتهواه

ويرضى به عمن دعاك فاستجبت له دعائه وحق عليك ان لا تحرم سائلك ولا ترده وبكل اسم هو لك في
التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك وانبياؤك و
رسلك واهل طاعتك من خلقك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعجل فرج وليك وتعجل خزي اعدائه
وتجعلنا من اصحابه وانصاره وترزقنا به رجائنا وتستجيب به دعائنا و بعد از رکعت هشتم بگوید اللهم اني
اسئلك بحرمة من عاذ بك ولجأ الى عزك واستظل بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل
العطايا يا مطلق الاسارى يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا وخوفا وطمعا والحاحا
وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا وراكبا وماشيا وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي واسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان ترزقني من فضلك خير ما سئلك سائل واعذني برحمتك مما استعاذ منه
عائذ و بعد از رکعت شفع بگوید الهي تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك فيه القاصدون وامل فضلك
ومعروفك الطالبون ولك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها على من تشاء من
عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك
فان كنت يا مولاي تفضلت على احد من خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك فصل على محمد وال محمد
الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد علي بفضلك ومعروفك وكرمك يا رب العالمين وصل على محمد
خاتم النبيين وآله الطاهرين الذين اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا انك حميد مجيد اللهم اني ادعوك
كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك لا تخلف الميعاد و در قنوت وتر بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله
العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم
اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله زين السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض
وانت الله عماد السموات والارض وانت الله قوام السموات والارض وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله
غياث المستغيثين وانت الله المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين وانت الله مجيب دعوة
المضطرين وانت الله اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله بك تنزل كل
حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من عذابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك فهب
لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد وبها تنشر
ميت العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاجابة في دعائي وترزقني العافية الى منتهى اجلي
واقلني عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان وضعتني
فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك وبيني او يتعرض لك في شيء من امري وقد

علمت انه ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة انما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف
وقد تعاليت عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا
تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي تستعبد بك الليلة فاعذني واستجير بك من النار
فاجرني واسئلك الجنة فلا تحرمني بعد از آن دستها را بلند کند و بگوید وجهت وجهي للذي فطر
السموات والارض حنيفا مسلما وما انا من المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين
لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين اللهم صل على محمد وال محمد وصل على ملائكتك المقربين
واولي العزم من المرسلين والانبياء المنتجبين والائمة الراشدين اولهم واخرهم اللهم عذب كفرة
اهل الكتاب وجميع المشركين ومن ضارعهم من المنافقين فانهم يتقلبون في نعمتك ويجعلون الحمد لغيرك
تعاليت عما يقولون وعما يصفون علوا كبيرا اللهم العن الرؤساء والقادة والاتباع من الاولين والاخرين
الذين صدوا عن سبيلك اللهم انزل بهم باسك ونقمتك فانهم كذبوا على رسولك وبدلوا نعمتك وافسدوا
عبادك وحرفوا كتابك وغيروا سنة رسولك اللهم العنهم واتباعهم واوليائهم واعوانهم ومحبيهم و
احشرهم واتباعهم الى جهنم زرقا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك بافضل صلواتك وعلى ائمة الهدى
الراشدين المهديين بعد از آن برای چهل کس از مومنان دعا کند بعربی یا فارسی هرچه داند بهتر بود که بعد از دعای چهل مومن دعای
برای خود کند مستجاب شود بعد از آن دست چپ را هم چنان بقنوت باز دارد و با دست راست تسبیح بشمرد و هفتاد مرتبه بگوید استغفر
الله واتوب اليه که هر کس یک سال در قنوت وتر هفتاد استغفار مداومت نماید از جناب الهی مغفرت گناهانش واجب شود واز جمله
مومنانی باشد که خدای تعالی در قرآن مجید وصف نموده و فرموده والمستغفرين بالاسحار و چون سر از رکوع بردارد ایستاده بگوید
هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم وشكره قليل وليس لذلك الا عفوك ور
حمتك الهي طموح الامال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم قد تعطلت الا عليك ومذاهب العقول قد
سمت الا اليك فانت الرجاء واليك الملتجى يا اكرم مقصود ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجأ
الهاربين باثقال الذنوب احملها على ظهري لا اجد لي اليك شافعا سوى معرفتي انك اقرب من لجأ اليه
المضطرون وامل ما لديه الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما امتن به
على خلقه كفاء لتأدية حقه صل على محمد وال محمد ولا تجعل للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي
دليلا اللهم انك قلت في محكم كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل عليه وآله السلام كانوا قليلا
من الليل ما يهجعون وبالاسحار هم يستغفرون طال هجوعي وقل قيامي وهذا السحر وانا استغفرك
لذنوبي استغفار من لا يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا و بعد از آنکه سلام دهد بگوید

انادیک یا موجودا فی کل مکان لعلک تسمع ندائی فقد عظم جرمی وقل حیائی یا مولای یا مولای ای الاهوال اتذکر
وایها انسی ولو لم یکن الا الموت لکفی کیف وما بعد الموت اعظم وادهی مولای یا مولای حتی متی والی متی اقول
لک العتبی مرة بعد اخری ثم لا تجد عندی صدقا ولا وفاء فیا غوثاه ثم وا غوثاه بک یا الله من هوی قد غلبنی
ومن عدو قد استکلب علی ومن دنیا قد تزینت لی ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربی مولای یا مولای ان کنت
رحمت مثلی فارحمنی وان کنت قبلت مثلی فاقبلنی یا قابل السحرة اقبلنی یا من لم ازل اتعرف منه الحسنی یا من
یغذینی بالنعم صباحا ومساء ارحمنی یوم اتیک فردا شاخصا الیک بصری مقلدا عملی قد تبرأ جمیع الخلق
منی نعم ابی وامی ومن کان له کدی وسعیی فان لم ترحمنی فمن یرحمنی ومن یونس فی القبر وحشتی ومن ینطق
لسانی اذا خلوت بعملی وسألتنی عما انت اعلم به منی فان قلت نعم فاین المهرب من عدلک وان قلت
لم افعل قلت الم اکن الشاهد علیک فعفوک عفوک یا مولای قبل ان تلبس الابدان سرابیل القطران عفوک
عفوک یا مولای قبل ان تغل الایدی الی الاعناق یا ارحم الراحمین وخیر الغافرین و بعد از نماز صبح مستحب است
که بر جانب راست روی بقبله کند چنانکه میت را در لحد بخوابند و دست راست بزیر روی بگذارد و پنج آیه از سوره آل عمران ان
فی خلق السموات والارض تا انک لا تخلف المیعاد بخواند پس بگوید استمسکت بعروة الوثقی التی لا انفصام لها واعتصمت
بحبل الله المتین واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ربی الله ربی الله
ربی الله امنت بالله توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ
امره قد جعل الله لکل شیء قدرا حسبی الله ونعم الوکیل اللهم من اصبح وله حاجة الی المخلوق فان حاجتی
ورغبتی الیک وحدک لا شریک لک الحمد لرب الصباح الحمد لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد
لقاسم المعاش الحمد لله جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم اللهم صل
علی محمد وآل محمد واجعل فی قلبی نورا وفی بصری نورا وعلی لسانی نورا ومن بین یدی نورا ومن خلفی نورا
وعن یمینی نورا وعن شمالی نورا ومن فوقی نورا ومن تحتی نورا وعظم لی النور واجعل لی نورا امشی به
فی الناس ولا تحرمنی نورک یوم القاک و هر کس بعد از نماز صبح صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد خدای تعالی روی او را
از حرارت دوزخ نگاه دارد و اگر صد مرتبه بگوید سبحان ربی العظیم وبحمده استغفر الله واتوب الیه خانه در بهشت
برایش بنا کند و اگر بیست و یکمرتبه قل هو الله بخواند خانه دیگر بنا کند و اگر چهل مرتبه بخواند گناهانش بیامرزد و چون از مجموع سیزده رکعت
نماز شب فارغ شود این دعا را از صحیفه کامله بخواند اللهم یا ذا الملک المتأبد بالخلود والسلطان تا آخر دعا

فصل یازدهم در ذکر بعضی اعمال که در اثنای نماز توان کرد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در اثنای نماز دعا در
مقاصد معاش که باشد هر چه دعا و مناجات با خدا و ذکر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد توان کرد و از نماز خارج نشود و هر کسی که در اثنای

هر فعل از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بگوید صلی الله علی محمد و آله هر دو آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در نماز ذکر آنحضرت بکند در
وصلوات فرستد ده حسنه نوشته شود بعده فرشته موکلند که هر کس در اثنای نماز صلوات فرستد بجانب او بشتابند تا هر کدام را نصیب باشد
صبر کنند و هر حاجت که خواهد برای دنیا و آخرت در اثنای نماز توان کرد خصوصا در سجده که بنده در سجده نزدیکتر است و خدای تعالی از
جمیع احوال و گریه کردن در نماز از ترس خدا و برای شوق جنت و خوف نار و نور چشم مؤمن افضل اعمال است اما برای ذکر اموات
نماز را قطع کند و اگر در اثنای نماز عطسه کند یا عطسه دیگری را بشنود حمد و صلوات فرستد و اگر کسی بر او سلام کند و چون این بگوید
بهمان لفظ که او گفته سلام علیکم یا السلام علیک و آواز بلند نکند بلکه اگر تواند آهسته بگوید و بجانب او بانگشت اشاره کند اما و روایات
آمده که چون کسی در نماز باشد با او سلام کند فصل دوازدهم در آداب جماعت و آن دو قسم است یکی آداب متعلق بامام دوم
آداب متعلق بمأموم و چون امام با آداب خود اعرف است از آنکه درین مجموعه حاجت بذکر باشد و اکتفا بذکر آداب مأموم نموده
گوییم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی در نماز بانفراد گذاشته باشد بعد از آن جماعت رود بهتر افضل است نیت
که اعاده کند که خدای تعالی هر کدام را دوستر دارد بفریضه و آن دیگر را بنافله حساب کند و اگر دو رکعت بانفراد گذارده بود نیت نافله
کند و سلام دهد پس بجماعت بگذارد و اگر یک رکعت گذارده باشد نیت نافله نموده یک رکعت دیگر با آن ضم کند و سلام دهد و اگر مأموم
یک مرد باشد در پهلوی راست امام بایستد و اگر یک زن باشد در پشت سر بایستد بجانب راست و اگر یک مرد باشد و زن و خواه یکی
و خواه بیشتر مرد در پهلوی راست و زنان در عقب بایستند و اگر مأموم در پهلوی امام ایستاده باشد و در اثنای نماز دیگری برسد
یا امام پیشتر رود یا مأموم پس تر آید و اگر این مرد آخر بعد از رکوع رکعت آخر برسد نه امام پیش رود و نه مأموم پس آید بلکه بنشیند در پشت
امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخواسته نماز خود را تمام کند و میان امام و صف اول همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده
از آنکه سجده توان کرد نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد آن امام برای ایشان امام نباشد و اهل هر صف در پیش بدوش یکی
بایستند پیش و پس نباشند و در میان فرجه خالی نگذارند تا شیطان بر ایشان دست نیابد و اگر در صف پیشتر موضعی خالی
چند برود تا آن موضع را بگیرد اگر چه در اثنای نماز باشد مرویست که هیچ گامی در پیش خدا دوستتر از گامی نیست که برداری برای
آنکه تا صف خالی را پر کنی اما در اثنای نماز بصف عقب نتوان رفت مگر آنکه جا تنگی کنند که در این وقت بر پیش پس هر جا وسعتی کان
کند توان حرکت کرد و یک کس تنها در صف نایستد مگر آنکه در صفوف جا نباشد که در این وقت تنها توان ایستاد اما چنان
بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در زمین پست بایستد و مأمومین در موضع بلند مثل بام یا سکوی بایستند جایز بود اما
عکس آن جایز نبود مگر آنکه یک زمین سرازیر باشد که بعضی موضعش بقدر یک انگشت یا بیشتر بلکه پست تر باشد که در این وقت
جایز است که امام در موضع بلند بایستند و میان امام و مأموم اگر پرده یا دیواری فاصله باشد نماز مأموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر
باشد اما ستونها که در میان مساجد و میان صفوف واقع میشود ضرر ندارد و چون امام قرائت کند مأموم را جایز نباشد قرائت کردن
مرویست که اگر کسی با امامی که او راضی باشد و اقتدی کند قرائت کند چون بمیرد بر غیر فطرت اسلام محشور شود بلکه اگر نماز اخفاتی باشد امام برای خود ذکر کند

واگر جهری باشد صدای امام حتی همهمهٔ او هم نرسد افضل اینست که ماموم خود آهسته قرائت کند و اگر اکتفا بقرائت امام نیز کند مجزی بود
و سایر اذکار و افعال را خود بجا آورد و باید در جمیع افعال از قیام و رکوع و سجود و قعود تابع امام باشد و پیشتر نکند و پیشتر سر بر ندارد مگر در تشهد
که اگر امام تشهد را طول دهد و ماموم را ضرورتی باشد تواند که پیش از امام سلام دهد و برود و ماموم باید ادعیه و اذکار را آهسته گوید و صدای
خود را بامام نرساند و چون امام از قرائت حمد فارغ شود و همچنین چون بعد از رکوع سمع الله لمن حمده گوید ماموم بگوید الحمد لله رب العالمین
و ماموم سمع الله لمن حمده نگوید و اگر ماموم در اثنای نماز بامام رسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز شود هر جای نماز که باشد پس اگر رکوع را با امام
دریابد آن رکعت را حساب کند و اگر بعد از رکوع امام در سجود یا تشهد داخل شود آن فعل را با امام بجا بیارد اگرچه سجدهٔ آخر یا تشهد آخر نماز
باشد که فضل جماعت را در آن دریابد اما آنرا از رکعتی حساب نکند و آن زیادتی بنمازش ضرر نکند و چون امام سلام دهد او سلام
نداده برخیزد و هر چه از نمازش مانده تمام کند و اگر سهواً سلام دهد ضرر ندارد برخیزد و نماز را تمام کند اگرچه بعد از سلام عمداً هم حرف زده
باشد چون سلامش از روی سهو شده ضرر ندارد و بعد از نماز سجدهٔ سهو کند و اگر تکبیر رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاط اینست
که در آن رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بردارد داخل شود و هرگاه امام تشهد خواند او نیز بخواند اگرچه موضع تشهد خودش نباشد
که تشهد برکت است اما در اینصورت بر سر پا نشیند و درست بر زمین ننشیند و چون موضع تشهد خودش رسد نشسته تشهد بخواند
و زود برخیزد تا با امام ملحق شود و اگر در رکعت دوم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت خودش مجزی بود و اگر
رکعت سیم و چهارم امام اول و دوم او باشد پس اگر امام تسبیح بگوید او خود الحمد و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن
نشود همان الحمد مجزی بود اما اگر امام قرائت کند و نماز اخفاتی باشد او قرائت کند و اگر جهری باشد چون قرائت امام را نمی‌شنود
خود قرائت کند و اگر کسی از دور رسد و بیند که امام در رکوع است یا بر رکوع میرود و ترسد که تا بصف رسیدن امام سر بردارد در همانجا
که باشد رکوع کند و اگر خواهد سجود نیز بکند بعد از آن برخواسته بصف ملحق شود پس اگر ایستاده باشد بایستد و اگر نشسته باشد
بنشیند و اگر خواهد همچنان در رکوع برود تا ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا سجود بردارد ماموم سر بردارد باز سر بگذارد تا با
امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت و ازدحام سجود نتواند کرد تا آنکه امام داخل رکعت دیگر شود در این رکعت با امام
رکوع نکند و به نیت رکوع سابق سجود با امام کند که آن رکوع با این سجود مجموع یک رکعت شود و اگر سجده به نیت همین رکعت کرده
باشد این سجده بهیچ رکعت حساب نشود بلکه سجدهٔ دیگر به نیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود و اگر بسبب ازدحام رکوع نیز از او فوت
شود تنها رکوع و سجود کند بعد از آن با امام ملحق شود و اگر در نماز جمعه یک رکعت را با امام دریابد چون امام سلام دهد یک رکعت دیگر تنها بگذارد
و اگر بعد از رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز ظهر گذارد

فصل دوازدهم

در احکام سهو و شک و عروض بعضی حوادث در نماز
اما احکام سهو و شک بدانکه احادیث اهل بیت علیهم السلام و اقوال علمای کرام درین احکام اختلاف عظیم دارد و انشاء الله تعالی
آنچه باصول احادیث انسب و باحتیاط اقرب باشد درین فصل بیان نمایم و پیش از شروع در مطلب شرح این الفاظ نمود
گوییم سهو آنست که یقین دارد که چیزی را زیاد یا کم کرده و شک آنست که خاطر مردد باشد میان دو چیز یا بیشتر بحیثیتی که هیچکدام را بر دیگری

ترجیح نتواند داد و ظن آنست که بعضی را رجحان دهد و گمانش بآن بیشتر باشد اما یقین نداند و ظن در جمیع احکام که مذکور خواهد
شد حکم یقین دارد باینمعنی که هر جا یقین داشته باشد چه باید کرد اگر ظن داشته باشد همان کند چون این جمله دانستی بدانکه سهو و شک
در نماز یا متعلق است بعدد رکعات یا باجزای نماز اما اگر در عدد رکعات باشد پس اگر یک رکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز
دو رکعتی و سه رکعتی باشد خواه بیشتر اگر هنوز رو از قبله نگردانیده باشد همانچه نقصان شده بجا بیاورد تا نمازش
تمام شود اگرچه فاصله بسیار شده باشد و اگر حرف زده باشد یا حدثی کرده باشد اما اگر حرف زده باشد بعد از نماز
سجدهٔ سهو کند و اگر حدث کرده باشد وضو سازد و اگر رو از قبله گردانیده باشد احتیاط اینست که نماز را اعاده کند
و اگر یک رکعت یا بیشتر در نماز یقین داند که زیاد شده هر نماز که باشد پس اگر در رکعتی که سلام بایست داد تشهد خوانده
باشد نمازش تمام بود و چیزی بر او لازم نباشد و این زیادتی اگر یک رکعت باشد اگر خواهد یک رکعت دیگر بآن ضم کند تا نافله
شود و اگر در آن رکعت تشهد نخوانده باشد بلکه رکعت زیادتی را باصل نماز متصل کرده باشد نماز را اعاده کند و اگر
نداند که تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد و سلام بگوید بعد از آن دو رکعت نشسته بگذارد و بآن رکعت زاید اضافه کند تا نافله
شود و همهٔ این شقوق در صورتیست که سهو بعد از تمام شدن رکعت زاید بخاطر رسد اما اگر در میان دو سجده بخاطر رسد
احتیاط اینست که بهمین تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از آن بخاطر رسد سلام دهد و احتیاطاً سجده سهو کند و اگر
شک کند که نماز کم یا زیاده شده یا شک کند که تمام کم یا زیاد شده و هیچکدام را یقین نداند سلام دهد و سجدهٔ سهو کند
و اگر در نماز دو رکعتی خواه صبح و خواه جمعه و خواه نماز سفر و همچنین در نماز شام و همچنین دو رکعت اول نماز چهار رکعتی
شک کند بحیثیتی که یقین نداند که دو رکعت تمام گذارده افضل و اقرب باحتیاط اینست که نماز را اعاده کند اما
اگر در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام یقین داند و شک کند میان دو و سه باینمعنی که رکعتی که تمام شده نداند که دوم بود
یا سیم یا میان سه و چهار یا میان دو و چهار یا میان دو و سه و چهار شک کند بنا بر اکثر گذارد و تا چهار رکعت تمام کند و سلام
دهد بعد از آن اگر شک میان دو و سه یا میان دو و چهار باشد دو رکعت احتیاط ایستاده بگذارد و اگر میان سه و چهار باشد
دو رکعت نشسته و اگر میان دو و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته پس اگر نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط
نافله حساب شود و اگر کم باشد بدل رکعات احتیاط تمام شود و در رکعتهای احتیاط همه تکبیر احرام بگوید الحمد تنها بخواند و اگر هیچ
کدام ازین شقوق سجده سهو نباید و اگر سهو و شک در افعال نماز باشد پس در هر فعل که سهو یا شک کند و محل آن
فعل نگذشته باشد آن فعل را بجا بیارد و اگر بعد از آن بخاطر رسد که آن فعل را کرده بود دیگر این زیادتی ضرر نکند و هیچ
بر او نباشد و محل تکبیر احرام تا وقتیست که شروع در قرائت کند و محل قرائت و قنوت که برای رکوع دستها بزانوها
رسد و اگر هنوز دست بزانو نرسیده باشد اگرچه خم شده باشد محل باقی باشد و محل رکوع تا آنکه برای سجود سر بزیر
شود و اگرچه هنوز سر بسجده نرسیده باشد و تشهد در سهو تا آنکه دو رکعت دیگر برکوع رود اگرچه قرائت و قنوت کرده باشد

و در شك تا آنكه راست بايستد اگرچه شروع بقرآءت نكرده باشد و اگر محل شك گذشته باشد و شك كند اعتبار ندارد دوم
جاى كه بهتر است نماز را تمام كند و اگر بعد از آن چيزى بخاطر رسد حكم سهو دارد چنانكه بيان ميشود اما اگر سهو كرده باشد و بعد از گذشتن
محل بخاطر رسد پس اگر سهو در نيت يا تكبير احرام يا ركوع يا در سجود با هم در يك ركعت كند نماز را اعاده كند و اگر در قراءت حمد يا سوره
يا در هر دو باشد و بعد از ركوع بخاطر رسد نماز صحيح بود و تلافى ندارد و اگر بعد از سوره پيش از ركوع بخاطر رسد كه حمد نخوانده
نخوانده و ظاهر نيست كه بعد از آن سوره را اعاده بايد كرد و اگر كلمه يا آيه از سوره فراموش كند پس اگر خواهد بهمانچه خوانده اكتفا نمايد
و اگر خواهد آنرا كه فراموش كرده در ميان بگذارد و تتمه را تمام كند و اگر خواهد رجوع بسوره ديگر كند هر شق صحيح باشد و اگر قنوت را
فراموش كند بعد از ركوع بخواند و ركوع را اعاده نبايد كرد و اگر بعد از نماز بخاطر رسد اگرچه از جاى خود برخواسته و رفته باشد هرجا
كه بخاطر رسد رو بقبله نموده قنوت بخواند و اگر در ركعتى يك سجده را تنها سهو كند و محلش گذشته باشد آن سجده را قضا كند
و اگر تشهد را سهو كند در ركعت دوم بعد از نماز سجده سهو كند و ظاهر احاديث اينست كه همين تشهدى كه در سجده خوانده ميشود
كافى باشد و محتاج بقضاى تشهد ديگر نباشد اگرچه اكثر علما قضا را واجب دانسته اند و اگر تشهد ركعت آخر را سهو كند در هر جا
مكان اگر نزديك باشد و گرنه در مكان پاكى هرجا كه باشد نشسته بخواند و در اينصورت سجده سهو نبايد و اگر در اثناى نماز سهواً
كلام غير ذكر و دعا بگويد سجده سهو كند اما در ساير افعال نماز مثل ذكر ركوع و سجود و سلام و غير آن اگر سهوى شود حكمى ندارد
و نماز صحيح بود و روايت ديگر آمده كه هر زيادتى و نقصانى كه در نماز شود مثل نشستن و برخواستن و قراءت كردن و غير آن
سجده سهو كند و اين روايت اگرچه ضعيف است اما چون صريح معارضى ندارد اگر بآن عمل نمايد قصورى ندارد و اما آنكه
در ميان فقها مشهور گشته كه زياده و نقصان در ركن سهواً و عمداً مبطل نماز و موجب اعاده است اصلش در احاديث و اخبار
اهل بيت صلوات الله عليهم معلوم نيست بلكه حقيقت آن بر وجه موافقت اخبار و رعايت احتياط بنحويست كه به تفصيل
مذكور شد والله اعلم بالصواب و اگر مسافر عمداً نماز را تمام كند پس اگر ندانسته باشد كه قصر واجب است نمازش صحيح بود
و اگر دانسته بود اعاده كند خواه وقت باقى باشد و خواه نه و اگر سهواً تمام كند پس اگر وقت باشد اعاده كند و اگر گذشته
باشد صحيح باشد و در نوافل و ركعت احتياط سهو و شك اعتبار ندارد و در آن سجده سهو و ركعت احتياط نباشد
و همچنين كسى كه شك بسيار كند التفات بآن نكند و آنچه را شك كرده درست حساب كند اگرچه وقتش باقى باشد
مرويست كه شك از شيطانست و شيطان خبيث را بخود راه مدهيد بوسوسه خود عادت مدهيد كه هرچند
بيشتر اطاعتش كنيد بيشتر جرات و وسوسه نمايد و چون ببيند كه مخالفتش ميكنيد و اطاعتش نميكنيد دست از شما بر دارد
و كسى از بسيارى شك بحضرت رسول صلى الله عليه و آله شكايت نمود فرمود چون داخل نماز شوى با انگشت شهادت
دست راست ران چپ را بفشار و بگوى بسم الله و بالله توكلت على الله اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان
الرجيم شيطان دور شود و از وسوسه او ايمن گردى انشاء الله تعالى و كسى ديگر بحضرت امام جعفر عليه السلام شكايت كرد

ازسهو

از سهو در نماز مغرب فرمود بعد از حمد قل هو الله احد و قل يا ايها الكافرون بخوانند چنان كرد نجات يافت و كيفيت
سجده سهو آنست كه دو سجده سهو كند در سجده بگويد بسم الله و بالله اللهم صل على محمد و آل محمد يا بگويد بسم الله
و بالله السلام عليك ايها النبى و رحمة الله و بركاته و بعد از هر دو سجده تشهد خفيف باين طريق بخواند اشهد ان لا اله
الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اللهم صل على محمد و آل محمد و سلام دهد و اگر امام باشد و چون سر بسجده گذارد
و چون بردارد تكبير بگويد تا ماموم بداند كه سهو كرده و وقت سجده سهو بعد از نماز است بيفاصله پيش از حرف زدن و اگر
فراموش شود هرگاه بخاطر رسد اما احكام حوادث در نماز اگر در اثناى نماز حدثى سانح شود كه وضو را باطل كند يا خون
از دماغ يا عضوى ديگر آيد پس اگر بى آنكه عمداً حرف زند يا بتمام بدن رو از قبله بتمام [illegible] بگرداند نماز را از سر گيرد و اگر در
عرض سهواً حرف زند سجده سهو كند و از سر نبايد گرفت و اگر خون كم باشد و جارى نشود محتاج شستن نباشد بلكه بخرقه
يا چيزى ديگر پاك كند و نماز را تمام كند والحمد لله

فصل چهارم در ذكر بعضى ديگر از نمازهاى مفروضه و مندوبه **اول**

نماز كسوف و خسوف و زلزله و آيات مثل بادهاى عظيم و ظلمتهاى شديد و غير آن كه سبب خوف اكثر مردم شود و اين
نماز دو ركعت است بيك تشهد و سلام در هر ركعت پنج ركوع و دو سجده در هر ركوع يك قنوت كه در مجموع ده ركوع پنج
قنوت باشد و قراءت آن بدو وجه جايز است يكى آنكه در هر ركعت يك الحمد بخواند و بعد از آن يك سوره پنج حصه كند پيش
از هر ركوع يك حصه را بخواند كه در مجموع نماز دو الحمد و دو سوره خوانده شود وجه دوم آنكه پيش از هر ركوع يك الحمد و يك
سوره تمام بخواند كه مجموع ده الحمد و ده سوره باشد و هر بار كه سر بردارد تكبير بگويد و بعد از ركوع سمع الله لمن حمده نبايد
گفت مگر در ركوع پنجم و دهم كه بعد از اين دو ركوع تكبير نبايد گفت و سمع الله لمن حمده بايد گفت و چون بسجود رود
تكبير بگويد و مستحب است اين نماز را در زير آسمان گذاردن كه سقف نباشد و بجماعت گذاردن و طول دادن بقدر آنكه
آيت منجلى شود و مستحب است كه قدر ركوع و سجود و قراءت همه با هم مساوى باشند و در كسوف و خسوف اگر نماز نكرده
باشد تا آنكه قرص منجلى شود پس اگر تمام قرص گرفته باشد و خبردار باشد و در نماز تقصير كرده باشد بكفاره آن غسل
كند و نماز را قضا كند و اگر خبر نداشته باشد نماز را قضا كند غسل نبايد كرد اما اگر بعضى قرص گرفته باشد و تقصير كند
نماز را قضا كند غسل نبايد كرد اما اگر بعضى قرص گرفته باشد و تقصير كند نماز را قضا كند و اگر خبر نداشته باشد
و قضا ندارد و اگر اين نماز در وقت فريضه واقع شود پس اگر وقت فضيلت فريضه تنگ نشده باشد اول اين نماز
را بگذارد و اگر در اثناى نماز باشد كه وقت فريضه تنگ شود نماز را قطع كند و فريضه را بگذارد و بعد از آن هرچه
از آن نماز مانده تمام كند و از سر نبايد گرفت و چون براى زلزله گذارد بعد از نماز سجده كند و در سجده بگويد يا من
يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا
يا من يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه امسك عنا السوء انك على كل شىء قدير

دوم نماز امیر المؤمنین صلوات الله علیه هر کس این نماز را بگذارد گناه پاک بشود چنانکه از مادر متولد شده و حوایجش بر آورده
شود و آن چهار رکعت است در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله احد پنجاه مرتبه و مستحب است تعقیب این نماز باین تسبیح که مرویست از آن
حضرت ع سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا
ینفد ما عنده سبحان من لا یشارکه احد فی امره سبحان من لا اله غیره و این نماز را هر وقت خواهند توان گذارد و افضل
اوقاتش شب و روز جمعه و ماه مبارک رمضان است که حسنات مضاعف باشد سیم نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها
هر کس این نماز را بگذارد میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود و آن دو رکعت است در اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه
و در دوم صد مرتبه قل هو الله و بعد از نماز تسبیح آنحضرت علیها السلام بگوید چهارم نماز تسبیح و این نمازیست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله بجعفر بن ابی طالب عطا فرمود اگر این نماز را هر روز یا هر شب یا هر دو روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال یا هر وقت که خواهی بگذاری هر
گناهی که در [illegible] کرده باشی همه آمرزیده شود و هر کس این نماز را بگذارد گناهانش همه آمرزیده شود اگر چه مثل ریگ بیابان عالج یا مثل
کف دریا باشد و دوازده هزار حسنه برایش بنویسند که کمترین آنها [illegible] و آن چهار رکعت است بدو سلام در رکعت اول بعد از الحمد اذا زلزلت
و در دوم بعد از الحمد اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در چهارم قل هو الله بخواند و در روایت دیگر در دوم والعادیات و در سیم اذا جاء وارد
شده و در هر رکعت بعد از قرائت پانزده مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع ایستاده و در سجده
بعد از هر سجده نشسته ده مرتبه بگوید و در هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد مرتبه باشد و اگر خواهد این نماز را بگذارد و از نوافل
شبانه روز حساب کند و اگر دو رکعت گذارده باشد که حاجتی یا حرکتی سانح شود برود و چون فارغ شود دو رکعت دیگر را بگذارد و اگر
شتابی در نظر باشد نماز را بی تسبیحات بگذارد و تسبیحات را بعد از آن بگوید و مستحب است که در سجده آخر این نماز بعد از تسبیحات بگوید
سبحان من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان
من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة والفضل
سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسئلک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک
وباسمک الاعظم وکلماتک التامات التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل
بی ما انت اهله و هر حاجت که خواهد بخواهد و مستحب است بعد از این نماز خواندن این دعا سبحان من لبس العز وتردی
به سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء بعلمه
وخلقه بقدرته سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والکرم اللهم انی اسئلک بمعاقد العز
من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک التامات التی تمت صدقا وعدلا
ان تصلی علی محمد وآل محمد الطیبین وان تجمع لی خیر الدنیا والآخرة بعد عمر طویل اللهم انت الحی
القیوم العلی العظیم الخالق الرازق المحیی الممیت المبدئ البدیع لک الکرم ولک المجد ولک المن

ولک

ولک الجود ولک الامر وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة یا ارحم الراحمین یا عفو یا غفور یا ودود یا شکور انت ابر بی من ابی
وامی ومن الناس اجمعین یا کریم یا جواد اللهم انی صلیت هذه الصلاة ابتغاء مرضاتک وطلب نائلک
ومعروفک ورجاء رفدک وجائزتک وعظیم عفوک وقدیم غفرانک اللهم صل علی محمد وآل محمد و
ارفعها لی فی علیین وتقبلها منی واجعل نائلک ومعروفک ورجاء ما ارجوا منک فکاک رقبتی من
النار والفوز بالجنة وما جمعت فیها من انواع النعیم ومن حسن الحور العین واجعل جائزتی منک
العتق من النار وغفران ذنوبی وذنوب والدی وما ولدا وجمیع اخوانی واخواتی المؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات وان تستجیب دعائی وترحم صرختی وندائی ولا تردنی
خائبا خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مرحوما مستجابا دعائی مغفورا لی یا ارحم الراحمین یا عظیم یا عظیم یا علیم
قد عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو منک یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین
بالرحمة یا نفاحا بالخیرات یا معطی السؤلات یا فکاک الرقاب من النار صل علی محمد وآل محمد وفک
رقبتی من النار واعطنی سؤلی واستجب دعائی وارحم صرختی وتضرعی وندائی واقض لی حوائجی
کلها لدینی ودنیای وآخرتی ما ذکرت منها وما لم اذکر واجعل لی ذلک الخیرة ولا تردنی خائبا
خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا لی مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم
یا رسول الله یا علی یا ابا الحسن یا امیر المؤمنین انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف ولا مستکبر بل خاضع
ذلیل عبد مقر متمسک بحبلکما معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما واتوسل الی الله
بکما واقدمکما بین یدی حوائجی الی الله عز وجل فاشفعا لی فی فکاک رقبتی من النار وغفران
ذنوبی واجابة دعائی اللهم فصل علی محمد وآله وتقبل دعائی یا ارحم الراحمین پنجم نماز حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله باعرابی عطا فرمود و فرمود هر مؤمن و مؤمنه که روز جمعه این نماز بگذارد من برای او ضامن بهشت
شوم و هنوز از جای خود برنخواسته باشد که گناهان او و والدینش همه آمرزیده شود و آن ده رکعت است چون روز بلند
شود اول دو رکعت بیک سلام گذارد در اول بعد از الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در دوم قل اعوذ برب الناس
هفت مرتبه و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از آن هشت رکعت بدو سلام بهیأت نماز ظهر و عصر در هر رکعت
بعد از الحمد اذا جاء نصر الله یک مرتبه و قل هو الله بیست و پنج مرتبه بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه سبحان الله رب
العرش الکریم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ششم نماز غفیله و آن دو رکعت است در ساعت
غفلت میان نماز شام و خفتن و مرویست که درین ساعت دو رکعت نماز را ترک مکنید که مورث دار کرامت است

اول بعد از الحمد این آیت بخواند وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ و در رکعت دوم این آیت وَعِنْدَهُ
مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ
الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ و این قنوت بخواند اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا
اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ واگر خواهد بجای این فقره بعد از صلوة بر پیغمبر
و آلش هر حاجت که خواهد بطلبد و بعد از آن بگوید اللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلٰى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي و هرچه خواهد سؤال کند که مستجاب شود **هفتم** نماز وصیت
مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود وصیت میکنم شما را بدو رکعت نماز در میان شام و خفتن در رکعت اول بعد از
الحمد اذا زلزلت سیزده مرتبه و در دوم قل هو الله احد پانزده مرتبه که هر کس این نماز را در سالی یکمرتبه بگذارد از جمله محسنین نوشته شود
واگر در ماهی یکمرتبه از جمله متقین واگر در هفته یکمرتبه گذارد از جمله مصلین باشد واگر هر شب بگذارد در بهشت با من مزاحمت کند و ثواب
آنرا هیچ کس نداند بجز خدای تعالی **هشتم** هر کس میان نماز شام و خفتن در شب پنجشنبه دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از الحمد
آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و معوذتین هر یک را پنج مرتبه بخواند و بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار کند و ثوابش را
بوالدین خود هدیه کند حق ایشان را بجا آورده باشد **نهم** مرویست که هر کس وقت خوابیدن وضو کند چنانست که تا وقت
بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر در اثنای شب برخیزد و ذکر خدا کند خطاها از وی بریزد و اگر آخر شب برخیزد و دو رکعت
نماز کند پس حمد و ثنای خدا کند صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد هیچ چیز از خدا سؤال نکند مگر آنکه عطا فرماید یا بهمان یا بهتر
از این در بهشت عوض دهد **دهم** هر کس دو رکعت نماز گذارد در هر وقت که باشد در هر رکعت شصت مرتبه قل هو الله بخواند میان او
و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود و در روایت دیگر قل هو الله در هر رکعت یکمرتبه وارد شده و بعضی دیگر نمازهای مخصوص
هر یک در جای خود ان شاء الله مذکور شود **فصل پانزدهم** در فضایل قرآن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین که چون روز قیامت خلایق همه جمع صف صف ایستاده باشند قرآن با بهترین صورتی بمحشر آید چون بر صف مسلمین بگذرد
و او را ببینند گویند این مرد را بصورت و صفت میشناسیم و میدانیم که از جمله مسلمین است اما عبادت و طاعتش بیشتر بوده که این
نور و جمال او را عطا شده و ما را نصیب نگشته پس بر صف شهدا گذارد و گویند این را می شناسیم که از جمله شهداست اما مصیبتی
عظیم بوده که این نور و بها جمال کرامت یافته و هم چنین بر صف انبیا و رسل گذرد و مثل این گفتگو کنند پس همه صفوف مجتمع
گشته بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده گویند این کیست که ما نمیدانیم آنحضرت فرماید این حجت خداست بر بندگانش
پس سلام دهد و از آنجا گذشته بر صف ملایکه بر صورت ملکی مقرب گذرد و ملایکه نیز چنان گفتگو نمایند پس از آنجا گذشته تا پیش
عرش رسیده بسجده در آید پس خدای تعالی گوید ای حجت من وای کلام صادق ناطق من سر بردار و هرچه خواهی سؤال کن و هر کرا

خواهی

۴۲

خواهی شفاعت کن که هرچه طلب کنی باجابت مقرون است پس سر برداشته گوید خدایا بندگان تو بعضی مرا محافظت نمودند
و بقدر طاقت خود حرمت من داشتند و حق من رعایت کردند و بعضی حرمت من نداشتند و حق مرا ضایع کردند پس خدای
تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر کس ترا از و راضی باشی جزای رضای تو باو رسانم و او را از تو راضی گردانم و هر کس از و راضی
نباشی انتقام ترا از و بکشم پس بصورت جوانی که اهل محشر نشناسند به پیش شیعیان آید و گوید منم آنکه شما بشغل تلاوت
من شبها بجای خواب بیداری کشیده و روزها حرص آب شربت تشنگی چشیده آید و در دنیا بسبب من مشقتها دیده
و از دشمنان مصیبتها رسیده پس ایشان را برداشته پیش خدای تعالی برد و گوید خدایا اینان بندگان تو اند و تو ایشان را بهتر شناسی
و دانی که در محافظت و رعایت من چها کشیده اند پس فرماید تا ایشان را به بهشت برده حلهای بهشت در ایشان بپوشند و تاجهای کرامت
بر سر ایشان نهند پس بقرآن نمایند و گویند از این اکرام که با دوستان تو کردیم راضی گشتی گوید خدایا مرا با ایشان پیش از این توقع احسان
خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که احسان بسیار با ایشان کنم و ترا از خود راضی گردانم پس هر یک از ایشان را دست راستش را
ملک امان و رضوان و دست چپش را ملک رحمت و خلود در جنان گردانند و والدینش را بازای تعلیم قرآن که بفرزند خود کرده
دو حله از بهشت بپوشانند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در نماز نشسته قرآن بخواند بعدد هر حرف برایش پنجاه حسنه
نوشته شود و پنجاه سیئه محو گردد و پنجاه درجه بلند شود و اگر ایستاده بخواند بعدد هر حرف صد حسنه نویسند و صد سیئه محو کنند و صد درجه
بلند گردانند و اگر در غیر نماز بخواند بهر حرف ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند گردانند و اگر خود تلاوت نکند و گوش
بتلاوت دیگری دارد بهر حرف یک حسنه عطا فرماید و یک سیئه محو نمایند و یک درجه بلند گردانند و چون قرآن را ختم کند او را
دعای مستجاب بود و اگر ختم در روز واقع شود تا شب و اگر در شب واقع شود تا روز ملایکه بر او صلوات فرستند از حضرت امام علیه السلام
پرسیدند که این فضایل برای کیست که قرآن داند فرمود خدای تعالی کریمست هر کس آنچه میداند هر گاه ختم کند چنانست که ختم قرآن
کرده باشد و این فضایل باو عطا فرمایند و هر کس در مکه معظمه از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر ختم کند و ختم در روز جمعه واقع شود از جمعه
اول دنیا تا جمعه آخر آن برای او ثواب نویسند و هم چنین اگر در روز دیگر باشد از مثل آن تا مثل آن و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر کس در شبی ده آیه بخواند او را از جمله غافلین ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند از جمله ذاکرین نویسند و اگر صد آیه بخواند
از جمله قانتین نوشته شود و اگر دویست آیه بخواند از خاشعین و قرآن در روز قیامت با او مخاصمت نکند و اگر سیصد آیه بخواند
از فائزین و اگر پانصد آیه بخواند از عابدین و اگر هزار آیه بخواند یک قنطار ثواب برایش نویسند و قنطار پانزده هزار مثقال است
و یک مثقال بیست و چهار قیراط و کوچکترین قیراط مثل کوه احد است و بزرگترینش از زمین تا آسمان و کسی که قرآن بمشقت
بیاموزد ثوابش مضاعف باشد و در خانه که قرآن خوانند و ذکر خدا کنند ملائکه حاضر شوند و شیاطین دور شوند و برکت زیاد
شود و آن خانه برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای اهل زمین و خانه که قرآن نخوانند و ذکر خدا نکنند ملایکه بیرون روند
و شیاطین حاضر شوند و برکت کم شود و سه چیز از اهل خود بخدا شکایت کنند مسجدی که در آن نماز نگذارند و عالمی که قدرش ندانند

و قرآن در خانه که تلاوت نکنند تا غبار گیرد این بود بعضی از فضایل قرآن و هر یک از سوره و آیات را نیز فضایل بی نهایت روایت شده
که مقصد این رساله اگرچه وسعت حکایت همه آن ندارد اما چون از همه آن نیز محروم نتوان گذاشت بروایت بعضی مشرف کرده ایم و گوییم
هر مؤمن که بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعدد هر حرف او را حسنه عطا فرماید که هر حسنه بهتر باشد از تمام دنیا و نعمتهای آن و خدای تعالی کار دنیا و آخرت
او را مبارک و تمام گرداند و اگر کوشش کند که دیگری بخواند ثلث ثواب خواننده داشته باشد الحمد هر کس از روی اقرار و اعتراف بخواند خدای تعالی آخرت
را برای او اضافه نعمتهای دنیا گرداند و بلاهای آخرت را باضافه بلاهای دنیا دفع کند و رحمت وافر و عطیه کامل احسان فرماید و روز قیامت حساب
اش را آسان کند و حسناتش را قبول فرماید و سیئاتش را محو فرماید و ثوابی کرامت فرماید که جمیع مخالفین بر آن حسرت برند و در شدائد کارها
معین و دستگیرش باشد و براه راست و طریقه اهل بیت علیهم السلام هدایتش کند و چنان است که دو ثلث قرآن خوانده و بهر مؤمن و مؤمنه صدقه داده
باشد بقره و آل عمران هر کس بخواند روز قیامت مثل دو پاره ابر از حرارت آفتاب بر سرش سایه کنند یس هر کس بخواند گناهانش آمرزیده
شود چنان است که دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و اگر کسی روز بخواند تا شب محفوظ و مرزوق باشد و اگر شب پیش از آنکه بخوابد بخواند
هزار ملک بر او موکل شوند که از شیاطین و آفات محافظتش کنند و اگر در آن شب بمیرد سی هزار ملک در غسلش حاضر شوند و برای
او استغفار کنند و تا قبرش محافظتش و مشایعتش نمایند بعد از آن در قبرش ساکن شوند و عبادت خدا کنند و ثوابش برای او نوشته
شود و تا چشم کار کند قبرش را وسیع کنند و از فشار قبر ایمن باشد و روز قیامت نوری از قبرش تا اطراف آسمان درخشان باشد و چون
از قبر بیرون آید ملایکه با او مشایعت نمایند و مژده خیر و رحمت دهند تا از میزان و صراط بگذرد پس پیش خدای تعالی در مقامی باز دارند
که هیچ کس نزدیک تر از او بخدا نباشد مگر ملایکه مقربین و انبیا و مرسلین و ائمه طاهرین علیهم السلام و با ایشان باشد و از هر خوف و حزن
ایمن باشد پس خدای تعالی گوید ای بنده من هر چه خواهی سؤال کن تا عطا کنم و هر کرا خواهی شفاعت کن تا اجابت فرمایم و از ذلت و خوف
ایمن باشد و بر هیچ خطیه ملامت نه بیند تا آنکه همه کس گویند سبحان الله این بنده خدا هیچ خطای نداشته پس از جمله رفقای
حضرت این سوره بخواند بعدد هر خلقی در دنیا و آخرت برایش دو هزار هزار حسنه نویسند و دو هزار هزار سیئه محو کنند و از جنون
و جذام و آفات و آلام ایمن گردد و سکرات موت بر او آسان شود و خدای تعالی خود متوجه قبض روحش شود و وسعت
دهد و روز قیامت خوشحال باشد و آنقدر ثواب باو دهد که راضی گردد پس بجمیع ملایکه آسمان و زمین برای این بنده من استغفار
کنید من از او راضی گشتم ص هر کس بخواند خدای تعالی بوزن هر کوهی که مسخر حضرت داود کرده بود حسنات عطا فرماید و هر کس شب جمعه
بخواند آنقدر خیر دنیا و آخرت باو دهد که هیچ کس را نداده باشد مگر نبی مرسل و ملک مقرب و او را و هر کرا او خواهد از اهل بیتش
حتی خادمش اگرچه از عیال او و اهل شفاعت او نباشد به بهشت برد واقعه سوره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است
هر کس هر شب جمعه از رفقای آنحضرت باشد و از آفات و مکاره دنیا ایمن گردد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد روشنی در
روز قیامت مثل بدر تمام باشد صف هر کس بخواند حضرت عیسی ع او را دعا کند و برایش استغفار نماید تا در دنیا باشد و روز
قیامت رفیق آنحضرت باشد و هر کس با این سوره در فرایض و نوافل مداومت نماید در صف ملایکه و انبیا و مرسلین بایستد بالاتی

هرکس

هر کس بخواند بفراش بهشت و حریر بهشت باشد و اگر در نماز صبح دوشنبه بخواند از شر آنروز ایمن گردد و اگر صبح پنجشنبه بخواند در خدمت حضرت
پیغمبر ص باشد و هشتصد بکر و چهار هزار ثیبه از حور العین باو عطا کنند جمعه هر کس بخواند بعدد هر کس که بنماز جمعه آید و هر کس نیاید در دیار اهل
اسلام ده حسنه باو عطا کنند منافقین هر کس بخواند بعدد هر حرف که بر حضرت ابراهیم و موسی و محمد صلی الله علیهما نازل گشته ده حسنه عطا
فرماید و هر کس در نافله یا فریضه بخواند روز قیامت گویند از هر در که خواهی بهشت شو و حضرت امام جعفر ع فرموده بر شیعه ما واجب
واجب و لازم است که شب جمعه نماز بسوره جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه بجمعه و منافقین گذارند و هر کس چنین کند چنان است که عمل رسول الله
ص کرده باشد و جزایش بهشت بود الحاقه برای معامله امیر المؤمنین ع و معاویه لعنه الله نازل گشته هر کس در فرایض و نوافل بسیار بخواند
ایمان از او مسلوب نشود و تبارک هر کس بخواند از عذاب قبر ایمن باشد و اگر در نماز خفتن بخواند در امان خدای تعالی باشد تا صبح روز
قیامت تا آنکه داخل بهشت شود و الفجر سوره حضرت امام حسین ع هر کس در فرایض و نوافل بخواند با آنحضرت در یک درجه از بهشت باشد و اگر
در ده شب ذی الحجه بخواند گناهانش آمرزیده شود انا انزلناه سوره اهل بیت طاهرین علیهم السلام است هر کس بخواند چنان است که ماه مبارک
رمضان را روزه گرفته باشد و لیلة القدر را احیا داشته باشد و هر کس یک مرتبه آهسته بخواند چنان است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد
اگر یک مرتبه بلند بخواند چنان است که در راه خدا شمشیر از غلاف کشیده باشد و اگر ده مرتبه بخواند هزار گناهش آمرزیده شود و اگر در نماز فریضه
بخواند منادی ندا کند که اعمال را از سر گیر که گناهانت همه آمرزیده شد و فضایل این سوره زیاده از آنست که در حوصله این رساله گنجد و بعضی
از آنجمله نیز در مباحث سابقه گذشته و بعضی نیز انشاء الله در جای خود بیاید و التین هر کس بخواند خدای تعالی در دنیا عافیت و یقین و در آخرت
بعدد هر کس این سوره را خوانده ثواب یکروز روزه باو عطا فرماید و هر کس در فرایض و نوافل بخواند هر جای بهشت که خواهد باو عطا کند و العادیات
سوره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است هر کس بخواند و آن ملازمت کند از رفقای آن حضرت و در پناه او باشد الهیکم هر کس
بخواند چنان است که هزار آیه از قرآن خوانده باشد و خدای تعالی هر نعمتهای که در دنیا باو داده او را محاسبه نفرماید و اگر در فریضه بخواند
چهل صف ملایکه با او واقف اند و اجر صد شهید داشته باشد و اگر در نافله بخواند اجر پنجاه شهید یابد جحد هر کس بخواند چنان است که ربع قرآن
خوانده باشد و شیاطین از او دور شوند و از شرک بری گردد و از فزع اکبر ایمن گردد و هر کس سوره جحد و توحید در فریضه از فرایض بخواند خدا
گناهان او و والدین و اولاد ایشان همه آمرزیده شود و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو شود و در دیوان سعدا ثبت گردد و در زمره
ایشان محشور شود توحید هر کس یک مرتبه بخواند چنان است که ثلث قرآن خوانده باشد و بعدد هر مؤمنی ده حسنه عطا کنند و چون سه مرتبه بخواند
ختم قرآن کرده باشد و هر کس یک مرتبه بخواند خدای تعالی بر او برکت و رحمت زیاده کند و اگر دو مرتبه بخواند بر او و بر اهل بیتش و اگر سه مرتبه
بخواند بر ایشان و بر همسایگان ایشان و اگر دوازده مرتبه بخواند دوازده قصر در بهشت عطا فرماید و چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
بر سعد بن معاذ نماز میکرد دید که هفتاد هزار ملک که جبرئیل از آنجمله بود بر آن نماز گذاردند از جبرئیل پرسید که سعد بچه چیز مستحق
این کرامت گشته گفت باینکه در جمیع احوال نشستن و برخاستن و آمدن و رفتن و سواره و پیاده همیشه قل هو الله میخواند
اذا جاء هر کس بخواند چنان است که با حضرت پیغمبر ص در فتح مکه حاضر باشد و اگر در فریضه یا نافله بخواند بر همه دشمنان نصرت یابد

و توان از قبر بیرون آید و از جسر جهنم و اهوال آن ایمن گردد و در دنیا آنقدر سبب خیر بر او مفتوح شود که هرکس بخاطرش نگذشته و از روایتی خواهند
باشد و چون روز قیامت محشور شود بر هیچ چیز نگذرد مگر که او را فردوس خبر دهد تا داخل بهشت شود و معوذتین هر کس بخواند چنانست
که جمیع کتابهای که بر انبیا علیهم السلام نازل شده خوانده باشد آیة الکرسی هر کس یک مرتبه بخواند خدای تعالی هزار مکروه در دنیا که سهلترین آن فقر
و هزار مکروه در آخرت که سهلترین آن عذاب قبر باشد از او رفع فرماید این بود مجملی از فضایل بعضی سوره و آیات قرآن عظیم و بسیاری
نیز در مباحث سابقه گذشت و بعضی نیز در مباحث مناسب انشاء الله تعالی بیاید اما ذکر همه آن در حوصله این رساله نمی آید اما آداب
تلاوت قرآن و بعضی دیگر از احکام متعلق بآن آنکه چون کسی آیه یا سوره از قرآن بیاموزد و یاد گیرد باید مداومت بآن کند تا فراموش
نشود که اگر فراموش شود آن سوره یا آیه خود را در بهشت بصورت جمیل و درجه رفیع بنماید و بر او سلام کند پس او بگوید چه خوب نغمتی
تو چیستی و از کیستی کاش از آن من می بودی گوید من فلان سوره یا آیه ام اگر فراموشم نمیکردی باین درجه رسانیدم و مخفی نماند که ظاهر حدیث
اعتنا نا کردن حکمش یا بلفظش یا بخاطر گرفتنش و بهر معنی حق و صحیح است و درجه اش در رفعت و عظمت مختلف و هر کدام درجه
اش رفیع تر حسرت نسیانش عظیم تر و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که مؤمن را سزاوار است که هر روز خصوصا صبح بعد از فراغ
از تعقیب وردی از قرآن تلاوت کند اقلا پنجاه آیه و افضل اعمال آنست که کسی همیشه قرآن را ختم کند و باز از سر گیرد و مستحب است
که مدت ختم قرآن کمتر از یکماه نباشد تا بتدبر و تفکر تواند خواند اما در ماه مبارک رمضان اگر شش روز و سه روز تمام هم بعمل در شود رخصت
شده و فضایل تلاوت بحزن و صوت حسن در باب اول گذشت و قرآن را بشتاب و بی تأنی نشاید خواند و مقصود نباید آخر
آخر سوره و جزو باشد بلکه به ترتیل و تأنی و تفکر و تأمل باید تلاوت نمود مرویست که آیات قرآن خزاین جواهر معرفت و حکمت
هر خزینه را که بگشاید از جواهر آن غافل نگذرید و نیز مرویست که بسا کسی که قرآن خواند و قرآن از او بیزاری کند بلکه با دل آگاه و از روی
خضوع و خشوع تلاوت باید نمود و چون بآیه رحمت و مغفرت و ذکر نعیم جنت رسی بآن رغبت نموده از روی شوق از خدا طلب
کنی و چون بآیه عذاب و ذکر عقوبت و حساب رسی اندیشه کنی و از آن استعاذه نمای و از مناهی و معاصی توبه و استغفار کنی و چون
بمواعظ و نصایح مرور کنی موعظه و نصیحت گیری و چون بحکایات و قصص بگذری از آن عبرت گیری و برین قیاس هر آیه که رسی مناسب
آن حالت عمل نمای و اگر مقدور باشد الفاظ قرآن را فصیح و مسلسل ادا کند مرویست که قرآن را چنان بخوانید که عرب میخواندند و اگر مقدور
نباشد آنچه تواند کرد بکند مرویست عجمان قرآن را عجمی خوانند و ملائکه آنرا عربی بالا برند و از جمله آداب اینکه با طهارت و مکان خلوت
و اطمینان خاطر رو بقبله بدو زانو نشسته تلاوت کند و در اثنای تلاوت با کسی گفتگو نکند و افضل آنست که از روی مصحف
تلاوت کند که عذاب والدین تخفیف یابد اگرچه کافر باشند و نظر بر خط قرآن عبادتست و اگر در جای تلاوت کند که بسیار ساکت
بود و گوش دارد و چون قرآن برای تلاوت برگیرد بگوید اللّٰهمّ انّی اشهد انّ هذا کتابک المنزل من عندک
علی رسولک محمّد بن عبد الله و کلامک الناطق علی لسان نبیّک جعلته هادیا منک الی خلقک و حبلا
متّصلا فیما بینک و بین عبادک اللّٰهمّ انّی نشرت عهدک و کتابک اللّٰهمّ فاجعل نظری فیه عبادة

وقرائتی

وقرائتی فیه ذکرا و فکری فیه اعتبارا واجعلنی ممّن اتّعظ ببیان مواعظک فیه و اجتنب معاصیک و لا
تطبع عند قرائتی علی قلبی و لا علی سمعی و لا تجعل علی بصری غشاوة و لا تجعل قرائتی قراءة لا تدبّر فیها
بل اجعلنی اتدبّر آیاته و احکامه آخذا بشرایع دینک و لا تجعل نظری فیه غفلة و لا قرائتی هذرا انّک
انت الرّؤف الرّحیم و چون خواهد شروع در تلاوت کند از وسوسه شیطان و غفلت قلب و قساوت آن پناه بخدای تعالی برده

۴۶

بگوید اعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم و چون بآیه سجده رسد یا از دیگری بشنود سجده کند و در سجده بگوید لا اله
الّا الله حقّا حقّا لا اله الّا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الّا الله عبودیّة و رقّا سجدت لک یا ربّ تعبّدا
و رقّا لا مستنکفا و لا مستکبرا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر و بعد از فراغ از تلاوت بگوید اللّٰهمّ انّی قد قرأت
ما قضیت من کتابک الّذی انزلته علی نبیّک الصّادق صلّی الله علیه و آله فلک الحمد ربّنا اللّٰهمّ اجعلنی ممّن
یحلّ حلاله و یحرّم حرامه و یؤمن بمحکمه و متشابهه و اجعله لی انسا فی قبری و انسا فی حشری و اجعلنی ممّن
ترقیه بکلّ آیة درجة فی اعلی علّیّین آمین ربّ العالمین و چون ختم کند این دعا از صحیفه کامله بخواند اللّٰهمّ انّک
اعنتنی علی ختم کتابک تا آخر دعا **باب چهاردهم** در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلقه بآنها و این مجمع است و انشاء الله در دو فصل
بیان شود **فصل اول** در فضایل ذکر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هرکس ذکر خدای تعالی بسیار کند از نفاق و از آتش
دوزخ ایمن گردد و حضرت امام جعفر ع فرمود دلهای خود را رعایت کنید و بذکر خدا زنده دارید و بترسید از آنکه غافل نقص عهد ایمان
در دل شما راه یابد که چون دل از ذکر و یاد خدا غافل شود نه مؤمن باشد و نه کافر مثل جامه کهنه یا استخوان پوسیده پس در مناجات خدا
یاد کنید و از نقص عهد بترسید که چون دل را چنین حالتی رو دهد پس خدا آن بنده را اراده خیر داشته باشد ایمان در دلش اندازد و اگر نه
کفر و خدای تعالی فرموده ای بنی آدم تو در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود ترا یاد کنم و خانه که در آن ذکر خدای تعالی و تلاوت قرآن کنند
برکت بسیار و ملائکه نزول یابند و شیاطین دور شوند و آن خانه برای اهل آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره برای اهل زمین و شیطان از
دل آدمیزاد چون ذکر خدا کند از او دور شود و چون ترک ذکر کند گرامیش کند و خدای تعالی فرموده ای اسیر گناهان را فراموش کند
و ترک ذکر قساوت دل آورد و هر کس خدا را در دل یاد کند ثواب آنرا غیر خدا کسی نداند و هر کس در میان غافلان و مشغولان
دنیا ذکر خدا کند خدای تعالی هزار حسنه برایش بنویسد و در روز قیامت بیامرزد آمرزشی که بخاطر هیچکس نگذرد و چنانست که
در معرکه که همه گریخته باشند ثابت قدم ایستاده با اعدای خدا جهاد کند و بهشت او را واجب شود و مؤمن بهر بلیه مبتلا شود
و کسی که مشغول ذکر باشد بصاعقه مبتلا نشود و هیچ جمعی در مجلسی مشغول ذکر نشوند مگر آنکه جمعی از ملائکه با ایشان نشسته گریان
شوند و بگریه ایشان گریه کنند و دعا ایشانرا آمین گویند و منادی از آسمان ندا کند که سیئات شما همه آمرزیده شد و بحسنات
مبدل گشت و اگر کسی در میان ایشان باشد و ذکر نکند او نیز بسبب مجالست با ایشان آمرزیده شود و حضرت موسی علیه السلام
سؤال نموده گفت خدایا آیا نزدیکی تا مناجات کنم یا دوری تا آواز رسانم فرمود من همنشینم با کسی که ذکر من کند و هم آنحضرت مناجات

نمود و گفت روزی که هیچ سایه نیست هر کس را پناهی نباشد و در پناه رحمت تو که باشد فرمود آنانکه ذکر من کنند و من ذکر ایشان کنم و برای من
با هم محبت کنند و من با ایشان محبت کنم ایشان اند که اگر خواهم بر اهل زمین عذاب فرستم چون ایشان را ببینم دارم عذاب بکرم و نیز
مناجات نمود و گفت خدایا مرا در بعضی احوال شرم آید که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حالی بی ذکر من مباش که ذکر من در همه حال خوبست و باید
دانست که ذکر بر سه قسمت ذکر با دل که معنی خدا را بیاد داشتن و دل با خدا داشتن است و با زبان مثل تهلیل و تسبیح و تلاوت قرآن
و مذاکره مسائل دین و ایمان و امر معروف و نهی منکر و غیر آن هر چه خدا را بیاد آرد و با اعضا و ارکان مثل عبادات و طاعات و ترک
مناهی و سیئات و افضل همه ذکر با دل است که معنی نیت شعبه ایست از آن و ذکر با دل بمنزله روح است و ذکر با زبان و ارکان بمنزله
بدن که چون قول و فعل بی نیت خدا و یاد او باشد مثل صورتی باشد بی جان و از این جهت است که اعمال ریا و اغراض دنیا و هم چنین
عبادات مخالفین و غافلین مثل مستان و اطفال مقبول نباشد و خدای تعالی فرموده من هر کلام حکمت را قبول نکنم نظر بر دلش کنم
اگر برای من و بیاد من کرده اجر دهم و گرنه با آن واگذارم که برای او کرده و حضرت پیغمبر صلعم فرموده نیت مؤمن بهتر است از عملش
که عمل بی نیت مقبول نبوده و با نیت اگر عمل مقدور نباشد همان اجر یابد چنانکه مرویست که وقتی در مدینه قحطی شد کسی روزی در صحرا
بتلی خاکی گذشت گفت کاش اینهمه گندم بودی تا بمردم دادمی این خبر بحضرت پیغمبر صلعم رسید فرمان همان ثواب یابد و وجوه دیگر نیز
برای بهتری روایت شده که اینمقام ذکر آنها نیست و نیز در باب سابق گذشت که هر قدر از نماز که با آگاهی دل باشد بالا برند و هر چه
بی آن باشد بر هم پیچند و بر روی صاحبش زنند و نیز در مبحث ورع و تقوی گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله و الحمد لله
نیست بلکه اصل ذکر آنست که در افعال و اعمال هر چه رو دهد خدا یاد کنی اگر رضای خدا باشد ارتکاب کنی و گرنه اجتناب نمای
و امثال این اخبار و احادیث بسیار است و بعضی از آن گذشته و بعضی نیز در مباحث خود ان شاء الله بیاید و افضل همه اذکار
آنست که ذکر دل و زبان و ارکان همه با هم جمع شوند بحیثیتی که در افعال و اقوال خدا منظور باشد و برضای او شود و لهذا بجمله
که گفته شده بجا تنبیه واضح است و توقفی که در غیبت ما را در اینمقام باشد یا آنکه کسی قمار بازد و معاصی کند و با این مغرور
باشد که هر روز هفتاد هزار تهلیل میگوید و دیگران نیز فریفته آن شوند در نهایت سنی فتست چنانکه از این احادیث و سایر
احادیث که در مبحث ورع و غیر آن مذکور شد و رعایت و خوب است والحمد لله **فصل دهم** در فضایل بعضی اذکار مخصوصه
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که جماعت فقرا بخدمت حضرت پیغمبر صلعم رفته معروض داشتند که اغنیا حج گذارند
و بندگان آزاد کنند و صدقات دهند و جهاد کنند و ما از این جمله محرومیم فرمود کسی که صد مرتبه الله اکبر بگوید بهتر از آنکه
صد بنده آزاد کند و اگر صد مرتبه سبحان الله بگوید افضل است از آنکه صد شتر در مکه قربان کند و اگر صد مرتبه الحمد لله بگوید
افضل است از آنکه صد اسب با زین و لجام و مردان بر آن سوار بجهاد فرستند و اگر صد مرتبه لا اله الا الله بگوید عملش در آن روز
افضل از جمیع ناس باشد مگر کسی که بیشتر گوید و هم آنحضرت صلعم فرموده هر کس تسبیحات اربع بگوید بعوض هر یک درختی
در بهشت برایش نشانده شود کسی گفت یا رسول الله درخت بسیار در بهشت داریم فرمودیم اما آتشی مفرستید که همه را

بسوزد و هر کس بی آنکه از چیزی تعجب کند سبحان الله بگوید مرغی از آن مخلوق شود و تا روز قیامت خدا را تسبیح کند
و ثواب آن همه از او باشد و هم چنین اگر لا اله الا الله یا الحمد لله یا الله اکبر بگوید و هر کس لا اله الا الله باخلاص بگوید بهشت
او را واجب شود و اخلاص آنست که او را باز دارد از معاصی و سبحان الله نصف میزان را پر کند و الحمد لله تمام میزان را و لا
اله الا الله ما بین زمین و آسمان را و هر کس لا اله الا الله بگوید درختی برایش در بهشت نشانند و در زمینی سفیدتر از برف
و شیرین تر از شهد و خوشبوی تر از مشک که باران مثل پستان دختران بکر باشد و در هر یک از آن هفتاد حله های بهشت و هر که
بگوید الحمد لله کما هو اهله کاتبان اعمال دست از نوشتن بر دارند و گویند خدایا ما ندانیم که ثواب اینرا چه قدر نویسیم خدای تعالی
فرماید شما گفته او را بنویسید من دانم چه قدر ثواب دهم هر کس بگوید سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم و بحمده سه هزار حسنه
نویسند و سه هزار سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند کرده اند و طایری در بهشت خلق شود که خدا را تسبیح کند و ثوابش از و باشد
و هر کس روزی ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ
صاحبة و لا ولدا چهل هزار حسنه نوشته شود و چهل هزار سیئه محو گردد و چهل هزار درجه بلند شود و در آن روز حرز
او باشد از شیطان و سلطان و کبیره دامن گیرش نشود و چنانست که در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت
برایش بنا کنند و هر کس هر روز لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة و رقا لا اله الا الله ایمانا
و تصدیقا خدای تعالی از روی کرم متوجه او شود و هرگز رو از و نگرداند تا داخل بهشت شود و هر کس بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
خدای تعالی فرماید ای ملائکه بنده من کارهای خود را بمن واگذاشت و اعتراف بعجز و ناتوانی خود نمود حاجتش را بر آرید و هر کس سه مرتبه بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم نود و نه نوع بلا از و دفع شود که سهل ترین آن مردن بجنون
باشد و هر کس بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله دو هزار هزار حسنه ثبت شود **فصل یم** در فضایل
ذکر اهل بیت و صلوات بر ایشان و بعضی امور مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین مرویست از ایشان صلی الله علیهم که هیچ
مجلسی نیست که جمعی بنشینند و ذکر خدای تعالی و ذکر ما نکرده و صلوات بر پیغمبر صلعم نفرستاده برخیزند مگر آنکه آن مجلس روز قیامت
بر ایشان حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر خداست و ذکر اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مؤمن
با هم ملاقات نمایند و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنند هر گوشت که در روی ایشان باشد بگذارد تا آنکه روحش از شدت علم نبالد
و ملائکه آسمان و خزان جنان از آن مطلع گشته و همه ملائکه مقربین او را لعنت کنند و حضرت امام رضا صلوات الله علیه
فرمود هر کس در مجلسی بنشیند که فضایل و اخبار ما مذکور شود و ولایت و حق ما در آن مجلس زنده باشد دلش نمیرد روزی که دلها
همه مرده باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود هر کس ذکر فضیلتی از فضایل علی ابن ابی طالب عم کند و اقرار بآن داشته باشد
گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود اگر چه مثل گناه جن و انس باشد و هر کس فضیلتی از فضایل او بنویسد تا اثری از آن باقی
باشد ملائکه برایش استغفار کنند و هر کس فضیلتی از فضایل او بشنود گناهان که با گوش کرده آمرزیده شود و هر کس که نگاه بر نوشته

فضیلتی از ذکر گناهانی که با چشم کرده آمرزیده میشود و بعد از آن فرمود نظر بر علی بن ابی طالب ع عبادتست و ذکر او عبادتست
و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت او و بیزاری از اعدای او و حضرت امام حسن ع فرموده هر کس در دل با محبت دارد و بادست
و زبان نصرت ما کند با ما در غرفها باشد و هر کس در دل محبت دارد و بازبان نصرت کند یک درجه از آن پست تر باشد و هر کس محبت دارد
و بادست و زبان نصرت نکند در بهشت باشد و حضرت امام جعفر ع فرمود هر کس بازبان اعانت ما کند خدای تعالی روز قیامت زبان
اش بحجتش گویا کند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس یکمرتبه صلوات بر پیغمبر ص فرستد خدای تعالی با هزار صف ملائکه هر یک
هزار صلوات برو فرستند و بعد از آن هیچ مخلوقی نماند که برو صلوات فرستند پس هر که باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد
و خدا و رسول و اهل بیتش صلی الله علیهم ازو بیزار باشند و هیچ چیز در میزان قیامت سنگین تر از صلوات بر آنحضرت نبود و چون اعمال مؤمنان
را در میزان گذارند اگر حسنات سبک و سیئات سنگین باشد آنحضرت صلعم صلوة که برو فرستاده باشند بر حسنات گذارد تا بر سیئات
زیادتی کند پس به بهشتش برد و صلوات بر آنحضرت صلعم گناهان را بیشتر محو کند چون آب آتش را و نیز مرویست که هر کس قادر بر کفاره
گناهان نباشد و صلوة بر آنحضرت و آلش صلعم فرستد که صلوات بر ایشان گناه را میریزد و صلوات بر ایشان برابر است با تهلیل
و تسبیح و تکبیر و هر کس نام آنحضرت در پیشش مذکور شود و صلوات نفرستد راه بهشت بر و خطا شود و هر کس دعا کند دعایش محجوب
ماند و بالا نرود تا صلوات فرستد و آنحضرت صلعم فرمود در وقت دعا مرا مثل کوزه مسافر مگردانید که چون همه اسباب را بار کند بعد از آن هم کوزه
در عقب بار آویزد که هرگاه تشنه شود بر دارد بلکه مرا در اول و میان بلبن نزدیکتر باشد و هر کس از خدای تعالی حاجتی بطلبد اگر بعوض آن صلوات
فرستد حاجتش اجابت شود و ثواب آن صلوات نیز داشته باشد کسی بحضرت امام جعفر ع گفت چون از خانه کعبه بیرون می آیم دعای بخاطر
نرسیدم غیر صلوات بر پیغمبر ص فرمود هیچ کس بخیر تو بیرون نیامده و هر کس در صلوات بر آنحضرت آلش را با او شریک گرداند درهای آسمان
گشاده شود و گناهانش مثل ستاره و برگ از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلوات برین بنده من فرستادند و خدای تعالی فرماید اگر شما
هفتاد صلوات برو فرستم و اگر بر آلش صلوات نفرستد بوی بهشت نشنود و حال آنکه بوی بهشت را از پانصد ساله راه توان شنید و میان او
و آسمان هفتاد حجاب منصوب شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه دعای این بنده را بالا میبرید تا بر عترت پیغمبر ص صلوات نفرستد و مرویست
که هر کس بگوید صلی الله علی محمد و اهل بیته هزار حسنه نوشته شود و فضایل دیگر برای صلوات و بعضی صلوات مخصوصه در مباحث
تعقیب گذشت و اعمال جمعه و غیر آن گذشت **فصل چهارم** در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن مرویست از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که دعا افضل عبادات است و خدای تعالی هیچ چیز را دوستتر از آن ندارد که بنده از آن مسئلت
حاجت کند و هیچ چیز را بدتر از آن ندارد که استکبار کند و ترک مسئلت نماید و در قرآن مجید فرموده اگر نه این بود که شما دعا میکنید
خدا هیچ اعتنا بشما نمیکرد و دعا سلاح مؤمن و عمود دین و نور سموات و ارضین است و قضای مبرم بدعا رد شود و تاثیر دعا
در قضای حاجت بیشتر است از تاثیر سنان در گوشت از حضرت امام جعفر ع پرسیدند که دو کس با هم شروع در نماز کردند و با هم
فارغ شدند یکی دعا بیشتر کرد و دیگری قرائت فرمود آنکه دعا بیشتر کرده افضل است و هر بلیه که بر آن کسی نازل شود و خدای تعالی .

دردلش اندازد که دعا کند آن بلیه زود زایل گردد و اگر در دعا تاخیر شود بلیه بطول کشد و چون بنده دست بدعا بردارد خدا شرم
آید که آنرا خالی رد کند و دعا یا حسنه که پنهانی کند هفتاد مثل آنست که علانیه کند **فصل پنجم** در اسباب اجابت دعا و بعضی
احکام متعلق بآن اسباب اجابت دعا که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام سه قسمت حالات و صفات داعی مرویست
که جمعی بخدمت یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام رفته گفتند یابن رسول الله خدای تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت میکنم و ما دعا میکنیم
و مستجاب نمیشود فرمود دلهای شما بسبب ده چیز مرده است دعوی دعا و خدا شناسی میکنید و اطاعت خدا نمیکنید و دعوی
محبت رسول الله میکنید و با اولادش عداوت میکنید و قرآن میخوانید و عمل بحکم آن نمیکنید و دعوی عداوت شیطان میکنید
و پی رویش میکنید و دعوی محبت بهشت میکنید و برای آن سعی نمیکنید و از خوف دوزخ میکنید و خود را در آن می افکنید و مشغول
عیوب دیگران می شوید و از عیوب خود چشم می پوشید و دعوی بغض دنیا میکنید و دست از آن نمیکشید و اقرار بموت میکنید و تهیه
این سفر نمیکنید و اموات خود را دفن میکنید و از آن عبرت نمیگیرید از اینست که دعای شما مستجاب نمیشود و روایت دیگر آمده که کسب
خود را حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود که چون کسی یک لقمه حرام خورد چهل روز دعایش مستجاب نشود و خدای تعالی فرموده که
هیچ کس از من محجوب نماند مگر کسی که لقمه حرام خورد و اجابت نکنم دعای کسی را که مظلمه یکی از بندگان من بگردن او باشد و قادر بر رد آن
مظلمه نکند داخل خانه من نشود و مادامی که در خانه باشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل سه سال دعای کرد مستجاب نشد آخر مناجات
کرد و گفت خدایا آیا من از تو دورم که آوازم نمیرسد یا نزدیکی و اجابت نمیکنی خدای تعالی کسی را فرستاده با او گفت با زبانی فحاش
و دل آلوده بسرکشی و نیت مغشوش دعا میکنی مستجاب نمیشود و نیز مرویست که با تقوی و نیکی آنقدر دعا کافیست که نمک در طعام
دوم اوقات مخصوصه که دعا را غنیمت باید دانست و فرصت باید شمرد از آنجمله وقت زوال در هر روز خصوصا در روز جمعه
تا وقتی که امام از منبر فرود آید و ساعت آخر روز جمعه و تمام شب جمعه و از نصف هر شب تا ثلث آخر شب در این ساعت هیچ مؤمنی
دعا نکند مگر آنکه البته مستجاب شود و وقت سحر تا طلوع آفتاب درین ساعت درهای آسمان گشوده شود و رزق مردم قسمت کرده
و حاجتهای عظیم مستجاب شود و میان اذان و اقامه و بعد از هر فریضه خصوصا بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب و در قنوت نماز وتر
و بعد از تلاوت قرآن و وقت وزیدن باد و نزول باران و غیر آن از اوقات که بعضی بتقریبات گذشته و بعضی نیز در مقام
خود انشاء الله تعالی بیاید **سیم** اموری چند که در حال اشتغال بدعا و بعد از فراغ رعایت باید نمود از آنجمله وضو و غسل و رشتن
و جامهای پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و صدقه دادن بهر قدر مقدور شود و مکانی متبرک مثل مسجد و غیر آن اختیار
کردن و دست بجانب آسمان برداشتن که خدای تعالی کریمست شرم دارد که دست مؤمن را خالی رد کند و حاجت را بخصوصها
نام بردن که خدا خوش آید اگرچه حاجات همه کس را میداند و در دعا اجتماع نمودن که هرگز چهل مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر
آنکه البته مستجاب شود و اگر چهل کس نباشند چهار کس ده مرتبه دعا کنند و اگر چهار کس نباشند یک کس چهل مرتبه دعا کنند
و روایت دیگر آمده که هرگز چهار مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر که باجابت متفرق شوند و کسی که آمین گوید در دعا شریک

باشد و از جمله اسباب اینکه ابتدا بمدح و ثنای خدا کند و کسی بحضرت امام جعفر علیه السلام عرض داشت که خدای تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت
میکنم ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود فرمود گمان داری که خدای تعالی خلاف وعده کند گفت نی فرمود پس چرا مستجاب نمیشود گفت نمیدانم فرمود
که کسی اطاعت امر خدا کند و از راهی که می باید دعا کند البته مستجاب شود گفت راهش کدام است فرمود اول حمد خدا و ذکر نعمتهای
او کند و خدا را بر آن شکر کند پس صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد و گناهان خود را بخاطر آورد و اقرار بآن نماید و استغفار از آن کند بعد از آن
حاجت بخواهد مستجاب شود و سیم از اسباب توسل جستن است بحضرت پیغمبر و آلش صلی الله علیهم اجمعین مرویست که کسی
خفیف در دوزخ بماند بعد از آن مناجات نموده گوید خدایا بحق محمد و اهل بیتش که بر من رحم کن پس خدای تعالی جبرئیل را فرماید که
او را از آتش بیرون آرد و گوید بعزت خودم که اگر بحق ایشان سؤال میکردی بسیار در آتش نمیماندی اما من بر خود واجب کرده‌ام
نموده‌ام که هر کس بحق ایشان سؤال کند اجابت فرمایم و این مضمون در احادیث بسیار آمده و مرویست که هر دعا از آسمان محجوبست
تا صلوات بر آنحضرت و آلش صلی الله علیهم فرستد و نیز مرویست که صلوات بر ایشان رد نشود پس چون در اول و آخر دعا صلوات
فرستد خدا را شرم آید که اول و آخر را قبول فرماید و میان را رد کند و از جمله اسباب اینست که دعا را عام کند و دیگران را در آنچه میطلبد
با خود شریک گرداند بلکه ایشان را مقدم دارد که برای ایشان و برای خودش هر دو مستجاب شود بعضی از علما درین معنی نکته
گفته‌اند که ذکرش مناسب مقامست اینکه خدای تعالی بندگان خود را نهی فرموده که چون چند جنس را با هم بیک صیغه بیع کنند
بعضی را نگاه دارند بعضی را رد نمایند و دعا برای مؤمن غایبانه البته مستجابست چنانکه بیاید پس چون کسی خود را با دیگری
در دعا جمع کند لایق بجلال آنجناب نشود که چیزی که بندگان را منع فرموده خود آنرا بکند و از جمله اسباب اینکه در وقت دعا دل
حاضر دارد و رقیق و محزون باشد که دعای دل غافل و سخت و فرحناک مستجاب نشود و خدای تعالی دل محزون دوست دارد و چشم
گریان باشد و اگر گریه نیاید سعی کند و خود را بگریه دارد و چون رقت آید دعا را غنیمت باید دانست اگر چه بقدر سر مگسی
باشد که خدای تعالی چشم گریان را دوست دارد و بگریه یک کس بر امتی رحم فرماید و از جمله آنکه از روی ادب و انصاف سؤال
کند مثلا رتبه انبیا و ائمه علیهم السلام سؤال نکند و چیزی که از حوصله و مرتبه او بیرونست طمع نکند که مستحق حرمان شود و
از جمله اینکه اطمینان و حسن ظن داشته باشد که خدا پیش ظن بنده مؤمنست هر چه گمان داشته باشد چنان کند و مرویست که چون
دعا کردی حاجت را بر در خانه دان و از جمله اینکه پیش از وقت در حال عافیت و رفاهیت همیشه دعای کرده باشد تا چون
در بلیه و شده دعا کند مستجاب شود و از آسمان محجوب نماند و گرنه ملائکه که بر اجابت دعوات موکلند گویند این چه آوازست
که نمی شناسیم و این کیست پیش ازین کجا بود که بدرگاه الهی رجوع نمی نمود و از جمله اینکه در آخر دعا بگوید ما شاء الله لا حول
و لا قوة الا بالله که خدای تعالی فرماید ای ملائکه این بنده مرا دریابید و اعانت کنید و حاجتش بر آرید که کارهای خود را
بمن و خواهش من تسلیم کرد و اعتراف نمود که هیچ کس غیر من اجابت حاجتش نتواند و چون از دعا فارغ شود هر دو دست
بر سر و رو و در روایت دیگر بر رو و سینه بمالد که دست بدعا بر خواسته از رحمت خالی نباشد و از جمله اینکه در دعا الحاح کند که خدا را

خوشش

خوشش آید و البته اجابت فرماید و نیز مرویست که گاه باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی از او اعراض فرماید باز دعا کند و اعراض فرماید
پس در مرتبه چهارم و بروایت دیگر در مرتبه سیم فرماید ای ملایکه بنده من مکرر دعا کرد و اعراض نمودم همان دعا میکند میداند که گناهانش
را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم و اگر در اجابت تاخیر شود مایوس و نومید نباید شد که خدای تعالی فرموده از رحمت
من نومید نباشند مگر کفار و مکر الهی و بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی برای آنکه دعا و مناجاتش او را دوست دارد در اجابت
تاخیر فرماید تا بیشتر دعا و تضرع کند و دعای مؤمن البته اجابت شود اگر در همه آنچه خواسته مصلحت باشد همانرا عطا کند و اگر بلیه
مقدر باشد که رفع او ضرورتر بود و خود از آن خبر ندارد آنرا رفع فرماید و اگر هیچکدام نباشد در بهشت اضعاف مضاعف دهد
و در روایت دیگر آمده که اگر در آنچه خواسته مصلحت نباشد کفاره گناهانش شود اگر دعا زود مستجاب شود مشعوف و مغرور نشاید
گشت که شاید استدراج باشد چنانکه در باب اول گذشت و بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی برای اینکه از آواز او نفرت دارد
زود اجابت فرماید تا الحاح او را نبیند بلکه اگر زود شود شکر و حمد و اگر دیر شود صبر و توکل باید کرد و در حال تضرع و انابه
و تملق باید نمود **فصل ششم** در ذکر جمعی که دعاشان مستجاب شود و جمعی که مستجاب نشود مرویست از اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین که چند کسند که دعاشان مستجاب شود و از خدای تعالی محجوب نماند و درهای آسمان برایشان گشوده شود
تا بعرش رسد اهل حج و عمره و جهاد پس مترصد احوال عیال ایشان باشید و سعی در حوائج ایشان نمائید و مریض پس او را
مرنجانید و امام عادل و ولد صالح برای والدین و والد صالح برای ولد و صایم تا وقتی که افطار کند و مؤمنی که برای مؤمن
غایبانه دعا کند مرویست که هیچ دعا بسرعت اجابت [illegible] که چون کسی مؤمنی را غایبانه بخیر دعا و ذکر کند ملائکه گویند
چه خوب برادری تو که برادر خود را غایبانه مدح و دعا میکنی خدای تعالی دو برابر آن ترا عطا کند و مثل آن ترا مدح فرمایند و اگر
دعای بد و ذکر بدش کند گویند چه بد برادری تو بر خود رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز مرویست که دعای مؤمن برای خود [illegible]
و چون برای مؤمنی غایبانه دعا کند از آسمان اول ملکی ندا کند که صد هزار مثل آن ترا باشد و از آسمان دوم ندا کنند که ترا دویست
هزار مثل آن بود و هم چنین تا آسمان هفتم صد هزار بیفزاید بعد از آن خدای تعالی فرماید منم غنی که هرگز فقیر نشوم ترا هزار هزار مثل آن
عطا فرمایم و دعای مظلوم بر ظالم خدای تعالی فرماید دعایش را بالا بیارید تا اجابت فرمایم و گوید انتقام تو بکشم اگر چه بعد از مدتی
باشد و دعای والد بر ولد که برنده‌ترست از شمشیر و چند کسند که دعاشان مستجاب نشود کسی که دست از کسب و سعی کشیده در
خانه بنشیند و دعا کند خدای تعالی فرماید من راه سعی و تحصیل برای تو گشوده‌ام راه سر کن و سعی نما تا حاجتت بر آرم و کسی
که خدای تعالی مالی باو داده و در باطل صرف کرده و چون دعا کند فرماید روزیت داده‌ام و ضایع کردی و کسی که زن یا بنده
یا همسایه را نفرین کند فرماید راه خلاصی نموده‌ام زن را طلاق گوی و بنده را بفروش و از جوار همسایه نقل کن و کسی
که بی شاهد و بینه بکسی قرض دهد فرماید بایست شاهد و بینه بگیری تا مالت باطل نشود و کسی که از زیر دیوار شکسته بشتاب نرود
یا در مهلکه احتیاط نکند فرماید گفته بودم که خود را در مهلکه میفکن تا هلاک نکردی **فصل هفتم** در فضایل دعا برای مؤمنان

روایت است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر مؤمن که برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات احیا و اموات ایشان دعا کند خدای تعالی
بعدد هر مؤمن و مؤمنه از اول دنیا تا آخر دنیا حسنه برای او ثبت شود و بعدد هر کس مثل آنچه دعا کرده باو عطا فرماید و اگر روز قیامت او را
بدوزخ امر کنند و بکشیده باشند تا بدوزخ برند مؤمنین و مؤمنات اجتماع نموده گویند خدایا این کسی در دنیا ما را دعا میکرد او را
ما را شفیع او گردان خدای تعالی شفاعت ایشان را قبول فرموده او را نجات دهد و هر کس هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید اللهم اغفر
للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات بعدد هر مؤمنی گذشته و آینده تا روز قیامت برای او حسنه ثبت کنند و سیئه
محو نمایند تا روز قیامت و درجه بلند گردانند در ذکر بعضی ادعیه و وسایل حاجات روایت است که کسی بخدمت امیر المؤمنین صلوة
الله علیه شکایت نمود که اجابت دعایم دیر میشود فرمود چرا دعای سریع الاجابه نمیخوانی گفت نمیدانم کدام است فرمود این است اللهم
انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم الاجل الاکرم المخزون المکنون النور الحق البرهان المبین الذی هو نور مع نور
و نور من نور و نور فی نور و نور علی نور و نور فوق کل نور و نور تضیئ به کل ظلمة و تکسر به کل شدة
و کل شیطان مرید و کل جبار عنید و لا تقر به ارض و لا تقوم به سماء و یا من به کل خائف و بطل
به سحر کل ساحر و بغی کل باغ و حسد کل حاسد و یتصدع لعظمته البر و البحر و یستقل به الفلک
حین یتکلم به الملک فلا یکون للموج علیه سبیل و هو اسمک الاعظم الاجل الاجل النور الاکبر الذی
سمیت نفسک و استویت به علی عرشک و اتوجه الیک بمحمد و اهل بیته و اسئلک بک و بهم ان
تصلی علی محمد و آل محمد و حاجتی که داری طلب نمائی و مرویست از حضرت امام جعفر ع چون کسی را حاجتی رو دهد پناه
بحضرت پیغمبر ص برده غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و تمام نماز فریضه افتتاح کند و تشهد خواند و بعد از سلام ثواب آن را بروح مقدس
آنحضرت هدیه نموده گوید انت السلام و منک السلام و الیک یرجع السلام اللهم صل علی محمد و آل محمد
و بلغ روح محمد منی السلام و ارواح الائمة الصادقین سلامی و اردد علی منهم السلام و السلام
علیهم و رحمة الله و برکاته اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة منی الی رسول الله صلی الله علیه و آله
فاثبنی علیهما ما املت و رجوت فیک و فی رسولک یا ولی المؤمنین بعد از آن سجده کند چهل مرتبه گوید
یا حی یا قیوم یا حی لا یموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین بعد از آن روی
راست را بگذارد و همین را چهل مرتبه بگوید بعد از آن روی چپ را بگذارد و چهل مرتبه بگوید و بعد از آن دست راست را بپیش
گردن بیارد و انگشت سبابه را بنحوی که بحرکات اشاره کند از روی تضرع نگاه دارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن محاسن را بدست
چپ گرفته گریه کنان و اگر گریه نیاید خود را گریان ساخته بگوید یا محمد یا رسول الله اشکو الی الله و الیک حاجتی
و الی اهل بیتک الراشدین حاجتی و بکم اتوجه الی الله فی حاجتی بعد از آن سجده کند و بگوید یا الله یا الله
تا نفس تنگ شود و صل علی محمد و آل محمد و اقض طلبتی و حاجت بخواهد من ضامنم که هنوز از جای خود برنخواسته باشد

فصل هشتم

باشد

که حاجتش

که حاجتش بر آورده شود و هم از آنحضرت ع مرویست که فرمود شما را مرضی عارض شود بطبیب رجوع کنید دوا و تکلف نمایید و چون
حاجتی باشد بخانه سلاطین روید و بلا از ایشان رشوه دهید پس اگر مرضی یا حاجتی باشد تا صانع شود پناه بخدای تعالی
برده طهارت بسازید و چیزی تصدق کنید هر چه مقدور شود پس بمسجد رفته دو رکعت نماز گذارید بعد از آن حمد و ثنای خدا گوئید و صلوات
بر پیغمبر و اهل بیتش صلی الله علیهم فرستید و حاجت خود طلبید البته مستجاب شود و این مبنی است که بر خدای تعالی واجب است اجابت
آن و هم از آنحضرت ع مرویست که هر کس را شدتی و حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت نماز گذارد پس دست راست بزیر روی خود راست
گرفته بخواند و بگوید یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و حاجت خود را مذکور سازد مستجاب شود
و از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مرویست که هر کس را حاجتی باشد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و بمصلای
خود رفته دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت الحمد بخواند و چون به ایاک نعبد و ایاک نستعین رسد این آیه را صد مرتبه تکرار کند و در تتمه
آخر سوره را تمام کند بعد از آن قل هو الله بخواند و تسبیح رکوع و سجود را هفت هفت بگوید و چون سلام دهد بگوید اللهم ان اطعتک
فالمحمدة لک و ان عصیتک فالحجة لک منک الروح و منک الفرج و سبحان من انعم و شکر سبحان من قدر
و غفر اللهم ان کنت عصیتک فقد اطعتک فی احب الاشیاء الیک و هو الایمان بک لم اتخذ لک ولدا
و لم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا منی به علیک و قد عصیتک یا الهی علی غیر وجه المکابرة و
الخروج عن عبودیتک و لا الجحود لربوبیتک و لکن اطعت هوای و ازلنی الشیطان فلک الحجة علی و البیان
فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم لی و ان تغفر لی و ترحمنی فانک جواد کریم یا کریم یا کریم تا نفس تنگ شود
یا امنا من کل شیء و خوف کل شیء منک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی امانا لنفسی و اهلی و ولدی
و سایر ما انعمت به علی حتی لا اخاف و لا احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر و حسبنا الله و نعم
الوکیل یا کافی ابرهیم نمرود یا کافی موسی فرعون اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تکفینی شر فلان بن
فلان و کسی که از او خوف داشته باشد نام ببرد و بعد از آن سجده کند و از روی تضرع حاجت بطلبد که هیچ مؤمن و مؤمنه باین عمل
خلاص نکند مگر آنکه درهای آسمان برای حاجتش گشوده شود و همان وقت مستجاب شود هر چه طلب کند بعد از آن فرمود این از
افضل خدمت برادر شیعیان ما و هر کس در یک مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله توفیق حج یابد مرویست که ابو القمقام مرد
بوده بیطالع هرگز بکاری نمیرفته که از آن خیر ببیند بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت نموده فرمود بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوی سبحان
الله العظیم و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله گوید اندک زمانی پیش نگذشته که از جایی که هیچ گمان نداشتم خدای
تعالی مرا غنی گردانید یکی از اصحاب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مدتی بخدمت آن حضرت نرفت بعد از آنکه رفت حضرت
پرسید چه مانعت که پیش ما نمیآیی گفت بیماری و پریشانی فرمود این کلمات بگو که هر دو زایل شود لا حول و لا قوة الا
بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن

لا ولی من الذل وکبره تکبیرا کسی از حضرت امام جعفر علیه السلام دعای خواست برای وسعت رزق فرمود که بگوی اللهم ارزقنی
من فضلک الواسع الحلال الطیب رزقا واسعا حلالا طیبا بلاغا للدنیا والآخرة صبا صبا هنیئا مریئا من
غیر کد ولا منّ من احد من خلقک الا سعة من فضلک الواسع فانک قلت واسئلوا الله من فضله فمن فضلک
اسئل ومن عطیتک اسئل ومن یدک الملأی اسئل و دعای که برای این طلب هیچ چیز مثل این دعا ندیدم و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه گفت برای ادای دین بگوی اللهم اغننی بحلالک عن
حرامک وبفضلک عمن سواک که اگر مثل صبیر دین داشته باشی ادا شود و صبیر کوهیست در یمن که در آن بلاد اعظم از آن
کوهی نیست و هم آنحضرت صلی الله علیه وآله فرمود دو رکعت نماز بگذار بعد از آن آیة الملک بخوان بعد از آن بگوی یا رحمن الدنیا
والآخرة ورحیمهما تعطی منهما ما تشاء واقض عنی دینی که اگر مثل روی زمین طلا دین داشته باشد ادا شود و کسی بخدمت
امام جعفر علیه السلام شکایت نمود که دینی چند بر مردم دادنی دارم و وصول نمیشود فرمود بگوی اللهم لحظة من لحظاتک تیسر علی
غرمائی بها القضاء وتیسر لی بها الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر و هم از آنحضرت نیز مرویست که هر کس دعاء متوالی
هر روز چهار صد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم بدیع السموات والارض ذو الجلال
والاکرام من جمیع ظلمی وجرمی واسرافی علی نفسی واتوب الیه خدای تعالی او را علم بسیار و مال بسیار عطا فرماید و هم از آنحضرت علیه السلام
مرویست که هر پیغمبر را یک دعای مستجاب خود دعای مستجاب بعطا نموده و پیغمبر ما صلی الله علیه وآله دو دعای مستجاب با عطا فرموده یکی برای
شدائد امور آ[illegible] یا دائما لم یزل یا الهی واله آبائی یا حی یا قیوم صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا و دوم
[illegible] برای دین و آن اینست یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء یا الله یا رب صل علی محمد وآله
واقض عنی الدین وافعل بی کذا و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که هر کس را معیشت تنگ شود یا حاجتی از حوائج دنیا و آخرت
باشد این نقش را بر کاغذ سفید بنویسد و چنانکه اسما هر یک سطر باشد و در دو صفحه این شکل خطی بکشد و در وقت طلوع
آفتاب در آب جاری اندازد بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق الجلیل المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد
وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والقائم سیدنا و مولانا
صلوات الله علیهم ربی انی مسنی الضر والخوف فاکشف ضری وآمن خوفی بحق محمد وآل محمد وبکل نبی ووصی
وصدیق وشهید ان تصلی علی محمد وآل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا ساداتی بالشان الذی لکم عند الله
فان لکم عند الله شانا من الشان فقد مسنی الضر یا ساداتی والله ارحم الراحمین فافعل یا رب کذا وکذا



و نیز مرویست که چون کسی را حاجت باشد بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه پناه برده این عریضه را نوشته بر قبر
یکی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بگذارد یا بپیچیده و سرش را مختوم ساخته در گل پاک گرفته در نهر یا چاه عمیق یا آب بسیار اندازد
که بعرض حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه برسد و آنحضرت خود متوجه قضای آن میشود بسم الله الرحمن الرحیم کتبت

یا مولای

یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا وشکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز وجل ثم بک من امر قد دهمنی
وشغل قلبی واطال فکری وسلبنی بعض لبی وغیر خطیر نعمة الله عندی واسلمنی عند تخیل وروده الخلیل وتبرأ
منی عند ترائی اقباله الی الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی وخاننی فی تحمله صبری وقوتی فلجأت فیه الیک وتوکلت
فی المسألة لله جل ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله رب العالمین ولی التدبیر ومالک
الامور واثقا بک فی المسارعة فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارک وتعالی ایاک باعطائی
سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی وتصدیق املی فیک فی امری کذا وکذا و حاجت را بنویسد فیما لا طاقة
لی بحمله ولا صبر لی علیه وان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی وتفریطی فی الواجبات التی علی لله تعالی
فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف وقدم المسألة لله عز وجل فی امری قبل حلول التلف و
شماتة الاعداء فبک بسطت النعمة علی فاسئل الله عز وجل جلاله لی نصرا عزیزا وفتحا قریبا فیه بلوغ الآمال
وخیر المبادی وخواتیم الاعمال والامن من المخاوف کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال وهو حسبی ونعم الوکیل
فی المبدء والمآل و در وقت انداختن عریضه یکی از نایبان آن حضرت صلوات الله علیه که در زمان غیبت صغری بوده اند که
عثمان بن سعید عمری یا پسرش محمد بن عثمان یا حسین روح یا علی بن محمد باشند متوسل شده بگوید یا فلان بن فلان سلام علیک
اشهد ان وفاتک فی سبیل الله وانک حی عند الله مرزوق وقد خاطبتک فی حیاتک عند الله عز وجل
وهذه رقعتی وحاجتی الی مولانا علیه السلام فسلمها الیه فانت الثقة الامین بعد از آن عریضه را بیفکند که انشاء الله
بر آورده شود و هم از آنحضرت صلوات الله علیه مرویست که چون خواهی برای مطلبی و حاجتی بکسی نامه بنویسی اول
با قلم بی مداد بر سر نامه بنویس که بسم الله الرحمن الرحیم ان وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا
یحتسبون جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون و راوی گوید بعد از آن که این حدیث شنیدم
هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم مگر آنکه باجابت مقرون گشت **فصل نهم** در تعویذ و حرز از مخاوف و مکاره از جمله و
سایل مرویه از اهل بیت اطهار صلوات الله علیهم اجمعین درین باب چند چیز که اهم باشد انشاء الله ذکر کنیم خوف از سلاطین
کسی بحضرت امام جعفر علیه السلام معروض داشت که سلطان مرا طلبیده و من اندیشه دارم فرمود چون از خانه بیرون میروی قل
الله از پیش رو و جانب راست و جانب چپ و پشت سر و بالای سر و زیر پا بخوان که در آن روز حصار تست برای تو
از سلطان و شیطان و نیز مرویست که چون بسلاطین ملاقات کنید هفت مرتبه آهسته بگویید خیرک بین عینیک
وشرک تحت قدمیک وبالله استعین علیک اللهم اکفنیه بما شئت فانه لا قوة الا بک و چون
از غضب ایشان ترسد بگوید المفات غضبک بلا اله الا هو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم و چون نظر بر ایشان افتد سه مرتبه قل هو الله بخواند و با دست چپ انگشت بشمرد تا دقت

کار آنجا بیرون آید مگر زر میخوانده باشد و نیز مرویست که کسی را سلطان بشتاب طلبیده حضرت امام جعفر ع قدری تربت امام حسین ع
فرستاده فرموده با او برسانید که امان است از خوف و نیز آنحضرت علیه السلام از در خانه سلطان میگذشت و دید که کسی را عقوبت کرده
بیرون آمد فرمود اگر انگشتری عقیق با خود میداشت از این حادثه ایمن می‌بود و خوف از اعدا حضرت امام زین العابدین علیه السلام
فرموده اگر تمام جن و انس بر من جمع شوند چون این کلمات بگویم هیچ باک ندارم بسم الله وبالله ومن الله والی
الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله اللهم الیك اسلمت نفسی والیك وجهت وجهی والیك
الجأت ظهری والیك فوضت امری اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی وعن
یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی وما قبلی وادفع عنی بحولك وقوتك فانه لا حول ولا قوة
الا بك و نیز حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که جدم امیر المؤمنین صلوات الله علیه چون این دعا میخواند بر هیچ لشکری حمله
نمیکرد مگر آنکه منهزم میساخت و این دعا کفایت بلایات اللهم بك اساور وبك احاول وبك اجاور وبك
اصول وبك انتصر وبك اموت وبك احیی اسلمت نفسی الیك وفوضت امری الیك لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم اللهم انك خلقتنی ورزقتنی وسترتنی وعن العباد بلطف ما خولتنی اغنیتنی
اذا هویت رددتنی واذا عثرت قومتنی واذا مرضت شفیتنی واذا دعوت اجبتنی یا سیدی ارض
عنی فقد ارضیتنی خوف از کلاب و سباع بگوید و قل للذین امنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی
قوما بما کانوا یکسبون واذا قرأت القران جعلنا بینك وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا
مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان یروا کل ایة لا یؤمنوا بها
حتی اذا جاؤك یجادلونك یقول الذین کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین سباع از حضرت امام جعفر
ع مرویست که چون بسبع بلاقات کنی در روی او آیة الکرسی بخوان و خطاب با او نموده بگوید عزمت علیك بعزیمة الله
وعزیمة محمد صلی الله علیه واله وعزیمة سلیمان ابن داود وعزیمة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب والائمة
من بعده که انشاء الله رو گردانیده برود راوی گوید چون بیرون آمدم سبعی رو بمن کرد این عزیمت بر او خواندم و بعد از آن
گفتم الا تنحیت عن طریقنا پس دیدم که سر بزیر افکنده دم میان پا گرفته و گردانید و ضرر نرسانید عقرب و سایر گزندگان
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده هر کس وقت شام بگوید اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن
بر ولا فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر کل دابة هو اخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم من ضامنم که هیچ عقرب او را نگزد تا صبح و نیز مرویست که دود چوب انار هوام و گزندگان را دفع کند
کیک وقت خوابیدن بگوید ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا ولا بابا عزمت علیك بام
الکتاب ان لا تؤذینی واصحابی الی ان یذهب اللیل ویؤب الصبح بما آب دزد در وقت خوابیدن

برقفل و حلقه بخواند قل ادعوا الرحمن تا آخر سوره بنی اسرائیل و اذکار دیگر نیز برای این مطلب در فصل آداب خواب انشاء الله
بیاید **افتادن سقف** حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر کس وقت خوابیدن این آیه بخواند که سقف بر او فرود آید
ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا **وحشت دزد** حضرت امام جعفر ع فرمود هر کس بگوید بسم الله وبالله توکلت علی الله انه من یتوکل علی
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفك وفی جوارك
واجعلنی فی امانك ومنعك از هر وحشتی در شب و روز ایمن باشد و فرمود حکایت کنند که مردی سی سال این را
میگفت یك شب ترك کرد عقرب نیش زده **بلیات وبلا** مرویست که هر کس که فرعون بر در خانه خود نوشته بود چون حضرت موسی
برای هلاکش استعجال مینمود خدای تعالی فرمود تو بکفرش نظر میکنی و من آنچه بر در خانه اش نوشته **جمیع مکروهات** از حضرت امام رضا
علیه السلام مرویست که هر که در ایام طفولیت سه مرتبه قل اعوذ برب الفلق و سه مرتبه قل اعوذ برب الناس و صد مرتبه قل هو الله
و اگر نتواند پنجاه مرتبه بخواند یا دیگری برای او بخواند از جمیع امراض صبیان و آسیب اجنه و عطش که علتی است که چون عارض شود
صاحبش هر چند آب خورد سیر نشود و از فساد معده و غلبه خون محفوظ گردد مادام که باین مداومت کند تا از دنیا برود
حوادث از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست فرمود که چون جیش حضرت پیغمبر ص منهزم گشت خدای تعالی این کلمات را فرستاد
که در سنان نیزه خود جا دهد بعد از آن هر که جیش آنحضرت را هزیمت رو نداد و من دوست میدارم که مؤمن این فایده شمشیر با زیر
انگشت یا تعویذ خود داشته باشد تا از حوادث لیل و نهار محفوظ باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا من هو هو یا من لیس
هو الا هو یا حی یا قیوم یا حی لا تموت یا حی لا اله الا انت صل علی محمد وآل محمد کن لفلان بن فلان درعا حصینا
وحصنا منیعا یا رب العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین واله الطاهرین و ادعیه و اذکار برای امراض و اوجاع
در باب عبادات انشاء الله بیاید **فصل دهم** در بعضی ادعیه متبرکه ماثوره مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
که هر کس این دعا بخواند و اگر ملایکه هفت آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت ثواب آن نتوانند نوشت و گناهانش آمرزیده شود
و دلش از ایمان پر شود و خدای تعالی فرماید ای ملایکه گواه باشید که او را و والدین و برادران و خواهران و اهل بیت و اولاد و همسایگان
آزاد کردم که همه مستوجب دوزخ باشند و هر کس از فقرات این دعا افضل عظیم روایت شده که ذکر همه آن در این مختصر نگنجد
یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتك الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز
یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح
یا عظیم المن یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا ویا سیدنا ویا مولانا ویا غایة رغبتنا اسئلك
یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار و هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم مرویست که فرمود شبی که بمعراج رفتم بر حجاب قدرت
این دعا نوشته دیدم هر کس بخواند درهای آسمان برایش گشاده گردد و گناهان او و والدین و همسایگانش آمرزیده شود و خلاص

در بهشت از زر و یاقوت بنا کند و خیر دنیا و آخرت بر ایشان جمع فرماید و اگر بمشک و زعفران بنویسد و بمریض دهند شفا یابد
و اگر بر اطفال ببندند از مار و عقرب و مکاره محفوظ باشد و اگر نوشته بپاشد باشد مادر از وجاع ایمن گردد و اگر برای مطلبی بخوانند آسان
شود و اگر جن و انس و ملائکه و شمار ایشان جمع شوند از اول دنیا تا روز قیامت ثواب آن نتوانند نوشت اللهم انی اسئلك

يا من اقر له بالعبودية كل معبود يا من يحمده كل محمود يا من يفزع اليه كل مجهود يا من يطلب عنده كل
مفقود يا من سائله غير مردود يا من بابه عن سؤاله غير مسدود يا من هو غير موصوف ولا محدود
يا من عطاؤه غير ممنوع ولا منكود يا من هو لمن دعاه ليس ببعيد وهو نعم المقصود يا من رجاء عباده
بحبله مشدود يا من ليس بوالد ولا مولود يا من شبهه غير موجود يا من كرمه وفضله غير معدود يا
من حوض بره للانام مورود يا من لا يوصف بقيام وقعود يا من لا يجرى عليه حركة ولا جمود يا الله
يا رحمن يا رحيم يا ودود يا رحيم يا راحم الشيخ الكبير يعقوب يا غافر ذنب داود يا من لا يخلف الوعد
ويعفو عن الموعود يا من رزقه وستره للعاصين ممدود يا من هو ملجأ كل مقصى مطرود يا
من دان له جميع خلقه بالسجود يا من ليس من نيله وجوده احد مصدود يا من لا يحيف في حكمه
ويحلم عن الظالم العنود ارحم عبدا خاطئا لم يوف بالعهود انك فعال لما تريد يا بار يا ودود
صل على محمد خير مبعوث دعا الى خير معبود وعلى آله الطيبين الطاهرين اهل الكرم والجود وافعل
بي ما انت اهله يا ارحم الراحمين و هم از آنحضرت مرویست که هر کس این دعا بخواند اگر ملائکه هفت آسمان و زمین
جمع شوند تا روز قیامت ثواب آنرا از هزار جزو یکی نتوانند بیان نمود و از عبد الله بن سلام مرویست که جمعی از فضایل
این دعا که در توریة مذکور است اینست که هر کس خدای تعالی بفضل و منت خود این کلمات را در دلش جا دهد هر روز دو مرتبه
با دیگر ملائکه مباهات فرماید و نوری از زیر تا عرش درخشان شود و از عذاب قبر و فتنه دجال و فزع اکبر در روز قیامت ایمنش
گرداند و روز قیامت که همه کس ترسان و محزون باشند او از خوف و حزن ایمن باشد و چون محشور شود دلش ساکن و مطمئن
باشد و هر مطلبی که باین دعا سؤال کند خدای تعالی عطا فرماید و فضایل دیگر بسیار که این رساله حوصلهٔ ذکر آن ندارد یا الله
يا الله انت المرهوب منك جميع خلقك يا نور النور انت الذي احتجبت دون خلقك فلا يدرك
نورك نور يا الله يا الله انت الرفيع الذي ارتفعت فوق عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك
احد من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء بضوئك اهل ارضك يا الله
يا الله يا الله انت الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون لك ولد وتكبرت عن ان يكون لك
شبيه وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله المحمود بكل لسان وانت المعبود وانت المذكور
في كل اوان وزمان يا نور النور كل نور خامد لنورك يا مليك كل مليك يفنى غيرك يا دائم كل

حي

حي يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفي بها غضبك وتكف بها عذابك
وترزقني بها سعادة من عندك وتحلني بها دارك التي تسكنها خيرتك من ارحم الراحمين يا من اظهر
الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع
المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات
يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا رباه يا سيداه يا املاه يا غاية رغبتاه
اسئلك بك وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن و
الحجة القائم ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك يا الله يا الله يا الله ان لا تشوه خلقي بالنار وان تغفر
لي ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين وان تعطيني حيوة الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير وصلى
الله على محمد وآله و هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر کس این دعا را بهر مطلب بخواند باذن الله تعالی بر آورده
شود و اگر حیلی شب جمعه بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر که بیامرزد و اگر بیمی از سلطان برود پیش از آنکه داخل
شود بخواند خدای تعالی سلطان را مشفق و مهربان گرداند ان شاء الله تعالی اللهم انی اسئلك يا من احتجب بشعاع
نوره عن نواظر خلقه يا من تسربل بالجلال والعظمة واشتهر بالتجبر في قدسه يا من تعالى بالجلال
والكبرياء في تفرد مجده يا من انقادت الامور بازمتها طوعا لامره يا من قامت السموات والارضون
مجيبات لدعوته يا من زين السماء بالنجوم الطالعة وجعلها هادية لخلقه يا من انار القمر المنير
في سواد الليل المظلم بلطفه يا من انار المنيرة وجعلها معاشا لخلقه وجعلها مفرقة بين الليل
والنهار بعظمته يا من استوجب الشكر بنشر سحائب نعمه اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى
الرحمة من كتابك وبكل اسم هو لك سميت به نفسك او استأثرت به في علم الغيب عندك
وبكل اسم هو لك انزلته في كتابك او اثبته في قلوب الصافين الحافين حول عرشك فتراجعت
القلوب الى الصدور عن البيان باخلاص الوحدانية وتحقيق الفردانية مقرة بالعبودية
وانك انت الله انت الله انت الله الذي لا اله الا انت واسئلك بالاسماء التي تجليت بها
للكليم على الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة خرت الجبال متدكدكة لعظمتك
وجلالك وهيبتك وخوفا من سطوتك راهبة منك فلا اله الا انت فلا اله الا انت واسئلك
بالاسم الذي فتقت به رتق عظيم جفون عيون الناظرين الذي به تدبير حكمتك وشواهد حجج ا
نبيائك يعرفونك بفطن القلوب وانت في غوامض مسرات سريرات الغيوب اسئلك بعزة
ذلك الاسم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تصرف عني جميع الآفات والعاهات والاعراض والا

مراض

والخطايا والذنوب والشك والشرك والكفر والنفاق والضلالة والجهل والمقت والغضب والعسر والضيق
وفساد الضمير وحلول النقمة وشماتة الاعداء وغلبة الرجال انك سميع الدعاء لطيف لما تشاء و هم از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که هرکس بدعای امام حسین علیه السلام دعا کند با آنحضرت محشور شود و آن حضرت شفیعش شود و خدای تعالی
کربتش را فرج دهد و دینش را ادا کند و کارش آسان گرداند و براه رستش هدایت فرماید و بر اعدا نصرتش دهد و پرده سترش
نکند و بایمان شرح صدرش نماید و در وقت بیرون رفتن روح شهادت لا اله الا الله تلقینش کند و باید دعا را بعد از نماز بایدی خواند
هرکس بدعای علی بن الحسین علیهما السلام دعا کند با آن حضرت محشور شود و هم چنین هرکس بدعای هر یک از این ائمه طاهرین تا حضرت
صاحب الزمان صلواة الله علیهم اجمعین دعا کند با او محشور شود و این ده دعاست منسوب باین ده امام علیهم السلام بترتیب اوّل
اللهم انی اسئلك بكلماتك ان تستجيب لي فقد دهقني من امري عسر فاسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل لي من عسري يسرا دوم يا دائم يا ديموم يا حي يا قيوم يا كاشف الغم يا فارج الهم يا باعث
الرسل يا صادق الوعد صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله سيم اللهم ان كان عندك رضوان
وود فاغفر لي ولمن اتبعني من اخواني وشيعتي وطيب ما في صلبي برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى
الله على محمد وآل محمد چهارم يا ديان غير متوان يا ارحم الراحمين اجعل لشيعتي من النار وقاء
ولهم عندك رضاء واغفر ذنوبهم ويسر امورهم واقض ديونهم واستر عوراتهم وهب لهم الكبائر
التي بينك وبينهم يا من لا يخاف الضيم ولا تأخذه سنة ولا نوم اجعل لشيعتي من كل غم
فرجا ومخرجا پنجم يا خالق الخلق ويا باسط الرزق وفالق الحب وبارئ النسم ومحيي الموتى و
مميت الاحياء ودائم الثبات ومخرج النبات افعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله
فانك اهل التقوى واهل المغفرة ششم اللهم اعطني الهدى وثبتني عليه امنا امن من لا خوف
عليه ولا حزن ولا جزع انك اهل التقوى واهل المغفرة هفتم اللهم يا من لا شبه له ولا مثال
انت الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت تفني المخلوقين وتبقى انت حلمت عمن عصاك و
في المغفرة رضاك هشتم يا نور يا برهان يا مبين يا منير يا رب اكفني شر الشرور وآفات الدهر
واسئلك النجاة يوم ينفخ في الصور نهم يا عزيز في عزه ما اعز عزيز العز في عزه يا عزيز
اعزني بعزتك وايدني بنصرك وابعد عني همزات الشياطين وادفع عني بدفعك وامنع عني
بمنعك واجعلني من خيار خلقك يا واحد يا احد يا فرد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد دهم يا نور النور يا مدبر الامور يا باعث من في القبور صل على محمد وآل محمد واجعل
لي ولشيعتي من الضيق فرجا ومن الهم مخرجا واوسع لنا المنهج واطلق لنا من عندك ما يفرج

وافعل

وافعل بنا ما انت اهله يا كريم و نیز این دعا جلیل القدر رفیع المنزله روایت از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
اللهم ارزقنا توفيق الطاعة وبعد المعصية وصدق النية وعرفان الحرمة واكرمنا بالهدى والاستقامة
وسدد السنتنا بالصواب والحكمة واملأ قلوبنا بالعلم والمعرفة وطهر بطوننا من الحرام والشبهة
واكفف ايدينا عن الظلم والسرقة واغضض ابصارنا عن الفجور والخيانة واسدد اسماعنا عن
اللغو والغيبة وتفضل على علمائنا بالزهد والنصيحة وعلى المتعلمين بالجهد والرغبة وعلى
المستمعين بالاتباع والموعظة وعلى مرضى المسلمين بالشفاء والراحة وعلى موتاهم بالرأفة والرحمة
وعلى مشايخنا بالوقار والسكينة وعلى الشباب بالانابة والتوبة وعلى النساء بالحياء والعفة
وعلى الاغنياء بالتواضع والسعة وعلى الفقراء بالصبر والقناعة وعلى الغزاة بالنصر والغلبة
وعلى الاسراء بالخلاص والراحة وعلى الامراء بالعدل والشفقة وعلى الرعية بالانصاف وحسن
السيرة وبارك للحجاج والزوار في الزاد والنفقة واقض ما اوجبت عليهم من الحج والعمرة بفضلك
يا ارحم الراحمين واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت که این دعا را در قنوت میخواندند و فرمودند که هرکس این دعا را بخواند چنان
است که در غزوه بدر و حنین و احد هزار هزار تیر بمشرکین انداخته باشد اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم العن صنمي قريش
وجبتيهما وطاغوتيهما وافكيهما وابنتيهما اللذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك وعصيا
رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعداءك وجحدا آلاءك وعطلا احكامك وابطلا
فرائضك والحدا في آياتك وعاديا اولياءك وواليا اعداءك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم العنهما
واتباعهما واولياءهما واشياعهما ومحبيهما فقد اخربا بيت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه
والحقا سماءه بارضه وعاليه بسافله وظاهره بباطنه واستأصلا اهله وابادا انصاره وقتلا
اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث علمه وجحدا امامته واشركا بربهما فعظم ذنبهما
وخلدهما في سقر وما ادريك ما سقر لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه
وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولي آذوه وطريد آووه
وصادق طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه وشر آثروه ودم
اراقوه وخبر وامر بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه وفيء اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه
وباطل اسسوه وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامانة
خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وجنين اسقطوه وضلع دقوه
وصك مزقوه وشمل بددوه وعزيز اذلوه وذليل اعزوه وحق منعوه وكذب دلسوه وحكم

قلبوها اللهم العنهم بعدد کل آیة حرفوها و فریضة ترکوها و سنة غیروها و رسوم منعوها و احکام
عطلوها و بیعة نکثوها و دعوی ابطلوها و بینة انکروها و حیلة احدثوها و خیانة اوردوها
و عقبة ارتقوها و دباب دحرجوها و ازیاف لزموها و شهادة کتموها و وصیة ضیعوها اللهم
العنهم فی مکنون السر و ظاهر العلانیة لعنا کثیرا ابدا دائما دائبا سرمدا لا انقطاع لعدده و لا امد
و لا نفاد لعنا لا یعدو الا بعدوا اوله و لا ینقطع اخره اوله و لا یروح الجوه و لاعوانهم و انصارهم و محبیهم
و موالیهم و المسلمین لهم و المائلین الیهم و الناهضین باحتجاجهم و المعتقدین بعودتهم و المصدقین
باجابتهم و المقتدین بکلامهم و المصدقین لاحکامهم بعد از آن چهار مرتبه بگوید اللهم عذبهم عذابا
یستغیث منه اهل النار امین یا رب العالمین **باب پنجم** در آداب عادات و مجاری احوال و سایر حرکات
و سوانح و افعال و این مجموع انشاء الله در دوازده فصل بیان شود **فصل اول** در انواع لباس و آداب پوشیدن آن
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدای تعالی جمیل است و دوست دارد جمال را چون بکسی نعمت عطا فرماید دوست
دارد که آثار آن نعمت از و ظاهر باشد پس اگر اظهار آثار نعمت کند شکر آن گذارده بود و گرنه کفران کرده باشد و بهترین لباسها
پنبه است که لباس حضرت پیغمبر و اهل بیت اوست صلوات الله علیهم و هر لباس که موجب خضوع و تواضع و افتادگی گردد
و بدترین لباسها آنکه موجب کبر و عجب بود و مرویست از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روزی جامهای فاخر
پوشیده از خانه بیرون رفت لمحه نگذشت بسرعت مراجعت فرمود از بدن بیرون کرد جامه دیگر پوشیده و فرمود که گویا من
درین جامها علی بن الحسین نبودم و هم آن حضرت علیه السلام فرمود چون بدن جامه نازک پوشد سرکش شود و از حضرت
امام موسی علیه السلام مرویست که جامه نو را آب میکشید تا طراوت نوی زایل شود بعد از آن می پوشید و هر کس جامه
برای تکبر و شهرت پوشد خدای تعالی روز قیامت جامه از آتش در وی پوشاند و در جهنم قرین قارون باشد از حضرت
امام جعفر علیه السلام پرسیدند که حد تکبر در لباس کدام است فرمود آنکه چون جامه خوب پوشی خواهی که مردم ببینند و لباس
طلا و حریر بر مردان حرامست و هر کس در دنیا حریر پوشد در آخرت از آن محروم و حضرت پیغمبر و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود حریر مپوشید که خدای تعالی روز قیامت بدنت را بآتش بسوزد و بهترین
رنگها در لباس سفیدست و سیاه لباس بنی عباس است و سیاهی در هر لباس مذموم است مگر در عبا و موزه و در روایت
دیگر عمامه نیز وارد شده و زعفرانی لباس بنی امیه است و قرمز لباس شیطان است و معصفر لباس اهل بیت علیهم السلام
و کفش زرد لباس انبیاست علیهم السلام و چشم را قوت دهد و دلگیری را ببرد و بعیش و خوشی کهنه شود و قوة
مباشرت دهد و کفش سفید هنوز کهنه نشده باشد که خدای تعالی بیکران مال عطا فرماید و کفش سیاه لباس جباران
است و چشم را ضعیف کند و مورث غم باشد و مباشرت حذر کند و آهن لباس اهل نار است نشاید که مؤمنان بپوشند

یا با آن

یا با آن نماز کند و مرویست که پاک نباشد دستی که در آن انگشترین آهن باشد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده که عقیق
سرخ و زرد و سفید سه کوه است در بهشت عقیق سرخ مشرف است بر خانه حضرت پیغمبر و سفید بر خانه امیر المؤمنین علیه السلام
و زرد بر خانه فاطمه علیها السلام و خدا را تسبیح و تقدیس و تمجید میکنند و برای دوستان اهل بیت علیهم السلام استغفار میکنند و هر کس
از شیعیان که یکی از آن انگشتری کند غیر خیر و خوبی و وسعت روزی و سلامت از جمیع انواع بلا نه بیند و امانست از سلطان
از جمیع مکاره و مخاوف و دفع پریشانی کند و نفاق را زایل گرداند و هیچ دستی بدعا برداشته نشود و دستی پیش خدا از دستی
که با انگشتر عقیق بردارند و حاجات باجابت مقرون باشد و خدای تعالی نظر بر زمین از نوری جمال خویش عقیق آفرید
پس فرمود قسم بذات خود که عذاب نکنم دستی را که با ولایت علی انگشتری عقیق داشته باشد و روایت دیگر آمده که چون
خدای تعالی کوهها را آفرید ولایت اهل بیت علیهم السلام را بر ایشان عرض فرمود اول عقیق و یاقوت قبول کرد پس ایشان را افضل
و شرف عطا فرمود و روایت دیگر آمده که عقیق سرخ اول کوهیست که اقرار بوحدانیت خدا و نبوت حضرت پیغمبر و
وصیت امیر المؤمنین و اولاد الطاهرین صلوات الله علیهم و بهشت برای شیعیان و جهنم برای اعدای ایشان نموده و دو رکعت نماز
با عقیق برابر است با هزار رکعت و کسی که محمد نبی الله و علی ولی الله بر عقیق نقش کرده انگشتر کند از دنیا نرود مگر بر فطرت
ایمان و جمعی را در سفر حرامی زده بود بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله رفته شکایت نمودند فرمود بایست انگشتری
عقیق با خود دارید که امانست از جمیع مکاره و حدیث دیگر نزدیک باین در فضل حرز و تعویذ گذشت و یکی از ملازمان
امام علی النقی علیه السلام گوید رفتم بخدمت آنحضرت که برای زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مرخص شوم فرمود انگشتری
نقشش باشد که امانست از راهزدن و بجهت حفظ دین بهتر و برای سلامت تمام تر است و انگشتری دیگر فیروزه بردار
بر یک رویش الله الملک و بر روی دیگر الملک لله الواحد القهار نقش باشد که امانست از سباع و ظفر است در حربها
و چون از نیشابور بگذری شیری سر راه گرفته قافله را منع کند تو پیش رفته خاتم را باو بنمای و بگوی که مولای من میگوید که
از راه کنار رو پس من هر دو انگشتر را چنانچه فرموده بود برداشتم و چنانکه فرموده بود گذشت و چون از زیارت مراجعت
نموده بخدمت آنحضرت رفتم حکایت واقعه نمودم فرمود یک حکایت دیگر مانده گفتیم شاید فراموش کرده باشم فرمود بلی
شبی در پیش قبر مقدس آنحضرت خوابیده بودی که جماعتی از جن بزیارت آمده بودند چون انگشتر را بدست تو
دیدند بیرون کرده بشستند و آبش را به بیماری دادند شفا یافت انگشتر در دست راست تو بود ایشان در دست
چپ کردند تو چون بیدار شدی تعجب بسیار کردی و سببش را ندانستی و در پیش خود پاره یاقوت یافتی الحال
که با خود داری هدیه ایشانست برای تو آورده اند آنرا ببازار بر و بهشتاد دینار طلا میفروشی پس آنرا به بازار برده
بهمان قیمت فروختند و از حضرت امام جعفر مرویست که فرمود دوست دارم که شیعه پنج انگشتر داشته باشد یاقوت
برای زینت و دفع فقر و عقیق که اخلاص با خدا و با ما در آن بیشتر است و فیروزه که مؤمنان را خوش آید و محتاج نشود

دستی که در آن فیروزه باشد و چشم و دل را قوّة دهد و خدای تعالی شرم دارد که نومید کند دستی را که با فیروزه به دعا برخیزد و حدید
صینی و همیشه در دست نکنند بلکه با خود دارند که سرکشان انس و جنّ را دور کند و چون بظالمان و اشرار ملاقات
کنند که شرایشان را دفع کند و در نجف اشرف که هر کس آنرا انگشتر کند هر نظر که بر آن کند حجّی باشد که ثوابش مثل ثواب
انبیا و صلحا بود و اگر نه سبب رحمت خدا بر شیعیان میبود که میخواهد اغنیا و فقرا همه را معذور باشد قیمت آنرا چندان
میکرد که هیچ در زبان وفا نکند و مرویست که جزع یمانی که فارسیان سلیمانی گویند تسبیح و استغفار کند و ثوابش برای صاحبش
باشد و دو رکعت نماز بر آن برابر است با هفتاد نماز **آداب** پوشیدن جامه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در جامه
کندن و پوشیدن و هر کاری بسم الله بگوید تا شیطان شریک نشود و هر کس جامه نو بپوشد و وضو کند و دو رکعت نماز کند در هر رکعت
الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و انّا انزلناه بخواند و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمّل به فی النّاس
و حول و لا قوّة بسیار گوید در آن جامه معصیت نکند و بعدد هر رشته از آن فرشته برای او دعا و استغفار کند و از خدای تعالی طلب رحمت
نماید الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمّل به فی النّاس اللّهمّ اجعله ثوب برکة اسعی فیه لمرضاتک
و اعمر به مساجدک کند انشاء الله آمرزیده شود و در جامه مکروهی نه بیند و اگر کوزه نوی آب کند و سی و دو و در روایت
سی و پنج انّا انزلناه بر آن بخواند و بر آن جامه باشد تا رشته از آن باقی بود در وسعت و رفاهیت باشد و چون جامه بپوشد
و فارغ شود بگوید اللّهمّ بک استترت و الیک توجّهت و بک اعتصمت و علیک توکّلت انت ثقتی و انت
رجائی اللّهمّ اکفنی ما اهمّنی و ما لا اهتمّ به و ما انت اعلم به منّی عزّ جارک و جلّ ثناؤک و لا
اله غیرک اللّهمّ زوّدنی التقوی و اغفر لی ذنبی و وجّهنی للخیر حیثما توجّهت و چون عمامه بر سر بندد یا انگشتر در دست کند بگوید
اللّهمّ سوّمنی تا آخر چنانکه در فصل آداب عمامه گذشت و عمامه ایستاده ببندد و مرویست که هر کس عمامه ببندد و تحت الحنک نبندد اگر به دردی
که دوا نداشته باشد مبتلا شود ملامت نکند مگر خود را و حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده عجب دارم از کسی که تحت الحنک بسته بحاجتی رفته و
حاجتش بر نیاید و درین زمانه که بسبب تقیه از آنها در میان تحت الحنک متروک گشته مثل اکثر سنن سنیّه اگر در اول عمامه بستن تحت
الحنک ببندد و چنانکه بعضی کنند تا مسمای این سنت بعمل آید مستحسن باشد و چون کفش پوشد ابتدا به پای راست کند و بگوید
بسم الله اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و وطّئ قدمیّ فی الدّنیا و الآخرة و ثبّتهما علی الصّراط یوم تزلّ فیه الا
قدام و چون بکند ابتدا به پای چپ کند و بگوید بسم الله الحمد لله الّذی رزقنی ما اوقی به قدمیّ من الاذی اللّهمّ
ثبّتهما علی صراطک و لا تزلّهما علی صراطک السّوی و لا تزلّهما و با یکتای کفش راه نرود که اگر جنون یا شری از اجنّه و شیاطین
عارض شود زود زود دفع نشود و چون جامه از بدن بیرون کند تا کند تا از کثافت و کهنگی محفوظ باشد که شیطان نپوشد
و چون عمامه از سر برگیرد در طاق بالای سر برابر دیده بر میان نشیند گذارد تا شیطان بر سر ننهد **فصل دوم** در قدر طعام خوردن
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که منافق با هفت روده طعام خورد و مؤمن با یک روده و بسیار خوردن دل را سخت

وظلما

ظلمانی و بی رحم و از خدا دور و غافل گرداند و در دین بی پروا کند و شهوت بر انگیزد و نفس را سرکش و عقل را تیره و شیطان را اعانت
و دین را فاسد کند و موجب همه امراض باشد و هر کس در دنیا سیرتر در روز قیامت گرسنه‌تر باشد و بر سیری سیری چیزی
خوردن مورث برص باشد و دشمن‌ترین حالات در نزد خدا آنست که شکم پر باشد و دوسترین آنکه خفیف و سبک بود و یک
لقمه بضرورت خوردن افضل است از بیست شب عبادت کردن و هر کس خدا را بشناسد دهن از کلام و شکم از طعام منع کند
تا ضرورت نکند و گرسنگی آرام مؤمن و غذای روح و قدرت و قوّت دل و صحت بدنست و در جمیع آثار بعکس سیری است و مرویست
که یحیی علی نبینا و آله و علیه السلام از ابلیس پرسید که هیچ ضعفی در من می بینی که ترا خوش آید گفت بلی اینکه چون شب افطار کنی
چیزی بیشتر تناول کنی و این سبب بعضی عبادات و طاعات در شب از تو فوت شود فرمود من عهد کردم با خدا هرگز طعام سیر نخورم
و این با وجود آنست که مرویست که طعام آنحضرت علف و گیاهی بود که حیوانات میخوردند و اکل خود را از ایشان امتیاز نمیکرد
و حضرت پیغمبر ص فرموده بعد از من جمعی آیند که در نعمت متولد شوند و در نعمت تربیت یابند و همتشان غیر الوان اطعمه و اشربه
نبود و چون در مجلس سخن گویند از هر طرف تحسین شنوند ایشان بدترین امت باشند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرموده هر کس همتش همانست که داخل شکمش میشود قیمتش همانست که بیرون میرود و نیز مرویست که ثلث شکم را برای طعام بگذارد
و ثلث را برای آب و ثلث دیگر برای نفس و خود را فربه مکن چنانکه خوک برای ذبح فربه کنند و فضایل تقلیل طعام و رذایل
کثرت آن عقلا و شرعا زیاده از آنست که درین مختصر گنجد **فصل سیزدهم** در اوقات طعام خوردن و آداب متعلق بآن
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بهترین اوقات برای اکل دو وقت یکی صبح و مرویست که هر کس عمر دراز خواهد چاشت را
زود بخورد و دوم بعد از نماز خفتن که وقت عشای انبیاست علیهم السلام و مرویست که خفتن البته باید چیزی تناول نمود خصوصا
پیران و ترک نباید کرد که اصل خراب بدن و فساد صحت و موجب ضعف مزاج و قوی است و رگی در بدنست که عرق عشا
گویند اگر شب چیزی نخورد آن تا صباح نفرین کند و گوید خدا ترا سیراب نکند چنانکه مرا گرسنه و تشنه گذاشتی و در میانه دیگر
چیزی نشاید خورد که موجب لجاج و امراض و فساد بدن باشد و روایات بسیار در مذمّت تنها خوردن آمده که شیطان
شریک در طعام بی برکت شود و علامت بخل و کبر باشد و گاه باشد که مداومت برین مورث بخل و کبر شود و دست بسیار
بر طعام موجب زیادی برکت بود جمعی بحضرت پیغمبر ص شکایت کردند که طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود تنها مخورید با هم جمع
و بسم الله بگویید تا برکت زیاد شود و در اوانی طلا و نقره اکل و شرب حرامست که هر کس چنین کند آتش دوزخ در شکمش
جوش زند و دست شستن پیش از طعام و بعد از آن پریشانی رفع کند و روزی بیفزاید و عمر دراز کند و چشم جلا
دهد و اهل مجلس همه در یک لگن دست بشویند و تا پر نشود و تا همه فارغ نشوند لگن را نریزند که خلقشان نیکو شود و جمعیتشان
مستدام گردد و در دست شستن پیش از طعام ابتدا به صاحب مجلس کنند و بعد از آن از جانب راستش بشویند بترتیب
و بعد از طعام ابتدا بجانب چپ او کنند و باختم یا ابتدا بجانب راست در خانه کنند هر کس باشد و چون پیش از طعام دست

بشوید خشک نکند که تا رطوبت در دست باشد برکت بیفزاید و چون خوان حاضر شود بگویید بسم الله اللهم اجعلها نعمة
مشکورة تصل بها نعم الجنة و چهار هزار ملک در وقت طعام حاضر شوند پس اگر در وقت طعام شروع بسم الله بگویید ملائکه
گویند خدای تعالی برکت بر شما زیاد کند و شیطان جنود خود را گوید بیرون روید که شما را درین نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گویند بیایید
که شما نیز نصیبی ندارید پس بیایند و شریک شوند و اگر بعد از آن بسم الله بگوید شیطان آنچه خورده باشد قی کند یعنی از شما کشش
زایل شود و هر کس طعام حلال خورد و در اول بسم الله و در آخر الحمد لله گوید روز قیامت او را از آن طعام سؤال نکنند و هر کس بگوید بسم الله
والحمد لله رب العالمین هنوز لقمه بر دهن نرسیده باشد که گناهانش آمرزیده شود و اگر چند نوع طعام باشد در هر یک بسم الله بگوید و اگر
فراموش کند در هر یک بگوید بسم الله علی اوله و آخره و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود بسم الله بگویید و هرچه خواهید
بخورید من ضامنم که ضرر نکند ملعونی گفت طعام خوردم متضرر شدم فرمود چند نوع طعام خوردی و در بعضی بسم الله نگفتی گفت بلی
فرمود آن ضرر کرد و دیگری گفت من بسم الله گفتم و ضرر یافتم فرمود در اثنای طعام خوردن حرف زدی و بعد از آن بسم الله نگفتی گفت بلی
فرمود آن تو را ضرر کرد و مرویست که هر کس عیال خود را جمع کند و در اول طعام بسم الله و در آخر الحمد لله بگوید گناهانش آمرزیده شود و اگر با مجذوم
و یا صاحب علتی طعام خورد بگوید بسم الله ثقة بالله و توکلا علیه و مرویست که حضرت امیر المؤمنین بحضرت امام حسن صلوات الله علیهما
فرمود میخواهی که هرگز با سر درد هیچ شربت آب نخوری مگر که پیش از آن بگوی اللهم انی اسئلک فی اکلی و شربی السلامة من وعکه
علیه والقوة به علی طاعتک و ذکرک و شکرک فیما بقیته من بدنی و ان تشجعنی علی عبادتک و ان تلهمنی
حسن التحرز عن معصیتک فانک ان فعلت ذلک امنت وعکه و غائلته که چون این بگویی از حضرت آن ایمن گردی
مرویست که در طعام دوازده خصلت است که بر هر مسلمی لازم است دانستن آن چهار خصلت فرض است دانستن اینکه آن نعمت
از خدای تعالی است و راضی بودن بآن و بسم الله گفتن و شکر کردن و چهار خصلت سنت است دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ
نشستن و با سه انگشت خوردن و انگشتان لیسیدن و چهار خصلت ادب است پیش خود خوردن و لقمه را کوچک کردن و بسیار خاییدن
و نگاه بر روی مردم نکردن و مرویست که بر طعام از روی ادب و تواضع باید نشست چنانکه بندگان نشینند و یک پا بر بالای پای دیگر
و تکیه کرده چنانکه متکبران نشینند نباید نشست اما دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکیه و تکبر نباشد قصور ندارد و از بعضی ائمه طاهرین
علیهم السلام مرویست که چنین میکرده اند و با دو انگشت نباید خورد که شیوه متکبران است اما با همه انگشتان قصوری ندارد و مرویست
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چنان میکرده و با دست چپ نشاید خورد مگر آنکه ضرورتی باشد و از بالای طعام نباید خورد
که برکت از بالا آید بلکه از اطراف باید خورد و مستحب است افتتاح و اختتام بنمک کردن که هفتاد و دو نوع بلا دفع شود که از آنجمله جنون
و جذام و برص باشد و اگر بر لقمه اول بپاشد نقطهای سیاه و سفید که در رو باشد زایل گردد و مرویست که اگر مردم بدانند که در نمک
چه قدر منفعت است محتاج بتریاک یعنی تریاک فاروق نشوند و در روایات دیگر آمده که افتتاح و اختتام بسرکه مثل نمک است در روایات
دیگر آمده که ما اهل بیت افتتاح بنمک و اختتام بسرکه نماییم و مرویست که سرکه عقل زیاد کند و دل زنده گرداند و گوشت بدن را محکم کند و صفرا بشکند

ونان

و نان با سرکه خوردن کرم معده بکشد و شهوت زنا قطع کند و مرویست که سرکه در خانه مثل مرد صالح است که دعا برکت و وسعت برای
اهل آن خانه کند و مستحب است که سبزی در سفره باشد که زینت سفره است و مرویست که روزی در سفره حضرت امام موسی علیه السلام
سبزی نبود میل نفرمود تا آنکه سبزی آوردند و فرموده در سفره که سبزی نباشد من طعام نخورم و در اثنای طعام حمد و ذکر خدا
بسیار کنند بازی و لغو و بی ادبی نکنند که هرچه کنند طعام در روز قیامت شهادت دهد و طعام بسیار گرم نباشد که بی برکت بود
و شیطان شریک شود و بر طعام پف نکنند که برکتش برود و نیز از جهت ادب بر طعام و آب و بر روی مصحف و بر موضع سجود
پف نباید کرد و استخوان از گوشت بسیار خالی نباید کرد که نصیب اجنه است و مرویست که هر کس چنین کند بهتر از آن از خانه اش
چیزی کم شود و چون جمعی در سفره باشند اگر کسی زودتر سیر شود دست نکشد که مبادا رفقا خجل شوند و گرسنه مانند و هر کس قاب
بلیسد چنانست که مثل آن تصدق کند و هر کس انگشتان را بلیسد خدای تعالی فرماید بارک الله فیک و خوردن ریزه های نان و طعام
که از خوان ریخته باشد امانست از جنون و جذام و برص و صفرا و حق دوای هر علتست و مهر حور العین است و اولاد بسیار و نفی فقر
کند از او و از ولد و ولد ولدش تا هفت پشت اما اگر در صحرا و در بیرون خانه باشد ریزه های خانه را باید برداشت هر چند بسیار کم باشد
که نصیب طیور و حیوانات است و هر کس پاره نانی از سر راه بردارد و بخورد هفتصد حسنه داشته باشد و اگر از میان نجاست بردارد و
بشوید و کناری گذارد هفتاد حسنه بود و اگر بخورد بهشت او را واجب شود و هر کس پاره نانی و یا خرمای بلکه غیر آن از نعمتها خرد شده
افتاده ببیند و بخورد هنوز از شکمش بیرون نرفته باشد که گناهانش آمرزیده شود و بهشت واجب گردد و چون از طعام فارغ
شود و بگوید الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظامئین و کسانا فی عارین و هدانا فی ضالین
و حملنا فی راجلین و آوانا فی ضاحین و اخدمنا فی عانین و فضلنا علی کثیر من العالمین و هر کس بعد از طعام
بگوید الحمد لله الذی اطعمنی فیه و رزقنیه من غیر حول منی و لا قوة کفاره شصت ساله گناه باشد و حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله هرگاه شیر تناول فرمودی گفتی اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه و چون ماهی تناول فرمودی گفتی
اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه و چون خوان بردارند بگوید الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها
نعمة مشکورة و صاحب طعام را دعا کند و بگوید اللهم بارک لهم فیما رزقتهم و اغفر لهم و ارحمهم اللهم
اطعم من اطعمنی و اسق من سقانی و بعد از طعام دست را از چربی پاک بشوید که اگر چربی در دست بماند و بخوابد از کرده
اجتناب نبود و چون بعد از طعام دست بشوید بر ابرو مالد و سه مرتبه بگوید الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل
از درد چشم ایمن گردد و اگر دست بر روی بمالد کلف را زایل کند و سبب زیادی رزق باشد و چون دست بر رو مالد بگوید
الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل نعمة صالح اولانا و اگر میوه نو ببیند ببوسد و بر چشم گذارد و بگوید
اللهم اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها و نیز بگوید اللهم بارک لنا فی ثمارنا و بارک لنا فی مدینتنا
و بارک لنا فی صاعنا و بارک لنا فی مدنا و چون تناول کند بگوید اللهم کما اطعمتنی اولها فاطعمنی آخرها

و باران نیشابور مستحب است که آنرا بکوبید که بهترین اطعمه است و مرویست که میوه را بشوئید که هر میوه زهری بر رو دارد و بعد از
طعام خلال کردن سنت است دهن را خوشبو و دندان را محکم کند و سبب زیادی روزی بوده باشد و ملائکه را هیچ چیز آنقدر
بد نیاید که از طعام از دندان مانده و بدبوی شده باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرموده که خدای تعالی رحمت کند بر هر کسی در وضو
و طعام خلال کند از امت من و ملکی از آسمان دعا کند که اَللّهُمَّ بارِكْ فِي الخَلّالِينَ وَالْمُتَخَلِّلِينَ خلالین آنانند که در
خانه دارند و متخللین آنانند که خلال کنند و هرچه با خلال از دندان بیرون آید باید انداخت و اگر با زبان جدا شود فرو برند و با
ریحان و آس و انار خلال نکنند که عرق جذام را بحرکت آرد و کسی که بآن خلال کند هفت روز دعایش مستجاب نشود **فصل**
چهارم در فضایل بعضی انواع ماکولات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شیعه ما از حلاوت مخلوق گشته ایم
از آنست که حلاوت دوست داریم و نیز مرویست که مؤمن لذیذ و شیرین است لذیذ و شیرین را دوست دارد و مرویست
که شکر تمامش دواست هیچ مضرت در وی نیست و عسل دوای هر علت است و هیچ چیز ضرر نکند اما قدر استعمال آن در اخبار
یك انگشت در انگشت و ماهی یکرتبه و مثل آن وارد شده نه آنکه هر قدر و هر وقت و در هر حال که خواهند خورند و توقع شفا
داشته باشد و نیز مرویست که عسلی که سبز رنگ باشد بوی نیش عطسه آید و طعمش در ذایقه تند و گزنده باشد سم قاتلست
غیر آن نافع و دواست و مرویست که ما اهل بیت خرما دوست داریم که شیعیان ما از طینت ما مخلوق اند خرما دوست دارند
و اعدای ما از طینت آتش مخلوق اند مسکر دوست دارند و نیز مرویست که اکرام عمه خود نخل را که از بقیه طینت آدم مخلوق
گشته و هر کس هر روز هفت دانه عجوه که علیا از خرما است ناشتا بخورد در آن روز از سحر و زهر شیطان ایمن باشد و اگر وقت خوابیدن
بخورد کرم معده را بکشد و مرویست که اکرام کنید نان را که خدای تعالی برکات سموات را برای او انزال فرموده و برکات ارض را
بیرون آورده و از عرش تا ارض در آن عمل نموده و از جمله اکرامش آنست که با کارد نبرند و زیر پا نگذارند و چون بر سفره حاضر شود
انتظار چیزی دیگر نفرمایند و زیر صحن نگذارند و مرویست که دانیال علیه السلام بکشتی بانی نانی داد که او را در کشتی نشاند نان بدور انداخت
و گفت این را چکنم این در پیش و در زیر پا افتاده دانیال علیه السلام دست بر داشته گفت خدایا دیدی که با نان چکرد و چه گفت نان را اکرام
فرما پس خدای تعالی فرمود که باران از آسمان نیامد و گیاه از آسمان نرست و قحط شایع گشت تا حدی که روزی زنی با دیگری
گفت بیا امروز فرزند مرا با هم بخوریم و فردا فرزند ترا آن روز آن طفل را با هم خوردند و روز دیگر مادر طفل دیگر بخوردن فرزند
خود راضی نشد می گر را بخدمت دانیال علیه السلام بردند گفت کار شما باینجا رسیده پس دعا کرد که خدایا کودکان بیگناهان را بگناه
کشتی بان مواخذه مکن و بر ایشان رحم فرما پس باران آمد و قحط زایل گشت و از ایشان علیهم السلم مرویست که فضل نان
جو بر سایر نانها مثل فضل ما است بر سایر ناس و دوای هر علت است و صاحب سل را هیچ چیز نافعتر از نان برنج نیست
و در روایات بسیار آمده که ما اهل بیت گوشت بسیار تناول کنیم و بسیار دوست داریم کسی را که گوشت دوست دارد و سید طعامها
گوشت است در دنیا و آخرت و هر کسی چهل روز گوشت نخوردن بدخو شود و در دو مرتبه باید خورد و بهترین گوشتها گوشت گوسفند است و مرویست

کلاکر

که اگر بهتر از آن بودی خدای فرمودی از فدای اسمعیل فرستادی و گوشت کبک تب را دفع کند و بهترین اعضای حیوان اعالی
بدنست و مذموم ترین اعضای که بموضع بول نزدیکست و سید طعام گوشت و برنج است و بواسیر را قطع کند و در نیض را
نافع بود و هریسه مائده ایست که بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل گشت و چهل روز قوت عبادت افزاید و عدس دل را
رقیق کند و اشك روان گرداند و باقلا دماغ و ساقین را قوت دهد و خون صالح از آن تولد کند و پنیر و گردکان
هر یك تنها ضرر کند و با هم نافع باشد و در روایت دیگر آمده که پنیر در روز ضرر کند و در شب نافع باشد و از حضرت
امام جعفر علیه السلام مرویست که فرمود چه خوب لقمه ایست پنیر دهن را خوشبو کند و خوش طعم و هضم طعام نماید و
اشتها آورد و مرویست که هر کس اول ماه پنیر بخورد امید هست که در آن ماه دعایش رد نشود و خربزه آبش رحمت و
شیرینش راحت و بیك لقمه از آن هفتاد هزار حسنه ثبت شود و هفتاد هزار سیئه محو گردد و ناشتا نباید خورد که
مورث فالج است و انگور رازقی از میوه های بهشت است و انگور سیاه غم زایل کند و هر کس هر روز ناشتا بیست
و یکدانه مویز سرخ بخورد از جمیع امراض ایمن گردد مگر مرض الموت و مرویست که خدای تعالی صد و بیست نوع میوه بنما داده
و سید همه انار است و فرزند را نیکو کند و اگر گرسنه بخورد سیر و اگر بر سر طعام بخورند هضم کند و در هر انار دانه از بهشت
هست و از یخت انار را تنها و تمام باید خورد تا به دانه بهشت فوت نشود و هر کس یك انار تمام بخورد خدای تعالی چهل روز
شیطان را از او دور کند و اگر دو انار بخورد صد روز و اگر سه انار بخورد یکسال و هر کس یکسال شیطان از او دور شود گناه
نکند و هر کس گناه نکند به بهشت رود و هر کس و در روایت دیگر آمده که هر کس یکدانه انار بخورد دل را نورانی کند و چهل روز
شیطان و سوسه را بیمار کند و هیچ دانه انار داخل شکم مؤمن نشود مگر که دوای چهل کوفت باشد و سبب سحر و زهر و
سایر عوارض و بلغم و وبا و رعاف و تب را دفع کند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود ما اهل بیت بیماران
خود را بسیب و آب سرد مداوا میکنیم شما نیز بیماران خود را سیب بدهید که هیچ چیز نافعتر از آن نیست راوی
گوید اهل بیت من همه بیمار بودند ایشانرا سیب دادم همه صحت یافتند و خوردن سیب ناشتا معده را قوة
دهد و زهر جانور را از هیچ چیز نافعتر از آرد سیب نیست که بپاشند و آش میدن آرد سیب در رعاف نیز روایت
شده و معده و دل را قوة دهد و رنگ رو صاف کند و به دل را دلیر کند و فرزندان را جمیل کند خصوصا اگر
ناشتا بخورند غم ببرد هم چنانکه انگشت عرق پیشانی پاك کند و دل و چشم را جلا دهد و عقل بیفزاید و محبت در دل
زیاد کند و هر کس یك به بخورد خدای تعالی چهل روز زبانش را بحکمت جاری گرداند و اگر سه روز ناشتا بخورد ذهن صاف
یا بعود دل از علم و عقل مملو گردد و از کید ابلیس و جنودش محفوظ گردد و امرود دل را قوة دهد و معده را دباغت
کند و دردهای اندرون را تسکین دهد و بر سر طعام نافعتر است و دلگیر را ابر دو انجیر شبیه ترین میوه هاست بمیوه های
بهشت و بواسیر و نقرس قطع کند و بوی دهن بر برد و استخوان محکم کند و هر علتی را نافع باشد و محتاج بهیچ دوا نباشد

وکدو دماغ را قوّة دهد و عقل را زیاد کند و حضرت پیغمبر صلعم چون در خانه اش طعام پختندی فرمودی تا کدو در آن بسیار کنند
و چغندر بر کنارهٔ فردوس روید و در شان آن عرق جذام را قطع کند و برسام را بهیچ چیز انفع از آن نبود و بیمار را نافع باشد
و موجب خواب و استراحت ایشان بود و سبب الم در آن نبود و از بیخ آن احتراز باید نمود که تهییج سودا کند و کذرا امان از قولنج
و بواسیر و در مباشرت معین باشد و بادنجان امان از برص و آلام را نافع بود و الم در آن نبود و در سرما و گرما بر وجه لزا
موافق باشد و پیاز بلغم ببرد و خون صاف کند و دهن خوشبو گرداند و عقل بیفزاید و اعصاب محکم سازد و مجامعت را
اعانت کند و گوشت دندان محکم گرداند و مرویست که چون داخل بلدی شوید از پیاز آن بخورید که تغییرات و هوا نافعت
و کندنا سید سبزیهاست هر روز هفت قطره بهشت از آن میریزد و بواسیر را قطع کند و دهن خوشبو گرداند و بادها بکشد
و امان است از جذام کسی را که بآن مداومت نماید و چون سه روز بخورند سپرز را نافع باشد نافع باشد و کاسنی سبزیهاست
هر روز قطرهٔ از بهشت ریزد پس نباید آنرا افشاندن و شستن و سبزی حضرت پیغمبر است صلعم و اولاد ذکور بسیار کند
و مرویست که فضل آن بر سایر سبزیها مثل فضل ماست بر سایر ناس و دوای هر علتی است و هر کس وقت خوابیدن
هفت برگ از آن بخورد از اهل بهشت شود و مسموع گشته که اگر تخم کاسنی را بکارند بعد از آن دو مرتبه دست فشان کنند
لطیف و شیرین شود و باذروج که بفارسی بادرنجبویه گویند و سبزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و اهل بهشت
تزیین خوان بآن نمایند و امانست از جذام و هر علّتی و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود دوست دارم که پیش از طعام
از آن بخورم که سدّه بگشاید و اشتها آورد و سل ببرد و چون پیش از طعام بخورند هضم طعام کند و دفع ثقل نماید و بوی
دهن خوش کند و برگ ترب طعام هضم کند و بادها دفع کند و بول را براند و بیخش بلغم قطع کند و کسی که در شب بر
جیر بخورد که بفارسی تره تیزک گویند از جذام و برص ایمن نباشد و قاووت بوحی آهی ساخته شده گوشت برویاند
و استخوان سخت کند و برص ببرد و بلغم و صفرا قطع کند و هفتاد نوع بلا دفع کند و اگر بعد از طعام بخورند معین هضم
باشد و روایتی آمده که مردان قاووت با شکر بخورید که اثر نزا امغز باشد و اگر هفت مرتبه با آب بشوئید بعد از آن
بقدح دیگر بریزند تب ببرد و تقویت ساق و قدم کند و کسی بمرض برصام مبتلا گشت حضرت امام جعفر علیه السلم
فرمود قاووت جو بیاشامد دو مرتبه بیشتر نیاشامید که شفا یافت و قاووت تشنگی بنشاند و معده قوة دهد و هیجان
خون را ساکن گرداند و حرارت اندرون بنشاند و هفتاد علّت را دوا بود و مرویست که زنی را حیض غلبه کرده بود
تا آنکه مشرف بموت شده بود حضرت امام محمد باقر علیه السلام قاووت و عدس آشامید صحت یافت و کسی که بتخم
مرغ مداومت فرماید اولادش بسیار شود و ماهی بسیار خوردن بدن را لاغر کند و اگر کسی شب ماهی بخورد و بر سر آن چند
دانه خرما با عسل نخورد بیم فالج بود و چربی گوشت هر لقمه که داخل بدن شود آنقدر کوفت بیرون کند و روغن دوستم
مرویست که چون کسی به پنجاه سال رسد شب نخوابد و روغن خورده باشد که موافق مزاج اش نیست فصل پنجم

در فضایل آب و آنچه متعلّقست بآن از آداب و مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سید اشربهٔ جنت آب است
و هر کس از آب ملتذ شود خدای تعالی او را از اشربهٔ جنت ملتذ گرداند و گویا معنی ملتذ شدن از آب آنست که قدر این نعمت
و تفضیل الهی در اعطای آن بداند و یکی از اطبا حضرت امام موسی علیه السلام را از آب خوردن منع کرد آنحضرت فرمود چرا
منع میکنی آب طعام را هضم کند و صفرا بشکند و اطفاء حرارت کند و غضب بنشاند و عقل بیفزاید امّا افراط نباید کرد
و ناشتا نباید خورد مگر در تابستان که مادّهٔ هر علّت و بسیار امراض از و متولّد شود و سؤر مؤمن خواه آب و خواه غیر آن شفای
هفتاد مرض است و هر کس سؤر مؤمن را برای تبرّک بیاشامد خدای تعالی فرشته را خلق کند که برای ایشان استغفار کند
تا روز قیامت و آب زمزم دوای هر مرض است و حضرت امام جعفر علیه السلام احوال بیماری پرسید که چونست کسی گفت او را
بموت گذاشتیم فرمود اگر من بجای شما میبودم آب میزاب یعنی ناودان کعبهٔ معظمه باو میدادم راوی گوید آب میزاب باو دادیم
همانساعت صحت یافت و آب باران بدن را از الام پاک کند و تب و وسوسهٔ شیطان دفع نماید و ایمان را در دلها ثابت گرداند
و آب فرات دو ناودان در بهشت بر و میریزد و فرشته هر شب از آسمان آید و سه مثقال از مشک بهشت در آن ریزد و در روی
زمین نهری مبارک از آن نیست و آب جوشیده بهر علّتی نافعست و هیچ چیز ضرر نکند و آب را بجوشانند که هفت جوش بزند
پس بظرف دیگر کنند و بنوشند تب ببرد و ساق و قدم را قوة دهد و آبهای گرم که بوی کبریت کنند و آبهای تلخ بدطعم
مداوا نباید کرد که در طوفان اجابت حضرت نوح ع نکردند پس آنها را لعن کرد و مردی روزی بدا و امتوجه چنین آبی بود
بحضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام ملاقات نمودند فرمودند گمان نیست که چیزیرا که خدای تعالی لعن کرده شفا در آن
گذاشته باشد زیرا که چند چشمه اجابت نوح نکردند و ملعون گشتند و تلخ و شور شدند و بروایت دیگر فرمودند آبی که هر روز
مرتبه انکار ولایت ما میکند مداوا بآن میکنی زیرا که خدای تعالی ولایت ما را بر آبها عرض فرمود هر کدام قبول نمود عذب و طیب شد
و آنکه انکار کرد تلخ و شور گشت امّا آداب آب آشامیدن آنکه بروز ایستاده آشامیدن افضل است که برای قوّت و صحّت
بدن و هضم طعام بهتر است و در شب نشسته که ایستاده موروث صفر است و عرق جذام را حرکت آرد و آشامیدن آب باید بجو
مکیدن باشد که بغیر آن باعث وجع سپرز شود و به سه نفس آشامیدن افضل است و روایت دیگر آمده که اگر کسی که آب
آورده مملوک تو باشد به یک نفس بیاشامد و اگر آزاد باشد به یک نفس و در وقت آشامیدن بسم الله باید گفت تا شیطان
شریک نشود و اگر چنین بگوید افضل است الحمد لله منزل الماء من السماء و مصرف الامر کیف یشاء بسم الله
خیر الاسماء و در شب آب بنوشد آب را حرکت دهد و سه مرتبه بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات از
مضرتش ایمن گردد و هر کس به سه نفس آب بیاشامد و در هر نفس بسم الله بگوید هنوز سیر نشده سر بردارد و بگوید الحمد لله تا آن
آب در شکمش باشد برای آن تسبیح کند و بهشت او را واجب شود و از پیش دسته و جانب شکسته کوزه نیاشامند که
هر دو مقام شیطان است و بعد از آن آب خوردن بگوید الحمد لله الذی سقانی ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا

بنوشانی الحمد لله الذی سقانی فأروانی وأعطانی فأرضانی وعافانی وکفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه
فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه وآله وتسعده بمرافقته برحمتك یا ارحم الراحمین و مرویست که حضرت
امام جعفر ع روزی آب آشامید پس چشم مبارکش پر اشک گشت و گفت لعن الله قاتل الحسین پس فرمود هر کس بعد از آب
خوردن حضرت امام حسین و اهل بیتش علیهما السلام را یاد کند و بر قاتلش لعن کند خدای تعالی برا و صد هزار حسنه نویسد و صد
هزار سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند گرداند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کند و چون روز قیامت محشور شود جگرش
خنک باشد و تشنگی و حرارت نداشته باشد و مستحب است سر کوزه را پوشیدن که شیطان کوزهٔ پوشیده را نگشاید **فصل ششم**
در فضایل ضیافت کردن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون مهمان داخل خانه شود رزقش با او
از آسمان آید و چون طعام خورد گناهان اهل خانه آمرزیده شود و حضرت امام جعفر علیه السلام یکی از اصحاب پرسید که شیعیان را
هیچ دعوت میکنی گفت هیچ وقت طعام نخوردم مگر که دو سه و کمتر باشد و بیشتر از ایشان باشد و فرمود فضل ایشان بر تو
بیشتر است از فضل تو بر ایشان گفت من ایشان را طعام میدهم و بخانهٔ خود می آرم و فضل ایشان بیشتر است فرمود بلی چون داخل
خانه شوند با مغفرت تو و عیال تو داخل شوند و چون بیرون روند گناهان شما را بیرون برند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که
هر کس مومنی را سیر کند هیچ کس اجر آن را نداند نه ملکی مقرب و نه پیغمبری مرسل مگر خدای تعالی و مغفرت گناهانش لازم گردد و بهشت واجب
شود و از نعمتهای بهشت عوض یابد و بهتر است از آنکه یک افق از مردم آزاد کند پرسیدند که افق چه قدر است فرمودند صد هزار یا
بیشتر هر کس دهن مومنی را لقمهٔ شیرین کند تلخی روز قیامت نبیند و فضایل اطعام مومن بتفصیل در باب دیگر انشاء الله تعالی
بیاید و هر کس مومن تشنه را آب دهد خدای تعالی او را از رحیق مختوم سیراب گرداند و اگر در جایی آب دهد که آب باشد چنانست که
یک بنده آزاد کند و بهر یک شربت آب هفتاد هزار حسنه عطا فرماید و اگر در جایی آب دهد که آب نباشد چنانست که ده بنده
از اولاد اسمعیل آزاد کند و نفسی را زنده گرداند و هر کس یک نفس زنده گرداند چنانست که تمام ناس را زنده کرده باشد و هر کس جگر
تشنه را از انسان یا حیوان آب دهد در سایهٔ عرش خدا باشد در روزی که هیچ کس را پناهی نبود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد مهمان را اکرام نماید و چون کسی بخانهٔ کسی وارد شود باید طعام بر او عرض کند اگر میل نکند
و آب عرض کند و اگر رغبت ننماید آب وضو معروض دارد و نباید گذاشت که مهمان متوجه خدمتی و کاری شود و مرویست که حضرت
امام رضا علیه السلام را مهمانی وارد شد در شب خواست که فتیلهٔ چراغ را دستی بزند حضرت منع فرمود و خود متوجه آن گشت
و فرمود ما اهل بیت مهمان را بخدمت نگذاریم و مرویست که چون مهمان داخل شود در آوردن رخوت و اسباب او را مدد کنید و چون
بیرون رود مکنید و از جملهٔ اکرام مهمان آنست که خلال برایش مهیا کند و با او در طعام خوردن رفاقت باید نمود تا او دست نکشد
دست نباید کشید و اگر مهمان خود وارد شود برایش تکلف نباید کرد بلکه هر چه در خانه باشد اکتفا باید نمود و اگر دعوت کرده باشند
تکلفی که مقدور باشد باید کرد و مرویست که معلوم نیست که کدام تر باشد مهمانی که میزبانی را بر تکلف دارد یا میزبانی که برای مهمان

تکلف کند

تکلف کند و نیز مرویست که هلاک شد میزبانی که آنچه در خانه دارد برای مهمان حقیر شمارد و مهمانی که آنچه برایش آرند حقیر انگارد
و روایات بسیار آمده که محبت دوستان باهم از این توان دانست که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط و شگفتگی خورند
یا از روی کراهت و گرفتگی از آنجمله یکی از اصحاب حضرت امام جعفر ع گوید روزی بخدمت آنحضرت رفتم فرمود طعام آوردند
قدری خوردم و دست کشیدم فرمود بخور گفتم خوردم بس است فرمود دیگر بخور نمیدانی که محبت دوستان باین معلوم شود یکدیگر را
از روی انبساط و رغبت خورند پس بانگشت مبارک طعام جمع میفرمود و من میخوردم و امثال این روایات بسیار آمده و چون مومنی
کسی را دعوت کند اجابت باید نمود که احادیث بسیار آمده که اجابت دعوت مومن از جملهٔ حقوق واجبی است که مومنان را بر
یکدیگر ثابت است و حضرت پیغمبر صلعم فرمود وصیت میکنم حاضر و غایب امت خود را که اجابت دعوت مسلم کنند اگر چه پنج میل
باید رفت که اجابت مومن مسلم از جملهٔ حقوق دینست اما در مجالسی که معصیت کنند و طعامهای حرام و مشتبه و هم چنین طعامی
که اغنیا در آن باشند و فقرا نباشند اجابت نباید کرد و که درین نیز اخبار بسیار آمده و نهی بلیغ شده و امثال این مجالس موجب
معصیت و دوری از خدا و قساوت قلب و محبت دنیا باشد و اگر کسی نطلبیده چون بشنود که در جایی طعام هست برود و هر چه
از آن بخورد چنانست که پارهٔ آتش بخورد و چون کسی را بطعامی دعوت کنند و دیگری را بی دعوت با خود برد غاصب باشد
و هر چه بخورد حرام باشد مگر جمعی که محبت و اختلاط و ربط در میانشان بیگانگی رسیده باشد و بیگانگی از میانشان مرتفع باشد
و گمان مانعی و عذری از جانب صاحب طعام نباشد و درین صورت ایشان را رسد که بی اذن در خانهٔ یکدیگر طعام خورند و بیکدیگر
نیز دهند **فصل هفتم** در آداب مسکن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شهر و مکانی
که عبادت خدا چنانکه باید مقدور نباشد توطن و اقامت نباید نمود بلکه سفر نیز بچنین موضع نباید کرد و خدای تعالی در قرآن
مجید فرماید چون روز قیامت با ایشان گویند که چرا در عبادت تقصیر کردید گویند در مکانی که ما بودیم مقدور نبود پس
بر سبیل عتاب و توبیخ فرماید مگر زمین خدا تنگ بود که نتوانستید نقل نمود پس جای ایشان جهنم باشد مگر جمعی که ضعیف
و عاجز باشند و قادر بر نقل که تحویل نباشند که ایشان معذور باشند باین سبب است که مردم کوهستان و قرا و صحرانشینان
و هم چنین مردی که در بلاد مخالفین توطن کنند و اولاد ایشان و هم چنین جمعی که در گوشها نشینند و با علما و اهل دین
تردد نکنند از آثار و مراسم دین و آداب و معالم ایمان بیخبر باشند و جهل و حب دنیا و اخلاق و صفات سباع و حیوانات
در ایشان غالب باشد و باین سبب است که این همه تاکید در زیارت و الفت و مخالطت مومنان وارد شده چنانکه
شمه از آن در باب اول گذشت و نیز یکی از ائمهٔ طاهرین علیهم السلام پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار کنند و ترک
تردد در میان مردم کنند فرمود پس دین خود را چون بدست آرند و نیز اخبار بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان
در دوست یابد و شیطان با تنهایان باشد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که از جملهٔ سعادت مرد فضای
خانهاش و خوبی همسایه و شامت خانه تنگی فضا است و بدی همسایه فرمودند اول همسایه را اختیار کنید بعد از آن

خانه و بنائی که زیاده بر کفاف باشد روز قیامت بر صاحبش وبال بود و هر کس زیاده بر کفاف بنای کند برای مباهات و تفاخر
بر همسایگان و مؤمنان روز قیامت آن خانه را تا زمین هفتم آتشی کنند شعله در طوق گردنش گذارند پس در قعر دوزخش
افکنند مگر آنکه توبه کند و هر کس زکوة مال ندهد یا مالی از حرام کسب کند خدای تعالی آب و گل را برو مسلط گرداند تا بناهای زیاده گذارد
پس بمیرد و برو وبال شود و فرشته موکلست که هر کس که ارتفاع سقف خانه زیاده از هشت ذراع کند باو گوید ای فاسق بکجا میروی
و هر که زیاده از هشت ذراع بود شیطان و جن مسکن کنند و اگر خانه زیاده ساخته باشد در آن زیادی آیة الکرسی بنویسید تا دفع جن
و شیاطین کند و در خانه که سگ یا صورت انسان یا حیوان یا ظرفی که در آن بول کنند باشد ملائکه داخل نشوند اما اگر
صورت در فروش و چیزها باشد که پا بر آن گذارند باکی نبود و دستمال چرب و خانه عنکبوت در خانه نگذارند که هر دو مأوای شیطان
باشد و مرویست که خانه را جاروب کنید تا شبیه یهود نشوید و جاروب کردن خانه دفع فقر کند و خاک روبه را در خانه و نزدیک
خانه نباید گذاشت که شیاطین جمعیت کنند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده خروس سفید دوست من و دوست هر مؤمن است
و خروس سفید یعنی افرق آنکه تاجش دو پاره باشد صاحب خانه خود و هفت خانه حوالی آنرا حراست کند و ملک بال افشاندن کبوتر
خاک دار بهتر است از منقار خروس افرق و خانه که کبوتر در آن باشد از فرود آمدن ایمن باشد و جن رفع شوند و اهل آنخانه را
از ایشان آفت نرسد و مرویست که کبوتر بیا در خانهها نگاه دارید که قاتلان امام حسین علیه السلام لعن میکند و در شان ذکر و تسبیح خدا
بیشتر از همه چیز کند و دوستدار اهل بیت علیهم السلام صاحب کنز اللغه گوید در شان کبوتر صوامیت و صاحب اختیارات گوید
بفارسی مرغ الکی گویند و فاخته در خانه نباید داشت که صاحب خانه را نفرین کند و چون کسی خواهد که خانه نو بنا کند مستحب است
که گوسفندی ذبح کند و طعامی ساخته صرف مساکین کند و بگوید اللهم ادحر عنی و عن اهلی و ولدی مردة الجن و
الشیاطین و بارک لی فیه بنزولی که آنچه سؤال کرده خدای تعالی عطا فرماید **فصل هشتم** در وظایف شب و آداب
خواب و بیداری مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هنوز آفتاب غروب نکرده باشد و چراغ روشن کنید که دفع فقر
کند و وقت خوابیدن خوش کنید و وقت سحر روشن کنید بعد از طلوع آفتاب بردارید و بی چراغ داخل خانه تاریک نباید
شد و در مهتاب چراغ نباید افروخت و چون چراغ حاضر شود بگوید اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس و لا
تحرمنا نورک یوم نلقاک اللهم اجعل لنا نورا انک نور لا اله الا انت و چون خموش کنند بگوید اللهم
اخرجنا من الظلمات الی النور و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم در تابستان روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفته و چون
هوا سرد می شده روز جمعه بدرون می آمده و در روایت دیگر هر دو در شب جمعه وارد شده و هر کس بر بامی بخوابد که چهار طرفش
محجر نباشد اگر عارضه رو دهد غیر خود را ملامت نکند و محجر کمتر از سه وجب نباشد و چون در خانه بخوابد درها را بپوشد
یا پرده بیاویزد تا شیطان داخل نشود و تنهای در جای نخوابد که اکثر جرأت شیطان وقتیست که آدمی تنها چند و مرویست
که اگر با دست چرب یا تنها بخوابد یا ایستاده در آب بول کند یا ایستاده در شب آب بیاشامد پس عارضه از جن رو دهد زود

زود

زود مفارقت نکند و اگر کسی در تنها خوابیدن مضطر باشد تواند ذکر خدا بسیار کند و وقت خواب خود را از تشویش
خلا فارغ سازد که سبب صحت و راحت بدنست و هر کس با وضو بخوابد چنانست که تا وقت بیدار شدن نماز گذارده باشد و اگر
در میان جای بخاطر رسد که وضو ندارد و در میان رختها باشد تیمم کند مجزی بود و خوابیدن چهار قسمت خواب انبیا بر قفا و خواب
مؤمنان بجانب راست و خواب کفار بر جانب چپ و شیطان بر رو و اگر کسی بر رو خوابیده باشد بایدش بیدار کرد و خوابیدن
میان نماز شام و خفتن موجب حرمان رزقست و بعد از نماز خفتن شب نشستن مکروه و مذموم است و موجب حرمان سحر خیزی
و گفته اند سنت اول شب بیدار باشد تا سحر و چون سحر شود بخوابد و حیوانات دیگر همه اول شب خواب کنند و سحر بیدار
شوند و چون بعادات و رسوم اهل دنیا و باطلان بر آئید بصفت سلاطین آیند پس مؤمنان باید اول شب بخوابند و نصف شب یا اندکی
بیشتر یا دیرتر و روایات بسیار آمده که خدای تعالی اول شب را برای استراحت آفریده و آخر شب را برای ذکر و عبادت و از طلوع صبح
تا طلوع آفتاب ملائکه ارزاق بنی آدم را قسمت کنند هر کس آن وقت در خواب باشد از نصیب آن روز خود محروم باشد و من و سلوی
بر بنی اسرائیل در این ساعت هر روز نازل میشد و هر کس در خواب میبود آن روز محتاج بگدای میبوده و خواب این ساعت
خواب شومی است و رنگ زرد و رو گره گرداند و خواب اول روز موجب بی نظامی و بی برکتی کارها شود و بعد از عصر موجب
حماقت و خواب قیلوله که پیش از ظهر است مبارکست و اعانت شب خیزی کند و شیطان را در این خواب نصیب نباشد و سبب
زوال نسیان و قوت حافظه باشد و بسیار خوابیدن شب سبب فقر باشد در روز قیامت و بسیار خوابیدن دین و دنیا را از دست بیرون برد
و خدای تعالی دشمن دارد کسی را که بی آنکه بیداری کشیده باشد بخوابد و هر کس وقت خوابیدن دست راست در زیر روی راست گذارد و بگوید
بسم الله وضعت جنبی لله علی ملة ابرهیم و دین محمد و ولایة من افترض الله طاعته ما شاء الله کان و ما لم یشاء
لم یکن از دزد و فرود آمدن خانه محفوظ گردد و ملائکه برایش استغفار کنند و اگر بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
هزار حسنه برایش نویسند و صد هزار سیئه محو کنند و صد هزار درجه بلند گردانند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده چون کسی خواهد بخوابد باید
بگوید بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک و الجأت ظهری
الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجأ و لا منجا و لا مفر منک الا الیک آمنت بکتابک
الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت پس تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید که هر کس وقت خواب این تسبیح بگوید
هر کس وقت خواب این تسبیح بگوید از جمله جمعی باشد که خدای تعالی مدح فرموده بانکه ذکر بسیار کنند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که وقت خواب گفتن این تعویذ را ترک نباید کرد اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان
و هامة و من کل عین لامة و هر کس سه مرتبه وقت خواب بگوید یفعل الله ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید بعزته چنانست که
هزار رکعت نماز گذارده باشد و اگر سه مرتبه بگوید الحمد لله علا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر
و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناهان پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده باشد

واگر آیة الکرسی بخواند از فالج ایمن گردد تا وقت بیدار شدن او و چهل همسایه اش محفوظ باشد و مرویست که دو کس بسفر میرفتند بخدمت
حضرت پیغمبر صلعم آمده تعلیمی میخواستند فرمود وقت خوابیدن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوئید بعد از آن آیة الکرسی بخوانید پس
چون از شهر بیرون رفتند جمعی دزدان ایشانرا تعاقب کردند و چون در منزلی فرود آمده اند دزدان غلامرا بجاسوسی فرستادند تا چیزی
از ایشان بیارد غلام مراجعت کرده گفت هیچ کس را ندیدم و دو دیوار دیدم هرچند بر دورش گشتم راه درون شدن نیافتم گفتند نرسیده
و دروغ میگوئی خود برخواسته رفتند شنیده موافق دیده یافتند چون صباح شد دزدان پیش ایشان آمده قضیه شبینه نقل کرده
از احوال استفسار نمودند ایشان خود بیان کردند و گفتند برکت تعلیم آن حضرت بود از شر شما ایمن گشتیم دزدان نیز قطع امید گشته
براه خود رفتند واگر در وقت خواب آخر سورهٔ کهف بخواند تا مسجد الحرام نوری تابان شود که در میان آن نور ملایکه باشند و برای او استغفار
کنند واگر قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد بخواند از شرک بری شود و حضرت پیغمبر صلعم بحضرت فاطمه علیها السلام فرمود وقت خوابیدن تا چهار
کار نکنی نخوابی ختم قرآن کنی و مرا و جمیع انبیا را شفیع خود گردانی و همه مؤمنان را از خود راضی سازی و حج و عمره گذاری گفت این همه را
در یک ساعت چون کنم فرمود سه مرتبه قل هو الله بخواند ختم قرآن کرده باشی و صلوة بر من و بر انبیا بفرست همه شفیع تو باشیم در روز قیامت
و برای مؤمنان استغفار کن همه از تو راضی شوند و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله بگوی حج و عمره گذارده باشی واگر ثواب پیغمبری
یابد و از گناه پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده واگر در آن شب بمیرد شهید باشد واگر یازده مرتبه انا انزلناه بخواند نوری خلق شود
از زمین تا عرش که عرضش مثل وسعت هوا باشد در هر درجه آن هزار ملک باشد هر ملکی را هزار زبان باشد بهزار لغت برای او استغفار کنند
تا نصف شب بعد از آن آن نور را در سینهٔ او گذارند تا روز قیامت واگر شهد الله بخواند هفتاد هزار ملک خلق شود که تا روز قیامت
برای وی استغفار کنند واگر الهیکم التکاثر بخواند از عذاب قبر ایمن شود واگر سه مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
واتوب الیه گناهانش آمرزیده شود اگرچه مثل ایام دنیا یا کف دریا یا ریگ صحرای عالج باشد بیخوابی عارض شود که خواب نبرد بگوید
سبحان الله ذی الشان دائم السلطان یا عظیم البرهان کل یوم فی شان یا مشبع البطون الجائعة یا کاسی الجسوم
العاریة یا مسکن العروق الضاربة یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة واذن لعینی نوما
عاجلا واگر خواهد آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس امنة منه وجعلنا نومکم سباتا واگر کسی در خواب ترسد
وقت خوابیدن ده مرتبه بگوید اعوذ بکلمات الله من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده ومن همزات الشیاطین
وان یحضرون واگر خواهد معوذتین و آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس امنة تا آخر و از جن بیم کند بگوید ان
ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه
حثیثا والشمس والقمر مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین واگر از احتلام
اندیشه کند بگوید اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان
فی الیقظة والمنام و روایات بسیار آمده و بسیاری مردم تجربه نیز نموده اند که اگر آیهٔ آخر کهف بخواند هر وقت خواهد بیدار شود

ونیز

ونیز از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر کس وقت خواب بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من
الغافلین اقوم ساعة کذا هر ساعت که خواهد مذکور سازد خدای تعالی ملکی موکل گرداند که در آن ساعت بیدارش کند و مشایخ رحمهم الله
در کتب خود ذکر کرده اند اگر کسی را حاجتی باشد یا امر مشکلی سانح شود با طهارت در فراش و لحاف بخوابد و زنی با او نباشد و در وقت خواب
والشمس واللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند بعد از آن بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجا ومخرجا در شب اول یا سیم یا پنجم
یا هفتم کسی را در خواب بیند که بدر روی از آن برایش بنماید راوی مرا صداعی عظیم بود که از علاج آن عاجز گشته بودم باین عمل نمودم
در شب اول دیدم که دو کس آمدند پیش من نشستند یکی از ایشان دست بر سرم مالید و موضعی را نشان داد که حجامت کن آن موضع را حجامت
کردم شفا یافتم و بر بسیاری مردم نیز گفتم همه منتفع شدند و ایضا مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد یکی از انبیاء یا ائمه
یا سایر مردم را در خواب بیند والشمس واللیل اذا یغشی و قدر و جحد و اخلاص و معوذتین بخواند بعد از آن صد مرتبه توحید بخواند
و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آلش صلی الله علیهم بفرستد و با وضو بر جانب راست بخوابد که هر کس را خواهد انشاء الله در خواب بیند و حال
و جوابی که خواهد میانشان مذکور شود و در روایت دیگر آمده که این طریقه را هفت شب باید عمل نمود بعد از آن که این دعا خوانده باشد
اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان یعرف منک بدأت الاشیاء والیک تعود فما اقبل منها
کنت ملجأه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجأ ولا منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا
انت واسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم وبحق محمد سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة
نساء العالمین وبحق الحسن والحسین اللذین جعلتهما سیدی شباب اهل الجنة اجمعین ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان ترینی فلانا وایضا مرویست که اگر خواهد میتی را در خواب بیند همین دعا را تنها بخواند و در آخرش بگوید ان
ترینی میتی فی الحال التی هو فیها و هر مرتبه که در اثنای خواب از پهلوی به پهلوی دیگر حرکت کند بگوید لا اله الا الله الحی
القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب النبیین والمرسلین وسبحان الله رب السموات وما
فیهن ورب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و از حضرت امام محمد باقر عم
سؤال نمودند از آنکه خدای تعالی مدح فرموده که اندکی از شب میخوابند کیستند فرمود جمعیند که تمام شب میخوابند اما هر مرتبه که
حرکت میکنند میگویند الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و چون خواب بد بیند بگوید انما النجوی من الشیطان
لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاؤه
المرسلون وعباده الصالحون من شر ما رأیت ومن شر الشیطان الرجیم و از پهلوی که خوابیده به پهلوی دیگر
نقل کند و خواب را بکسی نقل نکند از شر آن ان شاء الله ایمن گردد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که خواب خوش از
جانب حق تعالی است پس چون خواب خوش ببیند بکسی که دوست دارید نقل کنید و خواب راست یک جزو از هفتاد جزو
نبوت است و بروایت دیگر از چهل جزو و خواب مؤمن بر بالای سرش مضطرب و متردد باشد تا آنکه تعبیر کنند بهر نحو تعبیر کنند

چنان شود پس خواب را بمؤمن عاقل مهربان باید گفت تا تعبیر خواب کند و نیز مرویست که خواب در وقت راست باشد اگر با طهارت و ذکر
خدا خوابیده باشد یکی وقت قیلوله که شیطان در آن وقت نصیبی نبود دوم بعد از نصف شب که وقت نزول ملایکه است و خواب اوّل
شب اعتبار ندارد که وقت هیجان شیطان است و مناسب این مقام است ذکر نکته در کیفیت امر و زیادت آنکه از بسیاری احادیث
ظاهرین و دلالت براهین عقل متین مبین و محقق است که روح مؤمن از طینت ملائکه آفریده شده و جوهرش از جنس جوهر ملکوت سموات
مخلوق گشته و بسبب ضرورت معاش و تحصیل زاد معاد الفت و آشنای با بدن و قوی و اعضای بدن گرفته و شغل تدبیر نظام مملکت
بدن و هم چنین اشتغال احوال حیوة دنیا از دیدن و شنیدن و خوردن و سایر ادوات حواس و قوی مانع و توجه و التفات او بعالم
خود شده و بسبب غربت درین عالم دنیوی و دامن گیر مراجعت بملکوت سما و ملاء اعلی که وطن اصلی اوست گشته و هر گاه که اندک فرصتی
بسبب تخفیف این علایق و موانع او را حاصل شود رجوع بعالم خود نموده با ابنای جنس خود پس از ملائکه و اهل ملاء اعلی الفت گیرد و مؤانست
نماید و از رشحات علوم و معارف نامتناهی که از فضل جود و رحمت الهی بر اهل آن عالم در هر باب بیحساب ریخته بقدر استعداد خود
استفاضه نماید و بهره مند گردد و انبیالات یعنی رجوع بعالم اعلی و استفاضه از فضل اهل ملکوت سما اولیا و اصفیای خدا را که از شدت
متابعت دین قویم و کمال امتثال احکام شرع مستقیم و زهد در دنیا و ترک پیروی هوس و هوا و رفض علایق لذات و شهوات و
هوایق تحصیل فضول و تجملات بدن و اعضای خود را از ثقل فضلات ماکل و مشارب پاکیزه ساخته و آینه دلشان از زنگ
کدورت فکرهای باطل و خیالهای فاسد حوایج و مآرب پرداخته و جوهر روحشان از تیرگی و ظلمت اشتغال باین دنیای دنی جلا
یافته و پرتو نور آن عالم که تمام نور و ضیاست بر صفحه قابلیتش و کمال تسلط بر نفس خود و قوی آن بهم رسانیده اند انبیالات همیشه متعدد
باشد خواه در خواب و خواه در بیداری و خواب و بیداری ایشان یکسان باشد چنانکه حضرت پیغمبر صلعم فرموده تنام عینی ولا
تنام قلبی یعنی اگر چه چشم گاهی صورة خواب میکند اما دلم همیشه بنور خدا بیدار است و ازین جهت است که انبیا علیهم السلام بر قفا خوابند
زیرا که همیشه منتظر نزول وحی باشند چنانکه در احادیث آمده اما سایر مؤمنان را بسبب اختلاف مرتبه و قابلیت گاه گاه و احیانا که بدن از
ثقل فضلات و بخارات غذا خفیف و دل از زنگ و ظلمت خیالهای باطل دنیا خالی و روح از شدت شغل تدبیر بدن و قوی فارغ گشته
و آینه خاطرشان بنور یاد خدا جلا و صفا یافته باشد چون بخواب روند و حواس را نیز از مشاغل محسوسات فراغت حاصل شود و دلشان
از تشویش و ارادات عالم ظاهر خلاصی یافته بحال خود پردازد و متوجه عالم باطن که ملکوت عالم علامت شود و وحشت را با اهل انعام
که متوکلان تدبیر حال حادثات و مدبران نظام احوال کاینات اند ارتباط و اختلاط رو دهد و آن رشحات علوم و معارف ایشان که همه
صدق و حق است و از خزاین علم الهی بر ایشان که بهمه احسان شده بر آن روح بحسب مناسبت حال و فایض گردد و در آن عالم
بچشم و گوش و قوی روحانی مشاهده آن علم و معرفت یا خبری که متعلق باحوال او یا غیر آن باشد نماید و چون هنوز روح از مصاحبت
بدن و قوای بدن خلاصی تمام نگشته بلکه آثار حس و قوای بدنی هنوز در جوهر روح راسخ و ثابت است مشاهدات روحانی
هر یک بصورت و کیفیتی که مناسب او باشد در نظرش جلوه کند و آن مشاهده روحانی را چنان پندارد که بحواس ظاهری بدنی

واقع شده و انبیالات یعنی مشاهدات روحانی و ارتباط با ملائکه و اهل ملاء علوی و استفاضه از ایشان بعضی از مؤمنان را نیز گاه باشد که از شدت
زهد و تقوی و ورع و طاعت خدا تسلط عظیم بر ضبط حواس و قوی حاصل نشده باشد در بیداری نیز احیانا اتفاق افتد اما اگر دل
و روح در زنگ تشویشات خیالهای باطل و فکرهای فاسد فرو رفته و بظلمت هوسها و آرزوهای زایل بیحاصل ظلمانی گشته و بکدورت
فضلات و بخارات ماکل و مشارب سیاه و تیره شده باشد هر چند بخواب هم رود که فرصت و قابلیت آن ندارد که راهی بعالم نور
و صفا و قربی با اهل ملاء اعلی تواند یافت و هم چنین اگر بدن بسبب ثقل و غذا احتیاج بزیادتی تدبیر و اصلاح باشد روح را که مدبر
بدنست مهلت آن ندهد که بعالم دیگر تواند پرداخت اما بعضی اخلاط مثل خون یا صفرا و غیر آن یا بخارات غذا در بدن غالب گشته
و هیجان نموده باشد چون بخواب رود آن خلط و بخار بصورتی که مناسب آن باشد در نظر روح جلوه کند و چنان پندارد که چیزی
دیده یا شنیده مثلا خون و صفرا بصورت آتش و شعلهای الوان و سودا و بخار بصورت ابرها و غبارهای سیاه و ظلمانی جلوه کند
و هم چنین اگر در بیداری فکری و خیالی غالب گشته یافته باشد چون بخواب رود همان خیالها در نظرش متمثل گردد و این قسم خواب
را که بسبب غلبه اخلاط و بخارات و خیالات باشد اضغاث احلام گویند که مثل مشت خار و خس و خاشاک امور در هم رفته بی اصل بی ثبات
و اعتباری و تعبیر ندارد و قسم اول که از عالم ملائکه فایض میشود درست و حق باشد و محتاج بتعبیر بود و نیز باید دانست که چون حادثات
عالم دنیا دو قسم است یکی آنکه در قضای الهی وقوعش حتم و جزم شده که خلاف آن واقع نتواند شد و این قسم بصورتی که احتمال
غیر آن نداشته باشد متمثل گردد دوم آنکه بسبب مصلحتی وقوع و عدم وقوعش هیچکدام هنوز حتم نشده بلکه متردد است و هر دو احتمال
در وی میرود و این قسم بصورتی که مثل خودش متردد و محتمل باشد متمثل گردد و توجه نفوس انسانی را در حدوث حوادث گاهی مدخل
حقیقی باشد پس لازمست باید معبر عاقل و مهربان باشد تا صورت متردد را بتعبیری که خیر و مناسب باشد کند چون از [illegible]
شد رجوع بذکر آداب نموده گوییم چون از خواب بیدار شود بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَأَعْبُدَهُ و سجده کند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خواب بیدار میشده
مگر آنکه سجده میکرده و چون بعد از سجده بنشیند بگوید حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ حَسْبِيَ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ كُنْتُ حَسْبِيَ
اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ و حضرت امام جعفر علیه السلام هر بار که از خواب بیدار میشده باواز بلند چنانکه همه اهل آن خانه می شنیده اند میگفته
اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجَعَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ
الْمَوْتِ و چون نظر باطراف آسمان کند بگوید اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُوَارِي عَنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ
وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ
تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ
سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ از سوره آل عمران و چون از تهیه نماز فارغ شود پس بصلای [illegible]

روبقبله نشسته این دعا بخوانند که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نصف شب که مردم در خواب میبوده اند میخوانده الهی غارت
نجوم سمواتك ونامت عيون انامك وهدأت اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك عليها ابوابها
وطاف عليها حراسها واحتجبوا عمن يسألهم حاجة وانتجع منهم فائدة وانت الهي حي قيوم لا تأخذك سنة ولا
نوم ولا يشغلك شيء عن شيء ابواب سمواتك لمن دعاك مفتحات وخزائنك غير مغلقات وابواب رحمتك غير
محجوبات وفوائدك لمن سألك غير محظورات بل هي مبذولات وانت الهي الكريم الذي لا ترد سائلا من المؤمنين
سألك ولا تحتجب عن احد منهم ارادك وعزتك وجلالك لا تختزل حوائجهم دونك ولا يقضيها احد
دونك غيرك الهي وقد تراني ووقوفي وذل مقامي بين يديك تعلم سريرتي وتطلع على ما في قلبي وما يصلح به
امر آخرتي ودنياي الهي ذكرت الموت وهول المطلع والوقوف بين يديك نغصني مطعمي ومشربي واغصني
بريقي واقلقني عن وسادي ومنعني رقادي وكيف ينام من يخاف بيات ملك الموت في طوارق الليل وطوارق
النهار بل كيف ينام العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل ولا بالنهار يطلب قبض روحه بالبيات او في
آناء الليل والساعات بعد از آن سجده میکرده و روی مبارك بر خاك میگذاشته و میگفته اسألك الروح والراحة عند الموت
والعفو عني حين القاك بعد از آن مشغول نماز و عبادت شود و هر کس صبح بغیر از آنکه کسی او را ببیند انگشتر عقیق داشته باشد نگینش را
بکف دست بگرداند پس انا انزلناه بخواند و بگوید آمنت بالله وحده لا شريك له آمنت بسر آل محمد وعلانيتهم خدای تعالی
آنروز را او را تا شام در حفظ حرز خویش نگهدارد

فصل ششم

در آداب بیرون رفتن از خانه و راه رفتن و سوار شدن و فضایل
دواب و حقوق ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی خواهد از خانه بیرون رود بر در خانه بایستد و بگوید الله
اكبر الله اكبر بالله خرجت وبالله دخلت وعلى الله توكلت ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله
على محمد وآله اللهم افتح لي في وجهي هذا بخير واختم لي بخير وقني شر كل دابة انت آخذ بناصيتها
ان ربي على صراط مستقيم در ضمان خدا باشد تا بخانه مراجعت کند و هر گاه از خانه بیرون آید شیطان بر سر راهش آیند پس اگر
در وقت بیرون رفتن بگوید بسم الله آمنت بالله توكلت على الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
ملائکه شیاطین را بزنند و دور کنند و گویند شما را بر و دستی نیست که نام خدا برده و باو ایمان آورده و برو توکل کرده و خود و کارهای
خود را بحول و قوة او سپرده پس شیاطین دور شوند و بایکدیگر گویند با ما با او چه توانیم کرد که خدا کفایت و هدایتش نموده و محافظتش
فرموده و اگر وقت بیرون رفتن بگوید اعوذ بما عاذت به ملائكة الله من شر هذا اليوم الجديد الذي اذا غابت
شمسه لم تعد من شر نفسي ومن شر غيري ومن شر الشياطين ومن شر من نصب لاولياء الله ومن
الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر ركوب المحارم كلها اجير نفسي بالله من كل شر
خدای تعالی گناهانش بیامرزد و توبه اش قبول کند و کفایت مهماتش نماید و از جمیع شرور و مکاره در پناه خودش دارد و مرویست

که اگر چیزی بر قدر سبقت توانستی یافت هر آینه این بود که در وقت بیرون رفتن از خانه در حضر و سفر انا انزلناه بخوانند که زود مراجعت نماید و اگر
برای حاجتی و مطلبی بیرون رود صبح شنبه و صبح پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب بیرون رود که روایات بسیار آمده که این دو صبح برای حوایج
مبارکست و روز سه شنبه نیز روایات آمده که روز قضای حوایج و آسانی کارهاست و خدای تعالی درین روز آهن را برای حضرت
داود علیه السلام نرم کرد که زره ساخت و در وقت بیرون رفتن پنج آیه از آخر آل عمران ان في خلق السموات والارض
تا انك لا تخلف الميعاد و آیة الکرسی و انا انزلناه و الحمد بخواند که حوایج دنیا و آخرت درین آیات است و در راه رفتن زنان از کنار
های راه بروند و میان جاده را برای مردان گذارند و مردان از میان زنان نروند و نگذرند و بر سر هر پلی شیطانی ایستاده باشد
پس چون بر پل رسد بگوید بسم الله اللهم ادحر عني الشيطان الرجيم اما فضایل و حقوق دواب و آداب سواری مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مرکب نگاه دارید که زینتش با خداست و منافع و ثوابش از شما و نه عشر روزی با کسیست که مرکبی
داشته باشد و هر کس مرکبی نگهدارد که قضای حوایج خود بآن کند یا دفع دشمنی نماید هر روز یك سیئه محو شود و شش حسنه ثبت کرده و اگر
اسب نجیب نگاه دارد که بآن جهاد کند و دفع اعدای دین نماید هر روز سه سیئه محو شود و یازده حسنه ثبت کرده و اگر اسب غیر نجیب
نگاه دارد دو سیئه محو شود و هفت حسنه ثبت کرده و حضرت امام علی النقی علیه السلام از کسی پرسید که بر چه مرکب سواری میکنی
گفت الاغی بسیزده دینار خریده ام فرمود این از جمله اسرافست که الاغی را باین قیمت بگیری چرا اسب نگرفتی گفت مؤنت اسب
بیشتر است فرمود که کسی مؤنت الاغ میدهد مؤنت اسب هم میتواند داد نمیدانی که کسی منسوب بما باشد و اسبی نگاه دارد و منتظر
فرج ما باشد و اعدای ما را مضطرب سازد خدای تعالی روزیش را بفرستد و سینه اش با ایمان گشاده و آرزوهایش را بر آورد و معین
حوایجش باشد و خیر از پیشانی اسب تا بقیامت بسته است و هر کس در راه خدا اسب را نفقه دهد چنانست که دست بصدقه گشوده
باشد و هرگز باز نگیرد و مرویست که حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام از یمن چهار اسب بهدیه بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آورده
بود پرسید که اوصاف اینها را بیان نمای گفت یکی یا بو اشقر یعنی که روشن است دست و پا سفید فرمود آنرا برای من نگاه دار
گفت دوی دیگر کمیت یعنی که سیاه است دست و پا سفید فرمود آنها را بدو پسرت یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلم بده گفت
یکی دیگر ادهم یعنی کبود بی نشانست فرمود آنرا بفروش و نفقه عیال خود کن بعد از آن فرمود میمنت اسب در آنست که
نشانی بغیر رنگ خود داشته باشد و نیز مرویست که هر کس اسب اشقر که در پیشانی اش اندك سفیدی باشد و اگر سفیدی کشیده باشد
بهتر بود و در دست و پایش نیز سفیدی باشد نگاه دارد تا آن اسب در ملك او و در خانه او باشد فقر و ظلم در آنخانه راه نیابد
و نیز مرویست که دابه را بر صاحبش چند حق است اینکه بر رویش چوب نزنند و داغ نکنند که روی دابه حمد و تسبیح خدا میکند و
زیاده از قدر طاقت نرانند و بار نکنند و پشتش را مجلس نکنند و صحبت ندارد و بار دار نگاه دارد و در سفر هر جا که باب رسد
آب عرض نماید و چون در منزل فرود آید اول تهیه آب و علوفه او کنند و پا بر گردنش نگذارند و هر دو پا از یکطرف نیاویزد و
تکیه بر یکطرف نکند و پشتش خواب نکند و چون رم کند نزنند که جن در نظر ایشان آیند که در نظر انسان نیایند و اگر بلغزد دستگیر خود

بگوید بسم الله و دشنام ندهد که اگر گوید میان من و تو هر کدام معصیت بیشتر کرده چنین باشد و لعنتش نکند که خدای تعالی او را لعنت کند و هر کس دابه بگیرد
دعا کند که خدایا مرا صاحبی مشفق مهربان عطا فرمای که مرا اسباب دارد و زیاده بر طاقتم بار نکند و مرویست که هر عنانی سه جا بر شیطانی باشد
و چون خواهند لباسش کشند بسم الله بگویند و اگر در لجام کردن یا سوار شدن یا غیر آن سرسختی و چالاکی کند این آیه در گوشش راستش بخوانند
أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ و نیز بگویند اللّهمّ سخّرها و
بارك لنا فيها بحق محمد و آله و انّا انزلناه بخواند و هر کس در وقت سوار شدن بسم الله بگوید فرشته با او ردیف شود که محافظتش کند
تا آنکه فرود آید و اگر بسم الله نگوید شیطان ردیف شود و گوید خواننده کی غنا کن اگر گوید نمیدانم گوید آرزوهای باطل کن پس همیشه در آرزوهای
باطل باشد تا وقتی که فرود آید و اگر وقت سوار شدن بگوید بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا
لنهتدی لولا ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین او و مرکبش هر دو محفوظ باشد تا آنکه فرود آید
و اگر انّا انزلناه بخواند بر مرکب سنگین تر از آهن باشد و سلامت کند تا انش آزرده فرود آید و سواره پیاده را نگوید راه بده که از خصال
جباران است و زنان بر زین سوار نشوند که زین برای ایشان ملعونست و هیچ رنگ کند و اگر چارپا بگریزد مکرر بگویند یا عباد الله احبسوا ان شاء
الله بایستد **فصل دهم** در فضایل و آداب مکاسب و معاملات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عبادت هفتاد
جزو است و افضل اجزایش طلب حلال است و هر کس طلب حلال کند تا از مردم مستغنی باشد و رعایت احوال همسایه کان کند روز قیامت
رویش چون ماه شب چهارده باشد و هر کس از حلال کسب کند و تحصیل معیشت برای عیال خود نماید اجرش عظیم تر است از کسی که در راه
خدا جهاد کند و از جمله سعادت مرد اینست که قیم عیال خود باشد و خدای تعالی بحضرت داود علیه السلام فرمود تو خوب بندهٔ و اگر کسبی
و از بیت المال معاش نکنی گفت خدا کسبی ندارم پس خدای تعالی آهن را نرم گردانید که زره میساخت و میفروخت تا آنکه مستغنی گشت و خدا
تیغ دشمن دار دارم بر خواب بیکار را و نیز مرویست که خدای تعالی روزی هر کس را از حلال قسمت کرده و تقدیر فرموده نه از حرام پس اگر کسی صبر کند
و از حرام اجتناب نماید خدای تعالی رزق او را از حلال برساند و آنچه برای او مقدر فرموده تمام نکند از دنیا نرود و اگر هتک حرمت
الهی نماید و مرتکب حرام شود هر قدر از حرام تحصیل کند آنقدر از حلال کم کند و روز قیامت مطالبه و مواخذه نمایند و امثال این اخبار
در فضایل کسب حلال و احتراز از حرام زیاده از آنست که درین مختصر گنجد و مرویست که نه جزو رزق در تجارت است و یکجزو در سایر کارها
و تجارت عقل زیاد کند و ترک آن دو ثلث عقل کم کند و زراعت کردن کیمیای اکبر است و روز قیامت اهل زراعت نزدیکترین مردمند
بخدای تعالی و مقام ایشان بهترین مقامهاست و بهترین کارها زراعت است که انسان و حیوان منتفع شوند و نیکان و بدان بهره برند
اگر نیکان بخورند برای زراع استغفار کنند هر چه بدان بخورند ایشان را لعنت کنند و زارعان اهل توکلند که تخم افشانند و توکل بر خدا
کنند و منتظر فضل و رحمت او باشند اما آداب مکاسب و معاملات مرویست که چون کسی خواهد تجارت کند اول مسایل و آداب آنرا
بیاموزد و حلال و حرام بشناسد ربا در معاملات خفی تر است از نقش پای مور بر سنگ خاره و یکدرهم ربا عظیم تر است از هفتاد
زنا که همه با خویشان محرم باشد و با تنگ کیسه معامله نباید کرد که دست را تا مرفق در دهن اژدها کنی بهتر است از آنکه با تنگ کیسه معامله کنی

واوّل

واوّل روز برای معاملات و حاجات مبارکست خصوصاً روز شنبه و پنجشنبه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرد و گفت
خدایا صبح این دو روز برامت من مبارک گردان تا پیش از طلوع آفتاب مشغول کارهای دنیا نباید شد که آن ساعت عبادت و ذکر است
و جنود شیطان در اطراف برای اضلال انسان متفرق اند و چون کسی داخل بازار شود بگوید لا اله الا الله وحده لا شریك له
له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر هزار هزار حسنه ثبت کنند و هزار
هزار سیئه محو کنند و هزار هزار درجه بلند گردانند و اگر بگوید اشهد ان لا اله الا الله تا آخر چنانکه در فصل دخول مسجد گذشت
برابر است با حج و عمره و چون داخل دکان خود شود بگوید اللهم انی اسئلك من خیرها و خیر اهلها و اعوذ بك
من شرها و شر اهلها خدای تعالی فرشته موکل گرداند که در آنروز از شر بازار و اهل بازار محافظت نماید و چون بنشیند و بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسئلك من فضلك
حلالا طیبا و اعوذ من ان اظلم او اظلم و اعوذ بك من صفقة خاسرة و یمین کاذبة فرشته که بر او موکلست گوید
مژده باد ترا که امروز در این بازار هیچکس معامله اش بهتر از تو نباشد که حسنات زود بتو آرد و سیئات محو کرد و نصیب تو حلال و مبارک
بتو رسد و هر کس در بازار ذکر خدا کند و در معاملات خدا را فراموش نکند و از حکم او تجاوز ننماید و بعدد هر انسان و حیوان که در آن
بازار باشد گناهانش آمرزیده شود و چون متاعی یا چیزی دیگر بخرد سه مرتبه بگوید اللهم انی اشتریته التمس فیه من
رزقك فاجعل لی فیه رزقا و بر متاع این کلمه بنویسید کلما کان تا از آن منتفع شود و اگر بنده بخرد بگوید اللهم
بارك لی فیه و اجعله طویل العمر کثیر الرزق و اگر اراده خریدن دابه کند سه مرتبه بگوید اللهم ان کانت عظیمة
البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة فیسر لی شراءها و ان کان غیر ذلك فاصرفنی عنها الی الذی
هو خیر لی منها فانك تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب و چون بخرد در جانب چپ
او بایستد و کاکلش را بدست راست بگیرد و الحمد و قل هو الله و معوذتین و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بنی اسرائیل و آیة الکرسی بر سرش بخواند که انشاء الله از آفات ایمن گردد و چون خواهد زراعت کند
اول یکمشت از آن تخم در دست گیرد و رو بقبله ایستاده سه مرتبه بگوید أفرأیتم ما تحرثون أأنتم تزرعونه ام نحن الزارعون بعد از آن
سه مرتبه بگوید بل الله الزارع بعد از آن بگوید اللهم اجعله حبا متراکبا و ارزقنا فیه السلامة بعد از آن
بیفشاند و هر کس زراعت کند یا درخت نشاند بر هر یک دانه یا هر نهال بگوید سبحان الباعث الوارث هیچ یک از آن
خطا نکند از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود برادرم عیسی به شهری گذشت اهل آن شهر شکایت نمودند که میوه های ما
همیشه کرم میزند گفت سببش اینست که شما چون درخت می نشانید اول بیخ درخت خاک میریزید بعد از آن آب میدهید
چنین مکنید بلکه اول آب بریزید بعد از آن خاک چنان کردند از آن علت نجات یافتند و اگر مزرعه یا بوستانی بیم آفت کرم
باشد این افسون را بر چهار پاره کاغذ بنویسید و در میان چهار نی بگذارند و در چهار جانب مزرعه یا بوستان جا دهند آنحضرت

جانوران ایمن شود ان شاء الله ایتها الدواب والهوام والحیوانات اخرجوا من هذه الارض والزرع الی الخراب کما ابن متی من
من بطن الحوت وان لم تخرجوا ارسل علیکم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف
حذر الموت فقال لهم الله موتوا فانوا اخرج منها فانک رجیم فخرج منها خائفا یترقب سبحان الذی اسری بعبده لیلا
من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها فاخرجناهم من جنات وعیون وزروع
ومقام کریم ونعمة کانوا فیها فاکهین فما بکت علیهم السماء والارض وما کانوا منظرین اخرج منها مذموما مدحورا
فلنأتینهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون والرحیم آفت تکرک باشد این صورت نوشته
در کوزه آب ندیده گذاشته در چهار جانب مزرعه پنهان کند بدین صورت که نوشته شده و چون کسی صاحب غله و سایر ماکولات
الملـ که عامه الناس در معاش محتاج به آن باشد نشاید که احتکار کند یعنی انتظار گرانی نگاه دارد که
اگر دزدی کند بهتر است از آنکه چهل روز احتکار کند و روایت دیگر آمده که ملعونست که در وقت
ارزانی پیش از چهل روز و در تنگی و گرانی پیش از سه روز احتکار کند

فصل یازدهم

در فضایل مرض و عیادت مریض و معالجات امراض اما فضایل مرض مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که چون مومن مریض شود ملائکه موکلند بر نوشتن اعمال و هر گاه به آسمان روند خدای تعالی
از ایشان سوال فرماید که ازین بنده من در ایام مریضی چه نوشته آید گویند شکایت فرماید انصاف نباشد که من بنده خود را حبس
کنم پس از شکایت منعش نمایم هر چه از عبادات و طاعت در ایام صحت برای آدمی نوشتید در ایام مرض نیز همان را بنویسید
و درین ایام هیچ سیئه برو منویسید و ناله مریض تسبیح و فریادش تهلیل است و غلطیدنش در میان جا چنانست که در راه خدا شمشیر
بزند پس چون صحت یابد اگر ترک معاصی کند و بخدای تعالی بازگشت نماید گناهانش آمرزیده شود و اگر چنین نشود همان گناهان
سابق باشد و برابر است یکسال عبادت و دو شب با دو سال و یکشب با هفتاد سال و یکشب صداع همه خطاها را بریزد و یک تب را بر
و یکشب بیخوابی بر سبب مرضی یا وجعی اجرش عظیم تر است از یکسال عبادت و خدای تعالی فرموده چون بنده مومن را بالعوض یا بلائی مبتلا
کنم و بکسی شکایت نکند هر یک از گوشت و پوست و خون و مویش را بدل کنم بهتر از آنکه گناه نکرده باشد پس اگر شفایش دهم هیچ گناه
برو نگذارم و اگر قبض روحش کنم بجوار رحمت خود برم و هر مومنی که یکشبانه روز مریض شود و شکایت نکند با ابراهیم خلیل مبعوث شود
و چون برق لامع از صراط بگذرد و هر کس یکشب مرضی و المی داشته باشد و آن را شکر کند و قبول نماید یعنی شکایت نکند شصت سال عبادت
برایش نویسند پرسیدند که حد شکایت کدام است حضرت امام ع فرمود اینکه بگوی بلیه یا آزاری کشیدم که هیچکس نکشیده اما اگر بگوی تب
کردم یا بیخوابی کشیدم و مثل این راستگوی شکایت نباشد و چون طفلی مریض شود کفاره گناهان والدینش باشد و مستحب است که
چون کسی را مرض عارض شود دوستان را خبر کند تا عیادتش کنند و اگر چنین کنند ده حسنه برایش نویسند و ده سیئه محو کنند
و ده درجه بلند گردانند اما فضایل و آداب عیادت مریض و سعی در حوایج او مرویست که هر کسی مومنی را عیادت کند داخل

رحمت شود و چون پیش او بنشیند رحمت او را فرو گیرد و چون مراجعت کند خدای تعالی هفتاد هزار ملک بر وی موکل کند که استغفار
کنند و با او رفیق باشند تا آن ساعت از روز دیگر و برای او استغفار نمایند و گویند خوش باشی و خوش باد ترا بهشت و مکانی
در بهشت عطا فرماید که چهل روزه راه سواری باشد در روایتی دیگر آمده که هفتاد هزار ملک موکل فرماید که تا بخانه اش آید تا روز قیامت
تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گویند و نصف عبادات ایشان برای او ثبت شود و یک ملک موکل فرماید که او را در قبر عیادت
کند تا روز قیامت برایش استغفار نماید و مستحب است که چون بعیادت مریض روند سیبی یا بهی و مجملا تحفه برای او ببرند تا باعث
تسلی یابد و شکفته شود و در پیش او بسیار توقف نباید کرد که مبادا بر او دشوار باشد و هر کسی که بعیادت مریض رود با این کلمات برای
او دعا کند مگر البته شفا یابد اگر موتش مقدر نشده باشد اسئل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک و چون از پیش او برخیزد
بگوید کشف الله ضرک و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک و مریض نیز برای ایشان
دعا کند که دعای مریض برای کسی که بعیادتش رود مستجابست و هر کس یکشب نه روزی بیمارداری کند با ابراهیم خلیل ع مبعوث
شود و چون برق از صراط بگذرد و هر کس در حاجتی برای مریض سعی کند خواه بر آورده شود خواه نه از گناه پاک شود مثل روزی که
متولد شده کسی پرسید یا رسول الله اگر مریض از اهل بیت این کس باشد ثوابش عظیم تر باشد فرمود بلی و اما معالجات امراض که
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام دو قسمست یکی آنکه تاثیر از راه توکل و انقطاع بخدا و التجا بمحض لطف او و توسل بولایت
و شفقت اهل بیت علیهم السلام است و اثر طبیعت و مزاج را درین دخل نیست و اگر در بعضی از آن اندک دخلی هم باشد بی اخلاص و یقین
تاثیرش مثل سایر دوا نباشد و هر کس این اخلاص و یقین و التجا بحقیقت باشد ازین قسم معالجات البته منتفع شود چنانکه در زمان
حضور حضرت ایشان علیهم السلام جمعی که بالمشافهه یا باندک واسطه می شنیده و عمل مینموده اند از آن عظیم تر منتفع میشوده که منتفع
نشده اند و درین ازمنه بسبب وفور معاصی و شیوع مناهی و غلبه حرص و تشویش دنیا در دلها اخلاص مشوب بشبهات و یقین
مغشوش بشک گشته نادر باشد و اگر مومنی از روی خلوص و یقین دعای کند یا المعالجه بعمل و بآثار اجابت و صحت مقرون یابد
و صدق آنچه گفته شد از قضایای بسیاری که ذکر آنها موجب اطناب و خروج ازین باب است و از آنجمله این حدیث که مذکور میشود
ظاهر و لایح است حضرت صادق ع فرموده روزی عیسی ع با یکی از اصحاب اشد متقی براهی میرفتند بدریا رسیدند عیسی ع
از روی یقین بسم الله گفت و بر روی آب روان شد آن مرد نیز از روی یقین بسم الله گفته بر روی آب روان گشت تا بآن حضرت
ملحق شد پس بخاطرش رسید که چه تفاوت میان من و پیغمبر خدا است ناگاه بآب فرو رفت حضرت عیسی نگاه کرد فرمود از آنجا
بنجا رسیده استغفار کن استغفار کرد همان بر روی آب روان شد قسم دوم آنکه تاثیرش از راه مزاج و طبیعت است و این قسم
لامحالت اختلاف امراض و امزجه و اماکن و ازمنه مختلف شود و بسیاری مردم بسبب آنکه فرق میان این دو قسم نکرده اند دو
را امراض مخالف و امزجه نامناسب استعمال کرده اند و موجب فساد و هلاک گشته و باین سبب ما درین مقام اکتفا بذکر قسم اول نماییم اما
ازین جهت که این رساله از شرف روایت قسم دوم محروم نباشد چند روایتی هم بر صفحه روایت نگاریم و عهده ملاحظه موافقت

واجبات را بر خود گیرد کسی که معالجه کند گردانیم قسم اول و آن دو نوع است نوع اول صدقه و ادعیه مرویست که بیماران خود را بصدقه معالجه کنید که صدقه
امراض و بلاها دفع کند و مستحب است که بیمار بدست خود صدقه دهد و بسایل بگوید تا او را دعا کند که دعای سایل برای معطی مستجاب است و تفصیل
فضایل صدقات ان شاء الله تعالی بعد ازین بیان و اما ادعیه و اذکار بسیار است بذکر شرطی از آن اختصار کنیم جهت جمیع امراض و اوجاع بگوید
وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و دست بر آن موضع بمالد مرویست که هیچ کس از روی اخلاص چنین نکند مگر
آنکه شفا یابد ایضا بر هر علت و وجع هفتاد مرتبه الحمد بخواند مرویست که اگر بر میت بخوانند و روح بر بدنش رجوع کند عجب نباشد و مرضی که
بالحمد شفا نیابد بهیچ چیز شفا نیابد ایضا بعد از نماز صبح چهل مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حسبنا الله و
نعم الوکیل تبارک الله احسن الخالقین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و دست بر آن موضع بمالد راوی گوید مرا
کوفتی عارض شد که اطبا از معالجه آن اعتراف بعجز نمودند از معاودت مأیوس گشتند پس من از غایت حزن و اندوه کتابی بر داشتم که مطالعه
کنم در پشت آن کتاب این را دیدم مرویست از حضرت صادق علیه السلام چون نماز صبح گذاردم باین عمل نمودم هنوز نشسته بودم که آن
علت صحت یافت و ترسیدم که مبادا باز عود کند سه روز صبر کردم و باین عمل مینمودم بعد از آن پدر خود را خبر کردم شکر نمود و طبیبی حاذق
یهودی آورد و این حکایت نقل کرد چون ملاحظه نمود همان لحظه ایمان آورد و بیماری بند پیراهن بگشاید و سر بدرون گریبان برده
اذان و اقامت بگوید و هفت مرتبه الحمد بخواند راوی گوید من تب داشتم چون چنین کردم گویا از بندی رها یافتم طریقه دیگر اول صبح پیش
از آنکه با کسی حرف زند هفت مرتبه الحمد بخواند و اگر صحت نیابد روز دیگر هفتاد مرتبه بخواند حضرت صادق عا فرمود من بعد ازین ضامن
شفای ویم طریقه دیگر یک صاع گندم بوزن تبریزی تخمینا لکن است اندکی بیشتر بگیرد و بر پشت بخوابد و گندم را بر روی سینه بریزد و بعد بخواند
بخود بگوید اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض
و جعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعافینی من علتی پس راست بنشیند و گندم را از اطراف
جمع کند و بهمین دعا بخواند پس چهار قسمت کند و بهمین دعا بخواند و بهر قسمی بمسکین دهد راوی گوید چنین کردم گویا از بند نجات یافتم
طریقه دیگر مادر بیمار دو رکعت نماز بگذارد و در سجود بگوید اللهم انک وهبته لی و لم یک شیئا فهبه لی هبة جدیدة راوی
گوید چنین بیماری شدید داشتم حضرت صادق عا بدیدن من آمد چون جزع مادر مرا دید باین طریقه تعلیمش فرمود چون صباح شد برخاسته بود
من نیز با این ماشرکت کردم و این طریقه در روایت دیگر چنین آمده که مردم آمده بودند که بر جنازه من حاضر باشند حضرت صادق علیه السلام
با در فرمود که غسل کن و بر بام خانه در زیر آسمان دو رکعت نماز بگذار و بعد از نماز بگوی اللهم انک وهبته لی و لم یک شیئا
اللهم انی استوهبکه مبتدیا فاعرنیه طریقه دیگر بیمار را بر بالای بام رفته مقنعه از سر بر دارد و موی سر با آسمان گشوده
بگوید اللهم انت اعطیتنیه و انت وهبتنیه فاجعل اللهم اجعل هبتک الیوم جدیدة انک قادر مقتدر
هنوز سر بر نداشته باشد که فرزندش شفا یابد طریقه دیگر بیمار خود بگوید اللهم ارحم جلدی الرقیق و عظمی الدقیق و اعوذ
بک من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله فلا تاکلی اللحم و لا تشربی الدم و لا تفوری من الفم و

انتقلی

وانتقلی الی من یزعم ان مع الله الها آخر فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا
عبده و رسوله حضرت صادق علیه السلام فرمود هرگز باین دعا پناه نبردم مگر که شفا یافتم و مستحب است که مریض در ایام مرض
مکرر بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت
سبحان رب العباد و البلاد و الحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل حال و الله اکبر کبیرا کبریاء ربنا
و جلاله و قدرته بکل مکان اللهم ان کنت امرضتنی لقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح
من سبقت له منک الحسنی **تب لرز** بر سه پاره کاغذ بنویسد و هر روز یکی را با گلاب شسته بنوشد بسم الله الرحمن
الرحیم هطلك هطلك هه هه شفاء من الله العزیز الحکیم ... اطط اصبط هل ترضی اطط امبط هل ترضی
ایضا بر نه مغز بادام بنویسد و هر روز سه عدد ناشتا بخورد روز اول بر یک طرف بسم الله و بر طرف دیگر سوگا بنویسد و روز دوم
الرحمن بر طرف و اسوگا بر طرف دیگر و روز سیم الرحیم بر جانبی و ابر سوگا بر جانب دیگر ایضا بر سه پاره کاغذ با قلم باریک چنانکه نتوان خواند
بنویسد بسم الله ذی العزة و الجبروت و الملکوت و کاغذ را مدور به پیچد و هر روز یکی را ناشتا بخورد **تب غب** سه برگ از
درختی بگیرد و بنام مریض بر یکی بنویسد طیسوگا و بر دیگری اوجونا و بر دیگری ابر اسوما و در آب ریزد **تب ربع** بر دست راستش
بسم الله جبرئیل و بر دست چپ بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل و بر پای چپ بسم الله لا یرون فیها شمسا
و لا زمهریرا و بر میان هر دو کتف بسم الله العزیز الجبار طریقه دیگر بر کاغذی بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ابجد هوز حطی
من فلان بن فلان باذن الله تعالی و بر بالای آن کاغذ هفت مرتبه بنویسد خاتم سلیمان و کاغذ را بر هم پیچد بعد از آن ریسمانی که آب
و آب هیچ یک ندیده باشد که هی بر آن زند پس بر جانب راستش چهار گره و بر جانب چپ سه گره زند و در وقت گره
زدن ریسمان از پیش دهن برد و بر هر گره الحمد و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی بخواند و بر بازوی راست ببندد و آیة الکرسی بخواند
و با آن جماع نکند **وجع** در هر عضو که باشد بگوید بسم الله و دست بر آن عضو بمالد بعد از آن هفت مرتبه بگوید اعوذ بعزة
الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله
و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی و در درد سر و درد گوش دست بر آن گذارد
و هفت مرتبه بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم در درد شقیقه
دست بر آن جانب گذاشته سه مرتبه بگوید یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف
ایادیک الجمیلة و اذهب عنه ما به من اذی انک رحیم قدیر در درد چشم باعتقاد شفا آیة الکرسی بخواند شفا
یابد ایضا آیه نور یا آیه و ان یکاد را با تربت حضرت امام حسین عا و آب زمزم بر جامی نویسد و جام را بشوید و در شیشه
کند و با میل بر چشم کشد و ایضا از بعض صلحا منقولست که در خواب کسی با و گفت که بگوی اعیذ نور بصری بنور
الله الذی لا یطفی و دست بر چشم بمال و آیة الکرسی بخوان چنین کرد شفا یافت و مکرر تجربه نیز کرده اند سکینی که روشن





دست بر گوش گذارد و بگوید لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و در دندان انگشت سبابه بر آن گذارد و بگوید بسم الله وبالله اسئلك
بعزتك وجلالك وقدرتك على كل شيء ان مريم لم تلد غير عيسى روحك وكلمتك ان تكشف ما يلقى
فلان بن فلان من الضرس كله چون از بینی و از هر عضو که آید بگوید بسم الله الرحمن الرحيم ما قطعتم من لينة او تركتموها قائمة
على اصولها فباذن الله وليخزي الفاسقين و بر آن موضع بدم درد و هم دست بر آن گذارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه داء اعوذ بكلمات الله التي لا يضر معها شيء قدوس قدوس اسئلك يا رب
باسمك الطاهر المقدس المبارك الذي من سئلك به اعطيته ومن دعاك به اجبته اسئلك يا الله يا الله يا الله
ان تصلي على محمد وآل محمد النبي واهل بيته وان تعافيني مما اجد في فمي وفي راسي وفي سمعي وفي بصري
وفي بطني وفي ظهري وفي يدي وفي رجلي وفي جوارحي كلها از رسیة تا نیده عاجنین معلوم میشود که برای درد هر عضو میتوان
خواند درد دل و سینه این آیات را بر آب بخواند و بیاشامد لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين سيهزم الجمع ويو
لون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهى وامر ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا و
لئن زالتا ان امسكهما من بعده انه كان حليما غفورا درد شکم قدری آب گرم بیاشامد بعد از آن بگوید یا الله یا الله
یا الله یا رحیم یا رحمن یا رب الارباب یا اله الالهة یا مالك الملوك یا سید السادات اشفني بشفائك
من كل داء وسقم فاني عبدك وابن عبدك اتقلب في قبضتك درد تهیگاه دست بر آن بمالد سه مرتبه بگوید اعوذ
بعزة الله وقدرته على ما يشاء من شر ما اجد ایضا دست بمالد سه مرتبه بگوید بسم الله وبالله محمد رسول الله ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم امسح عني ما اجد في خاصرتي درد پشت دست بر آن گذارد و بگوید وما كان
لنفس ان تموت الا باذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها وسنجزي الشاكرين و هفت مرتبه
انا انزلناه بخواند درد ناف دست بر آن گذارد و سه مرتبه بگوید وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه
ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد درد دندان و در آب گرم نشیند و دست بر موضع درد گذاشته بگوید اولم یر الذین
كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون درد
فرج دست چپ بر آن گذارد و سه مرتبه بگوید بسم الله وبالله بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند
ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم اني اسلمت وجهي اليك وفوضت امري اليك لا ملجا ولا
منجا الا اليك درد شانه وقت خوابیدن سه مرتبه و چون بیدار شود یک مرتبه بگوید الم تعلم ان الله له ملك السموات
والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير نفخ شکم بگوید بسم الله الذي اتخذ ابراهيم خليلا وكلم
موسى تكليما وبعث محمدا بالحق نبيا بعد از آن سه مرتبه بگوید یا ریح اخرجي باذن الله زحیر بعد از نماز شب بگوید اللهم
ما كان من خير فمنك لا احمد لي فيه وما كان من سوء فقد حذرتنيه لا عذر لي فيه اللهم اني اعوذ بك

ان

ان اتكل على ما لا احمد لي فيه وآمن ما لا اخشى الا فيه بواسیر بگوید یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا
بارئ یا راحم صل على محمد وآله واردد على نعمتك واكفني امر وجعي طریقه دیگر سوره یس با عسل نوشته و شب بیاشامد
سنگ مثانه و فالج در سجود نماز شب بگوید اللهم اني ادعوك دعاء الذليل الفقير العليل ادعوك دعاء من
اشتدت فاقته وقلت حيلته وضعف عمله والح عليه البلاء فالج و قولنج و بادهای مفاصل الحمد و قل هو الله
و معوذتین بر آن بخواند بعد از آن بر استخوان شانه یا بر لوح بنویسد اعوذ بوجه الله العظيم وبعزته التي لا ترام وقدرته
التي لا يمتنع منها شيء من شر هذا الوجع ومن شر ما فيه ومن شر ما احذر منه و در آب باران بشوید و ناشتا
بیاشامد و بخواهد بسر زند سه مرتبه سوره اذا جاء نصر الله و سه مرتبه این آیات ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم
الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون بر کف دستهای صاحب سرز بخواند و هر دو دست
را هفت مرتبه بر سرش بمالد طریقه دیگر روز چهارشنبه آخر ماه پیش از طلوع آفتاب بنویسد و بر بازوی چپ ببندد و بعد از سه روز
بگشاید و در آب روان اندازد و اگر به نشود چهارشنبه دیگر چنین بکند انشاء الله شفا یابد الم المص المر الر الر الر الم
حم حم حم عسق حم حم حم حم كهيعص طسم طس طسم الم الم الم يس ص ق ن ان الله يمسك السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا ووضع الكتاب فترى
المجرمين مشفقين مما فيه ايها الطحال ارجع الى الموضع بحرمة محمد صلى الله عليه پیچ شکم يريد الله بكم اليسر ولا
يريد بكم العسر اولم ير الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء كل شيء حي افلا يؤمنون و آب را بیاشامد و دست بر شکم بمالد و طریقه دیگر هفت مرتبه بخواند بسم الله المعمول
الذين لا يعلمون قاعدون فوق ملتين يأكلون نورا طريا يسالون صاحبهم من النور العلوي كذلك
يشفي فلان بن فلان بعد از آن روغنی بر آن آب بریزد و چون ممزوج شود بر شکم بمالد و بیاشامد حبس البول هر دو پا را بشوید
و بر ساق چپ بنویسد ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر
وحملناه على ذات الواح ودسر تجري باعيننا جزاء لمن كان كفر دشواری بول بگوید ربنا الله الذي
في السماء تقدس اسمك اللهم امرك في السماء والارض اللهم كما رحمتك في السماء اجعل رحمتك في الارض
اغفر لنا حوبنا وخطايانا انت رب الطيبين انزل رحمة من رحمتك وشفاء من شفائك على
هذا الوجع فليبرأ درد زانو بعد از نماز بگوید یا اجود من اعطى ویا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم
ارحم ضعفي وقلة حيلتي واعفني من وجعي درد ساقین هفت مرتبه بر آن بخواند اتل ما اوحي اليك من
كتاب ربك لا مبدل لكلماته ولن تجد من دونه ملتحدا درد سرین بر آن بخواند انا فتحنا لك فتحا مبينا
ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما

وَيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيزًا هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلّٰهِ
جُنُودُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذٰلِكَ عِنْدَ اللّٰهِ فَوْزًا عَظِيمًا وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ
وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ
وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا در دو کف
پا دست بر آن گذارد چنانکه احساس الم کند و بگوید بسم الله و بالله وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ورم در هر جای بدن که باشد چون برای نماز فریضه
وضو کند پیش از نماز و بعد از نماز بر آن بخواند لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ تا آخر سوره حشر عرق النسا دست بر آن گذارد و بگوید
بسم الله و بالله اعوذ باسم الله الكبير واعوذ بسم الله العظيم من شر كل عرق نعار ومن شر حر النار سه مرتبه
بگوید یا الله یا رب الارباب ویا سید السادات ویا اله الآلهة ویا مالك الملوك ویا جبار السموات
والارض اشفني وعافني من داعي هذا فاني عبدك اتقلب في قبضتك وناصيتي بيدك خنازیر بعد از هر
فریضه در سجده بگوید یا رؤف یا رحیم یا ربی یا سیدی صل علی محمد وآل محمد وعافني من علتي برص دو رکعت
نماز گذارد و بعد از آن بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا معطي الخيرات اعطني خير الدنيا و
الآخرة وقني شر الدنيا والآخرة واذهب عني ما اجد فقد غاظني واحزنني طریقه دیگر تیمل
با جامی نوشته وشسته بیاشامد و قتل و جراحت چون بجامه خواب رود بگوید اعوذ بوجه الله العظيم وكلماته التا
مات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر كل ذي شر جوشش انگشت سبابه بر آن گذارد و بر دور آن بگرداند و هفت
مرتبه بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم و در مرتبه آخر انگشت را بر آن بفشرد بوک یکپاره نمک بر داشته بر آن بمالد و سه
مرتبه بر آن بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر و نمک را در تنور اندازد و بسرعت برگردد طریقه دیگر چون ماه در تحت الشعاع باشد
هفت دانه جو بردارد و بر هر دانه هفت مرتبه بخواند بسم الله الرحمن الرحيم اذا وقعت الواقعة ليس لوقعتها كاذبة
خافضة رافعة اذا رجت الارض رجا وبست الجبال بسا فكانت هباء منبثا و این آیه ویسئلونك
عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا امتا بعد از آن
یک یک جو را بر آن دانه مالیس در پارچه نوی بسته بر سنگ بندد و در چاه ادبی نه اندازد راوی گوید چنین کردم روز هفتم
یا هشتم همه شل کف دست شده بود صرع الحمد لله و معوذتین بر قدحی آب بخواند و بر سر و روی مصروع بپاشند طریقه دیگر
بر مصروع بخواند عزمت عليك يا ريح بالعزيمة التي عزم بها علي بن ابي طالب ورسول الله صلى الله
عليه وآله جن وادي الصفراء فاجابوا [illegible] اطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن فلان

عرق مدنی که بفارسی رشته گویند پیش از آنکه مقراض کنند یا ببرند بلکه از بدنش بکنند و ریسمانی تابیده هفت گره بر آن
بزنند و بر هر گره سه مرتبه این دعا را بر آنکس بخوانند بسم الله الابد المحصي الاحد القريب لما بعد الطاهر عن
الولد العالي عن يولد المنجز لما وعد العزيز بلا عدد القوي بلا مدد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد يا خالق الخليقة يا عالم السر والخفية يا من السموات بقدرته مرخاة يا من الارض بعزته
مدحوة يا من الجبال بارادته مرساة يا من نجى به صاحب العرق من كل آفة وبلية صل على
محمد وآله خير خلقك واشف اللهم فلان بن فلان بشفائك وداوه بدوائك وعافه من بلائك
انك قادر على ما تشاء وانت ارحم الراحمين وصلى الله على محمد النبي وآله طريقه دیگر چون شروع
بخارید کند و هنوز بیرون نیامده باشد بر آن بنویسد ويسئلونك عن الجبال تا ولا امتا چنانکه قبل از این گذشت
و صبر بر آن بمالند غلبه بول در خواب بر جام نوی با زعفران بنویسد بسم الله الرحمن الرحيم و این آیه را تمام بنویسد تا آخر اتقد
جام پر شود ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان
حليما غفورا پس آب سرد بشوید و نگاه دارد و بعد از آن بر پاره پوستی با مداد بنویسد همین آیه را بخواند و الحمد سه مرتبه و قل هو الله
و معوذتین و آیة الکرسی و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره و قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بعد از آن بنویسد بسم الله
الرحمن الرحيم ان الله يمسك السموات تا آخر آیه پس بنویسد یا من هو کذا و لا هکذا غیره امسك عن فلان بن فلان
ما يجد من غلبة البول پس اگر مرد باشد این تعویذ را در رشته طاهر بر ذکرش ببندد و اگر زن باشد بر زانویش قدری زعفران
و دو برابر آن سعد هر یک را جدا بکوبید و سعد را از حریر صاف کنند و هر دو را [illegible] با عسل یا موم معجون کند کلولها بسازد و در وقت
خوابیدن یک کلوله از آن معجون و قدری از آن آب بنوشد و در این ایام آب کم بخورد و چون علت زایل شود تعویذ را بگشاید
که حبس البول نشود آبله این شکل را بنویسد و بر بازویش ببندد اگر بیرون نیامده باشد نیاید و اگر آمده باشد زیاده از آن نیاید

سی سی [illegible]
[illegible]

سایر امراض در زیر آسمان که سقف نباشد دستها بر داشته بگوید اللهم انك عيرت اقواما
في كتابك فقلت قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا فيا من
لا يملك كشف ضري ولا تحويله عني احد غيره صل على محمد وآل محمد واكشف ضري وحوله الى من
يدعوا معك الها آخر وانا اشهد ان لا اله غيرك گزیده جانور هفت مرتبه الحمد بخواند و حضرت پیغمبر صلعم را در نماز
عقرب گزید چون از نماز فارغ شد عقرب را لعن کرد فرمود در نماز و غیر نماز کسی را نمیگذارد پس نمک بر آن مالید و قل یا ایها
الکافرون و معوذتین را بر آن بخواند سوخته نگر گوید آن خوش کند و بر آن عضو بگوید اذهب البأس اشف انت الشافي لا
شافي الا انت نسیان بخواند این دعا مداومت نماید و روایت دیگر آمده که با عسل سفید پاک بر قدحی پاک بنویسد
و با آب باران پیش از آنکه بزمین رسد بشوید و سه روز ناشتا بیاشامد ان شاء الله تعالی حفظ و قرآن و علم عطا فرماید

اللهم انی اسئلك بانك مسئول ولم یسال العباد مثلك اسئلك بحق نبیك محمد رسولك وابرهیم خلیلك
وصفیك وموسی کلیمك ونجیك وعیسی کلمتك وروحك واسئلك بصحف ابراهیم وتوریة موسی
وزبور داود وانجیل عیسی وقرآن محمد صلی الله علیه وآله وبكل وحی اوحیته وقضاء امضیته
وحق قضیته وغنی اغنیته اوفقیر وبكل سائل هدیته وبكل سائل اعطیته واسئلك باسمك الذی
وضعته علی اللیل فاظلم وباسمك الذی وضعته علی النهار فاستنار وباسمك الذی وضعته علی الارض
فاستقرت ودعمت به السموات فاستقلت ووضعته علی الجبال فرست وباسمك الذی ثبتت به الارزاق
واسئلك باسمك الذی تحیی به الموتی واسئلك باسمك الذی دعاك به عبادك الذی استجبت لهم وانبیائك
فغفرت لهم ورحمتهم واسئلك بكل اسم انزلته فی كتبك واسئلك باسمك الذی استقر به عرشك
واسئلك باسمك الواحد الاحد الفرد الوتر المتعال الذی یملاء الارکان کلها الطاهر الطهر المبارك المقدس
الحی القیوم نور السموات والارض الرحمن الرحیم عالم الغیب والشهادة الكبیر المتعال وكتابك المنزل و
بالحق وكلماتك التامات ونورك التام وبعظمتك وكبریائك وارکانك واسئلك بمعاقد العز من
عرشك ومنتهی الرحمة من كتابك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترزقنی حفظ القرآن واصناف العلم
وان تثبتها فی قلبی وسمعی وبصری وان تخالط بها لحمی ودمی وعظامی ومخی وتستعمل بها لیلی ونهاری بر
حمتك وقدرتك فانه لا حول ولا قوة الا بك یا حی یا قیوم طریقه دیگر بجهت قوه حافظه وزوال نسیان ناطه
صبح بخواند ربنا لا تؤاخذنا تا آخر سوره بقره مواظبت نماید بعد از آن بگوید اللهم لا تنسنی ما اقرء فی یومی هذا
فانك قلت سنقرئك فلا تنسی طریقه دیگر بعد از نماز بگوید سبحان من لا یعتدی علی اهل مملكته سبحان
من لا یاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل لی فی قلبی نورا وبصرا وفهما
وعلما انك علی كل شیء قدیر طریقه دیگر پیرو بعد از نماز صبح پیش از آنكه حرف زند بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت
شیئا علمه ولا یؤده نوع دوم از قسم اول ادویه که عمدا تا ثیر شان نه از جهة مزاج وطبیعت اگر چه در بعضی از آن اثر مزاج
نیز دخلی دیشتر باشد و از آنجا چند دوا ذکر نمایم اول تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که این تربت مقدس دوای اکبر است و بر هیچ مرضی نگذرد مگر که آنرا دفع کند و دوای هر علت و حرز از خوفست
کسی از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسیدند که بعضی مردم ازین تربت منتفع میشوند و بعضی منتفع نمیشوند فرمود و الله که هیچ کس
را با عتقاد اینکه خدای تعالی باین تربت او را شفا میدهد تناول نکند مگر که البته شفا یابد و دیگری بخدمت آنحضرت صلواة الله
علیه معروض داشت که از شما شنیده ام که تربت مبارکه بر هیچ علتی نگذرد مگر آنکه آنرا هضم و تحلیل کند فرمود بلی چنین است فرمود
من تناول کردم و منتفع نگشتم فرمود این تربت دعای دارد که اگر آنرا نخواند توانند بود که اثر نکند چون خواهی که تربت مقدس

بردارد

برداری بگوی اللهم انی اسئلك بحق الملك الذی قبضها واسئلك بحق النبی الذی خزنها واسئلك بحق الوصی
الذی حل فیها ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعله شفاء من كل داء وامانا من كل خوف وحفظا من
كل سوء پس در پارچه ببندد و انا انزلناه بر آن بخوان و چون خواهی تناول نمای اول بوسه کن و بر هر دو چشم بگذار و بیش از
قدر عدسی نخورد تناول نکنی که هر کس بیش از عدسی بخورد چنانست که از گوشت و خون ما خورده باشد و روایت دیگر نیز آمده
واگر کسی بقصد دوا بخورد چنانست که از گوشت و خون ما بخورد و ایضا دیگری روایت کند که من بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت
کردم از دو علت که هر یك ضد دیگری بود و هر یك را که معالجه میکردم بدیگری ضرر میرسید فرمود چرا تربت امام حسین علیه السلام نخوردی
گفتم بسیار خوردم و نفع نیافتم چون ازین سخن گفتم اثر غضب بر آنحضرت مشاهده میکردم گفتم اعوذ بالله من غضبك
یا ابن رسول الله پس آنحضرت برخواسته بخانه رفت و بعد بخودی با آن تربت مقدس آورده بمن داد فرمود بخور چون بخوردم
همان ساعت شفا یافتم گفتم این همانست که گفتی بسیار خوردم و شفا نیافتم پس من گفتم یا مولای بخدا قسم که دروغ نگفتم
لیکن مگر شما را در آن علمی هست که من احسان فرمای دوست دارم از هر چه آفتاب بر آن تابد فرمود چون خواهی تربت مقدس
برداری باید که در آخر شب غسل کنی و جامه پاك پوشیده بوی خوش بکار بری پس بمشهد مبارك آنحضرت روی در بالای سر
مبارك چهار رکعت نماز گذاری در رکعت اول بعد از الحمد یازده بار قل یا ایها الکافرون و در دوم یکبار انا انزلناه و این قنوت
بخواند لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة ورقا لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده
ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما
فیهن وسبحان الله رب العرش العظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین پس دو رکعت را تمام کن و سلام بده و دو رکعت دیگر بگذار در رکعت اول بعد از الحمد
یازده مرتبه قل هو الله و در دوم یازده مرتبه اذا جاء نصر الله و قنوت را بخواند چون سلام دهی سجده کن و هزار مرتبه شكرا
لله پس سر بردار و دستها را بر تربت مقدس گذاشته بگوی یا مولای یا ابن رسول الله انی اخذ من تربتك
باذنك اللهم اجعلها شفاء من كل داء وعزا من كل ذل وامانا من كل خوف وغنی من كل
فقر لی ولجمیع اخوانی المؤمنین پس سه مرتبه هر مرتبه به انگشت از آن تربت بردارد و در خرقه پاك ببندد
یا در شیشه کن و سر آنرا بخاتمی که نگینش عقیق باشد و این کلمات بر آن نقش باشد ما شاء الله لا قوة الا با
لله استغفر الله مهر کن و چون خدای تعالی بداند که نیت تو صادقست مجموع آن تربت که برداشته هفت مثقال باشد
نه زیاد و نه کم چون چنین برداری شفای جمله امراض باشد و روایت دیگر شده که اگر این کلمات را با تربت بر کاسه
چینی نویسند و با گلاب یا غیر آن شسته بیاشامد باذن الله شفا یابد اگر چه شروط مذکوره بعمل نیامده باشد بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء

وهو السمیع العلیم و ننزّل من القرآن ما هو شفاءٌ و رحمةٌ للمؤمنین و در وقت خوردن تربت بگوید بسم الله و بالله اللّهم
ربّ هذه التربة المبارکة الطاهرة و ربّ النور الّذی اُنزل فیه و ربّ الجسد الّذی سکن فیه و ربّ
الملائکة الموکّلین به اجعله لی شفاءً من داءٍ کذا و آن علت را نام برد پس جرعهٔ آب بر سر آن بیاشامد و بگوید
اللّهمّ اجعله رزقاً واسعاً و علماً نافعاً و شفاءً من کلّ داءٍ و سقمٍ که خدای تعالی ببرکت آن تربت هر علت و ألم و غم
و همی را دفع نماید و در روایت دیگر آمده که آیه عادله سه مرتبه بخواند و بر تربت بدمند زودتر اثر کند بسم الله و بالله اللّهمّ اجعله
رزقاً واسعاً و علماً نافعاً و شفاءً من کلّ آفةٍ انّک علی کلّ شیءٍ قدیر **دوم** همین تربت مقدس و قدری زعفران
و قدری عسل یا آب یا آب باران معجون ساخته در امراض مداوا نمایند **سیم** هفت حب از همین تربت مبارک که هر حب
بقدری عدسی باشد و هفت دانه سیاه دانه و هفت قطره عسل همه را در آب یا در روغنی کنند و الحمد و معوذتین و قل هو الله
و آیة الکرسی و اوّل سورهٔ حدید تا ترجع الامور و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بر آن بخوانند و استعمال نمایند **چهارم** آب نیسان
مرویست از حضرت پیغمبر صلعم فرمود که شما را دوای بیاموزم که با وجود آن محتاج باطبا نشوید پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و جمعی دیگر از صحابه پرسیدند که آن کدامست فرمود آب باران نیسان بگیرید و بر آن بخوانید الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و هر یک
از معوذتین و قل یا ایّها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه و بروایت دیگر انّا انزلناه و الله اکبر و لا اله الّا الله و صلوات بر حضرت
پیغمبر و آلش صلّی الله علیهم نیز هر یک هفتاد مرتبه و هفت روز پی در پی صبح و شام از آن آب بیاشامد که بآن خدای که مرا بحق
نبوت فرستاده که جبرئیل گفت از جناب آلهی که هر علت و مرض که در جمیع رگها و استخوانهای او باشد بیرون رود و شفا یابد
و اگر بر دل رود در لوح محفوظ نام او علتی ثبت باشد محو شود و اگر فرزندش نشود اگر چه عقیم باشد و اگر عنین باشد عافیت
یابد و اگر زن بقصد پسر بخورد پسر آرد و دوای جمیع امراض است در هر عضو است که باشد حتی کوری و للی و شلی و دیوانگی و امانت
از همه بکاره و از نزول آب سیاه چشم و از وساوس جن و شیاطین و دلش پر نور و روشن کرده و الهام آلهی در دلش راه یابد و حکمت
از دل بر زبانش جاری شود و هزار رحمت و هزار مغفرت بر او فرستند و غش و حسد و خیانت و غیبت و کبر و بخل و حرص و غضب
و عداوت و ظلم از دلش ببرد **پنجم** آب باران هر باران که باشد پیش از آنکه بزمین رسد بگیرند و الحمد و توحید و معوذتین
هر یک را هفتاد مرتبه بر آن بخوانند و یک قدح صبح و یکی شام بیاشام حضرت پیغمبر صلعم فرمود بخدای که مرا بنبوت اختصاص فرموده
که برای هر علت و ألم که بیاشامند آنرا از بدن و استخوان و عروق بیرون برد و فضایل آب میزاب و فرات و غیر آب تلخ
و کرم قبل از این گذشت **قسم دوم** ادویهٔ که تأثیر ش از جهت مزاج و طبیعت است و بجهت اختلاف امزجه و بلاد و فصول
لامحاله مختلف شود پس در استعمال آنها ملاحظهٔ مناسبت باید نمود تا مؤدّی بفساد و مضرت نشود و از آنجمله چند دوا ذکر
کنیم **اوّل** سنا مرویست که اگر چیزی دفع مرگ توانند کرد سنا بود و اگر مردم بدانند که چه منفعت در وست یک مثقال آنرا
بدو مثقال طلا بخرند امانست از بهق و برص و جذام و جنون و فالج و لقوه سنا و مویز سرخ بی دانه و هلیلهٔ زرد و سیاه و کابلی اجزای

مساوی

مساوی معجون ساخته مقدار سه درم ناشتا و سه درم وقت خواب تناول کنند **دوم** برز قطونا اگر صاحب تب مقدار دو درم در شب
اوّل کند در آن کوفت از مرض برسام ایمن باشد **سیم** سیاه دانه مرویست که دوای هر علت است مگر مرگ راوی پرسید که چون استعمال
کنیم فرمود هفت شب هر شب بیست و یک دانه در پارچه بسته در آب بخیسانند و روز اوّل در هر سوراخ دماغ هر یک قطره بچکانند و روز دوم
در جانب راست دو قطره و در چپ یک قطره و روز سیم در راست یک قطره و در چپ دو قطره **چهارم** اطریفل مرویست
از حضرت صادق صلوات الله علیه که موسی بن عمران علیه السلام از رطوبت و بلغم بخدای تعالی شکایت کرد فرمود هلیله و بلیله و آمله اجزای مساوی
گرفته با روغن گاو چرب کنند و با عسل معجون ساخته استعمال نمای پس حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود این همان معجونست
که شما اطریفل صغیر میگویند شفای هر علت است مگر موت **پنجم** کسی از تب ربع شکایت کرد حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود قدری
قند صلیه کرده که آب ریزد و بر هم زن تا خوب شربت شود صبح و شام بیاشام **ششم** عسل مرویست که عسل دوای هر کوفت
است و اگر کسی هر ماه یک مرتبه عسل بخورد از همه امراض ایمن شود **هفتم** کسی که عطسه بسیار کند روغن مرزنجوش در دماغ بچکاند
تخفیف یابد مرویست که عطسه و زکام را معالجه مکنید که امانست از جذام و از بادی که در سر در هم رسد و نزول آب و موی زاید در
چشم و سده دماغ و نیز مرویست که هر کس را رگی از جذام در سر و رگی از برص در بدن باشد چون رگ جذام بهیجان آید خدای تعالی زکام را
بر او مسلط گرداند تا مادهٔ جذام دفع شود و چون رگ برص هیجان کند دمّل را بر او گمارد تا مادهٔ برص را دفع کند پس چون زکام و یا دمل
بهم رسد خدا را حمد گویید **هشتم** صبر سقوطری و مرّ و کافوری ریاحی مساوی بهم کوفته و از حریر بیخته مثل سرمه در چشم کشند رمد و درد
چشم و ضعف باصره را نافع باشد و در روایت دیگر همین صبر و مرّ مذکوره است بی کافور و فرموده اگر ماهی یکمرتبه در چشم کشند
همه امراض را از سر دفع کند **نهم** مرویست از حضرت امیر المؤمنین صلواة الله علیه که زعفران و سعد از هر یک قدری با عسل
معجون ساخته هر روز دو مثقال تناول کند از نسیان محفوظ بیم آن شود که ساحر باشد **دهم** حجامت و فصد مرویست که چون آثار
زیادتی خون ظاهر شود و خون از بدن بیرون نکنید گاه باشد که غالب طغیان کند و مؤدّی بهلاک شود و نیز مرویست که مردم بهیچ چیز مداوا نکنند
بهتر از یک حجامت خون یا یک انگشت عسل و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت دوای هر مرض است مگر موت پس از برای خود حجامت
کرد و با کفی که ابهام رسید فرمود این موضع را حجامت کنید و چون حجامت کنید باید چیزی خورده باشد که خون در موضع حجامت جمع شود
و کوفت و ألم از بدن بیرون رود و اگر چیزی نخورده حجامت کند خون برود و کوفت بماند و بعد از حجامت قند بخورند که خون تازه از آن متولد
شود و حجامت روز شنبه و یکشنبه و شب یکشنبه و عصر روز دوشنبه نافع تر باشد و مرویست که در روز یکشنبه شفای هر علت است
و پنجشنبه پیش از زوال حجامت کنند که خون در موضع حجامت جمع شود و چون زوال شود متفرق گردد و پنجشنبه آخر ماه کوفت را از
بیخ بر اندازد و مرویست که روز سه شنبه اگر حجامت کنند خون نایستد تا آنکه بمیرد یا آنچه خدا خواهد شود و در چهارشنبه حجامت موجب
برص باشد و روایت دیگر آمده که این برای کسیست که مادرش در ایّام حیض باو حامله شده باشد و روز جمعه وقت زوال اگر حجامت کنند
و بعلتی مبتلا شود غیر خود کسی را ملامت نکند و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که از اوّل ماه تا نصف ماه از حجامت احتراز کنید

که هر روز موروث علتی و مرضی باشد و از روز شانزدهم تا آخر ماه حجامت کنید که هر روز شفا و منفعتی باشد مگر شنبه و چهارشنبه که مورث
برص است و روایت دیگر آمده که اگر حجامت در روز سه شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست یکم ماه اتفاق دوای امراض باشد تا یکسال
و نیز روایت که آیة الکرسی بخوانید و هر روز خواهید حجامت کنید که ضرر نکند و مرویست که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یک مرتبه
حجامتش کنید که برای صحتش بهتر است و فصد نیز در اکثر احکام مثل حجامت است و چون حجامت کند و خون بیرون آید هنوز فارغ نشده
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم أعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین والدم ومن کل سوء و این بود اندکی از آداب طبیه
که در احادیث مذکور است و بسیار اغذیه و ادویه نیز در فصل فضایل ماکولات گذشت و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که فرمود هیچ
دوائی نیست که هیچ مرض نکند و هیچ دوای در بدن انفع از پرهیز نیست که دست از خوردن باز داری مگر بقدر ضرورت و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که فرمود
تا بدن تاب مرض می آورد استعمال دوا مکنید **فصل دوازدهم** در سایر جزئیات عادات که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام ابتدا
کارها بسم الله بگوید تا از شرکت شیطان ایمن شود و در کارهای عظیم و عزیز ابتدا بصدقه و دعا و استعاذه کند که اگر ضرری در آن باشد دفع گردد و شروع
در کارها اول روز بهتر است که احادیث متعدد وارد شده که اول روز مبارکست و مرویست از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
که در هر ماه دو روز نحس است که اگر کاری در آن روز شروع شود یا تمام نرسد و اگر طفلی متولد شود نجیب نشود و اگر کسی بجنگ رود ظفر نیابد و اگر
درختی بنشاند نمو نکند باین تفصیل محرم یازدهم و چهاردهم صفر اول و بیستم ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الآخر اول و یازدهم جمادی الاول
دهم و یازدهم جمادی الثانی اول و یازدهم رجب یازدهم و سیزدهم شعبان چهاردهم و بیستم رمضان سیم و بیستم شوال ششم و هشتم ذی القعده
ششم و بیستم ذی الحجه هشتم و بیستم و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که در هر ماه یک روز نحس است که هر کس از آنها اختیار کند این باشد
و هر کس در آنها کاری کند از مکروهی ایمن نباشد باین تفصیل محرم بیست و دوم صفر دهم ربیع الاول چهاردهم ربیع الثانی دجمادی الاول
بیست و هشتم جمادی الثانی و رجب دوازدهم شعبان بیست و ششم رمضان بیست و چهارم شوال دوم ذی القعده بیست و هشتم
ذی الحجه هشتم و ایضا از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در هر ماه هفت روز نحس است چنانکه مشهور است اما این حساب در ماه قمریست
که ظاهرا اول سالش روز نوروز است و هر ماه را سی روز تمام می شمرند تا آخر سال و احادیث بسیار نیز در نحوست روز عاشورا و دوشنبه
و چهارشنبه آمده چنانکه بعد از این ان شاء الله مذکور شود و روایت دیگر آمده که با روز ها دشمنی مکنید تا آنها با شما دشمنی نکنند و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس در روز یکشنبه جامه ببرد مبارک نبود و در آنجا غمگین شود و روز دوشنبه مبارک باشد و روز سه شنبه دزدیده
شود یا بسوزد یا در آب ضایع گردد و چهارشنبه در آنجا مروزی یا بد و مکروهی نرسد و بخوشحالی گذرانند و پنجشنبه در آنجا علمی
او را روزی شود و در پیش مردم مکرم باشد و روز جمعه عمر و دولتش زیاد شود و شنبه در آن جامه بیمار باشد مگر آنکه در الکعبی
آمده چنانکه از بسیار احادیث معلوم است اینست که در هر کاری چون توکل بر خدا کنند و متوسل بدعا و صدقه شوند از همه ضررها ایمن
گردند و مناسب این مقام است تحقیق عمل نجوم و آنچه آنست که احادیث بسیار که ذکر همه آنها درین رساله نگنجد و براهین عقلیه نیز بر حرمت
در اینکه حق تعالی بمقتضای حکمت کامله و مصلحت شامله در کارخانه صنعت خود هر کاری را بکار فرمای مرجع ساخته و برای نظام

برامری تعیین فرموده و از آنجمله حوادث و جزئیات عالم کون و فساد را از خیرات و شرور بملایکه آسمان ها از آفتاب و ماه و کواکب و
نجوم همه جنود و اعوان و خدام ایشانند مرجع گردانیده و ایشان از برفتق و نظام قشلاه دنیا مقرر نموده و هیچ جزئی از جزئیات
درین عالم حادث نشود مگر بتاثیر و امر ایشان باذن الله العزیز الحکیم اما بچند سبب اهل بیت نبوت و حکمت امت را از تعلم و پیروی آن
منع فرموده اند **اول** آنکه چنانکه منجمین نیز معترفند بآن احکام تاثیرات کواکب و حرکات افلاک و خصوص نسب و اوضاع
آنها باهم معارضه کنند و با یکدیگر مقاومت نمایند چه بسیار باشد که نظری و وضعی خاص مقتضی اثری باشد و نظری و وضعی
دیگر مقتضی خلاف آن باشد و با او مقاومت کند بلکه بروز زیادتی نماید و هم ملایکه و کواکب را حصر و عدد و خصوص تاثیرات و احکام
ایشان نیز از انسان غیر اهل بیت نبوت کسی دیگر نداند و اطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان کسی نتواند و آنچه از آنجمله در نجوم مضبوط
عددی مقصوره است و آن نیز در عقد رصد و استخراج زیج و صنعت اسطرلاب و کتابت تقویم از سهو و غلط مصون نیست پس بر وجود
این همه قصور بر وی آن سوای حیرت و تضییع عمر حاصلی ندهد و مؤید اینست آنکه کسی از حضرت امام رسید که علم نجوم میکنم و مردم
منع میکنند و اگر ضرر بدین من دارد ترک کنم فرمود ضرر ندارد اما علمیست که بسیارش را ندانند و کمش نفع ندارد و بعد از آن کوکبی
نام را سؤال نمود از بعضی احوال آن استفسار فرمود گفت نام این کوکب را هرگز نشنیده و در کتابی ندیده ام فرمود و الله که این حساب را
بجا نتوانی دانست که نی که در میان نی زار است کدام است و در هر طرفش چند عود نی هست تا آنکه یک نی از علم تو بیرون نرود و ایضا
مرویست که آنحضرت علیه السلام بدیگری فرمود که شما بطالع قمر حساب میکنید چه قدر حساب را زین توان استنباط نمود و امثال این اخبار
بسیار است **دوم** آنکه تاثیرات حرکات افلاک و کواکب بسبب اختلاف طالع مولود ها مختلف شود زیرا که نظری خاص با طالع
خاصی اثری کند و با طالع دیگر تاثیر دیگر کند و لازم آید که چون چند کس در یکساعت کاری کنند برای همه یک اثر داشته باشد و حال آنکه تجربه
خلاف اینست و مؤید اینست آنکه حضرت امام علیه السلام بکسی که از نجوم سؤال کرده بود فرمود چه میگوئی چون دو لشکر باهم ملاقات کنند و هر کدام منجمی
دارند که برای ایشان اختیار ساعت سعد میکند و چون محاربه میکنند یکی منصور و دیگری مقهور گردد پس نحوست در آن وقت کجا بود بعد از آن
فرمود این حساب را کسی داند که مواليد خلق را داند **سیم** و این اهم از آن دو است اینکه مقصود اصلی از دین مبین اینست که روی دل خلق
را از همه چیز غیر خدا است بخدا باز گردانند و توکل و اعتماد در جمیع احوال بر خدا داشته باشد و چون آدمی در مجاری احوال از سعد و نحس عالم
خبر نداشته باشد ناچار دست از همه اسباب بگسسته متشبث برحمت خدا شود و از همه چیز نومید گشته و اعتماد بر بدیه توکل بر او کند و دم بدم
و لحظه بلحظه مترصد فضل و منتظر رحمت او باشد و از هیچ کس غیر او امید توقعی نداشته باشد و با وجود اینکه غرض اصلیست متوسل بصدقات
و ادعیه و اذکار و معترف بقصور و ذنوب و استغفار شود و بفضایل و ثواب آنها فایز گردد پس اگر آن ساعت در واقع سعد باشد و شری
در آن امر که مقصود او است مقدر نباشد با وجود آن همه فضایل کارش نیز بسامان بلکه بسبب آن توسلات بسامان تر و سعادتش
بیشتر باشد و اگر آن ساعت در واقع نحوسی داشته باشد پس آن نحوست اگر از امور محتومه لازمه نباشد بصدقات و توسلات مرتفع گردد
و بر آن فضایل و حصول مطالب نیز فایز شود و اگر از امور محتومه باشد و البته اثر کند بفضایل توسلات فایز گردد و شری که از

نحوست ساعت رود بموجب زیادی حسنات و محو سیئات و رفع درجات گردد چنانکه مرویست که خاری بپای مؤمن نرود مگر
آنکه برای او حسنه ثبت شود یا سیئه محو گردد و امثال این روایات بسیار است بخلاف آنکه بعضی ناقصان اگر اطلاع بر سعد و نحس ساعت
داشته باشد اعتماد بر آن کرده بمقدار آنکه اعتماد کند توکل و التجای ایشان بجناب الهی نقصان یابد و قصور پذیرد گاه باشد که بسبب اعتماد
بر سعادت ساعات از فضایل صدقه و دعا و سایل بالکلیه یا از بعضی از آنها محروم گردد و اگر نحوست در ساعت بیند از بیم آن فضایل
محروم گشته از مطلب و از کرامات اخروی بر تقدیر تاثیر نحوست بی نصیب ماند و چون اینجا دانسته شد بدانکه نحوست بعضی ایام و ساعات
که در احادیث وارد شده که بعضی از آنها در این مقام مذکور شد بعضی نیز در باب نکاح و باب سفر انشاء الله مذکور شود دو قسم است یکی
آنکه تاثیرش نه از جهت طبیعت و خاصیت آن یوم و وقت است بلکه بسبب وقایع است که در آن وقت شده مثل روز عاشورا و روز دوشنبه
یا بسبب کمال تعظیم آن روز است مثل روز جمعه و این قسم در نحوست نظر ترتب عقد ایشان است در شرعیات چنانکه گذشت و قسم دوم آنکه نحوستش
از جهت طبیعت و خاصیت است مثل قمر در عقرب و شاید نیز این قسم فی تاثیری در طبیعت است و مخفی نماند که این وجوه که برای نهی عمل بنجوم مذکور
شد در این قسم ساعات نیز جاریست به تواند بود که روز چهارشنبه مثلا بحسب طبیعت خود نحس باشد اما اگر با سعادت دعا و صدقه با سعادت
فلان روز چندم فلان ماه یا با سعادت طالع مولودی جمع شود مساوی شوند بلکه گاه باشد که سعادت این غالب شود و باین سبب است
که همه اهل بیت طاهرین علیهم السلام بمراقبت در این اوقات منحوسه نهی نموده و اهتمام در اجتناب از آنها نفرموده اند بلکه همه را امر بدعا
و صدقه و بسم الله و توکل بر خدا فرموده اند با روزها عداوت مکنید تا روزها با شما عداوت نکنند و امثال آن که اگر نحوستی باشد ببرکت این
وسایل رفع گردد و اگر سعادتی باشد زیاد شود و چرخ لازم نیاید کار دشوار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم که حمله عرش چون از
برداشتن عرش عاجز بودند حوله گفتند برداشتن آسان گشت چون کاری کنم میگیم یا بکنید موقوف بمشیت الهی ساخته انشاء الله بگوید مرویست
که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مسئله پرسیدند فرمود فردا جواب بگویید و انشاء الله نگفت ده روز یا بیشتر وحی از آنحضرت محبوس شد تا آنکه
تکذیب آنحضرت کردند و غبار ملال از جهت خاطرش نشست پس از تادیب و تعلیم این آیه نازل گشت و لا تقولن لشيء اني فاعل
ذلك غدا الا ان يشاء الله و حضرت سلیمان ع گفت با هفتاد زن مباشرت کنم و هفتاد پسر متولد شود که در راه خدا جهاد کنند
و انشاء الله نگفت هیچکدام حامله نشدند مگر یکی که نطفه طفلی آورد و مرویست که اگر گفته بود همه جوانان میبودند که جهاد کنند و در حکایت
بقره بنی اسرائیل که در آخر گفتند انا ان شاء الله لمهتدون مرویست که اگر نگفتند تا ابد قصه ایشان معلوم نمیشد و حضرت صادق
ع باصحاب فرموده کتابتی برای مطالب چند بکسی نوشتند چون بعرض حضرت رسید فرمود انشاء الله ننوشته اید چون توقع ساخته شدن
کارها دارید پس فرمود در هر مطلبی انشاء الله نوشته اند استخاره چون در کاری متردد باشد استخاره کند و در استخاره طرف متعدد وارد
شده از آنجمله چند طریقه ذکر کنیم اول استخاره با تسبیح ده مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه الحمد و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و سه مرتبه بگوید
اللهم اني استخيرك لعلمك بعاقبة الامور و استشيرك لحسن ظني بك في المأمول و المحذور اللهم ان
كان الامر الفلاني مما قد نيطت بالبركة اعجازه و بواديه و حفت بالكرامة ايامه و لياليه فخر لي

فیه

فيه خيرة ترد شموسه ذلولا و تقعص ايامه سرورا اللهم اما امر فآتمر له و اما نهي فانتهي
اللهم اني استخيرك برحمتك خيرة في عافية و حاجت را در دل بگذارند پس یک قبضه از تسبیح بگیرد و بشمرد اگر
زوج باشد بکند و اگر فرد باشد ترک نماید و اگر بعکس آن نیز قصد کند تواند دوم استخاره با قرآن مجید الحمد و آیة الکرسی
و عنده مفاتح الغیب تا آخر آیه بخواند و ده مرتبه صلوات فرستد پس بگوید اللهم اني توكلت عليك و تفاءلت بكتابك
فأرني ما هو المكنون في سرك المخزون في غيبك اللهم ارني الحق حقا حتى اتبعه و ارني الباطل باطلا
حتى اجتنبه برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از آن مصحف بگشاید و از صفحه راست جلاله بشمرد و بعدد جلالات از جانب
چپ ورق بشمرد پس بآن عدد سطر از صفحه چپ بشمرد بعد از آن سطر آخر مضمون آیه هر چه باشد عمل کند سیم استخاره ذات
الرقاع بر شش پاره کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحيم خيرة من الله العزيز الحكيم لفلان بن فلانة بعد از آن بر سه پاره کاغذ افعل
و بر سه کاغذ لا تفعل بنویسد و کاغذها را در زیر سجاده گذارد و دو رکعت نماز گذارد بعد از آن سجده کند و در سجده صد مرتبه بگوید استخير
الله برحمته خيرة في عافية پس بنشیند و بگوید اللهم خر لي و اختر لي في جميع اموري في يسر منك و عافية
پس کاغذها را برهم زند و یک یک از سه کاغذ بیرون آرد پس اگر هر سه افعل یا هر سه لا تفعل باشد بمقتضای آن عمل کند و اگر مختلف
باشد تا پنج کاغذ بیرون آرد پس افعل یا لا تفعل هر کدام بیشتر باشد چنان کند چهارم آنکه دعا کند و از خدای تع در آن کار طلب
خیر نماید پس توکل نموده شروع در آن کند اگر کارهای سهل باشد مثل بنده خریدن و فروختن و امثال آن هفت مرتبه کافی باشد و اگر
کاری عظیم باشد صد مرتبه بهر عبارت که خواهد و اگر بیکی از دو عبارت که در استخاره ذات الرقاع گذشت بگوید مستحسن باشد و نیز مروی
که هر کس بسند عا هفتاد مرتبه دعا کند البته آنچه خیر است خدای تع برای او اختیار فرماید یا ابصر الناظرين و يا اسمع السامعين
و يا اسرع الحاسبين و يا ارحم الراحمين و يا احكم الحاكمين صل على محمد و اهل بيته و خر لي في كذا و حضرت صادق ع
فرموده بگیر بند طلب خیر کنند و استخاره نماید و بآنچه خدای تع برای او اختیار کند راضی باشند البته آنچه خیر است خدای تع برای ایشان
اختیار فرماید و هم آنحضرت ع فرموده چون استخاره کنید بعافیت و سلامت طلب کنید چه بسا باشد که خیر کسی در قطع دست یا مرگ
ولد یا تلف مال دیگر باشد پنجم مشورت با عقلا مرویست که با عقلا در کارها مشورت کنید و آنچه اختیار کنند خلاف آن
مکنید که موجب ندامت باشد و مرویست که هیچ جمعی مشورت نکنند که کسی محمد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته باشد با ایشان الا
حاضر شود مگر آنکه خیر برای ایشان اختیار شود چشم زخم مرویست که ایمن مباش از اثر چشم بر خود و بر دیگری که اثر چشم حقست
و اگر چیزی بر قدر الهی پیشی گیرنده تواند چشم زدنست و چون از کسی چیزی بر بینند که بنظر خوش آید اول مبارک باد گویند
و روایت دیگر آمده که بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله از ضرر چشم ایمن باشد و روایت دیگر آمده که چون از
چشم زخم بترسید و آن یکاد بخوانید یا سه مرتبه بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله از مضرت ایمن باشید و نیز مرویست که
چون جامه نو بپوشید که از آن خوش آید وقت بیرون رفتن از خانه معوذتین بخوانید که انشاء الله تعالی از چشم زخم ایمن شوید

۷۳

و حضرت امام رضا علیه السلام بکسی فرمود که غالیه برای او ساخته چون بنظر مبارک رسید از آن خوش آمد فرمود الحمد لله و قل هو الله و معوذتین
و آیة الکرسی بنویس و در غلاف شیشه بگذارد که از چشم محفوظ باشد بشارت چون خبری خوش بشنوند بگویند الحمد لله و در روایت دیگر آمده
که هر شکر چون نعمتی یا احسانی یا رفع مکروهی از خدای تعالی برسد بگوید الحمد لله شکر آن گذارده باشد و اگر مرتبه دوم بگوید فوائدش تجدید شود
و چون مرتبه سیم بگوید گناهانش آمرزیده شود و اگر سجده شکر کند ده حسنه نوشته شود و ده خطیئه عظیم محو گردد و ده درجه در بهشت بلند
شود و مرویست که چون نعمتی بیشتر شده بیاد آید اگر در جای باشد که کسی نبیند سجده کند و اگر در پیش مردم باشد بهتر آنست که به بهانه پشت
خم کند و قصد سجده و تواضع خدای تعالی کند و اگر سوار باشد فرود آید و سجده کند و اگر اندیشه شهرت و ریا کند بر قربوس زین سر بگذارد
و اگر نتواند بر کف دست بگذارد و حمد خدا کند و اگر مکروهی یا خلاف خواهشی سانح شود بگوید الحمد لله علی کل حال و نگوید کاش چنین نمی
بود و هم چنین اگر از کسی انعام و احسان و مهربانی واقع شود شکر و دعا و مدح او باید کرد و حق باید دانست و مرویست که هر کس شکر
مردم بیشتر بکند شکر خدا بیشتر کرده و کسی که شکر مردم نکند شکر خدا نکرده و نعمت هر چند کم باشد خواه از جانب خدا و خواه از مردم چون
شکر آن بجا بیارند موجب زیادتی شود و اگر حقیر شمارد و شکر نگذارد موجب حرمان زیاده شود و سبب سخط و غضب گردد
چون مبتلا بر بلیه ببیند سه مرتبه آهسته چنانکه او نشنود و دیگر نشنود بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاه به و لو شاء لفعل
هر که این بگوید مبتلا نشود و اگر خواهد چنین بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن خلق و چون
یهودی یا مخالفی در دین ببیند بگوید الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی
اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة خدای تعالی او را با او در دوزخ با هم جمع نکند فال بد چون چیزی ببیند
که بفال خوب ندانند توکل بر خدا کند و دل را از تشویش آن خالی سازد و حوقله مکرر بگوید از شر آن ایمن شود و مرویست که فال بد
چنان شود که کسی با خود بگیرد اگر سخت گیرد سخت شود و اگر سهل گیرد سهل شود و اگر هیچ نگیرد هیچ نشود و دوای آن توکل است غضب چون
مستولی شود بر زمین بنشیند و بر خیزد و دور شود و از شیطان استعاذه کند و صلوات بفرستد و بگوید و یذهب غیظ قلوبهم
اللهم اغفر لی ذنبی و اذهب غیظ قلبی و اجرنی من الشیطان الرجیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و اگر خواهد این دعا بخواند اللهم اذهب عنی غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی و اجرنی من مضلات الفتن
اسئلک رضاک و اعوذ بک من سخطک اسئلک جنتک و اعوذ بک من نارک و اسئلک الخیر
کله و اعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی و الصواب و اجعلنی راضیا مرضیا غیر
ضال و لا مضل چون صدای خروس بشنود بگوید سبوح قدوس رب الملائکة و الروح سبقت رحمتک
غضبک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عملت سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی و ارحمنی انه لا
یغفر الذنوب الا انت چون صدای الاغ و سگ بشنود از شیطان استعاذه کند چون خنده قهقهه کنند بگوید
اللهم لا تمقتنی چون عطسه کند دست بر دماغ گیرد و بگوید الحمد لله رب العالمین الحمد لله حمدا کثیرا کما هو اهله و

صلی

۷۴

صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم طایری که کوچکتر از ملخ و بزرگتر از مگس از دماغ چپش بیرون آمده تا زیر عرش پرواز کند
و تا روز قیامت بر او استغفار کند و در روایت دیگر آمده که چون کسی عطسه کند و بگوید الحمد لله ملکین که بر دو دوش اند گویند رب العالمین
کثیرا لا شریک له و اگر این را هم بگوید گویند صلی الله علی محمد و اگر این را هم بگوید گویند و علی آل محمد و اگر این را هم بگوید گویند رحمک
الله و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال از درد دندان و گوش ایمن باشد و کسی در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
عطسه کرد و الحمد نگفت و صلوات نفرستاد آنحضرت او را دعا نکرد و فرمود حق ما را ضایع کرد چون این بشنید صلوة فرستاد
بعد از آن دعا فرمود و چون عطسه را دیگری بشنود و حمد خدا کند و صلوة فرستد از درد چشم و دندان ایمن شود و او را دعا کند و بگوید
یرحمک الله تا سه مرتبه چنین بگوید و اگر از سه مرتبه بیشتر شود بگوید شفاک الله که بیشتر از سه مرتبه از علتی است و اگر طفلی عطسه کند بگوید زرعک
الله و اگر مریض باشد بگوید شفاک الله و مرویست که مؤمن را حقوق چند است که اگر در آن تقصیر کند روز قیامت طلب حق خود
کند و خدای تعالی برای او حکم فرماید و از آنجمله دعای عطسه است و جواب دعای عطسه بگوید و یهدیکم الله و یصلح بالکم نسیان
چون چیزی فراموش کند و بیاد نیاید دست بر پیشانی گذارد و بگوید اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الامر به
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تذکرنی ما انسانیه الشیطان چون در ورطه گرفتار شود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین خدای تعالی بلا را از او دفع کند غم و مکروه
و غیر آن از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود عجب دارم از چهار کس که پناه بچهار چیز نبرند کسی که از چیزی ترسد چرا پناه باین آیه
نبرد حسبنا الله و نعم الوکیل که خدای تعالی بعد از آن وعده سلامت و سرور و نعمت فرموده و کسی که غمگین باشد چرا پناه باین
آیه نبرد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین که خدای تعالی بعد از آن وعده نجات از غم فرموده و کسی که از
مکر و غدر ترسد چرا پناه باین آیه نبرد و افوض امری الی الله که بعد از آن وعده امن و سلامت از مکر فرموده و کسی که مال
خواهد چرا پناه باین آیه نبرد ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله که بعد از آن وعده مال و فرزند فرموده و در روایت
دیگر آمده که برای زوال غم سر سوی آسمان کند و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم که خدای تعالی کربت و غمش را فرج دهد و نیز مرویست
که هر کس را غم آید این دعا بخواند خدای تعالی غمش را بفرج بدل گرداند اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک ناصیتی
بیدک ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته
فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع
قلبی و نور بصری و شفاء صدری و جلاء حزنی و ذهاب غمی و همی و اگر خواهد بگوید یا من یکفی من کل
شیء و لا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی که حضرت صادق علیه السلام مجوسی را باین امر فرمود مداومت نمود اندک زمانی
نگذشت که نجات یافت و اگر خواهد این ابیات که منسوبست بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه تکرار کند که مکرر در
سختیها تجربه شده و کم لله من لطف خفی * یدق خفاه عن فهم الذکی * و کم یسر اتی من بعد عسر *

وفرّج کربة القلب الشجی وکم امرٍ تساء به صباحا وتأتیک المسرة فی العشی اذا ضاقت بک الاحوال یوما فثق
بالواحد الفرد العلی تشویش خاطر کمتر بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک
فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبّره تکبیرا حضرت پیغمبر صلعم کسی صاحب عیال و قرض را که از تشویش احوال و پریشانی
خاطر شکایت کرده بود باین ورد تعلیم فرمودند اندک زمانی نگذشت که حالش برفاهیت و جمعیت خاطر مبدل گشت حدیث زبان
وبیهوده گوی باستغفار مداومت نماید چون خسارت در کاری یابد بگوید عسی ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا
راغبون مرویست که اصحاب بستان که بتلف شدن بستان مبتلا گشتند چون این کلمه گفتند بهتر از آن خدای تعالی عوض داد چون
گوش صدا کند بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد ذکر الله من ذکرنی مع چون بشنود که او را مدح میکنند آهسته بگوید انا
اعلم بنفسی من غیری وربی اعلم منی بنفسی اللهم لا تؤاخذنی بما یقولون واجعلنی افضل مما یظنون
واغفر لی ما لا یعلمون چون بعمر چهل سال رسد بگوید رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علیّ وعلی
والدیّ وان اعمل صالحا ترضیه واصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک وانی من المسلمین وخدای تعالی
فرماید در زمرهٔ اهل بهشت حسابش بقبول نمایم واز سیآتش تجاوز فرمایم واین وعدهٔ صادق است که باینان میکنم
گم شده چون چیزی گم شود دو رکعت نماز گذارد بعد از آن دستها بردارد و بگوید یا عالم الغیوب والسرائر یا مطاع یا عزیز
یا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کاید فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة
یا مخلص قوم نوح من الغرق ویا راحم عبرة یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذی النون من الظلمات
الثلاث یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا دالا علی کل خیر یا خالق الخیر ویا اهل کل خیر انت الله
رغبت الیک مما قد علمته وانت علام الغیوب اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترد علی
ضالتی واگر خواهد بگوید یا من لا یخفی علیه مکتوم ولا یشذ عنه معلوم ولا یغالبه ممتنع ولا یطاوله رفیع
اردد بقدرتک علی ما فی قبضتک انک اهل الخیرات یا آیهٔ وعنده مفاتح الغیب بخواند بعد از آن بگوید اللهم
انک تهدی من الضلالة وتنجی من العمی وترد الضالة صل علی محمد وآل محمد ورد ضالتی وصل علی محمد
وآله وسلم یا سورهٔ عبس یا والعادیات بخواند امانت چون چیزی بامانت در جایی گذارد انا انزلناه بخواند محفوظ ماند ان شاء الله
چون باد تند وزد بگوید اللهم انی اسألک خیر ما جاءت به الریاح وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها وشر
ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین عذابا وصلی الله علی محمد وآله وتکبیر بسیار گوید و از بلند
بگوید ان شاء الله تسکین یابد بادهای ظلمانی معوذتین بخواند رعد وصاعقه بگوید سبحان من یسبح الرعد بحمده
والملائکة من خیفته ونیز بگوید اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک باران
بگوید صبا هنیئا داخل خانه چون از در بیرون خانه داخل شود بگوید رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج

صدقٍ واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و چون داخل خانهٔ نشین شود بگوید بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبدک ورسولک صلی الله علیه وآله پس اگر در خانه کسی باشد بر وی سلام کند واگر کسی نباشد
بگوید السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین
تعظیم نام خدا که اگر کاغذی که نامی از نامهای خدا بر آن نوشته باشد در سر راهی وجای بیحرمتی افتاده باشد خدای تعالی هفتاد هزار
فرشته بر آن موکل گرداند که بابالهای خود آنرا محافظت کنند تا آنکه یکی از دوستان خدا آنرا بردارد وخدای تعالی آنرا در علیین ثبت
فرماید وعذاب از والدینش تخفیف دهد اگرچه کافر باشد **باب ششم** در حقوق اموال ورعایت احوال واین مجموع ان شاء
الله در دو فصل بیان شود **فصل اول** در جود و بخل خدای تعالی در قرآن مجید فرموده جمعی که از زکات بخل نورزند ایشان
رستگار واهل نجات اند ونیز فرموده کسی که مال را در راه خدا صرف کند مثل دانهٔ ایست که هفت خوشه از آن بر روید و در هر خوشه صد دانه
باشد وخدای برای هر که خواهد مضاعف میگرداند واز اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که سخی در آسمان و زمین محبوب
واز طینت پاک وآب چشمهٔ کوثر مخلوق است وبخیل در آسمان وزمین مبغوض واز طینت شوره وآب چشمهٔ [illegible] مخلوقست
وسخی در پناه رحمت خدا باشد تا آنکه داخل بهشت شود وکسی که خدای تعالی امید خیر باو ندارد به بخل مبتلا گرداند وسخی نزدیک است
بخدا ونزدیکست به بهشت وسخاوت درختیست در بهشت هر کس بشاخی از آن درآویزد داخل بهشت شود وبخیل از خدا دور واز
آتش دور گردد وبخل درختیست در دوزخ هر کس بشاخی از آن آویزد تا در دوزخش بکشد وهر کس سخاوت بیشتر ایمانش
بهتر وروز قیامت سخی را بیارند وگویند اگر حجتی وحرفی داری بگوی گوید خدایا مرا آفریدی وهدایت نمودی و وسعت عطا
کردی من نیز نعمت ترا بر عباد تو منتشر ساختم باشد که امروز بر من نشر رحمت فرمای پس خدای تعالی فرماید بندهٔ من راست میگوید او را
داخل بهشت کنید وجوان سخی مفرط در گناه پیش خدا دوستتر است از پیر عابد بخیل وبهترین مردم اسخیا اند وبدترین بخلا
واز جمله خلوص مال الا برادران وسعی در حوائج ایشانست و برادران موجب محبت رحمن وحسرت شیطان ودوری از
نیران ودخول جنانست وسخی متقی که تصدیق باین کند که خدای تعالی یک درهم را صد هزار و بیشتر عوض میدهد بهیچ چیزی
اراده نکند مگر آنکه خدای تعالی میسرش شود وروز قیامت در دوزخ مقام کند وهر کس در صرف مال برضای خدا بخل کند
مبتلا شود بصرف اضعاف آن در معصیت خدا واز حضرت امام جعفر ع از تفسیر آیهٔ کذلک یریهم الله اعمالهم
حسرات علیهم سؤال کردند فرمود کسی که مال خود را در طاعت خدا صرف نکند وبگذارد تا بعد از او دیگران صرف کنند پس اگر در طاعت
صرف کنند حسرت برد که ثواب مال خود را در میزان ایشان وخود را محروم بیند واگر در معصیت صرف کنند حسرت برد که خود از
ثواب محروم گشته واعانت معصیت دیگری کرده روزی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه شنید که مردی میگوید بخیل معذورتر است
از ظالم فرمود دروغ میگوی ظالم گاه باشد که توبه واستغفار کند ورد مظالم نماید ونجات یابد وبخیل منع زکوة وصدقه وصلهٔ رحم
وضیافت وسایر حقوق کند وحرامست که بخیل داخل بهشت شود **فصل دوم** در فضایل زکوة وصدقات

منع آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هرکس زکوة مال خود را از روی طوع و رغبت بدهد خدای تعالی در بهشت معد دهد او را
یک قصر طلای یکی نقره و یکی لؤلؤ و یکی زبرجد و یکی زمرد و یکی گوهر و یکی از نور رب العزت عطا فرماید و هیچ کس زکوة ندهد مگر آنکه
مالش زیاد شود و مرویست که هیچ یک از طیور صید نشود مگر آنکه در ذکر و تسبیح خود تقصیر کرده باشد و هیچ مال تلف نشود
مگر آنکه در زکوتش کرده باشد و ملعونست مالی که زکوة آن ندهد و خدای تعالی فرض زکوة را قرین فرض نماز کردانیده پس
کسی زکوة ندهد نمازش مقبول نشود و هر کس یک قیراط که در مکه معظمه ربع سدس دینار است منع کند نه مؤمن باشد و نه مسلم
و چون بمیرد یهودی باشد یا نصرانی و روز قیامت اژدهایی از آتش طوق کردنش شود و عذابش کنند تا وقتی که از حساب فارغ
شود و هر کس زکوة طلا و نقره را منع کند خدای تعالی او را روز قیامت او را در بیابانی محبوس سازد و ماری عظیم که از بسیاری زهر موی
سرش ریخته باشد بر او مسلط کرداند و چون هر چند کریزد نجات نیابد تا چار دست خود را باو دهد تا بدندان پاره پاره کند پس بر کردنش
بپیچد و عذابش کند و هر کس زکوة کوسفند و غیر آن از حیوان را منع کند در بیابانی محبوس کردد که هر حیوان صاحب سم او را پامال کند
و هر حیوان دندان دار با دندان پاره پاره‌اش کند و هر کس زکوة غله و خرما و مثل آنرا منع کند زمین عکس با هفت طبقه طوق کردنش
شود و مرویست که روز قیامت جمعی از قبر بیرون آیند دستها بر کردن بسته و ملایکه چند بر ایشان موکل باشند و ایشانرا سرزنش
کنند و کویند اینانند که حق خدا از مال خود نداده‌اند و بجزی قلیل از خیری کثیر محروم کشتند و چون مردم منع زکوة اموال خود کنند زمین
هم باذن خدا برکات و خیرات خود منع کند و موجب قحط و تنکی باشد و ادای زکوة و سایر فرایض و واجبات علانیه باید و صدقات
و سایر مستحبات پنهانی افضل است و ثواب مستحبات پنهانی هفتاد برابر علانیه است

فصل سیم در صلهٔ اهل بیت طاهرین علیهم السلام و ذریت طیبین و اتباع ایشان از مؤمنین سلام الله علیهم اجمعین مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود که هر کسی
یکی از اهل بیت من احسان کند من در روز قیامت آنرا مکافات کنم و فرمود من در روز قیامت چهار کس را شفاعت کنم
اگرچه با کناه تمام اهل دنیا بیایند کسی که نصرت ذریت من کرده و کسی که مال خود را در وقت تنکی بذل ایشان نموده و کسی که بدل
و زبان با ایشان محبت داشته و کسی که در حوایج ایشان سعی کرده و حضرت صادق ع فرمود روز قیامت منادی ندا کند که ای
خلایق خاموش باشید که حضرت محمد صلعم با شما کفتکو میکند پس آنحضرت برخواسته کوید ای معشر خلایق هر کس را پیش من نعمتی و منتی و
احسانی باشد برخیزد تا آنرا تلافی کنم همه کویند پدر ما و مادر ما فدای تو باد کرا حد آن که نعمت و منت و احسان بر تو داشته باشد
بلکه نعمت و منت و احسان و شفقت همه خدا و رسول خدا راست بر جمیع خلایق پس آنحضرت کوید بلی هر کس یکی از اهل بیت مرا
پناه داده یا با ایشان نیکی کرده یا برهنهٔ ایشانرا پوشیده یا کرسنه را سیر کرده بیاید تا مکافات آن کنم پس جمعی که این کارها کرده باشند
برخیزند پس از جناب الهی ندا آید ای حبیب من مکافات ایشانرا بتو مرجوع داشتم در هر جای بهشت که خواهی ایشانرا جای ده پس
ایشانرا در وسیله که درجهٔ ایست مخصوص آنحضرت و اهل بیتش جای دهد تا در خدمت ایشان باشند و در میان ایشان حجاب مانعی
نباشد و هم از آنحضرت صلوات الله علیه فرموده هر کس قادر بر صلهٔ ما نباشد با صلحای شیعهٔ ما صله بجا آرد تا ثواب صلهٔ ما داشته باشد

فصل چهارم در فضایل معروف و احسان مرویست از اهل بیت احسان علیهم السلام که بهشت دریست که آنرا معروف
نام است از آن در داخل نشوند مکر اهل معروف در دنیا و اول کسی که داخل بهشت و وارد حوض کوثر شود معروف و اهل معروفند
و سه چیز است که موجب زیادی عمر و بقای نعمت است یکی طول رکوع و سجود دوم طول جلوس بر سفره سیم اصطناع معروف و احسان
و صاحب معروف از مهالک و در طها محفوظ باشد و چون اهل بهشت داخل بهشت شود و خدای تعالی باد خوشبوی را امر فرماید
که با اهل معروف ملاحق شود که هر یک از ایشان بجمعی از اهل بهشت کذرد از بوی خوش بشناسند که صاحب معروفست و هر کس بمؤمنی
احسانی و معروفی کند خدای تعالی روز قیامت بآن مؤمن فرماید برو و هر کس با تو معروفی بجا آورده اکر در دوزخ باشد
بیرون آر کس برود و بیرون آورد و دوستترین بندکان پیش خدا کسی است که معروف را دوست دارد و هیچ چیز بهتر از معروف
نیست مثل ثوابش و مرویست که بهر کس باشد اصطناع معروف کنید که اکر او اهل آن نباشد شما اهل آن باشید و اکر کسی در جانب
راست شما را دشنام دهد و بجانب چپ آمده عذرخواهی کند قبول کنید و در برابر احسان اکر بهمان قدر احسان کنی تلافی
کرده باشی و اکر زیاده کنی شکر آن بجا آورده باشی و چون شکر بجای آری کریم باشی و هر کس بداند که چون بکسی نیکی و احسان کند در واقع
بخود کرده توقع مدح و شکر و زیادی محبت از و نداشته باشد و چه جای توقع که باحسان حفظ عرض خود در تحصیل ثواب و فضایل
برای خود نموده و کسی که اعانت و سعی برای خیری کند مثل فاعل آن خیر است و مرویست که برای یکدیکر هدیه بفرستید که سبب محبت
و اصلاح رنجش و عداوت شود و کاری که ضررش با نیکی بیشتر از نفعش بدیکری باشد نباید کرد و چون بکسی احسانی کنند اکر تواند
تلافی کند و کرنه مدح و شکر کند و کرنه کفران کرده باشد و حضرت صادق ع فرمود خدای تعالی لعن کرده قاطع سبیل معروف را
پرسیدند که کیست او فرمود کسی با و معروفی کنند و کفران کند که سبب این شود که دیکر معروف نکنند و باید دانست که هر احسانی
و نیکی از مال و غیر مال داخل معروفست

فصل پنجم در فضایل صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدای تعالی
فرماید من هر چیز کسی مقرر کرده‌ام بغیر صدقه که آنرا خود بکیرم حتی آنکه اکر کسی خرمای یا نصف خرمای صدقه دهد آنرا برای او تربیت کنم و زیاد کنم
تا روز قیامت مثل کوه احد یا بزرکتر باشد و هفتاد نوع بلا از بلاهای دنیا رفع کند بغیر ثوابی که در آخرت مهیا است و صدقه از چنک هفتاد
شیطان بیرون آید که همه مانع باشند و هیچ چیز بر شیطان کرانتر از صدقه نیست و هر کس اول روز صدقه دهد نحوست و شرور آن روز از او
دفع شود و اکر اول شب دهد نحوس و شرور آن شب رفع کردد روزی یهودی بحضرت پیغمبر صلعم کذشت حضرت فرمود امروز ماری سیاه در قفای
این یهودی را بزند و او را بکشد پس یهودی هیزم بر پشت کذشته و بعد از پشتاره هیمه بر دوش مراجعت کرد حضرت فرمود هیمه را بر زمین کذاشت
ماری سیاه بر چوبی چسپیده بود پرسید ای یهودی امروز چه کرده‌ای کفت دو نان داشتم یکی را خوردم و یکی را تصدق کردم حضرت
فرمود ببرکت این تصدق شر این مار از تو دفع شده و حضرت امام جعفر ع فرمود میان من و منجمی قسمت زمینی بود و او می‌خواست
که من در ساعت نحس و خودش در ساعت سعد بیرون رویم چون رفتیم و تقسیم کردیم قسمت خوب بمن افتاد منجم دست بدست زد از روی
حیرت و حسرت کفت هرکز چنین چیز ندیده بودم من کفتم بلی من وقت بیرون آمدن تصدق کردم و آن بهتر از نجوم تو بود و هم از ایشان

علیهم السلام مرویست که در زمان بنی اسرائیل چند سال قحطی عظیم شد روزی زنی لقمهٔ نان داشت در دهنش گذاشت که بخورد سایلی سؤال کرد
آن لقمه را از دهن بیرون آورده بسایل داد اتفاقاً آن زن را طفل صغیری بود در صحرا گرگ او را ربود طفل فریاد کرد مادرش خبر یافته
در پی آن روان گشت جبرئیل آمد و طفل را از دهن گرگ گرفته باو داد و گفت این لقمه عوض آن لقمه است و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که مردی از بنی اسرائیل پسری داشت یکی از اولیاء الله باو خبر داد که پسرت در شب عروسی خواهد وفات کرد چون شب عروسی
رسید پسر پیر عاجزی را دید برو رحم کرد طعامش داد پیر گفت مرا زنده کردی خدا ترا زنده دارد در پس کسی در خواب باو گفت خدای تعالی به
سبب آن تصدق مرگ را از پسرت دفع فرمود و نیز مرویست که هیچ کسی صدقه را در دنیا خوب نکند مگر که خدای تعالی بعد از وفات اولادش
را خوب کند و مرویست که هر چه میسر شود تصدق کنید اگر چه بنصف خرمائی باشد و از دادن کم شرم مکنید که هیچ کمتر از کم است و چون بنده
با آنچه میسر شود باشد جود کند پیش خدا عظیم باشد و اگر هیچ نباشد بکلام ملایم و زبان خوش جواب گوید و روز قیامت خدای تعالی فرماید
من بشما انعام و احسان نفرمودم مال و فرزند ندادم چشم و گوش عطا نکردم گویند بلی پس گوید به بینید که برای امروز چه مهیا کرده اید
پس هر چند باطراف نظر کنند چیزی نیابند که آتش را از ایشان دفع کند و زمین قیامت تمام آتشی است مگر سایهٔ مؤمن که صدقات پیش
برایش سایه کند و آتش را منع نماید و کسی که صدقه را برای محتاجی برد مثل ثواب کسی دارد که آن صدقه را داده و مرویست که آنقدر صدقه
بدهید که گویید اسراف کردیم و اما اسراف نکرده باشید و نیز مرویست که تا توانید صدقه بدهید و از پریشانی نترسید که هرگز کسی از صدقه دادن
پریشان نشود و مال زیاد کند و دین ادا نماید و کسی بحضرت موسی ع شکایت کرد که پریشانی من بجائی رسیده که فلانی دو جامه از بدن خود
بیرون کرده بمن داد فرمود در روزه بگو تصدق کن گفت از آنچه مردم بمن میدهند بدهم فرمود هر چه میسر شود بده اگر چه خود بآن حاجت
داشته باشی و هر احسانی و مهربانی که بکسی کنی صدقه باشد حتی آنکه کری سخن گوی حرف را باو بشنوانی چنانکه او را نرنجانی و افضل صدقات
آنست که پنهان باشد که صدقهٔ پنهان آتش غضب خدا را بنشاند و صدقهٔ شب شعلهٔ غضب الهی را ساکن کند و گناه عظیم را محو کند
و حساب قیامت را آسان کند و صدقهٔ روز مال را زیاد کند و خطاهای عظیم را بگدازد چنانکه آب نمک را و حضرت عیسی ع بکنار
دریا گذشت و قرص نان در آب انداخت حواریین گفتند یا روح الله این نان قوت تو بود فرمود حیوانات آب بخورند و ثواب این پیش
خدا عظیم است و افضل صدقات آنست که در وقت تنگی و پریشانی باشد و دیگری را بر خود اختیار کند و اگر عیال بعد از آن خویشان
بعد از آن همسایگان محتاج باشند صدقه بدیگری نشاید داد و هر چند بکسی نزدیکتر و حقش بیشتر صدقه بر او افضل باشد و مرویست که
افضل صدقات آنست که بخویشی دهند که عداوت ایشان در دل داشته باشد و صدقه یکی بده عوض یابد و صلهٔ دوستان یکی به بیست
و صلهٔ خویشان یکی به بیست و چهار و در صدقه حق باید که گذاشت و سایل را نباید رنجانید که قرابتش باطل شود و بکلمهٔ خوش جواب گوید
بهتر آنست که صدقه دهند و برنجانند و افضل آنست که آنچه مقدور شود بدهد و ملایمت و عذرخواهی با آن ضم کنند که این صدقهٔ
دیگر است افضل از صدقهٔ اول و چه جای منت و رنجانیدن باشد که باندک چیزی که از مال دنیای دنی دهند منافع بسیار و عافیت
از بلاها و ثواب عظیم در بهشت برای خود کسب کنند و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود حق فقرا و مساکین بشناسید که اگر ایشان نمی

بودند

بودند صدقه قبول میداری و فضایل و ثواب صدقه چون می یافتید و دفع بلاها چون میکردید و چون برای خدا و برای صدقه جدا کنند آنرا دیگر
داخل مال و صرف خود نباید کرد بلکه اگر آن سایل رفته باشد یا قبول نکند بدیگری باید داد و مرویست که کسی آنچه برای صدقه جدا کرده با مال خود برگرداند
مثل کسیست که قی کند **فصل ششم** در مذمت سؤال و رد سایل مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سایل را رد مکنید اگر چه بر
اسب سوار باشد که اگر نه آن می بود که سایلان دروغ گویند نجات نمی یافت کسی که ایشان را رد کند و اگر چیزی مقدور نشود بملایمت عذر
باید خواست که باید که ملکی برای امتحان بصورت انسان سؤال کند و هر چه پیش از سؤال بدهید احسانست اما بعد از آنکه با دل طپان و
اعضای لرزان و تشویش میان یأس و امید آبروی خود بریزد و سؤال کند هر چه دهید عوض آبرو و تشویش او باشد و احتیاج امانتیست
از خدا در پیش بندگان هر کس آنرا پنهان دارد ثواب آنرا با ید عبادت کرده باشد و اگر افشای آن کند هر کس بشنود لازم است که اعانت
نماید و اگر مردم بدانند که عطا چه قدر خوبست هرگز رد سؤال نکنند و اگر بدانند که سؤال چه قدر بدست هرگز سؤال نکنند و نیز مرویست که
از سؤال اجتناب کنید که مذلتست در دنیا و فقریست مهیا و طول حساب در قیامت و هر کس بی احتیاج سؤال کند خدای تعالی او را
محتاج کند تا مضطر به سؤال شود و هر کس قوت سه روزه داشته باشد سؤال کند روز قیامت گوشت در رویش نباشد روزی جماعتی از
حضرت پیغمبر ص التماس کردند که برای ایشان ضامن بهشت شود فرمود ضامن شدم بشرط آنکه شما از کسی سؤال مکنید ایشان ترک
سؤال کردند تا حدی که در اثنای طعام اگر آب بیکی نزدیکتر بودی نمی طلبیدند و خود برمیخواستند و اگر در سواری تازیانه از دستشان می افتاد
فرود می آمدند که بردارند و سؤال نمیکردند **فصل هفتم** در رعایت حال عیال مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدای
تعالی بکسی نعمت دهد واجبست بر او که بر عیال خود توسعه کند و عیال مرد اسیران اویند پس اگر صاحب نعمت بر اسیران خود توسعه نکند نزدیک
باشد که نعمتش زایل شود و چون نعمتی زایل شود زود زود عود نکند و ملعونست کسی که عیال خود بر دیگری بار کند و ملعونست کسی که
عیال خود را مضطر گذارد تا محتاج بدیگری شود و همین گناه بس است مرد را که عیال خود را محتاج گذارد و مؤمن باید چنانکه خدای
تعالی او را وسعت دهد او نیز عیال را وسعت دهد و هر گاه تنگ ترکند او نیز چنین کند و بهترین صدقه و احسان آنست که بعد از قدر کفاف
عیال باشد و هر کس برش با اهل خود نیکو باشد روزیش زیاد شود و حضرت امام زین العابدین ع فرمود وقتی که عیال من رغبت بگوشت
کنند ببازار روم و برای ایشان گوشت بخرم دوست دارم که بنده آزاد کنم و کسی دو دینار طلا بخدمت حضرت پیغمبر ص برده گفت میخواهم باین
مرکبی بخرم که بر آن سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند فرمود والدین داری صرف ایشان کن که افضل است رفت و چنان کرد و باز دو دینار دیگر
آورد فرمود زن داری صرف او کن که افضل است چنان کرد و دو دینار دیگر آورد فرمود خادم داری صرف او کن که افضل است چنان کرد
و دو دینار دیگر آورده گفت باین مرکبی بخرم اما بدانکه این افضل از آنها نیست و مرویست که مؤمن بخواهش اهل خود چیزی میخورد و منافق
بخواهش خود **فصل هشتم** در احسان مؤمن بطعام و جامه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بمؤمنی احسان کند
چنانست که بحضرت پیغمبر ص کرده باشد و هر کس مؤمنی را طعام دهد بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند و ده حج گذارد و یک مؤمنی را
طعام دهد چنانست که یک کسی از اولاد اسمعیل را از ذبح نجات دهد و اگر مؤمن فقیر را طعام دهد چنانست که ده کس از اولاد اسمعیل را

از رنج نجات دهد و هر کس یک لقمه بمؤمنی دهد خدای تعالی از میوه های بهشت عوض دهد و بهتر از آنست که یک بنده آزاد کند و اگر مؤمن را طعام
دهد خدای تعالی او را در ملکوت سموات از سه بهشت فردوس و طوبی و جنت عدن طعام دهد و از درختی که خدای تعالی در بهشت عدن بدست
خود کشته نشانده و حضرت امام محمد باقر ع فرمود یک حج گذارم دوستتر دارم از آنکه هفتاد بنده آزاد کنم و اهل خانه یک خانه از مسلمین را سیری
خود کنم گرسنه ایشان را سیر گردانم و برهنه را بپوشانم و ایشان را از حاجت مردم برهانم دوستتر دارم از آنکه هفتاد حج گذارم و هر کس مؤمنی را
در معیشت اعانت کند یا برهنه را بپوشاند خدای تعالی هفتاد هزار ملک موکل گرداند تا وقت صور برای او همه گناهان او استغفار کنند
و در روایت دیگر هفتاد هزار ملک و هر کس مؤمنی را جامه بپوشاند خدای تعالی او را از جامهای بهشت بپوشاند و سکرات موت بر آن
آسان گرداند و قبرش را وسیع کند و چون از قبر بیرون آید ملایکه استقبالش کنند و بشارتش دهند و از جامهای خاص بهشت در وی بپوشانند
و تا از آن جامه رشته باقی باشد ملایکه بر او صلوات فرستند و در ضمان خدا باشد و نیز مرویست هر کس مؤمنی برهنه را جامه بپوشاند خدای
تعالی او را از استبرق جنت بپوشاند و اگر مؤمنی غنی را بپوشاند در ستر رحمت خدا باشد تا از آن جامه پارچه مانده باشد و مرویست
که احسان شایسته نگردد مگر بسبب سه خصلت یکی آنکه او را سهل و حقیر انگاری تا در نظر آنکس عظیم شود دوم آنکه پنهان داری تا بر وی گوارا
شود سیم آنکه در ادای آن تعجیل کنی تا تمام شود و این سه خصلت را مراعات شود احسان در پیش خدا عظیم گردد **فصل نهم**
در فضایل قرض دادن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ثواب صدقه یکی به ده باشد و ثواب قرض دادن
یکی به هیجده و هر کس بمؤمنی قرض دهد تا وقتی که قدرت بر ادای آن یابد با ملایکه در نماز باشد و برای او بصدقه شود و نیز مرویست که هر کس بمؤمنی
قرض دهد بهر یک درهم مثل کوه احد و طور سینا و رضوی او را حسنات در مدینه حسنات عطا فرماید و اگر مطالبه مدارا و ملایمت کند
بی حساب و عذاب چون برق خاطف از صراط بگذرد و نیز مرویست که هر کس برادر مؤمن را قرض دهد و در مطالبه مدارا کند خدای تعالی
بهر یک درهم هزار قنطار از بهشت عطا فرماید و هر کس بمؤمنی قرض دهد و قضای حاجتش کند و او را مسرور گرداند حضرت پیغمبر صلعم را
مسرور کرده باشد و جنون و جذام و برص از او دفع شود و اگر مقروض باشد و نه بوی بهشت بر او حرام شود و مرویست که قرض
دادن خیر و ضمان آنست و امثال آن از مکارم اخلاق است و جلب رزق کند و مضایقه در آن موروث فقر باشد و هر کس قرض داری
پریشان را مهلت دهد یا چیزی از حق خود باو ببخشد در سایه رحمت خدا باشد روزی که هیچکس را سایه و پناهی نباشد و از حرارت
و خشم جهنم ایمن باشد و چنانست که هر روز مثل آن تصدق کند و اگر میتی را حلال کند بهر درهمی ده درهم ثواب یابد **فصل دهم**
در سایر وجوه خیر و بر و از آنجمله حق معلوم است و حق معلوم آنست که کسی از مال خود قدری معین بقدر وسع خود مقرر گرداند که هر روز
یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال و مجملا مدت معین بفقرا و مساکین دهد خدای تعالی در قرآن مجید فرموده روز قیامت دوزخ آواز کند
و بجانب خود طلب کسی را که از راه راست رو گردانیده و مالها را بر سر هم جمع نموده و ذخیره کرده مگر چند طایفه را یکی آنکه در مال خود
حق معلوم مقرر کرده باشد و از جمله وجوه بنای خیر بنای مسجد است مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که هر کس در دنیا مسجدی بنا کند
خدای تعالی بقدر هر یک وجب از آن بلکه یک ذراع و بروایتی از زاویه بنا کند در بهشت شهری که چهل هزار ساله راه باشد از طلا

ونقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد در هر شهری چهل هزار هزار قصر در هر قصر چهل هزار هزار سرا در هر سرا چهل هزار هزار خانه در هر خانه چهل
هزار هزار سریر بر هر سریر یک حوری و در هر خانه چهل هزار هزار غلام و چهل هزار هزار کنیزک در بهترین اول جوانی و کمال خوبی و چهل هزار
هزار خوان بر هر خوان چهل هزار هزار کاسه در هر کاسه چهل هزار هزار نوع از اطعمه و نعیم باشد و احادیث متعدد آمده که گاهی مرده در اطراف
جاده سنگ چین میکردند برای مسجد از ائمه طاهرین علیهم السلام میپرسیدند که این نیز از آنجمله است میفرمودند بلی و از آنجمله بنای منازل
است در راهها مرویست از آنحضرت صلعم که هر کس در سر راهها پناهی و منزلی بسازد که قافله و مترددین فرود آیند چون روز قیامت
مبعوث شود بر مرکبی از در سوار باشد و نور رویش بر تمام اهل محشر تابان باشد و با ابراهیم ع در مکانش مزاحمت نماید و اهل محشر
گویند این فرشته ایست که مثل او در میان فرشتگان نیست و چهل هزار هزار کس بشفاعت او داخل بهشت شوند و از آنجمله عتق
رقبه است مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بنده مؤمنی آزاد کند خانه در بهشت برایش بنا شود و بهر عضوی از و
عضوی از او از آتش آزاد شود حتی فرج بفرج و کافر و مشرک را نشاید آزاد کردن و اگر طفل یا پیر یا عاجزی آزاد کند باید نفقه اش
بدهند تا وقتی که خودش قدرت بر تحصیل معاش بیابد و بنده که در حال نزع باشد آزاد کردنش سودی ندهد **باب هفتم**
در فضایل روزه و احکام متعلق بآن از آداب و فضل اعتکاف و متعلقات آن از آداب و ثواب و این مجموع انشاء الله در ده
فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل مطلق روزه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر چیزی را زکوتیست
و زکوة بدن روزه است و روزه سپریست از آتش جهنم و روزه دار همیشه در عبادتست اگرچه در خواب باشد مادام که غیبت
مسلمی نکند و خدای تعالی فرموده روزه مخصوص منست یعنی پنهان ترین عبادتهاست و از ریا دور تر است پس جزایش بر منست
و بوی دهن روزه دار پیش من بهتر است از بوی مشک و یک روز روزه که خالص برای خدا باشد برابر است با یکسال و هر کس روزه خود را
پنهان دارد خدای تعالی فرماید ای ملایکه بنده ام از آتش پناه میجوید پناهش دهید ملایکه را فرماید که برای روزه داران دعا کنید
و دعای ایشان را البته اجابت فرماید و هر کس یک روز روزه گیرد در شدت گرما و تشنه شود خدای تعالی هزار ملک موکل فرماید که با آن
ملاطفت و مهربانی کنند و بشارتش دهند تا وقتی که افطار کند و فرماید که خوش آید مرا از بوی تو ای ملایکه گواه باشید که گناهانش
را آمرزیدم و حضرت پیغمبر صلعم روزی فرمود میخواهید شما را چیزی تعلیم کنم که شیطان را از شما دور کند مثل دوری مشرق از
مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود روزه رویش را سیاه کند و صدقه پشتش بشکند و دوستی برای خدا و معاونت بر کار نیک
خیر بیخش از جا بکند و استغفار رگ دلش قطع کند و خواب روزه دار عبادت و نفسش تسبیح و عملش مقبول و دعایش
مستجابست و هر کس یک روز روزه گیرد که بر او واجب نباشد مغفرت گناهانش از خدا واجب شود و بسا باشد که کسی
یکروز روزه گیرد یا دو رکعت نماز گذارد خدای تعالی فرماید بعد از این هرگز ترا عذاب نکنم و بهشت را او را واجب گرداند و چون
روزه دار بمجمعی وارد شود که چیزی خورند هر موی که در بدنش باشد برایش تسبیح کند و ملایکه برایش استغفار نمایند و سه
چیز است که بلغم قطع کند و حافظه زیاد گرداند روزه و مسواک و تلاوت قرآن **فصل دوم** در فضایل روزه

ماه رجب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که رجب نام نهریست در بهشت سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل هر کس یکروز درین
ماه روزه بگیرد از آن نهر بیاشامد و آتش دوزخ صد ساله راه از وی دور شود و در روایت دیگر آمده که هر کس یکروز درین ماه روزه گیرد مخلصا
لله غضب الهی را بنشاند و میان او و دوزخ هفتاد خندق خدای تعالی فاصله کند که عرض هر خندق مثل ما بین زمین و آسمان باشد و بهشت
او را واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس روز اول این ماه روزه گیرد بهشت او را واجب شود و اگر یکروز در میانش
بگیرد شفیع گناهکاران باشد بعدد قبیلهٔ ربیعه و مضر که دو قبیله اند از اعظم قبایل عرب و اگر یکروز در آخرش بگیرد از بادشاهان بهشت شود
و شفیع پدر و مادر و برادر و خواهر و اولاد و عم و عمه و خال و خاله و آشنایان و همسایگان خود شود که همه مستوجب آتش باشند و نیز مرویست که
که هر کس درین ماه یک روز اول و یکروز در میان و یکروز در آخر روزه گیرد گناهان گذشته اش همه آمرزیده شود و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر کس یکروز ازین ماه روزه بگیرد با مادر رحمت باشد و وقت شام او را ده دعای مستجاب اگر برای دنیا دعا کند خدای تعالی
عطا فرماید و اگر بهتر از آنکه هر کس از اولیا و اصفیا دعا کرده اند برای آخرتش ذخیره کند و اگر دو روز روزه گیرد در زمرهٔ صالحین و صادقین محشور شود
و با ایشان به بهشت رود و هیچ کس از اهل آسمان و زمین نتواند بیان کرد آنچه از فضل و کرامت در پیش خدای تعالی برای او مهیاست و گناهان
گذشته اش همه آمرزیده شود و اگر سه روز بگیرد گناهانش همه آمرزیده شود و هر کس از دوستان و آشنایانش را که خواهد شفاعت کند و محبت و حق او
بر خدا واجب شود و اگر چهار روز بگیرد از جنون و برص و جذام و از فتنهٔ دجال و عذاب قبر ایمن باشد و مثل اجر توابین و اوابین برایش
نویسند و نامهٔ اعمالش در دست راست در اول عابدین باو دهند و اگر پنج روز روزه بگیرد روز قیامت رویش مثل ماه شب چهارده باشد و بعدد
ریگ بیابان عالج حسنات دهند و بی حساب به بهشت رود و گویند هرچه میخواهی از خدا طلب کن و اگر شش روز بگیرد چون از قبر برون آید
رویش از آفتاب روشن‌تر باشد و غیر ازین نور دیگر عطا فرماید که تمام محشر از آن نورانی شود و از هول قیامت ایمن باشد و بی حساب به بهشت
رود و اگر هفت روز بگیرد در دوزخ از وی بسته شود و آتش برو حرام گردد و اگر هشت روز بگیرد هشت در بهشت برو گشوده شود و اگر نه روز
بگیرد در روز قیامت او را نورانی عطا فرماید که اهل محشر گمان کنند که مگر از جملهٔ انبیاست و کمترین ثوابش این است که بی حساب به بهشت رود و اگر
ده روز بگیرد خدای تعالی دو بال باو دهد منظوم بدر و یاقوت که چون برق از صراط بگذرد و سیئاتش بحسنات مبدل گردد و از جملهٔ مقربین
نوشته شود و چنانست که هزار سال عبادت کرده باشد و اگر یازده روز بگیرد در روز قیامت مثل وی کسی هیچ نباشد مگر کسی که آنقدر یا بیشتر گرفته
گرفته باشد و اگر دوازده روز بگیرد دو حله از سندس و استبرق بهشت در وی پوشند که اگر یکی از آنها بدنیا آرند نورش از مشرق تا مغرب را
روشن کند و بویش خوشبوتر از مشک گرداند و اگر سیزده روز بگیرد در روز قیامت که هر کس بمحنت و بلیه گرفتار باشد برای او در سایهٔ عرش خوانی
گذارند از یاقوت سبز هفتاد درجه وسیع‌تر از تمام دنیا که در آن کاسه‌ها و صحنها باشد همه از در و یاقوت و در هر کدام هفتاد نوع نعمتها
باشد که هیچ یک بدیگری شبیه نبود و او در گذران بعیش و تنعم مشغول باشد و اگر چهارده روز بگیرد آنقدر قصرها و ثوابها باو دهند که هیچ
چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد و اگر پانزده روز بگیرد روز قیامت در موقف آمنین بایستد و هیچ پیغمبری و فرشته بر او بگذرد
مگر گوید خوشا بحال تو که تو از جملهٔ مقربانی و اگر شانزده روز بگیرد از اول جماعتی باشد که بر مرکبهای نور سوار شوند و در عرصهٔ بهشت

سیر کنند

سیر کنند و اگر هفده روز بگیرد روز قیامت هفتاد هزار شمع از نور برین بر صراط گذراند که در روشنی آنها برود و ملائکه بتسلیم و ملاطفت
مشایعتش کنند و اگر هجده روز بگیرد در جنت خلد بر سریر در و یاقوت با ابراهیم علیه السلام مزاحمت نماید و اگر نوزده روز بگیرد در جنت
عدن برای او قصری بنا کنند از لؤلؤ و در برابر قصر خانهٔ آدم و ابراهیم علیهما السلام که بر ایشان سلام کنند و با هم صحبت دارند و هر یکروز
که روزه گرفته مثل هزار سال عبادت کرده باشد و اگر بیست و یکروز بگیرد بعدد قبیلهٔ ربیعه و مضر گناهکاران را شفیع باشد و اگر بیست
و دو روز بگیرد منادی از آسمان ندا کند که ای ولی خدا مژده باد ترا که بکرامتی عظیم از خدا در رفاقت نبیین و صدیقین و شهدا
و صالحین و اگر بیست و سه روز بگیرد از آسمان ندا کند که خوشا بحال تو که مشقتی کشیدی و دار السلام همسایه و همنشین ابراهیم
گشتی و اگر بیست و چهار روز بگیرد وقت رحلت ملک الموت بصورت جوان صاحب جمال آمده در یکدستش حریری سبز مشک
اذفر معطر و در دست دیگر قدحی طلا مملو شراب جنت از آن شراب باو دهد که سکرات موت آسان شود با آن حریر قبض روحش
کند و ملائکه هفت آسمان ببوی او استنشاق کنند و سیراب در قبر بخوابد و سیراب بیرون آید تا وارد حوض کوثر شود و اگر بیست و پنج
روز بگیرد چون از قبر برون آید هفتاد هزار ملک استقبالش کنند با علمهای در و یاقوت و جامها و زینتهای بهشت در وی پوشند و گویند
ای ولی خدا بشتاب به پیش خدا و اول جماعتی باشد که با مقربین داخل بهشت شود و اگر بیست و شش روز بگیرد در سایهٔ عرش
برایش صد قصر از در و یاقوت بنا کنند بر سر هر قصر خیمهٔ از حریر بهشت در آنجا بفراغت استراحت کند و مردم هنوز مشغول حساب
باشند و اگر بیست و هفت روز بگیرد قبرش را بقدر چهارصد ساله راه وسیع کنند و از مشک و عنبر پر کنند و اگر بیست و هشت روز
بگیرد میان او و دوزخ هفت خندق فاصله کند که عرض هر یک پانصد ساله راه باشد و اگر بیست و نه روز بگیرد همه گناهانش آمرزیده
شود هرچند عظیم باشد و اگر سی روز بگیرد خدای تعالی از و راضی شود و هر کس خدا از و راضی شود هرگز عذابش نکند و در بهشت چهل
هزار هزار خانه و در هر خانه چهل هزار هزار خوان و در هر خوان چهل هزار هزار کاسه و در هر کاسه هزار هزار نوع نعمت و در هر خانه چهل هزار هزار سریر
که طول هر سریر دو هزار ذراع باشد بر هر سریر حوری نشسته هر یک را سیصد هزار گیسو آویخته و هزار هزار کنیزک در خدمت ایستاده

فصل سیم در فضایل روزهٔ ماه شعبان مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که فرموده ماه شعبان ماه من است هر کس یکروز ازین ماه روزه گیرد
و من شفیع او باشم و اگر دو روز گیرد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و اگر سه روز گیرد ملکی ندا کند که اعمال از سر گیر که گناهت همه آمرزیده
شد و چون از آنحضرت از افضل روزهٔ رجب سؤال کردند فرمود چرا از شعبان نمی پرسید که افضل است از رجب و هم از آنحضرت
مرویست که هر کس یکروز ازین ماه روزه گیرد گناهانش آمرزیده شود و نیز مرویست که روزهٔ شعبان ذخیرهٔ روز قیامت است و هر کس
درین ماه روزه بسیار گیرد خدای تعالی معیشتش را بیا راست اصلاح نماید و شر اعدایش را کفایت فرماید و کمترین ثواب کسی که یکروز درین
ماه روزه گیرد اینست که بهشت او را واجب شود و نیز مرویست که هر کس روز اول این ماه روزه گیرد بهشت او را واجب شود و خدای تعالی
برای او هفتاد حسنه نویسد که هر یک حسنه برابر یکساله عبادت باشد و اگر دو روز بگیرد گناه عظیمی که مرتکب شده باشد ابدا محو شود و خدای
تعالی تا در دنیا باشد همه شبانه روز برو برحمت نظر کند و در بهشت هرگز نظر از و بر ندارد و اگر سه روز بگیرد و در بهشت هر روز خدای تعالی

را برعرش زیارت کند و هفتاد درجه از دُرّ و یاقوت برایش بلند گرداند و اگر چهار روز بگیرد در زمین او را تسبیح کنند و اگر پنج روز بگیرد خدای تعالی
محبت او را در دل مردم جا دهد و اگر شش روز بگیرد از هفتاد نوع از بلا ایمن شود و اگر هفت روز بگیرد از ابلیس و جنودش محفوظ گردد
و اگر هشت روز بگیرد از دنیا نرود تا از حوضهای قدس آبش دهند و اگر نه روز بگیرد نکیر و منکر را در وقت سؤال باو مهربان گردانند و اگر
ده روز بگیرد در قبرش را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع وسیع کنند و اگر یازده روز بگیرد یازده ستون نور در قبرش نصب کنند و اگر دوازده
روز بگیرد در هر روز در قبر هفتاد ملک زیارتش کنند و اگر سیزده روز بگیرد ملایکه هفت آسمان برایش استغفار کنند و اگر چهارده روز
بگیرد و هر چیزی که میان دریا برایش استغفار کنند و اگر پانزده روز بگیرد خدای تعالی فرماید بعزت خودم قسم که ترا با آتش عذاب
نکنم و اگر شانزده روز بگیرد هفتاد دریای آتش از و خوش شود و اگر هفده روز بگیرد همه درهای دوزخ از و بسته شود و اگر
هجده روز بگیرد هفتاد هزار قصر از دُرّ و یاقوت در بهشت باو دهند و اگر نوزده روز بگیرد همه درهای بهشت بر وی گشوده شود
و اگر بیست روز بگیرد هفتاد هزار حور العین برایش تزویج کنند و اگر بیست و یک روز بگیرد ملایکه باو مهربان و ملاطفت کنند و اگر
بیست و دو روز بگیرد هفتاد حلّه از سندس و استبرق در وی پوشند و اگر بیست و سه روز بگیرد هفتاد حلّه از سندس و استبرق در وی پوشند
و چون از قبر بیرون آید بر مرکبی از نور سوار شده به بهشت رود و اگر بیست و چهار روز بگیرد شفیع هفتاد هزار کس از اهل توحید باشد
و اگر بیست و پنج روز بگیرد از نفاق بری شود و اگر بیست و شش روز بگیرد از صراط بگذرد و اگر بیست و هفت روز بگیرد از آتش برات
یابد و اگر بیست و هشت روز بگیرد رویش نورانی و درخشان باشد و اگر بیست و نه روز بگیرد برضوان اکبر الهی فایز شود و اگر سی
روز تمام بگیرد خدای تعالی فرماید اگر گناه تو بعدد ستارهٔ آسمان و قطرهٔ باران و برگ درختان و خاک زمین و ریگ بیابان باشد
که همه را آمرزیدم و نیز روایت که هر کس ماه شعبان را بماه رمضان متصل کند کفارهٔ گناهان گذشته و آینده اش باشد و نیز مرویست که
هر کس سه روز از آخر این ماه روزه بگیرد و بماه مبارک رمضان متصل کند چنانست که دو ماه متوالی روزه گرفته باشد و کفارهٔ گناهانش
باشد **فصل چهارم** در فضایل روزهٔ ماه مبارک رمضان مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود که اگر شما فضایل این ماه را بدانید
خدای تعالی را شکر بسیار کنید که این تفضل بشما فرموده هر کس این ماه را روزه گیرد روز اول گناهانش آمرزیده شود و دو هزار هزار درجه
برایش بلند کنند و پنجاه شهر در بهشت بنا کنند و روز دوم بهر گام که بردارد عبادت یکساله و روزهٔ یکساله اش نویسند و روز سیم بعدد
هر موی که در بدن دارد قبهٔ در فردوس عطا فرمایند از دُرّ سفید که بر بالایش دوازده و در زیرش دوازده خانه از نور باشد و در هر خانه
هزار سریر و در هر سریر حوری نشسته و هر روز هزار ملک هر یک با تحفه و هدیه پیشش آیند و روز چهارم در جنت خلد هزار قصر عطا فرمایند
در هر قصر هفتاد هزار خانه در هر خانه هزار سریر بر هر سریر حوری نشسته در خدمت هر یک هزار کنیزک که مقنعه هر یک از ایشان بهتر است
از تمام دنیا و ما فیها و روز پنجم در جنت الماوی هزار هزار شهر در هر شهر هفتاد هزار خانه در هر خانه هفتاد هزار خوان در هر خوان
هفتاد هزار کاسه در هر کاسه شصت نوع طعام که هیچ کدام بدیگری شبیه نبود و روز ششم در جنت السلام صد هزار شهر در هر شهر صد
هزار سرا در هر سرا صد هزار خانه در هر خانه صد هزار سریر که طول هر سریر هزار ذراع باشد بر هر سریری حوری نشسته از هر یک سی هزار گیسوی آویخته

بادُر

بادُر و یاقوت بافته گیسوی هر یک را کنیزکی در دست گرفته و روز هفتم ثواب چهل روز شهید و چهل هزار صدیق عطا فرماید و روز
هشتم ثواب شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد و روز نهم ثواب هزار عالم و هزار معتکف و هزار مرابط فی سبیل الله و روز دهم چنان
باشد که هفتاد هزار حاجت برآورده شود و آفتاب و ماه و ستارگان و همه مخلوقات حتی طیور و سباع و سنگ و کلوخ و ماهیان
دریا و برگ درختان برایش استغفار کنند و روز یازدهم ثواب چهار حج و چهار عمره که هر حج با پیغمبری و هر عمره با صدیق
یا شهیدی کرده باشد و روز دوازدهم سیئاتش بدل بحسنات شود و مضاعف گردد که هر حسنه برابر هزار حسنه باشد و روز
سیزدهم مثل عبادت اهل مکه و مدینه و بعدد هر سنگ و کلوخ در میان مکه و مدینه شفاعتی عطا فرمایند و روز چهاردهم
چنانست که با آدم و نوح و ابرهیم و موسی و داود و سلیمان ملاقات کرده و صحبت داشته باشد و چنانست که با هر پیغمبری دویست سال
عبادت کرده باشد و روز پانزدهم جمیع حوایج دنیا و آخرت مثل ثواب ایوب عطا فرمایند و دعایش مستجاب باشد و حملهٔ عرش
برایش استغفار کنند و روز قیامت چهل نور عطا فرمایند و در هر جانبش ده نور و روز شانزدهم چون از قبر بیرون آید هفت
حلّه از بهشت در وی پوشند و بر مرکبی از بهشت سوار شود و ابر بر سرش از حرارت آفتاب سایه کند و روز هفدهم گناهان و گناهان
آبائش آمرزیده شود و از شداید روز قیامت ایمن گردد و روز هجدهم خدای تعالی فرماید که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حملهٔ
عرش و کروبین برایش استغفار کنند تا سال دیگر و روز قیامت ثواب انبیا باو عطا فرماید و روز نوزدهم جمیع ملائکه آسمان
و زمین از خدای تعالی اذن خواسته هر روز بزیارت قبرش آیند هر یک با هدیه و شربتی از بهشت و روز بیستم هفتاد هزار ملک
برو متوکل شوند که از شیاطین محافظتش نمایند و بعدد هر روز که روزه گرفته ثواب صد ساله روزه عطا فرمایند و میان او
و دوزخ خندقی فاصله کنند و ثواب هر کس توریة و انجیل و زبور و فرقان خوانده و بعدد هر پری از بال جبرئیل عبادت یکساله
و ثواب تسبیح حملهٔ عرش و کرسی عطا فرمایند و بعدد هر آیه از قرآن حوری از برایش تزویج کنند و روز بیست و یکم خدای تعالی
قبرش را هزار فرسخ وسیع گردانند و وحشت و ظلمت از و بر گیرد و قبرش را مثل قبور شهدا گردانند و رویش را مثل روی یوسف عم
کند و روز بیست و دوم ملک الموت در وقت قبض روحش چنان آید که پیش انبیا میرود و هول نکیر و منکر و هموم دنیا و عذاب
آخرت از و برخیزد و روز بیست و سیم با نبییّن و صدیقین و شهدا و صالحین از صراط بگذرد و چنانست که هر یتیم و اسیر و برهنه
را پوشیده باشد و روز بیست و چهارم از دنیا نرود تا جای خود در بهشت ببیند و ثواب هزار مریض و هزار غریب که بطاعت
خدا از وطن رفته باشد یابد و چنان باشد که هزار بنده از اولاد اسماعیل آزاد کند و روز بیست و پنجم خدای تعالی در زیر عرش
برایش هزار قبهٔ نور سبز بنا فرماید بر سر هر قبه خیمهٔ از نور و فرماید ای بندهٔ من در پناه عرش من در این قبه‌ها بیاسای و از
نعمتهای بهشت متنعم شو ای و از هم و اندوه در امان باش و هزار تاج نور بر سرش نهند و بر مرکبی از نور سوار شود که زمامش
از نور باشد و بر زمامش هزار حلقه از طلا و بر هر حلقهٔ ملکی متوکل و در دست هر ملک عمودی از نور تا داخل بهشت شود و اولین و آخرین
از حال او در تعجب باشند و روز بیست و ششم خدای تعالی برحمت بر و نظر کند و همه گناهانش را بیامرزد مگر خون و مال مردم و روز

بیست و هفتم حاجت که هر مؤمن و مؤمنه را مغفرت کرده و هفتاد هزار بر بنده را و ثواب شهید و هزار مرابط فی سبیل الله را خدمت
کرده و جمیع کتب الهی را خوانده باشد و روز بیست و هشتم خدای تعالی در جنت الخلد صد هزار شهر از نور و در جنت المأوی صد
هزار قصر از نقره و در جنت نعیم صد هزار خانه از عنبر اشهب و فردوس صد هزار شهر و در هر شهر هزار حجره و در جنت الجلال صد هزار منبر
از مشک و در درون هر منبر هزار خانه و در هر خانه هزار سریر از زر و یاقوت بر هر سریر حوری نشسته عطا فرماید و روز بیست و نهم
هزار هزار منزل و در هر منزل قبه سفید و در هر قبه سریری از کافور بر هر سریر هزار مسند از سندس بر هر مسند حوری نشسته هفتاد هزار حله پوشیده
و هفتاد هزار گیسو آویخته و مکلل بدر و یاقوت عطا فرماید و چون سی روز تمام شود بعدد هر روزی که روزه گرفته ثواب هزار شهید
و هزار صدیق و عبادت پنجاه سال عطا فرماید و هر روزی که داشته برابر روزه هزار روز باشد و بعدد هر درخت و گیاه که از آب روئیده
رسته درجات بلند گرداند و از عذاب ایمن باشد و بر صراط بگذرد و بهشت را دریست ریان نام که تا روز قیامت گشوده نشود آن
آن روز بگشایند و رضوان خازن بهشت گوید ای روزه داران ماه مبارک رمضان از امت محمد صلعم فرمود ازین در داخل بهشت شوید
پس حضرت پیغمبر صلعم فرمود که درین ماه آفریده نشود در کدام ماه خواهد شد و تفصیل سایر روزها مستحب هر یک در جای خود انشاء الله
بیاید **فصل پنجم** در آداب صایم روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزه گرفتن همین از خوردن و آشامیدن
نیست بلکه چون روزه گیری باید چشم و گوش و موی و پوست همه جوارح و اعضایت از حرام و قبیح در روزه باشد و روز صایم مثل سایر
ایام نباشد و با مردم مجادله و منازعه مکن و دروغ مگوی و دشنام مده و قسم مخور و مردم را حتی خادم خود مرنجان و آزار مکن حضرت پیغمبر صلعم
زنی را دید روزه دار که کنیز خود را دشنام میدهی روزه همین از طعام و شراب نباشد و چون کسی روزه دار را دشنام دهد او بگوید
من روزه دارم مثل تو دشنام نمیدهم خدای تعالی فرماید بنده من بروزه پناه برد او را از آتش پناه دارم و نیز مرویست که در روزه و در
شبانه روز جمعه و در شب مطلقا و در شبانه روز ماه مبارک رمضان و کسی که محرم باشد و در حرم مکه معظمه شعر خواندن نشاید اگرچه در مدح
اهل بیت علیهم السلام باشد و مراد ازین شعر آنست که مشتمل بر کذب و هجو و طعن یا بر خیالات و اغراقات و دعواهای باطل
و غیر واقع و امثال این باشد چنانکه در میان شعرا شایعست اگرچه موضوعش حق باشد مثل مدح اهل بیت علیهم السلام و اگرچه شان
ایشان ارفع از آن باشد الا اگر معانی حق و واقعی باشد و موضوعش نیز حق باشد مثل مناجات و موعظه و مدح اهل بیت اهل بیت
علیهم السلام قصوری ندارد چنانکه از تتبع کلام عرب و اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام ظاهر و مبین است و روزه دار را افضل
اینست که مضمضه و استنشاق نکند مگر برای نماز فریضه و با چوب تر مسواک نکند اما اگر چوب خشک باشد و آب تر نکند و حرکت
دهد تا آبش همه بریزد قصوری ندارد و سرمه که مشک داشته باشد یا طعمش محسوس در گلو شود در چشم نکند و جامه تر نپوشد و دیگر بعد از
افشردن آنها در آب نشستن قصوری ندارد مگر زنان را و مشک و نرگس و ریحان و هر گیاه خوشبو نبوید که این جمله برای صایم
مکروه است اما سایر عطرها و گلها و بخور قصوری ندارد بلکه تعطیر و بخور برای صایم مستحب است و مرویست که روزه دار در اول روز
تعطیر کند عقلش زایل نشود **فصل ششم** در سحور مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در ماه مبارک رمضان افضل

اینست

اینست که ترک سحور نکند و در غیر آن اگر خواهند سحور کنند و اگر خواهند نکنند و هر کس همیشه سحور کند اگرچه افطار با آب تنها کند که قوت
بر صوم دهد باید و خدای تعالی بر سحور کنندگان صلوات و رحمت فرستد و هر کس در وقت سحور و افطار انا انزلناه بخواند چنانست که در راه
خدا در خون خود غلطیده باشد **فصل هفتم** در افطار روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلعم افطار بحلوا میفرموده
و اگر حلوا نمی بوده بقند یا خرما و اگر هیچ کدام نمیبوده بآب نیم گرم معده و جگر را پاک کند و دندان محکم گرداند و چشم را قوت دهد و جلا دهد و گنا
هان در دل او بشوید و رگهای جهنده را تسکین دهد و صفرا بشکند و بلغم قطع کند و حرارت معده و صداع زایل گرداند و افضل اینست که
اگر کسی انتظار نکشد افطار بعد از نماز شام کند که روزه بنماز ختم شود و دعا در وقت افطار مستجاب باشد و فضل قراءت انا انزلنا
در وقت افطار در فصل سابق گذشت و در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الله لا اله الا انت اغفر لی
الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا انت یا عظیم از گناهان پاک شود مثل روزی که متولد شده و ایضا در وقت افطار
بگوید بسم الله اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا انک انت السمیع العلیم **فصل هشتم** در تفطیر صایم
روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس صایمی را افطار فرماید مثل ثواب او داشته باشد و هر عبادت و حسنه که بقوت آن
طعام کند در ثوابش شریک باشد و افطار فرمودن صایمی افضل است از روزه که خود گیرد و اگر در ماه رمضان افطار فرماید چنانست
که بنده آزاد کند و کفاره گناهان گذشته باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیکی از اصحاب فرمود میتوانی که در ماه مبارک رمضان هر شب
ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کنی گفت مال ما باین قدر وفا نکند پس یک یک کم می فرمود و میگفت نمیتوانم پس فرمود میتوانی هر شب یک
مسلم را افطار فرمائی گفت بلی ده مسلم را نیز فرمود مقصودم همین بود که افطار فرمودن مؤمنی مثل آزاد کردن بنده ایست از اولاد اسمعیل ع
فصل نهم در فضل افطار کردن برای سرور مؤمن روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در خانه برادر مؤمن افطار کردن
هفتاد مرتبه افضل است از روزه که گرفته و چون کسی روزه غیر واجب داشته باشد و بر مؤمنی وارد شود و تکلیف افطارش کنند و او را
مسرور سازد اگرچه بعد از عصر باشد برابر است با ده روز روزه و اگر اظهار نکرده و منت برو نگذاشته افطار کند مثل یکسال روزه باشد
و ازین حدیث و سایر احادیث بسیار که در سرور مؤمن وارد شده توان دانست که بهر وجه که افطار کردنست که در سرور مؤمن یا رفع کدورت
او باشد باید کرد اگرچه در خانه او نباشد **فصل دهم** در اعتکاف روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که افضل اوقات
برای اعتکاف ماه مبارک رمضان است حتی اینکه مرویست که اعتکاف نباشد مگر در عشر آخر ماه رمضان و ده روز اعتکاف در ماه
رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف کمتر از سه روز نباشد و بیشتر هر قدر تواند و اصل اعتکاف مستحب است اما چون دو روز
بکند روز سیم واجب شود و همچنین هر روز سیم واجب شود مثل ششم و نهم و دوازدهم پس در روز اول و دوم باختیار تواند
فسخ اعتکاف نمودن و بیرون رفتن و روز سیم بی ضرورت نتواند رفت و شرط است در اعتکاف روزه داشتن پس کسی که روزه
نتواند داشت یا در وقتی که روزه نتواند داشت اعتکاف صحیح نباشد و هر روزه که باشد مجزی بود واجب و خواه غیر آن و نیز شرطست
که در مسجدی باشد که امام عادلی در آن نماز گذارده باشد و افضل مساجد برای اعتکاف مسجد الحرام و مسجد محمد صلعم و مسجد کوفه است و در ایام

اعتکاف بی ضرورت بیرون نشاید رفت و جایز است بیرون رفتن برای نماز جمعه یا حضور جنازه یا عیادت مریضی و مجملاً حقی از حقوق
دین و کار ضرورت و چون برای حاجتی بیرون رود جایی ننشیند تا آنکه بمسجد خود عود کند نماز در غیر آن مسجد نگذارد مگر نماز جمعه یا در مکه معظمه که
در موضع از مکه که نماز گذارد صحیح باشد و حرامست در ایام اعتکاف مباشرت کردن خواه روز و خواه شب و درین ایام از بوی خوش و ریاحین
و جدال با مردم و بیع و شری احتراز باید نمود و مستحب است که در وقت رفتن باعتکاف با خدا شرط کند که اگر امری سانح شود بیرون رود که چون
این شرط کرده باشد هر وقت امری عارض شود بیرون تواند رفت و حرجی بر او نباشد خواه پیش از روز سیم و خواه بعد از آن

باب هشتم

در اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام و مقصود ازین باب در دوازده فصل انشاء الله بیان شود

فصل اول

در اعمال روز نوروز و
فضایل آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عهد خلافت و ولایت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در غدیر خم درین روز بود و درین
روز حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه ظهور خواهد فرمود و برکات درین روز بسیار واقع شده مستحب است درین روز روزه داشتن و غسل
کردن و جامهای پاکیزه پوشیدن و تعطیر نمودن و خواندن بعد از آیة الکرسی و اینست دعا بعد ایام سال اللّهُمَّ هذِهِ سَنَةٌ جَدیدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ
قَدیمٌ اَسْئَلُكَ خَیْرَها وَخَیْرَ ما فیها وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها وَشَرِّ ما فیها وَاسْتَکْفیكَ مَؤُنَتَها وَشُغْلَها یا ذَا الْجَلالِ وَ
الْاِکْرامِ و هر کس درین روز بعد از نماز عصر چهار رکعت نماز گذارد در رکعت اول بعد از الحمد ده انا انزلناه و در دوم ده قل یا ایها الکافرون
و در سیم ده قل هو الله و در چهارم ده معوذتین بخواند و بعد از فراغ سجده شکر کند و در سجده این دعا بخواند پنجاه ساله گناهش آمرزیده شود
اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ وَعَلی جَمیعِ اَنْبِیائِكَ وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَبارِكْ عَلَیْهِمْ
بِاَفْضَلِ بَرَکاتِكَ وَصَلِّ عَلی اَرْواحِهِمْ وَاَجْسادِهِمْ اللّهُمَّ بارِكْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ لَنا فی یَوْمِنا هذَا الَّذی
فَضَّلْتَهُ وَکَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ قَدْرَهُ اللّهُمَّ بارِكْ لی فیما اَعْطَیْتَنی حَتّی لا اَشْکُرَ اَحَداً غَیْرَكَ وَوَسِّعْ
عَلَیَّ فی رِزْقی یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ اللّهُمَّ ما غابَ عَنّی مِنْ شَیْءٍ فَلا یَغیبَنَّ عَنّی عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ وَما فَقَدْتُ
مِنْ شَیْءٍ فَلا تُفْقِدْنی عَوْنَكَ عَلَیْهِ حَتّی لا اَتَکَلَّفَ ما لا اَحْتاجُ اِلَیْهِ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ و نوشتن هفت سلام
با مشک و زعفران و گلاب و آشامیدن آن امانست تا نوروز دیگر از علل و امراض چنانکه مشهور است و در مجموعه نیز بنظر رسیده مرویست
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و خواندن یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوالِ حَوِّلْ حالَنا اِلی اَحْسَنِ الْحالِ بعد ایام سال شهرت
اما حدیثی بنظر نرسیده

فصل دوم

در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حضرت
پیغمبر صلعم چون ماه نو میدید میگفت اَیُّهَا الْمُطیعُ الدّائِبُ السَّریعُ الْمُتَصَرِّفُ فی مَلَکُوتِ الْجَبَرُوتِ بِالتَّقْدیرِ رَبّی وَرَبُّكَ
اللهُ اللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْاَمْنِ وَالْایمانِ وَالْاِسْلامِ وَالسَّلامَةِ وَالْاِحْسانِ وَکَما بَلَّغْتَنا اَوَّلَهُ فَبَلِّغْنا آخِرَهُ
وَاجْعَلْهُ شَهْراً مُبارَکاً تَمْحُو فیهِ السَّیِّئاتِ وَتُثْبِتُ لَنا فیهِ الْحَسَناتِ وَتَرْفَعُ لَنا فیهِ الدَّرَجاتِ یا عَظیمَ الْخَیْراتِ
و اگر خواهد دعای صحیفه کامله را بخواند که اتم و اکملست و هر کس دیدن ماه هفت مرتبه الحمد بخواند در آن ماه چشمش از رمد ایمن باشد و هر کس
اول ماه پنیر بخورد امیدست که در آن ماه دعا و حاجتش روا شود و اول هر ماه دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از الحمد سی مرتبه قل هو الله

و در دوم

و در دوم سی مرتبه انا انزلناه بخواند و آنچه مقدور شود تصدق کند و سلامت آن ماه را از خدای تعالی بخرد و هر کس در هر ماه حضرت امام حسین ع
را زیارت کند ثواب صد هزار شهید از شهدای بدر یابد و سنت است در هر ماه سه روز روزه داشتن پنجشنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه میان
که برابر است با صوم دهر و وسوسه خاطر را رفع کند از ائمه طاهرین علیهم السلام از سبب این روز سؤال نمودند فرمودند پنجشنبه برای آنکه اعمال
در پنجشنبه بر خدای تعالی عرض میشود خوش است با روزه عرض شود و چهارشنبه میان ماه روز عذابست و ارکان آتش در چهارشنبه آفریده
شده و خدای تعالی جمیع امم سابقه را در چهارشنبه میان ماه عذاب کرده و در روزه امانست از عذاب و اگر اول ماه دو پنجشنبه باشد اول
آخر افضل است و اگر بسبب مانعی یا مشقتی روزه گرفتن دشوار باشد قضا کند یا یک درهم که تخمینا دو دینار است یا یک مد گندم
یا غیر آن از طعامها که تخمینا بوزن تبریزی یک چهارک است تصدق کند و در روایات بسیار آمده که تصدق افضل است و در یکی ازین روایات
آمده که این قدر تصدق در نظر راوی کم نمود امام ع فرمود مومنی را طعام دادن افضل است از ماه روزه گرفتن و نیز مرویست که هر کس
در یکی از ماههای حرام که رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم است پنجشنبه و جمعه و شنبه روزه گیرد عبادت نهصد ساله برایش نوشته
شود

فصل سیم

در اعمال ماه محرم الحرام ابتدای اول سنه هجریه است مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس اول سال روز اول
این ماه دو رکعت نماز بگذارد و بعد از سلام سه مرتبه بگوید اللّهُمَّ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَبَدِیُّ الْقَدیمُ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ الرَّحیمُ وَهذِهِ
سَنَةٌ جَدیدَةٌ فَاَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ فیها مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ وَالْعَوْنَ عَلی هذِهِ النَّفْسِ الْاَمّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغالَ
بِما یُقَرِّبُنی اِلَیْكَ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ خدای تعالی بر او دو ملک موکل گرداند که در تعجیل
شیطان را از او دفع کنند و از متابعت نفس اماره و پیروی هوا و هوس محافظتش نمایند و بر طاعت حسنات او نقش کنند و روز
دهم ابتدای قضیه اعظمی کربلا واقع شده و بنی امیه و اتباع ایشان لعنهم الله این روز را تبرک کردند و روزه گرفتند هر کس درین روز روزه بگیرد
و بآن تبرک کند با آل زیاد لعنهم الله در جهنم باشد و هر کس درین روز ذخیره گذارد خدای تعالی نفاق در دلش اندازد و برکت از زر و از اولاد
و از اهل بیتش بردارد و شیطان در آن شریک شود و اگر سعی در کاری از کارهای دنیا کند ساخته نشود و اگر شود مبارک نشود و هر کس درین
روز دست از حوایج باز دارد خدای تعالی حوایج دنیا و آخرتش را بر آورد و از اعظم مستحبات است درین روز مشغول مصیبت حضرت امام حسین
و اهل بیت طاهرین و اصحاب او علیهم السلام که اعظم و اشد بلایات بودن و بهیئت مصیبت زدگان محزون و گریان جامه و گریبان گشوده
و تا یک ساعت بعد از عصر دست از طعام و شراب و لذات و شهوات کشیدن و بعد از آن باندک تربت مقدس افطار نمودن که هر کس
امروز را روز گریه و مصیبت خود گرداند خدای تعالی روز قیامت را روز فرح و مسرت او گرداند و هر کس مصیبت اهل بیت علیهم السلام
را یاد کند و بگرید و دیگری را بگریاند روز قیامت با ایشان در درجه ایشان باشد و چشمش نگرید در روزی که همه چشمی گریان باشد
هر کس یک قطره اشک بریزد برای خونی که از ایشان ریخته یا حقی که ظلم ایشان رفته یا عرضی که بحرمت گشته یا برای یکی از شیعیان
ایشان حقبی در بهشت باشد و حقب را بهشتاد سال و بیشتر نیز تفسیر کرده اند و گریه برای حضرت امام حسین ع کنان عظیم را بریزد و هر کس
بر آنحضرت گریه کند و اشکش بر رویش روان شود همه گناهانش صغیر و کبیر و قلیل و کثیر آمرزیده شود و اگر مرثیه در شان آنحضرت بخواند

وبگرید و دیگری را بگریاند و اگر نتواند خود را گریه ناک گرداند بهشت او را واجب شود و هر کس زیارت آنحضرت کند روز قیامت هیچ گناه بر او نباشد
و هر کس قاتلان آنحضرت را لعن کند در غرفهای بهشت با اهل بیت طاهرین علیهم السلام باشد و هر کس هرگاه آن حضرت را یاد کند بگوید یا لیتنی کنت معهم فافوز
فوزا عظیما چنانست که در خدمت آنحضرت شهید شده باشد و هر کس بفرح ایشان فرحناک شود و بحزن ایشان محزون باشد با ایشان
در درجات عالی بهشت باشد و هر کس شب عاشورا در پیش قبر آنحضرت بگذراند چنانست که در عرصه کربلا در خدمت آنحضرت شهید شده و
در خون خود غلطیده باشد و هر کس روز عاشورا زیارت قبر مقدس آنحضرت کند چنانست که خدای تعالی را بر عرش زیارت کند و بهشت او را
واجب شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده هر کس روز عاشورا گریان زیارت قبر آنحضرت کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه
که در خدمت حضرت پیغمبر و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم کرده باشد برایش ثبت شود و اگر از آن مکان دور باشد نتواند بآنجا حاضر شد چون
روز بلند شود پیش از زوال بصحرا بیرون رود یا بر بامی بلند بر آید و برآن حضرت سلام کند و گریه و نوحه کند و دو رکعت نماز گذارد و بر قا
تلانش بسیار لعنت کند و اهل بیت خود را بر گریه دارد و در خانه خود مصیبت بر پای دارد و یکدیگر را تعزیه کنند و بگویند اعظم الله اجورنا
بمصابنا بالحسین علیه السلام وجعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد من ضامنم
که چون چنین کنند همه آن ثوابها و ثواب مصیبت هر نبی و رسول و وصی و صدیق و شهدا از اول دنیا تا روز قیامت برای ایشان نوشته
شود راوی پرسید که طریقه تعلیم کن مرا که درین روز از دور یا از نزدیک زیارت کنم فرمود باین طریقه زیارت کن اول تکبیر بگوی بعد از این
چنین سلام کن که مذکور میشود بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد که خدای تعالی صد هزار هزار درجه برایت بنویسد و چنان باشد که در خدمت
آنحضرت شهید گشته باشی و با شهدا در درجه ایشان شریک باشی بحیثیتی که هیچ از ایشان ممتاز نباشی و ثواب زیارت هر نبی و رسول و ملک
و هر کس زیارت آن حضرت کرده از روزی که شهید شده برای تو نوشته شود و اگر هر روز چنین زیارت کنی همین ثواب داشته باشی
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین وابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة
سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام علیک وعلی الارواح
التی حلت بفنائک وأناخت برحلک علیکم منی جمیعا سلام الله ما بقیت وبقی اللیل والنهار یا ابا
عبد الله لقد عظمت الرزیة وجلت وعظمت المصیبة بک علینا وعلی جمیع اهل الاسلام وجلت
وعظمت مصیبتک فی السموات علی جمیع اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور
علیکم اهل البیت ولعن الله امة دفعتکم عن مقامکم وازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها
ولعن الله امة قتلتکم ولعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم برئت الی الله والیکم منهم
ومن اشیاعهم واتباعهم واولیائهم یا ابا عبد الله انی سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم
الی یوم القیمة ولعن الله آل زیاد وآل مروان ولعن الله امة اسرجت والجمت وتنقبت وتهیات
لقتالک بابی انت وامی لقد عظم مصابی بک فاسئل الله الذی اکرم مقامی واکرمنی بمقامی هذا ان

یرزقنی

ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه وآله اللهم اجعلنی عندک
وجیها بالحسین فی الدنیا والآخرة یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله والی رسوله والی امیر
المؤمنین والی فاطمة والی الحسن والیک بموالاتک وبالبراءة ممن قاتلک ونصب لک الحرب وبا
لبراءة ممن اسس اساس ذلک وبنی علیه بنیانه وجری فی ظلمه وجوره علیکم وعلی اشیاعکم برئت
الی الله والی رسوله والیکم منهم واتقرب الی الله ثم الیکم بموالاتکم وموالاة ولیکم وبالبراءة
من اعدائکم والناصبین لکم الحرب وبالبراءة من اشیاعهم واتباعهم انی سلم لمن سالمکم وحرب
لمن حاربکم وولی لمن والاکم وعدو لمن عاداکم فاسئل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم ومعرفة اولیائکم
ورزقنی البراءة من اعدائکم ان یجعلنی معکم فی الدنیا والآخرة وان یثبت لی عندکم قدم
صدق فی الدنیا والآخرة واسئله ان یبلغنی المقام المحمود الذی لکم عند الله وان یرزقنی طلب ثاری
مع امام هدی ظاهر ناطق منکم واسئل الله بحقکم وبالشان الذی لکم عنده ان یعطینی بمصابی بکم افضل
ما یعطی مصابا بمصیبته مصیبة ما اعظمها واعظم رزیتها فی الاسلام وفی جمیع السموات والارض اللهم اجعلنی فی
مقامی هذا ممن تناله منک صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محیای محیا محمد وآل محمد ومماتی ممات محمد
وآل محمد اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیة وابن آکلة الاکباد اللعین ابن اللعین علی لسانک ولسان نبیک
فی کل موطن وموقف وقف فیه نبیک اللهم العن ابا سفیان ومعاویة وآل مروان علیهم منک اللعنة
ابد الآبدین وهذا یوم فرحت به آل زیاد وآل مروان بقتلهم الحسین اللهم فضاعف علیهم اللعن منک
والعذاب اللهم انی اتقرب الیک فی هذا الیوم وفی موقفی هذا وایام حیاتی بالبراءة منهم واللعنة
علیهم وبالموالاة لنبیک وآل نبیک علیهم السلام بعد از آن صد مرتبه بگوید اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد
وآل محمد وآخر تابع له علی ذلک اللهم العن العصابة التی جاهدت الحسین وشایعت وبایعت علی قتله
اللهم العنهم جمیعا بعد از آن صد مرتبه بگوی السلام علیک یا ابا عبد الله وعلی الارواح التی حلت بفنائک وأناخت
برحلک علیک منی سلام الله ما بقیت وبقی اللیل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منی لزیارتک السلام
علی الحسین وعلی علی بن الحسین وعلی اصحاب الحسین بعد از آن بگوی اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدأ
به اولا ثم الثانی والثالث والرابع اللهم العن یزید خامسا والعن عبید الله بن زیاد وابن مرجانة وعمر بن
سعد وشمرا وآل ابی سفیان وآل زیاد وآل مروان الی یوم القیمة بعد از آن سجده کن و بگوی اللهم لک الحمد حمد الشاکرین
لک علی مصابهم الحمد لله علی عظیم رزیتی اللهم ارزقنی شفاعة الحسین یوم الورود وثبت لی قدم صدق عندک
مع الحسین واصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام **مقصد چهارم** در اعمال صفر بعضی از اعاظم

علما در کتب نقل کرده اند که هر روز ازین ماه ده مرتبه این دعا بخوانند از بلاهائی که درین ماه نازل شود ایمن باشد یا شدید القوی یا شدید
المحال یا عزیز یا عزیز یا عزیز ذلّت بعظمتک جمیع خلقک فاکفنی شرّ خلقک یا مجمل یا منعم یا مفضل یا لا اله الا
انت سبحانک انّی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجّیناه من الغمّ وکذلک ننجی المؤمنین وصلّی الله علی محمّد
وآله الطیّبین ومستحب است در بیستم این ماه که اربعین ماه عاشورا است زیارت حضرت امام حسین ع و روایت است از حضرت امام ع
ازحضرت امام حسن عسکری ع که پنج چیز از علامات مؤمن است صلوة احدی وخمسین وزیارت اربعین وتختم بیمین وتعفیر جبین
وجهر ببسم الله الرحمن الرحیم پس چون خواهد زیارت کند وقت ارتفاع روز بگوید السّلام علیک علی ولیّ الله وحبیبه
السّلام علی خلیل الله ونجیبه السّلام علی صفیّ الله وابن صفیّه السّلام علی الحسین المظلوم الشّهید السّلام
علی اسیر الکربات قتیل العبرات اللّهمّ انّی اشهد انّه ولیّک وابن ولیّک وصفیّک وابن صفیّک الفائز
بکرامتک اکرمته بالشّهادة وحبوته بالسّعادة واجتبیته بطیب الولادة وجعلته سیّدا من السّادة وقائدا
من القادة وذائدا من الذّادة واعطیته مواریث الانبیاء وجعلته حجّة علی خلقک من الاوصیاء فاعذر
فی الدّعاء ومنح النّصح وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحیرة الضّلالة وقد توازر علیه
من غرّته الدّنیا وباع حظّه بالارذل الادنی وشری آخرته بالثّمن الاوکس وتغطرس وتردّی فی هواه
واسخطک ونبیّک واطاع من عبادک اهل الشّقاق والنّفاق وحملة الاوزار المستوجبین النّار فجاهدهم
فیک صابرا محتسبا حتّی سفک فی طاعتک دمه واستبیح حریمه اللّهمّ فالعنهم لعنا وبیلا وعذّبهم عذابا
عذابا الیما السّلام علیک یا ابن رسول الله السّلام علیک یا ابن سیّد الاوصیاء اشهد انّک امین الله
وابن امینه عشت سعیدا ومضیت حمیدا ومتّ فقیدا مظلوما شهیدا وانا اشهد انّ الله منجز
ما وعدک ومهلک من خذلک ومعذّب من قتلک واشهد انّک وفیت بعهد الله وجاهدت فی
سبیله حتّی اتاک الیقین فلعن الله امّة من قتلک ولعن الله من ظلمک ولعن الله امّة سمعت بذلک فر
ضیت به اللّهمّ انّی اشهدک انّی ولیّ لمن والاه وعدوّ لمن عاداه بابی انت وامّی یا ابن رسول الله ا
شهد انّک کنت نورا فی الاصلاب الشّامخة والارحام الطّاهرة لم تنجّسک الجاهلیّة بانجاسها ولم
تلبسک المدلهمّات من ثیابها واشهد انّک من دعائم الدّین وارکان المسلمین واشهد انّک الامام
البرّ التّقیّ الرّضیّ الزّکیّ الهادی المهدیّ واشهد انّ الائمّة من ولدک کلمة التّقوی واعلام الهدی و
العروة الوثقی والحجّة علی اهل الدّنیا واشهد انّی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی وخواتیم
عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متّبع ونصرتی لکم معدّة حتّی یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع
عدوّکم صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم واجسادکم وشاهدکم وغائبکم وظاهرکم وباطنکم

آمین

آمین ربّ العالمین بعد از آن دو رکعت نماز گزارد وهر دعا که خواهد بکند **فصل پنجم** در اعمال ماه ربیع الاوّل که شیعه برآنند
که در نهم این ماه قتل عمر بن خطاب علیه اللعنه واقع شده واهل تواریخ وبعضی از علمای شیعه درین خلاف کرده اند امّا حدیثی صریح درین
روایت شده وخلاصهٔ مضمون آن حدیث آنست که دو کس از شیعیان گویند روز نهم ربیع الاوّل بود که رفتیم بخانهٔ محمّد بن اسحق قمی که از
اعاظم اصحاب امام علی النقی ع بود دیدیم غسل کرده از خانه بیرون آمد وهنوز از رنگ شسته بود واعضای خود را خشک میکرد ما از وضع
او تعجّب رو داد گفت چه یافت که شما گمان کرده اید بلکه امروز عید است ومن غسل عید کرده ام گفتیم شیعیان را بغیر اضحی وفطر وغدیر
وجمعه وعید دیگر است گفت بلی پس ما را بخانه برده نشستیم پس گفت من با جماعتی شیعیان در همین روز که نهم ماه ربیع الاوّل
است رفتیم بخدمت مولای خود امام علی النقی ع وآنحضرت هر یک از ملازمان وخدم را فرموده جامهای نو پوشیده بودند ومجمره
در پیش آنحضرت بوده بخور فرموده ما گفتیم پدر ومادر فدای تو باد مگر اهل بیت را فرح وعیدی تازه شده فرمود کدام روز نزد
اهل بیت حرمتش عظیم تر است از امروز که حذیفة بن الیمان در همین روز بخدمت جدّم رسول الله رفت آنحضرت با امیر المؤمنین
وحسن وحسین علیهم السلام طعام تناول میفرمودند وآن حضرت در روی ایشان تبسّم وشگفتگی مینمود وبا حسنین میفرمود
بخورید نوشتان باد به برکت امروز که درین روز خدای تعالی دشمن خود ودشمن جدّ شما را هلاک میکند ودعای مادر شما را
اجابت مینماید واعمال شیعیان ودوستان شما را قبول میفرماید بخورید که امروز است که فرعون اهل بیت من وظالم ایشان وغاصب
حقّ ایشان هلاک میشود حذیفه گوید من گفتیم یا رسول الله در امّت تو کسی هست که این بی ادبی را تواند کرد فرمود بلی یکی از
منافقین که دعوی ریاست وخلافت کند ومردم را برخود دعوت نماید واز راه خدا برگرداند وکتاب خدا را تحریف کند
وسنّت مرا تغییر دهد ومیراث فرزند مرا غصب کند وخود را امام ومقتدای مردم گرداند واموال خدا را از حرام گرداند ودر معصیت صرف
صرف کند وبرادر ووزیر مرا تکذیب نماید ودختر مرا از حقّ خود منع کند ودختر من او را نفرین کند وخدای تعالی اجابت فرماید حذیفه
گوید من گفتم چرا از خدا نمیخواهی که او را در حیوة تو هلاک گرداند فرمود که نمیخواهم خلاف قضای خدا کنم امّا از خدا خواستم که روز مرگ
او را هلاک میکند بر سایر ایّام تفضیل دهد تا دوستان من وشیعیان ودوستان اهل بیت من آنروز را عید کنند پس خدای تعالی
فرموده که من ملائکهٔ هفت آسمان را امر کرده ام که آنروز را عید کنند برای شیعیان ودوستان شما فرموده ام که کرسی کرامت را
درین روز در برابر بیت المعمور نصب کنند ومرا ثنا گویند وبرای شیعیان ودوستان شما استغفار کنند وکرام الکاتبین را
فرمودم از آنروز تا سه روز دیگر قلم از خلق بردارند وهیچ خطیئه بر ایشان ننویسند واین روز را برای تو وبرای اهل بیت
تو وشیعیان شما عید گردانیدم وبعزّت وجلال خودم که هر کس امروز را عید کند او را ثواب اقربا وخویشان او را ثواب
جنّ وانس عطا فرمایم وهر کس امروز بر خود وبر عیال خود توسعه کند مالش را زیاده کنم وهر سال درین روز صد هزار کس از
شیعیان ومولی شما را از آتش آزاد گردانم وطاعاتشان را ثواب دهم وگناهانشان بیامرزم واعمالشان قبول نمایم حذیفه گوید
پس آنحضرت برخواست بخانهٔ امّ سلمه تشریف ارزانی فرمود من هیچ شک نداشتم در اینکه از منافق عمر بن خطاب خواهد بود

تا آنکه بعد از حضرت پیغمبر صلعم آن کرد ملعون آنچه کرد و غصب فدک کرد و حضرت فاطمه صلوات الله علیها برو نفرین کرد و خدای تعالی اجابت
فرمود و در روز نهم ربیع الاول کشته شد پس من بخدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله رفتم فرمود ای حذیفه بیاد می آری آن روز را که بخدمت
حضرت پیغمبر صلعم آمدی و فضایل آن روز را بیان فرمود گفتم بلی فرمود والله که امروز همان روز است و مؤید این احادیث دیگر که در فضل
این روز روایت شده مثل آنکه هر کس درین روز صدقه و احسان کند آمرزیده شود و نیز مرویست بعضی از علما نقل کرده اند که مستحب است
که درین روز اطعام مؤمنان و احسان و بوی خوش با ایشان و توسعه در نفقه و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت کردن
اما روزه درین روز روایت نشده بغیر ازینکه درین ماه مولود حضرت پیغمبر است صلعم و روزه این روز برابر یکسال روزه است و مستحب است
درین روز تصدق کردن و زیارت مشاهد مقدسه نمودن **فصل ششم** در اعمال ماه رجب المرجب مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که ماه رجب ماه عظیم الشان رفیع المنزلة و منسوبست بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه خدای تعالی درین ماه حسنات مضاعف
کند و سیئات محو گرداند و مستحب است احیا داشتن شب اول این ماه و مرویست هر کس یکشب درین ماه احیا دارد و آتش دوزخ بر وی حرام شود
و شفاعتش برای هفتاد هزار کس از گناهکاران مقبول شود و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم بر مقبره میگذشت لحظه توقف میفرمود پس از آنجا
گذشت از سبب توقف سوال نمودند فرمود اهل این مقبره معذب بودند بر ایشان ترحم کردم و از خدای تعالی خواستم که عذاب از ایشان تخفیف
فرمود و اگر ایشان یکروز از ماه رجب روزه میداشتند و یکشب بعبادت بر میخواستند ازین عذاب ایمن می بودند و هر مؤمن و مؤمنه که یکروز
ازین ماه روزه دارد و یکشب بعبادت برخیزد خدای تعالی ثواب یکساله روزه و عبادت و هزار حج و عمره و هزار جهاد و هزار عتق رقبه از اولاد
اسمعیل و هزار دینار طلا تصدق عطا فرماید و چنانست که اسیر از امت محمد را آزاد کند و هزار گرسنه را سیر کند و از عذاب قبر و هول منکر
و نکیر ایمن شود کسی تعجب نموده گفت اینهمه ثواب برای کسیست که یکروز روزه گیرد و یکشب بعبادت برخیزد درین ماه فرمود بلی برای کسی
که انکار قدرت خدا نکند بر اینکه اینقدر عبادت را اینهمه ثواب تواند داد و فرمود اگر کسی که قادر بر خواستن شب نباشد بعد از نماز عشا
قبل از وتیره دو رکعت نماز کند بهر سوره که خواهد بخواند از خدای امید دارم که اینهمه ثواب را باو عطا فرماید و نیز مرویست که هر کس درین ماه
تصدق کند برای خدا و امید ثواب خدای تعالی در بهشت آنقدر ثواب عطا فرماید که هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطر هیچ کس
نرسیده باشد و مستحب است شب اول اینماه خواندن این دعا بعد از نماز عشا اللّهمّ انّی اسئلک بانّک ملیک و انّک علی
کلّ شیء مقتدر و انّک ما تشاء من امر یکون اللّهمّ انّی اتوجّه الیک بنبیّک محمّد نبیّ الرّحمة صلّی الله
علیه و آله یا محمّد یا رسول الله انّی اتوجّه بک الی الله ربّک و ربّی لینجح طلبتی اللّهمّ بنبیّک محمّد و الائمّة
من اهل بیته انجح طلبتی بعد از آن حاجتی خواهد بخواهد و هر کس روز اول اینماه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند گناهانش آمرزیده
شود البته و نیز مرویست که هر کس روز اول و میان و آخر اینماه غسل کند از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده و سلمان فارسی رحمة الله
علیه روایت کند از حضرت پیغمبر صلعم فرمود هر کس درین ماه سی رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه قل هو الله و سه مرتبه قل یا ایها
الکافرون بخواند ده رکعت در اول ماه و بعد از فراغ دستها بر داشته بگوید لا اله الّا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد

یحیی

یحیی و یمیت و هو حیّ لا یموت بیده الخیر و هو علی کلّ شیء قدیر اللّهمّ لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت
و لا ینفع ذا الجدّ منک الجدّ و دستها بر رو بمالد و ده رکعت میان ماه و بعد از فراغ دستها بر داشته بگوید لا اله الّا الله وحده
لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حیّ لا یموت بیده الخیر و هو علی کلّ شیء قدیر الهاً واحداً احداً
صمداً لم یتّخذ صاحبة و لا ولداً و دستها بر رو بمالد و ده رکعت در آخر ماه و بعد از فراغ دستها بر داشته بگوید لا اله الّا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حیّ لا یموت بیده الخیر و هو علی کلّ شیء قدیر و صلّی الله
علی محمّد و آله الطّاهرین و لا حول و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و دستها بر رو بمالد و حاجتی که خواهد طلب نماید مستجاب
شود و خدای تعالی میان او و جهنم هفت خندق فاصله کند که عرض هر خندق مثل ما بین آسمان و زمین باشد و بهر رکعت هزار
رکعت برایش نویسد و بامنیت و سلامت از صراط بگذرد و چنان باشد که تمام اینماه روزه داشته باشد و تا سال دیگر از جمله نما[ز]
گذارندگان نوشته شود و هر روز ثواب شهیدی از شهدای بدر برایش نویسد و هر یک روز که درینماه روزه دارد عبادت یکسال او برایش [نویسد]
و هزار درجه بلند گرداند و هم از آنحضرت صلعم مرویست که ثواب روزه هر روز اینماه را بیان فرمود چنانکه در باب سابق بتفصیل گذشت
بعد از آن سوال کردند که اگر کسی نتواند روزه گرفتن چکند تا این ثواب دریابد فرمود هر روز درینماه یک نان تصدق کند بخدا قسم که اینهمه ثواب
بیابد و بیشتر از آن و اگر همه خلق آسمان و زمین جمع شوند عشر ثواب آن نتوانند نوشت پرسیدند که اگر قادر بر این تصدق نباشد
چکند فرمود هر روز صد مرتبه بگوید سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التّسبیح الّا له سبحان الاعزّ الاکرم
سبحان من تعطّف بالمجد و تکرّم به سبحان من لبس العزّ و هو له اهل و نیز مرویست که خدای تعالی فرموده هر کس
در رجب هزار مرتبه بگوید استغفر الله ذا الجلال و الاکرام من جمیع الذّنوب و الآثام اگر او را نیامرزم پس من خدای شما نباشم
و سه مرتبه چنین فرمود و مستحب است هر روز درین ماه خواندن این دعا اللّهمّ انّی اسئلک صبر الشّاکرین لک و عمل الخائفین
منک و یقین العابدین لک اللّهمّ انت العلیّ العظیم و انا عبدک البائس الفقیر انت الغنیّ الحمید و انا العبد
الذّلیل اللّهمّ انت العلیّ العظیم اللّهمّ صلّ علی محمّد و آله و امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی جهلی و بقوّتک
علی ضعفی یا قویّ یا عزیز اللّهمّ صلّ علی محمّد و آله الاوصیاء المرضیّین و اکفنی ما اهمّنی من امر الدّنیا و الآ خرة
یا ارحم الرّاحمین و نیز هر روز اینماه بخواندن این دعا مرویست از حضرت صاحب الزّمان صلوات الله علیه اللّهمّ انّی اسئلک
بمعانی جمیع ما یدعوک به ولاة امرک المأمونون علی سرّک المستبشرون بامرک الواصفون لقدرتک
المعلنون لعظمتک اسئلک بما نطق فیهم من مشیّتک فجعلتهم معادن لکلماتک و ارکاناً لتوحیدک
و آیاتک و مقاماتک الّتی لا تعطیل لها فی کلّ مکان یعرفک بها من عرفک لا فرق بینک و بینها الّا انّهم
عبادک و خلقک فتقها و رتقها بیدک بدؤها منک و عودها الیک اعضاد و اشهاد و مناة و اذواد
و حفظة و روّاد فبهم ملأت سماءک و ارضک حتّی ظهر ان لا اله الّا انت فبذلک اسئلک و بمواقع العزّ

من رحمتك وبمقاماتك وعلاماتك ان تصلي على محمد وآله وان تزيدنا ايمانا وتثبيتا يا باطنا في ظهوره وظاهرا
في بطونه ومكنونه يا مفرقا بين النور والديجور يا موصوفا بغير كنه ومعروفا بغير شبه حاد كل
محدود وشاهد كل مشهود وموجد كل موجود ومحصي كل معدود وفاقد كل مفقود ليس دونك من معبود
اهل الكبرياء والجود يا من لا يكيف بكيف ولا يؤين باين يا محتجبا عن كل عين يا ديموم يا قيوم وعالم
كل معلوم صل على محمد وآله وعلى عبادك المنتجبين وبشرك المحتجبين وملائكتك المقربين والبهم الصافين
الحافين وبارك لنا في شهرنا هذا المرجب المكرم وما بعده من الشهر الحرام واسبغ علينا فيه النعم واجزل لنا
فيه القسم وابرر لنا فيه القسم باسمك الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي وضعته على النهار فاضاء وعلى الليل
فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا ولا نعلم واعصمنا من الذنوب خير العصم واكفنا كوافي قدرك وامنن علينا بحسن
نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا تمنعنا من خيرك وبارك لنا فيما كتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا خبيئة
اسرارنا واعطنا منك الامان واستعملنا بحسن الايمان وبلغنا شهر الصيام وما بعده من الايام والاعوام
يا ذا الجلال والاكرام ونيز هر روز اين دعا بخواند اللهم اني اسئلك بالمولودين في رجب محمد بن علي الثاني وابنه
علي بن محمد المنتجب واتقرب بهما اليك خير القرب يا من اليه المعروف طلب وفيما لديه رغب اسئلك
سؤال معترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته عيوبه فطال على الخطايا دؤبه ومن الرزايا
خطوبه يسئلك التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو عما
في ربقته فانت يا مولاي اعظم امله وثقته اللهم واسئلك بمسائلك الشريفة ووسائلك المنيفة
ان تتغمدني في هذا الشهر برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الى نزول الحافرة
ومحل الآخرة وما هي اليه صائرة وهر كس در ماه رجب وشعبان ورمضان هر روز وهر شب هر يك از الحمد وآية الكرسي
وقلاقل اربع سه مرتبه وسبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سه مرتبه بخواند
واللهم صل على محمد وآل محمد وعلى ملك ونبي سه مرتبه واللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات سه مرتبه واستغفر الله چهار
صد مرتبه بگويد و در روايت ديگر سه مرتبه انا انزلناه و سه مرتبه اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا نيز آمده همه
گناهانش آمرزيده شود اگرچه بعدد ستاره آسمان و قطره باران و برگ درختان و كف دريا و ريگ بيابان باشد و بعدد هر حرف
ازين ورد شفاعت دوستان و آشنايان كند و هر كس در اين سه ماه اين عمل بجا آرد اگرچه در مدت عمر يكمرتبه باشد و بعدد هر حرف از آن
هفتاد هزار حسنه عطا فرمايند كه هر يك سنگين تر از كوه احد باشد و مقصد حاجتش برآورده شود و در وقت قبض روح و مقصد
در قبر و مقصد در وقتي كه از قبر بيرون آيد و مقصد وقتي كه نامهاي اعمال در اطراف متفرق باشد و مقصد در وقت صراط

عمل رغائب هر كس پنجشنبه اول اين ماه روزه گيرد و شب جمعه اول كه آن را شب رغائب گويند ميان شام و خفتن دوازده ركعت نماز

گذارد

گذارد در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه انا انزلناه و دوازده مرتبه قل هو الله بخواند هر دو رکعت به یک سلام و چون از مجموع نماز
فارغ شود هفتاد مرتبه صلوات فرستد بعد از آن سجده کند و هفتاد مرتبه بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح بعد از آن سر بردارد
و هفتاد مرتبه بگوید رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت العلي الاعظم بعد از آن مرتبه دیگر سجده کند و همان که
در سجده اول گفته بود هفتاد مرتبه بگوید و حاجتی که داشته باشد در سجود بخواهد مستجاب شود و گناهانش آمرزیده شود و اگرچه مثل کف
دریا و وزن کوهها و برگ درختان و ریگ بیابان باشد و شفیع هفتصد کس از اهل بیت خود باشد که همه مستوجب آتش باشند

عمل ایام بیض هر کس ایام بیض این ماه روزه گیرد و شبهایش به عبادت برخیزد و شب پانزدهم صد رکعت نماز گذارد در هر رکعت
ده مرتبه قل هو الله بخواند و چون فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار کند شر اهل آسمان و زمین و شر ابلیس و جنودش از و دفع شود
و اگر در آن ماه بمیرد شهید باشد و هزار حاجتش برآورده شود پانصد در دنیا و پانصد در آخرت و نیز روایت که درین شب دوازده
رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از الحمد سی مرتبه قل هو الله بخواند و بعد از فراغ صد مرتبه استغفار و تحمید و تکبیر کند و اگر با این عبادت
گوید هر یکی گویا [?] استغفر الله ذا الجلال والکبریاء تا آفتاب از سال دیگر خطیئه بر او ننویسند و بعدد هر قطره که در آن سال از آسمان
آید حسنه نویسند و بعدد هر رکوع و سجود که کرده در بهشت قصری از زبرجد سبز و بعدد هر حرف قرآن که خوانده شهری از یاقوت
سرخ عطا فرمایند و تاج کرامت بر سرش نهند و مستحب است در روز پانزدهم این ماه زیارت امام حسین ع

عمل استفتاح کیفیت
این عمل در کتب ادعیه با آداب مختلفه مذکور است و سند هیچ یک از آنها در احادیث معلوم نیست و احتمال دارد که مشایخ رحمهم الله
اعمال دیگر که هر کدام علیحده برای روز پانزدهم روایت شده باشد با اعمال استفتاح مخلوط ذکر کرده باشند و سبب اختلاف و تشویش
گشته باشد اما کیفیت آن بنحوی که در حدیث روایت شده آنست که فاطمه نام زنی بود از ذریت حضرت امام حسن ع حضرت
امام جعفر ع او را شیر داده بود پسر او داود را منصور خلیفه عباسی محبوس کرده بود و اراده قتل داشت روزی فاطمه بخدمت حضرت
صادق ع غمگین و محزون رفت آنحضرت فرمود ماه رجب نزدیک است ایام بیض آن ماه روزه بگیر و روز پانزدهم اول ظهر چهار رکعت
نماز بگذارد در رکعت اول بعد از الحمد الم نشرح و در دوم قل یا ایها الکافرون و در سیم انا انزلناه و در چهارم اذا زلزلت بخواند
و بعد از نماز ظهر چهار رکعت دیگر بگذارد و اول بعد از الحمد قل هو الله و در دوم قل اعوذ برب الفلق و در سیم قل اعوذ برب
الناس و در چهارم انا اعطیناک بخواند بعد از آن ذکر و تسبیح میکرده باشی تا وقت نماز عصر داخل شود پس نماز عصر در اول وقت
بگذارد و چون سلام دهی تسبیحات اربع والحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و صلوات بر پیغمبر و آل ع هر یک صد مرتبه بعد از آن
سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حم عسق و دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و سوره
الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخواند و اگر خواندن قرآن عاجز باشی بجای آن الحمد صد مرتبه و آیة الکرسی
ده مرتبه و قل هو الله هزار مرتبه بخواند بعد از آن رو بقبله این دعا بخواند که اسم اعظم درین دعاست و فرموده این را دعای استفتاح
باین سبب نام شده که هر گاه خوانده شود درهای آسمان گشوده گردد و همان ساعت حاجتی که باین بخواهند مستجاب شود فاطمه که

چون این عمل بجا آوردم و خوابیدم جمیع انبیا و ملایکه را که درین دعا مذکور بود و صلوة بر ایشان فرستاده ام در خواب دیدم که میگویند ای ام داود
آمده و گفت در بند و زندان بودم که در نصف رجب بخواب دیدم که جماعتی بسیار در اطراف تو ایستاده بودند یکی از ایشان با من گفت ای داود
بدعای مادرت خدای تعالی ترا نجات داد و برخیز بیدار شدم رسول منصور ایستاده بود مرا از حبس بیرون آورد و هزار دینار بمن داد و
خدمت شدم و عنایت صدق الله العظيم الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال والاكرام الرحمن الرحيم الحليم
الكريم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير اللطيف الخبير شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم وبلغت رسله الكرام وانا على ذلك من الشاهدين اللهم لك الحمد
ولك العز ولك النعمة ولك العظمة ولك الرهبة ولك الرحمة ولك المهابة ولك السلطان ولك
البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح ولك التقديس ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما فوق
السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون السفلى ولك الآخرة والاولى ولك ما ترضى به من
الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك على وحيك والقوي على امرك والمطاع في
سمواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق
لرافتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك
المشفق من خيفتك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكتك
الكرام الكاتبين وملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم
صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك واتحفته جنتك اللهم صل على امنا حواء
المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال القدس اللهم صل على
هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط
ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع
وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال
وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد
وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على ابرهيم
وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل على محمد الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم
صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص
محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما
وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل

المقربين

المقربين وصل على من سميت ومن لم تسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل
صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني استشفع بك اليك
وبكرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك اللهم بكل ما سألك
به احد منهم من مسألة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن
يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا منيع يا مديل
يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ
يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا
باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا
تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي
يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا
قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم
يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا خبير يا معين يا ناشر
يا غافر يا قديم يا كريم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني
يا خالق يا واحد يا راصد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا من علا فاستعلى فكان
بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنا وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير يا من العسير
عليه يسير يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح وفالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح
يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا
الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات والارض
يا الهي صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت ورحمت
وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي
نف وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف
المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء
من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين
بك مستجير اللهم واسئلك بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير واسئلك
بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك عليه

وآله السلام یا من وهب لآدم شیث ولابرهیم اسمعیل واسحق ویا من ردّ یوسف علی یعقوب ویا من کشف
بعد البلاء ضرّ ایّوب یا رادّ موسی علی امّه وزائد الخضر فی علمه ویا من وهب لداود سلیمان ولزکریّا یحیی و
لمریم عیسی یا حافظ بنت شعیب ویا کافل ولد موسی اسئلك ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تغفر لی ذنوبی
کلّها وتجیرنی من عذابك وتوجب لی رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك
ان تفكّ عنّی کلّ حلقة بینی وبین من یؤذینی وتفتح لی کلّ باب وتلیّن لی کلّ صعب وتسهّل لی کلّ عسر وتخرس
عنّی کلّ ناطق بسوء وتکفّ عنّی کلّ باغ وتکبت کلّ عدوّ لی وحاسد وتمنع منّی کلّ ظالم وتکفینی کلّ عائق
یحول بینی وبین حاجتی ویحاول ان یفرّق بینی وبین طاعتك ویثبّطنی عن عبادتك یا من الجم الجنّ
المتمرّدین وقهر عتاة الشیاطین واذلّ رقاب المتجبّرین وردّ کید المتسلّطین عن المستضعفین اسئلك بقدرتك
علی ما تشاء وکیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی فیما تشاء بعد از آن سجده کن و هر دو روی را بر خاك بگذار
و بگوی اللّهمّ لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلّی وفاقتی واجتهادی وتضرّعی ومسکنتی وفقری الیك
یا ربّ و جهد کن تا اشك از چشمت بیاید اگر چه بقدر سر سوزنی باشد که علامت اجابت روز بیست و پنجم است باین ماه روزه داشتن
کفّاره دویست ساله گناه است علی شبانه روز بعث مروی است که شب بیست و هفتم رجب که صباحش حضرت پیغمبر صلعم بر نبوت مبعوث
شده بهتر است از هر چه آفتاب بر و تابیده و نیز مروی است که در ماه رجب شبی هست که هر کس در آن شب خواب بر خود حرام کند و مشغول
عبادت باشد خدای تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و هفتاد هزار ملك با او مصافحه نمایند و بر آنکس استغفار کنند تا آن سال دیگر
و مستحب است درین شب صلوة بسیار بر آنحضرت فرستادن و هر کس از شیعیان که درین شب عملی کند اجر شصت ساله عمل یابد کسی از
حضرت امام محمّد تقی علیه السلام پرسید که درین شب چه عمل کنیم فرمود چون بعد از نماز خفتن بخوابید و پیش از نصف شب هر وقت که بیدار شوید
دوازده رکعت نماز بگذارید و بعد از هر دو رکعت نشسته الحمد و معوّذتین و قل هو الله و قل یا ایّها الکافرون و انّا انزلناه و آیة الکرسی
هر یك را هفت مرتبه بخوانید و بعد از آن بگویید الحمد لله الّذی لم یتّخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولیّ
من الذلّ وکبّره تکبیرا اللّهمّ انّی اسئلك بمعاقد عزّك علی ارکان عرشك ومنتهی الرحمة من کتابك و
باسمك الاعظم الاعظم وذکرك الاعلی الاعلی الاعلی وبکلماتك التامّات ان تصلّی علی محمّد
وآله وان تفعل بی ما انت اهله بعد از آن هر چه خواهید دعا کنید و مستحب است خواندن درین شب اللّهمّ انّی اسئلك
بالتجلّی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المکرّم ان تصلّی علی محمّد وآله وان تغفر لنا ما انت به منّا اعلم یا من
یعلم ولا یعلم اللّهمّ بارك لنا فی لیلتنا هذه الّتی بشرف الرسالة فضّلتها وبکرامتك اجللتها وبالمحلّ
الشریف احللتها اللّهمّ فانّا نسئلك بالمبعث الشریف والسیّد اللطیف والعنصر العفیف ان تصلّی علی محمّد
وآله وان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة وفی سائر اللیالی مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشکورة

وسیّاتنا

وسیّئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا من لدنك بالیسر مدرورة اللّهمّ انّك تری
ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وانّ الیك الرجعی والمنتهی وانّ لك الممات والمحیی وانّ لك الآخرة والاولی
انّا نعوذ بك ان نذلّ ونخزی وان نأتی ما عنه تنهی اللّهمّ انّا نسئلك الجنّة من رحمتك ونستعیذ بك
من النار فاعذنا منها بقدرتك ونسئلك من الحور العین فارزقنا بعزّتك واجعل اوسع ارزاقنا
عند کبر سنّنا واحسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل فی طاعتك وما یقرّب الیك ویحظی عندك
ویزلف لدیك اعمارنا واحسن فی جمیع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تکلنا الی احد من خلقك
فیمنّ علینا وتفضّل علینا بجمیع حوائجنا للدنیا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجمیع اخواننا
المؤمنین فی جمیع ما سألناك لانفسنا یا ارحم الراحمین اللّهمّ انّا نسئلك باسمك العظیم وملکك القدیم
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تغفر لنا الذنب العظیم انّه لا یغفر الذنب العظیم الّا العظیم وهذا رجب المکرّم
الّذی اکرمتنا به اوّل اشهر الحرم واکرمتنا به من بین الامم فلك الحمد یا ذا الجود والکرم فاسئلك
به وباسمك الاعظم الاعظم الاجلّ الاکرم الّذی خلقته فاستقرّ فی ظلّك فلا یخرج منك الی غیرك
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد واهل بیته الطاهرین وان تجعلنا من العاملین فیه بطاعتك والآ
ملین فیه بشفاعتك اللّهمّ اهدنا الی سواء السبیل واجعل مقیلنا عندك خیر مقیل فی ظلّ ظلیل وملك
جزیل فانّك حسبنا ونعم الوکیل اللّهمّ اقلبنا مفلحین منجحین غیر مغضوب علیهم ولا الضالّین
برحمتك یا ارحم الراحمین اللّهمّ انّی اسئلك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من کلّ
اثم والغنیمة من کلّ برّ والفوز بالجنّة والنجاة من النار اللّهمّ دعاك الداعون ودعوتك
وسألك السائلون وسألتك وطلب الیك الطالبون وطلبت الیك اللّهمّ انت الثقة والرجاء
والیك منتهی الرغبة والدعاء اللّهمّ فصلّ علی محمّد وآله واجعل الیقین فی قلبی والنور فی بصری و
النصیحة فی صدری وذکرك باللیل والنهار علی لسانی ورزقا واسعا غیر ممنون ولا محظور فارزقنی
وبارك لی فیما رزقتنی واجعل غنای فی نفسی ورغبتی فیما عندك برحمتك یا ارحم الراحمین بعد از آن
سجده کند و بگوید الحمد لله الّذی هدانا لمعرفته وخصّنا بولایته ووفّقنا لطاعته و صد مرتبه بگوید شکرا شکرا
بعد از آن سر بردارد و بگوید اللّهمّ انّی قصدتك بحاجتی واعتمدت علیك بمسألتی وتوجّهت الیك بائمّتی
وسادتی اللّهمّ انفعنا بحبّهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنّة فی زمرتهم
برحمتك یا ارحم الراحمین و مستحب است غسل کردن درین شب و درین روز و روزه این روز برابر است با شصت
ماه و در روایت دیگر هفتاد سال آمده و مستحب است درین روز دوازده رکعت نماز گذاردن بعد از حمد و هر سوره که خواهد بخواند

ملین

و لی

وبعد از هر دو رکعت این دعا بخوانند اللهم الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی
فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد وانت
المقیل عثرتی فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر عورتی وامن
روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق وچون
از مجموع نماز و دعا فارغ شود الحمد و قل هو الله و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه
بخواند بعد از آن هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله
و هفت مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا و هر چه خواهد دعا کند و مستحب است در این روز خواندن این دعا یا آمرنا
بالعفو والتجاوز وضمن علی نفسه العفو والتجاوز یا من عفا وتجاوز اعف عنی وتجاوز عنا
یا کریم اللهم وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذهب ودرست الآمال وانقطع الرجاء الا
منک وحدک لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة ومناهل الرجاء لدیک
مترعة وابواب الدعاء لمن دعاک مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة واعلم انک للداعی
بموضع اجابة وللصارخ الیک بمرصد اغاثة وان فی اللهف الی جودک والضمان بعدتک
عوضا من منع الباخلین ومندوحة عما فی ایدی المستاثرین وانک لا تحتجب عن خلقک الا ان
تحجبهم الاعمال دونک وقد علمت ان افضل زاد الراحل الیک عزم ارادة یختارک بها وقد ناجاک
بعزم الارادة قلبی واسالک بکل دعوة دعاک بها راج بلغته امله او صارخ الیک اغثت صرخته
او ملهوف مکروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له او معافی اتممت نعمتک علیه
او فقیر اهدیت غناک الیه ولتلک الدعوة علیک حق وعندک منزلة الا صلیت علی محمد وآل
محمد وقضیت حوائجی حوائج الدنیا والآخرة وهذا رجب المرجب المکرم الذی اکرمتنا به اول
اشهر الحرم اکرمتنا به من بین الامم یا ذا الجود والکرم فنسالک به وباسمک الاعظم الاعظم
الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلک فلا یخرج منک الی غیرک ان تصلی علی محمد
واهل بیته الطاهرین وتجعلنا من العاملین فیه بطاعتک والآملین فیه لشفاعتک اللهم
واهدنا الی سواء السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل ظلیل فانک حسبنا ونعم الوکیل
والسلام علی عباده المصطفین وصلواته علیهم اجمعین اللهم وبارک لنا فی یومنا هذا الذی
فضلته وبکرامتک جللته وبالمنزل العظیم انزلته وصل علی من فیه الی عبادک ارسلته وبالمحل

الرفیع احللته اللهم صل علیه وآله صلوة دائمة تکون لک شکرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا یسرا واختم
لنا بالسعادة الی منتهی آجالنا وقد قبلت الیسیر من اعمالنا وبلغنا برحمتک افضل آمالنا انک علی کل
شیء قدیر وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین وسلم **فصل هشتم** در اعمال شهر شعبان المعظم روایت از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این ماه منسوبست بحضرت پیغمبر ص و در این ماه اعمال عباد را بالا برند و حسنات هفتاد برابر مضاعف شود
و سیئات محو گردد و گناهان آمرزیده شود و ارزاق مؤمنان در این ماه قسمت شود و زیاده شود چنانکه در ماه رمضان و هر شب ما
زینت کند و خدای تعالی از عرش نظر بعابدان و روزه داران این ماه و با ایشان با حمله عرش مباهات کند و فضایل روزه این ماه بتفصیل
در باب سابق گذشت و هر کس در این ماه صدقه دهد خدای تعالی آنرا تربیت فرماید و زیاده گرداند تا روز قیامت مثل کوه احد شود و
روایت دیگر آمده که هر کس در این ماه صدقه دهد اگر چه بنصف خرمائی باشد جسدش بر آتش حرام شود و هر کس هر روز در این ماه هفتاد
مرتبه استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای آسمان باشد و در زمرهٔ حضرت پیغمبر و آل او صلی الله علیهم محشور
شود و هر کس در این ماه هر روز هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واسأله التوبة خدای تعالی برائة از نار و جواز از صراط و دخول
دار القرار عطا فرماید و هر کس هر روز در این ماه هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم
واتوب الیه خدای تعالی آنرا در افق مبین ثبت گرداند پرسیدند که افق مبین کدام است حضرت امام ع فرمود صحرائیست در
پیش عرش که در آن نهرهای جاریست از بهشت و مستحب است در هر روز این ماه وقت ظهر و در شب نصف شعبان نیز خواندن
این دعا صلوة اللهم صل علی محمد وآل محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائکة ومعدن العلم
واهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد وآل محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یامن من رکبها ویغرق من
ترکها المتقدم لهم مارق والمتاخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد وآل محمد الکهف
الحصین وغیاث المضطر المستکین وملجا الهاربین وعصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد وآل محمد
صلوة کثیرة تکون لهم رضاء ولحق محمد وآل محمد اداء وقضاء بحول منک وقوة یا رب العالمین اللهم صل
علی محمد وآل محمد الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت حقوقهم وفرضت طاعتهم وولایتهم
اللهم صل علی محمد وآل محمد واعمر قلبی بطاعتک ولا تخزنی بمعصیتک وارزقنی مواساة من قترت
علیه من رزقک بما وسعت علی من فضلک ونشرت علی من عدلک واحیینی تحت ظلک وهذا
شهر نبیک سید رسلک شعبان الذی حففته منک بالرحمة والرضوان الذی کان رسول الله صلی
الله علیه وآله یداب فی صیامه وقیامه فی لیالیه وایامه بخوعا لک فی اکرامه واعظامه الی محل
حمامه اللهم فاعنا علی الاستنان بسنته فیه ونیل الشفاعة لدیه اللهم واجعله لی شفیعا مشفعا
وطریقا الیک مهیعا واجعلنی له متبعا حتی القاک عنی راضیا وعن ذنوبی غاضیا قد اوجبت لی منک

طیبة

یوم القیمة

الرحمة والرضوان وأنزلني دار القرار ومحل الأخيار و روز سیم این ماه حضرت امام حسین ع متولد شده مستحب است درین روز
روزه داشتن و خواندن این دعا اللهم إني أسألك بحق المولود في هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و
ولادته بكته السماء ومن فيها والأرض ومن عليها ولما يطأ لابتيها قتيل العبرة وسيد الأسرة
الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله أن الأئمة من نسله والأوصياء من عترته والشفاء في
تربته والفوز معه في أوبته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبار
ويكونوا خير أنصار صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم إليك أتوسل وأسأل
سؤال مقترف معترف مسيء إلى نفسه مما فرط في يومه وأمسه وأسألك العصمة إلى محل رمسه اللهم فصل
على محمد وعترته واحشرنا في زمرته وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الإقامة اللهم وكما أكرمتنا بمعرفته
فأكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممن يسلم لأمره ويكثر الصلاة عليه عند ذكره
وعلى جميع أوصيائه وأهل أصفيائه الممدودين منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر
اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وأنجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين لمحمد جده وعاذ فطرس
بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر أوبته آمين يا رب العالمين

فصل هشتم

روایتست که هر کس که ایام بیض ماه شعبان روزه گیرد خدای تع برایش هزار حسنه نویسد و هزار سیئه از و محو کند و هزار درجه بلند گرداند
و هر کس شب نصف شعبان و شب عید فطر احیا دارد دلش نمیرد روزی که دلها همه مرده شود و شب نصف شعبان بعد از شب قدر
بهترین شبهاست درین شب گناهان کبیره آمرزیده شود و حوایج برآورده و دعا مستجاب شود و هر کس درین شب زیارت حضرت امام
حسین ع کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و نیز مرویست که هر کس شب نصف شعبان و شب فطر و شب عرفه در یکسال
زیارت آنحضرت کند خدای تع برایش هزار حج و هزار عمره نویسد و هزار حاجتش را برآرد در دنیا و آخرت و هر کس که درین شب سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله هر یک را صد بار بگوید گناهان گذشته اش همه آمرزیده شود و حوایج دنیا و آخرتش برآورده
گردد و خواه آنچه سؤال کند و خواه آنچه نکند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر کس درین شب بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز کند در رکعت
اول بعد الحمد قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه
الله اکبر بگوید بعد از آن بگوید یا من إليه ملجأ العباد في المهمات وإليه يفزع الخلق في الملمات يا عالم الجهر و
الخفيات يا من لا يخفى عليه خواطر الأوهام وتصرف الخطرات يا رب الخلائق والبريات يا من بيده ملكوت
الأرضين والسماوات أنت الله لا إله إلا أنت أمت إليك بلا إله إلا أنت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت
إليه فرحمته وسمعت دعاءه فأجبته وعلمت استقالته فأقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته وعظيم
جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت إليك في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك

واحطط

واحطط خطاياي بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك واجعلني فيها من أوليائك
الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني ممن
سعد جده وتوفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم واكفني ما أسلفت واعصمني من الازدياد
في معصيتك وحبب إلي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي إليك يلجأ الهارب ومنك
يلتمس الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب أدبت عبادك بالتكرم وأنت أكرم الأكرمين
وأمرت بالعفو عبادك وأنت الغفور الرحيم اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من
سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة لأهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار
بريتك رب إن لم أكن أهلا لذلك فأنت أهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما أنت أهله لا
بما أستحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك فأنت أرحم الراحمين وأنت
أكرم الأكرمين اللهم واخصص من كرمك بجزيل قسمك وأعوذ بعفوك من عقوبتك وأتم بجزيل
عطائك وأسعد بسابغ نعمائك وقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك
من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد بما سألتك وأنل ما التمست منك أسألك بك لا بشيء
هو أعظم منك بعد از آن سجده کند و بیست مرتبه بگوید یا رب و هفت مرتبه یا الله و ده مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله
بعد از آن صلوات بفرستد و هر حاجت که خواهد سؤال نماید والله اگر بعدد قطره باران حاجت بخواهد که خدای تع بفضل و کرم خود همه را
عطا فرماید و هر کس درین شب ده رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد الحمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود سجده کند و در سجده
بگوید اللهم لك سجد سوادي وخيالي وبياضي يا عظيم كل عظيم اغفر لي ذنبي العظيم فإنه لا يغفره غيرك [illegible]
دو هزار سیئه از و محو شود و ده هزار حسنه نوشته شود و این دعا که مرویست از آنحضرت درین شب بخواند اللهم صل على محمد
سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجة رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في الظلال المطهر من كل آفة البريء
من كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة المفوض إليه دين الله اللهم شرف بنيانه وعظم برهانه
وأفلج حجته وارفع درجته وأضئ نوره وبيض وجهه وأعطه الفضل والفضيلة والوسيلة والدرجة الرفيعة وابعثه
مقاما محمودا يغبطه به الأولون والآخرون وصل على أمير المؤمنين ووارث المرسلين وقائد الغر
المحجلين وسيد الوصيين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي إمام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على الحسين بن علي إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على علي بن الحسين إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد بن
علي إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد إمام المؤمنين

ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على موسى بن جعفر امام المؤمنين ووارث المرسلين و
حجة رب العالمين وصل على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن محمد امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل اللهم على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب
العالمين اللهم صل على محمد واهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك
واركان توحيدك وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم
على عبادك وارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك وغشيتهم برحمتك ور
بيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم نورك ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشر
فتهم بنبيك صلواتك عليهم اللهم صل عليه وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت
ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي سنتك القائم بامرك الداعي
اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك في ارضك وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد
في عمره وزين الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين وازجر عنه
ارادة الظالمين وخلصه من ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته
وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله في الدنيا والاخرة
انك على كل شيء قدير اللهم جدد به ما امتحى من دينك واحي به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من
حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا جديدا خالصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده
ولا بدعة لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به
كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جائر واجر حكمه على كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان
اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستاصل من جحد حقه واستهان
بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الز
هراء والحسن الرضا والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار التقى
والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصل على وليك وولاة عهده والائمة من ولده
ومد في اعمارهم وزد في اجالهم وبلغهم اقصى امالهم دينا ودنيا واخرة انك على كل شيء قدير
وایضا مستحب است درین شب خواندن این دعا اللهم بحق ليلتنا ومولودها وحجتك وموعودها التي قرنت

الى فضلها فضلا فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك ولا معقب لاياتك نورك المتالق و
ضياؤك المشرق والعلم النور في طخياء الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم محتده والملائكة شهده
والله ناصره ومؤيده اذا آن ميعاده والملائكة امداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو
وذو الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الامر والمنزل عليهم ما ينزل في ليلة القدر
واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة امره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور
عن عوالمهم وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا
في اعوانه وخلصائه واحينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين ومن السوء سالمين
برحمتك يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين والمرسلين وعلى
اهل بيته الصادقين وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين
ودر روز نصف اینها ارواح انبیا علیهم السلام اذن خواهند بزیارت قبر حضرت امام حسین ع آیند وهرکس درین روز زیارت قبر
آنحضرت کند صد بیست هزار پیغمبر با او مصافحه کنند وملك گناه بر ونویسند واگر سال دوم نیز زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و
روایت دیگر آمده که هرکس درین روز سه سال پی در پی زیارت آنحضرت کند گناهانش آمرزیده شود **فصل هشتم** شعبان شب اول
رمضان این دعا بخواند اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزل فيه القران هدى للناس وبينات من الهدى
والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر
الكثير اقبل مني اليسير اللهم اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا
ارحم الراحمين يا من عفى عني وعن ما خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب
المعاصي عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني عن محارمك فلم انزجر
فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك اللهم اني اسئلك الراحة عند الموت والعفو عند
الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن التجاوز من عندك يا اهل التقوى واهل المغفرة عفوك
عفوك اللهم اني عبدك وابن عبدك وابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى و
البركة على العباد قاهر مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم
خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك وكلنا فقير الى رحمتك فلا تصرف
عني وجهك واجعلني من صالحي خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني خير البقاء و
افنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع
والوفاء والتسليم لك والتصديق بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة

او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان
او عظمة او شيء لا تحب فاسألك يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضى بقضائك
وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة وطمأنينة وتوبة نصوحا اسألك ذلك يا رب العالمين
الهي انت من حلمك تعصى ومن كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك سكان
ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا يا ارحم الراحمين وصل على محمد وآله صلوة لا تحصى
ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين **فصل دهم** در اعمال ماه مبارک رمضان مرویست از
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این ماه سید ماههاست اولش رحمت است و میانش مغفرت و آخرش اجابت دعوت و آزادی
از آتش و حضرت پیغمبر صلعم در فضایل این ماه خطبه ادا فرمود و مجمل مضمونش اینست که این ماه افضل ماههاست و یکنماز تطوع
در شبهای این ماه مثل نماز هفتاد شب است در سایر ماهها و اجر تطوع و تصدق و سایر اعمال خیر در این ماه مثل اجر فریضه است در غیر
این ماه و فریضه در این ماه مثل هفتاد فریضه است در غیر آن و در این ماه اهل حاج و اعمار و ارزاق مردم نوشته شود و ارزاق
مؤمنان در این ماه زیاد گردد و هر کس در این ماه مؤمنی را افطار فرماید چنانست که بنده آزاد کند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود کسی
گفت ما همه قادر برین نیستیم فرمود خود را از آتش نگاه دارید اگرچه به نصف خرما یا به شربت آبی باشد و هر کس در این ماه خدمت و
مشقت از خادم خود تخفیف دهد خدای تعالی روز قیامت حساب او را تخفیف دهد و مؤمنان در این ماه مهمان خدا و اهل کرامت
اویند نفسشان تسبیح است و خوابشان عبادت و دعاشان مستجاب و عملشان مقبول پس در این ماه به نیتهای صادق و دلهای
پاکیزه از گناه و توفیق روزه آن و تلاوت قرآن مسئلت کنید و بجوع و عطش این ماه جوع و عطش روز قیامت یاد آرید و بر فقرا
تصدق و بر کوچکان ترحم و بر بزرگان توقیر و تکریم نمایید و صله ارحام بجا آرید و زبان از بیهوده و ناحاصل ببندید و چشم از حرام
از حرام بپوشید و گوش از آن بگیرید و بر ایتام مردم رحم کنید تا بر ایتام شما رحم کنند و در اوقات صلوات که افضل اوقات است از
گناهان استغفار کنید و دستها به دعا بردارید که خدای تعالی بر بندگان برحمت نظر کند چون او را طلبند لبیک گوید و چون
مناجات کنند اجابت نماید و چون دعا کنند عطا فرماید نفوس شما در گرو عملست پس باستغفار خلاص کنید و پشتهای شما
از گناه سنگین است پس بطول رکوع و سجود بار از دوش خود سبک کنید و درهای بهشت در این ماه گشوده است سؤال کنید تا بر شما نبندند
و درهای دوزخ بسته است تضرع کنید تا بر شما نگشایند و شیاطین مسجون و محبوس است استغاثه کنید تا بر شما مسلط نشوند و شقی کسیست
که در این ماه از مغفرت خدا محروم ماند و کسی که در این ماه آمرزیده نشود دیگر آمرزیده نشود مگر آنکه بعرفات حاضر شود و هر کس در این ماه
شر خود از مردم باز گیرد خدای تعالی غضب خود از او باز گیرد و هر کس تطوعی بجا آورد از آتش بری شود و هر کس یتیمی را اکرام کند
خدای تعالی روز قیامت او را اکرام کند و هر کس صلوات بر من فرستد میزانش را سنگین گرداند روزی که میزانها سبک باشد
و هر کس یک آیه از قرآن بخواند چنانست که در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر شب در این ماه جمعی بسیار را از آتش آزاد شوند مگر کسی که افطار

برسکری کند یا صاحب بدعت یا صاحب شطرنج باشد و در شب آخر مثل آنکه در تمام عمر ماه از آتش آزاد شده و هر کس این ماه روزه
گیرد و قدری از شبهایش عبادت کند و مواظبت بر نمازها و محافظت نماز جمعه و نماز عید نماید و بطن و فرج خود از حرام حفظ
کند و زبان از مردم باز دارد لیلة القدر را دریابد و از گناهان پاک بیرون رود چنانکه از ماه بیرون میرود و بجایزه و صله الهی فایز شود
و نیز روایات دیگر آمده که هر کس این ماه را روزه گیرد و فرج و زبان حفظ کند و مردم را نیازارد و نرنجاند خدای تعالی گناهان گذشته و آینده
اش بیامرزد و از آتش آزادش گرداند و در بهشت نزولش فرماید و شفاعتش را برای اهل توحید بعدد ریگ عالج قبول فرماید
این بود بیان مجملی از مکارم اخلاق و محاسن افعال در این ماه اما اوراد و اذکار آن بیانش آنکه چون ماه مبارک دیده شود روی بقبله بگوید
اللهم اهله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام والعافية المجللة والرزق الواسع ودفع الاسقام اللهم
ارزقنا صيامه وقيامه وتلاوة القرآن فيه اللهم سلمه لنا وتسلمه منا وسلمنا فيه و دعای رؤیت هلال صحیفه
کامله نیز بخواند و هر کس در این ماه یکی از شب اول یا میان یا آخر بکربلا حاضر شود و زیارت حضرت امام حسین عم کند گناهانش آمرزیده شود
و بریزد مثل برگ از درخت و از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده و چنان باشد که حج و عمره گذارده بود و هر شب از این ماه این دعا
بخواند اللهم اني افتتح الثناء بحمدك وانت مسدد للصواب بمنك وايقنت انك ارحم الراحمين في موضع
العفو والرحمة واشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة
اللهم اذنت لي في دعائك ومسألتك فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا رحيم دعوتي واقل يا غفور عثرتي
فكم يا الهي من كربة قد فرجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد
لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله
بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له في امره الحمد لله الذي
لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق امره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط
بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة العطاء الا كرما وجودا انه هو العزيز الوهاب اللهم
اني اسألك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل
يسير اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي
وحلمك عن كثير جرمي عند ما كان من خطاي وعمدي اطمعني في ان اسألك ما لا استوجبه منك الذي
رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسألك
مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي
عليك ولعل الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم
منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك

كان لي التطوّل عليك ولم يمنعك ذلك من الرحمة بي والاحسان اليّ والتفضّل عليّ بجودك وكرمك فارحم عبدك
الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخّر الرياح فالق
الاصباح ديّان الدين ربّ العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على
طول اناته في غضبه وهو القادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق وباسط الرزق ذي الجلال والاكرام والفضل
والاحسان الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه
يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزّته الاعزّاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي
يجيبني حين اناديه ويستر عليّ كل عورة وانا اعصيه ويعظّم النعمة عليّ فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة
قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبّحا الحمد لله الذي
لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يردّ سائله ولا يخيّب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجّي الصادقين
(هامش: ولا ينفد نائله)
ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين الحمد لله قاصم الجبّارين مبير الظالمين
مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي
من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمّارها وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله
الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حيّ لا يموت
(هامش: الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله)
بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صلّ على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيّك وحبيبك و
خيرتك وحافظ سرّك ومبلّغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر
(هامش: من خلقك)
واسنى واكثر ما صلّيت وباركت وترحّمت وتحنّنت وسلّمت على احد من عبادك وانبيائك ورسلك
وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صلّ على عليّ امير المؤمنين ووصيّ رسول ربّ العالمين وعلى
الصدّيقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيّدة نساء العالمين وصلّ على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيّدي
شباب اهل الجنة وصلّ على ائمة المسلمين حججك على عبادك وامنائك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم
(هامش: عليّ بن الحسين ومحمد بن عليّ وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى ومحمد بن عليّ وعليّ بن محمد والحسن بن عليّ والخلف الهادي المهدي)
وصلّ على وليّ امرك القائم المؤمّل والعدل المنتظر وحفّه بملائكتك المقرّبين وايّده بروح القدس يا ربّ العالمين
اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت الذين من قبله مكّن له دينه الذي
ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزّه واعزز به وانصره وانتصر به
انصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا اللهم اظهر به دينك وملّة نبيّك حتى لا يستخفي بشيء من الحق
مخافة احد من الخلق اللهم انّا نرغب اليك في دولة كريمة تعزّ بها الاسلام واهله وتذلّ بها النفاق
(هامش: واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا)
واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم

ما

ما عرّفتنا من الحق فحمّلناه وما قصرنا عنه فبلّغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثّر
به قلّتنا واعزز به ذلّتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسدّ به خلّتنا ويسّر به
عسرنا وبيّض به وجوهنا وفكّ به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا
(هامش: واعطنا به سؤلنا وبلّغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا)
به فوق رغبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب يا خير المسؤولين واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب
به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا
به على عدوّك وعدوّنا اله الحق آمين اللهم انّا نشكو اليك فقد نبيّنا وغيبة امامنا وكثرة عدوّنا وقلّة
(هامش: صلواتك عليه وآله)
عددنا وشدّة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصلّ على محمد وآل محمد واعنّا على ذلك بفتح تعجّله وضرّ
تكشفه ونصر تعزّه وسلطان حق تظهره ورحمة منك تجلّلناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم

٩٣

الراحمين دعا سحر در شبها این دعا بخواند يا عدّتي في كربتي ويا صاحبي في شدّتي ويا وليّي في نعمتي ويا غايتي في
رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي اللهم اني اسألك خشوع
الايمان قبل خشوع الذلّ في النار يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي
من سأله تحنّنا منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسأله تفضّلا منه وكرما بكرمك الدائم صلّ على محمد
وآل محمد وهب لي رحمة واسعة جامعة ابلغ بها خير الدنيا والآخرة اللهم اني استغفرك لما تبت اليك منه
ثم عدت فيه واستغفرك لكل خير اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك اللهم صلّ على محمد
وآل محمد واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك يا كريم من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه
ودنا فلا شيء دونه صلّ على محمد وآل محمد وارحمني يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة الليلة الساعة الساعة الساعة اللهم
طهّر قلبي من النفاق وعملي من الرياء ولساني من الكذب وعيني من الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين وما تخفي
الصدور يا ربّ هذا مقام العائذ بك من النار هذا مقام المستجير بك من النار هذا مقام من يبوء بخطيئته
ويعترف بذنبه ويتوب الى ربّه هذا مقام البائس الفقير هذا مقام الخائف المستجير هذا مقام المحزون المكروب
هذا مقام المغموم هذا مقام الغريب الغريق هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام من لا يجد لذنبه غافرا غيرك
ولا لضعفه مقوّيا سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد سجودي لك وتعفيري بغير منّ منّي عليك بل
لك الحمد والمنّ والفضل عليّ ارحم اى ربّ اى ربّ تا نفس تنگ شود وضعفي وقلّة حيلتي ورقّة جلدي وتبدّد
اوصالي وتناثر لحمي وجسمي وجسدي ووحدتي ووحشتي في قبري وجزعي من صغير البلاء اسألك يا ربّ قرّة
العين والاغتباط يوم الحسرة والندامة بيّض وجهي يوم تسودّ فيه الوجوه آمنّي من الفزع الاكبر اسألك البشرى
يوم تقلّب فيه القلوب والابصار والبشرى عند فراق الدنيا الحمد لله الذي ارجوه عونا في حيوتي وارجوه ذخرا

لِيَوْمِ فاقتي الحمد لله الذي أدعوه ولا أدعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب دعائي الحمد لله الذي أرجوه ولا أرجو غيره
ولو رجوت غيره لأخلف رجائي الحمد لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذي الجلال والإكرام وليّ كل نعمة وصاحب
كل حسنة ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني اليقين وحسن الظن بك وأثبت
رجاءك في قلبي واقطع رجائي عمن سواك حتى لا أرجو غيرك ولا أثق إلا بك يا لطيفا لما تشاء الطف بي في
جميع أحوالي بما تحب وترضى يا رب إني ضعيف على النار فلا تعذبني بالنار يا رب ارحم دعائي وتضرعي وخوفي
وذلي ومسكنتي وتعويذي وتلويذي يا رب إني ضعيف عن طلب الدنيا وأنت واسع كريم أسألك يا رب بقوتك
على ذلك وقدرتك عليه وغناك عنه وحاجتي إليه أن ترزقني في عامي هذا وشهري هذا ويومي هذا وساعتي
هذه رزقا واسعا تغنيني به عن تكلف ما في أيدي الناس من رزقك الحلال الطيب أي رب منك أطلب
وإليك أرغب وإياك أرجو وأنت أهل ذلك لا أرجو غيرك ولا أثق إلا بك يا أرحم الراحمين يا رب إني
ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وعافني يا سامع كل صوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات
ولا تشتبه عليه الأصوات ولا يشغله شيء عن شيء أعط محمدا أفضل ما سألك وأفضل ما سئلت له وأفضل ما أنت
مسؤول له إلى يوم القيامة وهب لي العافية حتى تهنئني المعيشة واختم لي بخير حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني
بما قسمت لي حتى لا أسأل أحدا شيئا اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لي خزائن رحمتك وارحمني رحمة لا تعذبني بعدها
أبدا في الدنيا والآخرة وارزقني من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا لا تفقرني إلى أحد بعده سواك تزيدني به لك
شكرا وإليك فاقة وفقرا وبك عمن سواك غنى وتعففا يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل
على محمد وآل محمد واكفني المهم كله واقض لي بجميع حوائجي اللهم يسر لي ما أخاف تعسيره فإن تيسير ما أخاف تعسيره
عليك سهل يسير وسهل لي ما أخاف حزونته ونفس عني ما أخاف ضيقه وكف عني ما أخاف غمه واصرف عني
ما أخاف بليته يا أرحم الراحمين اللهم املأ قلبي حبا لك وخشية وتصديقا بكتابك وإيمانا بك وفرقا منك
وشوقا إليك يا ذا الجلال والإكرام اللهم إن لك علي حقوقا فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها عني
وقد أوجبت لكل ضيف قرى وأنا ضيفك فاجعل قراي الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول
ولا قوة إلا بك برکتی این دعا را بخواند از جمیع شرور و فتنهای دین و دنیا در حفظ و امان خدای باشد تا سال دیگر اللهم
إني أسألك باسمك الذي دان له كل شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي خضع لها كل شيء و
بجبروتك التي غلبت كل شيء وبعلمك الذي أحاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا أول قبل كل شيء ويا باقي بعد
كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء
واغفر لي الذنوب التي تديل الأعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول

واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم

البلاء

البلاء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث
الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم وألبسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من شر ما أحاذر بالليل
والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السماوات السبع ورب الأرضين السبع وما فيهن وما بينهن
ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب إسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله
عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين أسألك بك وبما سميت به نفسك يا عظيم أنت الذي تمن بالعظيم
وتدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل والكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله
يا رحمن يا رحيم صل على محمد وأهل بيته وألبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي بنورك وأ
حبني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطيتك من خير ما أنت معطيه أحدا من خلقك
وألبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية
يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة إبراهيم وفطرته وعلى دين محمد وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني
مواليا لأوليائك معاديا لأعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل أو قول أو فعل يباعدني منك
واجلبني إلى كل عمل أو قول أو فعل يقربني منك في هذه السنة يا أرحم الراحمين وامنعني من كل عمل أو قول
أو فعل يكون مني أخاف ضرر عاقبته وأخاف مقتك إياي عليه حذار أن تصرف وجهك الكريم عني
فأستوجب به نقصا من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك
وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا إله
غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالحي من مضى من أوليائك وألحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق
عليك منهم وأعوذ بك اللهم أن تحيط بي خطيئتي وظلمي وإسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي
فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فأكون منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني
لكل عمل ترضى به عني وتقربني به إليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلواتك عليه وآله هول عدوه
وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك وأنجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه
السنة وآفاتها وأسقامها وفتنتها وشرورها وأحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية
بتمام دوام النعمة عندي إلى منتهى أجلي أسألك سؤال من أساء وظلم واعترف وأسألك أن تغفر لي ما
مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك وأحصتها كرام ملائكتك علي وأن تعصمني إلهي من الذنوب
فيما بقي من عمري إلى منتهى أجلي يا الله يا رحمن صل على محمد وأهل بيت محمد وآتني كل ما سألتك
ورغبت إليك فيه فإنك أمرتني بالدعاء وتكفلت بالإجابة يا أرحم الراحمين وایضا دعای دخول
لي

واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء

٩٤

واعطني من خير ما عندك

صلى

فيها

ماه مبارك از صحيفه كامله بخواند و هر روز تا آخر ماه اين دعا بخواند إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا
صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب وسعديك وسبحانك اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما
صليت وباركت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وآل محمد كما رحمت إبراهيم وآل
إبراهيم إنك حميد مجيد اللهم صل على محمد وآل محمد كما سلمت على نوح في العالمين اللهم امنن على محمد وآل
محمد كما مننت على موسى وهارون اللهم صل على محمد وآل محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد كما شرفتنا
به اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الأولون والآخرون على محمد وآله السلام
كلما طلعت شمس أو غربت على محمد وآله السلام كلما طرفت عين أو ذرفت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام
على محمد وآله السلام كلما سبح الله ملك أو قدسه السلام على محمد وآله في كل وقت وحين السلام على محمد وآله
في الأولين السلام على محمد وآله في الآخرين السلام على محمد وآله في الدنيا والآخرة اللهم رب البلد
الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل والحرام أبلغ محمدا نبيك وآله عنا السلام اللهم أعط محمدا من
البهاء والنضرة والسرور والكرامة والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والرفعة والشفاعة عندك يوم
القيامة أفضل ما تعطي أحدا من خلقك وأعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق من الخير أضعافا كثيرة لا يحصيها
غيرك اللهم صل على محمد أطيب وأطهر وأزكى وأنمى وأفضل ما صليت على الأولين والآخرين وعلى
أحد من خلقك يا أرحم الراحمين اللهم صل على أمير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد صلى الله عليه وآله والعن من آذى نبيك فيها
اللهم صل على الحسن والحسين إمامي المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من
العذاب على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي أئمة المسلمين ووال من والاهم وعاد من عاداهم
وضاعف العذاب على من ظلمهم اللهم صل على الخلف من بعدهم إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من
عاداه وعجل اللهم فرجه اللهم صل على الطاهر والقاسم وإبراهيم بني نبيك اللهم صل على رقية وأم
كلثوم بنتي نبيك والعن من آذى نبيك فيهما اللهم صل على الخيرة من ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك
في أهل بيته اللهم مكن لهم في الأرض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وأنصارهم على الحق
في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة
بأس كل باغ وطاغ أنت آخذ بناصيتها إنك أشد بأسا وأشد تنكيلا و نيز هر روز اين دعا بخواند اللهم هذا
شهر رمضان الذي أنزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر الصيام

وهذا

وهذا شهر القيام وهذا شهر الإنابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق
من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر فصل على محمد وآل محمد وأعني
على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه وأعني عليه بأفضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة
رسولك وأوليائك صلى الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك وعظم لي
فيه البركة وأحسن لي فيه العافية وأصح بدني وأوسع فيه رزقي واكفني فيه ما أهمني واستجب فيه دعائي وبلغني
فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد وأذهب عني فيه النعاس والكسل والسآمة والفترة والقسوة والغفلة
والغرة وجنبني فيه العلل والأسقام والهموم والأحزان والأعراض والأمراض والخطايا والذنوب
واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء إنك سميع الدعاء اللهم صل على محمد
وآل محمد وأعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره
وحبائله وخدعه وأمانيه وغروره وفتنته وشركه وأعوانه وأتباعه وأشياعه وأوليائه وشركائه
وجميع مكايده اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الأمل فيه وفي قيامه واستكمال
ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وإيمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالأضعاف الكثيرة والأجر العظيم يا رب
العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني فيه الحج والعمرة والاجتهاد والقوة والنشاط والإنابة
والتوفيق والتوبة والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق
اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول
ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم
ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك وحق أوليائك و
الوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه أفضل ما
تقسمه لعبادك الصالحين وأعطني فيه أفضل ما تعطي أولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة الدائمة
والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل دعائي فيه إليك واصلا ورحمتك وخيرك إلي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا
وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الأكثر وحظي فيه الأوفر اللهم صل على محمد وآل محمد و
وفقني فيه لليلة القدر على أفضل حال تحب أن يكون عليها أحد من أوليائك وأرضاها لك ثم اجعلها
لي خيرا من ألف شهر وارزقني فيها أفضل ما رزقت أحدا ممن بلغته إياها وأكرمته بها واجعلني
فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك يا أرحم

واخر لي فيه التوبة

والجد

والمغفرة والتحنن

الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين اسئلك بحقك عليهم وبحقهم عليك وبحقك العظيم لما صليت عليه وآله اجمعين ونظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضى لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني ما اكره واحذر واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سأل العبد ربه ولم يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واساءتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها احد غيرك واعف عني واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى والكبرياء والآلاء اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك وترضيني بما قسمت لي وتؤتيني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فاخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك وصل على محمد وال محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم

في شأن

صلواتك عليه وعليهم اجمعين

عليهم

واخواتي

والامثال العليا

يا فضل بحولك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد رب محمد وال محمد

في شأن انت خليفة محمد ناصر محمد ومفضل محمد اسئلك ان تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلوات الله عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل على محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف فصل على محمد وال محمد والطف لي لما تشاء اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والآخرة بعد از آن سه مرتبه بگويد استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا اللهم اغفر لي انك ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم العظيم الكريم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما بعد از آن بگويد اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي وديني آمين رب العالمين اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس ومن حيث لا احترس وصل على محمد وال محمد وسلم كثيرا وايضا هر روز در اين ماه اين دعا بخواند خداى تع حسنات او بسيار كند ... بيامرزد اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن وافترضت على عبادك فيه الصيام وارزقني حج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل عام واغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك يا ذا الجلال والاكرام وهر كس در اين ماه بعد از نمازهاى فريضه اين دعا بخواند گناهانش تا روز قيامت آمرزيده شود اللهم ادخل على اهل القبور السرور اللهم اغن كل فقير اللهم اشبع كل جائع اللهم اكس كل عريان اللهم اقض دين كل مدين اللهم فرج عن كل مكروب اللهم رد كل غريب اللهم فك كل اسير اللهم اصلح كل فاسد من امور المسلمين اللهم اشف كل مريض اللهم سد فقرنا بغناك اللهم غير سوء حالنا بحسن حالك اللهم اقض عنا الدين واغننا من الفقر انك على كل شيء قدير وورد شبانه روز با ثواب او در اعمال ماه رجب گذشت ومستحب است غسل كردن در شب پانزدهم ونوزدهم وبيست ويكم وبيست وسيم ودر شب بيست وسيم دو مرتبه يكى اول شب ويكى آخر شب **اعمال شب قدر** عمل خير در يك شب برابر است با عمل هزار ماه كه شب قدر در آن نباشد وروزه قدر نيز در فضل وشرف مثل شب قدر است واحكام وحوادث يكسال از خير وشر وطاعت ومعصيت همه در شب قدر تقدير ميشود واخبار آن همه بر امام زمان عليه السلام نازل ميشود ودر شب قدر از قبل

وفي كل عام

من امري

شب تا طلوع آفتاب ملایکه و روح بر امام علیه السلام نازل میشوند و اخبار و احکام تمام سال را از جانب الهی با امام علیه السلام
می آرند و هرچه درین شب تقدیر شود محتوم باشد و خلاف آن واقع نشود و آنچه از احادیث معلوم میشود اینست که مجموع
احکام و تقدیرات شب قدر در سه شب تمام میشود در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم ابتدای آن در شب نوزدهم
میشود و تمام آن شب بیست و سیم و مستحب است احیا داشتن سه شب بیست و یکم و بیست و سیم که یقین و حتم احکام درین دو شب میشود
و زیارت حضرت امام حسین ع در شب قدر مغفرت گناهانست و مستحب است که در شب بیست و سیم نشسته و ایستاده و در سجود
و در همه احوال بلکه در مدت عمر همیشه مکرر بگوید اللهم یا ذا المجد الشامخ و السلطان الباذخ صل علی محمد و آل
محمد و کن لولیک محمد بن الحسن فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا
حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا و حضرت امام جعفر ع فرمود هر کس در شب بیست و سیم این ماه سوره عنکبوت
و روم بخواند و الله که از اهل بهشت باشد ان شاء الله ... و نمی ترسم که درین قسم گناهان داشته باشم و نیز فرموده هر کس که درین شب
هزار مرتبه انا انزلناه بخواند اعتقاد و یقینش بولایت ما شدید تر شود و اگر خواهد چیزی در خواب ببیند که بسی ... شود و نیز مرویست
که هر کس در شب آخر این ماه خصوصا در شب نوزدهم قرآن را بگشاید و بگوید اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل و ما
فیه و فیه اسمک الاعظم الاکبر و اسماؤک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائک
و طلقائک من النار پس هر حاجت که خواهد بخواهد البته مستجاب شود **فصل پنجم** مرویست که حضرت صادق علیه السلام
در دو شب آخر ماه مبارک رمضان بعد از فرایض و نوافل میگفت اللهم ادّ عنا حق ما مضی من شهر رمضان و اغفر
لنا تقصیرنا فیه و تسلّمه منا مقبولا و لا تؤاخذنا باسرافنا علی انفسنا و اجعلنا من المرحومین و لا تجعلنا
من المحرومین و فرموده هر کس این دعا بخواند خدا گناهانی که در آنچه از این ماه گذشته کرده آمرزیده شود و در بقیه ماه از گناه محفوظ گردد و ایضا
درین دو شب این ادعیه بخواند **فصل ششم** یا مولج اللیل فی النهار و مولج النهار و مخرج الحی من المیت و مخرج المیت
من الحی و یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا رحیم یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی و الامثال
العلیا و الکبریاء و الآلاء اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء
و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا
یذهب الشک عنی و ترضینی بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب
النار الحریق و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة و التوبة و التوفیق لما وفقت
له محمدا و آل محمد صلواتک علیهم شب دوم یا سالخ النهار من اللیل فاذا هم مظلمون و مجری الشمس
لمستقرها بتقدیرک یا عزیز یا علیم و مقدر القمر منازل حتی عاد کالعرجون القدیم یا نور کل نور و منتهی کل
رغبة و ولی کل نعمة یا الله یا رحمن یا الله یا قدوس یا واحد یا احد یا فرد یا الله یا الله یا الله لک الاسماء

الحسنی

الحسنی تا آخر دعا شب سیم یا رب لیلة القدر و جاعلها خیرا من الف شهر و رب اللیل و النهار و الجبال و البحار
و الظلم و الانوار و الارض و السماء یا باری یا مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم یا الله
یا بدیع یا الله یا الله یا الله تا آخر شب چهارم یا فالق الاصباح و جاعل اللیل سکنا و الشمس و القمر حسبانا
یا عزیز یا علیم یا ذا المن و الطول و القوة و الحول و الفضل و الانعام یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا فرد
یا وتر یا الله یا ظاهر یا باطن یا حی لا اله الا انت لک الاسماء الحسنی تا آخر شب پنجم یا جاعل اللیل
لباسا و النهار معاشا و الارض مهادا و الجبال اوتادا یا الله یا قاهر یا الله یا جبار یا الله یا سمیع یا الله یا قریب
یا الله یا مجیب یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی تا آخر شب ششم یا جاعل اللیل و النهار آیتین یا من
محا آیة اللیل و جعل آیة النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه و رضوانا یا مفصل کل شیء تفصیلا یا ماجد
یا وهاب یا الله یا جواد یا الله یا الله یا الله تا آخر **فصل هفتم** یا ماد الظل و لو شئت لجعلته ساکنا
و جعلت الشمس علیه دلیلا ثم قبضته الیک قبضا یسیرا یا ذا الجود و الطول و الکبریاء و الآلاء لا اله الا
انت عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم لا اله الا انت یا قدوس یا سلام یا مؤمن
یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق یا باری یا مصور یا الله یا الله یا الله تا آخر **فصل هشتم**
یا خازن اللیل فی الهواء و خازن النور فی السماء و مانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و حابسهما ان
تزولا یا علیم یا غفور یا دائم یا الله یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا الله تا آخر **فصل نهم**
یا مکور اللیل علی النهار و مکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا الله یا رب الارباب و سید السادات
لا اله الا انت یا اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله تا آخر **فصل دهم** الحمد لله الذی لا شریک
له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و کما هو اهله یا قدوس یا نور القدس یا سبوح یا منتهی التسبیح
یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا جلیل یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله
تا آخر و ایضا مرویست که هر کس درین ماه دوازده رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از الحمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند
و چون از تمام دوازده رکعت تمام شود هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم هفتاد مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب
الیه چشمه های حکمت از دلش بر زبان گشوده شود و زبانش بحکمت گویا گردد و از آفات دنیا و آخرت ایمن گشته چون از دنیا برود
بسلامت داخل بهشت شود و هنوز سر از سجده آخر نماز برنداشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و ثواب هفتصد
قائم اللیل صائم النهار و هفتصد حج و هفتصد هزار عمره عطا شود و اگر در آن سال بمیرد شهید باشد و در وداع ماه مبارک
دعای صحیفه کامله بخواند **فصل هفتم** شبانه روز عید فطر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شب عید فطر در فضل

وشرف لكثر از شب قدر نيست و هر كس درين شب زيارت حضرت امام حسين ع كند گناهان گذشته و آينده اش آمرزيده شود و فضل
احيا داشتن اين شب در اعمال شعبان گذشت و مستحب است غسل كردن در اول و آخر اين شب و بعد از نماز شام و نافله اش سجده كند
و در سجده بگويد يا ذا الجلال و الاكرام مصطفيا و ناصره صل على محمد و آله و اغفر لي كل ذنب اذنبته و نسيته
انا و هو عندك في كتاب مبين بعد از آن صد مرتبه بگويد اتوب الى الله پس حاجتى كه خواهد بخواهد انشاء الله مستجاب شود
و هم درين شب ده مرتبه بگويد يا دائم الفضل الخ چنانكه در اعمال شب جمعه گذشت و بعد از آن چهار نماز گفتن اين تسبيح مستحب
است مغرب و عشا و صبح و نماز عيد و بعضى از علما واجب دانسته اند الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله و الله اكبر الله
اكبر و لله الحمد الحمد لله على ما هدانا و له الشكر على ما اولانا و هر كس درين شب ده ركعت نماز گذارد در هر ركعت بعد از حمد
ده مرتبه قل هو الله بخواند و در ركوع و سجود بگويد سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و بعد از فراغ از نماز
هزار مرتبه بگويد استغفر الله بعد از آن سجده كند و بگويد يا حى يا قيوم يا ذا الجلال و الاكرام يا رحمن الدنيا و الآخرة و
رحيمهما يا اكرم الاكرمين يا ارحم الراحمين يا ذا الجلال و الاكرام يا اله الاولين و الآخرين اغفر لي
ذنوبي فتقبل صومي و صلاتي و قيامي هنوز سر از سجده بر نداشته باشد كه گناهانش آمرزيده شود و اعمال ماه مبارك از رو و از
جميع اهل بلده او و از اهل آن جيد از شرق تا مغرب مقبول شود و دعاشان مستجاب گردد و گناهانش آمرزيده شود و حق تعالى
گناهانش تجاوز فرمايد اگر چه هفتاد گناه كرده باشد كه هر يك عظيم تر از ذنوب عظم جميع عباد باشد و نيز مرويست كه هر كس درين شب شش
ركعت نماز بگذارد و در هر ركعت بعد از الحمد پنج مرتبه قل هو الله بخواند شفيع شود اهل بيت خود گردد اگر چه مستوجب دوزخ باشند و در روز
عيد زيارت حضرت امام حسين ع مثل صد حج و صد عمره و صد جهاد است با پيغمبر مرسل يا امام معصوم و سنت است درين روز غسل
كردن و وقت غسل از طلوع صبحست تا وقت نماز عيد اگر بجماعت منعقد نباشد مستحب است تنها گذاردن و آداب و كيفيت آن چنانست
كه چون تهيه نماز كند و متوجه مصلا شود بگويد اللهم من تهيا تا آخر دعا چنانكه در آداب جمعه گذشت و چون شروع در نماز
در نماز كند بعد از حمد سبح اسم بخواند و بعد از آن شش تكبير بگويد بعد از هر تكبير اين قنوت بخواند اللهم اهل الكبرياء و العظمة
و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوى و المغفرة و اسئلك بحق هذا اليوم الذي
جعلته للمسلمين عيدا و لمحمد صلواتك عليه و آله ذخرا و مزيدا ان تصلي على محمد و آل محمد و ان
تدخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا و آل محمد و ان تخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتك
عليه و عليهم اجمعين اللهم اني اسئلك خير ما سئلك عبادك الصالحون و اعوذ بك مما استعاذ منه
عبادك الصالحون بعد از آن تكبير هفتم بگويد و ركوع و سجود كند و در ركعت دوم بعد از الحمد و الشمس بخواند بعد از چهار تكبير بگويد
و بعد از هر تكبير بگويد همان قنوت بخواند بعد از آن تكبير پنجم بگويد و ركوع و سجود كرده تشهد و سلام بگويد و بعد از نماز مستحب است خواندن
اين دعا اللهم اني توجهت اليك بمحمد امامي و علي من خلفي و ائمتي عن يميني و شمالي استتر بهم من عذابك

وشرها و سرانه

واتقرّب

بما نتقرب بهم اليك زلفى لا احدا احدا اقرب اليك منهم فهم ائمتي فامن بهم خوفي من عذابك
و سخطك و ادخلني برحمتك الجنة في عبادك الصالحين اصبحت بالله مؤمنا موقنا مخلصا على دين
محمد و سنته و على دين علي و سنته و على دين الاوصياء و سنتهم امنت بسرهم و علانيتهم و ارغب
الى الله تعالى فيما رغبوا فيه و اعوذ بالله من شر ما استعاذوا منه و لا حول و لا قوة و لا منعة الا
بالله حسبي الله و من يتوكل على الله فهو حسبه اللهم اني اريدك فاردني و اطلب ما عندك فيسره لي اللهم
انك قلت في محكم كتابك المنزل و قولك الحق و وعدك الصدق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن
هدى للناس فعظمت شهر رمضان بما انزلت فيه من القرآن العظيم و خصصته بان جعلت فيه ليلة القدر
اللهم و قد انقضت ايامه و لياليه و قد صرت منه الى ما انت اعلم به مني فاسئلك يا الهي بما سئلك
به ملائكتك المقربون و انبياؤك المرسلون و عبادك الصالحون ان تصلي على محمد و آل محمد و ان
تقبل مني كل ما تقربت به اليك فيه و تتفضل علي بتضعيف عملي و قبول تقربي و قرباتي و استجابة دعائي
و هب لي من لدنك رحمة و اعتق رقبتي من النار و آمني يوم الخوف من كل فزع و من كل هول اعددته
ليوم القيمة اعوذ بحرمة نبيك و بحرمة الاوصياء ان ينصرم هذا اليوم و لك قبلي تبعة تريد ان تؤاخذني
بها او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم تغفرها لي اسئلك بحرمة وجهك الكريم يا لا اله الا
انت يا لا اله الا انت ان ترضى عني و ان كنت قد رضيت عني فزد فيما بقي من عمري رضا و ان
كنت لم ترض عني فمن الآن فارض عني يا سيدي و مولاي الساعة الساعة الساعة
و اجعلني في هذه الساعة و في هذا اليوم و في هذا المجلس من عتقائك من النار عتقا لا رق
بعده اللهم اني اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل يومي هذا خير يوم عبدتك فيه منذ
اسكنتني الارض اعظمه اجرا و اعمه نعمة و عافية و اوسعه رزقا و ابتله عتقا من النار و اوجبه
مغفرة و اكمله رضوانا و اقربه الى ما تحب و ترضى اللهم لا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك
فان رزقتني العود فيه ثم العود فيه حتى ترضى عني و ترضي عني كل من له قبلي تبعة و لا تخرجني
من الدنيا الا و انت عني راض اللهم اجعلني من حجاج بيتك الحرام في هذا العام المبرور حجهم
المشكور سعيهم المغفور ذنبهم المستجاب دعاؤهم المحفوظين في انفسهم و اديانهم و ذراريهم
و اموالهم و جميع ما انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا و في يومي هذا و في
يومي هذا و في ما عني هذه مفلحا منجحا مستجابا دعائي مرحوما صوتي مغفورا ذنبي اللهم
و اجعل فيما شئت و اردت و قضيت و حتمت و انفذت ان تطيل عمري و ان تقوي ضعفي

ته

وان تجبر فاقتي وان تعز ذلي وتونس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر وخفض عيش
وتكفيني كل ما اهمني من امر اخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وعافني في
بدني واهلي وولدي واهل مودتي وجيراني واخواني وذريتي وان تمن علي بالامن ابدا ما ابقيتني
اللهم اني توجهت اليك بمحمد وال محمد صلواتك عليهم وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي و
طلبتي وتضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين فانك مننت علي
بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة انك على كل شيء قدير فانك ولي ومولاي وسيدي وربي والهي
وثقتي ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي فلا يخيبن عليك دعائي يا سيدي
ومولاي ولا يبطلن لديك طمعي ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد وال محمد صلواتك عليهم وقدمتهم
اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي واجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة
ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة والاسلام والامن والايمان والمغفرة
والرضوان والشهادة والحفظ يا من ولا به كل حاجة يا الله يا الله يا الله انت ولي كل حاجة فتول
عاقبتها ولا تسلط علينا احدا من خلقك بشيء لا طاقة لنا به من امر الدنيا وتوفنا لامر الاخرة
يا ذا الجلال والاكرام صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وسلم على محمد وال محمد وتحنن
على محمد وال محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت وسلمت وتحننت ومننت على ابرهيم وال ابرهيم
انك حميد مجيد وايضا اگر خواهد دعاى صحيفه كامله بخواند يا من يرحم من لا يرحمه العباد تا آخر **فصل دهم** در اعمال
شهر ذى القعده الحرام مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام كه زمين در زير كعبه معظمه مجتمع بود حق تعالى در روز بيست و پنجم
اين ماه زمين را كشيد و پهن كرد تا خلق در آن تعيش كنند روزه اين روز كفاره هفتاد ساله و مثل روزه شصت ماه است
در روايت ديگر مثل روزه هفتاد سال آمده و در روايت ديگر آمده كه قيام اين شب و صيام اين روز مثل صد ساله عبادت كسى است كه همه روزها
روزه دارد و شبهايش نماز گذارد و اجر طاعت و عبادت درين شب مثل اجر عابديست كه يك لحظه معصيت نكرده باشد
و هيچ كس درين شب دعائى نكند مگر كه مستجاب شود و هزار هزار رحمت بر عابدين و ذاكرين اين شبانه روز نازل شود و درين روز
مستحب است دو ركعت نماز در هر ركعت بعد از الحمد پنج مرتبه والشمس بخواند و چون سلام دهد حول و قوه بگويند پس بگويند يا مقيل العثرات
اقلني عثرتي يا مجيب الدعوات اجب دعوتي يا سامع الاصوات اسمع صوتي وارحمني وتجاوز عن
سيئاتي يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين وايضا مستحب است درين روز خواندن اين دعا اللهم داحي
الكعبة وفالق الحبة وصارف اللزبة وكاشف الكربة اسئلك في هذا اليوم وهو من ايامك
التي اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنين وديعة واليك ذريعة وبرحمتك الواسعة

ان تصلى على محمد عبدك المنتجب في الميثاق القريب يوم التلاق فاتق كل رتق والداعي الى كل حق
وعلى اهل بيته الاطهار الهداة المنار دعاة الجبار وولاة الجنة والنار واعطنا في يومنا هذا
من عطائك المخزون غير مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة يا خير مدعو
واكرم مرجو يا كفي يا وفي يا من لطفه خفي الطف لي بلطفك واسعدني بعفوك وايدني بنصرك
ولا تنسني كريم ذكرك بولاة امرك وحفظة سرك احفظني من شوائب الدهر الى يوم الحشر
والنشر واشهدني اوليائك عند خروج نفسي وحلول رمسي وانقطاع عملي وانقضاء اجلي اللهم
واذكرني على طول البلاء اذا حللت بين اطباق الثرى ونسيني الناسون من الورى واحللني دار المقامة
وبوئني منزل الكرامة واجعلني من مرافقي اوليائك واهل اجتبائك واصطفائك وبارك لي
في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الاجل بريئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردني
حوض نبيك محمد واهل بيته صلواتك عليهم واسقني منه مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظما بعده
ولا احلا ورده ولا عنه اذاد واجعله لي خير زاد واوفى ميعاد يوم يقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة
الاولين والاخرين الجاحدين بحقوق اوليائك المستأثرين اللهم واقصم دعائمهم واهلك اشياعهم
وعاملهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم وضيق مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم
اللهم وعجل فرج اوليائك واردد عليهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدينك منتصرا
وبامرك في اعدائك مؤتمرا اللهم احففه بملائكة النصر وبما القيت اليه من الامر في ليلة القدر
منتقما لك حتى ترضى ويعود دينك به وعلى يديه جديدا غضا ويمحض الحق محضا ويرفض الباطل رفضا
اللهم صل عليه وعلى جميع ابائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا في كرته حتى نكون في
زمانه من اعوانه اللهم ادرك بنا قيامه واشهدنا ايامه وصل عليه وعليه السلام واردد الينا
سلامه والسلام عليه ورحمة الله وبركاته **فصل يازدهم** در اعمال ماه ذى الحجه الحرام مرويست از اهل بيت
طاهرين عليهم السلام كه روز اول اين ماه حضرت ابرهيم عليه السلام تولد نموده و درين روز تزويج حضرت فاطمه عليها السلام
بوده و مستحب است درين روز نماز حضرت فاطمه عليها السلام و آن نماز را درين مقام چنين روايت كرده اند كه چهار ركعت
است در هر ركعت بعد الحمد پنجاه مرتبه قل هو الله بخواند و بعد از نماز تسبيح آنحضرت بگويند پس بگويند سبحان ذى العز
الشامخ المنيف سبحان ذى الجلال الباذخ العظيم سبحان ذى الملك الفاخر القديم سبحان من لبس البهجة و
الجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى اثر النمل في الصفا سبحان من يرى وقع
الطير في الهواء سبحان من هو هكذا ولا هكذا غيره و روزه اين روز كفاره شصت سال و مثل روزه هشتاد ماه است

ودر روزه روز هشتم که یوم الترویه گویند کفارهٔ یکسال و نهم که عرفه گویند کفارهٔ نود سال و روزهٔ تمام این روز برابر است با صوم دهر و هر روز
از اول ماه تا شب عید بعد از نماز صبح و پیش از شام این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْاَیّامُ الَّتی فَضَّلْتَها عَلَی الْاَیّامِ وَشَرَّ
فْتَها قَدْ بَلَّغْتَنیها بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَاَنْزِلْ عَلَیْنا مِنْ بَرَکاتِكَ وَاَوْسِعْ عَلَیْنا فیها مِنْ نَعْمائِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهْدِیَنا لِسَبیلِ الْهُدیٰ وَالْعَفافِ وَالْغِنیٰ وَالْعَمَلِ فیها بِما
تُحِبُّ وَتَرْضیٰ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ یا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْویٰ وَیا سامِعَ کُلِّ نَجْویٰ وَیا شاهِدَ کُلِّ مَلَاءٍ وَیا عالِمَ
کُلِّ خَفِیَّةٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَکْشِفَ عَنّا فیهَا الْبَلاءَ وَتَسْتَجیبَ لَنا فیهَا الدُّعاءَ وَتُقَوِّیَنا
فیها وَتُعینَنا وَتُوَفِّقَنا فیها لِما تُحِبُّ وَتَرْضیٰ رَبَّنا وَعَلیٰ مَا افْتَرَضْتَ عَلَیْنا مِنْ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ
وَاَهْلِ وِلایَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهَبَ لَنا فیهَا
الرِّضاءَ اِنَّكَ سَمیعُ الدُّعاءِ فَلا تَحْرِمْنا خَیْرَ ما تُنْزِلُ فیها مِنَ السَّماءِ وَطَهِّرْنا مِنَ الذُّنُوبِ یا عَلّامَ الْغُیُوبِ
وَاَوْجِبْ لَنا فیها دارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَتْرُكْ لَنا ذَنْبًا اِلّا غَفَرْتَهُ وَلا هَمًّا
اِلّا فَرَّجْتَهُ وَلا دَیْنًا اِلّا قَضَیْتَهُ وَلا غائِبًا اِلّا اَدَّیْتَهُ وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اِلّا سَهَّلْتَها
وَیَسَّرْتَها اِنَّكَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ یا عالِمَ الْخَفِیّاتِ یا راحِمَ الْعَبَراتِ یا مُقیلَ الْعَثَراتِ یا مُجیبَ الدَّعَواتِ
یا رَبَّ الْاَرَضینَ وَالسَّمٰواتِ یا مَنْ لا یَتَشابَهُ عَلَیْهِ الْاَصْواتُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنا فیها مِنْ عُتَقائِكَ
وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ وَالْفائِزینَ بِجَنَّتِكَ النّاجینَ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وهر کس درین ده روز هر روز ده مرتبه این تهلیل بگوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیالی وَالدُّهُورِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْواجِ
الْبُحُورِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمّا یَجْمَعُونَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ
وَالْوَبَرِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُونِ لا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ فِی اللَّیْلِ اِذا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذا تَنَفَّسَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّیاحِ فِی الْبَراری وَالصُّخُورِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
مِنَ الْیَوْمِ اِلیٰ یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ خدای تعالی در بهشت بعدد هر تهلیل درجه از دُرّ و یاقوت عطا فرماید که ما بین هر دو درجه
صد ساله راه سواری سریع باشد در هر درجه مدینه در هر مدینه قصری از یك پاره گوهر که مفصلی در آن نباشد و در هر مدینه منازل
و خانها و غرفها و تختها و حور العین و مسندها و فرشها و بساط و زینتها و زیورها و طعامها و خدام و انهار و اشجار که واصفان
از وصف آن عاجز باشند و چون از قبر بیرون آید هر موئی از نور درخشان باشد و هفتاد هزار ملك استقبالش نموده رفاقتش
کنند و چون بدر بهشت رسند او پیش و پیش ملایکه در عقب داخل شوند و میروند تا بشهری رسند که پر روشنی از یاقوت سرخ و
درخشان از زبرجد سبز باشد و در آن شهر اصناف خلایق که در بهشتند و باو گویند ای ولی خدا این شهر از آن تست ما فرشتگانیم
که وقتی که آن تهلیل میگفتی با تو بودیم و مژده باد ترا با فضل ازین ثواب که خدای تعالی برای تو در دار السلام در جوار خود مهیّا

فرموده و هر کس شب عرفه زیارت قبر حضرت امام حسین عم کند از همه شرور آن ایمن گردد و فضایل دیگر در عمل شعبان و هر کس
روز عرفه زیارت آنحضرت کند خدای تعالی برایش هزار حج که با حضرت قایم عم و هزار هزار عمره که با حضرت پیغمبر صلعم کرده باشد نویسد و عتق
هزار هزار رقبه و هزار هزار اسب که در راه خدا بجهاد فرستد ثبت کند و در میان ملایکه او را صدّیق و در زمین کروبی نام کنند
و بروایت دیگر مثل هزار جهاد است که با پیغمبر مرسل یا امامی معصوم کند و خدای تعالی پیش از آنکه متوجّه اهل عرفات شود اول متوجّه
زوّار آنحضرت شود و حوایج ایشان برآرد و گناهانش بیامرزد و سؤال ایشان را اجابت فرماید و بعد از آن متوجّه اهل عرفات
شده ایشان را الاحسان والاکرام فرماید و هر کس شب عید اضحی زیارت آنحضرت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و نیز
مرویست که زیارت آنحضرت در غیر عید مثل بیست حج و بیست عمره و بیست جهاد است با پیغمبر مرسل یا امام معصوم و در روز
عید مثل صد حج و صد عمره و صد غزوه و در روز عرفه مثل هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه و راوی گوید من گفتم پس اگر کسی حج کند چون باشد
حضرت امام علیه السلام آشفته و غضبناك نگاه کرد و فرمود بمؤمن که در فرات غسل کند و زیارت آنحضرت کند بهر گام یك حج
و یك عمره با تمام مناسك برایش نویسند و روز عرفه دعای صحیفهٔ کامله بخواند و شب عید بگوید اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ تا آخر چنانکه
در روز جمعه گذشت و مستحب است احیا داشتن این شب که درهای آسمان درین شب گشوده شود و نماز عید و تعقیب آن مثل
نماز فطر است و اگر کسی در منا باشد بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اولش نماز ظهر روز عید است این تکبیر بگوید و
بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته الله اکبر الله اکبر لا اله الّا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدانا والله اکبر
علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما ابلانا **عید غدیر** فضل و شرف این عید زیاده از آنست که توان بیان نمود اما بذکر
شمهٔ از آن این مجموعه را مزیّن گردانیم و گوییم مرویست از حضرت امام رضا عم که روز قیامت چهار روز را مانند عروس زینت کرده
پیش خدا برند عید فطر و اضحی و روز جمعه و عید غدیر و در آن میان مانند ماهست در میان ستارگان و این روزیست که
حضرت پیغمبر صلعم امیر المؤمنین را در منزل غدیر خم بامامت و خلافت تعیین نموده و خدای تعالی باین فضل نعمت خود را بر بندگان
تمام و دین خود را برای ایشان کامل گردانید و درین روز خدای تعالی جبرئیل عم را فرماید تا کرسی در برابر بیت المعمور نصب کرده و بر آن
برآید و ملایکه آسمانها در اطراف جمع گشته حمد و ثنای خدا گویند و صلوات بر حضرت پیغمبر و اهل بیتش علیهم السلام فرستند و برای شیعیان
و دوستان ایشان استغفار کنند و کرام الکاتبین را فرماید که سه روز قلم از ایشان برگیرند و خطیهٔ برای ایشان ننویسند و گناهان
بیامرزد و کربتها تفریج نماید و دعاها اجابت فرماید و اعمال قبول کند و هر کس این روز عید کند و بر خود و عیال خود و بر دوستان
شیعیان توسعهٔ نعمت نماید خدای تعالی مالش زیاد کند از آتش آزادش کند و هر کس درین روز در روی مؤمنی تبسّم کند خدای
تعالی روز قیامت برو برحمت نظر کند و هزار حاجتش برآرد و قصری از دُرّ در بهشت برایش بنا کند و هر کس درین روز زینت
کند خدای تعالی هر خطیهٔ صغیره و کبیره از و بیامرزد و جماعتی ملایکه را بفرستد که تا آن روز از سال دیگر برایش حسنات نویسند و درجات
بلند گردانند و اگر بمیرد شهید و اگر بماند سعید باشد و اگر مؤمنی را طعام دهد چنانست که جمیع انبیا و صدّیقین را طعام داده باشد

١٠٠

واگر زیارت مؤمنی کند خدای تعالی قبرش را وسیع گرداند و هفتاد نور بقبرش فرستد و هر روز هفتاد هزار ملک بفرستد که او را دلدار
کنند و مژدهٔ بهشت دهند و روایت دیگر آمده که درین روز یکدیگر را زیارت کنید و بسلام و مصافحه ملاقات نمایید و یکدیگر را
باین عید تهنیه و مبارک باد نمایید و بگویید الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من المؤمنین بعهده الینا ومیثاقه
الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین والمکذبین بیوم الدین
و باید یکدیگر ملاطفت و شکفتگی کنند و باید یکدیگر احسان و اکرام و بر و صله بجا آرید و مؤمنان را لباسهای نیکو و بوهای خوش و طعام
های لذیذ بنوازید و سرور رسانید و برای عیال بقدر استطاعت تهیهٔ اسباب عید و سرور کنید و با ضعفا و فقرا بقدر وسع احسان
و اعانت نمایید و یک درهم احسان درین روز مثل هزار درهم است و روزهٔ این روز برابر است با روزهٔ تمام عمر دنیا و اگر کسی
از ابتداء دنیا تا انقضاء آن عمر کند و همیشه روزه گیرد و شبها عبادت کند برابر روزهٔ امروز نشود و در روایت دیگر شده که روزهٔ
امروز در هر سال برابر است با صد حج و عمره و هر کس درین روز اعانت مؤمنی کند یا قرضی بمؤمنی دهد ثواب روزهٔ امروز و عبادت
امشب نماید و کسی که امروز روزه داری را برای شب افطار فرماید چنانست که ده فیام مردم را افطار فرموده باشد که یک
فیام صد هزار کس است و چنانست که باین عدد انبیا و صدیقین و شهدا را در پریشانی و قحط طعام و آب داده باشد اگر چه یک
باشد کسی که جماعت مؤمنان را متکفل احوال شود و با ایشان احسان نماید یکی از جملهٔ اجرش اینست که از کفر و فقر ایمن گردد
و مستحب است درین روز غسل کردن و ذکر و دعا و استغفار و صلوات بسیار فرستادن و از اعدای اهل بیت و ظالمین ایشان
تبری نمودن و بر ایشان لعن کردن و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود درین روز هر جا که باشی بر زیارت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
حاضر شو که خدای تعالی از هر مؤمن و مؤمنه و مسلم و مسلمه گناه شصت ساله بیامرزد و ضعف آنکه در ماه مبارک رمضان و لیلة القدر
و لیلة الفطر از آتش آزاد کرده درین روز آزاد کند و هر کس درین روز هر وقت که خواهد و افضل اینست که نیم ساعت پیشتر از ظهر
باشد دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد الحمد قل هو الله و آیة الکرسی تا خالدون و انا انزلناه هر یک را ده مرتبه بخواند برابر است
با صد هزار حج و عمره و هیچ حاجت از حوایج دنیا و آخرت سؤال نکند که بر آورده شود هر چه باشد و این نماز را مستحب است بجماعت گذارند
و بعد از نماز خطبه مشتمل بر ذکر فضایل این روز خواندن چنانکه حضرت امیر المؤمنین صلواة الله علیه مرویست که چنین کرد
و بعد ازین نماز مستحب است درین روز خواندن این دعا ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم
فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
علی رسلک ولا تخزنا یوم القیامة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا
واشهد ملائکتک وانبیاءک وحملة عرشک وسکان سمواتک وارضک بانک انت الله
لا اله الا انت المعبود فلا نعبد سواک تعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا
عبدک ورسولک واشهد ان امیر المؤمنین عبدک ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا

المنادی

المنادی رسولک صلواتک علیه وآله اذ نادی بنداء عندک بالذی امرته ان یبلغ ما انزلت
الیه من ولایة ولی امرک وحذرته وانذرته ان لم یبلغ ما امرته ان تسخط علیه ولما
بلغ رسالتک عصمته من الناس فنادی مبلغا عنک الا من کنت مولاه فعلی مولاه ومن کنت
ولیه فعلی ولیه ومن کنت نبیه فعلی امیره ربنا فقد اجبنا داعیک النذیر محمدا عبدک ور
سولک الی الهادی المهدی عبدک الذی انعمت علیه وجعلته مثلا لبنی اسرائیل علی امیر المؤمنین
واو مولاهم وولیهم ربنا واتبعنا مولانا وولینا وهادینا وداعینا وداعی الانام وصراطک
المستقیم وحجتک البیضاء وسبیلک الداعی الیک علی بصیرة هو ومن اتبعه سبحان الله عما یشرکون
واشهد انه الامام الهادی الراشد امیر المؤمنین الذی ذکرته فی کتابک فانک قلت وقولک
الحق وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم اللهم فانا نشهد بانه عبدک والهادی من بعد النبی
المنذر وصراطک المستقیم وامیر المؤمنین وقائد الغر المحجلین وحجتک البالغة ولسانک المعبر
عنک فی خلقک وانه القائم بالقسط فی بریتک ودیان دینک وخازن علمک وامینک المامون
المأخوذ میثاقه ومیثاق رسولک من جمیع خلقک وبریتک شاهدا بالاخلاص لک بالوحدانیة
بانک انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدک ورسولک وان علیا امیر المؤمنین جعلت الاقرار
بولایته تمام توحیدک وکمال دینک وتمام نعمتک علی جمیع خلقک وبریتک فقلت وقولک الحق
الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا فلک الحمد بموالاته واتمام
نعمتک علینا بالذی جددت من عهدک ومیثاقک وذکرتنا ذلک وجعلتنا من اهل الاخلاص
والتصدیق بمیثاقک ومن اهل الوفاء بذلک ولم تجعلنا من اتباع المغیرین والمبدلین والمحرفین
والمبتکین آذان الانعام والمغیرین خلق الله ومن الذین استحوذ علیهم الشیطان فانسیهم ذکر الله
وصدهم عن السبیل والصراط المستقیم اللهم العن الجاحدین والناکثین والمغیرین والمکذبین
بیوم الدین من الاولین والآخرین اللهم فلک الحمد وعلی انعامک علینا بالهدی الذی ومنار
القلوب والتقوی وکمال دینک وتمام نعمتک ومن بهم بموالاتهم رضیت لنا الاسلام دینا فلک
الحمد آمنا وصدقنا بمنک علینا بالرسول النذیر المنذر والینا ولیهم وعادینا عدوهم وبرئنا
من الجاحدین والمکذبین بیوم الدین اللهم فکما کان ذلک من شانک یا صادق الوعد یا من لا
یخلف المیعاد یا من هو کل یوم فی شان اذ اتممت نعمتک علینا بموالاة اولیائک المسؤول عنهم
عبادک فانک قلت ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم وقلت وقولک الحق وقفوهم انهم مسؤولون

ومننت علينا بشهادة الاخلاص وبولاية اولياءك الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير واكملت لنا بهم
الدين واتممت علينا النعمة وجددت علينا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك
ايانا وجعلتنا من اهل الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك من بني ادم من ظهورهم
ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك فانك انت الله
لا اله الا انت ربنا ومحمد عبدك ورسولك نبينا وعلي امير المؤمنين عبدك الذي انعمت به علينا وجعلته
اية لنبيك وايتك الكبرى والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسئولون اللهم فكما كان من شانك
ان انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك ان تصلي على محمد وال محمد وان تبارك لنا في
يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك واكملت ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا
بمنك من اهل الاجابة والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا رب تمام
ما انعمت وان تجعلنا من الموفين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين واجعل لنا من المتقين
اماما يوم ندعوا كل اناس بامامهم واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين واجعلنا من
البراء من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة هم من المقبوحين واحينا على ذلك ما احييتنا واجعل لنا
مع الرسول سبيلا واجعل لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات
ومنقلبنا خير المنقلب على موالات اوليائك ومعادات اعدائك حتى توفانا وانت عنا راض قد
اوجبت لنا جنتك برحمتك والمثوى من جوارك في دار المقامة من فضلك لا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر
لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك
لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا مع الائمة الهداة من ال رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغا
ئبهم اللهم اني اسئلك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضلتهم به على العالمين جميعا ان تبارك لنا في
يومنا هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافات لعهدك الذي عهدته الينا والميثاق الذي واثقتنا به من موالات
اوليائك والبراءة من اعدائك ان تتم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه ابدا
ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي الى الهدى وتحت لوائه وفي زمرته وشهداء
صادقين على بصيرة من دينك انك على كل شئ قدير بعد از آن سجده کند وصد مرتبه بگوید شکرا لله بیست وچهارم آنکه حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه در رکوع تصدق خاتم فرمود وآیه تصدق که نقل است در امامت وخلافت آنحضرت واولاد طاهرینش
علیهم السلام نازل گشت وگذاردن نماز وغسل درین روز همان فضل وثواب دارد بیست وپنجم آنکه حضرت پیغمبر صلعم با مشرکان مباهله
کرد نقل است در فضل اهلبیت علیهم السلام نازل گشت وروایت دیگر آمده که روز مباهله همان روز بیست وچهارم است ومشایخ رحمهم الله

این روایت

١٠٢

این روایت را ظاهرتر داشته اند وبالجمله فضل روز مباهله بسیار است ومستحب است درین روز هر قدر که خواهد نماز گذارد ودر روایت دیگر دوازده
رکعت نماز گذارد وبعد از هر دو رکعت هفتاد مرتبه استغفار کند وچون از نماز فارغ شود ایستاده نظر بر موضع سجود افکنده وچون از نماز
فارغ شود با غسل این دعا بخواند الحمد لله رب العالمين الحمد لله فاطر السموات والارض الحمد لله الذي له ما في
السموات وما في الارض الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم
يعدلون الحمد لله الذي عرفني ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه اياي لكنت هالكا اذ قال وقوله الحق قل لا
اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين لي القرابة فقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس
اهل البيت ويطهركم تطهيرا فبين لي اهل البيت بعد القرابة ثم قال منبئا عن الصادقين الذين
امرنا بالكون معهم والرد اليهم بقوله سبحانه يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين
فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه قل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا و
نساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن
حيث هديتني وارشدتني حتى لم يخف على الاهل والبيت والقرابة فعرفتني نساءهم واولادهم
ورجالهم اللهم اني اتقرب اليك بذلك المقام الذي لا يكون اعظم منه فضلا للمؤمنين ولا اكثر رحمة
لهم بتعريفك اياهم شانهم وابانتك فضل اهله الذين بهم ادحضت باطل اعدائك وثبت بهم
قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين من اهل بيت نبيك
الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الافعال لخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل
الالحاد وفعل اهل العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك واياديك اللهم فصل على محمد
وال محمد الذين افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا
باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه فاعنا على الاخذ بما بصرونا واجز محمدا عنا
افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه في اقامة دينك وعلى
اخيه ووصيه والهادي الى دينه والقيم بسنته علي امير المؤمنين وصل على الائمة من ابنائه الطا
النبي وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم دار كرامتك يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء
اصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اجعلهم شفعاءنا اسئلك بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود
ان تغفر لي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان ارواحهم وطينتهم واحدة
وهي الشجرة التي طاب اصلها واغصانها وارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في الد
والآخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال يوم القيمة باقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم

دتين

نيا

واهتدائنا بهديهم واعتقادنا ما عرّفونا من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم شأنك وتقديس اسمائك
وشكر آلائك ونفي الصفات ان تحلّك والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم حججا
على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل على
عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك تدعوا اليك وتعظيم السفير بينك وبين
خلقك فانت المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك
واورثتهم غوامض تأويلك رحمة بخلقك ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه
ضمائر امنائك وما يكون من شأن صفوتك وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم من نفث نافث اليهم و
اريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك وملؤا
اجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزءوا اوقاتهم بما يرضيك واخلوا دخائلهم
من معاريض الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب لامرك
ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم من بين اهل زمانهم والاقربين
اليهم فخصصتهم بوحيك وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط منهم
اللهم انا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم اللهم
فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم
فاجعلنا من الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لايامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا
بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب آمين رب العالمين اللهم صل على
محمد وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين
فخر بهم الروح الامين وباهل الله بهم المباهلين فقال وهو اصدق القائلين فمن حاجك فيه من بعد
ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل
فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام المخصوص بمواخاته يوم الاخاء والمؤثر بالقوة بعد ضر
الطوى ومن شكر الله سعيه في هل اتى ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه مولى
الانام ومكسر الاصنام ومن لم تأخذه في الله لومة لائم صلى الله عليه ما طلعت شمس النهار واو
رقت الاشجار وعلى النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذريته روز آخر اینماه چهار رکعت
نماز گذارد در رکعت اول بعد الحمد ده مرتبه قل هو الله و در دوم ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام بگوید اللهم ما عملت من هذه
السنة من عمل نهیتنی عنه ولم ترضه لی ونسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة منه بعد جرائتی علیک

اللهم

اللهم انی استغفرک منه فاغفر لی اللهم وما عملت من عمل یقربنی الیک فاقبله منی ولا تقطع رجائی
منک یا کریم خدای تع گناهان آن شخص را بیامرزد پس شیطان فریاد کند که ای وای چه تعب بعبث در این سال کشیدم

فصل دوازدهم در ذکر حدیثی در فضایل اعمال لیالی و ایام مشهور و اعوام بر سبیل اجمال مرویست از امام همام حسن بن علی العسکری
علیهما السلم که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که چون روز قیامت خدای تع بندگان را مهلی محشور سازد و در یک زمین جمع کرداند و
بقاع و اماکن و روزها و شبها و ساعتها و شبهای جمعه و ماهها و سالها همه را محشور کرداند و از ایشان باعمال عباد شهادت طلب
فرماید پس برای هرکس که طاعت و عمل صالح شهادت دهند بسعادت ابد فایز کردند و در زمره سعدا منسلک شود و برای هرکس
معصیت و عمل شر شهادت دهند بشقاوت ابد معذب شود پس تهیه روز قیامت کنید و ترک معاصی نمایید که در آن
روز بتقوی امید خلاص و بطاعت خدا چشم داشت نجات باشد و هرکس حرمت ماه رجب و شعبان بشناسد و این دو ماه
را در طاعت و عبادت بماه مبارک رمضان متصل کرداند این سه ماه شاهدان او باشند و روز قیامت منادی ندا کند و گوید
ای رجب و شعبان و رمضان چون مصاحبت این بنده خدا با شما چون کرد طاعت خدا را در شما بایشان گویند خدایا این
بنده تو چون با ما بود جهد در طاعت تو میکرد و سعی در تحصیل رضای تو می نمود و به طاعت و عبادت محبت و رحمت
تو میجست از ملائکه که بدین سه ماه موکلند شهادت طلبد ایشان گویند خدا رجب و شعبان و رمضان راست گفتند ما این بنده
را ندیدیم مگر در طاعت و عبادت و تحصیل رضای تو و بر و احسان با بندگان تو اینها همه را از روی فرح و ابتهاج با آرزوی
رحمت و امید عفو و مغفرت تو میکرد و از آنچه تو او را منع فرموده بودی احتراض مینمود و به هرچه موجب رحمت و سبب مغفرت
تو بود می شناخت و مبادرت میکرد و باطن و فرج و سمع و بصر و سایر جوارح روزه میداشت و روزها به تشنگی روزه میگذرانید
و شبها را به عقب عبادت بروز می آورد و نفقه و اکرام و صدقه و احسان بفقرا و مساکین بسیار میکرد و صحبت این سه ماه را خوب
داشت و وداع ایشان را خوب کرد و بعد از آن نیز بر طاعت و عبادت باقی بود و هتک حرمت امر و نهی تو می نمود پس
خدای تع آن بنده را امر بجنت فرماید و ملائکه را با تحفها و عطایا و کرامات استقبالش کنند و بر نجائب از نور نشانند و بر مرکبهای
براق بر ایشان مهیا کرداند و به نعمتهای باقی و منازل دایمی برند که هرگز از آنجا بیرون نیاید جاودان آنجا هرگز پیری نبود و سرور دلش
را غم در عقب نباشد و خوشی از کهنگی ایمن باشد از کدورت حساب مصون و از مشقت و عذاب مامون و در منازل شریف
و درجات رفیع مکرم و منعم باشد و هم آنحضرت صلعم فرمود که چون روز اول شعبان شود شیطان لشکر خود را در اطراف
زمین متفرق سازد و گوید سعی کنید و بندگان خود را بگیرید و از راه خدا بگردانید و خدای تع ملائکه را در اطراف زمین
منتشر سازد و فرماید بندگان مرا مدد کنید و هدایت نمایید مگر کسی که ابا و سرکشی کند و طغیان ورزد که او را داخل جنود ابلیس
شود و روز اول شعبان فرماید درخت طوبی را که شاخهایش بدنیا آویخته شود و درخت زقوم را که شاخهایش را بدنیا آویزد
بعد از آن ملکی از جانب خدا ندا کند و گوید ای بندگان خدا این شاخهای طوبی است محکم بگیرید و خود را با آنها در آویزید تا شما را

به بهشت برند و این شاخهای زقوم است که آنها بگیرید یا شمارا بجهنم برند بعد از آن فرمود بخدای که مرا بحق بنبوت اختیار کرده که هر کس
عملی از اعمال خیر کند بشاخی از شاخهای طوبی چسبیده و هر کس عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسبیده بعد از آن فرمود پس
هر کس امروز روزه گیرد بر شاخی از طوبی چسبیده و هر کس نماز تطوعی کند بر شاخی چسبیده و هر کسی صدقه دهد بر شاخی چسبیده و هر کس
مظلمه از کسی عفو کند بر شاخی چسبیده و هر کس میان زن شوهر یا والد و ولد یا خویش و خویش یا همسایه و همسایه یا بیگانه و بیگانه
اصلاح رنجش و کدورت کند بر شاخی چسبیده و هر کس قرضداری پریشانی را مهلت دهد یا چیزی از حق خود باو بخشد بر شاخی
چسبیده و هر کس ادای دین کهنه که صاحب اش از آن مایوس گشته باشد کند بر شاخی چسبیده و هر کس متکفل احوال یتیمی شود بر شاخی
چسبیده و هر کس سفیهی و جاهلی را از غیبت و عرض مؤمنی منع کند بر شاخی چسبیده و هر کس عیادت بیماری کند بر شاخی چسبیده و هر کس
صاحب مصیبتی را تعزیه کند بر شاخی چسبیده و هر کس بر والدین یا یکی از ایشان بجا آرد بشاخی چسبیده یا اگر ایشان یا یکی از ایشان
ازو آزرده باشند عذرخواهی کند و رضای ایشان تحصیل نماید بشاخی چسبیده و هر کس هر کاری از کارهای خیر کند بشاخی از طوبی چسبیده
باشد و هر کس عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسبیده باشد و هر کس در نماز فریضه تقصیر کند و حق آنرا ضایع گرداند
بشاخی از آن چسبیده و هر کس فقیری پیش او آید که خبر از حالش داشته باشد و قادر بر حاجت او باشد و او را بگذارد تا مشقت کشد
و مضطر باشد بر شاخی چسبیده و هر کس ازو عذر تقصیری و بدی خواهد و قبول نکند بلکه برنجانش بر شاخی چسبیده و هر کس میان زن و شوهر
یا والد یا ولد یا و خویش یا و همسایه یا و دوست یا و بیگانه افساد کند بشاخی چسبیده و هر کس بر قرضداری پریشان که حالش را
داند تشدد کند بر شاخی چسبیده و هر کس قرضی داشته باشد و از صاحب حق چیزی کم کند و حق اش را ببرد بر شاخی چسبیده باشد و هر کس
یتیمی را برنجاند و برو ظلم کند بر شاخی چسبیده و هر کس غیبت مؤمنی کند و دست عرض او نماید بشاخی چسبیده و هر کس غنای حرامی کند
بشاخی چسبیده و هر کس قبایح افعال خود و انواع ظلم خود را نقل کند و بآن تفاخر کند بشاخی چسبیده و هر کس از روی تکبر بعیادت
مریضی نرود بشاخی چسبیده و هر کس از باب استخفاف ترک تشییع جنازه یا ترک تعزیه صاحب مصیبتی کند بشاخی چسبیده
و هر کس عقوق والدین یا یکی از ایشان کند یا ایشان ازو آزرده باشند و تحصیل رضا و عذرخواهی ایشان نکند و حال آنکه قادر
باشد بشاخی چسبیده و هم چنین هر کس مرتکب فعلی از افعال شر شود بشاخی از زقوم چسبیده باشد و او را کشیده باشد تا بجهنم بعد از
آن مدتی نگاه باسمان میکرد و اظهار سرور و شگفتگی میفرمود بعد از آن نگاه بر زمین کرد و اظهار آزردگی و دلگیری نمود بعد از آن
متوجه اصحاب گشته فرمود بخدای که مرا بحق بنبوت اختیار نموده که دیدم درخت طوبی را که جمعی بشاخهای آن آویخته همه را به بهشت میبرد
بعضی به یک شاخ چسبیده و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس بحسب کار خیری که کرده و دیدم زید بن حارثه را که پسر
خانزادان حضرت بوده به رشتهای طوبی چسبیده بود و او را از همه کس بالاتر برد از این جهت خندان شدم و چون نگاه بر زمین
دیدم درخت زقوم را که جمعی که بشاخهای او چسبیده بودند همه را فرو برد بجهنم و بعضی را دیدم به یک شاخ چسبیده و بعضی بدو
شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس بحسب قبایحی که کرده و بعضی از منافقین را دیدم که به شاخهای زقوم چسبیده بود و او را فرو برد

تا اسفل درکات جهنم و از این جهت دلگیر شدم بعد از آن باز نگاه بر آسمان کرد و خندان شد و نگاه بر زمین کرد و دلگیر گشت پس فرمود
اگر آنچه من دیدم شما میدیدید روزها را بجگرهای تشنه و گرسنه بروزه میگذرانیدید و شبها را به تعب مشقت و عبادت بروز می آوردید
و مالهای خود را بصدقه تمام میکردید و جانهای خود را در جهاد می باختید گفتند پدر و مادر و اهل و فرزند ما فدای تو باد چه دیده فرمود
چون شاخهای طوبی به بهشت رجوع کردند منادی از جانب خدا ندا کرد که ای ملائکه ببینید که هر کس امروز بر شاخی از طوبی چسبیده
آنقدر که سایه آن شاخ می افتد از هر جانب خانها و قصرها و نعمتهای بهشت باو دهید پس بعضی از ایشان را از هر جانب هزار ساله
راه عطا کنند و بعضی را دو برابر آن و بعضی را سه برابر و بعضی را چهار برابر و هم چنین هر کس را بقدر عملش و چون شاخهای زقوم
بجهنم فرو رفتند منادی از جانب خدا ندا کرد که ای خزان جهنم ببینید هر کس را امروز بشاخی از زقوم چسبیده بقدر حرارت
و ظلمت آن شاخ از هر جانب برای او از آتش خانها و منازل بنا کنید و مارها و عقربها و زنجیرها و غلها و عذابها برایش مهیا
گردانید پس برای بعضی یکساله راه و برای بعضی دو ساله راه و صد ساله و بیشتر و کمتر هر کس را بقدر عملش عذاب مقرر کنند و بعد از
آن بر اطراف زمین نگاه میکرد و گاهی مسرور و گاهی دلگیر میشد پس فرمود خوشا انان که اطاعت خدا میکنند و بر شاخهای طوبی
چسبیده اند که خدای تعالی چون با ایشان اکرام و شفقت میفرماید شیاطین متوجه ایشان شده اند که ایشانرا گمراه کنند و خدای
تعالی ملائکه را فرموده که با شیاطین محاربه و مقاتله میکنند و شیاطین را میگیرند و دور میسازند و بدا انان که معصیت میکنند
و شیاطین ایشانرا گمراه کرده بجهنم میفرستند بعد از آن فرمود پس تعظیم امروز کنید و قدرش بدانید و حرمتش بشناسید که بسا
مردم که امروز سعید شوند و بسا مردم که امروز شقی گردند **باب نهم** در تزویج و احکام متعلق بآن و مقصود از این
باب انشاء الله تعالی در دوازده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل تزویج و کراهت عزوبت مرویست از اهل
بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون کسی تزویج کند نصف دینش محفوظ گردد پس در نصف دیگر احتیاط و ملاحظه
خود نماید و دو رکعت نماز صاحب اهل و عیال افضل است از هفتاد رکعت عزب و هیچ بنایی در اسلام پیش خدا دوستتر از نکاح و
هیچ خرابی دشمن تر از فرقت و طلاق نه و خدای تعالی از غایت دشمنی با طلاق ذکر آن در قرآن بسیار فرموده و اکثر خیر در زنان
باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود چه مانع است مؤمن را از اینکه تزویج کند شاید از او اولادی بهم رسد که بذکر و عبادت خدا زمین
را سنگین کند و نیز فرمود تزویج کنید و تحصیل اولاد نمایید که روز قیامت من بشما بر سایر امم مفاخرت و مباهات کنم
حتی طفلی که از شما ساقط شود و سقط شما غضبناک و خشم آلود بر در بهشت ایستاده باشد و گویند داخل شو گوید داخل نشوم
تا اول والدین من داخل نشوند پس خدای تعالی ملکی را فرماید که والدینش را آورده داخل بهشت کنند و اولاد در زیر عرش
در مکانی از مشک و عنبر و زعفران برای آبای خود استغفار کنند و نیز فرمود رذل ترین اموات انانند که عزب بمیرند و حضرت
امام جعفر عم فرمود دوست ندارم که تمام دنیا و ما فیها از من باشد و یکشب عزب بخوابم بعد از آن فرمود دو رکعت نماز متزوج
بهتر است از آنکه عزب شبها نماز گذارد و روزها روزه گیرد و هر کس خواهد پاک و پاکیزه پیش خدا رود باید زوجه برود و کسی که از

پریشانی ترک تزویج کند بخدا بد گمانی باشد که فرموده اگر پریشانی باشید نکاح کنید تا شما را غنی گردانم و هر کس از اقربای خود برای رضای خدا صله
رحم تزویج کند خدای تعالی تاج ملک و پادشاهی بر سرش نهند و بنده که خدای تعالی خواهد خیر دنیا و آخرت برایش جمع گرداند دلی خاشع و زبانی
ذاکر و جسدی بر بلا صابر و زوجهٔ مؤمنه که هر گاه برو نظر کند مسرور شود و چون خدمتی فرماید اطاعت کند و چون ازو غایب شود خود را
و مال او را محافظت نماید عطا فرماید و نیز مرویست که بهترین شفاعتها آنست که میان دو کس سعی کنی تا تزویج بهم رسد و هر کس این سعی
کند بهر گامی که بردارد و بهر کلمه که گوید خدای تعالی برایش عبادت یکساله نویسد که شبهایش نماز و روزهایش روزه باشد و هزار حور العین
عطا فرماید هر کدام در قصری از در و یاقوت و هر کس عزبی را تزویج کند از جملهٔ کسی باشد که خدای تعالی روز قیامت نظر رحمت برایشان
دارد و از جملهٔ سعادت مرد آنست که دخترش در خانهٔ شوهر حایض شود و هر کس در مفارقت میان زن و شوهر سعی کند بغضب و لعنت
خدا گرفتار شود و بدوزخ معذب گردد و هر کس در اصلاح میان ایشان سعی کند اجر هزار شهید یابد و بهر گامی که بردارد و بهر کلمه که گوید یک
سال عبادت نویسند یا روزها روزه و نماز شبها **فصل دوم** در فضایل متعه و سریه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس متعه کند برای رضای خدا و مخالفت منکرین بر هر کلمه که با او تکلم کند و هر مرتبه که دست بجانب او برد برایش حسنه نویسند و چون نزدیکی
کند گناهی ازو آمرزیده شود و چون غسل کند بعدد هر موی که در بدنش آب رسیده گناهان ازو آمرزیده شود و جبرئیل بحضرت پیغمبر
گفت که خدای تعالی میفرماید که هر کس از امت تو متعه کند گناهانش را آمرزیدم و کسی از حضرت امام جعفر عا از متعه سوال کرد فرمود دوست
ندارد که کسی از دنیا برود و سنتی از سنن رسول الله مانده باشد که بجانب آورده باشد و دیگری با آنحضرت گفت قسم خورده ام که متعه نکنم
فرمود عهد کرده که اطاعت خدا نکنی والله که اگر اطاعت خدا نکنی معصیت کرده باشی و مردی بخدمت حضرت امام محمد باقر عا عرض
داشت که دختر عم من مال بسیار دارد و بمن پیغام کرده که میدانی که بسیار مردم مرا خواستگاری کردند راضی نشدم و رغبتی بمردان ندارم
چون شنیده ام که خدای تعالی و رسول او متعه را حلال کرده و عمر آنرا حرام کرده میخواهم اطاعت ایشان و مخالفت آن کنم و مرا متعه کنی
حضرت فرمود برو متعه کن که خدای تعالی بر تو صلوات و رحمت فرستد و نیز مرویست که از کنیزان طلب اولاد کنید که در رحم ایشان
خیر و برکت است و نیز مرویست که چون کسی کنیزی بگیرد باید بعد چهل روز یکمرتبه با او مباشرت کند یا بدیگری حلال کند که اگر نکند پس اگر زنا
کند گناهش برو باشد و نیز روایت آمده که متعه حلالست بر کسی که خدا او را بزوجه مستغنی نکرده باشد یا آنکه بسفری رفته و از
زوجهٔ خود دور شده باشد و یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام بوالی خود نوشت که الحاح در متعه مکنید و از زنان خود دوری منمایید که
ایشان از ما آزرده نشوند و حضرت امام جعفر عا باصحاب خود فرمود شما را خدای تعالی بزن مستغنی از متعه کرده شرم نمی آید و عار
ندارید از اینکه در جاهای نامناسب ببینید و ننگ شما باشد **فصل سیم** در اختیار زوجه و صفات زنان مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که زنان را قیمت نباشد که زن خوب بهترست از طلا و نقره و زن بد خاک ازو بهترست
و هم از ایشان علیهم السلام فرمودند که زنان نجیب مناسب اختیار کنید که فرزند بخال و شبیه میشود و کسی که برای مال یا جمال
خواهد از آن محروم شود و اگر برای دین و ایمان اختیار کند از مال و جمال بهره مند گردد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

فرمود

فرمود زن گندم گون سیاه چشم بزرگ سرین میانه بالا اختیار کنید و اگر از وی راضی نباشی مهرش بر من باشد که ایشان نجیب تر باشند
بهترین زنان آنست که عفیفه و ولود باشد و در میان قوم خود عزیز و در پیش شوهر مطیع بود و اگر شوهرش ازو آزرده باشد خواب
نکند تا او را راضی کند و برای شوهر زینت کند و از نامحرمان پوشیده باشد و چون با او خلوت کند مطیع باشد و مثل اسب سرکش
نباشد و بدترین زنان آنست که در وی صفات خلاف این باشد کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلعم گفت هر گاه بخانه میروم زوجه
ام استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و اگر مرا دلگیر بیند دلداری کند و تسلی دهد آنحضرت فرمود خدا را در زمین
جمعی باشند که کارهای او را انتظام دهند و این زن از جملهٔ ایشانست و او را نصف اجر شهیدی باشد و برکت زن آنست که
خفیف المؤنه باشد و ولادتش آسان و مهرش سبک باشد و شآمت زن در آنکه مؤنتش بسیار و ولادتش دشوار و مهرش
سنگین باشد **فصل چهارم** در اوقات تزویج و آداب آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سنت است
تزویج در شب باشد که شب برای استراحت و لذت آفریده شده و اگر تزویج در تحت الشعاع واقع شود طفل از ساقط گشتن
ایمن نباشد و اگر قمر در عقرب باشد از آن تزویج خیر نبیند و اگر در وقت گرمی روز باشد زود بمفارقت انجامد باید
در طرفین روز باشد که هوا ملایم باشد و چون اراده تزویج کند اول دو رکعت نماز گذارد و حمد خدا کند بعد از آن بگوید اللهم
انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن
لی فی نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة و اقض لی منها ولدا طیبا تجعله لی خلفا
فی حیوتی و بعد موتی و مستحب است ابتدا کردن تزویج بخطبه مشتمل بر حمد و صلوة و موعظه و ترغیب نکاح و این خطبه
مرویست افضل خطبهای این باب الحمد لله الذی حمد فی الکتاب نفسه و افتتح بالحمد کتابه و جعل الحمد
اول جزاء محل نعمته و آخر دعوی اهل جنته و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة
اخلصها له و اذخرها عنده و صلی الله علی محمد خاتم النبوة و خیر البریة و علی آله آل الرحمة
و شجرة النعمة و معدن الرسالة و مختلف الملائکة و الحمد لله الذی کان فی علمه السابق و کتابه
الناطق و بیانه الصادق ان احق الاسباب بالصلة و الاثرة و اولی الامور بالرغبة فیه
و التقدیم سبب اوجب نسبا و امر اعقب غنی فقال جل و عز و هو الذی خلق من الماء بشرا ف
جعله نسبا و صهرا و کان ربک قدیرا و قال و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم
ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم و لو لم تکن فی المصاهرة و المناکحة آیة
محکمة و لا سنة متبعة و لا اثر مستفیض لکان فیما جعل الله من بر القریب و تقریب البعید و تالیف
القلوب و تشبیک الحقوق و تکثیر العدد و توفیر الولد لنوائب الدهور و حوادث الامور ما یرغب
فی دونه العاقل اللبیب و یسارع الیه الموافق المصیب و یحرص علیه الادیب الاریب فاولی

النّاس به من اتّبع امره واتقذ حكمه وامضى قضاءه ورجى جزاءه وفلان بن فلان من عرفتم حاله وجلاله
دعا رضى نفسه واتاكم ايّاكم واختيار الخطبة فلانه بنت فلان كريمتكم وبذل لها من الصداق كذا وكذا فابلغوه
بالاجابة واجيبوه بالرغبة واستخيروا الله في امركم يعزم لكم رشدكم ان شاء الله تعالى اسأل الله ان يلحم ما بينكم
بالبرّ والتقوى ويؤلّفه بالمحبّة والهوى ويختم بالموافقة والرضا انه سميع الدعاء لطيف لما يشاء

فصل پنجم

در آداب زفاف مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شب زفاف پیش از آنکه داماد و عروس پیش هم آیند داماد دو رکعت
نماز گذارد و بعد از آن حمد خدا کند و صلوة بفرستد و بگوید اللهم ارزقني الفها وودها ورضاها وارضني بها واجمع بيننا باحسن
اجتماع وانيس ايتلاف فانك تحب الحلال وتكره الحرام وجمعی که حاضر باشند آمین بگویند و عروس نیز چنین کند اما اول
چنین بگوید اللهم ارزقني الفه ووده ورضاه بي آخر و چون پیش هم آیند رو بقبله دست بر پیشانی عروس گذاشته بگوید
اللهم على كتابك تزوجتها وفي امانتك اخذتها وبكلماتك استحللتها فان قضيت لي في رحمها شيئا
فاجعله مسلما سويا ولا تجعله شرك الشيطان و اگر خواهد بگوید اللهم بامانتك اخذتها وبكلماتك استحللتها
فان قضيت لي منها ولدا فاجعله مباركا تقيا من شيعة آل محمد ولا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا
و پای عروس را بشویند و آن آب را از در خانه تا آخر خانه بپاشند هفتاد قسم حاجت از آنخانه بیرون رود و هفتاد قسم برکت داخل شود
و هفتاد رحمت بر سر عروس فرود آید که برکتش بهر گوشه خانه برسد و عروس از جنون و جذام و برص ایمن گردد تا در آنخانه باشد و در یک
هفته اول عروس از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش احتراز کند که رحم او سرد و عقیم گرداند و اگر سرکه خورده باشد که حایض شود
هرگز از آن حیض پاک نشود و گشنیز ولادت را دشوار کند و سیب ترش حیض را قطع کند

فصل ششم

در ثواب مباشرت
و آداب مباشرت و آداب و اوقات آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزی زینب عطاره بخدمت حضرت پیغمبر صلعم
رفته از زوج خود شکایت کرد فرمود اگر فضایل مباشرت را بداند تقصیر نخواهد کرد گفت کدام است آن فضایل فرمود هرگاه متوجه تو شود
چنانست که در راه خدا شمشیر کشیده باشد و چون مجامعت کند گناهان او بریزد مثل برگ از درخت و چون غسل کند از گناه پاک
شود هم از آنحضرت صلعم مرویست که با بوذر رح فرمود با اهل خود مقاربت کن تا ثواب یابی ابوذر گفت با اهل خود صحبت دارم
ثواب نیز دارد گفتم بلی فرمود هم چنانکه حرام گناه دارد حلال نیز ثواب دارد و نیز مرویست که هر کس زنان و کنیزان زیاده از آنکه بایشان
تواند مجامعت کرد جمع کند و ایشان زنا کنند گناه ایشان بر او باشد و اما آداب مباشرت مرویست که در وقت مجامعت اگر بسم الله
نگوید شیطان در جماع با او شریک شود و نطفه که بسته شود شیطان در آن شریک باشد و شرکت شیطان موجب کفر و نفاق و عداوت
اهل بیت طاهرین علیهم السلام و ولد الزنا و سبب فسوق و معاصی در فرزند باشد و اگر بسم الله بگوید از شر و شرکت شیطان ایمن گردد و اگر
باین عبارت که مرویست از حضرت امام جعفر ع بگوید افضل است بسم الله الرحمن الرحيم الذي لا اله الا هو بديع السموات
والارض اللهم ان قضيت مني في هذه الليلة خليفة فلا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا ولا حظا

ولجعله

واجعله مؤمنا مخلصا مصفى من الشيطان ورجزه جل ثناؤك و نیز مرویست که اگر بگوید بسم الله وبالله اللهم
جنبني الشيطان وجنب الشيطان ما رزقتني اگر فرزندی شود هرگز ضرری از شیطان باو نرسد و اگر خواهد در وقت
جماعت بگوید اللهم ارزقني ولدا واجعله تقيا زكيا ليس في خلقه زيادة ولا نقصان واجعل عاقبته
الى خير و در اثنای مجامعت حرف زدن موجب لالی و گرفتگی زبان فرزند و نگاه کردن بعورت زن موجب کوری فرزند باشد و اگر مرد زودتر
فارغ شود باید صبر کند تا زن نیز حاجت خود برآرد که گاه باشد که زن بجا التماس پیش مرد بیرون رفته بگر گه غلام سیاهی برخورد و در آویزد
و هر کدام خرقه جدا برداد و هر دو بیک خرقه استعمال نکنند که آب مرد و زن بر سر هم افتد موجب عداوت میان ایشان شود و در
آن خانه کسی که ایشان را بیند یا صدای ایشان بشنود خواه طفل و خواه غیر آن نباشد که سبب زنا در فرزند شود و در دو شب
بقبله نباشد و اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند جماع نکند که سبب جنون در فرزند باشد اما اگر بعد از مجامعت مرتبه دیگر
خواهد وضو کافی بود و در وقت حیض جماع کردن موجب جذام یا برص باشد در فرزند و ایضا روایات بسیار آمده که هیچکس
بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلام ندارد مگر کسی که ولد الزنا یا شرک شیطان باشد تا در ایام حیض نطفه اش شده باشد
و حضرت امام جعفر ع فرمود اگر نعمت محبت ما را در دل خود یابید مادر خود را بسیار دعا کنید که بابد رشما خیانت نکرده مرویست
که سه چیز بدن را بسیار ضرر کند و گاه باشد موجب هلاک گردد و شکم پر بحمام رفتن و شکم پر جماع کردن و با زن پیر مجامعت کردن
و مرویست که ایستاده جماع کردن سبب بول فرزند باشد در فراش و بر بام خانه جماع نکنند که فرزند منافق و صاحب بدعت
و مرائی شود و در آفتاب نکنند که فرزند در تمام عمر پریشان باشد و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند جلاد و خونریز
شود و اگر زن حامله باشد بی وضو با او مجامعت نکند که فرزند کور دل و بخیل شود و اگر از زن غیری شهوت بحرکت آید با آن
شهوت با زن خود مجامعت نکند که فرزند مخنث یا دیوانه شود و اگر در کشتی نشسته باشند مجامعت نکند و اگر جنب باشد با زن
در میان جای خواب قرآن نخواند که بیم آن بود که آتشی از آسمان آید و هر دو را بسوزد و اگر زن جنب باشد و اگر از جای خود برخیزد
تا آن جا سرد نشود دیگری بر آن جا ننشیند و اما اوقات مجامعت چند وقت مستحب است مجامعت کردن شب جمعه بعد از نماز
خفتن که فرزند از جمله اعاظم و اکابر دین شود و روز جمعه بعد از عصر از جمله مشاهیر علما شود و شب دوشنبه که فرزند حافظ قرآن
و راضی بقسمت خود باشد و شب سه شنبه که فرزند مؤمن و رحیم دل و سخی شود و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد و شب
پنجشنبه که فرزند از جمله علما و اکابر شود و روز پنجشنبه وقت ظهر که فرزند کارساز مردم باشد و دین و دنیایش بسلامت بود
و شیطان نزدیک اش نشود تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان نیز مستحب است مجامعت کردن و در چند وقت
مکروه است میان اذان و اقامت که فرزند بخونریزی حریص شود و میان طلوع صبح و طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب
شفق مغرب و وقت طلوع و غروب آفتاب که آفتاب زرد باشد و روزی که آفتاب گرفته باشد و شبی که ماه گرفته باشد
و شبانه روزی که زلزله شود یا بادهای سرخ و زرد و سیاه وزد که در این اوقات فرزندی عیبی نباشد و در اول و میان و آخر ماه

که زن با فرزند را بیم جنون و جذام باشد و در تحت الشعاع ماه که فرزند ساقط شود و بعد از ظهر که فرزند احول شود و در شب عید قربان که
فرزندش انگشت یا چهار انگشت و در نصف ماه شعبان که فرزند شوم و معیوب باشد و روز آخر شعبان که فرزند خونریز و معین ظالمین
باشد و اول شب که فرزند ساحر شود و دنیا را بآخرت اختیار کند و در شب و روز پیش از آنکه به سفر بیرون رود که فرزند معین ظالمین
شود و شبی که فردا پیش به سفر رود که فرزند مال خود را در باطل و حرام صرف کند **فصل هفتم** در طلب فرزند مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی را فرزند نشود هر صبح و شام هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله بعد از آن یکمرتبه استغفر الله راوی گوید مرا
فرزند نمی شد باین طریقه عمل نمودم اولاد بسیار شد و بسیار مردم را تعلیم کردم همه فرزندان بسیار شد طریقه دیگر سجده کند و در سجده بگوید
رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ راوی گوید
من چنین کردم دو پسر را روزی شد طریقه دیگر بر انگشتر فیروزه نقش کند که رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین راوی گوید چنین کردم
یکسال نگذشت که مرا پسری عطا شد و اگر خواهد پسر شود پیش از آنکه از حمل چهار ماه تمام شود و زن را رو بقبله بنشانند و آیة الکرسی بخوانند و دست
بر پهلویش گذاشته بگوید خدایا این را محمد نام کردم خدای تعالی آن را پسر کند پس چون متولد شود اگر بعهد خود وفا کند و محمد نام کند خدای تعالی
او را مبارک گرداند و اگر نام دیگر کند پس اگر خدای تعالی خواهد او را بگذارد و اگر نه ببرد طریقه دیگر که مرویست که هر کس عزم کند که فرزند را محمد یا علی
نام کند البته پسر شود طریقه دیگر در وقت مجامعت که مهیای این کار شده باشد دست راست بر جانب راست ناف زن گذاشته هفت مرتبه
انا انزلناه بخواند بعد از آن صحبت دارد و چون حمل ظاهر شود در شبها هر مرتبه که در میان جا حرکت کند دست بر جانب ناف زن گذاشته
هفت انا انزلنا بخواند راوی گوید من چنین کردم هفت پسر از پی یکدیگر آمد و بسیار مردم کردند همه را اولاد ذکور بسیار شد و در این مجموعه اذکار دیگر
وادعیه نیز مناسب این مقام بتقریبات گذشت **فصل هشتم** در فضایل حمل و ولادت و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که چون زن حامله شود مثل کسی است که روزه بگیرد و به نفس و مال خود در راه خدا جهاد کند و چون وضع حمل کند ثوابش را از بسیاری
نتوان دانست و چون شیر دهد هر مرتبه مکیدن پستان چنان است که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و چون طفل را از شیر بگیرد فرشته ندا کند
که اعمال از سر گیر که گناهانت همه آمرزیده شد و اگر در عرض این مدت بمیرد شهید باشد و نیز مرویست که اگر زن در نفاس بمیرد روحش را در قبر
نگذارند علی بیش عذاب نبرند و آگاهی باشد تا روز قیامت و روز قیامت دیوان حساب بر ایشان نگشایند و مرویست که زن حامله به بسیار بخورد فرزند
جمیل شود و اگر در ایام حمل کندر بخورد فرزند قوی دل و عاقل شود و اگر پسر باشد شجاع باشد و اگر دختر بود بزرگ سرین بود و در نظر شوهرش
عزیز و صاحب منزلت گردد و چون وضع حمل کند اول هفت عدد خرما بخورد تا فرزند حلیم و عاقل شود و در روایت دیگر نه عدد آمده و در
ولادت زنان را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر زن بر عورت طفل نیفتد و اگر وضع حمل دشوار باشد بر کوزه آب سه مرتبه بخوانند بسم الله الذی
لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات و رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها
لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار و قدری از آن آب بیاشامد و
قدری بر میان هر دو پستان و میان کتفش بپاشند باذن الله تعالی بآسانی وضع کند طریقه دیگر بنویسد و بر کمر آن زن ببندد و چون وضع حمل

زود بکشد یا ان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ویهیئ لکم من امرکم مرفقا ویهیئ لنا من امرنا رشدا و علی الله قصد السبیل ثم السبیل
یسره او لم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل
نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار طریقه دیگر انا انزلناه را بنویسند و بشویند و زن بیاشامد و از آن آب بر فرج او نیز بپاشند طریقه دیگر در پیش او انا انزلناه
بخوانند زود وضع حمل شود طریقه دیگر بر پشت پیمانه که غله بان کیل کنند این صورت را بنویسند و زن بر سر آن بنشیند **فصل نهم**
در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه کردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون طفل متولد شود پیش از آنکه
نافش را ببرند بقدر عدسی جاوشیر با آب مخلوط کنند و دو قطره در دماغ راستش و یک قطره در دماغ چپ بچکانند و در گوش راست اذان
و در چپ اقامت بگویند از ترسیدن و ام الصبیان ایمن شود و نیز مرویست که اذان و اقامت گفتن امانست از جنون و جن و شیطان
و کام طفل را با تربت امام حسین ع و آب فرات و اگر نباشد آب باران بردارند و مرویست که هر کس را با آب فرات کام بردارند دوست
اهل بیت طاهرین علیهم السلام باشد و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود اگر کوفیان کام طفل خود را با آب فرات بر میداشتند شیعه ما می بودند و
نیز مرویست که کام طفل را با خرما بردارید که حضرت پیغمبر صلعم کام امام حسن و امام حسین علیهما السلام را با خرما برداشت و مرویست که طفل نو
متولد شده باشد که نامش گذارید اگر بی نام ساقط شود در روز قیامت از پدر گله کند که چرا مرا نام نگذاشتی و مستحب است که چون طفل متولد شود
تا هفت روز او را محمد و اگر دختر باشد فاطمه گویند بعد از آن اگر خواهند نام دیگر گذارند و اول حقی پدر بر فرزند اینست که او را نام خوب گذارد
که روز قیامت هر کس را بنام خود آواز کنند و مرویست که راست ترین نامها آنست که بندگی در او باشد مثل عبد الله و عبد الرحمن و امثال
آن و افضل اسماء اسماء انبیا و ائمه است علیهم السلام و در هر خانه که نام محمد یا یکی از انبیا باشد خدای تعالی هر صبح و شام ملکی را فرستد تا اهل آن خانه را
مبارکباد و برای ایشان دعای خیر و برکت کند و حضرت امام محمد باقر ع از طفلی پرسید چه نام داری گفت محمد کنیت گفت علی فرمود از شیطان
در پناهی عظیم رفتی چون بشنود که کسی را نام محمد و علی آواز کنند بگدازد مثل قلعی در آتش و اگر بشنود که بنام یکی از اعدای ما آواز کنند
بر خود ببالد و مسرور شود و نیز مرویست که فقر داخل خانه نشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله
یا فاطمه باشد و نیز مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود کسی را که چهار پسر شود و نام مرا نگذارد بر من جفا کرده باشد و مردی از آنحضرت صلعم
پرسید که مرا پسری شده چه نام کنم فرمود حمزه که دوست ترین نامها است پیش من و مرویست که چون طفل را محمد و فاطمه نام کنند
رعایت ادب و اکرام او بجا آرید و عزیز دارید و دشنام مدهید و مزنید و در روایات آمده که بر غنی واجب است که در روز هفتم طفل
عقیقه کند و اگر فقیر باشد هر وقت مقدورش شود خواه پسر باشد و خواه دختر که فرزند در گرو عقیقه است چون عقیقه کنند از گرو بیرون آید
و اگر کسی را عقیقه نکرده باشند او خود را عقیقه کند هر وقت که خواهد تا آخر عمر و افضل اینست که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده و از عیوب
بسلامت باشد و اگر مقدور نشود هر چه مقدور شود مجزی بود و هر چند فربه تر باشد افضل است و در وقت ذبح بگویند بسم الله و بالله
والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی رسول الله صلی الله علیه و آله والعصمة لامره والشکر لرزقه والمعرفة بفضله علینا

اهل البیت اللهم لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء

لفلان بن فلان و اگر پسر باشد بعد از آن بگوید اللهم انک وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و

کل ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک و سنة نبیک و رسولک صلی الله علیه و آله و اخسأ عنا الشیطان

الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک و الحمد لله رب العالمین و اگر خواهد چنین بگوید بسم الله و بالله اللهم

عقیقة عن فلان لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء لآل محمد صلوات الله علیهم و ربع عقیقه را بقابله دهند

و اگر قابله نباشد ربع از مادر است بهر کس که خواهد دهد و اگر قابله مادر مرد یا یکی از عیال او باشد او را از عقیقه حصه نبود باقی گوشت عقیقه را

بپزند و با جمعی از مؤمنان که لا اقل ده کس باشد صرف کنند و هر چند بیشتر باشند افضل است و افضل اینست که والدین مولود و هیچ یک از

عیال ایشان از آن گوشت نخورند و اگر استخوانهای آنرا نشکنند افضل است و هم درین روز نام گذارند و بموی سرش را بتراشند و بوزن مویش

طلا و نقره تصدق کنند و افضل اینست که عقیقه و نام گذاشتن و سر تراشیدن همه در یک وقت باشد و هم در روز هفتم ختنه کنند

که گوشت بدنش زود درست شود و زمین از بول کسی که ختنه نشده باشد چهل روز نجس شود و بخدا شکایت کند و در وقت ختنه کردن بگوید

اللهم هذه سنتک و سنة نبیک محمد صلی الله علیه و آله و اتباع منا لک و لنبیک بمشیتک و ارادتک

و قضائک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته فاذقته حر الحدید فی ختانه و حجامته لامر انت

اعرف به اللهم طهره من الذنوب و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده

الغنی و ادفع عنه الفقر فانک تعلم و لا نعلم و اگر در آن وقت نگفته باشند پیش از محتلم شدن هر وقت باشد بر او بخوانند خدای

تعالی او را از تیزی آهن بقتل و غیر آن محفوظ دارد و مستحب است گوش راست مولود را سوراخ کردن و افضل آنست که مادر خود شیر دهد که

شیر مادر مبارکتر است و مروی است که شیر ده صاحب دین و پاکیزه و متقی باشد احمق و دنی و فاسق نباشد که شیر در طفل اثر کند و مروی است

که کمتر از بیست یک ماه شیر دادن ظلم است بر طفل و نهایت حد شیر دو سال تمام است و بیشتر از این نشاید

فصل دهم

در فضایل اولاد و ترتیب ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدای تعالی برای بنده خود خیر خواهد او را از دنیا نبرد تا خلفی صالح عطا فرماید

فرزند خوب ریحانیست از بهشت و کریه اطفال مؤمنان تا هفت سال تهلیل است و بعد از آن تا حد بلوغ استغفار است برای والدین و

بعد از آن هر حسنه که کند والدین در ثوابش شریک باشند و اگر سیئه کند ضررش بایشان نرسد و کودک اطفال کفاره گناه والدین

است و اگر فرزند بمیرد والدین را از آن ثواب و درجات باشد حتی آنکه سقط بر در بهشت ایستاده باشد و داخل نشود تا دست والدین

خود را گرفته داخل بهشت کند و اگر بماند برای ایشان دعا و استغفار کند و هر حسنه که کند سبب مغفرت و درجات برای ایشان باشد

و مرویست که حضرت عیسی ع بر قبری گذشت که صاحبش معذب بود سال دیگر بر آن قبر گذشت عذاب از آن برخاسته بود و مناجات

کرده از سبب آن سؤال نمود وحی آمد که این شخص را فرزند صالح است که یتیمی را پناه داده و غمخواری کرد عذاب از و برداشتیم و مرویست که

پسر نعمت و دختر حسنه از نعمت سؤال کنند و بر حسنه ثواب دهند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود کسی که سه دختر یا سه خواهر عیالش باشند

بهشت او را واجب شود کسی پرسید که اگر دو تا هم باشد چنین است فرمود بلی اگر دو تا هم باشد گفت اگر یکی هم باشد یکی فرمود

اگر یکی هم باشد و نیز مرویست که اگر کسی دو دختر یا دو خواهر و یا دو عمه و یا دو خاله عیالش باشند او را از دوزخ نگاه دارند

و هر کس بفرزند خود احسان و مهربانی کند چنانست که بوالدین خود کرده باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود اطفال را دوست دارید و بر ایشان

رحم کنید و چون با ایشان وعده کنید وفا کنید و هر کس بفرزند خود بسیار محبت داشته باشد خدای تعالی بر او رحمت کند و اگر فرزند را ببوسد

برایش حسنه نویسد و اگر مسرورش کند روز قیامت مسرورش کند و هر کس از بازار چیزی بخرد برای عیال و اطفال بیاورد چنانست که برای

جمعی محتاج صدقه برده باشد و افضل آنست که اول چیزی بدختران و زنان دهند هر کس دختری را مسرور کند چنانست که بنده از اولاد

اسمعیل آزاد کند و اگر پسر را مسرور کند چنانست که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از ترس خدا بگرید از اهل بهشت باشد و هر کس

زنی را که با او قرابتی و خویشی داشته باشد مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین فرزند را که مردی روزی

بخدمت حضرت پیغمبر صلعم گفت من هرگز فرزند خود را نبوسیدم بعد از آن که او رفت حضرت فرمود این مرد از اهل دوزخ است و مرویست

که طفل را لا اله الا الله و آیه آخر بنی اسرائیل و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا تا آخر سوره تعلیمش کنید زبانش فصیح شود و نیز مرویست

که چون پسر را سه سال تمام شود امرش کنید تا هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله و چون سه سال و هفت [illegible] روز تمام شود بگوئید هفت مرتبه

بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سال تمام شود دست راست و چپ

از وی پرسید چون بگوید رویش بقبله کند و بگوئید سجده کند و چون شش سال تمام شود رکوع و سجود بیاموزید و چون هفت سال تمام

شود بگوئید دست و رو بشوید و لیک نماز بکند و چون نه سال تمام شود وضو و نماز یادش دهید و هر گاه تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون

وضو و نماز یاد گیرد گناهان والدینش آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را هفت سال بگذارید بازی کند و هفت سال دیگر قرآن و کتاب

و خط یادش دهید و هفت سال دیگر ملازم خود کردانید که آداب و اخلاق یاد گیرد و شرایع دین از حلال و حرام تعلیمش کنید بعد از

آن اگر آثار صلاح و رغبت بدین و ایمان در و یابید و در صلاح تربیتش باشید و گرنه دست از و بردارید

فصل یازدهم

در حقوق زوجین بر یکدیگر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق زوج بر زوجه اینست که خدمت و اطاعتش کند و خلاف امر و رضایش

نکند و از خانه او بی اذن او تصدق نکند و بکسی چیزی ندهد و اگر دهد گناهش بر زن و ثوابش از شوهرش باشد و ضبط خانه و ضبط مال او

کند اگر در خانه شوهر برای خیر و مصلحت خانه چیزی را بجای دیگر گذارد خدای تعالی بر او نظر رحمت کند و هر کس خدا بر او نظر رحمت کند بعد از آن

هرگز عذابش نکند و از جمله حقوق اینکه خود را از زینت خالی ندارد و بهر چه معتاد و رسم شود دست را بی حنا نگذارد اگر چه همین بمالیدن

باشد خدا بر دست باشد و بی اذن شوهر از خانه بیرون نرود و اگر رود ملایکه آسمان و زمین و ملایکه غضب و رحمت بر او لعنت کنند

تا وقتی که مراجعت نماید زنی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم فرستاد که شوهرم به سفر رفته و مرا گفته از خانه بیرون نروم تا او بیاید و پدرم

بیمار شده اگر رخصت فرمای پدرم را عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن مرتبه دیگر فرستاد همین جواب فرمود تا

آنکه پدرش فوت شد فرستاد اذن خواست که بنماز او حاضر شود فرمود بنشین و اطاعت شوهر کن تا آنکه پدرش را دفن کردند آنحضرت صلعم [illegible]

فرستاد که خدای تعالی تراویح را آمرزیده بسبب آنکه اطاعت شوهرت کردی و از جمله حقوق آنست که بی اذن او روزهٔ غیر واجب
نگیرد و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی چیزی ندهد و تصدق نکند و بنده آزاد نکند اگرچه از مال خودش باشد و از جمله حقوق آنکه خود را
از او باز ندارد اگرچه بر مرکب سوار باشد حضرت پیغمبر صلعم بزنی فرمود که بالو از جمله مسوّفات مباشی گفت مسوّفات کیانند فرمود زنانی که چون
شوهران ایشان را بخلوت بطلبند بهانه و مدافعه کنند تا شوهر را خواب ببرد پس ملائکه بر آن زن لعنت کنند تا وقتی که شوهر خوشی بیدار
شود و از جمله حقوق آنکه اگر شوهر از او آزرده باشد خواب نکند تا عذرخواهی کند و او را راضی گرداند اگرچه شوهر بر او ظلم کرده باشد
و اگر پیش از آنکه او را راضی کند بخوابد هیچ طاعت از او قبول نشود و زنی که بشوهر گوید من هرگز از تو خیر ندیدم اعمالش همه باطل
شود و زنی که شوهر را برنجاند و آزرده کند هیچ حسنه از او قبول نشود و اگر صوم دهر گیرد و همیشه نماز گذارد و بنده‌ها آزاد کند و مالها
در راه خدا صدقه دهد تا آنکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر بر زن ظلم کند و او را برنجاند مثل آن گناه و عذاب بر او ثبت شود
و هر کس بر بدخوئی زن صبر کند هر مرتبه که صبر کند مثل ثواب صبر ایوب برایش بنویسند و بر زن هر شبانه روز مثل ریگ صحرای عالج گناه
نویسند و اگر زن با شوهر سازگاری نکند و او را تکلیف چند که مقدورش نباشد کند و بر مشقت و تعب دارد هیچ حسنه از او قبول
نشود که او را از آتش نگاه دارد و مادامی که بر این حال باشد در غضب خدای تعالی باشد و جهاد زن آنست که شوهرداری خوب
کند و بر آزار و مشقت او صبر کند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود ای زنان تصدق کنید اگرچه از زینت خود و اگر نصف خرمای باشد
و اطاعت شوهران کنید که اکثر شما هیمهٔ دوزخ باشید چون زنان این سخن شنیدند همه گریستند یکی از ایشان برخواست گفت یا رسول
الله با کفار در دوزخ باشیم والله که ما کافر نیستیم فرمود شما کفران حق شوهران کنید زنی دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت و رنج
حمل و رضاع و با اینکه فرزندان مشفق صالح از ما بوجود آیند بدوزخ رویم پس حضرت رقت نموده فرمود شما با آنچه گفتید اگر شوهران
را نرنجانید و نماز گذارید یکی از شما بدوزخ نرود و ایضا زنی از آنحضرت صلعم پرسید که حق که بر مردم عظیم‌ترست فرمود حق پدر پرسید
بر زن فرمود حق شوهر و اگر خدا را سجده کردن جایز می‌بود امر میکردم که زنان شوهران را سجده کنند پرسید که حق زن بر مرد چیست فرمود
از صد یکی نیست و زنی در خدمت آنحضرت صلعم معروض داشت که شوهرم با من بی‌التفات بود من چیزی ساختم که او را با خود مهربان
کنم فرمود که ملائکه آسمان و زمین بر تو لعنت کردند پس آن زن رفته روزها روزه میگرفت و شبها عبادت میکرد و سر خود را تراشید و
پلاس پوشید این خبر بآن حضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد و حق زوجه بر زوج آنست که نفقه و کسوه‌اش دهد و اگر مقدورش باشد محبت
را بر او توسعه کند و او را محتاج دیگری نگذارد و خود را برای او بیاراید که سبب عفتش باشد و چنانکه او آرایش زن را دوست دارد
زن نیز آرایش او را دوست دارد و جهل و تقصیراتش را عفو کند و او را باندک خطا و تقصیری نگیرد و عتاب نکند و نرنجاند و نزند
و ترش روی و عبوس نکند حضرت پیغمبر صلعم فرمود بهترین مردان کسیست که با زن خوش سلوک باشد و بدترین مردان کسی که زن
را برنجاند و بزند و از جمله حقوق آنکه حلال و حرام و آداب و احکام دین تعلیمش کند و در عیدها تهیهٔ اسباب عید و سرور بقدر مقدور
برایش نماید **فصل دوازدهم** در بعضی نوادر مناسب این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدای تعالی غیرت را بر زنان عطا

فرموده

فرموده این جهت است که بر زن زیاده از یک مرد حرام شده و زنا نزاع غیرت نباشد بلکه غیرت ایشان حسد است و حسد اصل
کفرانست و از آن جهت است که زنان مؤمنه برای زن خود را تعریف بسیار کرد فرمود هیچ امتحانش کرده گفت نه فرمود برو امتحان
کن مرد رفت زن دیگر کرد زن اول همان بحال خود ثابت بود و طلبش و ناخوشی نکرد بخدمت حضرت آمد حکایت کرد فرمود
حالا راست میگوی و نیز مرویست که در کارها با زن مشورت مکنید و اگر کنید خلاف ایشان کنید که برکت در مخالفت ایشانست و از
بدان ایشان بگریزید و از نیکان برحذر باشید و در غیر اطاعت ایشان مکنید تا در شر طمع نکنند و ایشان را به هر حمامی و عروسی و عزائی
رخصت دهید سر از زیر در دور خشتی افکند **باب دهم** در آداب سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع ان‌شاء‌الله در ده فصل
بیان شود **فصل اول** در بعضی مقدمات سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عاقل را نشاید سفر کردن مگر
بسه وجه یا تحصیل زاد آخرت یا مرمت معیشت یا لذتی که حرام نباشد و نیز مرویست که سفر کنید تا صحت یابید و حج کنید تا غنی
گردید و نیز مرویست که چون خدای تعالی رزق کسی را در جای تقدیر کرده باشد حاجتی برای او در آنجا برانگیزد که بضرورت بآنجا
حرکت کند و نیز مرویست که هر کس برای تجارت سفر دریا کند دین خود را در معرض تلف آورده باشد و در تحصیل معاش حرص ورزیده
باشد **فصل دوم** در اختیار ساعت برای سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سفر و سایر مطالب در صبح شنبه
و پنجشنبه مبارکست و روز شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت کند خدای تعالی آنرا باز بجای خود برساند و روز پنجشنبه روزیست که خدا
تعالی و رسول او و اهل بیت او و ملائکه علیهم السلام آنرا دوست دارند و حضرت پیغمبر صلعم اکثر غزوات در روز پنجشنبه متوجه میشده
و ظفر می‌یافته و روز سه شنبه خدای تعالی آهن را برای حضرت داود نرم گردانید که زره ساخت سفر درین روز بآسانی بگذرد و احادیث
بسیار آمده که روز چهارشنبه روز نحس است و خدای تعالی اکثر امم سالفه را درین روز عذاب کرده و ارکان آتش را درین روز
آفریده اما حدیث دیگر روایت شده که روز چهارشنبه نجد اشکایت کرد که بندگان تو مرا نحس میدانند فرمود تو بمنی برکات قرآن
و سعدی برای مؤمنان و در روایت دیگر آمده که کسی از حضرت امام موسی ع پرسید که مردم سفر در چهارشنبه آخر را شوم میدانند فرمود
هر کس بمخالفت جمعی که فالهای بد میزنند و چیزها را شوم می‌شمارند در چهارشنبه آخر سفر کند از آفات و عاهات بسلامت و عافیت
مراجعت کند و نیز مرویست که هر کس روز جمعه پیش از نماز جمعه بسفر رود و علی ندا کنند که خدا ترا باز نگرداند و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست
که فرمود روز دوشنبه برای دشمنان ما آفریده شد مشرکان قریش درین روز بر من درآمدند و من درین روز از مکه هجرت
کردم و درین روز رحلت خواهم نمود و علی درین روز کشته خواهد شد و حسن درین روز مسموم شود و درین روز رحلت کند
و نیز مرویست که جمعی درین روز عزم سفر کرده رفتند که حضرت امام جعفر ع را وداع کنند فرمود شما از امروز چه امید
خیر و برکت دارید که امروز بشامت امروز باشد که حضرت پیغمبر صلعم که درین روز از میان ما رفته و درین روز وحی از ما
منقطع شده و بروایت دیگر قضیهٔ کربلا درین روز واقع شده و بروایت دیگر اهل بیت را هیچ مصیبتی رو نداده مگر درین
روز امروز مروید فردا که سه شنبه است بروید که آهن در سه شنبه نرم شده و سفر آسان گذرد و هم از آنحضرت ع مرویست که فرمود

در دوشنبه سفر مکنید و از پی کار روید و شرح نحوست روز یکشنبه عاشورا در فصل اعمال ماه محرم گذشت اما نحوست روز یکشنبه چنانکه
مشهور است در بعضی از کتب علما مسطور است اما حدیثی بنظر نرسیده و روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی مکنید تا با شما دشمنی نکنند و روایات
بسیار نیز آمده که تصدق کنید و هر روز خواهید بسفر روید که بصدقه همه بلاها رفع شود و مرویست که هر کس قمر در عقرب بسفر رود در آن سفر خیر
نبیند و اگرچه اشتغال سفر کند سفر صعب و دشوار گذرد و تحقیق علم نجوم در فصل جزئیات عادات گذشت **فصل سیم** در تحصیل
رفیق و تهیه اسباب و بعضی مناسب این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اول تحصیل رفیقی کنید بعد از آن عزم سفر کنید
و نیز مرویست که سه کس ملعونست کسی که طعام خود را تنها خورد و کسی تنها بخوابد و کسی که تنها بسفر رود و چون شیطان اغلب از تنها یابد
در سفر یا حضر جز آنکه زیاد شود و مرویست که یک کس یک شیطانست و دو کس دو شیطان و سه کس مصاحبند و چهار کس رفیقند و هر
مرویست که بهترین رفقا چهار است و نیز مرویست که جمعی زیاد از هفت نباشد مگر آنکه قال و قیل و غوغا در میانشان بسیار باشد و اگر کسی
سفر مضطر به تنهایی شود بگوید ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و ادّ
غیبتی و از جمله اسباب سفر انگشتر عقیق و تربت مقدس با خود یا در میان رختها داشته باشد تا از دزد و آفات محفوظ باشد چنانکه
در مباحث سابقه گذشت و سلاح و مسواک و شانه و آینه و سرمه و مقراض با خود بردارد و نیز مرویست که از جمله شرف مردانگیست که
برای سفر توشه آذوقه خوب تهیه کند و حضرت امام زین العابدین علیه السلام هرگاه بحج و عمره میرفتند قند و حلویات و امثال آنها بر میداشتند
و حضرت صادق ع فرمود از جمله وصیت لقمان با پسرش این بود که چون بسفر روی شمشیر و موزه و عمامه و خیمه و ظرف آب و سوزن
و ریسمان و ادویه آنچه ترا و رفقا را در کار باشد بردار و با رفقا در کارها موافقت کن مگر در معصیت و نیز مرویست که هر کس در سفر عصای
بادام تلخ با خود دارد زمین برایش طی شود و اگر در وقت بیرون رفتن عصای بادام بگیرد و این آیه از سوره قصص بخواند و لما توجه تلقاء
مدین تا و الله علی ما نقول وکیل از هر سبعی درنده و حیوانی گزنده و دزدی برنده ایمن باشد تا آنکه بخانه اش مراجعت کند هفتاد فرشته تا
وقت مراجعت با او باشند و برایش استغفار کنند و عصا در دست کردن نفی فقر کند و شیطان از او دور کند و هر کس اعانت مؤمنی مسافری کند
در حاجتی از حوایج خدای تعالی هفتاد و سه کربت از او بردارد از غموم و هموم در دنیا و آخرت نجاتش دهد و کربت روز قیامت از او برگردد
که هر کس در حال خود درمانده باشد و انگشت حسرت بدندان ندامت گزد و روایت دیگر آمده که خدای تعالی بیست و سه کربت در دنیا و
هفتاد کربت در آخرت از او برگیرد و مرویست که چون مؤمن سفر کند لازم است که دوستان را خبر کند و چون مراجعت کند بدیدنش آیند
فصل چهارم در افتتاح سفر بدعا و صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی عزم سفر کند بگوید اللهم
خل سبیلنا و احسن مسیرنا و اعظم عافیتنا و نیز مرویست که مسافر هیچ جانشینی برای اهل خود نگذارد بهتر از آنکه وقت
بیرون رفتن دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن بگوید اللهم انی استودعک الیوم دینی و نفسی و مالی و اهلی و ولدی
و جیرانی و اهل حزانتی الشاهد منا و الغائب و جمیع ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی کنفک و منعک
و عیاذک و عزک عز جارک و جل ثناؤک و امتنع عائذک و لا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت

والحمد

والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا الله اکبر کبیرا و الحمد
لله کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا که هر چه درین دعا سؤال کرده خدای تعالی عطا فرماید و حضرت امام محمد باقر ع چون اراده
سفری مینمودی عیال خود را در خانه جمع میفرمود و همین دعا میفرمود و ادعیه بیرون آمدن از خانه در فصل عادات گذشت و چون خواهد
از خانه بیرون آید تحت الحنک ببندد از دزد و سوختن و غرق شدن ایمن باشد و بسلامت باز گردد و اگر نبسته باشد و ببلایی مبتلا
شود و دوا نداشته باشد خود را ملامت کند و چون از خانه بیرون آید بر در خانه رو براهی که میرود بایستد و الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله
و معوذتین هر یک را برابر رو و یک جانب راست و چپ بخواند بعد از آن بگوید اللهم احفظنی و احفظ ما معی و بلغنی و بلغ ما
معی و سلمنی و سلم ما معی ببلاغک الحسن او و هر چه با او است بسلامت مراجعت کند و نیز بگوید بالله استفتح و بالله
استنجح و بمحمد صلی الله علیه و آله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة و ذلل لی کل صعوبة و اعطنی من الخیر
کله اکثر مما ارجو و اصرف عنی من الشر اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین و کسی بخدمت امام علی النقی ع
عرض نمود که از حضرت صادق ع در هر ماه چند روز نحس روایت شده و بسا باشد که در آن ایام حاجتی یا سفری ضرور شود فرمود شیعیان
ما چون اعتماد و وثوق بر خدا کنند و از روی اخلاص و یقین تمسک بولایت ما شوند اگر بدریاهای مواج پر طوفان و صحراهای خون آشام
در میان سباع و اعادی انس و جان روند که خدای تعالی ایشان را محافظت فرماید و هیچ ضرر بایشان نرسد صبح و شام سه مرتبه بگوید اصبحت
اللهم معتصما تا آخر چنانکه در اوراد صبح و شام گذشت از هر خوف و محذوری در حصن حصین باشی و اگر در یکی از روزهای نحس عزم
سفر کنی وقتی که خواهی روانه شوی الحمد لله و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی و انا انزلناه و این پنج آیه از سوره آل عمران ان فی خلق السموات
و الارض تا انک لا تخلف المیعاد و این دعا بخوان اللهم بک یصول الصائل و بقدرتک یطول الطائل و لا حول
لکل ذی حول الا بک و لا قوة الا منک بصفوتک من خلقک و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته و
سلالته اللهم صل علیه و علیهم و اکفنی شر هذا الیوم و ضره و ارزقنی خیره و اقض لی فی متصرفاتی بحسن العافیة
و بلوغ المحبة و الظفر بالامنیة و کفایة الطاغیة الغویة و کل ذی قدرة لی علی اذیة حتی اکون فی جنة و عصمة
من کل بلاء و نقمة و ابدلنی من المخاوف فیه امنا و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد
و لا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر و الامور الیک تصیر یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر
و ایضا وقت بیرون رفتن هر چه میسر شود تصدق کند و بگوید اللهم انی اشتریت سلامتی فی سفری هذا بهذا که
از آفات ایمن گردد و حضرت سجاد ع چون بسفر میرفت همین که پای مبارک در رکاب میگذاشت تصدق میکرد و چون بسلامت رجوع مینمود
بشکرانه آن تصدق دیگر میفرمود و اگر بسفر حج و عمره رود و چون از خانه بیرون آید بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا
الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب
العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین اللهم کن لی جارا من کل

جبارٍ عنيدٍ ومن كل شيطانٍ مريدٍ بسم الله دخلت وبسم الله خرجت اللهم إني أقدّم بين يدي نسياني وعجلتي
بسم الله وما شاء الله لا حول ولا قوة إلا بالله في سفري هذا ذكرته أو نسيته اللهم أنت المستعان على الأ
مور كلها وأنت الصاحب في السفر والخليفة في الأهل اللهم هوّن علينا سفرنا واطوِ لنا الأرض وسيّرنا فيها
بطاعتك وطاعة رسولك اللهم أصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فيما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم
إني أعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في الأهل والمال والولد اللهم أنت عضدي
وناصري اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في أهلي بخير لا حول ولا قوة إلا بالله اللهم
إني عبدك وهذا حملانك والوجه وجهك والسفر إليك وقد اطلعت على ما لم يطلع عليه أحد غيرك
فاجعل سفري هذا كفارة لما قبله من ذنوبي وكن عونا لي عليه واكفني وعثه ومشقته ولقني من القول والعمل
رضاك فإنما أنا عبدك وبك ولك **فصل پنجم** در وداع و مفارقت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که چون کسی مسافر را وداع کند بگوید زودكم الله التقوى ووجّهكم إلى كل خير وقضى لكم كل حاجة وسلّم لكم دينكم و
دنياكم وردّكم سالمين إلى سالمين و اگر خواهد بگوید أحسن الله لك الصحابة وأكمل لك المعونة وسهّل لك
الحزونة وقرّب لك البعيد وكفاك المهمّ وحفظ لك دينك وأمانتك وخواتيم عملك ووجّهك لكل خير
عليك بتقوى الله أستودع الله نفسك سر على بركة الله عز وجل و چون مسافر روانه شود از عقبش آية الکرسی
بخوانند و اذان و اقامت بگویند بعد از آن بگویند اللهم الطف بي في تيسير كل عسير فإن تيسير كل عسير عليك يسير
اللهم أسألك اليسر والعافية والمعافاة الدائمة في الدنيا والآخرة و چون مسافر از بازار جدا شود بگوید اللهم
أعني على أهاويل الدنيا والآخرة ومصيبات الليالي والأيام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض
فصل ششم در آداب سوار شدن و راه رفتن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون پا در رکاب گذاری بگوی بسم الله
الرحمن الرحيم بسم الله وبالله والله أكبر و سایر آداب سوار شدن در فصل خود گذشت و چون مسافر سوار شود و بر پشت مرکب قرار گیرد
بگوید بسم الله ولا قوة إلا بالله الحمد لله الذي هدانا للإسلام ومنّ علينا بمحمد صلى الله عليه وآله سبحان الذي
سخّر لنا هذا وما كنا له مقرنين وإنا إلى ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمين اللهم أنت الحامل على الظهر
والمستعان على الأمر اللهم بلّغنا بلاغا يبلغ به إلى الخير بلاغا يبلغ به إلى رحمتك ورضوانك ومغفرتك
اللهم لا طير إلا طيرك ولا خير إلا خيرك ولا حافظ غيرك و چون مرکب روانه شود بگوید خرجت بحول الله و
قوته برئت إليك يا رب من الحول والقوة اللهم إني أسألك بركة سفري هذا وبركة أهلي اللهم إني
أسألك من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا تسوقه إليّ وأنا خائض في عافية بقوتك وقدرتك اللهم
إني سرت في سفري هذا بلا ثقة مني بغيرك ولا رجاء لسواك فارزقني في ذلك شكرك وعافيتك ووفقني لطاعتك

وعبادتك

وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا و چون از شهر جدا شود بگوید اللهم إني أستودعك ديني ونفسي ومالي ودنياي
وآخرتي وخاتمة عملي فاحفظني من كل آفة وعاهة واعصمني من كل زلل وخطاء يا سميع يا قريب يا حفيظ
يا مجيب أجب دعائي يا كريم يا كريم يا كريم اللهم بك انتشرت وإليك توجهت وبك اعتصمت أنت ثقتي
ورجائي اللهم اكفني ما أهمني وما لا أهتم له وما أنت أعلم به مني اللهم زودني التقوى واغفر لي وارحمني
و نیز بگوید بسم الله مخرجي وبإذنه خرجت وقد علم قبل أن أخرج خروجي وقد أحصى علمه في مخرجي ومرجعي
توكلت على الإله الأكبر توكل مفوّض إليه أموره مستعين به على شؤونه مستزيد من فضله مبرّئ
نفسه من كل حول وقوة إلا به خروج ضرير خرج بضره إلى من يكشفه وخروج فقير خرج بفقره إلى من يسده
وخروج عائل خرج بعيلته إلى من يغنيها وخروج من ربه أكبر ثقته وأعظم رجائه وأفضل أمنيته الله ثقتي
في جميع أموري كلها به فيها جميعا أستعين ولا شيء إلا ما شاء الله في علمه أسأل الله خير المخرج والمدخل
لا إله إلا هو وإليه المصير و نیز بگوید اللهم إني خرجت في وجهي هذا بلا ثقة مني بغيرك ولا رجاء آوي
إليه إلا إليك ولا قوة أتكل عليها ولا حيلة ألجأ إليها إلا طلب رضاك وابتغاء رحمتك وتعرضا
لرزقك وسكونا إلى حسن عائدتك وأنت أعلم بما سبق لي في علمك في وجهي هذا مما أحب وأكره
اللهم فاصرف عني مقادير كل بلاء ومقضي كل لأواء وابسط عليّ كنفا من رحمتك ولطفا من عفوك وحرزا
من حفظك وسعة من رزقك وتماما من نعمتك وجماعا من معافاتك وأوقع لي فيه يا رب جميع قضائك
على موافقة هواي وحقيقة أملي وادفع عني ما أحذره وما لا أحذره على نفسي وديني ومالي مما أنت
أعلم به مني واجعل ذلك خيرا لآخرتي وجميع خزانتي بأفضل ما خلفت به غائبا من المؤمنين في تحصين
كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة ودفاع كل سيئة وكفاية كل محذور وصرف كل مكروه وكمال
ما تجمع لي به الرضا والسرور في الدنيا والآخرة ثم ارزقني شكرك وذكرك وطاعتك وعبادتك
حتى ترضى وبعد الرضا اللهم إني أستودعك اليوم ديني ونفسي ومالي وأهلي وولدي وذريتي وجميع
إخواني اللهم احفظ الشاهد منا والغائب عنا اللهم احفظنا واحفظ ما معنا اللهم اجعلنا في
جوارك ولا تسلبنا ولا تغير ما بنا من نعمة وعافية وفضل و نیز بگوید اللهم أسعدنا بهذه الحركة وأمددنا
باليمن والبركة وقنا سوء المقدر واكفنا مهمات السفر وقرب لنا البعد والنوى وسهل لنا السير
والسرى ووفقنا لطي المراحل وأنزلنا خير المنازل واحفظ مخلفينا واجمع بيننا وبينهم بأحسن آمالنا
وأمانينا سالمين غانمين تائبين آيبين برحمتك يا أرحم الراحمين و چون بر سر راه رسد هفت عدد سنگ ریزه بر
دارد و بر هر یک ده مرتبه بگوید قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون و قول

بخواند و با خود نگاه دارد از آفات محفوظ گردد و اگر در راه چیزی ببیند که بفال خوش نباید بگوید اعتصمت بک یا رب من شر
ما اجد من نفسی فاعصمنی من ذلک و هر بلندی که برآید تکبیر و چون بزیر آید تسبیح بگوید و چون بر سر بلندیها رسد بگوید لا اله الا
الله و الله اکبر و الحمد لله رب العالمین اللهم لک الشرف علی کل شرف و هرچه در پشت سر باشد از صحرا و کوه و غیر آن بتهلیل و هرچه
در پیش رو باشد بتکبیر و تکبیر گوید و چون بصحرای خوفناک رسد بگوید یا ارض ربی و ربک الله اعوذ بالله من شرک
و شر ما فیک و شر ما خلق فیک و من شر ما یدب علیک اعوذ بالله من شر کل اسد و اسود و حیة و عقرب
و من ساکن البلد و من شر والد و ما ولد افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و
کرها و الیه یرجعون الحمد لله بنعمته و حسن بلائه علینا اللهم صاحبنا فی السفر و افضل علینا فانه لا حول و لا
قوة الا بالله بعد از آن سوره الهیکم بخواند از شر سباع و هوام و حیات و عقارب ایمن شود از حضرت صادق ع مرویست که اگر
در صحرا از جن یا انس خوف کنی باشی دست راست بر فرق سر بگذارد و باواز بلند این آیه بخواند افغیر دین الله تا الیه یرجعون و اگر از غول
و جن بترسد باواز بلند اذان بگوید و آیة الکرسی بخواند و بعضی علما در کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی در محل خوفناک باشد یا در حرب واقع شود چهار
سنگریزه بردارد و یکی را بر جانب راست و دوم را بجانب چپ و سیم را از بالای سر بپشت سر و چهارم را بپیش رو اندازد و هر مرتبه بگوید که
قوله الحق و له الملک از بلات از آن ورطه نجات یابد انشاء الله و آن لشکر شکست یابد و ایضا اگر در راه خوفناک باشد پنج سنگ
ریزه بردارد باین طریق اول را که بردارد بگوید الله دوم جبرئیل سیم موسی چهارم محمد پنجم ابراهیم و با خود نگاه دارد ان شاء الله ایمن گردد و حرز
از سباع و کلاب در فصل حرز و تعویذ گذشت و اگر راه گم کند بگوید یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله
و اگر در دریا باشد و بگوید یا حمزه مرویست که صالح بر صحرا و حمزه بر دریا موکل است و اگر خواهد بگوید بسم الله ذی الشان عظیم
البرهان شدید السلطان کل یوم هو فی شان ما شاء الله کان و ما لم یشاء لم یکن و لا حول و لا قوة الا بالله
و اگر کسی پیاده باشد سوره انا انزلناه بخواند از ماندگی ایمن شود و مرویست که با رفقا بجمعیت برود که اگر کسی در سفر از رفیق آنقدر جدا شود
که از نظر غایب شود اعانت کشتن او کرده باشد و در خون او شریک بود و احادیث بسیار آمده که خدای تع اول شب را برای استراحت
خود و چهار پایان در اول شب استراحت کنید و آخر شب راه روید که راه در آخر شب طی شود و آداب حقوق دواب در فصل خود گذشت
فصل هفتم در آداب متعلق بمنزل مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون منزل نمایان شود بگوید اللهم انی اسئلک
خیرها و اعوذ بک من شرها اللهم حببنی الی اهلها و حبب صالحی اهلها الی و چون بمنزل نزدیک شود
بگوید اللهم رب السماء و ما اظلت و رب الارض و ما اقلت و رب الریاح و ما ذرت و رب الانهار
و ما جرت عرفنا خیر هذه القریة و خیر اهلها و اعذنا من شرها و شر اهلها انک علی کل شیء
قدیر اللهم یسر لی ما کان فیها من خیر و وفق لی ما کان فیها من یسر و اعنی علی حاجتی یا قاضی الحاجات
و یا مجیب الدعوات ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و چون فرود

بگوید

بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین و ایتنی بما اتیت به الصالحین و هب لی السلامة
و العافیة فی کل وقت و حین اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق و ذرء و برء خدای تعالی خیر آن
منزل را روزی او کند و شر آن را ازو دفع کند و چون مکانی اختیار کند پیش از آنکه بنشیند دو رکعت نماز گذارد بعد از آن بگوید رب
انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین و نیز بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة و اعذنا من شرها
اللهم اطعمنا من جناها و اعذنا من وباها و حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا خیرات آن منزل
روزی و شرورش مدفوع شود و چون بنشیند بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و اگر در منزل
خوف سباع باشد بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد بیده الخیر و هو علی کل
شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع تا در آن منزل باشد از شر آنها ایمن باشد و اگر از دزد خوف داشته
باشد بگوید یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالا لما یرید اسئلک بعزتک التی لا ترام و بملکک الذی لا یضام و بنورک
الذی ملأ ارکان عرشک ان تکفینی شر اللصوص یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی و سایر اذکار و روایات برای
حرز از دزد در فصل تعویذ و فصل آداب خواب گذشت و چون خواهد از آن منزل کوچ کند دو رکعت نماز گذارد و آن منزل و اهل آن
و ملائکه آنرا وداع کند که در هر موضع جمعی از ملائکه باشند و بگوید السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی
عباد الله الصالحین فصل هشتم در آداب سفر دریا مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون داخل کشتی شود
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و ما قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته یوم القیمة و السموات مطویات بیمینه
سبحانه و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم که امانست از غرق شدن و اگر امواج
متلاطم شود بگوید یا حی لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر آمده که از دست
چپ تکیه کند و با دست راست اشارت بموج نماید و بگوید قری بوقار الله جل و عز و اسکنی بسکینة الله جل و عز و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم راوی گوید در دریایی بودم همین که موج عظیم شد چنین کردم ساکن گشت چنانکه
گویا هرگز نبود فصل نهم در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که از جمله وصایای
لقمان با پسرش این بود که مادامی که سوار باشی قراءت کتاب الله کن و مادامی که مشغول کاری باشی ذکر و تسبیح کن و وقتی که بیکار باشی
دعا کن و چون با جمعی رفیق باشی در کارها با ایشان مشورت نمای و با ایشان انبساط و شکفتگی کن و در کارهای ایشان مدد کن
و رفاقت چنان کن که ایشان را نرنجانی و ایشان را ذلیل نگردانی و خود نیز ذلیل ایشان نشوی و حضرت امام جعفر ع فرمود که مروت
بفسق و فجور نیست بلکه مروت مردانست که خوان نعمتش در بیرون خانه اش باشد و مروت دو قسمست در حضر و آن تلاوت
تلاوت قرآنست و ملازمت مساجد و سعی در حوایج مؤمنان و در سفر و آن خوبی و بسیاری توشه است و بذل آن بر رفقا و کتمان
احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح بنحوی که معصیتی در آن نشود و فرمود چون با جمعی رفیق باشی اگر توانی که بهترین دست

احسان تو بر ایشان بیشتر باشد چنان کن که رزق بقدر مروّت و مؤنت بمقدار معونت و صبر بقدر بلا نازل میشود و کسی از آنحضرت سؤال
کرد که در سفر با جمعی رفیق میشود و ایشان توسعه و احسان بسیار میکنم فرمود با چنین مردم مخلوط و مصاحب مباش که اگر ایشان نیز مثل
تو سلوک کنند از عهده بر نیایند و اگر نه ذلیل شوند بلکه با امثال خود مخالطت کن و هم دست باش همینها وضع و سرانجام شما در میان
هم باشد بلکه هم چنانکه در خانهای خود در حضر می باشید باشید و آنقدر که مقدور شود احسان و اطعام کنید و نیز مرویست که با کسی
که در وسعت مال از شما زیاده باشد مخالطت و رفاقت مکنید که بسبب ذلت شما شود و با کسی که قدر شما را چنانکه شما قدر او را میدانید
نداند رفاقت مکنید **فصل دهم** در رجوع از سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر روز در ایام سفر برای حفظ و وصول
باهل این دعا بخواند یا جامعا بین اهل الجنة علی تالیف من القلوب و شکل و تواصل بینهم فی المحبة و یا جامعا
بین طاعتک و بین خلقک لها یا مفرج کل حزن و یا منفس کل محزون و یا مسهل کل غربة یا ارحم الراحمین ارحمنی
فی غربتی بحسن الحفظ و الکلائة و المعونة و فرج ما بی من الضیق و الحزن بالجمع بینی و بین احبائی
یا مؤلفا بین الاحبة صل علی محمد و آل محمد و لا تفجعنی بانقطاع رؤیة اهلی و لا تفجع اهلی بانقطاع
رؤیتی بکل مسئلة اسئلک و ادعوک فانت حسبی و ذلک دعائی ایاک فارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین
و مرویست که سفر قطعه از عذابست چون در سفر قضای حاجت خود کردید زود مراجعت کنید و اگر مسافر شب داخل خانه شود باید
پیشتر خبر کند و غافل داخل خانه نشود و چون داخل شود بگوید آئبون تائبون عابدون راکعون ساجدون لربنا حامدون
اللهم لک الحمد علی حفظک ایای فی سفری و حضری اللهم اجعل اوبتی هذه مبارکة میمونة بتوبة
نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین و پیش از آنکه مشغول کاری شود دو رکعت نماز گذارد و بعد از نماز در سجده
صد مرتبه بگوید شکرا لله و تصدق بکند و مرویست که از مروّت نیست نقل کردن احوال سفر از خیر و شر و مستحبست تحفه
و هدیه برای دوستان فرستادن و اگر کسی از سفر حج آمده باشد او را هم چنان با غبار راه معانقه کنند چنانست که استلام حجر الاسود
کنند و تهنیت حاج چنین کنند تقبل الله منک و اخلف علیک نفقتک و غفر ذنبک **باب یازدهم** در فضایل
حج و عمره و زیارت و مقصود از این باب آنست در ده فصل بیان شود **فصل اول** مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس حج یا عمره گذارد از گناه بری شود و از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و نیز مرویست که ثواب حج بهشت است و عمره
کفاره گناه است و چون کسی مشغول تهیه اسباب حج شود برای هر گامی که بردارد و بگذارد ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه
بلند گردانند تا وقتی که از تهیه اسباب فارغ شود و چون سوار شود هر گام که مرکب بگذارد و بردارد همان حسنات نویسند و سیئات
محو کنند و چون طواف خانه و سعی صفا و مروه کند از گناه پاک شود چنانکه متولد شده و رمی جمرات ذخیره روز قیامت باشد
و چون حلق کند هر موی او روز قیامت نوری عطا فرماید و روایت دیگر آمده که چون تلبیه گوید هر تلبیه ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند
و چون هفت مرتبه طواف کند خدای تعالی نزد عرش ذخیره کند و حتم دارد که هرگز بعد از آن عذابش نکند و چون در مقام ابراهیم دو رکعت

نماز

نماز گذارد دو هزار حج برایش نویسند و چون سعی صفا و مروه کند چنانست که هفتاد بنده مؤمن آزاد کند و چون وقوف عرفات
بجا آرد گناهانش آمرزیده شود اگر چه مثل ریگ عالج و قطره باران و ستاره آسمان باشد و چون رمی جمرات کند بهر جمره ده حسنه
نویسند و چون قربان کند بهر قطره خون حسنه نویسند و چون از همه مناسک فارغ شود از همه گناهان پاک شود و چهار ماه بعد
از آن گناه بر او ننویسند مگر آنکه کبیره کند و حاج و معتمر در جوار خدا مهمان او باشند اگر بمیرند به بهشت روند و اگر بمانند از گناه پاک
باشند و اگر دعا کنند اجابت کند و اگر سؤال کنند عطا فرماید و اگر خموش باشند ابتدا نماید و اگر شفاعت کنند قبول کند و بیک درهم که
صرف کنند هزار هزار برابر عوض دهد و روایت دیگر آمده که اگر در وقت رفتن بمیرند آمرزیده شوند و اگر احرام بسته بمیرند لبیک گویان محشور
شوند و اگر در مراجعت بمیرند از همه گناهان پاک باشند و هر کس در این راه در رفتن یا در آمدن بمیرد از فزع اکبر قیامت ایمن باشند و نیز مرویست
که هر مؤمن که هفتاد مرتبه تلبیه کند خدای تعالی هزار ملک را گواه گیرد برای نجات او از نفاق و از آتش و چون بحرم رسد فرود آمده غسل
کند و کفش را در دست گرفته از روی تواضع پا برهنه داخل حرم شود خدای تعالی صد هزار حسنه برایش نویسد و صد هزار سیئه محو کند
و صد هزار درجه بلند گرداند و صد هزار حاجتش را بر آرد و چون داخل مکه شود با خشوع و تسلیم گناهانش را بیامرزد و چون داخل مسجد
الحرام شود و نظرش بر کعبه افتد همه گناهانش بیامرزد و کفایت مهماتش نماید و چون سعی صفا و مروه کند ملائکه برایش شفاعت
کنند و خدای تعالی قبول شفاعت شان کند و نیز مرویست که اهل حج سه قسمند اول آنکه گناه گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود دوم
آنکه گناه گذشته اش آمرزیده شود سیم آنکه اهل و مالش از حوادث محفوظ گردد و این قسم کسیست که حجش مقبول نشود و هر کس
بعرفات حاضر شود دعایش البته مستجاب شود خواه مؤمن و خواه مخالف مؤمن را در دنیا و آخرت و مخالف را در دنیا و نیز
مرویست که چون مؤمنی وقوف عرفات بجا آرد از هر ولایت که باشد اهل آن ولایت از مؤمنان همه آمرزیده شوند و کسی از
حضرت صادق علیه السلام پرسید که گناه عظیم تر کدام است فرمود کسی که مناسک بجا آورد و بعد از آن چنان داند یا گمان داشته باشد که گناهش
آمرزیده نشده و چون اهل حج در منازل خود بمنی نزول کنند منادی ندا کند که اگر بدانید که بچه درگاه آمده اید یقین کنید که هر چه در این
سفر صرف کرده اید عوض یابید با مغفرت همه گناهان و نیز مرویست که یک درهم در حج فضیلت از دو هزار هزار درهم در غیر آن
از وجوه بر و کسی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید که من مال بسیار دارم عملی بفرمای بکنم که اجر حج یابم فرمود اگر کوه بو قبیس تمام طلا باشد
و همه را در راه خدا صرف کنی اجر حج نیابی و روایت دیگر آمده که اگر کسی به نیت غیر خالص و نفقه غیر طیبه حج گذارد خدای تعالی گنا
هانش را بیامرزد و خلق را ازو راضی گرداند و اگر بنیت خالص و نفقه طیبه حج گذارد او را در رفیق اعلی در زمره انبیا و صدیقین
و شهدا و صالحین جا دهد و نیز مرویست که اهل قبور آرزو کنند که بعوض تمام دنیا و ما فیها ایشان را یک حج میسر بود و نیز مرویست که هر کس
چهار حج گذارد از فشار قبر ایمن شود و چون بمیرد حجهای که گذارده با بهترین صورتی داخل قبر او شوند و تا روز قیامت نماز کنند
و ثواب نمازهای ایشان از بهر او باشد و دیگر گفت آن نماز برابر است با هزار رکعت نماز آدمی و اگر ده حج گذارد خدای تعالی هرگز عذابش نکند و اگر
ده حج گذارد هرگز حسابش نکند و هر که حج بسیار کند هر یک حج شهری در بهشت برایش بنا کنند در آن شهر خانهها و غرفههای بسیار که در آنها

حوران باشند در خدمت هر یک سیصد کنیزان که حسن و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده باشد و هر کس چون از حج مراجعت کند در خاطر داشته باشد که
بار دیگر بحج آید عمرش زیاد شود و اگر در خاطرش باشد که دیگر نیاید اجلش نزدیک و عذابش مهیا گردد و حضرت امام جعفر عم از کسی پرسید
که چرا امسال بحج نمی آیی گفت شغل عیال مانع است فرمود چون تو بمیری که متکفل ایشان باشد ببر که و زینت قناعت کنید و هر سال ایشان را
بحج بیار و مرویست که اگر کسی در حج مانع کسی شود در دنیا از آفت ایمن نبود با عقوبت که در آخرت برایش مهیا شود و مرویست که هر کس
مستطیع باشد و هر پنج سال یکمرتبه حج نکند محروم باشد و هر کس بسبب حاجتی از حوایج دنیا ترک حج کند اهل حج از مناسک فارغ شوند و هنوز
حاجت او برنیامده باشد و هیچ کس از حج باز نماند مگر بسبب گناهی که کرده و هر کس حجة الاسلام نکرده بی عذر و رقی عظیم یا مرضی یا مانعی از سلاطین
بمیرد یهودی یا نصرانی محشور شود و کسی بحضرت امام جعفر عم گفت مردی با من مشوره حج نمود من گفتم تو بر پریشانی و بر تو دشوار است و مانع او
شدم فرمود منتظر یکسال بیماری باش پس یکسال بیماری کشیدم اما آداب و ادعیه و مناسک حج چون طولی عظیم دارد ذکر آن درین مختصر
مناسب نبود لهذا ارتکاب آن نمودیم **فصل دوم** در زیارت حضرت پیغمبر صلعم از آنحضرت مرویست که فرمود هر کس مرا زیارت کند
روز قیامت در جوار من باشد و شفاعت من او را واجب شود و هر که را شفاعت من واجب شود بهشت او را واجب و هر کس در مکه
یا مدینه بمیرد از حساب ایمن باشد و هر کس مرا بعد از وفات زیارت کند چنانست که با من هجرت کرده باشد و اگر استطاعت آمدن نداشته باشد
سلام بمن بفرستد که بمن میرسد و هم آنحضرت صلعم بحضرت امام حسین عم فرمود ای فرزند هر کس مرا یا ترا یا پدرت را یا برادرت را زیارت کند
بر من لازم باشد که روز قیامت او را زیارت کنم و از گناه پاکش گردانم و بهشت او را واجب شود و در روایت دیگر فرمود و او را از
اهوال شداید قیامت خلاص کنم و در درجه رفیق خود گردانم و نیز مرویست که هر کس آنحضرت را زیارت کند چنانست که خدا را در عرش زیارت
کرده باشد **فصل سیم** در زیارت سایر اهل بیت صلوات الله علیهم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر امامی را عهدی بر گردن اولیا و شیعیان
خود عهدیست ثابت و از جمله تمام وفا بآن عهد زیارت قبور ایشانست پس هر کس زیارت ایشان کند شفیع او باشند و هر کس یکی از ایشان را
زیارت کند چنانست که رسول الله صلعم را زیارت کرده باشد و نیز مرویست که هر کس یکی از ایشان را زیارت کند و دو رکعت نماز در آن روضه
گذارد یک حج مقبول برایش نویسند و اگر چهار رکعت نماز گذارد یک حج و یک عمره نوشته شود و حضرت پیغمبر بحضرت امیر المؤمنین صلی الله
علیهما و آلهما الطاهرین فرمود یا علی خدای تعالی قبر تو و قبور اولاد ترا بقعهای بهشت گردانیده و دلهای اصفیای خود را بایشان مایل کرده
که در محبت ایشان تحمل مشقتها کنند و قبور ایشانرا تعمیر نمایند و زیارت ایشان کنند یا علی ایشان اهل شفاعت و اهل حوض منند و ایشان
همسایگان منند در بهشت یا علی هر کس تعمیر قبور شما کند چنانست که در بنای بیت المقدس اعانت سلیمان عم کرده باشد و هر کس زیارت
قبور شما کند برابرست با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام و از گناه پاک شود مثل آنکه از مادر متولد شده و نعیم بهشت برای اولیای محبان شما
مهیاست که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بهیچ خاطری نرسیده و از حضرت فاطمه علیها السلام مرویست که فرمود که هر کس سه روز بر پدرم
و بر من سلام کند در ایام حیوة یا بعد از وفات بهشت او را واجب شود **فصل چهارم** در زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر مؤمنی که زیارت آنحضرت کند خدای تعالی برایش اجر صد هزار شهید نویسد و گناه گذشته

و آینده اش

و آینده اش بیامرزد و در زمره آمنین محشور شود و حسابش آسان گردد و در وقت رفتن ملایکه استقبالش کنند و در وقت مراجعت مشایعتش
نمایند تا بخانه اش رسانند و اگر بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش نمایند و برایش استغفار کنند کسی بحضرت امام جعفر عم
گفت از کوفه بخدمت تو آمدم و زیارت حضرت امیر المؤمنین عم نکردم فرمود بد کردی اگر نه از اولیای ما می بودی نگاه بر تو نمیکردم زیارت
نمیکنی کسی را که خدا و انبیا و ملایکه و مؤمنان زیارتش میکنند و ایضا مرویست که چون کسی بزیارت آنحضرت رود بهر گامی یک حج و
یک عمره برایش نویسند و اگر پیاده مراجعت کند بهر گامی دو حج و یک عمره نویسند و روایت دیگر آمده که هر کس بزیارت آنحضرت رود بهر گامی
حجی و عمره مقبول برایش نوشته شود و خدای تعالی بآتش نبرد قدمی را که در زیارت آنحضرت غبار گرفته خواه سواره و خواه پیاده ۱۱۲
فصل پنجم در زیارت حضرت امام حسین عم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس زیارت آنحضرت کند و او را
امام مفترض الطاعة داند کمترین اجرش اینست که گناهان گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود و زیارت آنحضرت فرضست بر هر مسلم
و حضرت صادق عم از کسی پرسید که چند حج کرده گفت نوزده فرمود اگر بیست حج تمام کنی مثل یک زیارت امام حسین است و در روایت
دیگر آمده که زیارت آنحضرت برابرست با بیست حج و عمره و روایت دیگر برابرست با بیست و پنج حج و نیز مرویست که حضرت صادق عم
فرمود زیارت آنحضرت مثل حج و عمره است و اضعاف مضاعف آن راوی گوید پرسیدم که مثل چند حج و عمره است فرمود نتوان شمرد گفتم
صد فرمود که نمیتوان شمرد گفتم هزار فرمود بیشتر بعد از آن فرمود نعمت خدا را هر چند بشماری تمام نشود و نیز مرویست که زیارت آنحضرت
برابرست با آنکه هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین و لجام در راه خدا بجهاد فرستی و امانست از هدم و غرق و حرق و همه آفات و
موجب درازی عمر و زیادی رزق است و ایام زیارت آنحضرت داخل ایام عمر نیست و ترک زیارت آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است
و حضرت امام عم فرموده که اگر بگویم کسی که ترک زیارت آنحضرت کند سی سال پیشتر از اجل خود بمیرد درست گفته باشم و اگر کسی زیارت آنحضرت
نکرده بمیرد ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت رود مرتبه اش از مؤمنان پست تر باشد و نیز مرویست که اگر کسی بزیارت آنحضرت رود و نه
برای نام و شهرت و غرض دنیا از گناه پاک شود مثل جامه شسته از کثافت و بهر گامی که بگذارد یک حج و چون بردارد یک عمره نوشته شود و
شفاعتش برای پنجاه کس از گناهکاران مقبولست و هیچ چیز در آن روضه از خدا نخواهد مگر آنکه عطا فرماید و یک درهم که درین راه صرف کند ده
هزار برابر در بهشت عوض دهد و چهار هزار فرشته و بروایتی دیگر هفتاد هزار فرشته با موهای ژولیده غبارآلود بر قبر آنحضرت موکلند و گریه
میکنند تا روز قیامت و چون کسی بزیارت رود مشایعتش کنند و اگر بیمار شود هر صبح و عصر عیادتش نمایند و چون بمیرد بر و نماز گذارند
و تا روز قیامت برایش استغفار کنند و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت رود هزار ملک از راست و چپ با او رفاقت کنند و
خدای تعالی هزار حج و هزار عمره برایش نویسد که با پیغمبری یا وصی پیغمبری کرده باشد و ایضا مرویست که چون کسی قصد زیارت آنحضرت کند اهل آسمان
یکدیگر را مژده دهند و چون از خانه بیرون آید خواه سواره و خواه پیاده خدای تعالی چهل هزار فرشته موکل گرداند که بر او صلوات فرستند تا بروضه
مقدسه رسد و چون بر در روضه ایستاده بگوید السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله تا آخر چنانکه در فصل آداب زیارت بیاید انشاء الله
بعد از آن بجانب قبر مقدس روانه شود بهر گامی که بگذارد و بردارد ثواب آن دارد که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد بعد از آن دست بر قبر

مبارک کذاشته بکوید السلام علیک یا ابا عبد الله تا آخر چنانکه بیاید بعد از آن بکناری رفته مشغول نماز شود خدای تعالی و ملایکه بر و صلوة فرستند
تا وقتی که فارغ شود و بهر یک رکعت نماز که در آن روضه کذارد ثواب هزار حج و هزار عمره و عتق هزار رقبه و هزار ایستادن در معرکه جهاد با پیغمبر مرسل
عطا فرماید و چون از آنجا برخیزد ملکی ندا کند که ای بنده مومن خوشت باد که کناهان کذشته ات همه آمرزیده شد و اکر در آن سال بمیرد خدای تعالی خود
متولی قبض روحش شود و چون روانه خانه خود شود ملایکه با او رفاقت کنند و بر و صلوة فرستند تا بخانه خود رسد پس بر در خانه او مقام نموده
تسبیح و تهلیل و تقدیس خدای کرده باشند تا وقتی که اجلش برسد و ثواب آن همه از و باشد بعد از آن در تغسیل و تکفین و نماز بر و حاضر باشند
بعد از آن در قبر او مقیم شوند و ذکر و تسبیح و تقدیس میکرده باشند تا روز قیامت و ثوابش همه برای او نوشته شود و نیز روایت دیکر آمده که نماز
فریضه در پیش قبر مقدس آنحضرت برابر است با حج و نافله برابر است با عمره این بود فضایل زیارت مطلق آنحضرت و فضایل زیارات مخصوصه
در باب اعمال شهور کذشت **فصل ششم** در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام کسی از حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسید زیارت امام حسین علیه السلام افضلست
یا زیارت امام رضا علیه السلام فرمود زیارت پدرم افضلست که حضرت امام حسین را همه کس زیارت کنند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان و دوستان
ماست و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند و معترف با امامت او باشد کناهان کذشته و آینده اش همه آمرزیده شود اکرچه بعدد ستاره
آسمان و قطره باران و برک درختان باشد و در روز قیامت در برابر منبر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منبری برای او نصب کنند تا وقتی که خدای تعالی از
حساب خلق فارغ شود و آنحضرت علیه السلام چون فرموده هر کس مرا در غربتم زیارت کند ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد
هزار جهاد خدا او را عطا فرماید و با ما محشور شود و در درجات رفیع بهشت رفیق ما باشد و من و پدران من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او
باشیم نجات یابد اکرچه مثل کناه جن و انس داشته باشد و هم آنحضرت علیه السلام فرمود هر کس مرا زیارت کند روز قیامت سه وقت او را دریابم
و از اهوال شداید خلاصش کردانم وقتی که نامهای اعمال در چپ و راست متفرق باشند و وقتی که اعمال خلق را بمیزان بسنجند و وقتی که
کفها بر صراط می لغزیده باشد و نیز فرمود زیارت من برابر است با هزار حج و هزار عمره راوی کوید که از امام محمد تقی علیه السلام از روی تعجب پرسیدم که چنین
حدیثی از پدرت روایت کنند فرمود بلی و الله با هزار هزار حج برابر است برای کسی که حق او بشناسد و بداند که امام مفترض الطاعه است و نیز مرویست
که هر کس زیارت آنحضرت کند و یک شب در آن روضه بکذارند چنانست که خدا را بر عرش زیارت کند و نیز مرویست که از ایران ائمه طاهرین علیهم السلام
در بهشت همنشین و هم صحبت ایشان باشند و زایر حضرت امام رضا علیه السلام درجه از همه بلندتر باشد هر کس داخل آن روضه شود روز
قیامت از آتش ایمن بود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود فرزندی از من در خراسان مدفون شود هیچ مومنی او را زیارت نکند مکر اینکه خدای
تعالی بدنش را بر آتش حرام کند و بهشت برای او واجب کرداند و هیچ مکروبی زیارتش نکند مکر اینکه کناهانش را بیامرزد و حضرت امام
جعفر علیه السلام فرمود فرزندی از من در طوس کشته شود هر کس او را زیارت کند من در روز قیامت دستش را کرفته داخل بهشت کنم اکرچه از
اهل کبایر باشد و هر کس را حاجتی باشد غسل کرده زیارت آنحضرت کند و پیش سر مبارک دو رکعت نماز کذارده در قنوت حاجت
خود را طلبد مستجاب شود و اکر معصیت یا قطع رحم نباشد **فصل هفتم** در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم مستحب است برای زیارت هر یک از ایشان علیهم السلام غسل کردن و در وقت غسل کفتن اللهم طهرنی و طهر قلبی

واشرح

واشرح لی صدری و اجر علی قلبی محبتک و علی لسانی مدحتک و الثناء علیک فانه لا قوة الا بک و قد علمت
ان قوة دینی التسلیم لامرک و الاتباع لسنة نبیک و الشهادة علی جمیع خلقک اللهم اجعله لی طهورا و شفاء
و نورا انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و جامهای پاک پوشیدن و تعطیر نمودن و با وقار و سکینه
و ذکر و تسبیح و صلوة بر ایشان متوجه شدن اما در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است تعطیر کردن و بندهای جامه کشودن و
از لذتها و شیرینیها اجتناب نمودن و بهیئت مصیبت زدکان متوجه کشتن و چون بر در روضات مقدسات رسد اول با این طریق
اذن بطلبد اللهم انی قد وقفت علی باب بیت من بیوت نبیک ان یؤذن لکم اللهم و انی اعتقد
حرمة نبیک فی غیبته کما اعتقدها فی حضرته و اعلم ان رسلک و خلفائک احیاء عندک یرزقون
فرحین بما آتیتهم من فضلک و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم
یحزنون و انهم یرون فی مکانی و یسمعون کلامی و یردون علی سلامی و انک حجبت عن سمعی کلامهم
و سلامهم و فتحت سمعی بلذیذ مناجاتهم و انی استاذنک و استاذن رسولک و خلفائک المفروض
علی طاعتهم و استاذن الملائکة الموکلین هذه البقعة السلام علیکم ایها الملائکة الموکلون
بهذا المشهد الشریف باذن الله و اذن رسوله و اذن خلفائه ادخل هذا البیت فکونوا ملائکة الله
اعوانی و کونوا انصاری حتی ادخل و ادعو الله بفنون الدعوات و اعترف لله بالعبودیة و للنبی
و الائمة بالطاعة و در وقت داخل شدن بکوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و ان علیا ولی الله
پس رو بضریح مقدس پشت بقبله ایستاده زیارت کند بعد از آن نماز زیارت بکذارد و در دعا و مسئلت آنقدر که تواند برای
خود و والدین و اقربا و سایر مومنان سعی نماید و در کتب مزار چنین کفته اند که نماز در بالای سر باید کذارد اما در توقیعات
از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه کسی پرسید که نماز در چه موضع بکذاریم و فرمود پیش روی قبر و بالای سر و پایین
پا نشاید ایستاد که پیش روی امام و پهلوی او نتوان ایستاد بلکه در پشت قبر نماز کنید و ذکر زیارت نامهای ایشان علیهم السلام
بتفصیل از حوصله این رساله بیرون و کتب مزار از آن مشحونست لیکن بجهت آنکه این رساله از فضل ذکر آن یکباره محروم نماند
بروایت مختصری از آن مشرف شود زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مرویست از حضرت امام علیه السلام السلام علیک یا رسول
الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله السلام
علیک یا حجة الله اشهد انک قد نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل الله و عبدته مخلصا حتی
اتیک الیقین فجزاک الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد و آل محمد افضل ما صلیت
علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید و مرویست از حضرت صادق علیه السلام که بعد از آن که سلام کردی در بالای سر مبارک

درپس جب بقبر مقدس داده رو بقبله بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد انک رسول الله وانک
محمد بن عبد الله واشهد انک قد بلغت رسالات ربک ونصحت لامتک وجاهدت في سبيل الله وعبدت
الله مخلصا حتى اتاك اليقين بالحكمة والموعظة الحسنة وأديت الذي عليك من الحق وانك قد رؤفت بالمؤمنين
وغلظت على الكافرين فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك والضلالة
اللهم فاجعل صلواتك وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وعبادك الصالحين واهل
السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الاولين والاخرين على محمد عبدك ورسولك
ونبيك وامينك ونجيك وحبيبك وصفيك وخاصتك وصفوتك وخيرتك من خلقك اللهم واعطه
الدرجة الرفيعة وآته الوسيلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون اللهم
انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما الهي فقد اتيت نبيك مستغفرا تائبا من ذنوبي فصل على محمد وآل محمد واغفرها لي يا سيدنا اتوجه
بك وباهل بيتك الى الله تعالى ربك وربي ليغفر ذنوبي بعد از آن پناه بقبر مقدس برده از روی خضوع و[illegible]
بر آن تربت گرامی پس پشت بقبر داده رو بقبله بگوید اللهم اليك الجات امري وبقبر نبيك اسندت
ظهري والقبلة التي رضيتها لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت بوجهي اللهم لا تبدل اسمي ولا تغير
جسمي ولا تبدل بي غيري اصبحت وامسيت لا املك لنفسي خيرا ارجوا ولا اصرف عنها شرا احذره
الا بك وحدك لا شريك لك اللهم زدني منك بخير فانه لا راد لقضائك اللهم زيني بك بالتقوى
وجملني بالعافية واكرمني بالنعم وارزقني شكر العافية انك على كل شيء قدير هر حاجت که داشته باشد بتضرع
طلب کند که سزاوار برآمدنست لکن باجابت این مکانت زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله بگوید السلام عليك
يا امين الله في ارضه وحجته على عباده السلام عليك يا امير المؤمنين اشهد انك جاهدت في الله
حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيك نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله الى جواره
وقبضك اليه باختياره والزم اعدائك الحجة مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه اللهم فاجعل
نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة
في ارضك وسمائك صابرة على نزول بلائك مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم
جزائك مستنة بسنن اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك
بعد از آن رو بر قبر مقدس کند وبگوید اللهم ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين اليك شارعة
واعلام القاصدين اليك واضحة وافئدة العارفين منك فازعة واصوات الداعين اليك صاعدة

وابواب

وابواب السماء للاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك مقبولة
وعبرة من بكى من خوفك مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة لمن استعان بك
مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك مقالة واعمال العاملين لديك محفوظة
وارزاقك الى الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج
خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين
معدة ومناهل الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين اوليائي بحق محمد
وآل محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين انك ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي
حضرت امام محمد باقر ع فرمود هر کس از شیعیان ما حضرت امیر المؤمنین یا یکی دیگر از ائمه علیهم السلام باین طریق زیارت کند زیارتش را در حجره
از نور گذارند وخدای تعالی آن را بخاتم محمد ص مختوم سازد وبحضرت قایم ع سپارد تا وقتی که با تحیت وکرامات وبشارت بصاحبش
رساند وباید دانست که اگر باین طریقه یکی دیگر از ائمه علیهم السلام زیارت کند بجای لفظ امیر المؤمنین نام آن امام را باید گفت ودر همین
ضریح مقدس حضرت آدم ونوح علیهما السلام را نیز زیارت کند ودر زیارت حضرت آدم ع بگوید السلام عليك يا صفي الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا امين الله السلام عليك يا خليفة الله في ارضه
السلام عليك يا ابا البشر آدم صلوات الله عليك وعلى روحك وعلى بدنك وعلى الطاهرين من ولدك
وذريتك صلوة لا يحصيها الا هو ورحمة الله وبركاته ودر زیارت نوح ع بگوید السلام عليك يا نبي الله
السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا امين الله في ارضه صلوات الله
وسلامه عليك وعلى روحك وبدنك وعلى الطاهرين من ولدك ورحمة الله وبركاته زيارت حضرت
فاطمه علیها السلام السلام عليك يا بنت رسول الله السلام عليك يا بنت نبي الله السلام عليك يا بنت
السلام عليك يا بنت خليل الله السلام عليك يا بنت امين الله السلام عليك يا بنت خير خلق الله السلام
عليك ايتها المعصومة المظلومة السلام عليك ايتها المحدثة العليمة ورحمة الله وبركاته اشهد
الله ورسوله وملائكته اني راض عمن رضيت عنه ساخط على من سخطت عليه متبرئ ممن برئت منه
موال لمن واليت معاد لمن عاديت مبغض لمن ابغضت محب لمن احببت وكفى بالله شهيدا وحسيبا
وجازيا ومثيبا زيارت حضرت امام حسين ع بر در روضه مقدسه ایستاده بگوید السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام
عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله
السلام عليك يا وارث موسى نجي الله السلام عليك يا وارث سيد رسل الله السلام عليك يا وارث علي امير
المؤمنين وخير الوصيين السلام عليك يا وارث اخيه الحسن الزكي الطاهر الرضي السلام عليك ايها الوصي

ابا ر التقی السلام علیک وعلی الملائکة الحافین بک اشهد انک قد اقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت با
لمعروف ونهیت عن المنکر وعبدت الله خالصا مخلصا حتی اتیک الیقین والسلام علیک ورحمة الله و
برکاته بعد از آن بجانب ضریح مقدس برود و دست بر آن گذاشته بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا حجة الله و
رحمة الله وبرکاته بعد از آن بگوید لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت به مولای
یا ابا عبد الله اشهد الله وملائکته وانبیاءه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی
فصلوة الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی شاهدکم وعلی غائبکم وظاهرکم وباطنکم
ورحمة الله وبرکاته بعد از آن در پیش پای مبارک آنحضرت علی اکبر را زیارت کند و بگوید السلام علیک یا ابن رسول الله السلام
علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الشهید الحسین الشهید السلام علیک ایها الشهید المظلوم لعن
الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به بعد از آن شهدا را زیارت کند
بگوید السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء الله واوداءه السلام علیکم یا
انصار دین الله وانصار نبیه وانصار امیر المؤمنین وانصار الحسن والحسین طبتم وطابت الارض التی
فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم وچون از نماز و دعا فارغ شود بزیارت عباس رفته
بگوید السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله ولرسوله ولامیر المؤمنین والحسن والحسین وعلیک
السلام ورحمة الله وبرکاته وعلی روحک وبدنک اشهد انک مضیت علی ما مضی علیه البدریون المجاهدون
فی سبیل الله المناصحون له فی جهاد الاعداء المبالغون فی نصرة اولیائه فجزاک الله افضل واوفر جزاء
احد وفی ببیعته واستجاب له دعوته وحشرک مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن
اولئک رفیقا و مرویست که حضرت امام جعفر ع از کسی پرسید که هر روز زیارت امام حسین ع میکنی گفت نه فرمود چه جفای کنید
بآنحضرت بعد از آن فرمود هر ماه میکنی گفت نه فرمود هر سال میکنی گفت گاهی میشود باز فرمود چه جفا میکنید با آنحضرت فرمود چه شود
هر روز دیگر به زیارت آنحضرت کنید گفت خانه ما بسیار دور است هیشه معقد و نیست فرمود بر بام خانه برآی و بجانب راست نگاه کن بعد از آن
بجانب چپ نگاه کن بعد از آن سر بآسمان بالا کن بعد از آن متوجه روضهٔ مقدسه شده بگوی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام
علیک ورحمة الله وبرکاته بحج و عمره برای تو نوشته شود زیارت جامعه که در همه مشاهد مقدسه مجری بود مروی از حضرت امام
رضا ع السلام علی اولیاء الله واصفیائه السلام علی امناء الله واحبائه السلام علی انصار الله وخلفائه
السلام علی محال معرفة الله السلام علی معادن حکمة الله السلام علی مساکن ذکر الله السلام علی عباد الله
المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون السلام علی مظاهر امر الله ونهیه السلام علی الادلاء
علی الله السلام علی المستقرین فی مرضات الله السلام علی المخلصین فی طاعة الله السلام علی الذین من والاهم

فقد

فقد والی الله ومن عرفهم فقد عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم بالله
ومن تخلی منهم فقد تخلی من الله اشهد الله انی حرب لمن حاربکم وسلم لمن سالمکم مؤمن بما آمنتم
به کافر بما کفرتم به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسرکم وجهرکم وعلانیتکم مفوض
فی ذلک کله الیکم لعن الله عدوکم من الجن والانس وضاعف علیهم العذاب الالیم وابرء الی الله منهم
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته در وداع هر یک از ایشان علیهم السلام بگوید السلام علیک یا مولای السلام علیک
یا حجة الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا خالصة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک
یا ولی الله سلام مودع لا قال ولا سئم فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا عن سوء ظنی بما وعد الله الصا
برین
لا جعله الله یا مولای آخر العهد منی لزیارتک ورزقنی العود الی مشهدک والمقام فی حرمک وجعلنی
معکم فی الدنیا والآخرة **فصل هشتم** در نیابت و شرکت در حج و عمره و زیارت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که اگر کسی برای دیگری از روی تبرع حج کند ثواب ده حج یابد و اگر اجرت گیرد و حج کند نه حج از و باشد و یک حج از صاحب مال و در روایت دیگر
آمده که گناه او و والدین و اولاد و برادر و خواهر و عم و عمه و خال و خاله اش همه آمرزیده شود و نیز مرویست که اگر هزار کس را در حج با خود شریک
کنی هر یک از ایشان را ثواب حجی باشد بی آنکه از حج تو چیزی کم شود و ترا ثواب این احسان علیحده باشد و همچنین است اگر زیارت
را تبرع کند یا کسی را شریک گرداند و بعد از فراغ از حج یا زیارت بگوید اللهم اشرک فی حجتی ونسکی وصلوتی و اگر زیارت باشد
بگوید فی زیارتی ابی وامی وفلانا وفلانا و هر کرا خواهد نام ببرد وجمیع اهل بلدی حرهم وعبدهم وابیضهم
واسودهم وحیهم ومیتهم و اگر بنیابت حج یا طواف کند بگوید اللهم تقبل حجتی یا طوافی وصلوتی عن فلان
وفلان هر کرا خواهد و اگر زیارت بنیابت کند بعد از فراغ از کارهای خود بگوید السلام علیک یا مولای عن ابی وامی هر کرا خواهد پس
هر یک از ایشان را بگوید که برای تو حج یا طواف و نماز و زیارت کردم رخصت گفته باشد **فصل نهم** در فضایل اماکن مقدسه که در آن
حدود واقعست مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس نظر بر کعبه کند حق ما را بشناسد چنانکه حق کعبه را می شناسد گناهان او آمرزیده
شود و مهمات دنیا و آخرتش کفایت شود و مادامی که نظرش بر کعبه باشد حسنه برایش نویسند و سیئه محو کنند و خدای تعالی را در حوالی کعبه
صد و بیست رحمت است شصت از طواف کنندگان و چهل از نماز کنندگان و بیست از نگاه کنندگان و هر کس در یکی از حرمین بمیرد از اهوال قیامت
ایمن باشد و اگر در ما بین حرمین بمیرد دیوان حساب برایش گشوده نشود و اگر در حرم کعبه بمیرد از فزع اکبر ایمن باشد و یک سبحان الله گفتن
در مکه افضل است از خراج تمام عراق که در راه خدا صرف کنند و هر کس در مکه ختم قرآن کند از دنیا نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و خرما
خوردن در مکه روزه است در جای دیگر و یک روز روزه در آنجا مثل یکسال روزه است در جای دیگر و خواب کردن در آنجا مثل عبادت است
در جای دیگر و هر کس یکسال مجاور در مکه باشد گناهان او و اهل بیتش و هر کس برای او استغفار کرده و قبیله اش و همسایگانش آمرزیده شود
و هر کس در آنجا سجده کند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و یک نماز در آنجا برابر است با صد هزار نماز و یک درهم صدقه برابر است

باصد هزار درهم و هر کس یک نماز فریضه در آنجا گذارد نمازهای گذشته و آینده اش تا وقت اجلش همه مقبول شود و هر چند که بخانه کعبه نزدیکتر باشد
افضل است و در مسجد منی هفتصد نبی و بروایت دیگر هزار نبی نماز گذارده هر کس در آنجا صد رکعت نماز گذارد برابر است با هفتاد ساله
عبادت و صد تسبیح در آنجا برابر است با عتق رقبه و صد تکبیر با احیای نسمه و صد تحمید با خراج عراقین که در راه خدا صرف کند و یک نماز در
مسجد رسول الله صلعم در مدینه برابر است با ده هزار نماز و یک درهم صدقه با ده هزار درهم و دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر است با یک عمره و کوفه
حرم امیر المؤمنین است و قبور انبیا و مرسلین و اوصیا و مؤمنین در آنجا بسیار است در مسجد اعظم کوفه هزار نبی و هزار وصی نماز گذارده
و حضرت پیغمبر صلعم در شب معراج در آن مسجد نماز گذارده یک نماز فریضه در آنجا برابر است با هزار نماز و یک حج و نافله در آنجا برابر است با نصف
نماز و یک عمره و نشستن در آنجا بی ذکر و تلاوت عبادت است و در مسجد سهله هر نبی و وصی نماز کرده و خانه حضرت ابرهیم و ادریس
علیهما السلام در آن مسجد است و در آن مسجد سکینت که طینت همه انبیا را از آنجا برداشته اند و غمگینی که در آن مسجد در میان شام و خفتن
دو رکعت نماز گذارد و دعا کند خدای تعالی از آن غم نجاتش دهد **فصل دهم** در فضایل زیارت ذریت طیبین و صلحای مؤمنین
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس امام زاده عبد العظیم را در ری زیارت کند چنانست که حضرت امام حسین را زیارت
کرده باشد و هر کس فاطمه بنت موسی الکاظم را علیهما السلام را در قم زیارت کند بهشت او را واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که هر کس قادر بر زیارت ما نباشد صلحای شیعه ما را زیارت کند ثواب زیارت ما یابد و مخفی نماند که بسیار احادیث که در فضل زیارت مؤمنان
در باب اول این کتاب گذشت اعم است از ایام حیوة و بعد از وفات و آداب زیارت مؤمنان بعد ازین انشاء الله بیاید **باب دوازدهم**
در احکام متعلق باموات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول** در وصیت
و صحیفه شهادت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که وصیت حقیست لازم بر هر مسلم و هر کس در مرض وصیت کند بنحوی که ظلم و جور
و ضرر بورثه نرساند چنانست که در حیوة خود تصدق کرده باشد و هر کس را مالی باشد و برای خویشان که میراث نمیبرند چیزی وصیت نکند
اعمالش بمعصیت ختم شود و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که هر کس وقت وفات وصیت را خوب نکند مروت
و عقلش ناقص باشد پرسیدند که وصیت چون باید کرد فرمود چون حالت موت را مشاهده کند و مردم جمع شوند بگوید اللّٰهمّ
فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعهد الیک فی دار الدنیا انی اشهد
ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک صلی الله علیه وآله وان الجنة حق والنار
حق وان البعث حق والحساب حق والقدر حق والمیزان حق وان الدین کما وصفت وان الاسلام کما
شرعت وان القول کما حدثت وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق المبین جزی الله محمدا عنا خیر
الجزاء وحیا الله محمدا وآل محمد بالسلام اللهم یا عدتی عند کربتی ویا صاحبی عند شدتی ویا ولی نعمتی الهی
واله آبائی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا فانک ان تکلنی الی نفسی طرفة عین کنت اقرب من الشر وابعد
من الخیر وانس فی القبر وحشتی واجعل لی عهدا یوم القاک منشورا بعد از آن هر وصیت که خواهد بکند و این صحیفه

شهادت

شهادت شیخ طوسی رحمه الله در مصباح ذکر نموده که اول آنکس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه وآله وان الجنة حق وان النار حق وان
الساعة حق آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور بعد از آن این را بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم فی الله فلان بن فلان اشهدهم واستودعهم واقر
عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان علیا ولی الله وامامه وان الائمة من ولده ائمته
وان اولهم الحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن
علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والقائم الحجة علیهم السلام وان الجنة حق وان النار حق والساعة آتیة لا ریب
فیها وان الله یبعث من فی القبور وان محمدا صلی الله علیه وآله رسوله جاء بالحق وان علیا ولی الله والخلیفة من بعد
رسول الله ومستخلفه فی امته مؤدیا لامر ربه تبارک وتعالی وان فاطمة بنت رسول الله وابنیها الحسن والحسین ابنا
سول
الله وسبطاه امام الهدی وقائدا الرحمة وان علیا ومحمدا وجعفرا وموسی وعلیا ومحمدا وعلیا والحسن والحجة علیهم السلام
ائمة وقادة ودعاة الی الله عز وجل وحجة علی عباده بعد از آن بگوید تا جماعت شهادت خود را بنویسند بعد از آن شهود بگویند
نستودعک الله والشهادة والاقرار والاخاء موعود عند رسول الله صلی الله علیه وآله ونقرء
علیک السلام ورحمة الله وبرکاته بعد از آن صحیفه را بپیچد و شهود هم مهر کنند و مهر میت را نیز بر آن گذارند و با جریده
پهلوی راستش گذارند و صحیفه را باکافور بنویسند و اگر با تربت مقدس نویسند چنانکه درین زمان متعارفست تواند بود که افضل باشد
فصل دوم در آداب حالت احتضار و فضایل بعضی اوقات و احوال که وفات آن اتفاق افتد مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که در حال احتضار میت را بکلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه طاهرین علیهم السلام تلقین کنید که اگر بر بستر
با آن اقرار کند آتش دوزخ هیچ طمع نکند و از مهالک نجات یابد و هر کسی آخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت باشد و نیز امید عالی
تلقین کنند و مکرر بگوید لکن نه آنقدر که آزرده شود یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف
عنی الکثیر انک انت العفو الغفور و مرویست که الرحمن در پیش بیمار بخوانند بعدد هر حرف از آن ده ملک حاضر شوند
که برایش استغفار کنند و تشییع جنازه اش نمایند و بر او نماز گذارند و چون حالش متغیر شود پیش از آنکه قبض روح اش شود رو بقبله
اش بخوابانند چنانکه کف پا بجانب قبله باشد که چون چنین کند خدای تعالی برحمت متوجه او شود و ملائکه متوجه شوند تا آنکه قبض روحش
شود و اگر نزع روح دشوار شود بر جای نمازش که در آن نماز میگذارده بخوابانند زود خلاص شود و نیز مرویست که در پیش
هر کس سوره صافات بخوانند هر آینه زود نجات یابد و در وقت احتضار جنب و حایض حاضر نباشد که ملائکه متاذی شوند و
و چون قبض روحش شود دستهایش را دراز کنند و دهنش را ببندند و چشمش را بپوشند و در وقت چشم پوشیدن بگوید
اللهم اغفر لفلان وارفع درجته فی المهدیین واخلفه فی عقبه فی الغابرین واغفر لنا وله یا رب العالمین

بزمانده کاتش بگوید اللهم اغفر لی وله وعقبنی منه عقبی حسنة وميت را تنها نگذارند که شيطان در وتصرف کند و مرويست

از امير المؤمنين صلوات الله عليه که چون مؤمن روز پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه وقت ظهر بميرد از فشار قبر ايمن باشد و شفاعتش

برای گناهکاران بعدد قبيله ربيعه و مضر مقبول باشد واگر روز شنبه بميرد خدای تعالی برکز او را با يهود در آتش جمع نکند واگر روز يکشنبه

بميرد او را با نصاری در آتش جمع نکند واگر روز دوشنبه بميرد او را با بنی اميه جمع نکند واگر روز سه شنبه بميرد با ما محشور شود و در رفيق

اعلی با ما باشند واگر روز چهارشنبه بميرد از روز قيامت ايمن باشد و بسعادت جوار الهی فايز گردد و در دار فضل خدا مقام کند که از رنج

مشقت و تعب ايمن باشد بعد از آن فرمود مؤمن در هر حال و در هر ساعت که بميرد صديق و شهيد باشد واگر مؤمن گناه تمام اهل زمين

داشته باشد چون از دنيا برود همين مردن کفاره همه آن گناه باشد و نيز فرمود که از حبيب خود رسول الله شنيدم که فرمود هر کس لا اله

الا الله با خلاص بگويد از شرکت پاک باشد و هر کس از شرکت بری باشد داخل بهشت شود و اين جماعت شيعيان و دوستان تو اند که روز

قيامت لا اله الا الله محمد رسول الله علی بن ابی طالب حجة الله گويان از قبر بيرون آيند پس حلها و تاجها و اکليلها و اسبهای بهشت از

بهشت آرند و هر يک از ايشان حله پوشند و تاج شاهی و اکليل کرامت بر سرش نهند و بر اسبها سوار شده داخل بهشت شوند و از

فزع اکبر ايمن باشند و ملائکه فوج فوج آيند و مژده و بشارت دهند و ايضا حضرت امير المؤمنين صلواة الله عليه فرمود من برای

شش کس ضامن بهشت شوم کسی که صدقه برای مسکينی برد و بميرد و کسی که بعيادت مريضی رود و بميرد و کسی که در راه خدا

بجهاد رود و بميرد و کسی که بنماز جمعه رود و بميرد و کسی که بحج بيرون رود و بميرد و کسی که بتشييع جنازه بيرون رود و بميرد و حضرت

امام محمد باقر عم فرمود کسی را عمرش بلا اله الا الله يا بر يک روز روزه يا بصدقه ختم شود داخل بهشت شود و حضرت صادق عم

فرمود چون مؤمن در غربت بميرد که زنان و عيالش حاضر نباشند که برو گريه کنند مواضعی که در آنجا عبادت کرده و درهای آسمان

که اعمالش بالا ميرفته و فرشتگان که برو موکلند برو گريه کنند و هم آنحضرت عم فرمود چون غريب را حال موت نزديک شود چپ

و راست نگاه کند و کسی را نه بيند پس سر بالا کند خدای تعالی فرمايد که را ميخواهی و ميجوئی که برای تو بهتر از من باشد بعزت و جلال

خودم که اگر ازين عقده نجات دهم بطاعت خود فرستم واگر قبض روحت نمايم بکرامت خودت برم **فصل ششم** در تجهيز

ميت مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام که اکرام ميت اينست که زود دفنش کنند و انتظار طلوع و غروب آفتاب نکشند

و هر کس مؤمنی را غسل دهد و در آن وقت بگويد اللهم هذا بدن عبدك المؤمن وقد اخرجت روحه منه و

فرقت بينهما فعفوك عفوك بکی که گناهش غير کبائر آمرزيده شود واگر خواهد همين تنها بگويد عفوك عفوك

خدای تعالی از و عفو فرمايد و نيز مرويست که هر کس مؤمنی را غسل دهد و عيوبی که از و ببيند پنهان دارد و بکسی نگويد از گناه پاک

شود چنانکه از مادر متولد شده و بهر موی از و ثواب عتق رقبه يابد و صد درجه برايش بلند شود واگر عيوبش را پنهان ندارد

اجرش باطل شود و عيوبش در دنيا و آخرت رسوا شود و هر کس مؤمنی را کفن کند چنانست که تا روز قيامت او را کسوه داده

باشد و هر کس قبری برای مؤمنی بکند چنانست که تا روز قيامت او را خانه مناسبی داده باشد و خدای تعالی عيبش را بر آتش حرام

کند

کند و خانه در بهشت عطا فرمايد و کفن هر چند قيمتی باشد افضل است که زينت ميت است واگر جامه باشد که در آن نماز گذارده

يا عبادت کرده باشد افضلست واگر کسی در حيوة خود تهيه کفن کرده برای خود هر مرتبه که نظر بر آن کند اجر يابد و دو جريده از چوب تر با

ميت گذارند اگر نخل خرما باشد افضل است واگر نه چوب انار و گرد هر چوب که باشد و مرويست که تا رطوبت در جريده باقيست عذاب و

حساب از ميت دفع شود و نيز مرويست که عذاب و حساب همه در يک ساعت باشد که ميت داخل قبر شود و مردم متفرق شوند

پس چون جريده با ميت باشد از عذاب بالکليه ايمن باشد **فصل چهارم** در شنيدن خبر وفات و ديدن جنازه و تشييع و تربيع

جنازه مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام که چون خبر وفات کسی بشنود بگويد انا لله وانا اليه راجعون اللهم

اكتبه في المحسنين واجعل كتابه في عليين واخلف على عقبه في الغابرين اللهم لا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده

واغفر لنا وله و چون جنازه ببيند بگويد الله اكبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا

ايمانا وتسليما الحمد لله الذي تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت هيچ فرشته در آسمان نماند که از آواز او بگريد و ايضا

چون جنازه ببيند بگويد الحمد لله الذي لم يجعلني من السواد المخترم و هر کس جنازه را از چهار جانب بگيرد چهل کبيره از و آمرزيده شود

واگر چهار طرف را بگيرد از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده باشد و در روايت ديگر آمده که هر کس يک پاره جنازه بگيرد بيست و پنج

کبيره از و آمرزيده شود و در وقت گرفتن بگويد بسم الله وبالله وعلى محمد وآله اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات و اول جانب چپ تابوت

را بدوش راست خود بگيرد و هم چنين بترتيب از پشت تابوت رود تا جانب راست تابوت را بدوش چپ خود بگيرد و چون ميت داخل

قبر شود ملکی ندا کند که اول تحفه تو بهشت و اول تحفه جمعی که با جنازه تو آمده اند مغفرت گناهانش و هر کس تشييع جنازه کند چهار قيراط

ثواب برايش نويسند يکی برای رفاقت و يکی برای نماز و يکی برای انتظار تا وقت فارغ شدن و يکی برای تعزيه و در روايت ديگر آمده که هر کس

تشييع جنازه کند و صبر کند تا دفن کنند و خاک بر و ريزند بهر گامی که آمده يک قيراط ثواب نويسند که هر قيراطی مثل کوه احد باشد و چهار

ملک بر و موکلند که تشييعش کنند و برايش استغفار کنند تا روز قيامت **فصل پنجم** در نماز ميت مرويست از اهل بيت طاهرين

عليهم السلام که هر کس بر ميتی نماز گذارد جبرئيل با هفتاد هزار فرشته برو نماز گذارد و گناه گذشته و آينده اش همه آمرزيده شود و

طريقه آن چنانست که پنج تکبير بگويد ميان هر دو تکبير شهادتين بگويد و صلوة بفرستد و برای ميت دعا کند و ظاهر اينست که خصوص

عبارتی واجب نيست بلکه بهر عبارت که باشد مجزيست و افضل اينست که اگر ميت مؤمن باشد ميان هر دو تکبير چنين بگويد اشهد

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله انا لله وانا اليه راجعون الحمد لله رب العالمين رب

الموت والحيوة صل على محمد واهل بيته جزى الله محمدا عنا خير الجزاء بما صنع بامته وبما بلغ من رسالات ربه

اللهم عبدك ابن عبدك ابن امتك ناصيته بيدك خلا من الدنيا واحتاج الى رحمتك وانت غني عن

عذابه اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وتقبل منه وان كان مسيئا

فاغفر له ذنبه وارحمه وتجاوز عنه برحمتك اللهم الحقه بنبيك وثبته بالقول الثابت في الدنيا وفي الاخرة

اللهم اسلك بنا و به سبيل الهدى واهدنا واياه صراطك المستقيم عفوك عفوك مرويست که چون طفل کسی بر میت نماز گذارند بگوید
اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا خدای تعالی فرماید شهادت شما را قبول کردم و گناهانی او را که من میدانم و شما نمیدانید آمرزیدم و اگر میت
مستضعف باشد بعد از شهادتین صلوة بفرستد و برای مومنان دعا کند بعد از آن بگوید اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك
وقهم عذاب الجحيم و اگر مجهول باشد یعنی مذهبش معلوم نباشد بعد از دعای مومنان بگوید اللهم هذه النفس انت احييتها وانت
امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها مع من احبت و اگر طفل باشد بگوید اللهم اجعله لابويه ولنا سلفا وفرطا
واجرا و بر طفل کمتر از شش سال نماز نباید گذارد و چون شش ساله شود نماز مستحب است و چون بالغ شود واجب شود و اگر مخالف مذهب
باشد بگوید اللهم العن عبدك الف لعنة مؤتلفة غير مختلفة اللهم اخز عبدك في عبادك وبلادك واصله
حر نارك واذقه اشد عذابك فانه كان يوالي اعداءك ويعادي اولياءك ويبغض اهل بيت نبيك و در نماز
اکتفا بچهار تکبیر باید نمود چنانکه حضرت پیغمبر صلعم در نماز بر منافقین چنین میکرده

فصل ششم در مکان قبر و آداب دفن مرویست از ائمه اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اموات خود را از اماکن بد دور کنید و مکان شریف برای قبر اختیار نمائید که همسایه خوب چنانکه در زندگی نفع میرساند
بعد از آن نیز نفع میرساند و مرویست که میت را یکمرتبه داخل قبر نکنند بلکه دو سه ذرع دورتر از قبر ساعتی بگذارند که تهیه جواب سوال بکند و کسی
که درون قبر میرود باید که میت و نامحرم نباشد و سر و پا برهنه کند و بندهای جای جامه بگشاید و میت را اگر مرد باشد از جانب پای قبر داخل کنند
و سرش را مقدم دارند و اگر زن باشد از پهلوی قبر بعرض داخل کنند و کسی که داخل قبر میشود وقت داخل شدن بگوید بسم الله وبالله
وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه واله اللهم الى رحمتك لا الى عذابك اللهم افسح له في قبره ولقنه
حجته وثبته بالقول الثابت وقنا واياه عذاب القبر پس استعاذه کند و الحمد و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی
بخواند و چون در قبر بگذارد بگوید بسم الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه واله اللهم يا رب
عبدك وابن عبدك نزل بك وانت خير منزول به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان
مسيئا فتجاوز عنه والحقه بنبيه محمد صلواتك عليه واله وصالح شيعته واهدنا واياه الى صراط
مستقيم اللهم عفوك عفوك اللهم اجعلها روضة من رياض الجنة ولا تجعلها حفرة من حفر النيران
و مکرر برای میت استغفار کند و میت را رو بقبله بر پهلوی راست بخواباند و بند کفن را از سر و پا بگشاید و روی راستش را برهنه
بر خاک گذارد و قدری تربت مقدس با او بگذارد و بعد از آن دست چپ را بر بازوی چپ میت گذاشته حرکت شدیدش بدهد و بگوید
ای فلان چون از تو سوال کنند بگو الله ربي ومحمد نبيي والاسلام ديني والقرآن كتابي وعلي امامي والحسن
والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم ائمتي و یکمرتبه دیگر
همین را اعاده کند بعد از آن بگوید افهمت و بزبان روح خواهد گفت بلی پس بگوید ثبتك الله بالقول الثابت هداك
الله الى صراط مستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك في مستقر من رحمته بعد از آن بگوید اللهم جاف

الارض

چینه

الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقنه منك برهانا اللهم عفوك عفوك و در وقت خشت
بگوید اللهم صل وحدته وآنس وحشته واسكن اليه من رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك و چون خواهد
بیرون آید بگوید انا لله وانا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم ارفع درجته في اعلى عليين واخلف
على عقبه في الغابرين يا رب العالمين و از طرف پای قبر بیرون آید و چون خاک بر قبر ریزند هر کس قدری خاک در دست گرفته
بگوید ایمانا بك وتصديقا ببعثك هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ايمانا وتسليما
بعد از آن خاک بریزد و بهر ذره از آن حسنه برایش نویسند و مستحب است سه مرتبه و بپشت دست ریختن و خویشان خاک نریزند
که مورث قساوت قلب شود و غیر آن خاکی که از همان قبر بیرون آمده داخل نکنند که باعث سنگینی شود و قبر را بقدر چهار انگشت
از زمین بلند کنند و مربع بسازند و آب بر وی بریزند ابتدا از پیش سر از جانب قبله کنند و از پیش رو بگردانند تا از زیر پا بدور بگردد
بعد از آن بر میان قبر بریزد که تا نمی از آن باقی باشد از عذاب قبر ایمن باشد بعد از آن دست بر قبر گذارند و چنانکه انگشتان گشوده باشد
در خاک فرو برند و بگویند اللهم آنس وحشته وارحم غربته وآمن روعته وصل وحدته واسكن اليه
من رحمتك رحمة يستغني بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه و حضرت صادق صلوات الله
علیه فرمود چه شود اگر اهل میت ملاقات منکر و نکیر را از میت خود دفع کنند کسی پرسید چون کنند فرمود بعد از دفن کردن که
مردم همه متفرق شوند کسی که اولی بمیت باشد دهن پیش سر میت برده بآواز بلند بگوید یا فلان بن فلان هل انت على العهد
الذي فارقتنا عليه من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله سيد النبيين
وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين وان ما جاء به محمد صلى الله عليه واله حق وان الموت
حق وان البعث وان الساعة اتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور که چون این را بگوید منکر بنکیر گوید
بیا برویم که تلقینش کرده شد

فصل هفتم در ثواب و آداب مصیبت و عزا مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی را
مصیبتی رسد حضرت پیغمبر صلعم یاد آورد که عظیم‌ترین مصیبتهاست و صبر کند و استرجاع کند یعنی بگوید انا لله وانا اليه راجعون
و حمد خدا کند که چون چنین کند رضا بقضای خدا داده و ثوابش بر خدا باشد و اگر صبر نکند قضا خود گذشته باشد و اجرش باطل شود
و در پیش خدا مذموم بود و هر کس در بلا و مصیبت صبر کند خدای تعالی سیصد درجه برایش بلند گرداند که میان هر دو درجه مثل ما بین آسمان
و زمین باشد و چون صبر کند و انا لله وانا اليه راجعون گوید خدای تعالی فرماید صلوات و رحمت بر او فرستم و از زمره هدایت یافتگان
شمارم و گناهانش را همه بیامرزم غیر از کبایر و این عبارت را نیز اضافه آن کند اللهم اجرني على مصيبتي واخلف لي خيرا
منها خدای تعالی بهتر از آن عطا فرماید و هر مرتبه مصیبتی بیاد آید اگر چه بعد از مدتی باشد بگوید انا لله وانا اليه راجعون والحمد
لله رب العالمين اللهم اجرني على مصيبتي واخلف علي افضل منها همان اجر مصیبت داشته باشد و از مرتبه که پیشتر از وی
گفته باشد بحال او گناهانش آمرزیده شود و مرویست که چون فرزند کسی بمیرد خدای تعالی از ملائکه پرسد که از بنده من فرزند دلبندش

راگر تید کویند بلی فرمود چه گفت کویند استرجاع وحمد کرد فرماید در بهشت خانه برایش بنا کنید و خانه حمد نام کنید و نیز مرویست که یک فرزند کسی که پیشتر
از وبرود بهتر است برای او از هفتاد پسر که بمانند وهمه در راه خدا جهاد کنند و نیز مرویست که خدای تعالی کریمتر از آنست که فرزند مومن را از و بگیرد و بعد
از آن هرگز او را عذاب نکند و اطفال که پیشتر بروند والدین را از دوزخ دور کنند و دست ایشان گرفته داخل بهشت کنند کسی پرسید که اگر کسی را
فرزند نباشد از این فضل محروم خواهد بود برادران مومن بجای فرزند یکدیگرند و مرویست که اگر مردی در مصیبت دست بر زانو زند یا کسی هنگام نوحه
کند اجرش باطل شود **فصل هشتم** در ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که کسی را تعزیه کردن و تسلی دادن
موجب بهشت است و هرکس صاحب مصیبت را تعزیه کند مثل اجر او یابد بی آنکه از و چیزی کم شود و هرکس زنی مصیبت رسیده را تعزیه کند خدای تعالی
در سایه عرش خود پناه دهد روزی که هیچ کس را پناهی نباشد و هرکس غمزده را تسلی دهد روز قیامت او را حله از بهشت بپوشانند با زینت
و بهجت تمام و مرویست که مردی را پسرش وفات کرده بود جزع و بیتابی میکرد حضرت صادق صلوات الله علیه به تعزیه او رفته فرمود خود را بمصیبت
رسول الله صلعم ده که اعظم مصایبست گفت پسرم پیر و لهو و معاصی بود جزع من از این جهت است فرمود پسرت سه چیز در پیش دارد شهادت لا اله
الا الله و رحمت بی نهایت خدا و شفاعت رسول الله صلعم یکی از این سه از و فوت نخواهد شد و مرویست که هرکس تکفل یتیمی شود تا آنقدر
که او را مستغنی گرداند بهشت او را واجب شود و هرکس از روی ترحم دست بر سر یتیمی مالد بعدد هر موی از آن برایش حسنه نوشته شود و روز
قیامت بعدد هر یک از آن مو نوری عطا کنند و چون یتیم گریه کند عرش بر خود بلرزد پس خدای تعالی فرماید کیست که این بنده مرا که در کوچکی پدرش را
از و گرفته ام میگریاند بعزت و جلال و ارتفاع مکانم که هر مومن او را تسلی دهد بهشت برای او واجب کرده ام **فصل نهم** در هدیه برای میت
و اعمالی که باو نفع رساند مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچ شب بر میت سخت تر از شب اول نگذرد پس در شب اول بر مرده رحم
کنید و اگر صدقه میسر نشود دو رکعت نماز گذارید در رکعت اول بعد از الحمد آیة الکرسی یکمرتبه و در دوم انا انزلناه ده مرتبه بخوانید و بعد از سلام بگویید
اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها الی قبر فلان که بمجرد فراغت خدای تعالی هزار ملک بقبر او فرستد هرکدام با حله از بهشت و
قبرش را وسیع گردانند تا روز قیامت و برای کسی که این نماز گذارد چهل درجه بلند کند و بعدد هر چه آفتاب بر و تابید حسنات عطا فرماید
و هرکس بقصد میت تصدق کند خدای تعالی امر کند که هزار ملک هر یک طبقی از نور در دست بقبر او در آیند و بر او سلام کنند و گویند این هدیه
فلانیست که برای تو فرستاده و آنکس را در بهشت هزار شهر و هزار حوری و هزار حله فرماید و هزار حاجتش را بر آورد و هرکس برای میت عمل خیر
مثل نماز و روزه و حج و طواف و زیارت و صدقه و دعا و عتق رقبه و تلاوت قرآن و غیر آن هدیه کند هر وقت که باشد خدای تعالی اجر او را
ده برابر یا بیشتر مضاعف گرداند و میت را از آن نفع رساند و عذابش تخفیف باشد اگرچه کافر باشد که میت در تنگنای عذابی باشد که خدای
تعالی او را از آن نجات دهد باو گویند این نجات بسبب هدیه فلانیست و میت از هدیه و دعا و استغفاری که برایش کنند خوشحال شود و حتی که بسا
بلکه جمیع مومنان را در یک نماز یا حج یا غیر آن شریک توان کرد و هرکدام ثواب آن علی حده رسد و میت خود هر عمل خیر که در ایام حیوة کرده باشد
مثل تصنیفی و صدقه و کتابت مصحفی و کتابی یا درختی بنشاند یا چاه آبی بکند یا کسی را تعلیم چیزی یا هدایت و دلالت بخیری یا غیر آن
از اعمال خیر کند تا اثری از آن باقی باشد نفعش باو رسد و هرکس بتعلیم و دلالت او عمل کند مثل آن ثواب برای او ثابت باشد بی آنکه از صاحب

علی

عمل خیری کم شود و نیز مرویست که از جمله حقوق مومن اینست که بعد از موت ذکرش بخیر کنند و عیوب و سیئاتش را پوشیده دارند و نیز
مرویست که اول صحیفه مومن همانست که بعد از موت برایش گویند اگر خیر است خیر و اگر شر است شر **فصل دهم** در زیارت قبور مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بزیارت قبور بروید که باعث رقت قلب و اشک چشم و یاد آخرتست و چون کسی بزیارت قبور رود
اهل قبور خبردار شوند و با او انس گیرند و شگفته و مسرور شوند چنانکه در زندگی بدیدنش روند و چون از آنجا برود ایشان را وحشت رو دهد
و مفارقت اثر کند و هرکس زیارت قبر والدین یا یکی از ایشان در روز جمعه کند ثواب یک حج مقبول برایش نویسند و بعد از زیارت و دعای
والدین حاجتی که داشته باشد بخواهد که ان شاء الله تعالی مستجاب شود و چون خواهد بر اهل مقابر سلام کند بگوید السلام علی اهل الدیار
من المومنین والمسلمین رحم الله المستقدمین والمستاخرین وانا ان شاء الله بکم لاحقون و چون ایشان را دعا کند
بگوید اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد الیک ارواحهم ولقهم منک رضوانا واسکن الیهم من رحمتک ما
تصل به وحدتهم وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و اگر خواهد بگوید اللهم ارحم غربتهم وصل
وحدتهم وآنس وحشتهم وآمن روعتهم واسکن الیهم من رحمتک ما یستغنون به عن رحمة من سواک
والحقهم بمن کانوا یتولونه و نیز مرویست که هرکس بر اهل مقابر چنین سلام کند که السلام علی اهل لا اله الا الله من اهل
لا اله الا الله یا اهل لا اله الا الله کیف وجدتم قول لا اله الا الله من لا اله الا الله نحن نقول لا اله الا الله یا لا اله الا الله
من لا اله الا الله بحق لا اله الا الله اغفر لمن قال لا اله الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله
محمد رسول الله خدای تعالی او را ثواب پنجاه ساله عبادت عطا فرماید و پنجاه ساله سیئات او و والدینش را عفو نماید و هرکس داخل مقبره شود
و بگوید اللهم رب هذه الارواح الفانیة والاجساد البالیة والعظام النخرة التی خرجت من الدنیا
وهی بک مومنة ادخل علیهم روحا منک وسلاما منی بعدد هرکس از زمان آدم تا روز قیامت برایش حسنات نویسند
و هرکس در مقبره مسلمین یک آیه از قرآن بخواند خدای تعالی ثواب هفتاد نبی باو عطا فرماید و هرکس برای اموات از خدا طلب رحمت
کند از آتش نجات یابد و خندان داخل بهشت شود و اگر در مقبره سوره یس بخواند بعدد اهل آن مقبره برایش حسنات نویسند و عذاب
از آن مقبره تخفیف دهند و اگر آیة الکرسی بخواند و ثوابش را باهل قبور هدیه کند بعدد هر حرف از آن ملکی برای او تسبیح کند تا روز قیامت
و اگر یازده مرتبه قل هو الله بخواند و ثوابش را باهل مقبره هدیه کند بعدد ایشان ثواب و حسنات یابد و اگر دست بر قبری گذارد و هفت
مرتبه انا انزلناه بخواند از فزع اکبر ایمن باشد و او و صاحب قبر هر دو آمرزیده شوند و خدای تعالی ملکی را فرستد که در پیش آن قبر عبادت
کند و ثوابش برای صاحب قبر نوشته شود و چون از قبر بیرون آید بر هیچ خوف و هول نگذرد مگر آنکه خدای تعالی آنرا از و دفع کند
تا آنکه داخل بهشت شود مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود اگر کسی بر سر اخگر آتش بنشیند و جامه اش بسوزد تا آتش به بدنش
برسد دوستتر دارم که بر سر قبری نشیند اما بر سر قبور راه رفتن و پا گذاشتن قصوری ندارد مرویست که چون داخل مقبره شوید بر قبور پا
بگذارید که اگر صاحب قبر مومن باشد راحت یابد و اگر نه الم یابد اما ظاهر اینست که قبور اکابر و والدین و علما را رعایت ادب باید نمود

که حرمت مؤمن بعد از مردن مثل حرمت اوست در زندگی

خاتمه

در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه مرویست از حضرت صادق علیه السلام که فرمود
حضرت پیغمبر صلعم در شب معراج از جناب الهی سؤال نمود که خدایا کدام عمل در پیش تو افضل است فرمود یا احمد هیچ چیز پیش من افضل از توکل
در رضا و قسمت من نیست یا احمد واجب است محبت من جمعی را که در طاعت من با هم دوستی کنند و در معصیت من از هم دوری نمایند و در پیش
توکل کنند و محبت من علت و غایت و نهایت ندارد برای دوستان خود هر علم عزت و قرب که در پیش خود بلند کنم علمی باز آن در پیش خلق
پست کردام ایشان اند جمعی که حاجات خود را بمخلوقین برند بطونشان از حلال خفیف است و لذت و نعیمشان در دنیا ذکر و محبت و رضای من
یا احمد اگر خواهی اورع ناس باشی در دنیا زاهد و بآخرت راغب باش گفت خدایا در دنیا چون زاهد و بآخرت چون راغب باشم فرمود خود را
از طعام و شراب و لباس دنیا سبکبار دار و دل بجمع و ذخیره دنیا مدار و از ذکر و یاد من غافل مباش گفت دوام ذکر ترا چون کنم فرمود بخلوت
از ناس و بغض ترش و شیرین دنیا و فراغ شکم و خانه از مشاغل دنیا یا احمد بپرهیز از آنکه مانند اطفال هر سرخ و زرد که بینی میل کنی و هر ترش و شیرین که
بینی فریفته شوی گفت خدایا بعملی دلالت فرمای که بتو نزدیک شوم فرمود شب را بنماز بیدار دار و روز را بجوع بشب آر یا احمد بعزت
و جلال خودم که هیچ کس برای من ضامن چهار چیز نشود مگر آنکه اهل بهشتش گردانم زبانش را از بیفایده و دلش را از خیالهای باطل بربندد و بداند
که من او را می بینم و میدانم و روشنی چشمش بجوع باشد اگر لذت و حلاوت گرسنگی و خاموشی و خلوت و نتیجه آنرا دریابی هیچ بر آن اختیار نکنی
گفت نتیجه اینها چیست فرمود حکمت و معرفت و حفظ دل از خیالهای باطل و نزدیکی خدا و زهد در دنیا و حزن دایم و خفت مؤنت و کلام
حق یا احمد میدانی چه وقت بنده بمن نزدیک میشود گفت نه فرمود وقتی که گرسنه و یا در سجده باشد یا احمد عجب دارم از سه کس که در نماز
میداند که در پیش که ایستاده و باکه در مناجات است و یا اینکه خواب آلوده می باشد و کسی که قوت یکروزه دارد و فکر فردا میکند و کسی که نمیداند
که من از و راضیم یا نه و خنده میکند یا احمد در بهشت قصریست از لؤلؤ که هیچ مفصلی ندارد و خواص بندگان من در آن باشند هر روز هفتاد
مرتبه بایشان نظر کنم و تکلم نمایم در هر نظر ملک ایشانرا هفتاد برابر پادشاهی و قرب ایشانرا بیفزایم و وقتی که اهل جنت بطعام و شراب ملتذ و متنعم
باشند ایشان محو لذت ذکر و همزبانی من باشند گفت ایشان کیانند فرمود آنانند که زبان از فضول کلام و شکم از فضول طعام بسته اند
یا احمد محبت با خدا محبت با فقراست و نزدیکی با ایشان گفت فقرا کیانند فرمود آنانکه از دنیا بقلیلی راضی باشند و نعمت شکور و در شدت
صبور باشند و با کسی شکایت نکنند و دروغ نگویند و بدنیا فرحناک و بفقد آن غمناک نشوند یا احمد دوستی با من دوستی فقراست اگر خواهی
بمن نزدیک شوی ایشانرا بخود نزدیک کن و اگر خواهی از من دور باشی ایشانرا از خود دور گردان که ایشان دوستان منند یا احمد خود را
بلباسهای نازک و طعامهای لذیذ و بساطهای نرم میارای که نفس مأوای هر شر و رفیق هر سوء است اگر بطاعت میخوانی ترا بمعصیت
میخواند در طاعت مخالفت و در معصیت موافقت میکند اگر گرسنه شود شکوه کند و اگر سیر گردد و سرکشی از سر گیرد و اگر فقیر شود غضبناک
شود و اگر مستغنی شود متکبر شود و اگر از خواهش [illegible] گردد از خدا غافل شود نفس قرین شیطان است نفس شتر مرغیست بسیار میخورد و بار
بر نمیدارد مثل درختیست رنگش خوش آینده و طعمش تلخ است یا احمد دنیا و اهل دنیا را دشمن و آخرت و اهل آخرت دوست دار گفت خدایا
ایشان کیستند فرمود اهل دنیا کسی که غضب و خوردن و خنده و خفتنش بسیار باشد و بعقبت خود راضی نشود و چون با کسی بد کند

عذر

عذرخواهی نکند و چون کسی از و عذر خواهد قبول نکند در طاعت کاهل و ناتوان و در معصیت دلیر و توانا و املش طویل و
اجلش قریب محاسبه نفس خود نکند و نه بیند چه میکند قلیل العلم کثیر الکلام بر عاقبت خود نترسند و از حال خود نیندیشند در نعمت شکور و در
شدت صبور خود را بنا کرده بستایند و کمالی که ندارند دعوی کنند و عیوب ناس گویند یا احمد عیب اهل دنیا بسیار است اهل جهل و حماقت
و صاحب تکبر و ضلالت در پیش مردم عقلا و در پیش عارفین جهلا یا احمد اهل آخرت رویشان تنک و حیاشان بسیار حمق و مکرشان
قلیل و نفع و خیرشان کثیر مردم از ایشان در راحت و ایشان از خود در تعب و کلامشان سنجیده عقل و همیشه در محاسبه نفس چشمشان
در خواب و دلشان بیدار چشمشان گریان و دلشان بذکر خدا در کار وقتی که مردم را از غافلان نویسند ایشانرا از ذاکران نویسند و در اول
نوبت حمد شیوه و در آخر شکر پیشه دعاشان در پیش خدا مرفوع و کلامشان محبوب و مسموع و ملایکه بایشان خوشنود و مانع ذکر خدا
از ایشان مفقود علما را بملاطفت پیروی کنند و جهال را برحمت هدایت نمایند موت هر کس یکمرتبه باشد و ایشان از شدت مجاهده
نفس و مخالفت هوس روزی هفتاد مرتبه بمیرند از ضعف و ناتوانی بهر بادی بلرزند و در وقت عبادت چون ستون محکم بایستند
دلشان خالی از هر شغلی بغیر خدا بعزت و جلال خودم که چون روحش از بدن مفارقت کند بزندگی خوشی زنده اش گردانم و ملک الموت
را بر دستش نگذارم بلکه خود متولی قبض روحش شوم و درهای آسمانرا برای روحش بگشایم و حجابها را پیش خود و او بردارم و بهشت را
امر فرمایم تا زینت کنند و حور العین را تا مهیای تماشای شوند و ملایکه را تا بر ایشان صلوة فرستند و درختانرا تا ببار آیند
و میوه ها تا خود را بیارایند و بادی از بادهای زیر عرش را فرمایم که کوههای مشک و کافور برای او بجای آتش بخور کنند و در میان من
و آن روح هیچ پرده و مانعی نباشد و از روی ملاطفت و اکرام و رحمت و رضوان به پیش خود خوانم ای کاش می بینی که ملایکه چون
او را دست بدست میگردانند یا احمد اهل آخرت را طعام گوارا نباشد تا خدای خود را شناخته اند و از معصیت [illegible] نشوند
تا سیئات خود را دانسته اند و همیشه بر گناهان خود گریان باشند و از عبادت فرصت استراحت نیابند و ایشانرا در دنیا
راحتی نبود و چون بمیرند براحت رسند مونس ایشان اشک چشمان است که در شبها بر رویشان روان شود و همنشینان
ملایکه باشند و همزبانشان خدا بزرگشان دلشان در سینه از غایت حزن و الم مجروح همیشه مشتاق آخرت یا احمد میدانی که ایشان
در پیش من چه رتبه دارند گفت نه فرمود روز قیامت که خلایق همه گرفتار حساب باشند ایشان از آن ایمن باشند و کمترین عطیه
که بایشان عطا کنم اینست که کلیدهای بهشت همه را بایشان دهم تا از هر در که خواهند درون روند و ایشانرا در مقام خوشی
در پیش خود [illegible] و انواع لذت از مکالمه خود بایشان عطا کنم و چهار در بایشان بگشایم یکی آنکه هدیه و کرامت و عطایا از پیش
من بر ایشان داخل شود و یکی آنکه هر وقت که خواهند بی مشقت و تعب تماشای من کنند و یکی آنکه تماشای مخالفین و ظالمین
کنند در جهنم که چون بانواع عذاب معذب اند و یکی آنکه حور العین و خدام بر ایشان داخل شوند گفت خدایا این زاهدان کیانند
فرمود آنانکه دل نبسته اند بخانه که از خرابیش غمگین شوند و نه بعزیزی که از موتش محزون گردند و نه بمالی که از رفتنش مهموم شوند
و نه با کسی آشنا باشند که یکلحظه ایشانرا مانع شود از خدا و نه زیاده قوتی دارند که از ایشان سؤال کنند و نه بجامه نازک فاخری

تا نبندی یا احمد روی زاهدان زرد است از تعب عبادت شب و روزه روز و زبانشان کند است مگر در ذکر خدا و دلهایشان در سینه از
کثرت مخالفت آرزوها پاره پاره و بدنشان از کثرت مجاهده زار و نزار و در کمال سعی در عبادت بی آرام و بیقرار لیکن نه از شوق جنت
و نه از خوف نار بلکه چون شما را شناخته و اهل عبادت یافته بیقرار عبادت گشته اند گفت خدایا آیا از امت من کسی را این مرتبه عطا فرمود
فرمود یا احمد این درجه اولیا و صدیقین است از امت تو و غیر امت تو گفت خدایا زهاد کدام امت بیشتر اند فرمود زهاد بنی اسرائیل در میان
زهاد امت تو مثل یک موی سیاه است در گاو سفید حضرت پیغمبر صلعم فرمود و بعد از آن خدا را حمد و شکر بسیار نمودم و ایشان را دعا کرده
گفتم خدایا بر ایشان رحم کن و ایشان را و دین ایشان را که بر ایشان بآن راضی گشته حفظ کن و ایشان را ایمانی عطا نمای که بعد از آن
تلف نکنند و ورعی که بعد از آن بر بسیار عیب ننمایند و خوفی که بعد از آن غافل نشوند و علمی که بعد از آن جهل نداشته باشند و عقلی که
بعد از آن از حمق ایمن باشند و نزدیکی که بعد از آن دوری نه بینند و خشوعی که قساوت در عقبش نباشد و تذکری که نسیان در پی نبود و
عزتی که بعد از آن خواری نه بینند و صبری که بعد از آن جزع نکنند و حلمی که بعد از آن بشتاب نشوند و دلشان را حلو حیا گردان تا از تو همیشه حیا
کنند و حمایتشان را از آفات دنیا و آفات نفوس خود و وساوس شیطان پیدا گردان تا از فتنه آن ایمن باشند بعد از آن فرمود یا احمد زنهار از
ورع غافل مباش که اول و میان و آخر دین همه ورع است و ورع زینت مومن و عماد دین است و ورع مثل کشتی است چنانکه از دریا بی
کشتی نتوان گذشت همچنین زاهد بی ورع از دنیا نتواند نجات یافت یا احمد بورع همه درهای توفیق بر بنده گشوده شود و بورع در پیش
مردم مکرم و در پیش خدا عزیز و معظم گردد یا احمد خموشی پیشه کن که معمورترین دلها دل صالحان و خاموشانست و خرابترین دلها دل
بیهوده گویانست یا احمد عبادت ده جزو است نه جزوش طلب حلال است اگر طعم و شرب خود را از حرام پاک کنی در حفظ و پناه
من باشی گفت خدایا اول عبادت چیست فرمود اول عبادت روزه و خاموشی است یا احمد میدانی نتیجه روزه چیست گفت نه
فرمود کم خوری و کم گوئی و نتیجه خموشی حکمت و نتیجه حکمت معرفت و نتیجه معرفت یقین و چون بنده صاحب یقین شود پروا [illegible]
و سست دنیا نکشد و چون چنین شود از من و کرده من راضی باشد و چون برضای من عمل کند سه صفت باو عطا فرمایم شکری
که مخلوط بجهل نباشد و ذکری که مخلوط بنسیان نبود و محبتی که بر من غیر مرا اختیار نکند پس چون مرا دوست دارد من او را دوست
دارم و خلق را دوست او گردانم و چشم و دلش را بعظمت و جلال خودم گشایم پس علم خواص خود را از وی پوشیده ندارم و در شب و روز
همزبان و همراز او باشم تا آنکه صحبت و مجالستش از غیر من قطع شود و کلام و ملائکه خود باو بشنوانم و سر خود را که از خلق پنهان داشته ام
باو بشناسانم و لباس حیا در وی پوشانم تا خلق از وی حیا کنند و گناهانش را بیامرزم و دلش را خزینه اسرار خود کنم و پرده از احوال
بهشت و دوزخ و اهوال روز قیامت برای او بردارم تا همه را مشاهده کند و قبرش را منور گردانم و شدت موت و ظلمت قبر و لحد
و هول قیامت نه بیند و نصب میزان و دفتر دیوان برایش نکنم بعد از آن گاهی می افتد و گاهی برمیخیزد تا آنکه از صراط بگذرد و ملک
این بنده خود را بالاتر از ملک همه ملوک گردانم و بهشت و نعیم بهشت را برای او مهیا کنم و عقلش را مستغرق معرفت خود
گردانم و چون ملک الموت بر او نازل شود گوید خوشت باد که خدای عز و جل مشتاق لقای دوست خدا درهای آسمان که

اعمال

که اعمال تو از آن بالا میرفت و محراب و مصلای تو همه بر تو گریه میکنند و ملائکه بر سرش ایستاده باشند و هر یک جامی از کوثر و جامی
از شراب بهشت در دست چون روحش از بدن بیرون آید از آن آب و شراب باو دهند تا سکرات و تلخی موت زایل شود و فرحه
اش دهند پس از دست ملائکه پرواز کند و به پیش خدا رود و کمتر از چشم بر هم زدنی و میان او و خدا هیچ حجاب و مانعی نباشد پس
در جانب راست عرش بنشیند پس خدای تعالی ازو سوال کند که دنیا را چون گذاشتی گوید بعزت و جلال تو که از بس خوف از تو
داشتم از دنیا خبر نداشتم پس خدای تعالی فرماید راست میگوئی اگرچه بدنت در دنیا بود اما روحت همیشه با من بود و من از ظاهر و
۱۲۳
باطن ات خبر دارم هرچه خواهی سوال کن تا عطا نمایم در جوار من ساکن باش و در جنت من بخرام پس آن روح گوید که تو معرفت
خود مرا عطا فرمودی که بآن از همه چیز مستغنی شدم بعزت و جلال تو که اگر مرا ابد بند جدا میکردند یا هفتاد مرتبه میکشتند بسخت
ترین آنها کشتن که رضای تو پیش من از همه چیز بهتر بود و من چون بجود معذور باشم که هرچه دارم از تو دارم اگر تو مرا اکرام نمیکردی
ذلیل میبودم و اگر نصرت نمیدادی مغلوب میبودم و اگر تو تقویت نمیکردی ضعیف میبودم و اگر تو مرا [illegible] نمیکردی هیچ نمیبودم
و اگر تو مرا رحمت نمیپوشیدی [illegible] رتبه که مصیبت [illegible] رسوا گشتم چون رضای تو میخواهم که عقل مرا تمام کردی تا ترا شناختم و حق و باطل
دانستم و امر از نهی و علم از جهل و نور از ظلمت تمیز کردم پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که میان من و تو حجاب نباشد تا هر وقت خواهی
بپیش من آیی با دوستان خود چنین کنم یا احمد میدانی کدام زنده که او را [illegible] و کدام میت باقی است گفت خدایا نمیدانم فرمود آن
زنده کی که او را [illegible] که صاحب [illegible] از ذکر من باز مانده نشود و نعمت مرا فراموش نکند و از من غافل نگردد حق مرا شناسد و شب
و روز طالب رضای من باشد و اما میت باقی کسی دارد که طاعت من کند تا دنیا در نظر او ذلیل شود و آخرت عظیم گردد و خواهش
خود اختیار نکند و پیروی رضای من نماید و مرا چنانکه حق تعظیم من است تعظیم کند و بدانند که من از او غافل نیستم و شب و روز نظر او در نظر [illegible] باشد
تا از معصیت من گریزان باشد و دلش را از صفات ذمیمه و خیالهای باطل پاک کند تا شیطان و وساوس راه نیابد و شیطان را دشمن دارد و اطاعتش نکند
و چون [illegible] دلش را از محبت دنیا بر گیرم تا هیچ چیز را بر من اختیار نکند و هرچه کند و گوید برای من کند و چشم و گوش و دلش را بگشایم
بچشم دل جلال و عظمت مرا ببیند و بگوش دل اسرار را از من بشنود و دنیا را بر او تنگ گردانم و لذت دنیا را او دشمن بود از دنیا
و ما فیها او را بترسانم چنانکه شبان گله را از مهلکه و مواضع گرگ بترساند و چون چنین شود از مردم گریزان گردد و از دنیا خانه که
خانه شیطانست دل بر دارد و مشتاق آخرت که خانه رحمن است شود و [illegible] زنده کی که او را
و حیات باقی یا احمد کسی که عقل ندارد [illegible] نیست و کسی که جهل ندارد فقیر نیست یا احمد میدانی بچه چیز ترا افضل و برگزیده گردانم گفت
نمیدانم فرمود بیقین و حسن خلق و سخاوت و رحم بر خلق و همچنین مومنان که دنیا با ایشان محکم است با این صفات این رتبه یافته اند یا احمد میل
و دولت را برای من کن و بدنت را متواضع گردان تا هرگز از من غافل نشوی که هر کسی از من غافل شود او [illegible] و باکی ندارم هر جا که هلاک شود
یا احمد عقلت را پیش از آنکه از رفتن [illegible] فرما که هر کسی [illegible] انکار فرماید خطا نکند و عملی که ترا عطا کرده ام عمل بآن کن که علم اولین و آخرین
برای تو جمع شود و چون چنین کنی آنقدر معرفت در دلت اندازم که هیچ کس صفت آن نتواند و هر [illegible] چیز ترا [illegible] کنم و وقت عبادت [illegible]

دعبادت را در چشم و دولت شیرین کردانم تا هیچ چیز را از آن دوستر نداری یا احمد اگر خواهی حلاوت عبادت دریابی گرسنگی را پیشه کن
خود و خموشی را شیوه زبان و خوف را ملازم دل گردان اگر چنین کنی نجات یابی و گرنه هلاک شوی یا احمد بعزت و جلال خودم که اول
عبادت عابدین و توبه ایشان و تقرب ایشان بمن نیست مگر روزه و گرسنگی و خموشی و تنهایی از اهل دنیا و اول معصیت سیری و بیفایده گوی
و اختلاط اهل دنیا و اول معصیت سیری و بیفایده گوی و اختلاط اهل دنیا یا احمد چون گرسنگی و خموشی پیشه کند حکمت او را عطا کنم اگر چه کافر
باشد اما اگر کافر باشد آن حکمت بر وی حجت باشد و وبال شود و اگر مؤمن باشد نور و برهان و شفا و رحمت شود پس آنچه نمیدانست بداند
و آنچه نمیدید ببیند و اول آنچه ببیند عیوب خودش باشد تا بآن مشغول شود و از عیوب مردم فارغ گردد و در دقایق علم و حیلتهای شیطان
و حیلتهای نفس خودش بینا کنم تا نفس و شیطان را بر وی راهی نباشد یا احمد هیچ عبادت پیش من بهتر از گرسنگی و خموشی نیست پس کسی
که روزه گیرد و زبان از بیهوده نگاه ندارد مثل کسی است که بنماز ایستد و قراءت نکند یا احمد میدانی بنده چه وقت عابد باشد گفت نمیدانم
فرمود وقتی که هفت صفت در وی باشد ورعی که او را از حرام باز دارد و خموشی که از کلام بیفایده باز دارد و خوشی و خوفی که روز بروز گریه
اش زیاده شود و حیائی که در خلوتها از من حیا کند و کم خوری که بقدر ضرورت خورد و دنیا را دشمن دارد که آن را دشمن دارم و خوبان
را دوست دارد که من ایشان را دوست دارم یا احمد همین که کسی گوید من خدا دوست دارم مرا دوست دارد تا آنکه از دنیا بقوت و جامه سهل راضی
شود و عمر خود را در عبادت من راند و خموشی را پیشه کند و توکل بر من کند و گریه بسیار و خنده کم کند و مخالفت هوا و هوس کند و مسجد خانه اش
و علم مصاحبش و زهد همنشینش و علما دوستانش و فقرا رفقایش باشند و طالب رضای من باشد و از غضب من بگریزد و از اهل دنیا و از
معاصی گریزان باشد و خود را مشغول ذکر و تسبیح من دارد و در عهده صادق باشد و بعهد وفا کند و دلش از صفتهای رذیله و فکرهای باطل
پاک باشد و نمازش از شرک و ریا و قصور پاک باشد و در فرایض سعی تمام کند و راغب بثواب و هارب از عذاب من باشد و رفیق و همنشین
دوستان من باشد یا احمد اگر بنده مثل تمام اهل آسمان و زمین روزه گیرد مثل ایشان نماز کند و مثل ملایکه یکباره دست از طعام بکشد
و مثل عابدین لباسهای درشت ذلیل بپوشد و با این همه در دلش بقدر ذره حب دنیا یا حب ریاست یا نام یا آوازه یا زینت دنیا
باشد در جوار من راه نیابد و محبت خود را از دلش بردارم و دلش را تاریک کنم تا مرا فراموش کند و حلاوت محبت خود را نچشانم
و بر تو باد رحمت و سلام من و ایضا از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که خدای تعالی فرموده ای آدمی زاد تو انصاف نمی آری و شرم نمیداری
همیشه با تو بنعمت و رحمت و شفقت و دوستی و مهربانی میکنم و تو با من بذنوب و معاصی مخالفت و دشمنی میکنی همیشه خیر و رحمت
من بر تو نازل میشود و شر و مخالفت تو بمن می آید هر شب و روز فرشته کریم از تو عمل قبیح نزد من می آرد اگر تو وصف خود از
کسی بشنوی و ندانی که ترا میگوید هر آینه دشمن خود شوی مرا در وقت غضب یاد کن و هم از آنحضرت صلعم مرویست که منادی از پیش
عرش ندا کند که ای بنی آدم خدای تعالی شما را اسلام میرساند و میگوید من شما را مشتاق خود میکنم و شما مشتاق من نمیشوید و شما را از
خود میترسانم و شما نمی ترسید شبها را بخواب و روزها را بغفلت میگذرانید پس این راه دور و دراز را کی طی میکنید و هم آنحضرت صلعم
بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمود یا علی ترا وصیتی چند میکنم مادام که آن را محافظت کنی همیشه در خیر باشی یا علی بهترین جهاد آنست که چون

صبح

۱۲۴

صبح برخیزی ظلم کسی در خاطر نداشته باشی هر کس که مردم از زبانش ترسند از اهل دوزخ باشد بدترین مردم کیست که از ترس
شر و زبانش اکرامش کنند یا علی بدترین مردم کیست که آخرت را بدنیا بفروشد و بدتر از وی کسی که آخرت خود را بدنیای دیگری
بفروشد یا علی هر کس قبول عذر نکند خواه راست و خواه دروغ بشفاعت من نرسد یا علی بهشت حرامست بر هر فحاش هرزه
گو که از هر چه گوید و باو گویند پروا نکند یا علی مزاح بسیار مکن که قیمت برود و دروغ مگوی که نورت ببرد و زنهار ملالی و کاهلی
بخود راه مده که چون ملال یابی صبر بر حق نکنی و چون کاهل شوی ادای حق نتوانی یا علی هر گناه را توبه ایست مگر سوء خلق را که صاحب
خلق بد از هر گناه که بتوبه بیرون آید در گناه دیگر افتد بلکه توبه آن ترک آنست یا علی خدای تعالی بهشت را از خشتی طلا و
خشتی نقره آفریده و دیوارش را از یاقوت و سقفش را از زبرجد و ریگش را از لؤلؤ و خاکش را از زعفران و مشک اذفر دانیده
بعد از آن فرمود تکلم کن گفت لا اله الا الله الحی القیوم سعادتیافت هر کس که داخل من باشد فرمود بعزت و جلال من که داخل تو نشود
شراب خوار و سخن چین و دیوث و اعوان ظلمه و مخنث و نباش و عشار و قاطع رحم یا علی چند کس از این امت کافرند بخدا سخن
چینی و کسی که جستجوی اسرار مردم کند و دیوث و کسی که زن را بحرام یا زنی محرم را یا حیوانی را نکاح کند و کسی که در فتنه سعی کند
و کسی که سلاح جنگ باهل حرب مسلمین فروشد و مانع زکوة و مستطیع که حج نکرده بمیرد یا علی سه چیز از مکارم اخلاق است در دنیا
و آخرت عفو کردن از کسی که بر تو ظلم کند و صله کردن با کسی که از تو قطع کند و حلم ورزیدن از کسی که با تو بدخوئی کند یا علی نماز
چند کس قبول نشود بنده که از صاحبش بگریزد و زنی که شوهرش از او رنجاند و از و دوری کند و مانع زکوة یا علی هر کس شش صفت داشته باشد
حقیقت ایمان بر ایشان کامل بود و درهای آسمان و بهشت بر ایشان گشوده شود وضو را بآب بسازد و نماز را در وقت با حضور قلب گذارد
و زکوة مال دهد و غضب خود را حفظ کند و زبان نگاه دارد و گناهان استغفار کند و خیرخواهی اهل بیت طاهرین علیهم السلام کند یا علی مجالست
سه طایفه دل را میراند اغنیا و ارذال و زنان یا علی سه چیز از حقیقت ایمانست صدقه در وقت پریشانی و انصاف بحق و بذل علم بمتعلم
یا علی سه چیز است که هر کس نداشته باشد عملش تمام نبود ورعی که از معاصی نگاهش دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان بگرداند
یا علی دو سال راه برو برای بر والدین و یک سال برای صله رحم و یک میل برای عبادت مریض و دو میل بتشییع جنازه و سه میل باجابت
دعوت و چهار میل بزیارت مؤمن و پنج میل بمدد درمانده و شش میل بیاری مظلوم و در استغفار تقصیر مکن یا علی چون کسی بمیرد مردم
گویند چه گذاشت و ملایکه گویند چه آورد یا علی سه چیز مورث قساوت است شنیدن غنا و صید کردن بلهو و بدر خانه سلاطین رفتن یا علی
هر کس خلقش نیکوتر و حلمش زیادتر و بر و احسانش باقربا بهتر و انصافش بیشتر از همه کس بمن شبیه تر و هم آنحضرت صلعم با بوذر رحمه الله فرمود
یا اباذر وصیت مرا محافظت نمای تا در دنیا و آخرت نجات یابی خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی که اگر تو او را نه بینی او ترا می بیند
یا اباذر اهل بیت من کشتی نوح اند هر که بکشتی پناه برد نجات یابد و هر کس از ایشان باز ماند هلاک شود یا اباذر پنج چیز را پیش از
پنج چیز غنیمت دان جوانی پیش از پیری و صحت پیش از بیماری و غنی پیش از فقر و فرصت پیش از بیفرصتی و زندگی پیش از مرگ یا اباذر
چون کار خیری بخاطرت رسد تاخیر مکن که نمیدانی بعد از این چه شود اگر بعد از این باشی کار دیگر توان کرد و گرنه از این کار محروم باشی بسا کسی

که روز را بشب رساند و بفردا نرساند یا اباذر خود را از دنیا غریب شمار یا مثل مسافر انکار و از جملهٔ مردگان پندار چون صبح برخیزی در فکر
شام مباش و چون بشام رسی خیال صبح مدار یا اباذر عمر را غنیمت شمار و بر عمر بخیل تر از درم و دینار باشی یا اباذر حقوق خدا بیش از آنست که
توان دانست و نعمتهای او بیش از آنکه توان شمرد و غیر ازین چاره نیست که صبح و شام در استغفار و توبه باشی یا اباذر مؤمن از خطیئه گریزان
تر باشد که صید از دام یا اباذر آدمی گناه کند و باین سبب از روزی خود محروم شود یا اباذر کاری که نفع ندارد مکن و حرف که فایده ندارد مگوی
و زبان را بیش از آن حفظ کن که مال را حفظ میکنی یا اباذر جمعی در بهشت نگاه کنند و جمعی را در درجات بالاتر از خود ببینند گویند خدایا ما و ایشان
در دنیا باهم می بودیم چرا ایشان را بر ما تفضیل فرمودی فرماید هیهات ایشان گرسنه و تشنه می بودند و شما سیر و سیراب می بودید ایشان عبادت
میکردند و شما می خوابیدید ایشان مشقت میکشیدند و شما راحت میکردید یا اباذر چشم من بنماز روشن است چنانکه چشم گرسنه و تشنه بطعام
و آب گرسنه از طعام و آب سیر شوند و من از نماز سیر نشوم یا اباذر خوشا جمعی که روز قیامت علمهای شاهی فرشته به بهشت سبقت کنند ایشان آنند
که در صحرا و غیر آن بمساجد سبقت کنند یا اباذر دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است مؤمن در دنیا نباشد مگر محزون و چون محزون نباشد
هرگز از بلا فارغ نیست و چون از دنیا برود در راحت رسد یا اباذر هیچ عبادتی مثل آن نیست که همیشه محزون باشی اگر توانی گریه کن و اگر نتوانی
دل را غمگین دار و خود را بگریه دار که دل سخت از خدا دور است یا اباذر هرکس حسنه کند و تکیه بر آن کرده از معصیت ایمن شود و مستوجب غضب خدا
شود یا اباذر دانا کسیست که خود را بشفقت دارد و کار آخرت کند و نادان کسی است که پیرو هوا و هوس باشد و خود را آرزوها فریب دهد
یا اباذر دنیا و هرچه در دنیاست ملعونست مگر آنکه برای خدا باشد یا اباذر خدای تعالی با هر کسی اراده خیر دارد او را در دین دانا و در دنیا زاهد
گرداند و بعیوب نفس خود بینا کند یا اباذر چون کسی را ببینی که ترک دنیا کرده سخن او را بشنو که دلش از حکمت پر است یا اباذر من دعا کردم
که خدا رزق هر او دوستان مرا قدر کفاف کند و اعدای ما را مال بسیار دهد یا اباذر از خدا بترس و بپرهیز و بمردم منما که از خدا میترسی و دلت را خبر نباشد
یا اباذر در هر چیز نیتی داشته باش حتی خوردن و خوابیدن نیت رضای خدا بکن تا از آن ثواب یابی یا اباذر بهشت میخواهی آرزوی دنیا از دل بیرون
کن و همیشه متذکر مرگ باش و از خدا حیا کن گفت از خدا حیا میکنم فرمود حیا این نیست حیا اینست که مقابر مرگ را فراموش نکنی و در خوردن
و پوشیدن از حلال و حرام بی پروا نباشی هرکس کرامت آخرت خواهد ترک زینت دنیا کند چون چنین باشی از اهل دوستی خدا باشی یا اباذر
اگر یکی از زنان بهشت در شب تاریک نگاه بر زمین کند از نور طلعت او تمام روی زمین روشن تر از ماه شود در شب بدر و تمام اهل زمین
بوی عطر او بشنوند و اگر جامهٔ از جامهای بهشت را در دنیا بگشایند هیچکس تاب دیدنش نیارد و همه بیهوش بیفتند یا اباذر جوانی که
برای خدا ترک لذات و شهوات دنیا کند و جوانی را در طاعت بپیری رساند اجر هفتاد و دو صدیق داشته باشد یا اباذر کسی که چون
اذان نماز شنود اجابت کند مسجد را خوب عمارت کند ثواب ایشان بهشت باشد گفت عمارت مسجد کدامست فرمود آنکه در مسجد آواز بلند
نکنی و مشغول لهو و باطل و بیع و شری نشوی و اگر چنین کنی در قیامت حسرت و ندامت کشی یا اباذر تا در مسجد باشی بر تو صلوة فرستند
و بهر نفسی که کشی درجه بلند کنند و ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند یا اباذر کسی متقی نباشد تا در اکل و شرب و لباس تمیز حلال و حرام
ندهد و تا محاسبهٔ نفس خود نکند مثل کسی که با کمال دقت محاسبهٔ شریک و تحویلدار کند یا اباذر خدای تعالی فرمود بعزت و جلال خودم

که هیچ بنده رضای مرا بر رضای خود اختیار نکند مگر آنکه نفسش را غنی گردانم و قصد و فکرش را صرف آخرت کنم و آسمان و زمین را
ضامن رزقش گردانم و من برای او بجای تجارت هر تاجر باشم یا اباذر اگر آدمی از رزق خود بگریزد چنانکه مرگ میگریزد رزقش باو برسد چنانکه
مرگ باو میرسد یا اباذر خدای تعالی نظر بمال و جمال نکند بلکه نظر بدل و اعمال کند یا اباذر کسی که فرج و زبان را حفظ کند داخل بهشت شود
گفت مگر ما را بحرفی که گوییم مؤاخذه کنند فرمود مگر مردم را بسر از بر بدوزخ اندازند مگر حاصل زبان یا اباذر کسی که خواهد مردم در پیش او بر پا
ایستند جای خود را در آتش مهیا داند یا اباذر کسی بقدر ذره کبر در دلش باشد بوی بهشت نشنود تا توبه کند یا اباذر کسی که قادر باشد
اما برای تواضع خدا ترک زینت دنیا کند و خود را در پیش خدا ذلیل و حقیر گرداند و مال خود را در غیر معصیت صرف کند و بر فقرا و مسکین
ترحم نماید و با اهل علم و دانش مخالطت کند بهترین امت من باشد خوشا کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد و شر خود از مردم باز دارد
و بعلم خود عمل کند و هرچه زیاد از معونت عیال باشد در طاعت صرف کند و حرف بیفایده نگوید و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه روایت که فرمود عجب از کسی که بندگان از بر میخرد تا آزاد کند چرا آزاد را باحسان نمیخرد که بنده کند و عجب از کسی که امید رحمت از
بالاتر از خود دارد چون بر پایین تر از خود رحم نکند و عجب از کسی که از ترس مرض از طعام پرهیز کند چون از ترس عقاب از گناه پرهیز نکند و حضرت
امام جعفر بجمعی از شیعیان فرمود ای معاشر شیعه شما زینت ما باشید و ننگ ما نباشید با مردم خوب سلوک کنید و زبان خود نگاه دارید و از
فضول کلام و قبایح افعال احتراز نمائید و نیز آنحضرت به عبدالله بن جندب که از اصحاب آنحضرت بود فرمود یا عبدالله ابلیس دامهای
خود را برای اولیا درین دار غرور گسترده و حال آنکه آخرت در نظر ایشان چنان جلوه کرده که هیچ چیز را بر آن اختیار نکنند بعد از آن فرمود
آه آه بر دلهای که از نور الهی پر شده و دنیا در نظر ایشان مثل مار ارقم یا عدوی اعجم آمده بخدا انس گرفته و از اهل دنیا وحشت کرده ایشان
اولیای منند بحق و خدا بایشان رفع هر آفت و بلا از اهل دنیا نماید یا ابن جندب بر هر کس که ما را شناخته واجبست که هر روز و هر شب عمل
نفس خود کند اگر حسنه کرده خدا را شکر کند و طلب زیادی نماید و اگر سیئه کرده باشد استغفار کند و در صدد تلافی باشد تا روز
قیامت ذلیل نباشد و خوشا بنده که چشم بر نعمت اهل دنیا و زینت ظاهر ایشان ندوخته بر آن رشک نبرد و خوشا بنده که مشغول طلب
آخرت باشد و با آرزوهای باطل دنیا از راه نرود یا ابن جندب اگر شیعیان براه راست آیند و اطاعت ما کنند ملائکه با ایشان مصافحه
کنند و هیچ چیز از خدا طلب نکنند مگر که عطا فرماید یا ابن جندب برای گناهکاران شیعه بد مگوئید و بخدا برای توفیق و توبه ایشان تضرع
و استغاثه کنید که هر کس تولا بما کند و از اعدای ما تبرا نماید و اگر چیزی داند بگوید و آنچه نداند یا بر و مشکل باشد ساکت شود از اهل بهشت باشد
یا ابن جندب تکیه بر عمل مکنید که هلاک شوید و اعتماد بر رحمت نموده جرات بر گناه مکنید که نجات نیابید گفتم پس که نجات یابد فرمود کسی
که دلش در میان خوف و رجا مضطرب باشد و جای ثواب و خوف عقاب مثل کبوتر در چنگل باز و عقاب یا ابن جندب
هر کس خواهد که خدای تعالی با حور تزویجش کند و تاج نور بر سرش نهد ادخال سرور بمؤمنان نماید یا ابن جندب شب خواب کم کن و روز
حرف کم گو که هیچ عضو شکرش کمتر از چشم و زبان نیست مادر سلیمان بن داود به سلیمان گفت ای فرزند خواب کم کن که هر کس خواب بسیار
کند محتاج شود در روزی که هر کس محتاج عمل خود است یا ابن جندب شیطان را دو مهلت که مردم را بآن فریب دهد و گمراه کند از آنها پرهیز

و خود را در دوام میارید گفت یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله کدام است گفت یکی آنکه منع بر و احسان بمؤمنان کند دیگر آنکه از صلوات و فرایض غافل
گرداند هیچ عبادتی مثل نقل اقدام باحسان و بر اخوان و زیارت ایشان نیست وای بر جمعی که نمازها را فراموش کنند و در شان آن
مساهله نمایند تا از اوقات خود بگذرد و حدود و ارکانش ضایع شود دیگر با آیات و احکام خدا استهزا میکنند و از مواعظ و نصایح
او پروا ندارند ایشانند که خدا در قرآن فرموده که در آخرت نصیبی ندارند و با ایشان سخن نگویم و از سیئات پاک نگردانم و بعذاب
الیم معذب گردانم یا بن جندب هر کس با مؤمن غش ورزد و تحقیرش کند و با او عداوت نماید ماوایش جهنم باشد و هر کس بمؤمن
حسد برد ایمان در دلش چون نمک در آب بگذارد یا بن جندب هر کس برای حاجت مؤمن سعی کند چنانست که سعی میان صفا
و مروه کرده باشد و هر کس قضای حاجت مؤمن کند چنانست که در بدر و احد در خون خود غلطیده باشد خدای تعالی هیچ امتی را عذاب
نکرده مگر وقتی که بحقوق فقرا استهانت کرده اند یا بن جندب بشیعیان ما برسان و بگوی که خیالهای باطل میکند والله که ولایت
ما دست رس نیابد مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مؤمنان و شیوه ما نیست کسی که بمردم ظلم کند یا بن جندب شیعیان ما را
بچند صفت توان شناخت سخی و بذل با خوان و فرایض و نوافل شبانه روز شیعیان ما مثل زاری نکند و مثل کلاغ طامع نباشند
و با اعدای ما تملق و از ایشان سؤال نکنند اگرچه از گرسنگی بمیرند محافظت وقت زوال کنند و هرگز مسکر نیاشامند گفت ایشان
را بجا جویم فرمود در گوشها و کنارها چون داخل شهری شوی بی نام و نشان کناره گرد مردم از و کناره کرده که یابی او مؤمن باشد یا بن
جندب هر گناه آمرزیده شود مگر عقوق اهل ولایت ما و هر بری مقبول شود مگر آنکه بر سبیل ریاست و سروری کنند یا بن جندب اگر
خواهی در فردوس همسایه ابراهیم خلیل باشد باید مصیبات دنیا را بر خود آسان کنی و همیشه مرگ را در نظر داری و آنقدر بر دنیا بی
اعتماد باشی که برای فردا ذخیره نکنی و بدانکه از مال دنیا هرچه فرستی مال تو باشد و هرچه بگذاری بر آن حسرت بری یا بن جندب هر کس
خود را از مال خود محروم کند برای دیگران جمع کرده باشد و هر کس پیروی هوا کند اطاعت دشمن خود کرده باشد و هر کس اعتماد بر خدا کند
دنیا و آخرتش بسامان باشد در نعمت شکور و در مشقت صبور باش نعمت ترا موجب غفلت و بلیه موجب جزع نشود آنقدر
امید برحمت دار که بسبب اعتماد بر آن معصیت نکنی و آنقدر نیز خوف از عذاب دار که از رحمت نومید نشوی درشت و ناخوش
مباش که مردم از تو دوری کنند و حقیر و دنی مباش که ذلیل و خفیف شوی با پیش از خود بدی و خصومت و با کم از خود سخریه
و استهزا مکن و با مردم در کارها منازعه منمای و مطیع سفها مباش و خود را در پیش هر کس خفیف مگردان و در کارها تأمل کن
و خیر و شرش را تمیز نمای آماده آن در نمانی و پشیمان نشوی طبیب نفس خود باش و خیر و شر خود بشناس و اگر بکسی احسانی کنی بگرفت
ذکر و منت باطل مگردان بلکه بهتر از آن بآن ضم کن و خوش خوی پیشه کن که اگر عالمی زینت باشد و اگر جاهلی پرده عیب یا بن جندب
عیسی بن مریم با اصحاب خود گفت اگر شما یکدیگر را بینید که جامه از بعضی عورتش گشوده آیا همه را بکشایید یا گشوده را بپوشانید
گفتند همه را بپوشانیم فرمود نی بلکه همه را بگشایید عیوب یکدیگر می بینید و نمی پوشید تا ترک شهوات نکنید آنچه میخواهید نیابید همچنانکه جبر
بر مکاره نکنید آنچه میخواهید نرسید چشم از مردم و زینت ایشان بپوشید که حاصل آخرت و عاقبت آنها ندامت است مثل مالکان

نظر بعیوب مردم مکنید بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشید مردم دو قسمند مبتلی و معافی بر مبتلی رحم کنید و بر عافیت
شکر نمایید یا بن جندب چون تصدق دهی علانیه مده که مردم ترا مدح کنند که اگر چنین کنی باجر خود رسیده باشی بلکه
که بدست راست دهی باید دست چپ را خبر نباشد یا بن جندب خیر و شر همه در پیش تست تمام خیر در بهشت است و تمام
شر در دوزخ که هر دو باقیست یا بن جندب خدای تعالی در بعضی وحیها فرموده که نماز کسی را قبول کنم که در پیش عظمت
من تواضع کند و خود را برای من از شهوات باز دارد و روز خود را بیاد من گذراند و بر خلق من تکبر نکند و گرسنه را سیر کند
و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت رسیده رحم کند و غریب را بنوازد و کسی که چنین باشد نور رخش مثل آفتاب تابان باشد
در ظلمات روشنی دهم و در جهالت عقلش عطا کنم و بملایکه اش بسپارم و بعزت خود محافظتش کنم چون مرا طلبد لبیکش گویم
و چون سؤال کند عطا نمایم و چنین بنده در پیش من مثل فردوس است که میوه اش از آفات مصون و از تغییر محفوظ است
یا بن جندب روز قیامت میان اولیا و اعدای ما دیواری نصب کنند محفوف بحریر و زبرجد و مزین بدیبا و سندس
چون از طول موقف و حرارت قیامت مغزها بجوش آید و دلها بسر برآید و جگرها پخته شود اولیا را داخل این حصار
کنند و در امن و امان باشند و هرچه آرزو کنند برایشان مهیا باشد و اعدا بعقوبت عظیم و عذاب الیم گرفتار باشند
و از روی حسرت گویند کجایند آنانکه ما ایشان را گمراه میدانستیم و اولیا بر ایشان نگرند و بر حالشان خنده کنند هر کس یکی
از اولیای ما را بکلمه اعانت در آن روز بحساب به بهشت رود یا رب ز قناعتم توانگر گردان و ز نور خودت دل منور گردان
کار منی بیچاره بسر گرداز پی هر مخلوق مخیر گردان تمت الکتاب بعون الملک الوهاب
تحریر فی ۲۵ شهر رجب المرجب من شهور سنه عشرون و ... و مائه
بعد الف من هجرة النبویه ص الحمد لله رب العالمین
اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً
کتبه العبد الاقل ...

